

اسنادی از

احزاب سیاسی در ایران

(حزب ایران - حزب سعادت ملی ایران)



معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی
دفتر رییس جمهور

Documents on

Iran Political Parties

(Iran party-Sa'adat-e Melli-ye Iran party)

اندیشه‌ها و افکار ناسیونالیستی و سوسیالیستی از زمان ورود و نفوذشان در جامعه ایران، خاستگاه بسیاری از تحولات سیاسی و فکری و زمینه‌ساز شکل‌گیری گروه‌ها، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی شدند.

دو حزب ایران و سعادت ملی ایران که اولی در سال‌های نخستین دهه بیست و دومی در آغاز دهه سی تشکیل شد، در شمار احزابی بودند که تحت تأثیر این افکار و اندیشه‌ها سربرآوردند و با پای‌بندی به نظام مشروطه سلطنتی به فعالیت پرداختند. اسنادی که در این مجموعه گردآمده است، به گوشه‌هایی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این دو حزب در این دوره می‌پردازد.

۲۶۰۰۰ ریال



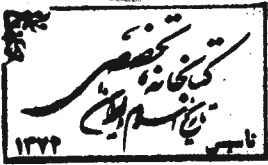
سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

WWW.PPOIR.COM

ISBN 964 - 422 - 220 - 2

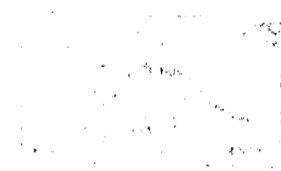


9 789644 222207



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

تاریخ



اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (حزب ایران - حزب سعادت ملی ایران) / تهیه و تنظیم معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور؛ شورای نظارت میرحسین موسوی، هادی خانیکی و احمد مسجد جامعی؛ شورای علمی یعقوب آژند... [و دیگران]؛ به کوشش روح‌الله بهرامی - تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

[۴]، بیست و هشت، ۳۶۸، [۲] ص - (سیاست؛ ۵)

ISBN 964 - 422 - 220 - 2

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Documents on Iran Political Parties (Iran party-Sa'adat-emelli Iran party)

پشت جلد به انگلیسی:

۱. حزب ایران - اسناد و مدارک. ۲. حزب سعادت ملی ایران - اسناد و مدارک. ۳. حزب‌های سیاسی - ایران - اسناد و مدارک. ۴. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷ - اسناد و مدارک. الف. موسوی، میرحسین، ۱۳۲۰ - ب. خانیکی، هادی، ج. مسجدجامعی، احمد. د. آژند، یعقوب، ۱۳۲۸ - ه. بهرامی، روح‌الله. و. ایران، ریاست جمهوری؛ دفتر رئیس‌جمهور. معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی. ز. عنوان: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ سازمان چاپ و انتشارات.

۹۵۵/۰۸۲۴۰۷۲۷

DSR ۱۵۰۴ / ۵ / ۵۴

۱۳۸۰

م ۸۰ - ۲۱۰۳۵

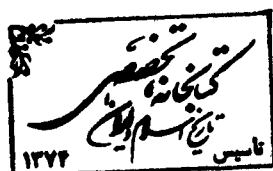
کتابخانه ملی ایران

سیاست (۵)

اسنادی از

احزاب سیاسی در ایران

(حزب ایران - حزب سعادت ملی ایران)



معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور

تهران ۱۳۸۰



سازمان چاپ و انتشارات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (حزب ایران - حزب سعادت ملی ایران)

تهیه و تنظیم: معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور

شورای نظارت: مهندس میرحسین موسوی، دکتر هادی خانیکی

و احمد مسجدجامعی

شورای علمی: دکتر یعقوب آژند، دکتر سیده‌هاشم آقاجری

دکتر عطاءالله حسینی، دکتر عبدالرسول خیراندیش

و دکتر غلامحسین زرگری نژاد

به کوشش: روح‌الله بهرامی

نمایه: ایرج محمّدی

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: مزگان زرّین صدف

حروف به کار رفته در کتاب: بدر، تایمز

طرح جلد: لاله سلطان محمّدی

ناظرچاپ: علی خالدی

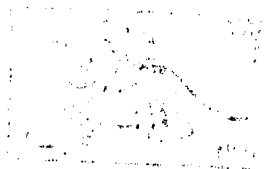
لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

چاپ اول: زمستان ۱۳۸۰

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

© تمام حقوق محفوظ است.



♦ چاپخانه: کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - تهران ۱۳۹۷۸

♦ تلفن: ۰۲-۰۲۰۴۵۱۳۰۴۵۱۳۰۲۰۵ نامبر: ۴۵۱۳۴۲۵ ♦ انتشارات: ۴۵۲۵۴۹۵

♦ توزیع: خیابان فردوسی - خیابان شهید تقوی (کوشک) - شماره ۹۱ ♦ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱ ♦ نامبر: ۶۷۱۳۳۷۳

♦ فروشگاه شماره یک: خیابان امام خمینی - نیش خیابان شهید میردامادی (استخر) ♦ تلفن: ۶۷۰۲۶۰۶

♦ فروشگاه شماره دو: نشر زلال - خیابان انقلاب - خیابان ۱۶ آذر ♦ تلفن: ۶۴۱۹۷۷۸

♦ فروشگاه شماره سه: خیابان فردوسی - خیابان شهید تقوی (کوشک) - شماره ۹۱ ♦ تلفن: ۶۷۱۳۲۶۱

شمارک ۲ - ۲۲۰ - ۲۲۲ - ۹۶۴

ISBN 964 - 422 - 220 - 2

WWW.PPOIR.COM

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
سه	پیشگفتار.....
پنج	مقدمه
نه	راهنمای اسناد.....
۱	اسناد
۴۰۵	تصویر نمونه اسناد.....
۴۱۷	نمایه

پیشگفتار

برای کمک به توسعه پژوهش‌های تاریخی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انتشار اسناد اهمیت شایان توجهی دارد. این امر علاوه بر این که به تحلیل دقیق حوادث و رخداد‌های تاریخی کمک می‌کند، بیانگر عملکرد و نظر نهادها و سازمان‌های دولتی و افراد مسئول و ناظر بر واقعه مورد نظر و یا حاضر در متن رویداد است و امکان دسترسی به گزارش‌های خام و به دور از پیش‌داوری را فراهم می‌سازد.

دسترسی پژوهشگران و محققان به این‌گونه اطلاعات می‌تواند به نقد نظریه‌هایی که در منابع مختلف تاریخی ارائه شده کمک نماید و گامی در راستای تحلیل واقع‌گرا و تعقلی در حوزه پژوهش‌های تاریخی باشد.

مرکز اسناد ریاست جمهوری با درک چنین ضرورتی و با عنایت به حجم عظیم اسنادی که از دوره پهلوی در اختیار دارد، درصدد است با انتشار اسناد در موضوعات مختلف امکان دسترسی محققان به این اطلاعات ذی‌قیمت را فراهم سازد و منابعی مستند و دست اول در اختیار اهل تحقیق قرار دهد.

کتاب حاضر که مشتمل بر اسناد دو حزب ایران و سعادت ملی ایران است دومین مجموعه از اسناد احزاب سیاسی می‌باشد که پیش از این جلد اول آن، تحت عنوان «اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۲۰ ه.ش)» تقدیم علاقمندان شد. اسناد این مجموعه نیز مربوط

به دوره پس از شهریور ۱۳۲۰ تا پایان دهه ۴۰ است؛ دورانی که بدلیل وجود آزادی‌های نسبی، احزاب، جمعیت‌ها و سازمان‌های فعال سیاسی در عرصه سیاست کشور ظاهر شدند. امید است این کتاب که پانزدهمین مجموعه و بیست و یکمین جلد از انتشارات مرکز اسناد ریاست جمهوری است مورد استفاده محققان و پژوهشگران قرار گیرد و اهل نظر کاستی‌های آن را متذکر شوند.

در پایان از آقای روح‌الله بهرامی که تهیه و تنظیم این مجموعه را برعهده داشته‌اند و همچنین آقایان عیسی عبدی و حجت‌الله فلاح توتکار که با ایشان همکاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌شود.

و من الله التوفیق

محمد کشاورز

معاون خدمات مدیریت و اطلاع رسانی

مقدمه

اندیشه‌ها و افکار ناسیونالیستی و سوسیالیستی از زمان ورود و نفوذشان در جامعه ایران منشاء بسیاری از تحولات سیاسی و فکری و زمینه‌ساز شکل‌گیری گروه‌ها، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مختلفی شدند.

دو حزب ایران و سعادت ملی ایران که اولی از سالهای نخستین دهه بیست و دومی در آغاز دهه سی تشکیل شد از جمله احزابی بودند که تحت تأثیر این افکار و اندیشه‌ها قرار گرفتند و با پایبندی به نظام مشروطه سلطنتی به فعالیت پرداختند. اسنادی که در این مجموعه تدوین یافته است به گوشه‌هایی از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی این دو حزب می‌پردازد.

اعضای اصلی حزب ایران عمدتاً از شخصیت‌های ملی‌گرا بودند که در ابتدا، کانون مهندسين را به منظور رفع دغدغه‌های صنفی و حرفه‌ای به وجود آوردند و پس از مدتی فعالیت به دلیل گرایش‌ات سیاسی و فراهم آمدن فضا و بستر سیاسی مناسب پس از شهریور ۱۳۲۰ اقدام به تأسیس این حزب نمودند. اعضای اصلی حزب تعدادی از تحصیل‌کردگان دانشگاهی و مهندسين بودند که برجسته‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: مهندس احمد حامی، مهندس غلامعلی فریور، مهندس کاظم حسینی، دکتر عبدالله معظمی، مهندس عباس گزیده‌پور، مهندس احمد زیرک‌زاده، مرتضی مصور رحمانی، دکتر صفی اصفیا، محسن خواجه‌نوری و جهانگیر حق‌شناس؛ بعدها اللهیار صالح، کریم سنجابی و ابوالفضل قاسمی نیز به آن پیوستند. این حزب

از نخستین سال‌های دهه بیست تا چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی به صورت علنی و پنهان به حیات خود ادامه داد و نقش مهمی در تحولات تاریخ ایران و آرایش نیروهای سیاسی به ویژه تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازی کرد.

تأسیس کانون مهندسين ايران و ائتلاف با حزب دموکرات قوام و ساير احزاب در جریان بحران آذربایجان، ائتلاف با حزب میهن به رهبری کریم سنجابی، همراهی و همصدایی با نهضت ملی شدن صنعت نفت، تشکیل ائتلاف جبهه ملی همراه با چند سازمان و حزب سیاسی دیگر، همراهی با دولت دکتر مصدق و ایفای نقش در تحولات پس از کودتای ۲۸ مرداد در نهضت مقاومت ملی، جبهه ملی دوم و سوم و اتخاذ مواضع خاص در این تحولات و بسیاری دیگر از جریان‌های تاریخی، مختصری از کارنامه فعالیت سیاسی حزب ایران است.

شعار اصلی این حزب «برای ایرانی، با فکر ایرانی و با دست ایرانی» بود که اساس تفکر حزب را نمایان می‌ساخت.

اسناد این مجموعه بیشتر گزارش فعالیت‌های سیاسی، اداری و صنفی حزب ایران را بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۴۰ دربر می‌گیرد که بخشی از آن مربوط به دوره قبل از کودتای ۲۸ مرداد بوده و عمدتاً بیانی‌های حزبی، شکوایه‌ها، تبلیغات انتخاباتی و سخنرانی‌ها و جلسات حزبی را شامل می‌شود. بخشی دیگر از اسناد به دوره پس از کودتای ۲۸ مرداد مربوط می‌شود که اغلب به نفوذ و دست‌بندی‌های حزب مذکور در ادارات، نهادها و مؤسسات دولتی و برخی دستورات مقامات سیاسی و امنیتی در زمینه جلوگیری از نفوذ فعالان و هواداران حزب ایران می‌پردازد.

حزب سعادت ملی ایران با مرام ناسیونالیستی و پابندی جدی به نظام مشروطه سلطنتی فعالیت خود را آغاز کرد و در عین حال که شعار «خدا، شاه، میهن» را سرلوحه اندیشه حزبی خویش قرار داده بود، تمایلات سوسیالیستی نیز از خود بروز می‌داد و با شعارهای مردم‌پسند که با موقعیت تاریخی آن زمان متناسب بود به نفع دهقانان و کارگران فعالیت‌هایی انجام می‌داد. مرکزیت فعالیت حزب مذکور در غرب کشور، بویژه در کردستان و کرمانشاهان بود و رهبری آن را شخصیت‌هایی چون حبیب‌الله محیط، سیدمجید سجادی و بهاء‌الدین سجادی در دست داشتند. حزب مذکور در دوره نخست‌وزیری دکتر مصدق ضمن حمایت از دولت ملی برای اصلاحات ارضی و بهبود و ازدیاد میزان سهم رعایا و کشاورزان فعالیت‌های گسترده‌ای

در کردستان و کرمانشاه انجام داد و بخاطر همین اقدامات به شدت مورد تنفر ملاکین و متنفذین و مقامات محلی قرار گرفت. این اقدامات زمینه‌ساز حذف این حزب از صحنه رقابت‌های سیاسی و محلی شد، لذا پس از کودتای ۲۸ مرداد حبیب‌الله محیط و سایر افراد حزب تحت تعقیب قرار گرفتند. حبیب‌الله محیط یزدی پس از ضرب و شتم بوسیله ملاکین و متنفذین و با اعمال نفوذ کسانی چون رضاعلی دیوان بیگی سناتور و آیت‌الله مردوخ کردستانی و خاندان آصف و سنندجی به اتهام فعالیت علیه نظام سلطنت و حمایت از دولت دکتر مصدق و تبلیغ مرام کمونیستی به تبعید از کردستان و سکونت در تهران محکوم شد. به این ترتیب، حزب سعادت ملی پس از کودتای ۲۸ مرداد تعطیل شد و تلاش حبیب‌الله محیط برای تبرئه خود و ادامه فعالیت سیاسی به نتیجه نرسید.

اسناد و مدارک حزب سعادت ملی که در این مجموعه گردآوری شده به فعالیت‌های سیاسی حزب مذکور در دوره دولت ملی دکتر مصدق و بعد از آن مربوط می‌شود. بخش اول اسناد فعالیت سیاسی-اجتماعی حزب در منطقه کردستان و کرمانشاه، تبلیغات حزبی، اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های حزبی و شکایات ملاکین و متنفذین از فعالیت حزب در میان دهقانان و کشاورزان و اعلام نارضایتی از این گونه فعالیت‌ها را دربر دارد. بخش دوم اسناد که مربوط به دوره پس از کودتا است به مسأله توقف فعالیت‌های حزب سعادت ملی ایران، تعقیب و تبعید رهبران و اعضای حزب و شکایت افراد محلی و دستورات مقامات سیاسی و قضایی درباره عملکرد این حزب اشاره می‌کند که عمدتاً تا اواخر دهه ۱۳۳۰ را دربر می‌گیرد.

در تصحیح و تدوین این مجموعه، اسناد هر کدام از دو حزب ایران و سعادت ملی از آرشیو نخست‌وزیری قبل از انقلاب گردآوری و براساس ترتیب تاریخی و موضوعی منظم شده و پس از شماره‌گذاری اسناد، براساس شیوه نامه تصحیح و تدوین اسناد ریاست جمهوری آماده شده است. در شیوه نگارش تا جایی که به متن اسناد و سندیت آنها خدشه‌ای وارد نشود رسم الخط معمول و متداول امروز را رعایت کرده‌ایم به ویژه در زمینه جدانویسی کلمات حتی المقدور به قواعد پذیرفته شده پایبند بوده‌ایم.

راهنمای اسناد

شماره سند	موضوع	صفحه
۱.	مکاتبه هادی انصاری با نخست وزیر (احمد قوام) در مورد نفوذ حزب ایران در بانک صنعتی و معدنی ایران و توزیع سهم قماش بازرگانان در بین اعضای حزب	۳
۲.	بیانیه حزب ایران در دفاع از دمکراسی، استقلال و آزادی	۱۱
۳.	مکاتبه دبیر کمیته مرکزی حزب ایران درباره بازداشت ابوالفضل قاسمی (دبیر حزب ایران شعبه درگز) به دستور فرمانداری مشهد و درخواست آزادی ایشان	۱۶
۴.	گزارش‌های شهربانی گیلان در مورد سخنرانی محمدرسول سلامت‌بخش (عضو حزب ایران) در مورد الغای امتیاز بانک شاهنشاهی و انتقاد از دولت به دلیل طرح مسأله استقراض از آمریکا	۱۸

۵. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری راجع به جلسه سخنرانی اعضای حزب ایران درباره سوءقصد به شاه، امتیاز نفت داری و ادامه فعالیت‌های بانک شاهنشاهی در ایران ۲۱
۶. مکاتبه استانداری گیلان با نخست‌وزیری در مورد احضار و تبعید سیداسماعیل فرجاد (از اعضای حزب ایران) به اتهام تشویش اذهان عمومی ۲۳
۷. مکاتبه حسین نوری‌زاده با نخست‌وزیری در خصوص شکایت از مدیر رستوران شهرداری و کمیته مرکزی حزب ایران به علت عدم پرداخت درآمد حاصله از گاردن پارتنی به شیرخوارگاه تهران ۲۶
۸. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری در مورد برگزاری سخنرانی هفتگی حزب ایران در رشت راجع به ملی شدن نفت و عملیات شرکت نفت در جنوب کشور ۳۱
۹. مکاتبه شهرداری کل کشور با نخست‌وزیری در مورد فعالیت‌های احمد زیرک‌زاده و برادرش (از اعضای حزب ایران) در کاشان ۳۴
۱۰. مکاتبه شهرداری کل کشور با نخست‌وزیری در مورد گزارش شهرداری گیلان از سخنرانی هفتگی حزب ایران راجع به سیاست خارجی و ملی شدن نفت ۳۶
۱۱. مکاتبه وزارت امور خارجه با نخست‌وزیری در مورد پخش ترجمه نطق دکتر مصدق راجع به ملی شدن نفت در رسانه‌های خارج از کشور با همکاری حزب ایران و بازتاب مثبت آن ۳۸
۱۲. گزارش شهرداری کل کشور در مورد اقدامات به عمل آمده از سوی اعضای حزب ایران برای تأسیس شعبه حزب مذکور در آبادان ۳۹

۱۳. بیانیه حزب ایران (شعبه مشهد) و انجمن‌ها و کانون‌های اسلامی مشهد در حمایت از دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی ۴۰
۱۴. مکاتبه دبیرکل حزب ایران (مهندس احمد زیرک‌زاده) با وزیر کشور در مورد اقدامات تهدیدآمیز محمود صارم در درگز برای وادار ساختن مردم به هواداری از خود در جریان انتخابات ۴۱
۱۵. تلگراف‌های اعضای حزب ایران (شعبه گیلان) به نخست‌وزیر (محمد مصدق) راجع به تعیین فرماندار جدید برای رفع بلا تکلیفی انتخابات آن‌جا و جلوگیری از دخالت مأمورین دولتی ۴۳
۱۶. مکاتبه استانداری استان هفتم با نخست‌وزیری در مورد درگیری بین حزب ایران و هواداران حزب برادران در شیراز ۴۵
۱۷. درخواست جمعیت‌های مؤتلف اسلامی، کلوب مصدق، اتحادیه جوانان سادات حسینی و حزب ایران از نخست‌وزیری و مجلس شورای ملی برای ابطال انتخابات مشهد ۴۹
۱۸. مکاتبات رئیس شهربانی کل کشور (محمدصادق کویال) با نخست‌وزیری در مورد اقدامات اعضای حزب ایران شیراز در حمایت از دکتر مصدق ۵۰
۱۹. مکاتبه رئیس شهربانی کل کشور با نخست‌وزیری در مورد ارسال بیانیه سازمان جوانان حزب ایران در حمایت از دکتر مصدق، به انضمام بیانیه مذکور ۵۳
۲۰. مکاتبات شهربانی کل کشور با نخست‌وزیری در مورد اقدامات شهربانی در جلوگیری از برگزاری میتینگ هواداران احزاب ایران، زحمتکشان و اتحادیه مسلمین رشت ۵۵

۲۱. مکاتبه وزارت جنگ با نخست‌وزیری در مورد جریان درگیری بین حزب ایران و حزب برادران در شیراز ۵۸
۲۲. تلگراف عده‌ای از اهالی درگز به نخست‌وزیری در اعتراض به تبعید برخی از کارمندان اداری وابسته به حزب ایران به وسیله مأمورین دولت ۵۹
۲۳. تلگراف دکتر میردامادی به نخست‌وزیری در اعتراض به رأی شورای امنیت خراسان در مورد تبعید برخی از اعضای فعال و قدیمی حزب ایران درگز ۶۰
۲۴. تلگراف جمعی از اعضای حزب ایران درگز به نخست‌وزیر (محمد مصدق) در اعتراض به انتقال و تبعید برخی از اعضای حزب ایران آن شهرستان ۶۱
۲۵. نامه دبیر موقت حزب ایران (شعبه بندر پهلوی) به محمد مصدق در تجلیل از سیاست‌های میهن‌پرستانه و اصلاحی دولت وی، به انضمام پاسخ نخست‌وزیر... ۶۲
۲۶. مکاتبه آقای قضایی با کریم سنجابی (نماینده مجلس شورای ملی) درباره علت تبعید کارکنان اداری وابسته به حزب ایران در شهرستان درگز ۶۴
۲۷. شکوائیه اهالی لطف‌آباد به نخست‌وزیر (محمد مصدق) درباره فعالیت غیرقانونی اعضای سابق حزب توده در آن منطقه در زیر پوشش حزب ایران ۶۵
۲۸. مکاتبه استانداری گیلان با وزارت کشور در مورد فعالیت‌های احزاب ایران و زحمتکشان در آن منطقه ۶۶
۲۹. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت دفاع ملی راجع به رسیدگی به شکایت دبیرکل حزب ایران (مهندس زیرک‌زاده) در مورد تضییق حقوق اعضای حزب ایران در درگز ... ۶۸

۳۰. مکاتبات هنگ ژاندارمری گیلان با وزارت کشور درمورد فعالیت‌های حزب ایران در آن منطقه ۷۲
۳۱. تلگراف ابوالفضل قاسمی به دکتر کریم سنجابی درمورد تکذیب وابستگی اعضای تبعیدی حزب ایران به احزاب دیگر ۷۴
۳۲. تلگراف دبیر کمیته حزب ایران در مشهد با کریم سنجابی راجع به نظر آقای قضایی درمورد لغو حکم تبعید اعضای حزب ایران در صورت موافقت وزارت کشور ۷۵
۳۳. تلگراف عده‌ای از اهالی درگز به نخست‌وزیری در اعتراض به اقدامات مسنن‌زاده فرماندار درگز نسبت به تبعید عده‌ای از جوانان حزب ایران ۷۶
۳۴. تلگراف ابوالفضل قاسمی (عضو حزب ایران شعبه درگز) به نخست‌وزیر (محمد مصدق) درباره برگزاری مراسم تجلیل از شهدای سی تیر و درخواست احضار فرماندار درگز ۷۷
۳۵. تلگراف عده‌ای از رؤسای ادارات شهرستان درگز به نخست‌وزیری در شکایت از ابوالفضل قاسمی (از اعضای برجسته حزب ایران درگز) ۷۸
۳۶. تلگراف کمیته حزب ایران (شعبه مشهد) به نخست‌وزیری در اعتراض به اقدام فرماندار درگز مبنی بر تبعید اعضای حزب ایران درگز به اتهام داشتن تمایلات کمونیستی .. ۸۵
۳۷. مکاتبه نخست‌وزیر (محمد مصدق) با استانداری استان نهم درمورد رسیدگی به شکایت اعضای حزب ایران در اعتراض به تصمیم شورای امنیت درگز ۸۶
۳۸. مکاتبه مسنن‌زاده (فرماندار درگز) با قضایی (استاندار استان نهم) درباره اوضاع

- سیاسی درگز و نقش عمال حزب توده و حزب ایران در دسته‌بندی‌های سیاسی آن
شهرستان ۸۷
۳۹. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری راجع به گزارش‌های فرماندار درگز درباره
اقدامات ابوالفضل قاسمی و اعضای حزب ایران در آن شهرستان ۸۹
۴۰. مکاتبه وزارت دارایی با نخست‌وزیری در مورد تلگراف پیشکار دارایی درگز در
شکایت از اقدامات ابوالفضل قاسمی و اعضای حزب ایران درگز ۹۲
۴۱. مکاتبه وزارت دارایی با نخست‌وزیری درباره اختلافات حزب ایران (شعبه خراسان)
با نعمی، پیشکار دارایی آن منطقه و تلگرافات واصله به دارایی در این زمینه ۹۵
۴۲. تلگراف حزب ایران درگز به نخست‌وزیری در مورد اجرای حکم شورای امنیت
راجع به انتظار خدمت کارمندان دارایی منتسب به حزب ایران ۹۸
۴۳. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری در مورد طومار ارسالی از مشهد به امضای
اعضای حزب ایران و اهالی آنجا درباره جلوگیری از مراجعت سیدجلال‌الدین تهرانی
به مشهد ۹۹
۴۴. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت دارایی در مورد نامه دبیرکل حزب ایران (مهندس
احمد زیرک‌زاده) راجع به نارضایتی از عملکرد پیشکار دارایی خراسان و اقدامات
غیرقانونی وی نسبت به اعضای حزب ایران ۱۰۰
۴۵. مکاتبه نخست‌وزیری با مهندس زیرک‌زاده (نماینده مجلس و دبیرکل حزب ایران)
راجع به گزارش استانداری گیلان و مازندران درباره اقدامات اعضای حزب ایران در
میان زارعین منطقه خشک‌بیجار رشت ۱۰۲

۴۶. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت کشور در مورد پیشنهاد استانداری خراسان راجع به بررسی و تجدید نظر در تصمیم شورای امنیت درگز درباره اعضای حزب ایران . ۱۰۶
۴۷. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت کشور در مورد نامه وزارت دارایی مبنی بر دخالت‌های دکتر میردامادی و اعضای حزب ایران در امور اداری و تحریک مردم علیه مسئولین دارایی خراسان ۱۰۸
۴۸. مکاتبه سازمان مبارزه با فساد با نخست‌وزیری در مورد نقش حزب ایران و برخی از رجال سیاسی در توسعه فساد اداری، رشوه خواری و ایجاد قحطی در کشور .. ۱۱۲
۴۹. مکاتبه دبیرکل حزب ایران (احمد زیرک‌زاده) با نخست‌وزیری راجع به تقاضای اهالی قریه قلات فارس برای بهبود وضع کشاورزان ۱۱۴
۵۰. مکاتبه دبیرکل حزب ایران (احمد زیرک‌زاده) با نخست‌وزیری در رد گزارش‌های هنگ ژاندارمری گیلان علیه حزب ایران..... ۱۱۵
۵۱. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری در مورد تلگراف فرمانداری درگز راجع به اجتماع معاریف و معتمدان منطقه در اعتراض به اقدامات اعضای حزب ایران .. ۱۱۷
۵۲. مکاتبه کمیته مرکزی حزب ایران با نخست‌وزیری راجع به پیشنهاد یکی از اعضای آن حزب درباره برجیده شدن بساط بانک شاهنشاهی در ایران ۱۱۹
۵۳. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری راجع به اختلاف احزاب ایران و پان‌ایرانسیم با جمعیت نهضت شرق در مشهد ۱۲۱
۵۴. گزارش رئیس شهربانی کل کشور به وزارت کشور در مورد ارتباط حزب ایران و جمعیت نهضت شرق مشهد..... ۱۲۳

۵۵. مکاتبه وزارت پست و تلگراف و تلفن با نخست‌وزیری در مورد ضرب و شتم یکی از دانش‌آموزان و ناظم دبیرستان شاپور کازرون توسط عناصر حزب ایران در مسجدنو آن شهر ۱۲۴
۵۶. گزارش سفر احمد زیرک‌زاده (دبیرکل حزب ایران) به تبریز ۱۲۵
۵۷. نامه سرگشاده سهامداران شرکت سهامی نفت ایران به دکتر محمد مصدق (نخست‌وزیر) در اعتراض به سوءاستفاده‌های اداری و غیرقانونی اعضای حزب ایران در آن شرکت ۱۲۶
۵۸. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت کشور در مورد شکایات ارسالی متحصنین تلگرافخانه بیرجند در اعتراض به عملکرد اعضای حزب ایران ۱۲۸
۵۹. تلگراف عده‌ای از اهالی مود و توابع (بیرجند) به دفتر نخست‌وزیری در شکایت از اقدامات اعضای حزب ایران ۱۳۸
۶۰. گزارش شهربانی گیلان در خصوص انتقاد رحیم صفاری (عضو حزب زحمتکشان) از عملکرد حزب ایران و حزب نیروی سوم در آن شهرستان ۱۴۱
۶۱. تلگراف‌های ارسالی عده‌ای از اهالی بوکان در اعتراض به اقدامات حزب ایران در آن منطقه ۱۴۳
۶۲. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری راجع به گزارش شهربانی خراسان در خصوص انشعاب در حزب ایران مشهد ۱۴۵
۶۳. تلگراف‌های ارسالی اهالی بیرجند در شکایت از تعدیات چماقداران امیراسدالله علم نسبت به هواداران حزب ایران و نهضت ملی ۱۴۷

۶۴. تلگراف عده‌ای از اهالی بیرجند در شکایت از اقدامات اعضای حزب ایران در آن شهرستان ۱۴۹
۶۵. تلگراف یکی از اعضای حزب ایران به نخست‌وزیری و دکتر سنجابی در شکایت از علمی (رئیس فرهنگ بیرجند) و دکتر احمدی ۱۵۱
۶۶. بیانیه حزب ایران و احزاب ملی طرفدار نهضت ملی در حمایت و پشتیبانی از گزارش هیأت هشت نفری مجلس برای تفکیک وظایف نخست‌وزیر و شاه ۱۵۲
۶۷. تجلیل از خدمات امان‌الله ریگی (نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای ملی) به خاطر حمایت از نهضت ملی و همکاری با رهبران حزب ایران ۱۵۴
۶۸. تلگرافات حسام‌الدین نعمت‌اللهی (دبیر حزب ایران شیراز) راجع به غارت مراکز احزاب ملی به دست هواداران سیدنورالدین‌الحسینی شیرازی ۱۵۵
۶۹. اعلامیه حزب ایران در محکومیت اقدامات هواداران سیدنورالدین‌الحسینی شیرازی در تخریب باشگاه حزب ایران و حمله به مراکز و اجتماعات ملیون ۱۵۷
۷۰. مکاتبات دبیرکل حزب ایران (کریم سنجابی) با نخست‌وزیر (محمد مصدق) راجع به تلگرافات ارسالی از بجنورد و اسفراین درباره قتل رضا امامی (از اعضای حزب ایران بجنورد) به تحریک خانواده شادلوها ۱۶۱
۷۱. تلگراف عده‌ای از اهالی زاهدان در انتقاد از عملکرد حزب ایران و نفوذ باند هوادار امیراسدالله علم، حزب توده و حزب دمکرات در شعبه زاهدان ۱۶۷
۷۲. تلگراف جمعی از اعضای خانواده شادلوها به دکتر مصدق در رد اتهام وارده به آنها از سوی اعضای حزب ایران مبنی بر دخالت در قتل رضا امامی ۱۶۹

۷۳. تلگراف حزب ایران (شعبه مسجد سلمیان) در محکومیت قتل رضا امامی در بجنورد و درخواست مجازات عاملین آن ۱۷۰
۷۴. مکاتبه مهندس طاهرزاده (عضو هیأت مدیره راه آهن دولتی) با نخست وزیر در شکایت از اعمال نفوذ حزب ایران در تعیین هیأت مدیره جدید ۱۷۱
۷۵. مکاتبه ژاندارمری کل کشور با نخست وزیر راجع به گزارش ژاندارمری خراسان درباره دستگیری قاتل رضا امامی ۱۷۴
۷۶. تلگرافات ارسالی عده ای از اهالی اسفراین و کمیته موقت حزب ایران در آن شهرستان در شکایت از اقدامات خاندان شادلو علیه هواداران نهضت ملی ۱۷۶
۷۷. دستور نخست وزیر به وزارت کشور در مورد نامه کریم سنجابی راجع به اوضاع جنوب خراسان و اقدامات امیراسدالله علم علیه دولت ۱۸۱
۷۸. دستور نخست وزیر به وزارت دادگستری راجع به درخواست کریم سنجابی (دبیرکل حزب ایران) درباره رسیدگی به مسأله قتل محمد کاظم زارع (کدخدای روستای دهک شیراز) ۱۸۳
۷۹. مکاتبه وزارت دارایی با اداره کل بازرسی نخست وزیر در مورد شکایت هیأت مبارز از اعمال نفوذ حزب ایران در تحمیل افراد مورد نظر خود به شرکت بیمه و شرکت های دولتی ۱۸۵
۸۰. تلگراف عده ای از اهالی بیرجند به نخست وزیر (سپهبد زاهدی) در اعتراض به عملکرد حزب ایران در آن شهرستان ۱۸۷

۸۱. تلگراف نماینده اتحادیه خراسان و جوانان اسفراینی به نخست‌وزیری راجع به تعقیب و دستگیری ابراهیم حاتمی (از رهبران حزب ایران) به اتهام قتل نصرت کوهستانی ۱۸۹
۸۲. تلگراف سیدزاده (کارمند دارایی ابهر) به نخست‌وزیری درباره اقدامات اسفندیاری و کفیل بهداری ابهر در تقویت و پشتیبانی از حزب ایران ۱۹۰
۸۳. دستور نخست‌وزیری به وزارت کشور در مورد رسیدگی به شکایت خوانین و عشایر لرستان از نماینده حزب ایران در آن استان ۱۹۱
۸۴. مکاتبه مدیر عامل شرکت سهامی کارخانجات قند ایران با سازمان برنامه راجع به پیگیری شکایت مهندس ناصح از مهندس قائم مقامی به اتهام دزدی و وابستگی به حزب ایران ۱۹۳
۸۵. گزارشی در زمینه نفوذ عناصر هوادار حزب ایران و حزب توده در اداره کل درآمد و موقعیت و منصب هر کدام از آنها ۱۹۶
۸۶. نامه‌ای از اهالی تویسرکان به نخست‌وزیری در شکایت از اعمال نفوذ حزب ایران در تعیین شهردار و انجمن شهر تویسرکان و سوءاستفاده از اعتبارات شهرداری . ۱۹۸
۸۷. دستور نخست‌وزیری به شهربانی کل کشور راجع به رسیدگی به عریضه دوتن از مردم خوانسار درباره نفوذ حسین معظمی و سایر عناصر حزب ایران در مراکز تصمیم‌گیری ۲۰۰
۸۸. مکاتبه نخست‌وزیری با ستاد ارتش در مورد رسیدگی به عریضه علی حسن‌زاده غفاری و پاسخ ستاد ارتش در مورد سوابق وابستگی وی به حزب ایران ۲۰۵

۸۹. نامه نمایندهٔ بازبینی قطارهای مسافری به نخست‌وزیری درمورد اعمال نفوذ عناصر وابسته به حزب ایران در امر مأموریت بازبینی قطارهای مسافری ۲۰۸
۹۰. مکاتبه نخست‌وزیری با دفتر مخصوص شاهنشاهی درمورد گزارش فرمانداری نظامی تهران راجع به وابستگی دکتر مکرری به حزب ایران ۲۱۱
۹۱. گزارش شهربانی کل کشور به دفتر نخست‌وزیری درمورد تظاهرات کارگران هوادار احزاب توده، ایران و نیروی سوم علیه کارشناسان خارجی ۲۱۳
۹۲. نامهٔ حسن دولو به دفتر مخصوص شاهنشاهی دربارهٔ فعالیت فریدون دهقان عضو حزب ایران و عضو هیأت مدیره شرکت سهامی ابریشم و نوغان علیه حکومت پهلوی ۲۱۴
۹۳. مکاتبهٔ رئیس هیأت بازرسی جنوب کشور با وزارت دادگستری راجع به رسیدگی به پروندهٔ متهمین درگیری بین حزب ایران و حزب برادران در شیراز و روند قضایی آن ۲۱۶
۹۴. گزارش نورالله اعلایی کارمند دارایی آبادیه درمورد نفوذ عناصر حزب ایران و حزب توده در ادارات آبادیه و لزوم کوتاه کردن دست آنها از امور اداری ۲۱۸
۹۵. گزارش هیأت بازرسی شرق درمورد فعالیت سیاسی احزاب ایران و توده در شهرستان بیرجند و علل بی‌نظمی در آن شهرستان ۲۲۱
۹۶. مکاتبهٔ رئیس کل دفتر نخست‌وزیری با شهربانی کل کشور درمورد انتشار روزنامهٔ جبهه آزادی به وسیلهٔ ابوالفضل قاسمی (از رهبران حزب ایران) و لزوم جلوگیری از فعالیت‌های مطبوعاتی ایشان ۲۳۲

۹۷. دستور نخست‌وزیری به شهربانی کل کشور در مورد ارسال صورت اسامی اعضای حزب ایران و مکاتبات شهربانی در این زمینه ۲۳۶
۹۸. مکاتبه وزیر دربار شاهنشاهی (حسین علاء) با نخست‌وزیر (فضل‌الله زاهدی) راجع به نامه نصرالله آسایش در مورد نفوذ افراد حزب ایران در ادارات دولتی زاهدان ۲۴۰
۹۹. مکاتبات شهربانی کل کشور با نخست‌وزیری در مورد نفوذ عناصر وابسته به احزاب ایران و توده در اداره برق ۲۴۶
۱۰۰. مکاتبه وزارت فرهنگ با نخست‌وزیری راجع به درخواست استانداری اصفهان در مورد احضار مهندس طهبازیان (عضو حزب ایران) به دلیل ایجاد اختلاف و اغتشاش میان دانش‌آموزان و هنرآموزان ۲۵۰
۱۰۱. دستور نخست‌وزیری به شهربانی کل کشور در مورد مخالفت محمدرضا پهلوی با برکناری اعضای حزب ایران از مشاغل سازمان برنامه و مفرضانه بودن اتهامات وارده به آنها ۲۵۴
۱۰۲. اعلامیه کمیته مرکزی حزب ایران در حمایت از پیام رئیس‌جمهور آمریکا درباره حقوق بشر، آزادی فردی و استقلال ملتها ۲۵۶
۱۰۳. نامه اسدالله ریاضی درباره اعلامیه حزب ایران و موضع‌گیری این حزب در قبال حزب توده ۲۵۷
۱۰۴. مکاتبه دادستانی ارتش با نخست‌وزیری در مورد دادخواست اسماعیل فرجاد رهبر حزب ایران (شعبه رشت) و اتهامات وارده به ایشان ۲۵۹

۱۰۵. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری در مورد وابستگی شهردار درگز به حزب ایران و عدم صلاحیت اعضای انجمن شهر آن شهرستان ۲۶۷
۱۰۶. گزارش شهرداری کل کشور به نخست‌وزیری در مورد وابستگی شهردار آبادان به حزب ایران و اختلافات موجود بین انجمن شهر و شهردار مذکور به دلیل حیف و میل اموال عمومی ۲۶۸
۱۰۷. مکاتبات عبدالله شیرخانی (فرماندار گرگان) با نخست‌وزیری و وزارت کشور در رد اتهامات وارده به وی مبنی بر وابستگی به حزب ایران ۲۷۰
۱۰۸. مکاتبه دفتر مخصوص شاهنشاهی با نخست‌وزیری در مورد اقدامات مهندس اسماعیل زنجانی (از کارمندان سازمان برنامه) در شورای عالی اقتصاد برای توسعه نفوذ حزب ایران و حزب توده ۲۷۶
۱۰۹. مکاتبه وزارت کشور با نخست‌وزیری در مورد چگونگی انتشار اعلامیه نهضت مقاومت ملی در بندر پهلوی و گزارش شهرداری کل کشور در این زمینه ۲۷۹
۱۱۰. عریضه سیدمهدی میراشرفی به محمدرضا شاه پهلوی درباره نفوذ هواداران حزب ایران در شرکت نساجی، سازمان برنامه و کارخانه پشمبافی اصفهان ۲۸۱
۱۱۱. مکاتبه وزارت کشور با وزارت دربار شاهنشاهی در مورد تغییر عبدالله شیرخانی (فرماندار گرگان) به علت وابستگی به حزب ایران و هواداری از دکتر مصدق... ۲۸۴
۱۱۲. مکاتبه شهرداری کل کشور با نخست‌وزیری درباره پخش اعلامیه از سوی اعضای حزب ایران (شعبه گیلان) در مورد نارضایتی عمومی از رژیم به نقل از روزنامه نیویورک تایمز ۲۸۷

۱۱۳. مکاتبه استانداری گیلان با نخست‌وزیری درمورد گزارش شهرداری رشت راجع به فعالیت غیرقانونی حزب ایران در آن شهرستان ۲۹۲
۱۱۴. مکاتبه نخست‌وزیری با سازمان اطلاعات و امنیت کشور درمورد گزارش شهرداری کل کشور درباره فعالیت‌های غیرقانونی حزب ایران در گیلان ۲۹۴
۱۱۵. مکاتبه سازمان اطلاعات و امنیت کشور با نخست‌وزیری درمورد نتیجه تحقیقات به عمل آمده درباره فعالیت کاظم حسینی و برخی دیگر از اعضای حزب ایران برای تقویت آن حزب ۲۹۷
۱۱۶. نامه سرگشاده اللهیار صالح به مردم ایران درباره انتخابات بیستمین دوره مجلس شورای ملی، به انضمام پاسخ جمعی از مخالفین حزب ایران علیه وی ۲۹۹
۱۱۷. مکاتبات شهرداری کل کشور با نخست‌وزیری درمورد فعالیت‌های انتخاباتی دکتر شاپور بختیار و مهندس ایزدی از اعضای وابسته به حزب ایران و جبهه ملی در میان کارگران شرکت نفت آبادان ۳۰۳
۱۱۸. اظهارات یکی از اعضای حزب ایران درمورد شناسایی رژیم اسرائیل از طرف دولت ایران در قبال دریافت سی میلیون دلار وام ۳۱۲
۱۱۹. عریضه عده‌ای از اهالی کاشان در شکایت از فرمانداری آن شهرستان بدلیل طرفداری از اللهیار صالح و حزب ایران ۳۱۳
۱۲۰. تلگراف عده‌ای از اهالی کردستان به رهبر حزب سعادت ملی ایران و اظهار مسرت از بازگشت وی به کردستان ۳۱۷

۱۲۱. مکاتبه سناتور دیوان بیگی با نخست‌وزیر (دکتر محمد مصدق) درباره تعیین وقت قبلی برای نمایندگان حزب سعادت ملی جهت ملاقات با نخست‌وزیر ۳۱۸
۱۲۲. تلگراف دو تن از مالکین کردستان در شکایت از اقدام حزب سعادت ملی در تحریک رعایای سنندج علیه مالکین..... ۳۲۰
۱۲۳. مکاتبه رضاعلی دیوان بیگی (سناتور) با نخست‌وزیری در مورد شکایت از اقدامات حزب سعادت ملی ایران به دلیل تحریک و تشویق رعایا کردستان علیه مالکین ۳۲۱
۱۲۴. مکاتبه ناد علی کریمی (نماینده مجلس شورای ملی) با نخست‌وزیر در مورد اعلامیه‌های منتشره از سوی حزب سعادت ملی در کردستان ۳۲۶
۱۲۵. نامه دبیرکل حزب سعادت ملی کردستان به کفیل فرماندهی مستقل ژاندارمری کردستان در رد اتهامات وارده به آن حزب مبنی بر تحریک کشاورزان به عصیان و تمرد ۳۳۴
۱۲۶. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت دفاع ملی در مورد گزارش ژاندارمری کل کشور راجع به فعالیت‌های حزب سعادت ملی کردستان..... ۳۳۷
۱۲۷. تلگراف عده‌ای از ملاکین و متنفذین محلی کردستان در شکایت از حزب سعادت ملی ایران به خاطر تشویش اذهان عمومی و تحریک رعایا علیه ملاکین..... ۳۴۰
۱۲۸. مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت کشور در مورد تلگراف حاج شیخ‌الاسلام کردستانی به دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره نقش هواداران محیط (رهبر حزب سعادت ملی) در اغتشاشات کردستان ۳۴۲

۱۲۹. مکاتبه فرمانداری کل کردستان با وزارت کشور درمورد تلگراف حزب سعادت ملی کردستان در شکایت از حمله مخالفین به صف هواداران دکتر مصدق و ضرب و شتم اعضای حزب مذکور..... ۳۴۶
۱۳۰. تلگراف تبریک حزب سعادت ملی ایران به نخست‌وزیر محمد مصدق به مناسبت روز ۲۱ آذر..... ۳۴۸
۱۳۱. مکاتبه نادعلی کریمی (نماینده مردم کرمانشاه) با نخست‌وزیری درمورد عریضه یکی از اهالی کردستان در شکایت از تغییر کارمندان غیرمحملی در کردستان و نفوذ دموکراتها در حزب سعادت ملی و شهربانی کردستان و پیامدهای احتمالی آن.. ۳۴۹
۱۳۲. تلگراف حزب سعادت ملی ایران سنندج در شکایت از اجحافات ژاندارمری و دادگستری نسبت به مردم کردستان .. ۳۵۰
۱۳۳. گزارش نماینده بازرسی کل کشور درباره حوادث کردستان و اختلافات هواداران حزب سعادت ملی و ملاکین محلی..... ۳۵۴
۱۳۴. اعلامیه حزب سعادت ملی ایران به مناسبت جشن مشروطیت و دعوت از طرفداران حزب برای شرکت در همه پرسی .. ۳۶۱
۱۳۵. مکاتبه سازمان کشاورزان حزب سعادت ملی با دکتر مصدق درمورد شرکت کشاورزان و کارمندان حزب مذکور در همه پرسی به‌منظور انحلال مجلس هفدهم..... ۳۶۲
۱۳۶. مکاتبه مردوخ کردستانی با سپهبد زاهدی (نخست‌وزیر) درباره نقش حبیب‌الله محیط یزدی و عبدالمجید سجادی (رهبران حزب سعادت ملی) در ایجاد اختلال در نظم و امنیت کردستان..... ۳۶۳

۱۳۷. مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با سپهبد زاهدی (نخست‌وزیر) در مورد مواضع و فعالیت‌های وی پس از کودتای ۲۸ مرداد و رد اتهامات وارده به وی از سوی سلطان حسین سنندجی و محمد مردوخ ۳۶۴
۱۳۸. مکاتبه فرمانداری نظامی تهران با نخست‌وزیری در مورد آزادی حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) و لزوم احضار مجدد وی به دلیل سوابق سیاسی و حمایت و پشتیبانی از دولت مصدق ۳۶۶
۱۳۹. تلگراف عده‌ای از اهالی کردستان به سپهبد زاهدی در مورد اقدامات حبیب‌الله محیط و سایر اعضای حزب سعادت ملی در دوره دکتر مصدق و لزوم جلوگیری از بازگشت وی به کردستان ۳۶۷
۱۴۰. مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با سپهبد زاهدی (نخست‌وزیر) و درخواست رسیدگی به اظهاراتش درباره برخی از مخالفین سیاسی وی در کردستان ۳۶۹
۱۴۱. تلگراف حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) به سپهبد زاهدی در مخالفت با کاندیداتوری رضا آصف و اقدامات خلاف قانون ژاندارمری علیه افراد حزب سعادت ملی ۳۷۲
۱۴۲. تلگراف عده‌ای از اهالی کردستان به نخست‌وزیری در مورد لزوم جلوگیری از اقدامات حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) در کردستان ۳۷۴
۱۴۳. تلگراف‌های حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) به سپهبد زاهدی (نخست‌وزیر) در شکایت از دخالت مأمورین و نمایندگان دولت در جریان انتخابات سنندج ۳۷۷

۱۴۴. تلگراف‌های حزب سعادت ملی ایران به نخست‌وزیری درمورد دخالت مأمورین شهربانی و فرمانداری در انتخابات کردستان و ممانعت آنان از رأی دادن هواداران حزب سعادت ملی ۳۸۰
۱۴۵. تلگراف‌های حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) به محمدرضا شاه و سپهبد زاهدی در اعتراض به صدور حکم کمیسیون امنیت اجتماعی کردستان مبنی بر تبعید وی ۳۸۴
۱۴۶. مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با نخست‌وزیری در تکذیب اتهام وارده به وی و هوادارانش و درخواست رفع مزاحمت از وی برای مراجعه به کردستان ۳۸۷
۱۴۷. مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با سپهبد زاهدی (نخست‌وزیر) در اعتراض به صدور حکم کمیسیون امنیت اجتماعی کردستان و درخواست رسیدگی مجدد ۳۹۰
۱۴۸. مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با دربار شاهنشاهی درباره عدم رسیدگی دادگاه به اعتراضات وی ۳۹۱
۱۴۹. گزارش فرمانداری کل کردستان به وزارت کشور درمورد تعطیلی فعالیت‌های حزب سعادت ملی ۳۹۲
۱۵۰. مکاتبات وزارت کشور با نخست‌وزیری درمورد فعالیت‌های مجدد حزب سعادت ملی در کردستان ۳۹۳
۱۵۱. مکاتبات وزارت کشور با نخست‌وزیری درمورد شکایت صالح مرادپناه و عده‌ای از

اهالی کردستان علیه حبیب‌الله محیط و عبدالمجید سجادی (رهبران حزب سعادت ملی) به خاطر ایجاد اختلاف میان رعایا و ملاکین..... ۳۹۶

حزب ایران

سند شماره ۱

مکاتبه هادی انصاری با نخست وزیر (احمد قوام) در مورد نفوذ حزب ایران در بانک صنعتی و معدنی ایران و توزیع سهم قماش بازرگانان در بین اعضای حزب

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۱۹

به تاریخ: ۱۳۲۶/۷/۱۶

مقام منبع جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر

محترماً معروض می‌دارد، در هفته قبل به جناب اشرف گزارش معروض داشتم که بانک صنعتی به ۱۳۸ نفر اربابان رجوع خود که چندین نفر آنها اعضای حزب ایران بوده‌اند مقدار زیادی قماش به دستگیری مهندس فریار، معظمی [و] گزیده پور داده‌اند. اکنون طبق گزارشی که آقای مهندس زنگنه به آقای وزیر اقتصاد در تاریخ ۱۳/۷/۲۶ [۱۳] مندرجه در روزنامه ایران تسلیم نموده صریحاً نوشته شده «راجع به فروش قماش هم اگر چه در ماه اخیر یک میلیون متر به ۱۴۰ نفر داده شده» به طوری که ملاحظه می‌فرمایند گزارش فدوی با گزارش بانک، دو

نفر اختلاف داشته و از طرفی طبق امریه مبارک نامه رسمی به بانک صنعتی به شماره ۱۴۰۱۵ [مورخ] ۱۳۲۶/۷/۱۸ نوشته شد که صورت اشخاص [و] مقدار قماشی که دریافت داشته‌اند ارسال دارند. نکته مهم این است که جناب آقای دکتر سجادی صبح به جناب اشرف معروض داشتند که قماش‌های تقسیم شده فقط به بازرگانان داده شده است. قبل از این که صورت از بانک برسد فدوی به عرض می‌رسانم که به ۷۸ نفر کسانی که تاجر نیستند و وابسته حزب ایران هستند بانک به آنها قماش داده است. پس از وصول صورت از بانک صدق عرایض معلوم خواهد شد.

خدمتگزار واقعی

[امضا: هادی انصاری]

[حاشیه بالا: ضبط.]

سند شماره ۱/۱

بانک صنعتی و معدنی ایران

پیوست: ۲ برگ
محرمانه - مستقیم

تاریخ: ۱۳۲۶/۷/۲۲
شماره: ۲۳

از لحاظ مبارک بندگان جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر می‌گذرد با نهایت احترام پیرو گزارش شماره ۱۹ مورخ ۱۳۲۶/۷/۱۶ [۱۳] راجع به یک میلیون^۱ متر قماش که بانک صنعتی و معدنی ایران به ۱۴۰ نفر تقسیم نموده و حضوراً جناب آقای دکتر سجادی وزیر اقتصاد ملی به عرض رسانیدند که قماش‌های تقسیم شده را بانک صنعتی به آقایان بازرگانانی^۲ که کارت بازرگانی دارند تقسیم نموده، اینک طبق صورتی که امروز از بانک صنعتی دریافت داشتم و منضمماً از نظر جناب اشرف می‌گذرد، به طوری که ملاحظه

۲. در اصل: بازرگانان.

۱. در اصل: ملیون.

می‌فرمایند تقسیم قماش‌های این ماه، صدی هفتاد اشخاصی هستند که وابسته حزب ایران یا حزب اتحاد ملی (حزب مردم، حزب وحدت ایران سابق) و صدی سی به بازرگانان متفرقه می‌باشد و با این‌که قریب ۷۰۰ درخواست دیگر هم بوده این مقدار را به میل خود تقسیم کرده‌اند.

آقایانی که در حزب‌های نامبرده بالا هستند ورقه حواله خود را هر یک به مبلغ ۸۰۰۰ ریال به مهدی پنبه‌چی، محمد عبد[الله]هیان، معتمدی بنکدار [و] معقول دریست فروخته‌اند و به این خریداران نمایندگی داده‌اند که اجناس را از انبار تحویل بگیرند و خریداران ورقه‌های حواله پول مورد حواله را شخصاً به نام خود به بانک ملی داده و رسید را تسلیم بانک صنعتی نموده‌اند.

بازرس جناب اشرف در بانک صنعتی و معدنی

[هادی] انصاری

[امضا]

[حاشیه پایین:] به عرض رسیده است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱/۲

بانک صنعتی و معدنی ایران

- | | |
|--------------------------|---------------------------|
| ۱. دلال معرب | ۲. دلال محمدحسین ثمری |
| ۳. خداداد نصرتی | ۴. حسین کاشانی |
| ۵. حسین ستوده | ۶. تجارخانه پیام |
| ۷. ابوطالب معقول (نوبخت) | ۸. محمدباقر کریم لاهیجانی |
| ۹. بازرگانی نیکو خصال | ۱۰. حاج محمد عبداللهیان |
| ۱۱. مهدی رضا وزیری | ۱۲. علی محمدی |
| ۱۳. خلیل طاهباز | ۱۴. هادی کشوری |
| ۱۵. مخبری | ۱۶. احمد تهرانی |
| ۱۷. بازرگانی پرشیا | ۱۸. جمالی |

۱۹. تهران کار
 ۲۰. مقدم اخوان، تاجر
 ۲۱. راهنمای تهران
 ۲۲. عبد الحمید مقدم، تاجر
 ۲۳. حیدری (تجارخانه)، تاجر
 ۲۴. کل دو پاریس
 ۲۵. کامل
 ۲۶. صادرات ایران
 ۲۷. قاسم طاهباز، تاجر
 ۲۸. باقرزاده
 ۲۹. حریری (نبی زاده)
 ۳۰. دکتر حریری
 ۳۱. نیک عهد
 ۳۲. یوسف رنجبر
 ۳۳. اسمعیل یزدچی
 ۳۴. کمال
 ۳۵. میرزارضا امین
 ۳۶. محمد جواد موحدی
 ۳۷. رخشنده
 ۳۸. محسن رفیع
 ۳۹. محمد قادری
 ۴۰. حسن بنکدار (حقگو)
 ۴۱. اسمعیل تجویدی
 ۴۲. عظیمی (سیدعابدین)
 ۴۳. مینو
 ۴۴. سید مرتضی حسینی
 ۴۵. سیروس پوریان
 ۴۶. رحیم زاده
 ۴۷. فیروز مهر
 ۴۸. بهمن سرانجانی
 ۴۹. آذری
 ۵۰. فقیهی
 ۵۱. تبریزیان
 ۵۲. محمدی
 ۵۳. راور
 ۵۴. ابوالحسن زاده
 ۵۵. میر
 ۵۶. شهیری
 ۵۷. مقدم
 ۵۸. عباس نراقی
 ۵۹. حسن اسکویی
 ۶۰. باقرزاده
 ۶۱. صفاری
 ۶۲. ملکی (ابوالحسن)
 ۶۳. ابراهیم امیری
 ۶۴. محبی
 ۶۵. نعمت مجیدیان
 ۶۶. اسمعیل دلشاد
 ۶۷. تولایی
 ۶۸. سهراب قناد
 ۶۹. علی نیرالدوله
 ۷۰. حسین صادقی

۷۱. عبدالعلی رسولی
 ۷۲. نخشب
 ۷۳. قندچیان
 ۷۴. محمدعلی غدیری
 ۷۵. محمود ماهوتچیان
 ۷۶. مرتضی حقگو
 ۷۷. علیرضا سلامت
 ۷۸. حسین مشیری
 ۷۹. حسین فانی
 ۸۰. علی سرخوش
 ۸۱. سدجی
 ۸۲. پورمختاری
 ۸۳. تجارخانه رحیمزاده
 ۸۴. فرزانه
 ۸۵. مرتضی حقگو
 ۸۶. برادران عرب
 ۸۷. مهدی دولتشاهی
 ۸۸. کریم عبداللہیان
 ۸۹. رشتی (محمدجواد پیروزگر)
 ۹۰. ساسان
 ۹۱. لاجوردی
 ۹۲. محمد دادرس
 ۹۳. رضاقلی دلیری
 ۹۴. ماشاءالله دیانی
 ۹۵. خیرالله دژپرور
 ۹۶. خانم سمیعی
 ۹۷. علی اکبر افخمی
 ۹۸. ادیب خوانساری
 ۹۹. حسین اکباتانی
 ۱۰۰. کاظم امامی
 ۱۰۱. هاشمی
 ۱۰۲. کاتور تهران
 ۱۰۳. مارتیروسیان
 ۱۰۴. مقاطعه کار حمل گلندرود
 ۱۰۵. شیخ جعفر
 ۱۰۶. کیمیا
 ۱۰۷. اسمعیل یزدچی
 ۱۰۸. مقدم اخوان
 ۱۰۹. شرکت سومر
 ۱۱۰. شریف‌العلمای خراسانی
 ۱۱۱. اسمعیل نیکومنش
 ۱۱۲. شهشہانی
 ۱۱۳. وهاب علیزاده
 ۱۱۴. حسن مقدم
 ۱۱۵. شرکت ارز
 ۱۱۶. علی عطری
 ۱۱۷. شلیله
 ۱۱۸. سیدصادق زعیم
 ۱۱۹. مهدی پیروزنیا
 ۱۲۰. مهدی ارباب
 ۱۲۱. شرافتی حیدر
 ۱۲۲. یوسف غفوری

۱۲۴. نصرالله محلوچی	۱۲۳. رضانی
۱۲۶. خلیلی	۱۲۵. حسن افراشته
۱۲۸. راهنمای تهران	۱۲۷. پرویز مهدوی
۱۳۰. فاطمی	۱۲۹. حسین ثمری
۱۳۲. محمدی - سلطانی	۱۳۱. خدیوی
۱۳۴. حسین محمدی	۱۳۳. خلیلی
۱۳۶. امیری	۱۳۵. عباسعلی آذری
۱۳۸. محمد میربهرامی	۱۳۷. ایرج ملایری
۱۴۰. خدیوی	۱۳۹. علی شالچی
۱۴۲. ت. ت. ا. گ. شرکت مهندس شهیدی	۱۴۱. حسین بزرگمهر
۱۴۴. ابوالقاسم کاشانی نژاد	۱۴۳. ماشاءالله
۱۴۶. عباس تبریزیان	۱۴۵. پرویز کنجکاو
۱۴۸. مرتضی نهاوندی	۱۴۷. حسن رضاییان

سند شماره ۱/۳

بانک صنعتی و معدنی ایران

شماره: ۴۲

تاریخ: ۱۳۲۶/۸/۱۹

محرمانه - مستقیم

موضوع: استدعای تعیین وقت ملاقات با پنج نفر از تعداد ۳۰ نفر فهرست منضمه آقایان دکترها و مهندسين بانک

مقام منبع جناب اشرف آقای قوام السلطنه نخست وزیر

مفتخر است در این مدت کوتاهی که در بانک صنعتی حسب الامر آن مقام منبع مشغول

بازرسی امور شده‌ام پی به دو دسته بودن بانک برده و آقایانی که در رأس امور بانک برقرار و مشغول هستند فهرست منضمه شماره یک می‌باشند که دست به دست یکدیگر این چند نفر داده‌اند و آن چه می‌کنند به منفعت و حفظ حزب ایران که اسامی بازی‌کنان تا هشت نفر رسیده و آن چه بعداً اضافه شوند به عرض خواهم رسانید.

فهرست دوم، آقایان دکترها و مهندسین بانک هستند که نقطه مقابل فهرست شماره یک می‌باشند و با این آقایان تماس نزدیک گرفته‌ام و چندین جلسه تشکیل و با غالب آنها از نزدیک مذاکرات لازم نموده و چون این آقایان نظر اصلاحی در بانک دارند به وسیله بنده از جناب اشرف استدعای تعیین موقع نموده‌اند که نمایندگان آنها که از بین خود انتخاب می‌کنند برای این که نیات و نظریات خود و آقایان مخالفین از نزدیک به عرض برسانند، پنج نفر حضور جناب اشرف مشرف گردند. در صورت موافقت، استدعا دارد اوامر لازم با تعیین موقع بفرمایند تا شرفیابی حاصل گردد. امر امر مبارک است.

بازرس جناب اشرف در بانک صنعتی ایران

/ [امضا: هادی انصاری]

[حاشیه پایین:] ملاحظه فرموده‌اند.

سند شماره ۱/۴

بانک صنعتی و معدنی ایران

فهرست شماره یک (۱)

صورت آقایان مهندسین و کارمندان بانک وابسته حزب ایران

- | | |
|--------------------------|--------------------|
| ۱. آقای مهندس زنگنه | ۲. مهندس معظمی |
| ۳. مهندس حسینی | ۴. مهندس گزیده پور |
| ۵. مهندس حق شناس | ۶. مهندس کاویانی |
| ۷. آقای ^۱ وفا | ۸. مصوررحمانی |

۱. در اصل: آقایان.

سند شماره ۱/۵

بانک صنعتی و معدنی ایران

فهرست شماره دو (۲)

فهرست آقایان مهندسین و دکترهای بانک صنعتی و معدنی ایران که بستگی به حزب ایران ندارند:

۱. آقای مهندس عباس زاهدی، شورای معادن ۲. آقای مهندس زاوش، مشاور فنی
 ۳. آقای مهندس همایون فر، مشاور فنی
 این سه نفر آقایان رئیس سندیکای مهندسین می باشند که سندیکای مهندسین قریب ۱۱۰۰ نفر کارمند دارد.

- | | |
|--|--|
| ۴. آقای مهندس مصطفی قلی جلایر | ۵. آقای مهندس قائم مقامی |
| ۶. آقای مهندس ریشار | ۷. آقای مهندس معاضد |
| ۸. آقای مهندس پاک | ۹. آقای مهندس خادم |
| ۱۰. آقای مهندس طباطبایی، آقازاده آقا سید محمد صادق | |
| ۱۱. دکتر مصطفوی، عموزاده آقای کاشانی | ۱۲. آقای دکتر نجم آبادی |
| ۱۳. مهندس عابدینی | ۱۴. دکتر منجمی |
| ۱۵. دکتر حائری | ۱۶. مهندس ریاحی، داماد آقای سردار فاخر |
| ۱۷. مهندس انواری | ۱۸. مهندس علی زاهدی |
| ۱۹. مهندس امیر معزی | ۲۰. مهندس محمودی |
| ۲۱. مهندس محمدی | ۲۲. آقای دکتر ارجمند |
| ۲۳. مهندس مجتهدی | ۲۴. مهندس غفاری، پسر آقای ذکاء الدوله |
| ۲۵. دکتر بینا | ۲۶. آقای مهندس قائمی |
| ۲۷. آقای مهندس ایروانی | ۲۸. مهندس پزشکی |
| ۲۹. مهندس ارقید | ۳۰. مهندس فرنودی |

سند شماره ۲

بیانیه حزب ایران در دفاع از دموکراسی، استقلال و آزادی

حکومت خوب، حکومتی است که حصول سعادت را برای افراد میسر ساخته جامعه را به ترقی سوق دهد. سعادت بشر در رسیدن به خواسته‌های خود است. سعادت‌مند کسی است که در راه نیل به آرزوهایش قدم بر می‌دارد. لحظات وصال همان لحظات خوشبختی است. چیزهایی هست که به شدت می‌خواهیم و نرسیدن به آنها هستی ما را در خطر می‌اندازد. خواسته‌هایی داریم که بدون رنجش خاطر و بروز افسردگی و اندوه از حصولشان صرف‌نظر نمی‌کنیم و بالاخره خیلی از خواسته‌ها را هم به سهولت کنار می‌گذاریم. خواسته‌های نوع اول ضروریات حیاتی و یا آرمان‌های درونی ما هستند. نوع دوم را مورد نیاز و سومی‌ها را هوس می‌نامیم.

هیچ‌کس واقف به تمام خواسته‌های غیر خود نیست. هیچ‌کس نمی‌داند دیگری چه می‌خواهد. بر توانایی و خصوصیات شخصی یک فرد، کسی آگاه‌تر از خود آن فرد نمی‌باشد. هر فردی خود می‌داند چه می‌خواهد، خود می‌داند چه وسایلی برای حصول خواسته‌های خود دارد و بیشتر از تمام افراد بشر به خوشبختی خود علاقه‌مند است. هیچ فرد یا دسته‌ای نمی‌تواند خواسته‌های دیگری را تقریر کرده و یا انجام آن‌ها را به عهده گیرد. پس روزی فرد انسانی سعادت‌مند خواهد بود که سرنوشتش در دست خودش باشد و غیر او بر او حکومت نکند. بشر حیوانی است اجتماعی و خواهی نخواهی دسته‌های کوچک و بزرگ آدمیان با هم زندگی می‌کنند، سرنوشتشان به هم بستگی دارد و هر قدر سطح تمدن بالا می‌رود و این بهم‌بستگی شدیدتر و دامنه دارتر می‌گردد. بنابراین تحقق خواسته‌های انفرادی بدون توافق بین آنها میسر نیست. باید خواسته‌های یک فرد خواسته‌های دیگری را پایمال نکند و به‌علاوه برخلاف جهت سیر تکامل اجتماع که موجب ترقی عموم و در نتیجه منشاء لذات بالاتری است نباشد. پس دیگران هم باید حکومت کنند، یعنی در حکومت بر مردم، برای سعادت مردم تمام مردم شریک باشند. حکومت مردم بر مردم را دموکراسی می‌نامند و از این جهت است که

ما بهترین طرز حکومت، حکومتی را می‌دانیم که بر اساس دموکراسی مستقر و رأی اجتماع در اداره کشور حاکم باشد. حزب ایران با دیکتاتوری افراد و اقلیت‌ها که خواسته‌های اکثریت را فدای خواسته‌های یک فرد یا یک اقلیت می‌سازند مخالف بوده و چون «شخص آدمی» و مقام آدمیت را محترم و عزیز می‌شمارد، دیکتاتور[ی] اکثریت را نیز که مانع تقریر خواسته‌های اقلیت است مجاز نمی‌داند.

دموکراسی نتیجه طبیعی تمایلات افراد هر جامعه می‌باشد و از این جهت است که ملل دنیا یکی بعد از دیگری با اقدامات شدید که غالباً منجر به انقلابات خونین شده حکومت خود را بدین صورت در آورده‌اند. اگر در بعضی از ممالک دموکراسی نتایج خوبی نداشته علت آن را باید در طرز اجرای دموکراسی جستجو کرد و نه در اصل آن. باید بکشیم تا دموکراسی ایران به طور صحیح اجرا گردد. اگر حکومت دموکراتیک در نتیجهٔ علاقهٔ آدمیان به حصول خواسته‌های خود بر دنیا تحمیل شده است پس باید مقررات سازمان‌ها و طرز اجرای آن طوری باشد که به طور تحقیق تمام افراد جامعه بتوانند خواسته‌های خود را تا آن‌جا که ممکن است عملی سازند. باید روابط افراد با یکدیگر و با جامعه طوری تنظیم شود که خواسته‌های دسته [ای] سد راه خواسته‌های دیگران و به ضرر جامعه نباشد. خواسته‌های هر فردی امر شخصی آن فرد است، هیچ کس حق ندارد در آرزوهایش مداخله کند، هیچ کس مثل خود فرد نمی‌تواند خواسته‌هایش را عملی سازد، پس فرد باید در تقریر خواسته‌های خود و در اتخاذ راه حصول آنها آزاد باشد. اگر سعادت حق بشر است آزادی جستجوی سعادت هم حق بشر است. بشر باید آزاد باشد که هر چه «می‌خواهد» بخواهد. باید آزاد باشد که آن چه می‌خواهد بیان کند. در راه آنچه که می‌خواهد آزادانه تلاش نماید. هرچه مورد علاقه‌اش است، چه آن چه مربوط به سعادت او است و چه آن چه در نتیجه سعادت‌مند کردن هموعان مایهٔ لذت او است، باید بتواند آزادانه بگوید و بکند. آزادی فکر، آزادی بیان [و] آزادی کار، شروط اولیه برای حصول سعادت بشر می‌باشد.

ولی همان طوری که خواسته‌های فردی باید با خواسته‌های سایر افراد جامعه مغایرت نداشته باشد همان طور هم آزادی فرد باید مخل آزادی دیگران نباشد. خواهی نخواهی تمام افراد جامعه باید قسمتی از آزادی خود را فدای آزادی سایرین نمایند. آزادی فردی بالاجبار دچار محدودیت‌هایی خواهد شد که برای سعادت جامعه به طور کلی و در نتیجه برای سعادت

خود فرد هم لازم است. آزادی مطلق با زندگی اجتماعی عملی نیست. سعادت افراد جامعه وجود محدودیت‌هایی را ایجاب می‌نماید ولی بدبختانه این حقیقت غالباً مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به اسم این‌که آزادی مطلق غیرعملی و غیرمنطقی است دشمنان آزادی ملل به سلب آزادی جامعه‌ها صورت قانونی می‌دهند. باید کاملاً متوجه بود که وجود محدودیت‌ها و قیود بر آزادی برای تأمین و تعمیم آزادی است، فقط محدودیتی قابل قبول می‌باشد که بشر را از آزادی‌هایی که برای خوشبختی‌اش لازم است محروم نسازد. روش و قیافه حقیقی هر حکومت را از محدودیت‌هایی که بر آزادی قائل می‌شوند بخوبی می‌توان درک نمود. اگر حکومتی -عنوان ظاهرش هر چه می‌خواهد باشد- هرزه‌درایی و انتشار خرافات را آزاد گذارده و انتشار عقاید سیاسی و فلسفی را محدود نمود، این حکومت دشمن ملت خود است، چه انتشارات اولی به ضرر و دومی به نفع آن می‌باشد. اگر حکومتی پدران را در فرستادن اولاد خود به مدرسه آزاد گذاشت و در ضمن مدارس کافی ایجاد ننمود چنین حکومتی [ی] در حقیقت آزادی نافع را محدود کرده است. چه آن‌که نمی‌خواهد فرزندش خواندن و نوشتن بیاموزد به مقصود خود رسیده است، ولی آن‌که علاقه‌مند به تربیت فرزندان خود است وسیله انجام خواسته‌های خود را ندارد. آری آزادی بدون قید و محدودیت میسر نیست ولی در حکومت دموکراتیک حقیقی، محدودیتها برای منافع افراد و جامعه می‌باشد. صرف به رسمیت شناختن آزادی، صرف قانونی کردن آزادی، آزادی ایجاد نمی‌کند در راه آزادی بشر موانع بی‌شمار موجود است. قسمتی از این موانع طبیعی و انهدام آنها به سهولت میسر نیست ولی هر مانعی که مصنوعاً بر سر راه آزادی آدیان ایجاد شده باید بر طرف گردد. آن‌که کور به دنیا می‌آید نمی‌تواند از تمام آزادی‌ها برخوردار گردد و بدبختانه هیچ جامعه [ای] نمی‌تواند به این محروم طبیعی آزادی کامل ببخشد ولی آن‌که مانعی بر سر راهش نیست باید بتواند از آزادی کاملاً استفاده نماید. در بعضی ممالک با وجود این‌که اسماً حکومت دموکراسی برقرار است و قانوناً تمام افراد باهم مساوی بوده مانعی در راه تعالی و ترقی خود ندارند، ولی این تساوی اسمی بیش نیست. از همان روز تولد محیط اجتماعی عدم تساوی‌های بزرگی را ایجاد می‌کند، برای عده محدودی راه ترقی کاملاً باز است در صورتی که بر عده کثیری زندگی به وضعی خشن و دهشتناک تحمیل می‌گردد. البته خصوصیات توارثی، ظرفیت و توانایی افراد را متفاوت دارد، ولی حکومت دموکراتیک حقیقی آن است که بر این عدم تساوی طبیعی، عدم تساوی مصنوعی

اضافه نکرده، وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه را طوری تنظیم کند که هیچ دسته عملاً از استفاده از آزادی محروم نگردند.

حکومت دموکراتیک حقیقی نمی‌تواند به همین تفویض آزادی اکتفا کند که آزادی فرد را در کفش نهاده به سرنوشت خود رهایش سازد بلکه باید محیطی ایجاد کند که فرد بتواند از این آزادی برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده کند. هرکس به تنهایی می‌تواند به قسمتی از خواسته‌های خود برسد مشروط بر این که سالم بماند و نیروهای خود را پرورش دهد. حکومت باید وسایل تندرستی و پرورش را در اختیار فرد بگذارد. بهداشت و فرهنگ مملکت باید آماده و کافی برای سالم نگهداشتن و تربیت کردن تمام افراد جامعه باشد. نیل به قسمتی از خواسته‌های آدمی بدون کمک دیگران میسر نیست، روزی انسان می‌تواند به کمک دیگران امیدوار باشد که با کار خود قادر به کمک کردن باشد. پس حکومت دموکراتیک باید برای تمام افراد کار کردن را میسر سازد. تضمین تندرستی، پرورش و کار از حقوق بشری بوده و در نتیجه تشکیل جامعه ایجاد می‌شود. آن روزی که شخصی حاضر شد قسمتی از آزادی‌های خود را به دیگران داده و دسته‌ای از خواسته‌های خود را برای این که دیگران هم به آرزوی خود برسند کنار نهد، آن روزی که حاضر شد به دیگران برای انجام خواسته‌هایشان کمک نماید این حقوق بر او مسلم می‌گردد. جامعه‌ای که حکومت می‌کند باید این حقوق را تأمین نماید. نظری به طرز تقریر خواسته‌های بشری وظایف دیگر حکومت دموکراتیک را معین می‌کند.

اگر ضروریات حیاتی بشر از طبیعت حیوانیش سرچشمه می‌گیرد نیازمندی‌های آدمی زائیدهٔ آموخته‌های آدمی است. منبع آموخته‌های ما هر چه می‌خواهد باشد (تاریخ، سرگذشت دیگران، تجربیات و معلومات خودمان، محیط زندگی خود و یا محیط زندگی دیگران) از این منبع است که مصالح ساختن خانهٔ آرزو را تهیه می‌کنیم. آن که هرگز اتومبیل ندیده هیچ گاه آرزوی اتومبیل نمی‌کند. آن که حدود معلوماتش کافی برای درک زیبایی‌های کلمات سعدی نیست علاقه‌ای به خواندن گلستان ندارد. آن که جز نان خالی غذایی ندیده و نجشیده است فقط نان خالی مورد نیازش می‌باشد. پس هر قدر آموخته‌های ما بیشتر باشد دامنه آرزوها وسیع تر و به طور کلی خواسته‌ها ظریف تر و لذیذتر است. رسیدن به خواسته‌های فعلی آدمی را سعادت مند می‌سازد، ولی این سعادت و خوشبختی مناسب با آموخته‌های روز است و هر قدر دامنه آموخته‌ها وسیع تر گردد خوشبختی و سعادت از نوع بالاتر و ممتازتر و در نتیجه عمیق تر

خواهد بود. حکومت باید سطح آموخته‌های افراد را هر آن بالاتر برده [و] تقریر خواسته‌های جدید و عالی‌تری را میسر سازد. حکومت نباید به تهیه وسایل خوشبختی که متناسب با وضع امروز است اکتفا کند بلکه باید بکوشد تا فرد را به خوشبختی‌هایی که تمدن عالی بشر اجازه می‌دهد نایل سازد. تهیه وسایل ترقی افراد و جامعه از وظایف حکومت است. حکومت باید مترقی باشد و وسایل تکامل را برای تمام افراد مهیا سازد، مخصوصاً که میل به تکامل یکی از بزرگترین و عالی‌ترین خواسته‌های بشری است. همین که افراد، جامعه تشکیل داده [و] حکومتی برای خود برگزینند تشکیل یک ملت می‌دهند. قوانین مملکت و سازمان‌های مملکت طوری است که اکثریت افراد بتوانند به آرزوهای خود برسند. از طرف دیگر داشتن زبان مشترک، مذهب مشترک، تاریخ مشترک و بالاتر از همه فرهنگ و عادات و رسوم مشترک، آرزوهایی ایجاد می‌نماید که مشترک تمام ملت بوده و مخصوص آن ملت است و هیچ ملت دیگری نباید سد راه نیل به آنها گردد.

فقط ایرانیان هستند و لاغیر که آرزومند بزرگی و عظمت ایران بوده، از ذکر افتخارات گذشته ایران خوشحال می‌شوند. فقط ایرانیان هستند که در روز اول فروردین می‌خواهند لباس نو بپوشند، می‌خواهند در جشن و شادی باشند. چون در طول سال‌ها و قرن‌های متمادی افرادی پدر در پدر باهم زندگی کرده و در غم و شادی شریک بودند، بلاهای آسمانی، سختی‌های طبیعت و ستم ستمگران را مشترکاً تحمل کردند. ملتی تشکیل می‌گردد که در میان ملل دیگر دارای خصوصیات معین بوده و به منزله یک واحد مشخصی در جامعه بشریت خودنمایی می‌کند، آرزوهایی مخصوص به خود دارد که برای نیل به آنها باید آزاد باشد و اگر این آزادی از او سلب شد از سعادت محروم شده است. آزادی ملت‌ها را استقلال می‌نامند آزادی و استقلال معرف یک حالت هستند و این حالت آزادی است، حالت آزادی فرد را در ملل استقلال می‌گویند و از این جهت استقلال مانند آزادی برای سعادت افراد و ملل لازم بوده هر دو حکومت دموکراتیک را نتیجه می‌دهند.

آن‌جا که دموکراسی نیست استقلال دوام نخواهد داشت، آن‌جا که استقلال نیست حکومت دموکراتیک هرگز عملی نخواهد شد. استقلال حکومت‌های غیردموکراتیک پایدار نمی‌باشد. چه در چنین حکومت‌ها ترقی و خوشبختی برای افراد موجود نبوده و این دو علت ملت را ناراضی و ضعیف نگاه می‌دارد. جامعه [ای] که افراد آن ناراضی و ناتوان هستند استقلالش

دستخوش هوی و هوس همسایه‌های قوی‌تر است. هر دفعه که مورد تهاجم قرار گرفت قوای نظامی به سهولت متلاشی می‌گردد و بر فرض هم که تهاجمی در بین نباشد، عدم رضایت مردم، طبقه حاکمه را همیشه تهدید می‌کند و حکومت که در داخل پشتیبانی ندارد برای فرمانفرمایی خود مجبور می‌شود که به خارجی تکیه کند و استقلال مملکت را فدای بقای فرمانفرمایی خود سازد. پس ملتی که حکومت دموکراتیک ندارد استقلال نخواهد داشت و از طرف دیگر ملتی که در تحت استیلای دولت‌های خارجی است هیچ‌گاه قادر نخواهد بود که حکومت خود را دموکراتیک سازد، چه حکومت دموکراتیک در دنبال آرزوهای ملت خود می‌رود، در صورتی که وظیفه دولت‌های غیرمستقل انجام اوامر و دستورات دولت خارجی است. حکومتی که بر خارجی تکیه می‌کند منافع و آرزوهای خارجی را در نظر باید بگیرد و در این صورت نمی‌تواند دموکراتیک باشد.

از این جهت است که حزب ایران، که خواهان سعادت ایرانیان و عظمت ایران می‌باشد، حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی را در سرلوحه مرام خود قرار داده است.

سند شماره ۳

مکاتبه دبیر کمیته مرکزی حزب ایران درباره بازداشت ابوالفضل قاسمی (دبیر حزب ایران شعبه درگز) به دستور فرمانداری مشهد و درخواست آزادی ایشان

حزب ایران

جناب آقای نخست‌وزیر

منظور از تقدیم این نامه استحضار خاطر عالی به مصائب افراد بی پناه ایرانی است که به جرم میهن‌پرستی و پرهیزکاری در گوشه و کنار ایران شبانه روز به تازیانه سیاست و عقوبت گرفتارند.

افراد حزب ایران درگزر چندین سال است که به سبب مبارزه با دستگاه چپاول آن شهرستان به انواع مصائب و محن مبتلی هستند. دشمنان حریت و تقوا به وسائل مختلف همیشه به آزار آنها پرداخته‌اند. در آن ایام که نیروی بیگانگان در ایران بود، همان افرادی که وجود حزب ایران را مزاحم خود می‌دانستند افراد حزب را نزد مقامات نظامی خارجی فاشیست قلمداد کرده به این بهانه خانه‌های آنها را غارت و عده‌ای را نیز به زندان افکندند، پس از تغییر اوضاع دیگر اتهام فاشیست برای پرونده سازی مفید نبود، لذا عناوین جدید از قبیل کمونیست، چاقوکش و امثال آن را یافته در این زمینه برای افراد حزب یک سلسله اتهامات پوچ که کذب محض و دروغ صرف است اختراع و با اتکاء به آنها پرونده‌هایی ساخته‌اند.

از شش ماه قبل تجری مغرضین مفسد به جایی رسیده که آقای ابوالفضل قاسمی دبیر سابق درگزر حزب ایران را که نزد تمام مردم آن شهرستان به وطن پرستی و تقوا شناخته شده است شدیداً در مضیقه گذاشته و بنا بر تلگراف شکایتی که در تاریخ ۱۳۲۷/۸/۱۸ [۱۳] واصل و از طرف عده بسیاری از اهالی درگزر امضا شده بود اطلاع حاصل گردید که شهربانی درگزر به دستور بخشداری پنج سال تبعید آقای قاسمی را به ایشان شفاهاً ابلاغ و وی را ملزم به حرکت کرده است. پس از حرکت مشارالیه به مشهد و مراجعه به استانداری، حکم تبعید پنج سال به سه ماه بازداشت تبدیل و برای تصویب وزارت کشور به تهران ارسال می‌گردد. مشارالیه برای تظلم در تهران به وزارت کشور رجوع می‌کند و با راهنمایی و کمک‌هایی که از طرف حزب ایران و آقای مکرم نماینده محترم مجلس به عمل آمد، پس از حصول اطمینان ایشان به مشهد مراجعت کردند. ولی بعد از ورود به مشهد پس از چهل روز آوارگی بنا بر نامه مورخ ۱۳۲۷/۹/۱۲ آقای قاسمی در تاریخ ۱۳۲۷/۹/۱۰ بدون ابلاغ حکم قبلی به اتکای دستور آقای اسدی فرماندار مشهد از طرف شهربانی جلب و بازداشت شده‌اند.

جناب آقای نخست‌وزیر، آقای قاسمی از افراد بسیار شریف و نجیب ایرانی است و اساساً ظن شرارت درباره ایشان غیر قابل تصور است و به علاوه هیچ‌گونه اتهام دیگری از قبیل تبلیغ کمونیسم و امثال آن به وسیله وی که عضو حزب ایران است معقول نیست. بنابراین یقین حاصل است که گرفتاری ایشان مبنایی جز القای شبهه و اعمال غرض ندارد. تمنا می‌شود مقرر فرمایند وزارت کشور برای استخلاص آقای قاسمی اوامر اکیده فوراً صادر فرماید و

ضمناً پرونده امر به وسیله عناصر غیرمغرض و مورد اطمینان آن جناب مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد. با اطمینان کاملی که به روح عدالت گستر آن جناب حاصل است امید است به شرح فوق عنایت فرموده با استخلاص آقای قاسمی مغرضین مفسد را مرعوب و قانون و عدالت را تقویت فرمایند.

جاوید باد ایران
دبیر کمیته مرکزی
[امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا]: تأمل کنند تا استاندار تعیین شود. ۲۷/۹/۲۲

[حاشیه پایین]: فعلاً بایگانی شود تا استاندار معلوم گردد.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۸۹۰۱/۲۰۰

تاریخ: ۱۳۲۷/۹/۳۰

سند شماره ۴

گزارش‌های شهربانی گیلان در مورد سخنرانی محمدرسول سلامت بخش (عضو حزب ایران) در مورد النغای امتیاز بانک شاهنشاهی و انتقاد از دولت به دلیل طرح مسأله استقراض از آمریکا

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۵۴۱۴/۴۱۱۹

تاریخ: ۱۳۲۷/۱۰/۱۹ [۱۳]

رونوشت: گزارش شهربانی گیلان

شهربانی کل کشور - اداره کارآگاهی

به عرض می‌رساند ساعت ۱۷ روز جمعه ۱۷ ماه جاری در سالن حزب ایران پس از خواندن

و نواختن سرود حزبی، آقای محمدرسول سلامت‌بخش در اطراف امتیاز بانک شاهنشاهی و چگونگی اعطاء امتیاز آن سخنرانی بیان داشت: امروز که مطابق ۷ ژانویه ۱۹۴۹ می‌باشد مدت ۷ روز از امتیاز ۶۰ ساله آن می‌گذرد در حالی که می‌بایستی اولیای دولت امتیاز آن را لغو نمایند. ولی شنیده می‌شود آقای ساعد اظهار داشته که امتیاز بانک مذکور لغو نگردیده و تجدید امتیاز هم به عمل نمی‌آید. ولی بانک مذکور به عنوان یک مؤسسه اقتصادی به کار خود ادامه خواهد داد و اضافه نمود چنانچه این سخن راست باشد، در واقع خیانت بزرگی به اقتصادیات این کشور گردیده است. سپس شمه‌ای در اطراف چگونگی اعطای امتیاز آن در زمان ناصرالدین شاه و مخالفت همسایه شمالی با دادن امتیاز آن سخنرانی و اضافه نمود بانک شاهنشاهی ثروت ما را از ایران خارج می‌نماید و حتی به ملت و استقلال ما لطمه وارد می‌آورد و چنانچه دولت در لغو امتیاز آن اقدامی نکند، وظیفه ملت ایران است که از هر نوع معامله با بانک مذکور خودداری و بدین وسیله موجبات انحلال بانک را فراهم نمایم و در خاتمه جمعیت را به خودداری از هر نوع معامله و بردن امانت به بانک مذکور ترغیب و سخنرانی در ساعت ۱۹ خاتمه یافته است. به استانداری استان اول و تیپ گیلان نیز گزارش گردیده است. محل امضای رئیس شهربانی گیلان.

رونوشت با اصل برابر است. [امضا: ناخوانا] [۲۷/۱۱/۱۱] [۱۳]

سند شماره ۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

فوری - محرمانه

شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی

به عرض می‌رساند. ساعت ۱۷/۴۵ روز جمعه ۲۳ ماه جاری در سالن^۱ حزب ایران پس از

خواندن و نواختن سرود حزبی نخست محمدرسول سلامت‌بخش در باب مخالفت^۱ حزب ایران در مورد گرفتن قرض از دولت آمریکا سخنرانی بیان داشت: که در زمان دولت قوام نمایندگان مجلس در برنامه هفت ساله اظهار عقیده کرده بودند که باید چند میلیون دلار از دولت آمریکا به منظور عمران و آبادی کشور وام گرفت و پس از سقوط دولت مزبور دولت فعلی نیز لایحه‌ای برای اخذ ده میلیون دلار قرضه از دولت آمریکا به مجلس تقدیم نموده که مورد رسیدگی است و حزب ایران با این موضوع جداً مخالفت دارد بخصوص که قصد دارند قرضه مزبور را صرف خرید اسلحه برای تقویت ارتش نمایند. در صورتی که در ارتش نظم و انضباط وجود ندارد و بدون آن ارتش تقویت نخواهد شد. در این صورت چنانچه دولت می‌خواهد قرضه بگیرد باید صرف آبادانی کشور گردد و از خرید اسلحه و تقویت ارتش جز موجبات رنجیدگی همسایه شمالی نفعی متصور نخواهد بود و اضافه نمود که در زمان ناصرالدین شاه چند میلیون لیره از دولت انگلستان قرضه گرفته شده که هنوز پرداخت نگردیده است و در نتیجه کلیه عوارض گمرکی جنوب را دولت انگلیس اخذ می‌نماید. سپس آقای زمردی سرمقاله روزنامه نبرد امروز را که مضمون آن تحولات و اشتباهات دولت شوروی بوده برای حضار قرائت و پیش پرده [ای] به مضمون (نگهداری از پرچم به وسیله جلدگیری نام نمایش داده و ساعت ۱۹/۳۰ سخنرانی به پایان رسیده است).

رئیس شهربانی گیلان
سرهنگ تورج امین

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۵

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری راجع به جلسه سخنرانی اعضای حزب ایران درباره سوء قصد به شاه، امتیاز نفت داری و ادامه فعالیت های بانک شاهنشاهی در ایران

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

ضمیمه: دارد، ۱۴۷۱۵/م
محرمانه

تاریخ: ۱۳۲۷/۱۲/۲۲
شماره: ۱۴۹۴۰/ی

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش شماره ۶۲۰۶ شهربانی گیلان راجع به سخنرانی هفتگی در حزب ایران تلواً جهت استحضار عالی تقدیم می گردد.

به جای وزیر کشور

[امضا: احمد فریدونی]

[حاشیه پایین: ملاحظه شد. ضبط شود. ۱۳۲۷/۱۲/۲۵]

سند شماره ۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت نامه شماره ۶۲۰۶ شهربانی گیلان

مقام استانداری استان اول، به عرض می رساند روز جمعه ۲۹ ماه جاری در سخنرانی هفتگی

حزب ایران نخست آقای لواسانی دادیار دادسرای رشت سخنرانی اظهار نمود: فعلاً نمایندگان دولت انگلیس در تهران راجع به امتیاز نفت مشغول مذاکره هستند و افکار عمومی بر آن است که بیش از این دولت مذاکرات مزبور و همچنین علت توقیف جراید را در پرده نگاه ندارد. سپس سرود حزبی خوانده و نواخته شد. آقای فرجاد در سخنرانی بیان داشت هفته گذشته اعلامیه دربار درمورد سوء قصد به اعلی حضرت همایونی در رادیو منتشر ولی حزب ایران نتوانسته نظر خود را اظهار نماید، اکنون این حزب تنفر شدید خود را از این سوء قصد ابراز و برخلاف بعضی ها که حزب را در شرکت به آن متهم می نمایند، ولی با تصدیق دوست و دشمن، این حزب متکی به جایی نمی باشد. بعداً آقای رسول سلامت بخش از انقضای امتیاز بانک شاهنشاهی سخن گفته و بیان داشت امتیاز نفت در دوره های قبل به دولت انگلستان داده شده و در زمان رضاشاه فقید تجدید امتیاز گردیده و همان طوری که آقای تقی زاده در مجلس گفته اند از روی اجبار بوده و حق ملت ایران تزییع شده، باید حق از بین رفته مسترد گردد و اینک من به صدای بلند می گویم مرده باد استبداد و زنده باد آزادی (حاضرین هم چندین بار این دو جمله را به صدای بلند تکرار نمودند) و در پایان نسبت به تاریخچه برقراری نفت بیان نمود: در سال ۱۹۰۱ شخصی به نام داری اهل استرالیا ظاهراً به نام جهانگردی و در باطن برای تفحص [و] کنجکاوی منابع ایران به ایران وارد و موفق شد از مرحوم مظفرالدین شاه^۱ دستخط امتیاز را تحصیل نماید و پس از چندی در خوزستان مشغول بررسی گردید. در اثر پیری و ناتوانی به انگلستان مراجعه و سرمایه داران انگلیس در صدد به دست آوردن امتیاز نفت از داری برآمده و حتی او را تهدید نموده تا بالاخره یک نفر کشیش که در باطن جاسوس انگلستان بوده در نیویورک موفق گردیده که برگزاری نفت را از او امضا بگیرد و از [آن] تاریخ شرکت نفت ایران و انگلیس تأسیس یافت و اضافه نمود که ملت ایران باید بیدار بوده و سعی نماید در دوره شانزدهم وکلای صالح و پاکدامن به مجلس معرفی نماید. در پایان اعلامیه ای را که هفته گذشته قصد انتشار آن را در شهر داشتند، چون چاپخانه بعد از این که بایستی از شهربانی و استانداری اجازه آن صادر گردد حاضر به طبع نگردیده بود، برای حضار قرائت، چون موضوع بیانیه بحث در اطراف امتیاز نفت و بانک شاهی بوده و با اوضاع و احوال فعلی

۱. در اصل: ناصرالدین شاه.

وفق نمی‌داد حامل بیانیه را به استانداری استان اول دلالت و در نتیجه موفق به چاپ نگردیده‌اند. ساعت ۲۰ سخنرانی خاتمه و جمعیت متفرق گردیده‌اند. مراتب استحضاراً معروض گردید.

رئیس شهربانی گیلان
سرهنگ شوکت^۱، امضا

رونوشت برابر اصل است، امضا

رونوشت برابر با رونوشت است. [امضا: ناخوانا] ۱۸/۱۲/۱۳۲۷]

سند شماره ۶

مکاتبهٔ استانداری گیلان با نخست وزیری در مورد احضار و تبعید سیداسماعیل فرجاد (از اعضای حزب ایران) به اتهام تشویش اذهان عمومی

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان اول

شماره: ۱۵۸

تاریخ: ۱۳۲۸/۵/۳

محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر

با کمال ادب به عرض می‌رساند سیداسماعیل فرجاد کارمند ادارهٔ پست و تلگراف استان یکم (رشت) عضو حزب ایران، مردی [ناراحت و از عناصر نامطلوب و دائماً با وسایل مختلف و تبلیغ، اذهان عمومی را مشوب می‌نماید و ادامه خدمت او را در این استان مصلحت نمی‌داند.

استدعا دارم برای انتقال او امریه لازم به وزارت پست و تلگراف صادر فرمایند.

استاندار

[امضا: محمدعلی مجد]

[حاشیه پایین: شرحی به وزارت پست و تلگراف برای احضار آن شخص نوشته شود.

[۱۳۲۸/۵]/۶

سند شماره ۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

[شماره: ۱۶۹۸۷]

[تاریخ: ۱۳]۲۹/۵/۱۸

جناب آقای نخست وزیر

پیرو معروضه ۱۶۴۵۷ [مورخ: ۱۳]۲۹/۵/۱۶ محترماً معروض می‌دارد که حسب الامر مبارک آقای اسماعیل فرجاد کارمند اداره پست و تلگراف رشت امروز به مرکز وارد و خود را معرفی نموده است. مشارالیه اظهار می‌دارد که چون مادرش در رشت مریض و ناگزیر است از او پرستاری نماید، تقاضا دارد مدتی به او مرخصی داده شود تا بتواند پس از معالجه و بهبودی او را به مرکز آورده و ترک علاقه از رشت بنماید. اینک استدعا می‌نماید مقرر فرمایید به وضعیت مشارالیه رسیدگی نموده و امر مبارک را نسبت به محل خدمت و موضوع تقاضای او ابلاغ نمایند تا از همان قرار اجرا گردد.

به جای وزیر پست و تلگراف و تلفن

مهندس اشراقی

[امضا]

[حاشیه پایین: سابقه. ۱۳]۲۹/۵/۱۸

سند شماره ۶/۲

گزارش

محترماً، استانداری رشت آقای اسماعیل فرجاد کارمند پست و تلگراف رشت را به عنوان این که از عناصر نامطلوب و ناراحتی است صلاح ندانسته در رشت بماند که حسب الامر احضار و به مرکز آمده، اینک نامبرده به نام این که مادرش در رشت بیمار است تقاضای مدتی مرخصی و رفتن به رشت را نموده، اصولاً چون نظر اصلی طرد نامبرده از رشت بوده، این تقاضا به نظر تشبیهی می رسد که مجدداً به رشت برگردد. علی هذا وزارت پست و تلگراف در این مورد مترصد اوامر مبارک است.

نجم آبادی

[امضا]

[حاشیه پایین:] خیر، اجازه داده نمی شود. بایستی در تهران بماند مگر این که از خدمت دولت به کلی خارج شود.

سند شماره ۶/۳

[شیر و خورشید]

دفتر نخست وزیر

شماره عمومی: ۱۶۶۵/۴

تاریخ ثبت: ۱۳۲۹/۵/۲۱ [۱۳]

محرمانه

وزارت پست و تلگراف و تلفن

بازگشت به نامه شماره ۱۶۹۸۷ مورخه ۱۳۲۹/۵/۱۸ [۱۳] راجع به مراجعت آقای اسماعیل فرجاد به رشت، به عرض جناب آقای نخست وزیر رسید، فرمودند خیر، اجازه داده نمی شود، بایستی در تهران بماند مگر آن که از خدمت دولت به کلی خارج گردد.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

سند شماره ۷

مکاتبه حسین نوری زاده با نخست وزیری در خصوص شکایت از مدیر رستوران شهرداری و کمیته مرکزی حزب ایران به علت عدم پرداخت درآمد حاصله از گاردن پارتنی به شیرخوارگاه تهران

بنگاه شیرخوارگاه

شهر تهران

شماره: ۲۱۱۸

تاریخ: ۱۳۲۹/۶/۲۶

حزب ایران

بنگاه شیرخوارگاه شهر تهران

پاسخ نامه شماره ۶۳۰ [مورخ] ۱۳/۲۹/۶/۱ [اشعار می دارد گاردن پارتنی که از شب جمعه ۱۳/۲۹/۶/۳ لغایت سه ماه، در کافه رستوران شهرداری، برقرار خواهد بود، طبق اجازه نامه وزارت کشور و به نفع حزب ایران خواهد بود. توضیح این که اداره آن به عهده مدیر کافه رستوران مذکور برگزار شده است.

جاوید باد ایران

به جای دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ایران

مهندس موحد

رونوشت مطابق است با اصل. [امضا: ناخوانا]

[مهر: بنگاه شیرخوارگاه شهر تهران]

سند شماره ۷/۱

حسین نوری زاده

ساله: ۱۳۲۹/۷/۲۳

تلفن: (۴۷۳۹)

جناب اشرف آقای نخست وزیر دامت عظمة

امروز چندین روز است در جراید چپی ها به قلم سرمد وشادابها به آقای دکتر نامدار و بنده

فحش می‌دهند. دربارهٔ خودم عرضی ندارم زیرا آنها که باید بنده را بشناسند می‌شناسند. فقط یک نکته ضرورت افتاد که مستقیم به عرض برسانم.

در بهار امسال مدیر کافهٔ شهرداری شیرخوارگاه پیشنهاد کرد که اگر شهربانی به من اجازه تأسیس گاردن پارتی بدهد نصف عواید را می‌دهم به شیرخوارگاه، بنده که جزء هیأت مدیره بودم پاسخ دادم به شرطی که در آگهی نویسد (به نفع شیرخوارگاه) موافقم. بعد آنچه از شهربانی برای رعایت منافع یک مشت بچه یتیم تقاضای موافقت کردیم، اجازه ندادند تا دو ماه قبل آگهی گاردن پارتی کافهٔ شهرداری که به شرکت سرمد دایر است در جراید خوانده شد. نوشتیم به کافه‌چی که سهم شیرخوارگاه شهرداری را بده. مدیر کافهٔ مزبور نامه‌ای به امضای کمیتهٔ حزب ایران (نریمان، صالح، مکی، بقائی...) فرستاده که برای استحضار خاطر جناب اشرف رونوشتش پیوست است. شهربانی زمان حکومت جناب اشرف این موافقت را کرده حالا قصه چیست؟

آقای سرمد که چهار هزار متر کافهٔ شهرداری را با شرکت کافه چی در زمان دولت آبادی برده مرغدانی کرده و کافه را ۲۵ هزار متر برده به ماهی هزار تومان و تنها دویست هزار تومان سرقفلی از یک گیر گرفته و استخر^۱ شنا اجاره داد. چون مورد تعقیب شهرداری واقع شده آنچه به هر جا زد توفیق پیدا نکرد. رفت با جبهه ملی ساخت و کمیتهٔ حزب ایران اجازهٔ استفاده از گاردن پارتی داده آنها هم از شهربانی جناب اشرف اجازه گرفته و فعلاً مشغول سرکیسه کردن مردم و عرق فروشی برای مخالفت با دولت جناب اشرف مشغولند. من تعجب می‌کنم کسی [که] تا دیروز در اطراف جناب آقا سیدضیاءالدین بهره‌مند بود و شاید یک میلیون تومان از طرف او و توصیه او بهره‌مند گردیده در لندن خود را به تشکیلات «اسکاتلند یارد» فروخته در تهران زمان صفاری جاسوسی می‌کرده، فعلاً در دربار خود را جا کرده، خدا رحم کند که از آن‌جا چه اخبار دروغ به ارباب‌های بیگانه بدهد. البته در ستاد ارتش هم گاهی خود را نشان می‌داده. امروز برای بردن کافهٔ شهرداری و فحش دادن به ماها خود را به نریمان و مکی چسبانده، چطور جرئت می‌کند باز خود را یک^۲ فرد ایرانی با شرف معرفی کند.

بنده قربان ریاست ادارهٔ حقوقی شهرداری را قبول نکردم، به تقاضای آقای دکتر نامدار

۱. در اصل: اصطرخ

۲. در اصل: به یک.

برای سر و صورت دادن به اداره حقوقی قبول کردم شش ماهه سرپرست باشم، دیناری حقوق هم نگرفتم و به فضل الهی دزدها را امروز جای خودشان هم تاحدی نشاندم، تا دو ماه دیگر بزرگترین خدمت خود را با سند که سرمایه بزرگی برای شهرداری است ارائه می‌دهم، این طور مورد فحش و ناسزا می‌شوم. نمی‌دانم آنهایی که پالانشان هم کج است چه روزگاری خواهند داشت. در پایان بنده فقط تمنا دارم از شهربانی ستوال بفرمایید که این اجازه را به دشمن چرا دادند و چرا درباره شیرخوارگاه موافقت نکردند.

با تقدیم فدویت و احترامات فائقه

[امضا: حسین نوری‌زاده]

[حاشیه راست:] عطف به نمره...^۱ دستور لازم داده شد که راجع به نظریه عالی هم اقدام شده و از عملیات بی‌مورد اشخاصی که نام برده شده بود جلوگیری شود. به اداره شهربانی نیز تذکر لازم داده شد.

سند شماره ۷/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره: ۱/۱۸۳۱۴

تاریخ: ۱۳۲۹/۷/۲۴

آقای حسین نوری‌زاده

عطف به نامه مورخه ۱۳/۲۹/۷/۲۳ [۱۳] دستور لازم داده شد که راجع به نظریه عالی اقدام شده و از عملیات بی‌مورد اشخاصی که نام برده شده بود جلوگیری شود. به اداره شهربانی نیز تذکر لازم داده شد.

نخست‌وزیر

۱. نقطه‌چین مربوط به اصل سند است.

سند شماره ۷/۳

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۲۹/۷/۲۵

شماره: ۲۹۱۷/۴

محرمانه - مستقیم

شهربانی کل کشور

طبق اطلاع واصله از طرف آن اداره به آقای سرمد و شادابها اجازه ایجاد گاردن پارتی در کافه شهرداری داده شده و در آنجا اعضای کمیته حزب ایران به فعالیت برعلیه مقامات مربوطه پرداخته و حتی هیچ وجهی به مؤسسات خیریه نپرداخته‌اند. لازم است توضیح دهید علت عدم مطالعه در موقع دادن اجازه برای ایجاد چنین مؤسساتی چه بوده و در جلوگیری از اعمال بی‌رویه آنها اقدام مقتضی معمول و نتیجه را گزارش دهید.

نخست وزیر

سند شماره ۷/۴

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۲۹/۷/۲۷ [۱۳]

شماره: ۲۵۰۴۷/ک

جناب آقای نخست وزیر

مطوباً به مرقومه شماره ۲۹۱۷/۴ [مورخ] ۱۳۲۹/۷/۲۵ [۱] راجع به گاردن پارتی کافه

رستوران شهرداری محترماً به استحضار عالی می‌رساند.
طبق نامه شماره ۱۶۱۶۷/۳۵۸ [مورخ: ۱۳/۳/۲۷] وزارت کشور، بنا به تقاضای کمیته مرکزی حزب ایران کمیسیون نمایشات^۱ آن وزارتخانه موافقت نموده است هفته [ای] دو شب، شب‌های جمعه و شنبه برای مدت سه ماه در کافه رستوران مزبور گاردن پارتی دایر شود، از این لحاظ در اجرای مفاد نامه به علت تصادف با ماه محرم و ایام سوگواری موقتاً تعطیل گردیده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور
سرهنک سرتیپ پور کارگشا
[امضا]

[حاشیه پایین: سابقه. ۱۳۲۹/۷/۲۷]

[حاشیه بالا، اول: به بازرسی فرستاده شود. ساعت ۱۸]

[حاشیه راست: آقای تابشی فرمودند بازرسی نخست‌وزیری زودتر نتیجه‌گیری و نظریه خود را در مورد این پرونده اعلام دارند. [امضا: ناخوانا] ۱۳/۲۹/۸/۲۳]

[حاشیه بالا، دوم: اقدامی ندارد.]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر]

شماره: ۲۹۷۲/۴

تاریخ: ۱۲/۲۹/۷/۲۹

ساعت: ۱۳

سند شماره ۸

مکاتبة وزارت کشور با نخست وزیری در مورد برگزاری سخنرانی هفتگی حزب ایران در رشت راجع به ملی شدن نفت و عملیات شرکت نفت در جنوب کشور

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

تاریخ: ۱۳۲۹/۱۰/۷

شماره: م/۸۸۱۳

ضمیمه: دارد

محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش ۲۱۱۵۱/۶۷۸۴ [مورخ] ۲۹/۹/۱۹ [۱۳] شهربانی رشت که به وسیله شهربانی کل کشور رسیده جهت استحضار خاطر عالی به پیوست ایفاد می گردد.

از طرف وزیر کشور

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین:] در جلسه سخنرانی هفتگی حزب ایران راجع به عملیات شرکت نفت در جنوب و این که نفت باید ملی شود و مبارزه در این مورد شدیداً ادامه خواهد داشت، بیاناتی به وسیله دو نفر ایراد شده است.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۳۸۵۴/۴

تاریخ: ۱۳/۲۹/۱۰/۷

سند شماره ۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

تاریخ: ۱۳۲۹/۹/۱۹ [۱۳]

شماره: ۶۷۸۴

رونوشت: گزارش شهرداری رشت

شهرداری کل کشور، اداره کارآگاهی، روز جمعه ۱۷ ماه جاری جلسه سخنرانی هفتگی در کلوب حزب ایران تشکیل، پس از معرفی^۱ ناطقین [به] وسیله آقای محمد رسول سلامت بخش، آقای خورگامی در اطراف اعمال شرکت نفت جنوب بیان داشت: به طوری که اکثریت ملت ایران بعد از دوره بیست ساله دریافته اند، بزرگترین منبع اقتصادی ایران تحت سلطه کمپانی نفت افتاده و تمام عایدات صرف تقویت نیروی دریایی انگلستان می گردد. در آن زمان ملت ایران هیچ گونه ابراز عقیده درباره نفت نمی نمودند و پس از طی دوره بیست ساله پرده از روی کار برداشته شده و با تشکیل احزاب و اتحادیه، مردم فهمیدند که شرکت نفت به تمام شئون ملی مداخله نموده^۲ و حق اجتماعی آنان را از بین برده است و این شرکت که دارای بزرگترین ثروت در ایران می باشد به طور کلی در امور اقتصادی و سیاسی داخلی و خارجی ما مداخله و هر وقت ملت ایران بخواهند برای ازدیاد و حق خود جنبشی بنماید شرکت نفت با دست عمال خود اعمال آنها را خنثی می نماید. مثلاً گاهی سران قبایل را بر علیه دولت مرکزی شورانیده و وقایع ۱۵ بهمن را ایجاد و بدین وسیله منظور خود را عملی و جنبش ملی را متوقف می سازند و نیز در امور سیاست خارجی به قدری نفوذ دارد که حتی دیده یا شنیده نشده که یکی از روزنامه های خارجی بر علیه شرکت چیزهایی بنویسند و سفرای ما در خارجه برای یک بار هم با مخبرین و روزنامه نگاران خارجی تماس نگرفته اند که تا از فجایع و حق کشی شرکت نفت اظهاراتی نموده و خواسته های ملت ایران را به گوش ممالک دیگر برسانند و اضافه نمود

۱. در اصل: مرعفی.

۲. در اصل: ننموده.

که ملت ایران در اثر مبارزات شجاعانه وکلای اقلیت مجلس شورای ملی توانسته است لایحه قراردادی (گس - گلشائیان^۱) را از کمیسیون نفت رد نماید و این اولین قدمی بود که اقلیت^۲ مجلس توانستند بردارند. ولی باید دانست که این^۳ قرارداد کافی نیست و باید ملی نمودن نفت را خواستار شد و با مبارزات شدید و شکایت به سازمان ملل متفق و دولت‌های بزرگ بی طرف، فجایع شرکت را آشکار و تقاضای رسیدگی می‌نماییم و این موضوع هم البته با داشتن یک دولت ملی امکان‌پذیر می‌باشد و اضافه نمود که متأسفانه اهالی گیلان هیچ‌گونه احساساتی ابراز نداشته و پس از استماع رد قرارداد برخلاف انتظار با مخابره تلگراف و تظاهرات نمایندگان اقلیت مجلس را تشویق و تقویت^۴ نمودند و چنانچه نفت جنوب را ملی نماییم دولت انگلستان هیچ‌گونه اقدامی بر علیه^۵ ما نمی‌تواند به عمل آورد. زیرا در حال حاضر دولت انگلستان دچار ضعف اقتصادی بوده و مبالغ زیادی به دولت آمریکا مقروض می‌باشد و حتی نمی‌تواند از وجود سربازان دول مشترک المنافع خود استفاده و بر علیه ما اقدامی بنماید. در پایان آقای هرشاد^۶ دانش‌آموز دبیرستان شاهپور رشت، عضو حزب ایران، قطعه شعری که حاکی از وضع کارگر و انتظار بهبود زندگی آنان بوده، قرائت ساعت ۱۸ خاتمه و جمعیت که بالغ بر صد نفر بودند متفرق گردیدند.

رئیس شهربانی گیلان [و] رشت

سرتیپ همایون‌نفر

محل مهر و امضا

ورود به دفتر کارآگاهی ۳۱۲۹۷ [مورخ] ۲۳/۹/۱۳ [۱۳]

ورود به دفتر دایره سوم ۵۲۶۱ [مورخ] ۲۵/۹/۱۳ [۱۳]

ورود به دفتر شهربانی کل کشور ۳۳۳۴۲ [مورخ] ۲۶/۹/۱۳۲۹

رونوشت برابر اصل است.

۱. در اصل: گلپائیان گس.

۲. در اصل: امنیت.

۳. در اصل: که در این.

۴. در اصل: تقیت.

۵. در اصل: بر عالیه.

۶. احتمالاً فرشاد صحیح باشد.

سند شماره ۹

مکاتبه شهربانی کل کشور با نخست وزیری در مورد فعالیت های احمد
زیرک زاده و برادرش (از اعضای حزب ایران) در کاشان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۲۱۴۱/۳۷۱۱۰

محرمانه - مستقیم

اداره: آگاهی

تاریخ: ۱۳/۲۹/۱۰/۱۴

جناب آقای نخست وزیر

پیرو گزارش روزانه مورخه ۱۳ آذرماه راجع به مسافرت مهندس احمد زیرک زاده عضو حزب
ایران به کاشان، رونوشت گزارش شماره ۴۹۴ [مورخ] ۱۳/۲۹/۹/۱۵ شهربانی مربوطه برای
استحضار خاطر عالی منضمماً تقدیم می گردد.

رئیس شهربانی کل کشور

سرتیپ دفتری

[امضا]

[حاشیه پایین]: ملاحظه شد.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۳۹۸۴/۴

تاریخ: ۱۳/۲۹/۱۰/۱۶

سند شماره ۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهریانی کل کشور

رونوشت نامه مورخه ۱۵/۹/۳۲۹/۱۱، شماره ۴۹۴

عطف به امریه تلگرافی رمز شماره ۳۰۱۹۳/۴۹۸۸ [مورخ ۱۳/۹/۳۲۹/۱۱] راجع به این که مهندس احمد زیرک زاده با متنفذین محلی تماس گرفته و درباره نفت تبلیغات می نماید، استحضاراً به عرض می رساند: طبق تحقیقاتی که به عمل آمده احمد مزبور به اتفاق برادرش فتح الله زیرک زاده آسفالت خیابان های کاشان را به مقاطعه کنترات نموده و مشغول زیرسازی آسفالت خیابان های شهری می باشند و روز ۱۳/۹/۳۲۹/۱۱ احمد نامبرده برای انجام کارهای مقاطعه به تهران رفته ممکن است تا ۴ روز دیگر به کاشان بیاید و در مدت اقامت کاشان نسبت به نفت تبلیغات و فعالیتی نکرده است. مع هذا پس از ورود عملیات او را تحت نظر قراردادده نتیجه را به عرض خواهد رسانید. رئیس شهریانی - سرگرد رحمدل

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۱۰

مکاتبه شهربانی کل کشور با نخست وزیری در مورد گزارش شهربانی گیلان از سخنرانی هفتگی حزب ایران راجع به سیاست خارجی و ملی شدن نفت

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: کارآگاهی

تاریخ: ۱۳۲۹/۱۱/۱۴

موضوع: پیوست

شماره: ۱/۳۵۸۶۸/۴۳۷۰۲

محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

تعقیب گزارش شماره ۱/۳۴۶۷۸/۴۱۳۳۲/۵۸۹۰ راجع به سخنرانی از طرف اعضای حزب ایران در گیلان، رونوشت گزارش اخیر شماره ۵۰۲۵/۷۵۰۸ [مورخ] ۱۳۲۹/۱۰/۲۳ [شهربانی مربوطه در مورد سخنرانی آقای وحید خورگامی عضو حزب مزبور برای مزید استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد.]

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سرهنک سرتیب پور کارگشا

[امضا]

[حاشیه پایین: ملاحظه شد.]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر]

شماره: ۴۴۶/۹/۴

تاریخ: ۱۳۲۹/۱۱/۱۵

سند شماره ۱۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

رونوشت: ۵۰۲۵/۷۵۰۸

مورخه: ۱۳۲۹/۱۰/۲۳

شهربانی رشت (گیلان)

شهربانی کل کشور، اداره کارآگاهی، تعقیب شماره ۴۹۲۴/۷۳۴۴ [مورخ] ۱۳۲۹/۱۰/۱۶ [۱۳] روز جمعه ۲۲ ماه جاری ساعت ۱۷ در کلوب حزب ایران سخنرانی هفتگی طبق معمول تشکیل ابتدا آقای محمدرسول سلامت بخش عضو حزب ایران سخنرانان را معرفی، سپس آقای وحید خورگامی عضو حزب مزبور نیز در اطراف مسایل روز سخنرانی نموده، ابتدا اوضاع سیاسی دنیا را تشریح و در اطراف جنگ کره اظهاراتی نموده، اضافه نمود که هر کشوری در سیاست خارجی خود متکی به دولت بیگانه‌ای باشد قطعاً روی عمران و آبادی را نخواهد دید و اوضاع کره را نیز شاهد ادعای خود قرار داده سپس از حزب منحل توده و نوع مبارزه حزب مزبور انتقاد و اظهار تفر نموده بیان داشت: پیشتران این حزب که خود را منجی طبقه کارگر می‌دانند دروغ گفته و قصدی جز فریفتن آنان و اندوختن مال ندارند و با اتکا به سیاست شوروی مملکت را به سوی فنا و انقراض سوق می‌دهند و اضافه نمود چنانچه ما علاقه‌مند به استقلال و بقای کشور خود باشیم نباید در سیاست خارجی از یک دولت بیگانه خواه انگلیس یا روس یا آمریکا پیروی کنیم و اگر برخلاف این رفتار کنیم به سرنوشت کره و ملت آن دچار خواهیم گردید و در پایان سخنرانی خود مردم را به دخالت در سیاست کشور تشویق و این امر را از واجبات دانسته و از حضار دعوت نمود که شعار ملی شدن نفت را به سینه خود نصب نمایند و بعداً آقای اسماعیل گلشنی یک صفحه از فرمایشات حضرت علی (ع)

را که از نهج البلاغه استنساخ نموده و حاکی از تنقید [و] زبونی^۱ و سست عنصری بوده قرائت، ساعت ۱۸^۱/_۴ سخنرانی خاتمه و مستمعین که بالغ بر صد نفر بودند متفرق گردیدند.
رئیس شهربانی گیلان رشت
سرتیب همایونفر
رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۱۱

مکاتبه وزارت امور خارجه با نخست وزیری در مورد پخش ترجمه نطق دکتر مصدق راجع به ملی شدن نفت در رسانه‌های خارج از کشور با همکاری حزب ایران و بازتاب مثبت آن

[شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

شماره: ۱۲۴۲۰/۳۱۴۹

اداره: اطلاعات و مطبوعات

تاریخ: ۱۳۰۴/۶/۱۳

پیوست: دارد

جناب آقای نخست وزیر

چندی قبل از طرف دبیرخانه حزب ایران تعداد پنجاه نسخه از ترجمه نطق جناب آقای دکتر مصدق در جلسه ۱۷ دسامبر ۱۹۵۰ مجلس شورای ملی در خصوص ملی کردن صنعت نفت در اختیار وزارت امور خارجه گذارده شد که برای نمایندگی‌های شاهنشاهی در خارجه یک نسخه آن ارسال گردید. اینک طبق گزارشات واصله غالب نمایندگی‌ها نطق مزبور را به تعداد زیادی پل‌کپی کرده و در دسترس مطبوعات و محافل ذی‌نفع کشور متوقف فیها گذارده‌اند و در محافل مربوطه بی‌نهایت حسن اثر بخشیده است. ضمناً به طوری که سفارت شاهنشاهی

۱. در اصل: از تنقید از زبونی.

ایران در دمشق گزارش می‌دهد نطق مزبور از طرف آن سفارت به عربی ترجمه و در شامی که به افتخار مطبوعات سوریه در عمارت سفارت داده بودند به هر یک از مدعوین یک نسخه داده شده است و روزنامه «الحضاره» چاپ دمشق نیز متن ترجمه عربی نطق را به چاپ رسانیده که عین قطعه آن لفاً جهت مزید استحضار تقدیم می‌گردد.^۱

از طرف وزیر امور خارجه

[امضا: ناخوانا]

[حاشیهٔ پایین، اول:]: ملاحظه فرمودند، جمال ملکوتی ۱۰/۴/۱۳۰۳

[مهر:]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۹۰۵۲

تاریخ: ۹/۴/۱۳۰۳

ادارهٔ امور

سند شماره ۱۲

گزارش شهربانی کل کشور در مورد اقدامات به عمل آمده از سوی اعضای حزب ایران برای تأسیس شعبه حزب مذکور در آبادان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

محرمانه - مستقیم

تاریخ: ۱۵/۴/۱۳۳۰

جناب آقای نخست‌وزیر

برای استحضار خاطر مبارک عین مفاد گزارش رمزی که در تاریخ ۱۴ ماه جاری از طرف

۱. بریده روزنامهٔ مذکور پیوست سند نبود.

کارآگاه ویژه اعزامی به آبادان واصل گردیده است ذیلاً به عرض می‌رساند: «در آبادان حزب متشکله وجود ندارد. آقای مهندس حسینی پس از ورود خود مقدمات تشکیل حزب ایران را فراهم کرده‌اند و در روز چهارشنبه ۱۲ تیر [اعضای] کمیته شهرستان آبادان انتخاب شدند ولی هنوز فرماندار نظامی و شهربانی با تشکیل این حزب موافقت نکرده‌اند. فعالیت‌های محسوس در جریان است که، با ورود آقای دکتر بقائی به آبادان، حزب زحمتکشان افتتاح شود. فعالیت حزب توده بسیار جزئی است. در یک هفته قبیل اعلامیه‌ای منتشر کردند که بلافاصله توسط مأمورین شهربانی و فرمانداری نظامی جمع‌آوری شد، عده‌ای توقیف شدند و چند نفر از مظنونین تحت نظر مأمورین شهربانی هستند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سر تیب آرتا

[امضا]

[حاشیه پایین]: ضبط.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۳۵۸/۴

تاریخ: ۳۰/۴/۲۰ [۱۳]

سند شماره ۱۳

بیانیه حزب ایران (شعبه مشهد) و انجمن‌ها و کانون‌های اسلامی مشهد در حمایت از دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی

ضمیمه روزنامه ایران مبارز

به شکرانه پیروزی ملت رشید ایران

در مبارزه مقدس خود علیه شرکت غاصب سابق نفت و به منظور تقدیر و تقویت از مجاهدات خستگی‌ناپذیر شبانه‌روزی حضرت آیت‌الله کاشانی و پشتیبانی از دولت ملی جناب آقای

دکتر محمد مصدق و وکلای شجاع اقلیت روز جمعه ۷ تیرماه ساعت چهار بعد از ظهر میتینگ عظیمی در محل صحن نو تشکیل و به حالت اجتماع به سمت مرکز شرکت نفت ملی ایران شعبه مشهد (انتهای خیابان طبرسی) حرکت و تابلویی^۱ که از طرف قاطبه اهالی خراسان تهیه گردیده نصب خواهد شد. از عموم برادران دینی و هموطنان عزیز دعوت می‌شود که در میتینگ مزبور و مراسم نصب تابلو شرکت فرمایند.

انجمن پیروان قرآن، انجمن تبلیغات اسلامی، کانون نشر حقایق اسلامی، حزب ایران شعبه مشهد، اتحادیه جوانان سادات حسینی

[حاشیه پایین:] بایگانی شود.

[مهر:] شماره: ۱۱۰۲۲/۵

مورخه: ۱۳۳۰/۴/۱۸

[مهر:] بازرسی مخصوص نخست وزیر

سند شماره ۱۴

مکاتبه دبیرکل حزب ایران (مهندس احمد زیرک‌زاده) با وزیر کشور در مورد اقدامات تهدیدآمیز محمود صارم در درگز برای وادار ساختن مردم به هواداری از خود در جریان انتخابات

حزب ایران

[شماره:] ۳۸۹۲

[تاریخ:] ۱۳۳۰/۸/۱۸

جناب آقای امیر تیمور [کلالی] وزیر محترم کشور

حزب ایران در گز در تعقیب شکایت عده‌ای از زارعین از تعدیات و تجاوزات محمود صارم

یکی از عناصر بدسابقه و منفور درگزر که تاکنون سوابق آدم‌کشی و خیانت [و] قیام مسلحانه داشته، در هنگام توقف متفقین هم در ایران صمیمانه با خارجی‌ها علیه میهن‌پرستان درگزر همکاری کرده و وسایل توقیف رفقای میهن‌پرست ما را فراهم می‌کرد. می‌نویسد در اثر ضعف دستگاه دولتی ایشان اخیراً عده‌ای تروریست و آدمکش تربیت کرده‌اند که مرتباً دست به جنایت و آزار مردم می‌زنند و چون دستگاهی هم برای تعقیب آنها نیست و در نتیجه آزادی عمل آنها آزادی سیاسی مردم به مخاطره افتاده است. یکی از این اشخاص نصیر صحراگرد، یک شخص بدسابقه می‌باشد که اخیراً هم جوانی را با گلوله زده از بین برده^۱ ولی دادگاه درگزر چندین روز پیش او را توقیف نکرده آزاد کرده باز به سر وقت مردم می‌فرستد. امروز آزادی این عناصر و افراد مبلغ دیگر که منتسب به صارم درگزی هستند به کلی آزادی مردم را سلب کرده. از حالا برای رأی دادن مردم را تهدید به ترور به نفع خود می‌نماید. حتی بعضی‌ها از این‌ها مسلحانه به شهر هم وارد می‌شوند، کما این‌که اخیراً یکی از افراد مبلغ او در شهر دستگیر شده به شهربانی جلب می‌گردد. لذا مراتب بدین وسیله به نظر آن جناب می‌رسد تا از نظر اعاده محیط درگزر به صورت عادی و ایجاد یک محیط آرام و آزاد دستور فرمایید تا این عوامل ترور و وحشت را تعقیب نمایند تا مردم بتوانند آزادانه در انتخابات شرکت کرده، به هر که می‌خواهند رأی بدهند.

جاوید باد ایران

دبیرکل حزب ایران

مهندس زیرک‌زاده

رونوشت جهت اطلاع به دفتر نخست‌وزیری ارسال گردید. جاوید باد ایران، دبیرکل حزب

ایران، مهندس زیرک‌زاده

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۶۷۵

تاریخ: ۱۳۰۹/۱۰/۳۰ [۱۳]

سند شماره ۱۴/۱

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

وزارت کشور

عطف به نامه شماره ۳۸۹۲ [مورخ] ۳۰/۱۰/۱۳ [آقای مهندس زیرک زاده در موضوع شکایت زارعین درگزار از اقدامات خلاف قانون محمود صارم دستور فرمایند از نتیجه رسیدگی و اقدامی که به عمل خواهد آمد نخست وزیری را مستحضر سازند.

از طرف نخست وزیر

[امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۵

تلگراف های اعضای حزب ایران (شعبه گیلان) به نخست وزیر (محمد مصدق) راجع به تعیین فرماندار جدید برای رفع بلا تکلیفی انتخابات آن جا و جلوگیری از دخالت مأمورین دولتی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: رشت، به: تهران، شماره قبض: ۱۴۲۱، تعداد کلمه: ۹۶، تاریخ اصل: [۱۳۳۱]/۲/۴

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر، رونوشت حضرت آیت الله کاشانی، رونوشت جناب

آقای وزیر کشور. تعقیب تلگراف‌های متعددی که به عرض رسیده آقای بنی‌آدم فرماندار رشت به علت عمل خلاف قانونی که از طرز تشکیل انجمن نظارت مرتکب شده قریب ۵ ماه است انتخابات شهر را فلج و مردم را فوق‌العاده ناراحت کرده، اینک که به تهران احضار شده انتظار اهالی این است که به جای مشارالیه یک فرماندار [غیر]مغرض و قانون‌شناسی اعزام فرمایند که به بلا تکلیفی مردم خاتمه داده شود. فرجاد، حاج محمدحسین، اتحادیه مسلمین گیلان، محقق.

حزب ایران

[مهر]: ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۳۰۲۳

تاریخ: ۱۳۱۳/۲/۶

سند شماره ۱۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: رشت، به: [تهران]، شماره قبض: ۳۳۴، تعداد کلمه: ۱۱۰، تاریخ اصل: ۱۳۳۱/۲/۱۴،

تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۲/۱۴

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر، رونوشت کمیته مرکزی حزب ایران. حزب ایران به لحاظ اصول معتقد بوده و هست که تحمل ظلم جایز نیست و زیر بار هیچ نوع فشار و زور و اعمال خلاف نباید رفت و همچنین معتقد است جناب عالی نیز پیرو این افکار هستید. هم اکنون مأمورین دولت شما با تجهیز تمام قوای خود حقوق مردم را در انتخابات تضییع و از آزادی عمل جلوگیری و به شدت با حزب ایران مخالفت می‌کنند. با این ترتیب تکلیف مردم

چه و مسئولیت حوادث نامطلوب آتیه با که خواهد بود. تمنا داریم صریحاً دستور فرمایید.
جاوید باد ایران. شماره ۱۲۲۸

کمیته حزب ایران گیلان
[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا:] نسخه اول، وزارت کشور.

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۳۹۰۷

تاریخ: ۱۳/۳۱/۲/۱۵

سند شماره ۱۶

مکاتبه استانداری استان هفتم با نخست وزیری در مورد درگیری بین حزب
ایران و هواداران حزب برادران در شیراز

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری هفتم

پیوست: دارد

محرمانه

تاریخ: ۳۱/۲/۱۱

شماره: ۱۰۱/م

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر

شب پنجشنبه بیست و هشتم فروردین ماه ۱۳۳۱ [۱] بین حزب برادران و حزب ایران در شیراز
جریان تأسف آوری روی داد که به وزارت کشور گزارش گردید. اینک رونوشت گزارش مزبور
و ضمیمه آن را برای استحضار از نظر مبارک می‌گذرانم.

استاندار استان هفتم

[امضا: عبدالرضا انصاری]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید فرمودند از طرف وزارت کشور اقدام شده بایگانی شود. [امضا: احمد بهار] [۱۳]۳۱/۲/۲۰
 [مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر
 شماره: ۳۹۴/۴
 تاریخ: [۱۳]۳۱/۴/۱۸

سند شماره ۱۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری هفتم

محرمانه

تاریخ: ۲۹ فروردین ۱۳۳۱

وزارت کشور

شب پنجشنبه بیست و هشتم فروردین ماه جاری در اثر بدگویی که در بلندگوی حزب ایران نسبت به جناب آقای سردار فاخر حکمت می‌شد، جمعی از حزب برادران در جلو عمارت اجتماع و قصد حمله به آنجا داشته‌اند که در اثر ممانعت مأمورین جلوگیری، ضمناً از طرف جمعیت مقداری سنگ به عمارت حزب ایران پرتاب و چند شیشه از پنجره‌ها شکسته و پیشانی یکی از افراد حزب ایران جزئی مجروح شده است. دیروز شخصاً به حزب ایران رفتم که از نزدیک وضعیت را ببینم و به اعضای حزب مزبور تأکید کنم که از بدگویی احتراز جویند و عملی نکنند که اختلالی در انتظامات فراهم گردد و آنها هم قول دادند که نکاتی را که تذکر داده‌ام کاملاً رعایت نمایند و شرحی هم فوراً به جناب آقای حاج سیدنورالدین رهبر حزب برادران نوشتم که به حزب برادران تأکید نمایند که از هرگونه عمل خلاف انتظامی قویاً خودداری نمایند. پاسخی داده‌اند که رونوشت آن را به پیوست ملاحظه می‌فرمایید؛ به شهربانی هم دستور داده شد که پرونده کسانی را که برخلاف انتظامات رفتار کرده‌اند تنظیم و به دادسرا احاله بدهند که تحت تعقیب قانونی قرار گیرند. نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

استاندار استان هفتم

سند شماره ۱۶/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری هفتم

[تاریخ: ۱۳۳۱/۱/۲۹]

به جای رونوشت

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای انصاری استاندار استان هفتم همواره ملک و ملت، جامعه و جمعیت از آن وجود مسعود برخوردار و در هر پیش آمد مصون و محفوظ و مقضی المرام باشند. رقیمة کریمه مشتمله بر الطاف مبذوله عز وصول بخشود، کمی مزاحمت به رعایت همان قسمت است که مرقوم فرموده‌اند (تراکم امور مجال نمی‌دهد) اوقات آن حضرت ذی قیمت و باید در حفظ یک استان صرف شود از این جهت به خود اجازه نمی‌دهم که زیاد مزاحم شوم ولی انشاءالله با رخصت در همین نزدیکی خدمت خواهم رسید. در قسمت بلندگویی حزب برادران حضرت عالی اداره آگاهی دارید، مراجعه به پرونده امر بفرمایید تصدیق خواهید کرد،^۱ نه این ایام و نه قبل به هیچ وجه بلندگویی برادران که در تحت نظر و کنترل شخص خودم است به هیچ کس کمتر عبارتی که به کنایه یا تصریح شخص یا جمعیتی زنده باشد نداشته، امیدوارم با مراجعه به اداره آگاهی یا هر وسیله دیگری که صلاح دانید کاملاً این قسمت را اذعان فرمایید. در موضوع بلندگویی حزب ایران، آنچه [در] بیانیه آنها که نشر یافته و البته طبق همین بیانیه‌ها هم سخن پراکنی کرده و می‌کنند مشتمل بر دروغ و بهتان و ناسزا است که عموم اهالی اعم از حزب برادران و غیر ایشان را عصبانی می‌نماید و شاید هم منظورشان همین باشد. مثلاً چنانچه خود شما هم در نظر دارید حزب برادران و خودم به هیچ وجه کمترین اسائه ادبی به جناب آقای دکتر مصدق و آقای آیت‌الله کاشانی نداشته‌ایم سر تا پای نشریه‌های برادران تماماً

۱. در اصل: خواهید تصدیق کردن.

[و] تماماً بدون استثنای یک برگ همراهی به ایشان است ولی در بیانیه‌های آنها حتی پس از تکذیب‌های پی‌درپی تازه به تازه به حزب برادران تهمت می‌زند که به ایشان اهانت کرده‌اند. شما استاندار هستید از آمد و رفت کارگذار انگلیسی کاملاً اطلاع دارید. خودتان می‌بینید که نسبت دروغ به حقیر می‌دهند. منتظر بودم به‌عنوان جلوگیری از نشر اکاذیب تعقیب بفرمایید. زیرا در مرتبه اول به خود شخص شما بر می‌خورد. اما جریان دیشب تا به حال [به] هیچ وجه راپورتی در این موضوع به حقیر نرسیده ولی علی‌الاجمال می‌دانم که گذشته از حزب برادران اهل این شهر راضی نمی‌شوند علناً [و] چهاراً به حقیر که خداوند عالم، عیوبم را ستر کرده و کسی نقطه ضعفی نمی‌تواند ذکر کند، فحاشی کنند. اگر خودم هم شیراز نباشم یا در شهر دیگری به حقیر فحش دهند طبعاً مردم طاقت نمی‌آورند و جلوگیری از آن هم از عهده حقیر بیرون است، ممکن است دستور به شهربانی بفرمایید هر کس حمله به کسی بکند تعقیب شود. ناگفته نماند ممکن است کسانی بخواهند آشوب‌طلبی بنمایند [و] به اسم حزب مقدس برادران عمل‌های خلاف نظم و انتظام بنمایند، تمنا می‌کنم دستور اکید به شهربانی صادر کنید تا هر کس مرتکب خلاف شود (به استثنای نشر اکاذیب) تعقیب بفرمایند. در خاتمه تعجب می‌کنم جناب استاندار اطلاع نداشته باشند از تئاتر و نمایش و فحاشی به یک نفر کاندید حزب، کاندید استان، رئیس مجلس. ملتزم رکاب والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته - الاحقر نورالدین الحسینی

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۱۷

درخواست جمعیت‌های مؤتلف اسلامی، کلوب مصدق، اتحادیه جوانان سادات حسینی و حزب ایران از نخست‌وزیری و مجلس شورای ملی برای ابطال انتخابات مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: مشهد، به: تهران، شماره قبض: ۲۳، تعداد کلمه: ۱۱۹، تاریخ اصل: ۲۷، تاریخ وصول:
[۱۳۳۱]/۲/۲۷

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب، رونوشت حضرت آیت‌الله کاشانی، رونوشت وزارت کشور. متن قطعنامه [ای] که در میتینگ ظهر روز جمعه ۲۶ اردیبهشت جمعیت‌های مؤتلف اسلامی، حزب ایران، کلوب مصدق، اتحادیه جوانان سادات حسینی، به تصویب ده‌ها هزار نفر مردم مشهد رسید معروض و استدعای عطف توجه دارم. ۱. قاطبه اهالی خراسان پشتیبانی کامل خود را از دولت ملی جناب آقای دکتر مصدق اعلام می‌دارند. ۲. نظر به مداخله مقامات ذی نفوذ در اخذ آرای غیرقانونی انتخابات در غیاب فرماندار، انتخابات را غیرقانونی دانسته ابطال آرای مأخوذه را از دولت خواستاریم. ۳. مردم خراسان مادام که مقامات ذی نفوذ علی‌رغم تمایلات شاهنشاه دموکرات بخواهند از مقام خود سوءاستفاده نموده و عناصری را بر مردم مشهد تحميل نمایند انتخابات را آزاد ندانسته تأمین آزادی انتخابات را از دولت خواستارند. ۴. ملیون خراسان از ساحت مقدس [مجلس] شورای ملی خواستارند که اعتبارنامه وکلایی را که به ناحق خود را بر مردم تحميل کرده‌اند رد کرده، مجلس را از وجود

عناصر غیرملی تصفیه نمایند. از طرف جمعیت‌های مؤتلف اسلام، کلوب مصدق، اتحادیه جوانان سادات حسینی، حزب ایران.

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه بالا: نسخه اول به وزارت کشور ارجاع شده، ضبط است. ۳۱/۲/۲۸]

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر]

شماره: ۵۵۶۷

تاریخ: ۳۱/۲/۲۸ [۱۳]

سند شماره ۱۸

مکاتبات رئیس شهربانی کل کشور (محمدصادق کویال) با نخست وزیری در مورد اقدامات اعضای حزب ایران شیراز در حمایت از دکتر مصدق

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۱/۲۳۰۲۰

محرمانه - فوری

اداره: اطلاعات

تاریخ: ۳۱/۴/۲۸ [۱۳]

جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترماً به استحضار خاطر عالی می‌رساند، شهربانی شیراز گزارش می‌دهد: روز ۲۷ ماه جاری عده‌ای از افراد حزب ایران در مسجد وکیل که مجلس ترحیمی منعقد بوده اجتماع و به

تلگرافخانه رفته و پس از سخنرانی دایر به پشتیبانی از آقای دکتر مصدق تلگرافاتی در همین مورد به مرکز مخابره و متفرق شده‌اند، انتظامات برقرار می‌باشد.

رئیس شهربانی کل کشور

سرلشکر [محمدصادق] کویال

[امضا]

[حاشیه پایین:] بایگانی شود.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۰۲۸/۴

تاریخ: ۱۳/۳۱/۴/۳۱

سند شماره ۱۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: اطلاعات

شماره: ۱/۲۲۵۵۹

تاریخ: ۱۳/۳۱/۴/۳۰

محرمانه

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر

محترماً پیرو شماره ۱/۲۳۰۲۰ [مورخ] ۱۳/۳۱/۴/۲۸ به استحضار خاطر عالی می‌رساند: شهربانی شیراز گزارش می‌دهد شب ۱۳/۳۱/۴/۲۸ جمعی از اعضای حزب ایران به منزل آقای سیدحسام‌الدین فال‌اسیری رفته و به اتفاق ایشان به مسجد آقاباباخان و از آن‌جا به تلگرافخانه حرکت و نامبرده و چند نفر دیگر سخنرانی‌هایی مبنی بر پشتیبانی از آقای دکتر مصدق و مبارزه با مخالفین ایراد و تلگراف‌هایی به نمایندگان فارس و بعضی از نمایندگان جبهه ملی مخابره و پس از وصول جواب از طرف آقایان مهندس زیرک‌زاده و خسرو قشقایی

دایر به تشویق مردم به ادامه مبارزه به اتفاق به محل حزب مزبور رفته و متفرق شدند و بعد از ظهر که قصد تظاهرات داشتند جداً جلوگیری و آرامش برقرار است.

رئیس شهربانی کل کشور
سرلشکر [محمد صادق] کویال
[امضا]

[حاشیه پایین:] سابقه.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۰۳۲/۴

تاریخ: ۱۳/۵/۸۱ [۱۳]

سند شماره ۱۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۱/۲۲۶۴۷

تاریخ: ۳۰/۴/۱۳ [۱۳]

اداره: اطلاعات

محرمانه

جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترماً در تعقیب گزارش شماره ۱/۲۲۵۵۹ [مورخ] ۳۰/۴/۱۳ [۱۳] به استحضار عالی می‌رساند. شهربانی شیراز گزارش می‌دهد شب و صبح روز ۲۸ ماه تدریجاً عده‌ای در حدود یکصد نفر از طرف حزب ایران به رهبری نعمت‌اللهی به تلگرافخانه رفته و پس از مخابره تلگرافاتی به مرکز متفرق شده‌اند. انتظامات کاملاً برقرار و اتفاق قابل عرض رخ نداده است.

رئیس شهربانی کل کشور
سرلشکر [محمدصادق] کویال

[امضا]

[حاشیه پایین، اول]: سابقه.

[حاشیه پایین، دوم]: ضمیمه [شد.]. [۱۳۳۱]/۵/۱

[حاشیه پایین، سوم]: بایگانی شود.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۰۲۳/۴

تاریخ: [۱۳]۳۱/۴/۳۱

سند شماره ۱۹

مکاتبه رئیس شهربانی کل کشور با نخست وزیری در مورد ارسال بیانیه سازمان جوانان حزب ایران در حمایت از دکتر مصدق، به انضمام بیانیه مذکور

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۱/۲۲۸۶۰

محرمانه

اداره: اطلاعات

تاریخ: [۱۳]۳۱/۴/۲۸

جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترماً در تعقیب گزارش شماره ۱/۲۲۱۴۵ [مورخ] [۱۳]۳۱/۴/۲۷ راجع به نشر اعلامیه مربوط به پشتیبانی از آقای دکتر مصدق اینک یک نسخه بیانیه کمیته مرکزی سازمان جوانان

حزب ایران که در این باب طبع و منتشر گردیده جهت^۱ استحضار خاطر عالی به ضمیمه تقدیم می‌گردد.

رئیس شهربانی کل کشور
سرلشکر [محمدصادق] کوپال
[امضا]

[حاشیه پایین]: ملاحظه شد.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۹۸۸/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۴/۲۹

سند شماره ۱۹/۱

ضمیمه ندای جوانان ایران

توطئه خائنانه و نقشه شومی که انگلستان بر علیه دکتر مصدق و ملت ما کشیده بود پریشب به وسیله ایادی مزدور آن به مرحله اجرا در آمد پس از سال‌ها محرومیت و بدبختی و تحمل زجرها و مشقات فراوان، می‌رفت مبارزات ملت ما به ثمر رسیده و با ادامه زمامداری دکتر مصدق و اجرای برنامه‌های اصلاحی دست ایادی استعمار و ارتجاع برای ابد از دامان وطن ما کوتاه گردد. دیو زخم خورده استعمار که هنوز رمقی در کالبد منحوسش باقی بود با نقشه خائنانه خود دیشب پیشوای سیاسی و رهبر محبوب ملت ما دکتر مصدق قهرمان بزرگ ضد استعماری ملت‌های شرق را مجبور به استعفاء و کناره‌گیری کرد.

ای هموطنان مبارز، ای مردم دلیر و قهرمان، شمایی که در این مبارزه چیزی جز زنجیرهای بردگی از دست نخواهید داد باید آگاه و هوشیار باشید و یک بار دیگر عملاً اعتقاد

خود را به ادامه این جهاد مقدس که سرانجام آن آزادگی و سربلندیست ابراز نماید. سازمان جوانان حزب ایران بار دیگر سوگند وفاداری خویش را در ادامه مبارزه برعلیه دستگاه فاسد هیأت حاکمه و کلیه عوامل اهریمن داخلی و خارجی تجدید و شما را برای حفظ سنگرهای تسخیر شده و تحصیل پیروزی نهایی دعوت می نماید.

پیروز باد مبارزه ملت ما

سلام آتشین به رهبران ملی و مذهبی ما

جاوید باد ایران

کمیته مرکزی سازمان جوانان حزب ایران

سند شماره ۲۰

مکاتبات شهربانی کل کشور با نخست وزیری در مورد اقدامات شهربانی در جلوگیری از برگزاری میتینگ هواداران احزاب ایران، زحمتکشان و اتحادیه مسلمان رشت

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: اطلاعات

شماره: ۱/۲۳۱۸۲

تاریخ: ۱۳۳۱/۴/۳۰

محرمانه - مستقیم

جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترماً در تعقیب سوابق امر به استحضار عالی می رساند: شهربانی رشت گزارش می دهد با تذکراتی که به نمایندگان اصناف و حزب ایران و اتحادیه مسلمان داده شده صبح روز ۲۸ از تلگرافخانه خارج و قصد داشته اند میتینگی بدهند که به نحو مقتضی جلوگیری و ساعت ۲۱

حزب ایران اهالی را به وسیله بلندگو دعوت نموده که در مقابل باشگاه حزب اجتماع نمایند و به اهالی اخطار نموده‌اند روز ۲۹ ماه جاری تعطیل عمومی کنند. با تشریک مساعی تیپ اقدامات احتیاطی معمول و فعلاً آرامش برقرار است.

رئیس شهربانی کل کشور
سرلشکر [محمدصادق] کوبال
[امضا]

[حاشیه پایین:] بایگانی شود.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۰۳۰/۴

تاریخ: ۱۳/۴/۳۱ [۱۳]

سند شماره ۲۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۱/۲۲۶۵۳

اداره: اطلاعات

تاریخ: ۱۳/۴/۳۰ [۱۳]

جناب اشرف آقای نخست وزیر

محترماً تعقیب شماره ۱/۲۳۱۸۲ [مورخ] ۱۳/۴/۳۰ [۱۳] به استحضار خاطر عالی می‌رساند: طبق گزارش تلگرافی مورخ ۱۳/۴/۲۹ [۱۳] شهربانی رشت از صبح زود اقدامات احتیاطی در محل‌های لازم بویژه در حدود امکنه احزاب ایران و زحمتکشان و اتحاد مسلمین که قصد تظاهر و اجتماع داشتند معمول، فقط اصناف بازار دکاکین خود را بسته و در داخل مسجد جامع شهر اجتماع و بر له آقای دکتر مصدق سخنرانی ایراد و با این‌که به آنان تذکر داده شده

بود که میتینگ و دموونستراسیون^۱ در خیابان ممنوع است به تظاهر پرداخته و چون مقاومت و سماجت می نمودند با شلیک چند تیر هوایی متفرق و نظم برقرار گردیده، سپس چهار نفر از نمایندگان احزاب به استانداری احضار و در حضور فرمانده تیب و استاندار مذاکرات لازم به عمل آمده، مقرر گردید که به هیچ وجه تظاهرات در شهر به عمل نیاورند و طبق معمول می توانند در داخله حزب سخنرانی نمایند. فعلاً شهر آرام می باشد.

رئیس شهربانی کل کشور

سرلشکر [محمدصادق] کویال

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:] شماره پیروی به بایگانی نرسیده است. ۱۳۳۱/۵/۱

[حاشیه پایین، دوم:] سابقه.

[حاشیه پایین، سوم:] بایگانی شود.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۰۲۰/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۴/۳۱

سند شماره ۲۱

مکاتبه وزارت جنگ با نخست وزیری در مورد جریان درگیری بین حزب ایران
و حزب برادران در شیراز

[شیر و خورشید]

وزارت جنگ

دایره: مرموزات ستاد ارتش
شماره: ۴۷۹۴
تاریخ: ۱۳۱/۵/۶ [۱۳]
محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست وزیر

محترماً مفاد گزارش لشکر ۶ فارس برای استحضار خاطر عالی به شرح زیر معروض
می‌گردد:

۱- به مناسبت واقعه ۳۰ تیرماه از طرف هیأت محلات شهر، مجلس تذکری با حضور
وجوه طبقات از ساعت ۱۷/۳۰ الی ساعت ۱۹/۳۰ روز ۱۳۱/۵/۲ [۱۳] در صحن شاهچراغ
منعقد و مجلس ضمن ایراد سخنرانی به وسیله سرهنگ بازنشسته افراسیابی و استقلال وکیل
دادگستری و عزمی مدیر روزنامه آتش‌فشان دایر بر انتقاد از سیاست انگلستان در ایران و
پشتیبانی از جناب آقای دکتر مصدق برگزار گردید.

۲- مطابق تصمیم و دعوت قبلی سیدنورالدین رهبر حزب برادران از ساعت ۱۷ روز
۱۳۱/۵/۳ [۱۳] افراد حزب ابتدا در مسجد نور اجتماع و سپس برای نصب تابلو حزب با گفتن
جمله الله اکبر به میدان مشیر آمدند و چون افراد حزب ایران قبلاً در جلو حزب برادران مجتمع
و مشغول به تظاهرات و ابراز مخالفت با حزب مزبور بودند لذا برای جلوگیری از تصادم افراد
حزب برادران به وسیله مأمورین انتظامی عودت داده شده و در مسجد وکیل مجتمع و دست از
تظاهرات کشیدند.

۳- در ساعت ۲۱ همان روز عده [ای] از افراد حزب ایران که عناصر توده نیز بین آنها
دیده می‌شد جلو حزب برادران آمده و خواستند به مرکز حزب مزبور حمله برده و درب را

بشکنند که از طرف پاسبانان چند تیر به هوا شلیک و تظاهرکنندگان متفرق گردیدند. ضمناً محرکین آنها در واقعه اخیر عبارتند از ادیبی مدیر روزنامه صدای شیراز و نصرالله پرویزی و احمد یزدی و قدسی بوشهری و علی شهرجو و احمد شفیعی و نفر اخیرالذکر منتسب به حزب منحلّه توده می‌باشد.

رئیس ستاد ارتش

سپهد یزدان‌پناه

[امضا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۱۰۵/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۵/۶

سند شماره ۲۲

تلگراف عده‌ای از اهالی درگز به نخست‌وزیری در اعتراض به تبعید برخی از کارمندان اداری وابسته به حزب ایران به وسیله مأمورین دولت

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: درجز، به: [تهران]، شماره قبض: ۲۴۶۶، تعداد کلمه: ۱۵۱، تاریخ اصل: ۱۳۳۱/۵/۶

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر ملی، رونوشت حضرت آیت‌الله کاشانی، رونوشت حزب ایران. از بدو تشکیل حزب ایران، دوایر دولتی مزاحم کارمندان دولت وابسته به حزب^۱ ایران

شده و به دستور شورای امنیت آنها را از درج منتقل بنمایند. اخیراً نیز در زمان حکومت سیاه قوام، قضایی و فخاری کارمندان دارای عضو حزب ایران را منتقل و حکم عده دیگری از کارمندان فرهنگ و سایر دوایر در حال اجرا است، مستدعی [است] روشن فرمایید آیا کارمند دولت می تواند عضو حزب باشد، اگر می تواند عاملین این تضییق و تبعید را به سختی مجازات و کارمندان نامبرده [را] ابقا و از اجرای حکم سایرین جلوگیری فرمایند تا ناچار به تحصن در تلگرافخانه نشویم: علی قدسی، پاشایی، جوان روح، حسن قدسی، مدنی، حبیب بابایی، شافعی، بابائیان، حسین قدسی، حسین زاده، مغانی، فخاری، علی اکبر بابائیان، شاطریان، معظمی، جهانگیری، ثنایی، جعفری، دلیری، شیردل، امدادی، افخمی، ایبکچی، کرم زمان طهماسبی، صمیمی، سنجانی، دلگیری، اباذر دلیریان، نویران

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه بالا: مربوط به کمیته است.]

سند شماره ۲۳

تلگراف دکتر میردامادی به نخست وزیری در اعتراض به رأی شورای امنیت خراسان در مورد تبعید برخی از اعضای فعال و قدیمی حزب ایران درگز

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: مشهد، به: [تهران]، شماره قبض: ۳۵۶۱، تعداد کلمه: ۱۶۵، تاریخ اصل: ۹، تاریخ وصول:

[۱۳]۳۱/۵/۹

جناب آقای نخست وزیر، رونوشت توسط جناب آقای مهندس حسینی و وکلای محترم طرفدار ادامه نهضت ملی، رونوشت آقای مهندس زیرک زاده کمیته مرکزی حزب ایران، چون

به دستور فرماندار و مرزبان درگز و اعمال نفوذ در شورای امنیت آنجا چندین نفر از اعضای فعال صالح حزب ایران و کارمند دارایی را به اتهام توده‌ای بودن به شهرستان دیگر منتقل و ...^۱ برخی از شورای امنیت مشهد تأیید شده اجرای چنین اشتباه یا تعدی در این موقع حساس توطئه مجددی بر علیه امنیت و آزادی [می‌باشد]...^۲. با آن چه روی [داده] است استاندار موافقت، آقای قضایی لغو آن را موکول به نظر مرکز می‌دهند، اما همین^۳ این‌که نامیردگان از افراد بسیار قدیمی و مورد اعتماد حزب ایران هستند. متمنی است که دستور اکید صادر تا مورد رسیدگی مجدد واقع شود. لذا [در غیر این صورت] حزب ایران نتیجه [هر] پیش آمد سوئی را متوجه مسئولین استان می‌داند. جاوید باد ایران، دبیر حزب ایران مشهد، دکتر میردامادی [مهر:] اداره تلگراف تهران

سند شماره ۲۴

تلگراف جمعی از اعضای حزب ایران درگز به نخست وزیر (محمد مصدق) در اعتراض به انتقال و تبعید برخی از اعضای حزب ایران آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: درجز، به: ت[هران]، شماره قبض: ۹۰۳، تعداد کلمه: ۱۲۲، تاریخ اصل: ۱۲، تاریخ وصول:

[۱۳۳۱/۵]/۱۲

جناب آقای دکتر مصدق، نخست وزیر محبوب، رونوشت جناب آقای آیت الله کاشانی،

۲. یک کلمه خوانده نشد.

۱. چند کلمه خوانده نشد.

۳. به احتمال خوانده شد.

رونوشت حزب ایران: پیرو تلگراف ۱۳۱/۵/۶/۲۱۸۵ [۱۳] فخاری و مغانی کارمندان دولت، عضو حزب ایران از درگزر حرکت، باید متوجه بود که عوامل توطئه و فشار دست یکی از مسبین حادثه ۳۰ تیر ندارند^۱. تقاضای اقدام عاجل از برگشت نامبردگان و جلوگیری از صدور احکام انتقال سایرین و اعزام بازرسی برای رسیدگی کامل و تعقیب مفتریان جداً داریم تا ناچار به تحصن و اتخاذ تصمیم دیگری در محل نشویم. کارمندان دولت عضو حزب ایران: پاشایی، خلیلی زاده، امدادی، جوان روح، پایایی، شافعی، قدسی، شاطریان، گرم زبان، شیردل، طهماسبی، ملکی، شیخانی، دلیریان، نوجوان، ایلچی، حفیظی، ثنائی^۲، بابائیان، حسین قدسی، علی اکبر پایایی، دلیری، جهانگیری، صمیمی.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

سند شماره ۲۵

نامه دبیر موقت حزب ایران (شعبه بندر پهلوی) به محمد مصدق در تجلیل از سیاست‌های میهن پرستانه و اصلاحی دولت وی، به انضمام پاسخ نخست وزیر

حزب ایران

کمیته شهرستان بندر پهلوی

شماره: ۶۲

تاریخ: ۱۳۱/۵/۲۱ [۱۳]

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب

از این که ملت ایران پس از قرن‌ها دانسته است که در تحت توجهات پدر فداکاری چون شما لیاقت خودنمایی در جهان ملت‌ها را داشته و به دست خویش استقلال و آزادی میهن و هم‌میهنان استعمارزده را تأمین خواهد نمود به خود می‌بالیم. زیرا سال‌ها بود که سیاست‌های

۲. در اصل: سنایی.

۱. یک کلمه به احتمال خوانده شد.

استعماری اجانب نهال یأس و بدبینی را چنان در قلوب پاک هم‌میهنان کاشته بود که بعید به نظر می‌رسید این تبلیغات شوم از مغزهای این مردم محروم زدوده گردد و آنان را آن طوری که هستند به خود و به جهانیان بشناساند. فقط سیاست‌مدرانه و میهن‌پرستی بی‌حد و حصر آن جناب بود که ایران عزیز را از ورطه خطر رهانیده و شاهد موفقیت را قرن‌ها زودتر از آنچه تصور می‌رفت در آغوش ما تشنگان اصلاحات جای دادند. اکنون حزب ایران بندر پهلوی به‌عنوان یادگار و زینت حزب یک قطعه بزرگ از عکس آن جناب را با قید امضا و تاریخ تقاضا دارد.

جاوید باد ایران

دیبر موقت حزب ایران بندر پهلوی

محمد تقی خرسندیان

[امضا]

سند شماره ۲۵/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

نامه گرامی عز وصول بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید. نمی‌دانم از احساسات بی‌آلایش جناب عالی چگونه سپاسگزاری کنم. امیدوارم همواره شایسته این حسن ظن باشم و تحت توجهات خداوند متعال از این احساسات عالی در خیر و صلاح مملکت استفاده شود.

[حاشیه پایین: ۳۲۹۹، عکس.]

سند شماره ۲۶

مکاتبه آقای قضایی با کریم سنجابی (نماینده مجلس شورای ملی) درباره علت تبعید کارکنان اداری وابسته به حزب ایران در شهرستان درگز

[تاریخ: ۲۲ مرداد ماه ۱۳۳۱]

خصوصی است

جناب آقای دکتر سنجابی نماینده مجلس شورای ملی

عطف به تلگراف مورخ ۲۱ ماه جاری راجع به بعضی از افراد حزب ایران تبعید دره گز توضیح می‌دهد: هر چند در باب صیغه (کمیسیون امنیت) که از مقررات دولتی است، سابقه در قوانین مملکتی موجود نیست ولی وظایف کمیسیون نامبرده تضارب و اصطکاک‌های هم با قوانین مذکوره ندارد، کمیسیون امنیت که مرکب است از استاندار یا فرماندار و فرمانده لشکر یا فرضا رئیس پادگان اگر باشد و فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی در مواقع لازمه تشکیل و نسبت به اموری که البته باید مخالف قوانین نباشد تصمیم می‌گیرند، این تصمیم بموقع اجرا گذاشته می‌شود و در این مورد در تاریخ اول خردادماه سال جاری کمیسیون امنیت در محل دره گز از آقایان فرماندار و فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی تشکیل و نسبت به عسگر خلیلی زاده و فغانی و تقی فخاری کارمندان دارایی و محمدتقی تقی‌پور بازرس فرهنگ و زلفعلی^۱ دلیران نماینده فرهنگ لطف آباد و محمد پاشایی و هانی قرقلو کارمندان فرهنگ دره گز به ملاحظه آن‌که تشخیص داده‌اند این اشخاص از افراد حزب توده هستند و چون حزب مزبور منحل گردیده در حزب ایران تحصیل عضویت نموده و موجب تحریک و تهییج و اضطراب اجتماعی می‌باشند، تصمیم گرفته‌اند که مشارالیه‌ها از دره گز به جاهای دیگر منتقل شوند و صورت مجلس را به اداره استانداری فرستاده‌اند و از طرف استاندار وقت ناچار از نظر این‌که انتقال مأمورین از حوزه [ای] به حوزه دیگر مخالفتی با قوانین ندارد شرحی به دوایر دارایی و فرهنگ و نیابت تولیت آستان قدس راجع به لزوم انتقال اشخاص نامبرده نوشته شده و دستور

۱. در اصل: ذوالفعلی.

مزبور هم عملی گردیده و موافق سوابقی که در اداره استانداری موجود است بعضی از این اشخاص به محل مأموریت جدید رفته‌اند و البته مایل‌اند در همانجا باشند.

چون در مقررات مربوطه، به کمیسیون امنیت حق تجدیدنظر به رأی کمیسیون مذکور در صورت اعتراض مقرر نشده، به نظر بنده پیدا کردن راه اعتراض بر رأی کمیسیون و لدی‌الاعتضا، اتخاذ تصمیم مجدد این است که وزارت کشور به عنوان متمم مقررات مذکوره ماده [ای] اضافه نماید که (هرگاه اعتراض موجه قابل طرحی از طرف اشخاص متضرر به استانداری یا فرمانداری رسید و استاندار یا فرماندار اعتراض مذکور را قابل طرح و البته کمیسیون امنیت تشکیل و به این اعتراض رسیدگی و لدی‌الاعتضا تصمیم مجدد اتخاذ یا رد اعتراض را اعلام نمایند) تا ماده مزبوره در این مورد و سایر موارد و در ایالات و ولایات دیگر مورد استفاده واقع گردد و بدون تصویب چنین ماده [ای] به نظر بنده استاندار یا فرماندار حق تجدیدنظر ندارند. خصوصاً که اقدامات کمیسیون همیشه در امور مباحه قانونی است و از نظر حزب ایران هم چون این افراد به جایی منتقل شده‌اند که حزب ایران ناچار در آن‌جا شعبه دارد، همانجا عضو حزب ایران خواهند بود و اساساً صحبت تبعید به اصطلاح حقوقی در بین نیست و فقط تبعید لغوی است که روزانه در همه وزارتخانه‌ها جریان دارد و مأمورین را از محلی به محل دیگر تبعید لغوی می‌نمایند.

ارادتمند قضایی

سند شماره ۲۷

شکوائیه اهالی لطف آباد به نخست وزیر (محمد مصدق) درباره فعالیت غیرقانونی اعضای سابق حزب توده در آن منطقه در زیر پوشش حزب ایران

تهران

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب، کپیه جهت جناب آقای استاندار. محترماً پیرو تظلمات تلگرافی ۱۳/۳۱/۵/۲۶ عده‌ای از کارگردانان و پیشینه داران حزب خائن غیرقانونی

منحله سابق توده لطف آباد به نام حزب ایران شدیداً فعالیت و از ترویج مرام گمراه کننده مفسد خود در زیر ماسک فریبنده امتناع ندارند. از آن روز آسایش و آزادی حقیقی [و] قانونی از ما سلب [و] به هزاران نیرنگ موجبات ایذاء بندگان را فراهم، حیثیت، شرافت [و] همه چیزمان در خطر است. تقاضای رسیدگی فوری داریم.

اهالی لطف آباد

(به امضای بیست و چهار نفر)

رونوشت نامه [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۲۸

مکاتبه استانداری گیلان با وزارت کشور در مورد فعالیت‌های احزاب ایران و زحمتکشان در آن منطقه

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت نامه شماره ۶۹۷، مورخه ۳۱/۵/۲۸ [۱۳]، محرمانه، فوری

جناب آقای دکتر صدیقی وزیر محترم کشور

رونوشت گزارش شماره ۸۲۸۹/ج/۳۱/۵/۲۵ [۱۳] هنگ ژاندارمری گیلان جهت استحضار و صدور دستور شایسته تقدیم می‌شود و ضمناً خاطر عالی را مستحضر می‌سازد اطلاعات واصله مدلول گزارش ژاندارمری را تأیید می‌نماید.

کفیل استانداری

میهن

رونوشت گزارش شماره ۸۲۸۹/ج/۳۱/۵/۲۵ [۱۳] هنگ ژاندارمری گیلان، محرمانه، مستقیم

جناب آقای استاندار استان یکم محترماً معروض می‌دارد چون دولت جناب آقای دکتر مصدق مورد پشتیبانی کلیه مردم میهن پرست ایرانی می‌باشد اخیراً عناصر منتسب به حزب منحلّه توده به نام حزب ایران و زحمتکشان و به عنوان پشتیبانی از دولت جناب آقای نخست وزیر در دهات و قصبات مجالس سخنرانی و میتینگ ترتیب داده و در ضمن ابراز پشتیبانی، مطالبی هم که از مصالح عمومی خارج است بیان و مقاصد پلید خود را که موجب گمراهی دهقانان ساده دل است نیز اجرا می‌نمایند. چون دستور روشنی در باب نحوه اقدامات مأمورین انتظامی در این قبیل موارد و این که این نوع میتینگ‌ها چه صورتی دارد به ژاندارمری نرسیده و در بین احزاب [ایران] و زحمتکشان عناصر افراطی چپی نیز نام‌نویسی کرده و دارای کارت عضویت نیز می‌باشند و همان آنان اقدام به دادن میتینگ در لباس پشتیبانی از دولت کنونی می‌نمایند و چنانچه ژاندارمری جلوگیری از انجام تصمیمات نامبردگان نماید مجمع درست کرده و افکار عمومی را که به مقاصد ناپاک اینان پی نبرده‌اند بر علیه مأمورین انتظامی تحریک و صحنه‌های نامطلوبی به وجود می‌آورند. این موضوع از ماه تیر به بعد مشکلی در راه انجام وظیفه سنگین مأمورین انتظامی ایجاد کرده، مستدعی است مقرر فرمایید هرگونه تصمیمی که روی خصوصیات منطقه گرفته می‌شود اعلام گردد و در خاتمه چنانچه مقرراتی در مورد نصب بلندگو باید اجرا گردد مراتب را امر به اعلام فرمایید.

فرمانده هنگ ژاندارمری گیلان

سرهنگ ۲ نشاط

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۲۹

مکاتبه نخست وزیری با وزارت دفاع ملی راجع به رسیدگی به شکایت دبیر کل حزب ایران (مهندس زیرک زاده) در مورد تضییق حقوق اعضای حزب ایران در درگذ

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره خصوصی: ۱۲۲۸۹

تاریخ ثبت: ۱۳۳۱/۵/۲۹

وزارت دفاع ملی

به قرار تلگرافاتی که می رسد و طبق نامه شماره ۶۶۹ [مورخ] ۱۳۳۱/۵/۲۲ حزب ایران که رونوشت آن به پیوست ارسال می شود در درگذ نسبت به اعضای حزب مزبور از طرف مقامات دولتی تضییقاتی وارد می آید دستور فرمایید مراتب را قانوناً رسیدگی و نتیجه امر را گزارش نمایند.

نخست وزیر

رونوشت برای اطلاع جناب آقای مهندس زیرک زاده نماینده محترم مجلس شورای ملی ارسال می شود.

نخست وزیر

[امضای پیش نویس: احمد بهار]

سند شماره ۲۹/۱

حزب ایران

تاریخ: ۲۲/۵/۱۳۳۱ [۱۳]

شماره: ۶۶۹

پیوست: سه تلگراف

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر

چندی است تزییقاتی از طرف مراجع دولتی نسبت به اعضای حزب ایران در درگذر وارد می‌آید که با وجود مراجعه مکرر به مقامات مربوطه عطف توجهی برای جلوگیری از آنها به عمل نیامده است. اینک نیز طبق تلگراف‌هایی که اصل آن خطاب به آن جناب است و رونوشت آن‌ها به کمیته مرکزی حزب ایران رسیده است و برای یادآوری خاطر مبارک عیناً به ضمیمه تقدیم می‌شود و برطبق گزارش ۲۳۹-۳۱/۵/۱۳ [۱۳] شعبه حزب مشهد این تزییقات غیرقانونی همچنان ادامه دارد و طبق گزارش مذکور در تعقیب انتقال آقایان فغانی و فخاری کارمندان دارایی که عضو حزب ایران هستند نقشه‌ای^۱ برای تبعید پانزده نفر دیگر از فعالین حزب درگز در دست اجراست و این توطئه وسیلهٔ مرزبان لطف‌آباد و فرماندار درگز علیه حزب ایران چیده شده است و عجب آن است که فعال‌ترین و با سابقه‌ترین اعضای حزب ایران را که در بین همه اهالی شهر به وطن دوستی و مبارزه با بیگانه پرستان [مشهور] هستند به اتهام توده‌ای منتقل و تبعید می‌کنند و شورای امنیت محلی با صحنه گذاشتن بر این اعمال خلاف قانون عملاً آلت اجرای [مقاصد سوء مرزبان و فرماندار درگز شده است.

از آن‌جا که کمیتهٔ مرکزی حزب ایران نسبت به افراد مورد اتهام کمال اطمینان را از لحاظ حفظ منافع ملی و میهنی دارد جعل این گونه اتهامات و توسل به آنها را برای تبعید افرادش جز زمینه‌سازی برای توفیق وکلای تحمیلی و غیرملی که می‌خواهند با طرد و تبعید مخالفین مردم را مرعوب و مجبور به شکست نمایند چیز دیگری نمی‌داند و از جناب عالی که به مراتب صمیمیت اعضای حزب ایران بیش از همه واقف هستید تقاضا دارد هر چه زودتر دستور رفع

۱. در اصل: نقشه‌ئی.

این تضيیقات را صادر فرموده و خانواده این افراد را از نگرانی و سرگردانی رهایی بخشید.

جاوید باد ایران

دبیرکل حزب ایران

مهندس احمد زیرک‌زاده

[امضا]

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۱۲۲۸۹

تاریخ: ۱۳/۳۱/۵/۲۷

سند شماره ۲۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره انتظامات

شماره: ۱۲۱۵۸/ل

تاریخ: ۱۳/۳۱/۶/۵

جناب آقای نخست‌وزیری

عطف به مرقومه شماره ۱۲۲۸۹ / [مورخ] ۱۳/۳۱/۵/۲۷ [متضمن رونوشت نامه حزب ایران

معروض می‌دارد دستور تلگرافی برای رسیدگی به موضوع به فرمانداری درگز صادر گردید.

بدیهی است به محض وصول گزارش نتیجه مراتب را مجدداً به عرض خواهد رسانید.

وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین، اول:] سابقه. ۱۳۳۱/۶/۶

[حاشیه پایین، دوم:] پیوست شد. ۱۳۳۱/۶/۶

[حاشیه پایین، سوم:] ضبط است. ۱۳۳۱/۶/۹

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۲۴۲۲

تاریخ: ۱۳/۳۱/۶/۶

سند شماره ۲۹/۳

[شیر و خورشید]

وزارت جنگ

دفاع ملی

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۲۶

شماره: ۸۳۵۲/۷۴۳۷

سری

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً پاسخ شماره ۱۲۲۸۹ [مورخ] ۱۳۳۱/۵/۲۷ [دریارة نامه گله‌آمیز حزب ایران معروض می‌دارد: مأمورین ارتش خواه فرماندهان و خواه مرزبانانها و فرماندهان پادگانها در این گونه کارها هیچ‌گونه دخالت مستقیم و مستقلى ندارند بلکه برابر دعوت فرمانداران به کمیسیون امنیت رفته و آنها هم مانند همه رؤسای ادارات محلی برابر تشخیص خود اظهار نظر می‌نمایند.

رئیس ستاد ارتش

سرلشکر بهارمست

[امضا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳۳۱/۶/۲۶]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۱۳۳۱/۶/۲۶]

[حاشیه پایین، سوم: اقدامی ندارد.]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر]

شماره: ۱۶۰۲/۴۰

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۲۶

سند شماره ۳۰

مکاتبات هنگ ژاندارمری گیلان با وزارت کشور در مورد فعالیت‌های حزب
ایران در آن منطقه

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

ژاندارمری کل کشور

رونوشت نامه شماره ۱۸۶۹/ج ۱، مورخه ۱۳۳۱/۶/۱

وزارت کشور

محترماً معروض می‌دارد: گزارش واصله از هنگ ژاندارمری گیلان حاکیست از اواخر سال گذشته که انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی در گیلان شروع شده در دهستان خشک‌بیجار سازمانی به نام نظارت بر انتخابات آزاد به رهبری عبدالعظیم سلوکی کارمند سابق استانداری استان یکم و یدالله بهروزی تشکیل و خود را منتسب به حزب ایران نموده‌اند و چون تاکنون نمایندگان رشت تعیین نشده‌اند، فعالیت عناصر مزبور ادامه دارد و گو این که یک مرتبه از اقدامات آنان جلوگیری شده ولی در اثر وقایع ۳۰ تیر شدت یافته به طوری که اخیراً ضمن سخنرانی‌های خود نسبت به مقامات عالی‌رتبه کشور اسائه ادب می‌نمایند و عده‌ای از افراد و اعضای^۱ حزب توده از این موقعیت سوءاستفاده کرده داخل سازمان مذکور شده و در سخنرانی‌ها که روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته با بلندگو تبلیغات سوء تنقید از اعمال مأمورین دولت نموده و به این ترتیب فاصله بین ملت و مأمورین ایجاد و حس بدبینی بین طبقات زحمتکش و دهقانان را به نفع مقاصد سوء باطن خود تقویت و با هو و جنجال روحیه نیروی انتظامی را تضعیف می‌سازند. چون ادامه این وضع فرصت مناسبی به دست عمال خائن

۱. در اصل: را اعضاء.

حزب منحلۀ توده می‌دهد متمنی است مقرر فرمایید در این مورد تصمیمی اتخاذ نموده اعلام دارند.

کفیل فرماندهی ژاندارمری کل کشور

سرتیپ امینی

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۳۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

[شماره: ۱۹۹۶۵/ج ۱]

[تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۳]

وزارت کشور

محترماً پیرو شماره ۱۸۹۶۹ ج ۱ [مورخ] ۱۳/۶/۸۱ [۱۳] معروض می‌دارد: گزارش واصله از هنگ ژاندارمری رشت حاکی است افراد وابسته به حزب منحلۀ توده در خشک‌بیجار^۱ که سابقاً کارت عضویت داشتند داخل حزب ایران و زحمتکشان شده روزهای دوشنبه و پنجشنبه که بازار تشکیل و جمعیت انبوهی در خشک‌بیجار جمع می‌شوند با بلندگویی که در اختیار دارند صورت ظاهر به نام جمعیت نظارت بر انتخابات آزاد و در باطن برای پیشرفت مقاصد و خرابکاری و تقویت حزب توده آنچه می‌خواهند با بلندگو به مردم ساده لوح آن سامان تزریق و چون این جریان به سایر قراء و قصبات مجاور سرایت می‌نماید به طور قطع در آتیه ایجاد بلوا و شورش نموده، جلوگیری از مرتکبین به این آسانی‌ها مقدور نخواهد بود. در صورتی که به طور قطع و یقین رهبران و سران حزب ایران که خود پشتیبان دولت فعلی می‌باشند راضی به این خرابکاری‌ها نبوده نمایندگان محلی آنها در خشک‌بیجار از لحاظ نادانی با داشتن افکار پلید، خودسرانه مبادرت به این قبیل سخترانی‌های مضره می‌نمایند و چون فقط این جریان در

۱. در اصل: خشکیجار: اصلاح در همه موارد.

خشک‌بیجار حکمفرما می‌باشد و سایر نقاطی که حزب ایران شعبه دارد دیده نمی‌شود مستدعی است مقرر فرمایید در این مورد توجه خاصی مبذول نمایند.
از طرف فرمانده ژاندارمری کل کشور
سرتیپ امیر پرویز

سند شماره ۳۱

تلگراف ابوالفضل قاسمی به دکتر کریم سنجایی در مورد تکذیب وابستگی
اعضای تبعیدی حزب ایران به احزاب دیگر

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: درجز، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۷، تعداد کلمه: ۴۳، تاریخ اصل: [۱۳۳۱/۶/۱]، تاریخ
وصول: [۱۳۳۱/۶/۱]

جناب آقای دکتر سنجایی نماینده محترم مجلس، رفقای انتقالی همه از بدو تأسیس حزب
میهن جزء هم‌مسلمانان بوده‌اند نه مستقیم نه غیرمستقیم به احزاب دیگر وابسته نیستند. با
مسئولیت خود هرگونه اطمینان را در این مورد می‌دهم.

[ابوالفضل] قاسمی

[مهر]: اداره تلگراف تهران

سند شماره ۳۲

تلگراف دبیر کمیته حزب ایران در مشهد با کریم سنجابی راجع به نظر آقای قضایی در مورد لغو حکم تبعید اعضای حزب ایران در صورت موافقت وزارت کشور

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۹۴۲، از: مشهد، به: [تهران]، شماره قبض: ۶۹۹، تعداد کلمه: ۵۶، تاریخ اصل: ۶/۲، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۶/۲

[به] وسیله جناب آقای دکتر سنجابی، کمیته مرکزی حزب ایران تهران، آقای قضایی، لغو احکام انتقال را [به] وسیله شورای امنیت، قانونی ندانسته، مراجعت افراد تبعید شده را موقوف به دستور صریح وزارت کشور می نماید. متمنی [است] با توجه به موقعیت، اقدام فوری مبذول و نتیجه پیگیری [را] ابلاغ فرمایید.

جاوید باد ایران، دبیر کمیته

دکتر میردامادی

سند شماره ۳۳

تلگراف عده‌ای از اهالی درگز به نخست وزیری در اعتراض به اقدامات
مسئول زاده فرماندار درگز نسبت به تبعید عده‌ای از جوانان حزب ایران

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

شماره کتاب: ۱۴۵، از: درجز، به: ت[هران]، شماره قبض: ۳۴۵، تعداد کلمه: ۱۳۸، تاریخ اصل:
۸، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۶/۹

جناب آقای دکتر مصدق، رونوشت وزارت کشور، رونوشت حزب ایران تهران. مسئول زاده
فرماندار خائن درجز از بدو ورود تا به حال همیشه علیه نهضت ملی ایران در تلاش و مشغول
دسیسه علیه ملیون بوده در انتخابات صریح و به نفع مکرم اعمال نفوذ [نموده]، در ایام
حکومت آن جناب بلندگوی شهرداری را که در اختیار مردم بود تعطیل و در ایام قوام با صدور
اعلامیه محلی و گذاشتن بلندگو در اختیار دشمنان ماهیت نوکری خود را نشان داد. سرانجام
هم [با دستگیری و تبعید] بهترین جوانان درجز که در هنگام توقف خارجی‌ها امتحان
وطن پرستی خود را داده‌اند و رهنمای نهضت ملی بودند مردم را عصبانی، مردم درگز هرچه
زودتر احضار و مجازات او را خواهانند، کربلایی مجید شقایب، کربلایی اسلام، کربلایی
غفاری^۱، کربلایی ایوب قاسمی، کربلایی جزایری، جعفریان، کامرانی، داودخانی، جهانگیری،
هوشنگ خامنه، صادق رضوانی، باقرزاده و چهارصد و هشتاد و پنج امضای دیگر.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا، اول:] حزب ایران.

[حاشیه بالا، دوم:] آقای احمدی، این تلگراف نیز راجع به وضع درجز است پس از مراجعت
آقای دبیر مطلب روی خواهد شد.

۱. غفاری دوبار تکرار شده بود.

سند شماره ۳۴

تلگراف ابوالفضل قاسمی (عضو حزب ایران شعبه درگز) به نخست وزیر (محمد مصدق) درباره برگزاری مراسم تجلیل از شهدای سی تیر و درخواست احضار فرماندار درگز

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۷۶، از: درجز، به: تهران، [شماره قبض: ۶۵۰، تعداد کلمه: ۸۲، تاریخ اصل: ۸، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۶/۹]

جناب آقای دکتر مصدق، تهران، رونوشت حزب ایران، رونوشت پرخاش دیروز به مناسبت چهارم شهدا میتینگ و دموستراسیون با شکوهی در درجز به وسیله حزب ایران انجام، بعد از تجلیل و تعظیم از شهدا خیابان جدید [التأسیس شهر به نام خیابان شهدا نام گذاری و تابلوکوبی شد. مردم با عصبانیت و خشم نسبت به بقای مسنن زاده فرماندار درجز ابراز تنفر [و] از آن جناب احضار این فرماندار انگلیسی و قوام پرست و آزادی کش درگز را خواستارند.

حزب ایران درجز

قاسمی

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه بالا: آقای احمدی، پس از آمدن آقای دبیر حزب مطرح شود. امضا: ناخوانا]

[۱۳]۳۱/۶/۱۲

سند شماره ۳۵

تلگراف عده‌ای از رؤسای ادارات شهرستان درگز به نخست وزیری در
شکایت از ابوالفضل قاسمی (از اعضای برجسته حزب ایران درگز)

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۰، از: درجز، به: تهران، شماره قبض: ۶۴۶، تعداد کلمه: ۴۳۵، تاریخ اصل: ۸،
تاریخ وصول: ۱۳۱۶/۴/۹ [۱۳]

تهران [به] وسیله آقای احمد بهار ریاست محترم دفتر نخست [وزیر]، جناب آقای دکتر مصدق
نخست وزیر محبوب، رونوشت وزارت کشور، رونوشت مشهد استاندار معظم، مفاد
صورت مجلس مورخ ۸ شهریور شورای شهرستان درجز برای استحضار ذیلاً معروض و
تقاضای عطف توجه فوری داریم، ساعت ۸ صبح جاری کلیه رؤسای دوایر دولت در
فرمانداری درجز حاضر، اظهار داشتند آقای ابوالفضل قاسمی زیر نقاب اسم حزب ایران برای
تسلط بر ادارات دولتی و ارباب مأمورین و اهالی از چندی قبل شروع به ایجاد تشنج و
اختلال در شهر و حومه نموده، من جمله روز گذشته به عنوان چهلم شهدا، میتینگ تشکیل و
به طور دسته جمعی حرکت و نسبت به فرماندار و مأمورین لشکری و کشوری به طور عموم از
هرگونه هتاک و فحاشی و دادن شعارهای ضد ادارات خودداری ننموده و مردم را به مخالفت
با ادارات تحریک، به علاوه^۱ با اعزام دوچرخه سواران به قراء، زارعین را به ندادن حق
مالکیت تشجیع، به طوری که نزدیک است شیرازه امور و انتظامات شهرستان به کلی از هم
پاشیده شود و چون کارمندان ادارات و جمعی از محترمین و میهن پرستان از این پیش آمدها

عصبانی و متأثر می‌باشند و تقاضای اعتصاب و معامله متقابل را می‌نمایند، تکلیف چیست. آقای فرماندار در پاسخ از روح مسالمت جویی و اطاعت مأمورین و رؤسای ادارات که تاکنون با خون دل منویات دولت متبوع را نسبت به آرامش شهر منظور داشته‌اند سپاسگزاری^۱ و تذکر فرمودند در این موقع که کشور نهایت احتیاج را به آرامش دارد حتی الامکان باید از اعتصاب و تظاهر مأمورین و مردم وطن دوست درگز با نصیحت و اندرز جلوگیری شود. سپس آقایان رؤسای ادارات از نظر رفع مسئولیت تقاضای تشکیل شورای فوق‌العاده شهرستان را نمودند و شورا تشکیل و موضوع مطرح شد. پس از تبادل افکار از نظر این‌که مأمورین و رؤسای دوایر دولتی عضو مؤثر و لاینفک و خیرخواه دولت هستند صلاح دانستند که مراتب به طور دسته‌جمعی تلگرافی به عرض مقام نخست‌وزیری [و] وزارت کشور [و] استانداری برسد و کسب تکلیف شود، لذا شورا صریحاً عرض [می‌نماید] که بر اثر اقدامات و اختلالات خلاف قانون آقای ابوالفضل قاسمی و اطرافیان بی اطلاع اش وضعیت شهر متشنج و اگر فوراً جلوگیری نشود [ما] مأمورین ادارات قادر به انجام وظیفه و ادامه خدمت در این نقطه مرزی نخواهیم بود [و] هرج و مرج روز افزون خواهد شد. فرماندار: مسنن‌زاده، رئیس شهربانی: سروان معتمدی، رئیس املاک: قزلی، رئیس دارایی: آسایی، بهداری: دکتر عزیزی، فرمانده ژاندارمری: سرگرد قهرمانی، فرهنگ: میرافسری، نوغان: هاشمی، شهردار: وهاب‌زاده، کشاورزی: انصاری، راه: برارثانی، آمار: برادران، پست و تلگراف: غفاری، ثبت: اسلامی،

۱۶۷۵ - ۳۱/۶/۸ [۱۳]

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۵۳۳۵

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۵

سند شماره ۳۵/۱

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

یادداشت

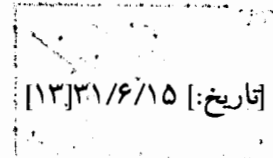
به حزب ایران نوشته شود جلوگیری از اقدامات بی‌رویه بعضی از اعضای خود بکنید و به تلگراف کنندگان جواب داده شود که به حزب ایران مراتب ابلاغ شد که اقدام نمایند.

سند شماره ۳۵/۲

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

[شماره: ۱۵۳۷]



کمیته مرکزی حزب ایران

با ارسال رونوشت تلگراف شماره ۶۴۶ [مورخ] ۱۳۰۶/۶/۸^۱ رؤسای ادارات درج ذیل دستور فرمایید افراد حزب ایران در رعایت نظم و انضباط و اطاعت از مقررات سرمشق سایرین باشند.

نخست وزیر

رئیس کل دفتر نخست وزیر

[امضا: احمد بهار]

۱. منظور از تلگراف مذکور سند شماره ۳۵ می‌باشد.

سند شماره ۳۵/۳

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

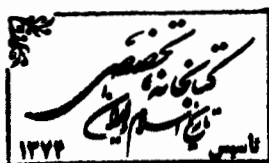
درگز

آقای فرماندار و سایر رؤسای ادارات دولتی درگز در پاسخ تلگراف شماره ۶۴۶ [مورخ] ۱۳/۳۱/۶/۸ به مسئولین حزب ایران تذکر داده شد از اقدامات خلاف رویه افراد منتسب به آن حزب قویاً جلوگیری نمایند. بدیهی است آقایان مأمورین دولتی وظایف قانونی خود را در نهایت بی طرفی و بدون هیچگونه ملاحظه انجام خواهند داد.

[رئیس کل دفتر] نخست وزیر

[امضا: احمد بهار]

سند شماره ۳۵/۴

حزب ایران
کمیته مرکزی

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۲۱

شماره: ۹۰۹

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر

عطف به مرقومه ۱۵۳۷ [مورخ] ۱۳/۳۱/۶/۱۵ که منضم به رونوشت تلگراف ۶۴۲ [مورخ] ۱۳/۳۱/۶/۸ رؤسای ادارات درگز ارسال شده بود زحمت اشعار می دهد: با وجود شکایات عدیده [ای] که از اعضای فداکار حزب ایران درگز مستقیماً و [به] وسیله کمیته مرکزی حزب ایران از اعمال خلاف قانون رؤسای ادارات دولتی درگز بخصوص فرماندار به مقامات صالحه فرستاده اند مع التأسف کوچکترین اقدامی در رفع تعدیات و اجحافات که به مردم محروم درگز

می‌شود به عمل نیامده است. در دوران حکومت جناب عالی که اعضای حزب ایران در همه شهرستانها با فریاد یا مرگ یا مصدق پیشاپیش مردم به استقبال آن رفتند رفقای شریف و آزاده ما را به جرم وطن دوستی و درک روح نهضت ملی ایران و حکومت ملی جناب عالی بی‌سر و سامان و خانواده‌های آنها را دریدر می‌کنند و هیچ مرجعی نیست که به داد آنها برسد. در رجز که رؤسای ادارات آن برای اجرای یک نقشه انتخاباتی به نفع مکرّم، علیه حزب ایران و ابوالفضل قاسمی کاندیدای حزب، که محبوبیت فوق‌العاده‌ای در محل دارد، مشغول توطئه‌چینی شده‌اند. تاکنون بیش از شش نفر از اعضا [ی] حزب ایران را که در دوران اشغال ایران [ب]وسیله متفقین (شوروی) به سبب دفاع از میهن و پرچم خود متهم به فاشیستی و محکوم به تبعید بوده‌اند در حکومت ملی جناب عالی به اتهام کمونیستی از محل آواره کرده‌اند با نفوذ خارق‌العاده‌ای که حزب ایران در درگزر دارد به حدی که می‌توان گفت اکثریت مردم شهر و دهات در رجز عضو حزب ایران هستند. اگر تاکنون علیه این حق‌کشی‌ها و قانون‌شکنی‌های فرماندار و سایر مأمورین خاطی اقدام تند و شدید از طرف مردم به عمل نیامده صرفاً به سبب دستورات مؤکد کمیته مرکزی و مسئولین حزب در رجز بوده است و با وجود آن‌که در صورت برطرف نشدن این فشارها حزب ایران در رجز مکرر از خود رفع مسئولیت کرده متأسفانه توجهی به این امر نشده، برای تأیید مطالبی که از طرف حزب ایران خدمت جناب عالی در مورد در رجز ارسال شده است و تکذیب مندرجات افتراآمیز تلگرافات رؤسای ادارات در رجز عین تلگراف کمیته حزب ایران شهرستان مشهد و دو فقره تلگراف واصله^۱ از درگزر و بیانیه حزب ایران درگزر را تقدیم می‌دارد و انتظار توجه عاجل و فوری نسبت به موضوع درگزر و دستور الغاء احکام کسانی را که به ناحق و علی‌رغم تمایلات قلبی جناب عالی از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند دارد.

جاوید باد ایران

دبیرکل حزب ایران

[امضا: مهندس احمد زیرک‌زاده]

[حاشیه پایین:] به عرض رسید، فرمودند اقدامی ندارد، بایگانی شود. ۶/۷/۳۱ [۱۳]

۱. تلگراف‌های مذکور در پرونده نبود.

سند شماره ۳۵/۵

ضمیمه: صدای خراسان

بیانیه حزب ایران درگز

نه تنها قراردادهای اجتماعی و قوانین انسانی بلکه حکومت حیوان‌ها و مقررات طبیعی جنگل‌ها و بیابان‌ها این حکم و اجازه را می‌دهد حیوان و موجودی که چیزی را تولید کرده [و] به وجود می‌آورد خود بیشتر و بهتر از همه حق استفاده از حاصل کار خود را داشته باشد. این حق طبیعی و مشروع هر موجودی است که ابتدا خود باید از ثمره کار خود استفاده برد سپس دیگران از دسترنج وی بهره بردارند. ولی متأسفانه در اجتماع کثیف^۱ و دور از عدالت و انسانیت و حیوانیت ما این قانون طبیعی به هیچ وجه نافذ و مجری نبوده، طبقه زارع و دهقان یعنی تولیدکننده کلیه وسایل آسایش و راحتی مردم بی‌بهره از دسترنج خود به سر می‌برند. آن کس که برای مردم غذا، لباس، آب و نان تهیه می‌کند، خود در سر خرمن گرسنه و هنگام تحویل پنبه لخت می‌باشد و از آنچه خود برای هزارها سایه نشین تهیه می‌کند زن و بچه‌اش حق استفاده آن را ندارد.

حزب ایران برای این به وجود آمده که زارع را به حقوق طبیعی خود برساند [و] نگذارد از زحمت و کار او در سرما و گرما دیگران استفاده نمایند ولی خود محروم باشد، زن و بچه‌اش با چشم‌های حسرت‌زده ناظر این ظلم و ناعدالتی شود. خوشبختانه اخیراً در اثر اقدامات و مجاهدات ملیون و حزب ایران و توجه جناب آقای دکتر مصدق و زحمات شبانه روزی جناب آقای دکتر کریم سنجابی رئیس کمیته مرکزی حزب ایران، قانونی به تصویب رسیده است که هر چه باشد در شرایط فعلی و در اوضاع و احوال کنونی در بهبود نسبی زندگی دهقانان خیلی مؤثر می‌باشد. طبق این قانون، مالکین علاوه بر معمول سنواتی، صدی بیست به زارعین بدهند که صدی ده آن اختصاص به شخص زارع دارد و صدی ده باید مصروف بهبود وضع اجتماعی زارعین و عمران و آبادی ده بشود. ولی باید این نکته را در نظر داشت که

۱. به احتمال خوانده شد.

ضامن اجرای این قانون خود زارعین هستند چه بدیهی است کسی که خود سال‌ها حق زارع را خورده و برده به جیب زده و آنهایی که با قدرت دولت‌ها حق زارع را ضایع کرده‌اند، نوکر پول و زور هستند این‌ها هیچ‌کدام مایل نیستند که حقوق زارع به زارع برسد.

دهقانان زحمتکش، زارعین مظلوم - حق‌گرفتنی است نه دادنی، حق را باید گرفت استفاده از صدی بیست سهم مالک حق شماست این حق را مجلس، دولت، قانون به شما داده است. هیچ‌کس نمی‌تواند برای گرفتن این حق شما را تهدید کند، بترساند [و] از کار زراعت محروم کند. اگر شما با قدرت قانون و دولت نخواهید حق خود را بگیرید [و] از کسی شکایت نکنید، حزب ایران همان طوری که پیشقدم در گرفتن کلیه حقوق مردم بوده مردانه در پیشاپیش دهقانان به جنگ دشمنان دهقانان رفته است. در این‌جا هم مردانه در خدمت شما بوده برای گرفتن حق شما از هیچ‌گونه مبارزه کوتاهی نخواهد کرد. نیروی حزب ما در درگز، تهران [و] مجلس در اختیار شما می‌باشد. اینک وظیفه دهقانان و زارعین اسیر این سامان است که در صفوف ما داخل شوند. حق مسلم و قانونی خود را از مالکین بگیرند تا شاید برخلاف سال‌های گذشته تغییری در وضع زندگی آنها حاصل شود و ما در دنبال این جهاد بتوانیم به پیروزی نهایی رسیده، گام‌های سریعی برای واگذاری زمین به دهقان و تأمین و تمهیم مالکیت زارعین در حاصل کار و دسترنج خود برداشته، زنجیرهای ظلم و استثمار را برای همیشه از دست و پای مردم برداریم.

جاوید باد ایران

حزب ایران درگز

سند شماره ۳۶

تلگراف کمیته حزب ایران (شعبه مشهد) به نخست وزیری در اعتراض به اقدام فرماندار درگز مبنی بر تبعید اعضای حزب ایران درگز به اتهام داشتن تمایلات کمونیستی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۴۰، از: مشهد، به: تهران، شماره قبض: ۱۰۴۶، تعداد کلمه: ۹۹، تاریخ اصل: ۱۰، تاریخ وصول: ۱۳۱/۶/۱۰ [۱۳]

جناب آقای نخست وزیر، رونوشت کمیته مرکزی حزب ایران. فرماندار درگز در تعقیب اختناق حکومت قوام به نظر اجرای مقاصد شوم خود و تضعیف ملیون، کارمندان دولتی عضو حزب ایران را به اتهام کمونیستی تبعید و مردم را سخت عصبانی و مجبور به تظاهر شدید نموده و [به] تقاضا [ها]ی مکرر ما توجهی نشده، مستدعی [است] فرماندار را فوری احضار، احکام تبعیدی آنان را لغو [و] از تشنج بیشتر و وخامت اوضاع جلوگیری فرمایید. در غیر این صورت حزب ایران از خود سلب مسئولیت می نماید. ۳۳۶ جاوید باد ایران کمیته شهرستان مشهد [مهر]: اداره تلگراف تهران

سند شماره ۳۷

مکاتبه نخست وزیر (محمد مصدق) با استانداری استان نهم در مورد رسیدگی به شکایت اعضای حزب ایران در اعتراض به تصمیم شورای امنیت درگز

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره خصوصی: ۱۴۴۱۵

تاریخ ثبت: ۱۳/۶/۱۱ [۱۳]

مستقیم و فوری است

استانداری استان نهم

در مورد تصمیم شورای امنیت درگز نسبت به هشت نفر از اعضای حزب ایران مقیم آن شهرستان شکایاتی به وسیله جناب آقای دکتر سنجابی نماینده مجلس شورای ملی واصل گردیده است. مستنبط از مجموع شکایات این است که تصمیم فوق الذکر برخلاف واقع و موازین قانونی به تحریک متنفذین محل و با سوءنیت بعضی از رؤسای دوائر دولتی اتخاذ گردیده است. دستور فرمایید در این خصوص دقیقاً رسیدگی و تحقیق نموده جریان امر را اطلاع بدهند.

نخست وزیر

رونوشت برای اطلاع جناب آقای دکتر سنجابی نماینده محترم مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود.

نخست وزیر

[امضای پیش‌نویس: فرید] ۱۳/۶/۵ [۱۳]

سند شماره ۳۸

مکاتبه مسنن زاده (فرماندار درگزر) با قضایی (استاندار استان نهم) درباره
اوضاع سیاسی درگزر و نقش عمال حزب توده و حزب ایران در دسته بندی های
سیاسی آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان نهم

محرمانه - مستقیم

شماره: ۹۲/م

استدعای توجه مخصوص دارد. جناب آقای قضایی استاندار معظم استان نهم، این جانب که به حکم قرعه از فرمانداری بزم به درگزر منتقل گردیدم، برای اجرای منویات دولت با تحمل هزار گونه خسارات و سرمای زمستان از بزم در طول مسافت زیاد ما بین راه درگزر با حرکت عاتله و اطفال خردسال، در تاریخ دهم دی ماه سال ۳۰ به درگزر وارد، با نهایت صمیمیت مشغول انجام وظیفه [شدم]. چون وظیفه مندم از لحاظ وطن پرستی و حفظ مصالح دولت و انتظامات محلی با در نظر گرفتن گزارشاتی که می رسد اشخاص ماجراجو و مغرض که به لباس وطن خواهی برای نیل به آمال و آرزوی خود در سلک طرفداران دولت خود را قرار دهند به اولیای امور معرفی نماید تا مسئولیت اداری و ملی در مقابل وجدان خود نداشته باشم. وضع این شهر طوری است که دو دسته مخالف و در مقابل یکدیگر قرار گرفته، اهالی و جمعیت آنها قوی و دسته دیگر جمعی از مهاجر و کسبه و شاگرد بقال، کفاش، گاریچی و غیره و معدودی کارمندان ادارات که صدی پنجاه آنها طبق سوابق موجوده در ادارات انتظامی از افراد حزب منحلّه توده سابق بوده که فعلاً به نام حزب ایران و جزو طرفداران آقای ابوالفضل قاسمی می باشند. این جانب برای ملحوظ بودن بی طرفی کامل و حفظ انتظامات محل مراقبت کامل نموده و مأمورین را نیز به همین سیره تاکنون هدایت، حتی در کابینه چند روزه قوام السلطنه نگذاردم هیچ گونه گرفتگی و ممانعت از دار و دسته قاسمی به عمل آید و در آن چند روزه کوچکترین فشاری به آنها وارد نگردیده به طوری که در گزارشات عدیده به عرض رسیده این ها که ظاهراً

به نام حزب ایران و طرفدار جبهه ملی می‌باشند معیناً منظورشان هرج و مرج منطقه و اخلال [در] نظم و آرامش و ایجاد تشنج‌هاست. شکی نیست که رهبران حزب ایران مرکز از اشخاص درست و وطن‌پرست بوده ولی از عملیات قاسمی در درگز و سوابق او بی‌اطلاع می‌باشند. همچنین اشخاصی را که قاسمی دور خود جمع کرده بیشتر از افراد حزب منحلۀ توده بوده که به ترویج مرام حزب منحلۀ توده که ایده آل آنها هرج و مرج طلبی و مرعوب کردن مأمورین دولت و اخلال نظم و از بین بردن انتظامات و غیره است پرداخته‌اند. در این موقع که با دستورات و نصایح و اندرز جناب آقای نخست‌وزیر و وکلای جبهه ملی که همگی را امر به آرامش و اتحاد و اتفاق و احترام به مأمورین دولت مخصوصاً مأمورین انتظامی داده‌اند اطاعت نمی‌نمایند. مأمورین انتظامی کراماً پیش‌بینی‌های خود را نموده و در شورای امنیت نظریات خودشان [را] در صورت مجلس منعکس و به عرض مقام استانداری و ادارات استان از طرف مأمورین مربوطه رسیده است. در میتینگ‌ها و سخنرانی‌ها هیچ‌گونه ابقایی به مقامات مؤثر کشور و اشخاص ننموده^۱ و اگر نصایح و اندرز این‌جانب نمی‌بود از طرف محلی‌ها معامله به مثل گردیده و بیم هزاران پیش آمدهای سوء می‌گردید. اخیراً بر اثر انتقال چند نفر از مأمورین دارایی و فرهنگ که از طرف مأمورین انتظامی در شورای امنیت طرح شده و تقاضای انتقال آنها شده بود از هیچ‌گونه عکس‌العملی خودداری ننموده، گاهی حمله به رئیس دارایی و قصد زدن و از بین بردن او را داشته، زمانی حمله در معابر عمومی به مأمورین و رؤسای سایر ادارات نموده، حال نیز در محل حزب شب‌ها مجتمع شده تا ساعت ۱۱ شب با فریادهای بلند به اسم، مأمورین را فرداً فرد مرده باد [می‌گویند]، شهر را از صورت عادی به حال تشنج انداخته، تصدیق می‌فرمایید همه‌گونه افراد از رفتگر، خدمتگزار [و] مأمورین جزء ادارات در میان آنها می‌باشد. با این ترتیب دیگر هیچ‌گونه اعتنائی به این‌جانب و رؤسای ادارات ننموده و وجود مأمورین منشاء اثر نخواهد بود. روز گذشته چند نفر از رؤسای ادارات و مأمورین در فرمانداری حاضر شده و کسب تکلیف نمودند. اگر مرکزیتی می‌باشد و باید تابع دستورات مرکز باشیم. این‌ها روی چه اصلی می‌خواهند به وسیلهٔ ارباب، ما را آلت خود قرار دهند که تسلیم حرف آنها شویم. اگر اجازه می‌فرمایید برای حفظ حیثیت و جان خود به جای اجرای دستورات مرکز، تسلیم نظریات آنها باشیم و همچنین از طرف محلی‌ها به

۱. در اصل: نه نموده.

فرمانداری آمده به این جانب اظهار نموده‌اند که تاکنون ما را امر به سکوت فرموده‌اید و روز روشن با حضور شما که در نوخندان تشریف داشتید نصیر را با کارد مضروب و ضارب را فرار داده به منزل آقای قاسمی و پدرزنش پناهنده می‌شود و می‌گویند این جا نیست. حال هم علناً رؤسای ادارات و مأمورین را فحاشی و مرده باد می‌گویند. ما از جلو آنها خوب بر می‌آییم، آمده اجازه می‌خواهم به هر نحوی آنها را متقاعد نموده که در این موقع کشور محتاج به آرامش بوده، مراتب [را] به عرض مقام استاندار معظم خواهم رسانید. اینک صراحتاً عرض می‌کنم وضع این شهر از صورت عادی خارج گردیده و تشنجات روز به روز بیشتر شده، مأمورین اطمینانی به جان خود نداشته و ندارند که بایستی با کمال قدرت تابع دستورات مرکزی بوده، انجام وظیفه نموده، تکلیف این دسته را تعیین و وظیفه ادارات انتظامی در مقابل تشنجاتی که این‌ها فراهم می‌نمایند روشن فرموده، اوامر عالی را امر به ابلاغ فرمایند.

فرماندار درگزر

سند شماره ۳۹

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری راجع به گزارش‌های فرماندار درگزر درباره اقدامات ابوالفضل قاسمی و اعضای حزب ایران در آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره انتظامات

ضمیمه: دارد

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۲

شماره: ۱۶۴۱/ن/۷۶۳۳/م

جناب آقای نخست وزیر

پیرو معروضه شماره ۱۲۱۵۸/۴۳۹۲۷/ن [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۵ [۱۳] و با استحضار از مفاد گزارش تلگرافی شماره ۱۶۷۵ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۸ [۱۳] رؤسای ادارات دولتی درج و تلگراف

شماره ۶۴۶ مورخ ۱۳۳۱/۶/۹ آقای باقرزاده راجع به افراد حزب ایران شهرستان مزبور، اینک رونوشت کشف دو فقره تلگراف رمز شماره ۹۶ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۸ و ۱۰۲ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۹ فرمانداری درجی برای استحضار خاطر عالی به ضمیمه تقدیم می‌گردد.
وزیر کشور
[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳۳۱/۶/۱۲]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۱۳۳۱/۶/۱۲]

[حاشیه پایین: به عرض می‌رساند. [امضا: جمال ملکوتی] ۱۳۳۱/۶/۱۲]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر]

شماره: ۱۴۵۰/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۲

سند شماره ۳۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت رمز درجی، شماره: م/۹۶، مورخه: ۱۳۳۱/۶/۱۱

وزارت کشور، رونوشت مشهد، استانداری. عصر روز ۷ جاری از طرف حزب ایران در میدان شهر میتینگ داده شد. آنچه توانستند برای مرعوب کردن مأمورین دولت فحاشی و هتاکی و به کلیه رؤسای ادارات دولتی و معتمدین محل و مالکین محل نموده و مردم را برعلیه آنها تحریک و بدبین [نموده‌اند]. همان روز جمعی از رؤسای ادارات و اعضا و معتمدین در فرمانداری آمده و نسبت به جریان و حرکت ناشایسته آنها متألم و حتی قصد اعتصاب داشته، این‌جانب و رئیس شهربانی آنها را نصیحت و منصرف و به مراحم اولیای امور امیدوار، روز پیش عده [ای] قصد داشتند برای روز هفتم عکس‌العملی نشان دهند ولی با نصایح، آنها را قانع

حتی از عده [ای] تقاضا شد به خارج شهر بروند که خدای نکرده خلاف نظمی روی ندهد. گزارش‌ها معروض به عرض عالی می‌رساند، آقای ابوالفضل قاسمی و دار و دسته او اغلب دارای سوابقی هستند^۱، می‌خواستند زیر نقاب حزب مأمورین و اهالی را مرعوب و تسلط به ادارات را پیدا کرده، برای انجام توقع و تقاضاهای خلاف مقررات خود راهی داشته باشند استدعای عطف توجه مخصوص [را دارم]. م/۹۶ - ۳۱/۶/۸ [۱۳]

مسنن زاده

رونوشت برابر با اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۳۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت: [وزارت] کشور، کشف رمز درجز، شماره: م/۱۰۲، مورخه ۳۱/۶/۹ [۱۳]

وزارت کشور [شماره] ۱۱۸۷۶ [مورخ] ۳۱/۶/۶ [۱۳]، هیچ‌گونه تضحیاتی به عمل نیامده آزادی عمل آنها^۲ تا حدی بوده که علناً در موقع میتینگ^۳ در معابر به کلیه رؤسای لشکری و کشوری هتاک و فحاشی ورزیده و التفاتی به مقامات دولتی نداشته، میل دارند در کلیه ادارات دولتی دخالت [و] با تعیین افراد دوچرخه سوار در قراء و بخش‌ها اخلال در کارها می‌نمایند. مأمورین هم که بخواهند انجام وظیفه نمایند با فحاشی آنها را مرعوب و به شکایات بی‌اساس تشبث می‌نمایند. گزارش مشروح لفاً تقدیم [می‌شود]. م/۱۰۲ ۳۱/۶/۹ [۱۳]

مسنن زاده

رونوشت برابر اصل کشف است. [امضا: ناخوانا]

۲. در اصل: با آنها.

۱. در اصل: هستید.

۳. در اصل: میتینگ، اصلاح در همه موارد.

سند شماره ۳۹/۳

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۹

شماره خصوصی: ۱۴۵۰/۴

وزارت کشور

عطف به شماره ۱۶۴۱/ن/۷۶۳۳/م [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۱۲، رونوشت تلگرافی که در پاسخ
تلگراف آقایان رؤسای ادارات شهرستان درگز مخابره گردیده است به ضمیمه برای اطلاع
فرستاده می شود.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

[امضا: احمد بهار]

سند شماره ۴۰

مکاتبه وزارت دارایی با نخست وزیری در مورد تلگراف پیشکار دارایی درگز
در شکایت از اقدامات ابوالفضل قاسمی و اعضای حزب ایران درگز

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

تاریخ: ۱۳۲۹/۶/۲۳

شماره: ۲۳۲۰/م

محرمانه - مستقیم - فوری

پیوست: دارد

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت کشف تلگراف رمز شماره ۱۵/م مورخ ۱۳۳۱/۶/۸ [آقای آسای رئیس دارایی]

درگز که به وسیله آقای نخعی پیشکار دارایی استان نهم به وزارت دارایی رسیده برای استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد.

وزیر دارایی

[امضا: باقر کاظمی]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۵۷۱/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۲۳

سند شماره ۴۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

شماره: ۱۳۳۳۷

با پست هوایی تقدیم می‌شود

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۱

تهران جناب آقای کاظمی وزیر دارایی با کلید عین تلگراف رمز رئیس دارایی شهرستان درگز ذیلاً درج، کشف تلگراف رمز شماره ۸۵/م [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۸ [آقای آسانی رئیس دارایی درگز

از درجز به مشهد، جناب آقای نخعی پیشکار معظم دارایی با کلید ۳۷ پیرو ۷۵۲۲ [مورخ] ۱۳۳۱/۵/۶ [مورخ] ۸۷۸۵ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۸ [مدتی است آقای ابوالفضل قاسمی در نقاب دولت‌خواهی و به عنوان حزب ایران می‌خواهد رؤسا و کارمندان دوایر را مرعوب و بر دوایر دولتی تسلط یافته، مقاصد خود را انجام و تقاضاهایش را تحمیل کند. لذا از هرگونه هتاک و ناسزا خودداری نمی‌کند. من جمله روز گذشته تحت عنوان یادبود شهدای [اسی] تیر میتینگی تشکیل، ضمناً به عموم رؤسای دوایر، فحاشی و هتاک و نسبت‌های ناروایی داده که بالتبیینه عموماً صبح امروز در فرمانداری اجتماع و اعمال خلاف رویه او را به مقام نخست‌وزیری و

وزارت کشور و استانداری گزارش، چون با رویه فعلی آقای قاسمی هیچ یک از دوایر قادر به انجام وظیفه نخواهند بود مخصوصاً چون مؤدیان مالیاتی هم تشجیع شده‌اند تصور نمی‌کند که دیگر بتوان دیناری مالیات وصول نماید. لذا مراتب [را] استحضاراً به عرض می‌رساند برای حفظ بقیه حیثیت و آبروی شخصی و خانوادگی حتی جان خود تمنا دارد چنانچه ممکن است مقرر فرمایند فدوی را به شهرستان دیگری منتقل و الاً یک ماه مرخصی اعطاء فرمایند تا به مرکز رفته وسیله انتقال خود را به نقطه دیگری فراهم نمایم؛ زیرا با این وضع ادامه خدمت در این شهرستان غیرمقدور و خطرناک است «۱۵/م ۳۱/۶/۸ [۱۳] آسانی» و به عرض می‌رساند که قاسمی نام در درگز و میردامادی و عباس محمودی با قلیل عده همدستان آنها در مشهد به عنوان بستگی به حزب ایران از راه فحاشی و هتاکی و مرعوب نمودن ادارات مقصودشان تسلط بر اوضاع و نسبت به بنده هم از هرگونه اهانت و فحاشی به وسیله صدور اعلامیه و فحش نامه‌های مندرج در روزنامه خراسان خودداری نکرده از روزی که با تلگراف شماره ۱۲۷۷۷ به عرض رسید. گزارش میردامادی به مقام نخست‌وزیری در قضیه تعمد در خودداری از پرداخت حقوق ادارات کذب و به لحاظ هواخواهی از پدرزنش است. با نهایت شدت به علت ضعف استانداری و مرعوبیت قوای انتظامی به وسیله نشر اعلامیه و صدور فحش نامه بر علیه بنده قیام و با این وضعیت نه تنها داری درجز بلکه بنده هم بیش از این حاضر برای ادامه کار در این حوزه که سوابق خدمت چهل ساله‌ام به کشور دستخوش نظریات چند نفری حیثیت بشود نبوده، چنانکه با تلگراف شماره ۱۳۲۱۹ هم به عرض رسید استدعای احضار خود را دارم. ۱۳۳۳۷

نخعی

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۴۱

مکاتبه وزارت دارایی با نخست وزیری درباره اختلافات حزب ایران (شعبه خراسان) با نخعی، پیشکار دارایی آن منطقه و تلگرافات واصله به دارایی در این زمینه

[شیر و خورشید]

وزارت دارائی

پیوست: ۳ برگ دارد
محرمانه - فوری

به تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۲۴
شماره: ۲۱۷۷/م

جناب آقای نخست وزیر

یک نسخه کشف تلگراف رمز شماره ۱۳۶۵۳ و ۱۳۵۹۵ آقای شمس الدین نخعی پیشکار دارایی خراسان و رونوشت تلگراف شماره ۳۵۰ کمیته حزب ایران به مشهد به ضمیمه تقدیم می گردد. مستدعی است مقرر فرمایند فوراً تعلیمات لازمه به مأمورین مربوطه در مشهد صادر نمایند.

وزیر دارایی

[امضا: باقر کاظمی]

[حاشیه پایین، اول:] به عرض می رساند. [امضا: جمال ملکوتی] [۱۳]۳۱/۶/۲۴

[حاشیه پایین، دوم:] مهندس زیرک زاده.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۵۸۹/۴

تاریخ: [۱۳]۳۱/۶/۲۴

سند شماره ۴۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

کشف تلگراف رمز شماره ۱۳۶۵۳ چهاردهم شهریور آقای شمس‌الدین نخعی از مشهد

مستقیم - جناب آقای کاظمی وزیر دارایی پیرو ۱۲۷۷۷ و ۱۳۲۱۹ و ۱۳۵۹۵ میردامادی و چند نفر از همدستان او به‌عنوان عضویت حزب ایران کار فحاشی و وقاحت را نسبت به بنده در روزنامه و با صدور بیانیه به جایی رسانیده که دیگر برای بنده ادامه خدمت غیرمقدور [است]. استدعا دارد مقرر فرمایید اجازه آمدن مرا به مرکز تلگرافی صادر و چون نتیجه سی و پنج سال خدمت به علت ضعف دستگاه استانداری و مرعوبیت قوای انتظامی، از طرف میردامادی عایدم گردید، اصولاً معافیت از خدمت و صدور حکم بازنشستگی خود را تقاضا دارم. ۱۳۶۵۳ چهاردهم شهریور شمس‌الدین نخعی.

سند شماره ۴۱/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

کشف تلگراف رمز شماره ۱۳۵۹۵ [مورخ] ۳۱/۶/۱۳ [۱۳] آقای [شمس‌الدین] نخعی از مشهد

جناب آقای کاظمی وزیر دارایی بعد از عرض تلگراف ۱۲۷۷۷ مورخه سوم جاری و گزارش این‌که دکتر میردامادی موضوع تأخیر پرداخت حقوق ادارات را مستمسک و بهانه قرارداده از جهت تغییر پدرزنش از دفتر دارایی کلات از هر قسم توهین در روزنامه جات و نشر اعلامیه

فروگذار نکرده و چهار میلیون ریال واصله بلافاصله به پرداخت قسمتی از حقوق ادارات از اقلام کوچک رسید. از آن روز تاکنون مرتباً و با کمال خشونت کارمندان ادارات مطالبه بقیه حقوق تیرماه خود را می‌کنند. امروز هم که در تهران برحسب خبر رادیو دستور پرداخت حقوق مرداد داده شده ادارات به شدت و سختگیری خود افزوده، دستگاه فحاشی میردامادی و میتینگ مجدداً به راه افتاده و چون قوای انتظامی هم مرعوب و مطلقاً دخالتی نمی‌کند دیگر آبرویی در انتظار برای این اداره باقی نگذارده‌اند. اینک لازم به عرض دانست اگر فی‌الواقع برای پرداخت بقیه حقوق تیرماه که قسمت عمده آن در مرکز شهرستان و کلیه حقوق بخش‌های تابعه باقی است و نیز برای پرداخت حقوق مرداد ارسال وجه از مرکز مقدور نیست لامحاله بنده را اجازه عزیمت [به] مرکز فرمایید که بیش از این مورد توهین یک عده اشخاص بی حیثیت و ماجراجو واقع نشوم. ۱۳۵۹۵ - ۱۳/۶/۱۳ [۱۳] نخعی

سند شماره ۴۱/۳

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

رونوشت تلگراف کمیته حزب ایران از مشهد

جناب آقای دکتر مصدق، رونوشت جناب آقای کاظمی، رونوشت کمیته مرکزی حزب ایران نخعی پیشکار دارایی با اعزام چاقوکش به حزب ایران عده‌ای را زخمی، امنیت شهر را مختل [و] بیم حوادث وخیم [می‌رود] متمنی [است] با احضار فوری وی به تشنج خاتمه بخشید. جاوید باد ایران، ۳۵۰ کمیته حزب ایران مشهد - دکتر میردامادی.

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۴۲

تلگراف حزب ایران درگز به نخست وزیری در مورد اجرای حکم شورای امنیت
راجع به انتظار خدمت کارمندان دارای منتسب به حزب ایران

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۸۶۰، از: درج، به: ت[هران]، شماره قبض: ۶۱۲، تعداد کلمه: ۵۳، تاریخ اصل:
۲۶، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۶/۲۶

جناب آقای دکتر مصدق، رونوشت حضرت آیت الله کاشانی، رونوشت به وسیله جناب آقای
دکتر سنجابی، حزب ایران در اثر [اقدام] پیشکار دارای و تهدید به انتظار خدمت حکم شورای
امنیت اجرا، کارمندان دارای عضو حزب که تلگراف تبریک قوام را امضا نکردند حرکت، حکم
یک نفر دیگر هم صادر شد. ۱۸۳

حزب ایران درج

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا:] به وسیله جناب دکتر سنجابی.

سند شماره ۴۳

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری در مورد طومار ارسالی از مشهد به امضای اعضای حزب ایران و اهالی آنجا دربارهٔ جلوگیری از مراجعت سیدجلال الدین تهرانی به مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

شماره: ۹۰۷۷/س/۷۸۲۱/م

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۱

محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

محترماً پیرو شماره م/۷۳۶۸-م/۸۴۸۹/س [مورخ] ۱۳/۶/۱۳ [۱۳] به عرض می‌رساند طبق گزارش شهربانی مشهد طوماری از طرف حزب ایران به امضا [ی] اهالی رسیده که از مراجعت آقای سیدجلال الدین تهرانی به مشهد ممانعت شود. مراتب برای استحضار خاطر عالی معروض گردید.

وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیهٔ پایین، اول: سابقه به پیوست شماره ۱۶۴۱/۴ در مورخه ۳۰/۶/۱۳] به اداره

محرمانه ارسال شد. [۱۳۳۱]/۷/۲

[حاشیهٔ پایین، دوم: خدمت جناب آقای بهار اعزام شد. پیروزی [۱۳۳۱]/۷/۲

[حاشیهٔ پایین، سوم: بایگانی است. [۱۳۳۱]/۷/۱۳

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۶۸۸/۴

تاریخ: [۱۳]۳۱/۷/۲

سند شماره ۴۴

مکاتبه نخست وزیری با وزارت دارایی در مورد نامه دبیرکل حزب ایران (مهندس احمد زیرک زاده) راجع به نارضایتی از عملکرد پیشکار دارایی خراسان و اقدامات غیرقانونی وی نسبت به اعضای حزب ایران

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۱۶۸۵/۴

تاریخ: [۱۳]۳۱/۷/۲

محرمانه - فوری

جناب آقای وزیر دارایی

با اعلام وصول نامه‌های شماره ۲۱۷۷ [مورخ] [۱۳]۳۱/۶/۲۴ و ۲۳۲۰ [مورخ] [۱۳]۳۱/۶/۲۳ به پیوست رونوشت تلگرافات آقای نخمی پیشکار دارایی استان نهم و آقای آسایی رئیس دارایی درگز، اینک رونوشت نامه ۹۷۶ [مورخ] [۱۳]۳۱/۶/۳۰ جناب آقای مهندس زیرک زاده نماینده مجلس شورای ملی برای اطلاع و توجه لازم تلوأ فرستاده می‌شود.
نخست وزیر

سند شماره ۴۴/۱

حزب ایران

کمیته مرکزی

شماره: ۹۷۶

تاریخ: [۱۳]۳۱/۶/۳۰

جناب آقای نخست وزیر

وضع‌ی که در مشهد پیش آمده دنباله اقداماتی است که در اکثر نقاط ایران مخصوصاً در

خراسان کارمندان بدسابقه دولت برای تضعیف دولت آن جناب و جلوگیری از اصلاحات می‌نمایند. عملیات پیشکار دارایی استان نهم به طور وضوح به منظور ناراضی ساختن کارمندان و مردم انجام می‌گیرد و از این جهت مورد اعتراض تشکیلات حزب ایران قرار گرفته است. در موقعی که از تهران دستور می‌دهند (با درآمد خود حقوق‌ها را بپردازید) آقای نخعی با علم به این که از چه درآمدی چه حقوقی باید پرداخته شود چون کار عادی دارایی هر محل است، برای این که تأخیری در پرداخت‌ها روی دهد از تهران دستور می‌خواهد (از کدام درآمد پرداخت شود). در موقعی که این جانب در خراسان بودم دسته‌های مختلف کارمندان مراجعه و تمامی از مشکلاتی که آقای نخعی در پرداخت ایجاد می‌کنند شکایت داشتند. موقعی که جیره‌بندی قند و شکر لغو گردید، اقدامات آقای نخعی جنبه خطرناکتری به خود گرفته است. اولاً اعلام لغو جیره‌بندی را با وجود فشار شدید مردم چند روزی به تأخیر می‌اندازند. ثانیاً پس از اعلام لغو جیره‌بندی یک روز بیشتر آزادانه فروش نکرده‌اند و به عنوان این که (اگر بدین ترتیب ادامه دهیم دیگر قند و شکر باقی نمی‌ماند) دو مرتبه جیره‌بندی را برقرار و فقط به جای یک کیلو دو کیلو داده‌اند، در صورتی که منظور اصلی دولت لغو جیره‌بندی بوده است نه این که چه مقدار قند به دست اشخاص می‌رسد. در خراسان معروف است که علت این رفتار این بوده که تجاری که قند و شکر در دست داشته‌اند (در حدود ۵۰۰ تن) مهلت کافی برای فروش داشته باشند و حتی گفته می‌شود که برای هر روز تأخیر در لغو جیره‌بندی ۱۰۰۰۰۰ ریال رشوه گرفته شده است. اینک آقای نخعی در تلگرافات خود خواسته‌اند اقدامات حزب ایران را به صورت عملیات اشخاص و در نتیجه اغراض خصوصی جلوه‌گر سازند صحیح نیست. اقداماتی که از طرف حزب ایران مشهد بر علیه آقای نخعی شده است با تصویب کمیته حزب ایران شهرستان مشهد بوده است. آقای نخعی به جای این که در صدد چاره‌جویی برآیند و عناصر ناصالحی که احاطه‌شان کرده از خود دور کنند عده [ای] چاقوکش را به حزب ایران گسیل داشته و زد و خوردی ایجاد کرده‌اند. گزارش‌های حزبی حاکی است که آقای نخعی خود مردی صحیح‌العمل است ولی ضعیف و در دست^۱ اشخاص فاسد اداری و غیراداری گرفتار می‌باشد و از طرف دیگر عیبی که در اغلب رؤسای ادارات دولتی موجود بوده و مانع انجام اصلاحاتی است که آن جناب در نظر دارند، در ایشان نیز موجود می‌باشد، یعنی بستگی

۱. در اصل: در در دست.

کامل به دسته‌ها و اشخاصی که مسبب خرابکاری‌های این مملکت شناخته شده‌اند. در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که شعب حزب ایران جز پشتیبانی از دولت آن جناب و انجام اصلاحات منظوری نداشته‌اند و دست‌های مخالف اصلاحات می‌کشند که با پرونده سازی و دروغ‌پردازی اقدامات ملی آنان را بلااثر سازند. بهترین نمونه این پرونده‌سازی‌ها همین تلگرافی است که آقای نخعی با استمداد از پرونده‌سازان درگزی تهیه و مخایره نموده است.

جاوید باد ایران

با تقدیم احترامات فائقه

دبیرکل حزب ایران زیرک‌زاده

[امضا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۶۸۵/۴

تاریخ: ۳۱/۷/۲ [۱۳]

سند شماره ۴۵

مکاتبه نخست‌وزیری با مهندس زیرک‌زاده (نماینده مجلس و دبیرکل حزب ایران) راجع به گزارش استانداری گیلان و مازندران درباره اقدامات اعضای حزب ایران در میان زارعین منطقه خشک بیجار رشت

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[شماره:] ۱۷۱۴/۴

[تاریخ:] ۳۱/۷/۳ [۱۳]

یادداشت

جناب آقای مهندس زیرک‌زاده نماینده محترم مجلس شورای ملی
رونوشت گزارش شماره ۸۲۳ استانداری استان اول با رونوشت نامه فرمانده ژاندارمری هنگ

گیلان به ضمیمه فرستاده می‌شود، خواهشمند است با توجه به مفاد آن، اقدام قاطع و مؤثر بفرمایید که از این گونه عملیات جلوگیری بشود.

نخست وزیر

سند شماره ۴۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان اول

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۷

شماره: ۸۲۳/م

پیوست: ۱

محرمانه - مستقیم

جناب آقای دکتر صدیقی وزیر محترم کشور

پیرو گزارش شماره ۷۶۲/م [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۱۳ رونوشت گزارش شماره ۹۸۷۳ [مورخ]

۱۳۳۱/۶/۱۷] ژاندارمری گیلان جهت مزید استحضار به ضمیمه تقدیم می‌شود.

در این مورد چندین بار به مسئولین حزب ایران در رشت شخصاً تذکر لازم را داده‌ام که مانع شوند افرادی بدسابقه از نام نیک حزب سوء استفاده نمایند. متمنی است با اولیاء حزب ایران در مرکز هم مذاکره فرمایید که به ترتیب مقتضی کمیته ایالتی حزب در رشت را متوجه تقویت مأمورین انتظامی در قراء و قصبات مخصوصاً در این موقع که لایحه ازدیاد سهم کشاورزان در دست اجرا می‌باشد بنمایند. ضمناً چون ایراد کرده بودند رئیس پاسگاه ژاندارمری در خشک بیجار مأمور فاسدی است دستور تعویض او داده شده است.

کفیل استانداری

میهن

[امضا]

سند شماره ۴۵/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان اول

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۷

محرمانه - فوری

رونوشت نامه هنگ ژاندارمری گیلان

شماره: ۹۸۷۳/ج

جناب آقای استاندار استان یکم

پیرو شماره ۸۵۹۱/ج [مورخ] ۱۳۳۱/۵/۲۹ [محرمانه] معروض می‌دارد: طبق گزارش گروهان ژاندارمری رشت، از روزی که جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر مقرر فرمودند در کلیه قراء و قصبات، شورای کشاورزان تعیین شود، سران حزب ایران در حوزه خشک‌بیجار و اطراف افرادی را به قراء و قصبات اعزام با جمع‌آوری کشاورزان از بین آنها افرادی که دارای سوابق سوء و غالباً منتسب به حزب توده بوده به نام عضو اصلی شورای ده تعیین و به علاوه آنچه تاکنون در آن حدود پیش آمدهای محلی و زد و خورد و غیره بین زارعین رخ داده و می‌دهد بدون مراجعه به مقامات انتظامی [به وسیله همین اشخاص مورد رسیدگی قرار داده موجب آزار و ناراحتی رعایا را فراهم می‌نمایند. مثلاً یکی از رعایای باغ امیر کنده چند بوته درخت غرس نموده ولی چون زارع مربوطه نام خود را در حزب ایران ثبت نکرده بود تحت این عنوان، به دستور غلام فتاحی عضو اصلی شورای ده گالش محله، حاجی بکننده که مشارالیه دارای سابقه حزب توده می‌باشد [به وسیله چند نفر زارع دیگر وابسته به حزب ایران کلیه درخت‌های زارع مورد نظر را به عنوان عدم ثبت نام در دفتر حزب قطع نموده و این اعمال علاوه بر این که مأمورین انتظامی را از وظیفه اصلی دلسرد می‌نماید موجب اغتشاش و ناامنی و خودسری افراد در قراء و قصبات شده و مردم شاک و مدعی هستند. اگر رسیدگی به جرایم و

رتق و فتق امور به عهده احزاب است، پاسگاه‌های قضایی ژاندارمری چه معنایی دارد و چرا در جمع‌آوری آنها اقدام نمی‌شود. سخن پراکنی این حزب در خشک‌بیجار و اظهارات خلاف قانون آنها که در گزارشات متعدد قبلی به عرض رسید چون مورد تعقیب واقع نگردیدند مبادرت به این اعمال نمودند و در آتیه، کارهای بزرگتری انجام خواهند داد. جناب آقای استاندار، ژاندارمری گیلان پانصد و ششصد نفر ژاندارم بیشتر ندارد و این عده علاوه بر اجرای مرجوعات دوایر دولتی و جلوگیری از سرقت گاو و غیره بایستی انتظامات قریب به یک میلیون و نیم جمعیت را در این منطقه حساس مورد توجه، حفظ نماید. اگر قرار باشد عده‌ای [ماجرای] تحت لوایح حزبی مبادرت به این خودسری‌ها نمایند، در آتیه نزدیکی رشته انتظامات به کلی درهم گسیخته، مزاحمت بسیار بزرگی برای دولت که درصدد ترمیم خرابی‌های گذشته می‌باشد شده و بخصوص مانع از نظریات دولت در انجام امور شورای کشاورزی و غیره خواهند شد. به علاوه وقتی انتظامات دستخوش هرج و مرج گشت، سایر ماجراجویان و عناصر توده هم از موقعیت و بازار آشفته استفاده کرده نظریات سوء خود را با کمال اطمینان و آرامش اجرا و انجام خواهند داد.

فرمانده هنگ ژاندارمری گیلان

سرهنگ ۲ نشاط

رونوشت برابر اصل است.

[حاشیه پایین: خجسته.]

سند شماره ۴۶

مکاتبه نخست وزیری با وزارت کشور در مورد پیشنهاد استانداری خراسان
راجع به بررسی و تجدید نظر در تصمیم شورای امنیت درگذ درباره اعضای
حزب ایران

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳/۷/۳۱ [۱۳]

شماره: ۱۶۴۱/۴

وزارت کشور

رونوشت نامه شماره ۱۰۷۳/م [مورخ] ۱۳/۶/۲۵ [استانداری استان نهم راجع به تصمیم
متخذه شورای امنیت درگذ تلوا ارسال می گردد. متمنی است دستور فرمایند پیشنهاد استانداری
مبنی بر تفویض حق تجدید نظر به کمیسیون امنیت را مورد مطالعه و بررسی قرار داده نظر
متخذه را اعلام نمایند.

معاون نخست وزیر

جمال ملکوتی

[امضای پیش نویس: ناخوانا] ۱۳/۷/۲ [۱۳]

سند شماره ۴۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان نهم

تاریخ: ۱۳/۶/۲۵ [۱]

شماره: ۱۰۷۳/م

پیوست: دارد

محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست وزیر

عطف به مرقومه شماره ۱۴۴۱۵ [مورخ] ۱۳/۶/۱۱ [۱۳] راجع به تصمیم متخذه شورای امنیت

درگزر دربارهٔ هشت نفر از اعضای حزب ایران به استحضار می‌رسد: قبل از ورود این‌جانب به محل مأموریت کمیسیونی به نام کمیسیون امنیت که مقررات دولتی اجازه تشکیل چنین کمیسیونی را داده و با ملاحظه این‌که وظایف کمیسیون مزبور مخالفتی با قانون ندارد، در مقر فرمانداری درگزر تشکیل و مقرر داشته‌اند چند نفر از مأمورین دولت را که محل به امنیت و آسایش عمومی تشخیص [داده] شده‌اند به جاهای دیگر منتقل شوند و پس از وصول صورت مجلس کمیسیون به استانداری، استاندار وقت دستور اجرای آن را داده و رؤسای دوایر محلی مأمورین نامبرده را به جای دیگر انتقال ولی مشارالیه‌م یا بعضی از آنها هنوز به محل مأموریت جدید خود نرفته‌اند و مشغول مقاومت هستند و در هر حال چون حق تجدید نظر برای کمیسیون مقرر نشده این‌جانب به فرمانداری محل دستور دادم بدون اجازه دولت حق تجدید نظر در تصمیمی که قبلاً اتخاذ نموده‌اید ندارید. اگر اجازه و مقرر فرمایند که حق تجدید نظری برای کمیسیون داده شود تا به اعتراضات این قبیل اشخاص رسیدگی و رأی مقتضی صادر گردد و دادن این حق به مأمورین دولت که مورد اصابت چنین آرای می‌شوند موافق اصول قانونی و عدالت است. زیرا این تصمیمات نوعاً در غیاب این اشخاص گرفته می‌شود و در عین حال ممکن است قرار اجرای موقت تصمیم غیابی از طرف کمیسیون امنیت صادر و اصل تصمیم و اجرای موقت قابل اعتراض باشد و ترتیب ابلاغ تصمیم و مبداء مهلت اعتراض نسبت به تصمیمات سابق از تاریخ ابلاغ ثانوی و نسبت به آتیه از تاریخ ابلاغ تصمیم و مدت اعتراض بیش از پنج روز تا ده روز باشد. رونوشت گزارش شماره ۹۲/م [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۴ [فرمانداری درگزر با رونوشت شکوائیه تلگرافی عده‌ای از اهالی شهرستان مزبور برای استحضار تقدیم می‌شود.

استاندار استان نهم

[امضا: محمد سجادی]

[حاشیهٔ پایین، اول]: سابقه. ۱۳۳۱/۶/۳۰

[حاشیهٔ پایین، دوم]: ضمیمه شد. ۱۳۳۱/۶/۳۰

[حاشیهٔ پایین، سوم]: به عرض می‌رساند. [امضا: جمال ملکوتی] ۱۳۳۱/۶/۳۰

[حاشیهٔ پایین، چهارم]: از وزارت کشور سؤال شود.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۶۴۱/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۳۰

سند شماره ۴۷

مکاتبه نخست وزیری با وزارت کشور در مورد نامه وزارت دارایی مبنی بر دخالت‌های دکتر میردامادی و اعضای حزب ایران در امور اداری و تحریک مردم علیه مسئولین دارایی خراسان

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۱۰۷۳/م

تاریخ: ۱۳۱۷/۷/۱۷ [۱۳]

محرمانه

وزارت کشور

رونوشت نامه شماره ۲۱۳۷ [مورخ] ۱۳۱۷/۷/۶ [۱۳] وزارت دارایی برای اطلاع و رسیدگی و اقدام قانونی به پیوست ارسال می‌گردد.

از طرف نخست وزیر

رونوشت برای اطلاع وزارت دارایی ارسال می‌شود.

از طرف نخست وزیر

[امضای پیش‌نویس: رضوی]

سند شماره ۴۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

ضمیمه: دارد

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۶

محرمانه

شماره: ۲۱۳۷

جناب آقای نخست وزیر

به طوری که گزارش پیشکاری دارایی استان نهم حاکی است دکتر میردامادی که گویا منتسب به

حزب ایران است اصناف آبنبات ریز و عاملین سابق قند و شکر را تحریک و در نتیجه ایجاد مشاجره و تظاهرات در استانداری، جناب آقای استاندار دستور داده‌اند که سهمیه قند و شکر نامبردگان را به میزان دو مقابل سهمیه سابق بپردازند، اینک با تقدیم رونوشت گزارش ۱۳۲۱۹ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۹ پیشکاری مذکور، چون صدور این قبیل دستورات که با اقدامات و فشار اشخاص غیرمسئول توأم است مانع حسن جریان توزیع قند و شکر است، متمنی است مقرر فرمایید برای جلوگیری از این قبیل مداخلات و همچنین حفظ انتظامات محل، دستور مقتضی صادر نموده و وزارت دارایی را نیز مستحضر سازند.

وزیر دارایی

[امضا: باقر کاظمی]

[حاشیه پایین، اول:]: به عرض می‌رساند. [امضا: جمال ملکوتی] [۱۳]۳۱/۷/۶
[حاشیه راست:]: اداره امور.

۱. رونوشت به وزارت کشور برای اطلاع و اقدام قانونی ارسال [شود].

۲. رونوشت برای اطلاع وزارت دارایی ارسال [شود]. [۱۳]۳۱/۷/۱۴

[حاشیه پایین، دوم:]: سابقه ضمیمه شد. [۱۳۳۲/۷/۱۶]

[مهر:]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۷۳۸/۴

تاریخ: [۱۳]۳۱/۷/۶

سند شماره ۴۷/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۹

آقای نخعی از مشهد

شماره: ۱۳۲۱۹

تهران مستقیم، جناب آقای وزیر دارایی پیرو تلگراف ۱۲۷۷۷ سوم جاری دکتر میردامادی که از آقای^۱ شبهه در امر حقوق و تحریک کارمندان ادارات مایوس گردید، صنف آب نبات ساز و عاملین قند و شکر را تحریک و آنان را وادار به اجتماع در اداره قند و شکر و پیشکاری و بالاخره در استانداری نموده و برخلاف مدلول دستور ۳۶۵۲۶ تقاضای سهمیه می نمودند. بعد از مدتی مشاجره و تظاهرات در استانداری بالاخره به دستور جناب آقای استاندار قرار شد سهمیه سابق عاملین دو برابر داده شود که به هر نفر شهرنشین به جای یک کیلو دو کیلو و هفتاد و هفت تن شکر هم به صنف آب نبات ساز و به شیرینی سازان و قهوه چی ها و کمپوت سازان هم مطابق سابق سهمیه داده شود، صورت مجلس تشکیل، اجتماع را به زحمت از استانداری متفرق نمودند. عجالتاً نرخ بازار با نرخ دولتی تقریباً برابر و به این ترتیب نظریه اصناف مزبور و جنس مورد احتیاج مصرف کنندگان شهرنشین تأمین گردید. ولی میردامادی حالا در صدد اغوای تجار ذی دخل در امر قند و شکر و دلالان و سقط فروشان محترک است که چون موجودی از خرید از کارخانه به نرخ بیشتر دارند و مواجه با ضرر شده اند، به اتکا [ی] دستور مرکز دایر به آزادی خرید، به مقادیر زیاد تحویل قند و شکر را درخواست که به این وسیله انبار دولتی را خالی و فروش عمومی به دست آنها افتاده نرخ را بالا ببرند. قوای انتظامی هم متأسفانه کاملاً مرعوب [و] کوچکترین اثرات وجودی از خود نشان نمی دهد. این است [که] استدعا دارد به مأمورین شهربانی و دژیانی امر اکید در جلوگیری از این تحریکات

صادر و یا در صورت عدم امکان اجازه فرمایند بنده عازم تهران شده تا میردامادی که به علت تغییر پدر زنش از دارایی کلات به عنوان عضویت حزب ایران در مقام قدرت نمایی و تحریکات است شاید دست از افساد برداشته زحمتی ایجاد ننماید. نهم شهریور - نخعی

رونوشت به عنوان تأییدیه به وزارت دارایی تقدیم و اضافه می‌نماید که آقای میردامادی در این چند روزه از هرگونه توهین در جراید نسبت به این جانب - چون بیمی از تعقیب به وسیله دستگاه‌های قضایی و انتظامی ندارد - خودداری نکرده، مقصود اصلی او و عده قلیل همدستانش که خود را منتسب به حزب ایران نموده‌اند تسلط بر اوضاع و ادارات است تا از راه مفسدت به مقاصد نهایی خود برسند.

پیشکار دارایی استان نهم

شمس‌الدین نخعی

[رونوشت] برابر اصل است.

سند شماره ۴۷/۳

اداره: بایگانی

راجع به آقای دکتر میردامادی قبلاً هم از وزارت دارایی گزارش رسیده بود، خواهشمندم سوابق را ضمیمه فرمایید.

[امضا: غلامرضا دبیران]

[۱۳]۳۱/۷/۱۶

[حاشیه، پایین:] ضمیمه شد. [۱۳]۳۱/۷/۱۶

سند شماره ۴۸

مکاتبه سازمان مبارزه با فساد با نخست وزیری در مورد نقش حزب ایران و برخی از رجال سیاسی در توسعه فساد اداری، رشوه خواری و ایجاد قحطی در کشور

سازمان مبارزه با فساد لزوماً به اطلاع می‌رساند:

۱- مردم از دست خوانین دزد و قاچاقچی جنوب به ستوه آمده‌اند و خوانین تنگستان و حیات داود که با دستور انگلیسی‌ها گندم و خواربار را برای ایجاد قحطی صادر می‌کنند به وسیله رشوه و حق‌السکوت زیان وارسته، رئیس قشون را در شیراز بسته‌اند و حتی در ستاد ارتش مرکز هم رشوه داده‌اند. از آن وقت اداره نخست‌وزیری در جواب شکایت مردم می‌گوید در فارس هیچ خبری نیست و فارس امن و امان است. خدا لعنت کند پدر و مادر مأمور و استاندار و سرلشکر دزد و دروغگو را که با جان و مال مردم فارس بازی کرده و می‌کنند.

۲- حزب ایران در سراسر کشور امور را قبضه کرده و به انواع و اقسام مهندسی خود را به دزدی و رشوه خواری تشویق می‌کند. گزارش دزدی‌های مهندس کاظمی [را] در کارخانه قند مرودشت مفصل با ذکر مدارک به اطلاع نخست‌وزیر و دربار و سازمان رساندیم و حتی برگه و مدارک دزدی شکر و قند را دادیم ولی کوچک‌ترین اثری از آن گزارش پیدا نشد و آقای مهندس کاظمی دزد مانند شاخ شمشاد در جای خود برقرار است و دارد مدارک دزدی را از بین می‌برد. اگر اقدام نکنید ما ناچاریم از جاهای دیگر اقدام کنیم و البته بر ضرر آقایان حزب ایران خواهد بود که مسلک آنها هم بر مردم پوشیده نیست زیرا این‌ها همکار پیشه‌وری و دزد ناموس وطن خواهی می‌باشند.

۳- با کمک حسین مکی جاسوس و نوکر مؤسسات نفتی آمریکا که نفت ایران را برای منافع شخصی دو سال است متوقف کرده‌اند یک نفر پسر به بی‌اطلاع در رأس شرکت پنبه با ۲۰/۰۰۰ ریال حقوق گماشته‌اند و حال آن‌که اطلاع او از پنبه همین است که پنبه را برای

لحاف و تشک^۱ بکار می‌برند و گاهی هم می‌شود با آن پارچه درست کرد. اگر حسین مکی می‌خواهد از این اشخاص بر نفع شخصی و ریاست جمهوری ایران استفاده کند، چرا باید مردم ایران ضرر کنند؟ آقایان این پسر لوس را از شرکت پنبه برکنار کنید تا بیشتر از این کثافت‌کاری نکنند و ضرر به مردم و دولت وارد نیاورد. در کارهای اقتصادی اطلاع...^۲ لازم است هوچی‌گری بد بار می‌آورد و روی هوچی را سیاه می‌کند.

۴- چرا اجازه می‌دهید حسین مکی و پسرهای کاشانی و دیگران اراده سخیف خود را بر ادارات تحمیل کنند و دزدان بی‌اطلاع را بر ادارات تحمیل کنند که اکنون ملت و دولت گرفتار بدبختی و قحطی و مضیقه باشند.

سازمان مبارزه با فساد

علی معتمدی

[امضا]

[مهر]: بازرسی مخصوص دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۸۷۵۴/۲

تاریخ: ۳۱/۷/۲۱ [۱۳]

۲. یک کلمه: ناخوانا.

۱. در اصل: دشک.

سند شماره ۴۹

مکاتبه دبیرکل حزب ایران (احمد زیرک زاده) با نخست وزیری راجع به تقاضای اهالی قریه قلات فارس برای بهبود وضع کشاورزان

حزب ایران
کمیته مرکزی

شماره: ۱۱۶۶

تاریخ: ۱۳/۷/۲۲ [۱۳]

جناب آقای نخست وزیر

تقاضای اهالی قریه قلات فارس که به اسم آن جناب بوده و رونوشتی از آن به حزب رسیده است تقدیم می‌دارد. با علم به مراتب علاقه آن جناب به بهبود وضع کشاورزان، تقاضا دارد که دستور فرمایید رسیدگی کامل به وضع شکایت‌کنندگان به عمل آید و همان طوری که شایسته دوران زمامداری آن جناب است احقاق حق بشود.

با تقدیم احترامات فائقه

جاوید باد ایران

دبیرکل حزب ایران

[امضا: احمد زیرک زاده]

[حاشیه پایین، اول:] اداره بایگانی، خواهشمند است اصل طومار و اقدامی که نسبت به آن شده

پیوست فرمایید. [امضا: احمد بهار] [۱۳/۷/۲۴]

[حاشیه پایین، دوم:] اصل طومار تاکنون به بایگانی نرسیده. ۷/۲۴

[حاشیه پایین، سوم:] ۱. عین طومار جهت اقدام و تحقیق قانونی برای ثبت کل اسناد ارسال

شود. ۲. شرحی به استانداری فارس نوشته شود که اهالی قلات شکایاتی دارند به موارد و شکایات آنها رسیدگی شده نتیجه را اعلام دارند. ۳. رونوشت برای جناب آقای مهندس زیرک‌زاده ارسال شود.

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزرا

شماره: ۲۰۰۹۲

تاریخ: ۱۳/۳۱/۷/۲۳

سند شماره ۵۰

مکاتبه دبیرکل حزب ایران (احمد زیرک‌زاده) با نخست‌وزیری در ردّ گزارش‌های هنگ ژاندارمری گیلان علیه حزب ایران

حزب ایران
کمیته مرکزی

شماره: ۱۱۸۸

تاریخ: ۱۳/۳۱/۷/۲۶

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر

عطف به نامه ۱۶۸۹/۴ [مورخ] ۱۳/۳۱/۷/۱۳ منضم به رونوشت نامه وزارت کشور و گزارش هنگ ژاندارمری گیلان اشعار می‌دارد: به طوری که کراراً به استحضار آن جناب رسیده و قطعاً جناب عالی خود نیز عملاً مشاهده فرموده‌اید، عمال دولت جناب عالی متأسفانه از درک روحیه دولت جناب عالی فرسنگ‌ها بدورند و هرچه فاصله مأمورین دولت با پایتخت بیشتر باشد این دوری معنوی بیشتر است. گزارش‌هایی که ژاندارمری گیلان علیه فعالیت شعبه حزب در گیلان و دهات تابعه‌اش می‌دهند به همان اندازه صحت دارد که گزارش‌های ژاندارمری و شهربانی لطف‌آباد و درگز به همان اندازه درست است که گزارش‌های دستگاه

پیشکاری و تولید مشهد به همان اندازه منطبق با واقع است که گزارش‌های فرماندار سابق رشت آقای بنی‌آدم صحیح بود که با توضیحات مکرر عاقبت صحت بیانات حزب ایران بر جناب عالی ثابت شد. حزب ایران گیلان، دهات شرق گیلان را برخلاف دهات شمال غربی و اکثر دهات ایران از چنگ توده‌ای‌ها نجات داده است. اعضای فداکار حزب ایران با پول و جان خود در راه اجرای لایحه‌ای که جناب عالی برای ازدیاد سهم زارع تصویب فرموده‌اید بذل مساعی می‌کنند و متأسفانه در این راه مأمورین دولت که برای اجرای قوانین حقوق و مزد می‌گیرند، در راه اجرا [ی] قوانین مانع ایجاد می‌کنند سهل است بلکه [برای] کلیه اعضای حزب ایران یعنی نوکران بی‌مزد و مواجب دولت جناب عالی که مسلماً در راه اجرای تمایلات اصلاح طلبانه آن جناب از هر مأموری صدیق‌تر و فعال‌ترند پرونده سازی می‌کنند. آقایان سلوکی و بهروزی که از طرف ژاندارمری خشک‌بیچاره منحل آرامش معرفی شده‌اند، از کسانی هستند که مورد اعتماد حزب می‌باشند و تاکنون از بذل هیچ‌گونه مساعی در راه مبارزه با توده‌ای‌ها خودداری نکرده‌اند. ولی مسلم است که فعالیت شدید و مستمر اینان در راه اجرا [ی] لایحه ازدیاد سهم کشاورزان مخالف منافع مالکین بی‌رحم و ظالم آن نواحی است. علی‌هذا منطقی است دستگاه ژاندارمری که سالیان دراز به نوکری مالکین عادت کرده است علیه مدافعین زارعین گزارش بدهند. ولی منطقی به نظر نمی‌رسد که دستگاه اداری نزدیک جناب عالی این‌گونه گزارش‌ها را با امضای آن جناب صحت‌گذارد. ممکن است که در بین هزاران زارعی که در گیلان و آذربایجان و مشهد و کرمانشاه به حزب ایران گرویده‌اند تعدادی که سابقاً عضو حزب توده بوده‌اند وجود داشته باشند ولی در بین افراد مسئول و فعال حزب نمی‌باشند و از این رو تاکنون شناخته و اخراج نشده‌اند. حزب ایران اجازه نمی‌دهد که این‌گونه افراد در هدایت سازمان‌ها نقشی داشته باشند.

با ذکر مراتب مذکور خواهشمند است دستور مؤکدی در این زمینه صادر فرمایید که مأمورین دولت جناب عالی بیش از این علیه مدافعین حق و حقیقت که جناب عالی به مظهریت آن شناخته شده‌اید پرونده سازی نکرده و برای همیشه به این کم‌دی تأسف‌بار خاتمه دهند.

جاوید باد ایران

دبیرکل حزب ایران

[امضا: احمد زیرک‌زاده]

[حاشیه بالا، اول]: سابقه.

[حاشیه بالا، دوم]: ضمیمه شد. [۱۳۳۲]/۸/۳

[حاشیه پایین]: به عرض می‌رساند. [امضا: جمال ملکوتی] [۱۳]۳۱/۸/۵

[حاشیه بالا، سوم]: به عرض رسید. بایگانی شود. [۱۳]۳۱/۸/۷.

[مهر]: بازرسی مخصوص دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۰۲۰۷/۲

تاریخ: [۱۳]۳۱/۸/۱

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۲۰۴۲/۴

تاریخ: [۱۳]۳۱/۸/۳

سند شماره ۵۱

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری در مورد تلگراف فرمانداری درگز
راجع به اجتماع معاریف و معتمدان منطقه در اعتراض به اقدامات اعضای حزب
ایران

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره انتظامات

ضمیمه: ۱ برگ

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۲۷

شماره: ۱۰۰۱۴/۱۰۸۶۷/م

جناب آقای نخست وزیر

تعقیب معروضه شماره ۷۶۳۳/۱۶۴۱/م [مورخ] [۱۳]۳۱/۶/۱۲ رونوشت گزارش تلگرافی

شماره (۱۷۱۶-۱۳/۶/۱۳) فرمانداری درج‌به‌منظور استحضار مقام عالی به ضمیمه تقدیم می‌شود.

وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳۳۱/۷/۲۷]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۱۳۳۱/۷/۲۸]

[حاشیه پایین، سوم: ملاحظه شد. امضا: جمال ملکوتی] ۱۳۳۱/۷/۲۸

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۹۸۶/۴

تاریخ: ۳۱/۷/۲۷

سند شماره ۵۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

رونوشت تلگراف شماره ۱۷۱۶، مورخه ۱۳/۶/۱۳، فرمانداری درگزر

وزارت کشور

رونوشت مشهد، استانداری پیرو تلگراف شماره ۹۶/م [مورخ] ۱۳/۶/۸ روز گذشته عده زیادی از معارف [و] معتمدین در فرمانداری حاضر ضمن اظهار پشتیبانی از دولت، اهانت و افتزایی که کتباً و شفاهاً گردید، اقرار به تظاهر حزب ایران به رؤسای دولت محل شده، ابراز انزجار نموده و از شکایت تقدیمی بی‌اساس آنان نیز اظهار بی‌اطلاعی نمودند. صورت مجلس مربوطه به پیوست تقدیم^۱ [می‌شود].

مسنن‌زاده

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۵۲

مکاتبه کمیته مرکزی حزب ایران با نخست وزیری راجع به پیشنهاد یکی از اعضای آن حزب درباره برچیده شدن بساط بانک شاهنشاهی در ایران

حزب ایران
کمیته مرکزی

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۲۹

شماره: ۱۲۳۱

جناب آقای نخست وزیر

به پیوست تلگرافی که اصل آن خطاب به آن جناب است تقدیم می‌دارد. اهالی شهر قائن و طرفداران حزب ایران مقیم آن شهر مراتب پشتیبانی خود را از تصمیمات آن جناب مثل همیشه اعلام کرده‌اند.

جاوید باد ایران

با تقدیم احترامات فائقه

[امضا: احمد زیرک‌زاده]

[حاشیه پایین، اول: تلگرام ضمیمه به اداره کل تبلیغات فرستاده شود. ۱۳۳۱/۸/۳]

سند شماره ۵۲/۱

حزب ایران

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب

با کمال احترام به عرض عالی می‌رساند. چون در نتیجه فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر و تدابیر متخذه پس از برچیده شدن بساط شرکت سابق نفت پایگاه دوم آن یعنی بساط بانک شاهی برچیده شده و بانک^۱ بازرگانی آن را خریداری نموده است و کاشی‌های سابق آن به عنوان (بانک انگلیس در ایران و خاورمیانه) تعویض می‌شود، بدین وسیله به حضور مبارک پیشنهاد می‌نمایم که در صورت تصویب کاشی‌های مزبور به نام یک سند تاریخی در موزه ایران باستان ضبط تا نسل آینده بدانند چه لائنه جاسوسی در ایران بوده که با مساعی و تدبیر آن نخست وزیر محبوب بساط آن برچیده شده و ملت ایران از شر آن نجات یافته است.

با تقدیم احترامات فائقه

جاوید باد ایران

[امضا: عبدالباقی احمدی]

[۱۳]/۳۱/۷/۱۴

آدرس: حزب ایران، عبدالباقی، احمدی

[حاشیه پایین: بایگانی.]

[حاشیه بالا:] از نظر جناب آقای نخست وزیر گذشت، فرمودند بایگانی شود. [۱۳]۳۱/۷/۱۶

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۲۱۹/ک

تاریخ: [۱۳]۳۱/۷/۱۷

سند شماره ۵۳

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری راجع به اختلاف احزاب ایران و
پان ایرانیسم با جمعیت نهضت شرق در مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

ضمیمه: دارد

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۱/۸/۱۳

شماره: ۱۱۲۸۳/س/۱۰۲۴۶/م

جناب آقای نخست وزیر

محترماً رونوشت گزارش شماره ۱/۳۷۵۶۶ [مورخ] ۱۳/۷/۳۰ [۱۳] و شماره ۱/۳۴۷۵۹ [مورخ] ۱۳/۷/۳۰ [۱۳] شهربانی کل کشور دایر به تشکیل شعبه جمعیت نهضت شرق در مشهد و اختلاف احزاب ایران و پان ایرانیسم با جمعیت مزبور جهت استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد.

وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین: ملاحظه شد. [امضا: جمال ملکوتی] ۱۳/۸/۲۱ [۱۳]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۲۱۳۴/۴

تاریخ: ۱۳/۸/۳۱ [۱۳]

سند شماره ۵۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۳۰

شماره: ۱/۳۷۵۶۶

وزارت کشور

پیرو شماره ۳۵/۱۱۳ [مورخ] ۱۳۳۱/۷/۳۰ [۱۳] به استحضار می‌رساند مطابق گزارش شهرداری مشهد ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۱۳۳۱/۷/۲۰ [۱۳] آقایان غلامحسین معتمدی، مصطفی عامری و سیدمحسن مؤیدی به منظور افتتاح و تأسیس رسمی شعبه جمعیت نهضت شرق به مشهد وارد گردیده، قریب دو هزار نفر از طبقات مختلف آنان را استقبال و بلافاصله به محل جمعیت نهضت شرق رفته پس از انجام مراسم آشنایی و معرفی با سران جمعیت به آستان قدس تشرف حاصل و در منزلی که جهت آنان تهیه شده فعلاً متوقف و مشغول رسیدگی و تشکیل هیأت رئیسه می‌باشند.

از طرف رئیس شهرداری کل کشور

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۵۳/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۳۰

شماره: ۱/۳۴۷۵۹

وزارت کشور

پیرو شماره ۳۷۵۶۶ [مورخ] ۱۳۳۱/۷/۳۰ [۱۳] به استحضار می‌رساند شهرداری مشهد گزارش می‌دهد در نتیجه پیش‌آمد اخیر و تعرضات حزب ایران، عده‌ای از آقایان محترمین و

روزنامه‌نگاران جمعیتی به نام نهضت شرق تشکیل داده‌اند و از طرف جمعیت مذکور آقای افصح‌المتکلمین واعظ [به] تهران اعزام شده که با فرزند آیت‌الله کاشانی در این باره مذاکره نماید. چون تاکنون پاسخ تلگراف هیأت مؤسس جمعیت از مرکز نرسیده قرار شد آقایان خرازی و زرین‌نگار مدیران روزنامه‌های سنگر خاور و زرین برای مذاکره با اولیای جمعیت به تهران عزیمت نمایند و به قرار اطلاع^۱ نمایندگان حزب ایران و بان ایرانیسم و کلوب مصدق را با قطعنامه‌ای که بر علیه جمعیت مزبور تهیه شده روز ۳۱/۷/۲ [۱۳] به تهران اعزام داشته‌اند. فعلاً بین این جمعیت و سایر احزاب فعالیت‌هایی ایجاد که در جراید ملی منعکس گردیده است و بعید نیست در آتی اختلافت مزبور شدیدتر گردد، لکن مأمورین شهربانی مراقب اوضاع می‌باشند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سند شماره ۵۴

گزارش رئیس شهربانی کل کشور به وزارت کشور در مورد ارتباط حزب ایران و جمعیت نهضت شرق مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۳۷۴۴۲

[تاریخ: ۳۱/۸/۱۵] [۱۳]

محرمانه

وزارت کشور

تعقیب شماره ۱/۳۶۴۹۹ [مورخ] [۳۱/۸/۶] [۱۳] راجع به جمعیت نهضت شرق در مشهد به استحضار می‌رساند: مطابق گزارش شهربانی خراسان اعضای جمعیت مزبور در حدود پانصد

نفر می‌باشند و افراد آن در حزب ایران عضویت ندارند و به علت اهانت‌هایی که جلو حزب ایران به آنان نموده‌اند، مدیران جراید مشهد و عده‌[ای] دیگر جمعیت مزبور را تشکیل داده و مطابق اساسنامه آنها که قبلاً تقدیم گردیده هدف آنها طرفداری از اعلی‌حضرت همایون و دولت و منویات حضرت آیت‌الله کاشانی می‌باشد. ولی چون اغلب آقایان مالکین و ثروتمندان در حزب مذکور عضویت دارند، حزب ایران و کلوب مصدق و اتحادیه سادات^۱ حسینی و حزب پان ایرانیسم و زحمتکشان با این جمعیت موافق نمی‌باشند و آقایان عامری و معتمدی و مؤیدی نمایندگان اعزامی جمعیت مزبور از مرکز نیز ظاهراً طرفدار دولت بوده و روز ۱۳۳۱/۷/۲۴ به تهران مراجعت کرده‌اند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور
رفت

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۵۵

مکاتبه وزارت پست و تلگراف و تلفن با نخست‌وزیری در مورد ضرب و شتم یکی از دانش‌آموزان و ناظم دبیرستان شاپور کازرون توسط عناصر حزب ایران در مسجد نو آن شهر

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تاریخ: ۱۳۳۱/۸/۲۹

کازرون ۱۳۳۱/۸/۲۷ [۱۳] طبق اطلاع واصله روز گذشته از طرف رئیس فرهنگ در مسجد نو

مجلس سوگواری برقرار، بعد از ختم مجلس عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان شاپور، ناظم دبیرستان و یکی از دانش‌آموزان را به سختی و مفصلاً می‌زنند. در این ضمن ناظم و دانش‌آموز مربوطه رو به کلاتری ولی گویا در کلاتری آنها را راه نمی‌دهند. در اثر فشار فرماندار برای نظم عمومی به شهربانی و دادگاه، دیروز دو نفر از ضاربین که گویا مربوط به حزب ایران کازرون بوده‌اند دستگیر که فعلاً در کلاتری توقیف [هستند]. بقیه معلمین و شاگردان دبیرستان شاپور روز گذشته در دبیرستان مجتمع و به‌عنوان نداشتن تأمین جانی از رفتن به کلاس خودداری، ساعت ده صبح فرماندار به اتفاق رئیس فرهنگ به دبیرستان رفته معلمین و دانش‌آموزان را پس از نصایح زیاد و قول قطعی برای دستگیری و تنبیه سایر اخلاک‌گران به کلاس روانه و اوضاع به حال عادی می‌باشد.

«ابراهیم نوری»

سند شماره ۵۶

گزارش سفر احمد زیرک‌زاده (دبیرکل حزب ایران) به تبریز

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تاریخ: ۳۱/۸/۲۹

تبریز ۳۱/۸/۲۸ [۱۳] دیروز در ساعت ۱۸ آقای مهندس [احمد] زیرک‌زاده نماینده محترم مجلس شورای ملی به تبریز وارد، از طرف حزب ایران و جماعت کثیری استقبال شایانی [از وی] به عمل آمد.

همایونفر

سند شماره ۵۷

نامه سرگشاده سهامداران شرکت سهامی نفت ایران به دکتر محمد مصدق (نخست وزیر) در اعتراض به سوءاستفاده‌های اداری و غیرقانونی اعضای حزب ایران در آن شرکت

نامه سرگشاده

به محضر جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر

افراط و تفریط‌های ده ساله اخیر، هرج و مرج اقتصادی و حدوث شکاف طبقاتی در این کشور طوری مردم را مأیوس و نگران کرده بود که بعد از زمامداری آن فرزند رشید و فداکار ایران بارقه امید از دل همه آرزومندان درخشیدن گرفت. کسانی که به سعادت آینده ایران عزیز ذی‌علاقه بودند و آرزو داشتند در زاد و بوم اجدادی خویش آسوده و سربلند زیست کنند با طلیعه زمامداری آن جناب امیدوار شدند.

ای کاش تمام اشخاصی که در سایه حمایت آن پیشوای محبوب پناه گرفته‌اند به سجایای اخلاقی و پاک نظری آن جناب تاسی می‌جستند و این سنگر امیدواری را برای مردم محروم ایران حفظ می‌کردند. متأسفانه راهی را که دوستان آن جناب می‌پیمایند بی‌راهه است. در قضیه ملی کردن تلفن کسی نیست که نداند تمام صحنه سازی‌هایی که از بدو تنظیم و تقدیم این لایحه به وسیله آقایان نمایندگان حزب ایران از روی نقشه صورت گرفت فقط بدین مقصود بود که در موقع اجرای لایحه جدید انتخابات، هر دو سر سیم یعنی کلیه ارتباطات تلفنی کشور در اختیار خودشان باشد تا برای مقاصد انتخاباتی به کار برند.

اگر منظوری جز این بود چرا برخلاف دستور صریح و کتبی آن جناب دایر به مشورت و تماس وزارت پست و تلگراف با نمایندگان صاحبان سهام کوچکترین اعتنایی از طرف اولیای آن وزارت به اظهارات حقه صاحبان سهام نشد؟

چه دلیلی ایجاب می‌کرد که برای یک امر ساده و عادی لایحه با قید دو فوریت تقدیم و با مقدمه‌چینی‌هایی مجال اظهار عقیده از سایرین سلب شود تا دو فوریت آن فی‌المجلس بگذرد؟

هرگاه چنین مقصودی در کار نبود هرگز آقای وزیر پست و تلگراف قبول نمی‌کردند در ظرف مدت کوتاهی تلفن تمام شهرها و حتی قصبات کشور را تبدیل به خود کار نمایند زیرا در نظر اهل فن چنین امری امکان‌پذیر نخواهد بود.

آقایان نمایندگان حزب ایران برای رسیدن به هدف مطلوب صحن مجلس مقدس را تحت کنترل^۱ خویش گرفتند و با تمهید مقدماتی که به وسیله همکار حزبی خودشان آقای مهندس معظمی زمینه‌سازی شده بود با هر پیشنهادی که به نفع صاحبان سهام بود مخالفت کرده و حق موکلین خود را خوب ادا کردند. به هر حیث و انتقادی پیرایه مخالفت با دولت بستند و بالاخره کار را به جایی کشانیدند که ۶۲ میلیون تومان دارایی خالص صاحبان سهام یک شرکت پنجاه ساله یعنی شرکتی که اکثریت صاحبان سهام آن از مردمی بی‌بضاعت و بیوه زنان و اطفال یتیم و صغیر ترکیب شده است به کمتر از عشر قیمت مصادره شود و تازه معلوم نباشد همین مبلغ ناچیز هم چه زمانی دست صاحبان سهام را خواهد گرفت.

نمونه عدالت اجتماعی که مکرر به مردم محروم ایران نوید داده‌اید، اگر این است حرفی نداریم. ولی صادقانه قبول فرمایید نه تنها برای صاحبان سهام شرکت تلفن بلکه برای قاطبه مردم بیدار و هوشیاری که ناظر چنین صحنه حق‌کشی هستند، موضوع ملی کردن شرکت تلفن درس عبرتی است که دیگر احدی جرأت نکند برای کارهای عام‌المنفعه قدمی پیش نهد یا دیناری سرمایه بگذارد و از آن بدتر این که برخلاف منویات آن جناب به جلب سرمایه‌های خارجی برای کارهای عام‌المنفعه مصادره اموال یک شرکت ایرانی عموم سرمایه داران خارجی را برای همیشه از این کشور روگردان و گریزان خواهد ساخت.

چون چشم امید مردم هنوز به حق‌گزاری شخصی جناب عالی دوخته است بار دیگر دست توسل به دامن آن جناب دراز کرده و استدعا داریم موافقت فرمایید لایحه از دستور خارج و با مشورت صاحبان سهام تقایص آن مرتفع و تنقیح گردد و یا لااقل یک فوریت لایحه را استرداد

فرماید تا برای شور و تکمیل به کمیسیون برود و ضمن انجام منظور دولت حقوق صاحبان سهام نیز از تصدق سر نمایندگان محترم حزب ایران بیش از این دستخوش هدم و تلف نگردد. با تجدید احترامات فائقه

صاحبان سهام شرکت سهامی کل تلفن ایران

[امضای سه تن از صاحبان سهام: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول:]: خدمت جناب آقای ملکوتی معاون نخست وزیر فرستاده شود.

[۱۳]۳۱/۹/۲۲

[حاشیه پایین، دوم:]: به عرض می‌رساند. [امضا: جمال ملکوتی] [۱۳]۳۱/۹/۲۲

[حاشیه بالا، دوم:]: موضوع منتفی است، بایگانی شود. [۱۳۳۱]۹/۲۷

[مهر:]: ورود به کابینه ریاست وزرا

شماره: ۳۰۰۴۸

تاریخ: [۱۳]۳۱/۹/۲۲

سند شماره ۵۸

مکاتبه نخست وزیری با وزارت کشور در مورد شکایات ارسالی متحصنین تلگرافخانه بیرجند در اعتراض به عملکرد اعضای حزب ایران

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

[شماره:]: ۲۸۷۹۳

یادداشت

تاریخ: ۳۱/۱۰/۳

[تاریخ ثبت:]: [۱۳]۳۱/۱۰/۶

وزارت کشور

پیرو مرجوعه شماره ۲۵۰۰۷ مورخه [۱۳]۳۱/۸/۲۴ رونوشت تلگراف از بیرجند به عنوان جناب آقای منصف نماینده مجلس شورای ملی و عین سه فقره تلگراف حضوری متحصنین

بیرجند را به ضمیمه سه فقره تلگراف دیگر از بیرجند به شماره‌های ۱۵۱ و ۱۵۳ و ۶۰۴ به پیوست برای رسیدگی و اقدام قانونی ارسال می‌دارد.

از طرف نخست‌وزیر

رونوشت برای اطلاع جناب آقای منصف نماینده محترم مجلس شورای ملی ارسال می‌شود.

از طرف نخست‌وزیر

سند شماره ۵۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

[از: بیرجند، به: تهران]، تعداد کلمه: ۲۲۴، تاریخ اصل: ۲۹، تاریخ وصول: ۹/۲۹

جناب آقای منصف نماینده محترم

سه نفر ماجراجو به نام [های] سیدمهدی سعیدی، محمدمهدی صمدی [و] محسن خامسان از چندی قبل جمعیتی تشکیل داده، خود را به حزب ایران منتسب و بنای آزار و تهدید مردم و محترمین این شهرستان را گذاشته، اخیراً به مقدسات مذهبی و ملی ما توهین وارد می‌آورند و کار وقاحت را به جایی رسانیده‌اند که به حضرت آیت‌الله تهامی انواع فحش‌ها و اتهامات ناروا داده، من جمله سیدمهدی سعیدی پشت بلندگو گفته است خودم با چهارصد نفر چماقی بر^۱ سرش ریخته مغزش را می‌کوبیم تا تسلیم شود و یا هم بمیرد و با کسان او هم همین معامله را می‌کنیم. به جناب آقای نخست‌وزیر جداً کلیه مراتب معروض، اینک دسته‌جمعی^۲ با زن و بچه در تلگرافخانه تحصن نمودیم و تا به تقاضای حقه ما ترتیب اثر داده نشود خارج نخواهیم

۱. در اصل: در.

۲. در اصل: دستجمعی.

شد. از طرف سادات سندادان: کاظمی، سیدمرتضی اسلامی، سیدعلی اکبر قاسمی، سیدعلی اکبر کاظمی، سیدحسن ناصری، سیدمحمد حسین، سیدعلی رحیمی، سیدعبدالله رضوی، سیدمحمدعلی اکرامی، سیدغلامرضا اصغری، محمدعلی سارائی، سیدمحمدعلی رحیمی، سیدرضا قاسمی، محمد افضلی، سیدعلی اسلامی، محمدرضا رحیمی، سیدحسن رحیمی، غلامحسین توکل، سیدعلی اکبر رضوی، سیدعبدالرحیم اسلامی، سیدمحمد اصغری.

[مهر: اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا:]: عیناً تقدیم مقام معاونت نخست وزیری می شود که لطفاً برای رسیدگی به شکایت متحصنین و دلجویی از آنها و اقدام مقتضی دستورات لازم صادر فرمایند تا از تحصن خارج شوند و برای رسیدگی به موضوع هم دستور لازم صادر فرمایند. [امضا: ناخوانا]

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۸۷۹۳۰

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۰/۹

سند شماره ۵۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، تاریخ اصل: ۲، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۱۰/۲

جناب آقای نخست وزیر

لایحه امنیت اجتماعی اصلاً در این جا اجرا نمی شود و این حزب ها مثل این که برای خود کشور مستقلی تشکیل داده اند. بدین جهت امنیت جانی و مالی و ناموسی نداریم. مگر نصب بلندگو قوانین و مقرراتی ندارد که این ها بدون رعایت مقررات و اعتنا به قوانین بلندگویی نصب کرده

صبح تا شام مشغول فحاشی و بدگویی به مردم هستند. اگر ندارد ما هم بلندگویی وارد کرده به همه کس فحش خواهیم داد. این‌ها در ادارات هم علناً مشغول فعالیت هستند و اعضای ادارات را عضو حزب کرده به وسیله آنها از تمام امور و رموز ادارات مطلع می‌شوند و صبح تا شام مشغول تبلیغ می‌باشند. اصلاً ادارات دولتی بیرجند امروز شعبات حزب ایران بیرجند شده است تا یک اقدام اساسی نشود از دیکتاتوری این سه نفر (صمدی و سعیدی و خامسان) مردم قاینات نجات نخواهند یافت و هیچ کس برمال و جان و ناموس خود ایمن نخواهد بود. از طرف عموم سادات حاضر سیدغلامرضا اصغری، سیدابوتراب کاظمی، سیدعلی اکبر اسلامی.

سند شماره ۵۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از بیرجند، به: [تهران]، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۱۰/۲

بنده سیدمرتضی اسلامی که یک فرد از سادات^۱ [و] سیدمی‌باشم...^۲ کرده صمدی و سعیدی و خامسان مدت سه روز بدون جهت زندانیم ساختند اکنون که [به] بی گناهی بنده اعتراف کرده‌اند و از زندان بیرون آمدم از ترس و تهدید آن سه نفر فوق‌الذکر با بقیه سادات پناه به تلگرافخانه آورده‌ایم.

سیدمرتضی اسلامی

۲. یک کلمه ناخوانا.

۱. در اصل: سادات سید.

سند شماره ۵۸/ع

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از بیرجند، به: [ت]هران، تاریخ اصل: ۲، توضیحات: حضوری، تاریخ وصول: ۲/۱۰/۱۳۳۱]

جمعی از سادات موسوی نسب که به کار قالی بافی مشغول و دعاگوی دولت و ملت هستیم چون وارد حزب ایران [نشده] و مطیع و تسلیم مقاصد سوء و نیات مخصوص آقایان صمدی و سعیدی و غیره نیستیم^۱، از ابتدا ما را به فحش پیچیدند.

اول گفتند سادات سندادان برای یک تومان آدم می‌کشند و در روزنامه هم نوشتند بعد نوشتند و گفتند این‌ها اصلاً سید نیستند و در نسب ما شک کردند. بعد کم کم به دین ما توهین کردند و چون حضرت آیت‌الله آقای تهامی اجازه نداده بودند وارد حزب ایران شویم، فحاشی به ایشان را شروع کردند. حتی فحش ناموسی دادند. از صبح تا شام پشت بلندگو مشغول فحاشی هستند. همه کس را مثل آیت‌الله آقای تهامی و جامعه روحانیت و هیأت طلاب همه را فحش می‌دهند. بعد از آن‌که به آقای تهامی فحش ناموسی دادند به این همه اکتفا نکرده ایشان را شریح قاضی و عمروعاص خواندند و در روزنامه نوشتند و پشت بلندگو گفتند فعلاً از دست این‌ها در امان نیستیم. زن‌ها و بچه‌های ما جرأت ندارند در کوچه‌ها رفت و آمد کنند. زیرا ما را با چماق تهدید به ضرب و قتل کرده‌اند. ما [و] همین طور پیشوای دینی ما آقای تهامی و سایر پیش نمازها را، چون ادارات شهربانی و فرمانداری و دادگستری از این‌ها می‌ترسند که عده شان زیاد است و ادارات را تهدید کرده‌اند.

با وجود شکایتهای متعددی که کرده‌ایم جرأت جلوگیری ندارند. دیروز پشت بلندگو گفته‌اند یک مشت شپش در تلگرافخانه اجتماع کرده‌اند و بی خود و بی جهت معطل هستند.

چند نفر از سادات را بدون گناه یک ماه در شهربانی حبس کرده‌اند. اینک ادارات نمی‌توانند جلوی فحاشی‌های و تهدیدها و تهمت‌زدن‌های این‌ها را بگیرند. ما قریب دویست نفر با زن و بچه در تلگرافخانه متحصن شده‌ایم و هیچ راه چاره‌ای نداریم تا از این‌ها جلوگیری نشود از این‌جا خارج نخواهیم شد.

این‌ها علناً می‌گویند نه از دولت نه از شهربانی و دادگستری و نه از هیچ کس باک نداریم و باید جمعیت سادات را به ضرب چماق و لگد وادار به تسلیم در مقابل اراده خود نموده، لذا مادام که از تعدیات و تهدیدات و فحش‌ها و تهمت‌های این‌ها جلوگیری نفرمایید از تحصن خارج نخواهیم شد.

در خاتمه آقایان هیأت روحانین و طلاب هم به واسطه همین حرکات در این‌جا متحصن شده و اظهار می‌دارند که منتظر جواب تلگرافات خود می‌باشند و بالاخره آخرین حرف ما و طلاب و علما و وعاظ که متحصن هستیم این است یا مرگ در تلگرافخانه یا انحلال حزب ایران بیرجند یا تأدیب هتک‌کنندگان از دین و شریعت: سیدمرتضی اسلامی، سیدمحمدعلی رحیمی، سیدمحمد حسنی، سیدعبدالله رضوی، سیدعلی‌اکبر اسلامی، سیدعلی‌اکبر رضوی، سیدابوتراب کاظمی، سیدحسین ناصری، آقا سیداحمد اسلامی، محمدحسن علی‌زاده، آقا سیدحسین فریدی، سیدغلامرضا اصغری، سیدعبدالرحیم اسلامی، مرتضی یعقوبی، سیدمحمدعلی اسلامی، سیدحسن رحیمی، سیدمحمد اصغری با بیست نفر مرد و زن [و] صد نفر زن و بچه.

سند شماره ۵۸/۶

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف تلفن

[از:] بیرجند، به: [تهران]، شماره قبض: ۳۶، تعداد کلمه: ۱۰۳، تاریخ اصل: ۶، تاریخ وصول:
[۱۳۳۱]/۱۰/۸

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب، کپیه جناب آقای منصف نماینده محترم قاینات. هشت روز است سادات سندادان با زن و بچه، طلاب مدرسه [و] هیأت روحانیین قریب دویست نفر به سبب حملات وقیحانه کارگردانان حزب ایران بیرجند به دین و عرض و ناموس ما و مسلمین در تلگرافخانه متحصن با وجود شکایات عدیده به داسرا اقدامی نکرده گویی می ترسند رسیدگی کنند، از شما هم تاکنون دستوری نرسیده تکلیف چیست. ما مرگ در تلگرافخانه را بر بیرون رفتن و شنیدن فحش و تهمت، هتاکی [و] تهدید ترجیح می دهیم. از طرف متحصنین سیدعلی اکبر اسلامی، از طرف طلاب سیدعلی اکبر حسینی.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] وزارت دادگستری - بایگانی. [۱۳۳۱]/۱۰/۱۰

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیری

شماره: ۲۹۱۱۱

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۰/۹

سند شماره ۵۸/۷

[شیر و خورشید]
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

از: بیرجند، به: [تهران]، شماره قبض: ۶۰، تعداد کلمه: ۱۶۲، تاریخ اصل: ۷، تاریخ وصول:
[۱۳۳۱]/۱۰/۸

جناب آقای نخست‌وزیر، کپیہ جناب آقای لطفی وزیر دادگستری، کپیہ جناب آقای منصف
نماینده محترم قاینات. نه روز است دو بیست نفر زن و مرد و بچه از دست بیدادگری‌ها^۱ و
حملات و تهدیدات و فحش عرض^۲ و ناموس و دین اعضای توده‌ای‌هایی پرونده‌دار حزب
ایران بیرجند در تلگرافخانه متحصن به دادسرا شکایت کرده‌ایم. دو نفر قاضی توده‌ای خائن
میر باقر و تیمورپور که با این توده‌ای‌های حزب برای از هم گسیختن نظم عمومی تبانی دارند
پرونده را تا امروز خوابانده و به طرفداری توده‌ای‌های حزب ایران رأی خلافی روی پرونده
داده‌اند. در صورتی که این حملات دینی و عرض و ناموسی و تهدیدات جانی موجب تشویش
و نگرانی و رعب عمومی و برهم زدن آرامش گردیده و ما اگر از تلگرافخانه خارج شویم
قضیه زابل به صورت شدیدتر [از] این‌جا تجدید خواهد شد، منتظر جواب و اقدام شما هستیم.
از طرف سادات متحصن: سیدغلامرضا اصغری، سیدعلی اکبر اسلامی، سیدمحمد اصغری.
سیدمحمدعلی رحیمی، سیدابراهیم قاسمی.

[مهر]: اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین]: وزارت دادگستری. بایگانی.

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۹۱۱۳

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۰/۹

۲. در اصل: عرز.

۱. در اصل: بیدادگریهای.

سند شماره ۵۸/۸

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، به: [تهران]، شماره قبض: ۴۹، تعداد کلمه: ۲۱۲، تاریخ اصل: ۷، تاریخ وصول:

[۱۳۳۱]/۸۰/۸

جناب آقای نخست وزیر

مصلح عظیم الشان ایران

خداگواه است اگر اعتماد به مقام شخصیه خاصه و عظمت آن جناب و وثوق به سوابق درخشان وزیر معظم دادگستری نبود، هرگز جامعه علمیه در مقابل یک مشت هتاک بی باک که نه با دین سروکاری و نه از قانون ترس و وحشتی دارند به عرض شکایت قیام نمی کرد. متأسفانه بعد از هفت روز تحصن اثری به شکایات عدیده ظاهر نشد، مثل این که جامعه علما از حقوق عامه محروم است.

البته خداوند قادر قاهر انتقام مارا از این مردم بی باک خواهد گرفت و دین خود را حفظ خواهد فرمود، ولی جای تأسف است که در عهد زمامداری آن جناب و تصویب قانون امنیت، حزب ایران بیرجند و سابقه داران از رهبران توده چیان، عامه طبقات و خصوصاً مأمورین را مرعوب سازند که علناً مجرمین را از پهلوی میز استنطاق خارج کنند و شهربانی قدرت اجرای مقررات نداشته باشد.

شما را به خدا و حقیقت اسلام از مأمورین خود پیرسید در چه حالی زندگانی می کنند آیا رئیس تأمینات و شهربانی خود تأمین دارند تا نوبت به امنیت شهر رسد یا نه، ما از خود

گذشتیم، فکری به حال این مردم بیچاره فرمایید که عاقبت این وضع به نظر ما وخیم است.
والی الله مشتکی
از طرف هیأت علمیه
جواد عارفی

[حاشیه پایین:] وزارت دادگستری - بایگانی. ۱۰/۱۰/۱۳۳۱]

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۹۱۹۳

تاریخ: ۱۰/۱۰/۱۳۳۱]

سند شماره ۵۸/۹

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره انتظامات

شماره: م/۵۴۶۶

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۰/۹

معاونت نخست وزیری

عطف به مرقومه شماره ۲۸۷۹۳ [مورخ] ۱۳۳۱/۱۰/۶ [متضمن رونوشت تلگراف سادات سندادان بیرجند به عنوان آقای منصف نماینده مجلس شورای ملی راجع به شکایت از عملیات سعیدی و صمدی و خامسان و تحصن آنها در تلگرافخانه به فرمانداری بیرجند تلگرافاً دستور داده شد که به شکایت آنها رسیدگی و اقدام لازم برای رفع تحصن آنها به عمل آورد. ضمناً به استحضار عالی می‌رساند سه فقره تلگراف حضوری متحصنین مذکور در مرقومه بالا ضمیمه نبود. مستدعی است امر و مقرر فرمایند ارسال تا اقدام به عمل آید.

از طرف وزیر کشور

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۱/۱۳۳۱/۱۰]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۱۱/۱۳۳۱/۱۰]

[حاشیه پایین، سوم: آقای اعتماد. ۱۱/۱۳۳۱/۱۰]

[مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا]

به تاریخ: ۱۰/۱۳۳۱/۱۳

نمره: ۳۳۳۰۰

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۵۹

تلگراف عده‌ای از اهالی مود و توابع (بیرجند) به دفتر نخست وزیری در شکایت از اقدامات اعضای حزب ایران

[تاج شاهنشاهی]

دربار شاهنشاهی

شماره: ۶۲۷۹

تاریخ: ۱۰/۱۳۳۱/۱۰

دفتر نخست وزیری

محمود نقاشی، علی مودی و عده [ای] دیگر از طرف اهالی مود و توابع از بیرجند تلگرافی به دربار شاهنشاهی مخابره نموده‌اند که رونوشت آن برای مزید اطلاع به پیوست ایفاد می‌گردد تا هر اقدامی که مقتضی باشد معمول فرماید.

وزیر دربار شاهنشاهی

[امضا: حسین علاء]

[حاشیه پایین، اول:] خدمت جناب آقای ملکوتی معاون نخست وزیر فرستاده شود.

[۱۳]۳۱/۱۰/۱۳

[حاشیه پایین، دوم:] سابقه طی شماره ۲۸۸۷۳ [مورخ] [۱۳]۳۱/۱/۶ به وزارت کشور ارجاع شده است.

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزرا

تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۰/۱۳

نمره: ۳۳۴۲۴

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۵۹/۱

[تاج شاهنشاهی]

دربار شاهنشاهی

شماره: ۱۵۱

مورخه: [۱۳]۳۱/۱۰/۵

رونوشت: تلگراف از بیرجند

جناب آقای نخست وزیر دکتر مصدق

کپیه وزارت دربار شاهنشاهی

کپیه وسیله جناب منصف نماینده قایمات

حضرت آقای کاشانی ریاست مجلس

محترماً به عرض می‌رساند پیرو معروضه‌های تلگرافی قبل اهالی مود و توابع که همه نوع پشتیبانی خود را مالا^۱ و جاناً حتی در خرید اوراق قرضه ملی و اوامر دیگر ابراز داشته‌ایم و بر صحت عرایضمان دادخواست‌های قبلی ما حاکی است، مجدداً نیز پشتیبانی خود را نسبت به

[آن] جنابان معروض می‌داریم.

با این‌که مدتی است با آرامش به کار رعیتی خود مشغول و انتخابات دوره هفدهم ما هم با توجهات جنابان به نحو احسن انجام پذیرفته است و آقای منصف وکیل حقیقی ما بیچارگان آمده است و دولت و ملت محتاج به نظم و آرامش می‌باشد.

متأسفانه عده‌ای از آقایان که خود را وابسته به حزب ایران بیرجند می‌دانند و از همدستان حزب منحلّه توده نیز می‌باشند از قبیل آقایان صمدی و مهدی سعیدی و شیخ محمدحسین آیتی و چند تن از همدستان دیگرشان در بیرجند و حومه همه روزه در بلندگو و روزنامه آزادی و میتینگ‌هایی در حومه می‌دهند. فحش و ناسزا و توهین نسبت به شاهنشاه محبوب و دولت ملی و پیشوای روحانی ما حضرت آقای کاشانی و ریاست محترم مجلس و نمایندۀ قاینات و حجت‌الاسلام^۲ حضرت آقای تهامی و رجال و محترمین مان و دوایر دولتی شهرستان بیرجند می‌نمایند و آسایش در بیرجند و حومه از تحریکات این چند نفر و چاقوکشان‌شان نداریم لابد پناهنده به تلگرافخانه بیرجند شده و تقاضای رسیدگی و جلوگیری طبق مقررات از یاوه‌سرایی‌ها و توهین‌ها و حملات چاقوکشی‌ها^۳ و غیره که از طرف نامبردگان به ما می‌شود داریم.

در خاتمه به طوری که قبلاً معروض داشته‌ایم از طرف خود، آقای محمد حبیبی را وکیل مطلق معرفی نموده تا همه نوع توضیحات لازم را به عرض دولت و مقامات صلاحیت دار برساند. منتظر جواب از طرف اهالی مود و توابع. محمود نقاشی، علی مودی، محمدعلی مسکینی، محمد حبیبی، دستجردی، جهانگیر، عباسعلی ملکی، ضیاء احمدی، [محمد] ابراهیم توکلی، عباسعلی مقصودی، غلامحسین قاتنی، علی اکبر وکیلی، غلامرضا قاسمی.

۱. در اصل: به.

۲. در اصل: حجت السلام.

۳. در اصل: چاقوکشی‌هایی

سند شماره ۶۰

گزارش شهربانی گیلان در خصوص انتقاد رحیم صفاری (عضو حزب زحمتکشان) از عملکرد حزب ایران و حزب نیروی سوم در آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

ضمیمه: دارد

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۱/۲۲

شماره: ۱۷۵۲۱/س

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً رونوشت گزارش شماره ۵۱۲۱/۷۸۵۱ [مورخ] ۳۱/۱۱/۶ شهربانی گیلان راجع به سخنرانی در حزب زحمتکشان رشت برای استحضار خاطر عالی به ضمیمه تقدیم می‌گردد. ضمناً دستورات لازم در این باب به استانداری اول صادر گردیده است.

وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین، اول:] ملاحظه فرمودند. [۳]۳۱/۱۱/۲۲

[حاشیه پایین، دوم:] پیروزی. [۱۳۳۱]/۱۱/۲۲

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۲۹۲۳/۴

تاریخ: ۳۱/۱۱/۲۲

سند شماره ۶۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

جناب آقای استاندار محترم استان اول

از ساعت ۱۷ روز جمعه ۳۱/۱۱/۳ در حزب زحمتکشان که بلندگوی حزب نیز در خیابان نصب است، آقای رحیم صفاری سخنرانی نموده و اظهار داشت هفته گذشته که شهر متشنج بود عده‌ای از افراد حزب ایران بازاریان دزد و رشوه‌خوار را وادار به تعطیل نموده و آنها را تحریک کردند که نسبت به آیت‌الله کاشانی و دکتر بقایی اسائه ادب کنند. سپس از آقای دکتر سنجابی و مهندس زیرک‌زاده و خلیل ملکی به شدت انتقاد نموده و گفت خلیل ملکی از رهبران حزب است و اطراف دکتر مصدق را این‌گونه اشخاص گرفته‌اند. پس از خاتمه سخنرانی در حزب یک پرده نمایشی کم‌دی و انتقادی به معرض نمایش گذاشته شده ساعت ۱۸/۲ خاتمه یافت. در حزب ایران نیز از ساعت ۱۸ آقایان گلپایگانی و پوراحمدی و فریدون نوزاد درباره زحمات آقای دکتر مصدق و پشتیبانی مردم از پیشوای محبوب خود سخنرانی و ساعت ۱۹/۲ پایان یافت. مراتب استحضاراً معروض گردید.

رئیس شهربانی گیلان

سرهنگ واتقی

رونوشت برابر اصل است.

رونوشت برابر رونوشت است.

سند شماره ۶۱

تلگراف‌های ارسالی عده‌ای از اهالی بوکان در اعتراض به اقدامات حزب ایران
در آن منطقه

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بوکان، به: تهران، شماره قبض: ۱۹۱۹

مقام معظم نخست وزیر محبوب ایران، رونوشت حضرت آیت الله کاشانی رئیس محترم مجلس، رونوشت آقای دکتر سنجابی نماینده محترم مجلس. محترماً معروض می‌دارد در قصبه بوکان یک نفر حاجی قاسم نام و چند نفر دیگر به نام حزب ایران در تمام منطقه کردستان مشغول اخاذی و در ضمن منطقه را مختل [و] مردم را به عصیان هرج و مرج تحریک می‌نمایند تا میزانی اوضاع را آشفته و اذهان [را] مشوب ساخته‌اند که کسی از جان و مال خود در امان نیست.^۱ مأمورین انتظامی این منطقه نیز به واسطه این که ایشان منتسب به حزب ایران می‌باشند تا حدی از جلوگیری آنها خودداری می‌نمایند. سابقه این عده که از افراد فداکار حزب توده بوده اظهر من الشمس، خصوصاً ایادی ناپاک مرموزی در کار است که عشایر و اکراد میهن پرست و خدمتگزار را در نظر دولت منفور و لکه دار سازند. هرگاه حاجی قاسم و چند نفر همدست تظاهر به نمایندگی از طرف اهالی کردستان کنند به کلی دروغ و بی اساس [است] گذشته از این که آنها اشخاص پست و گمنام هستند، اساساً سوابق خراب و اجانب پرستی ایشان مانع از این است که ملتی آنها را نماینده خود قرار دهد. صوفی حسن، عبدالرحیم صوفی، عظیم صوفی، احمد، رشید، ابوبکر صوفی، قاسم صوفی، عبدالله، عزیز صوفی، محمد، اسد، بهبهان، خزر، کشاورز، میرزا مجید، محمد، حمید اسدی،

۱. در اصل: کمی از جان و مال خود را بان نیست.

عزیز، مولود، قادر، عبدالله، احمد کشاورز، خلیلی، بوستانچی، محمد توتونچی، عبدالله محمدی، رشید، رحمان.^۱

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه پایین: نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد، بایگانی شود. | امضا: ناخوانا]

[۱۳]۳۱/۱۲/۷

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر]

شماره: ۳۴۷۲۱

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۲/۷

سند شماره ۶۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

جناب آقای نخست وزیر رونوشت توسط آقای دکتر سنجابی ریاست محترم مجلس شورای ملی، رونوشت آقای دکتر بقایی. عده [ای] اخلاص گر در بوکان رعیت‌های دهات را برعلیه همدیگر و ادار، بی‌جفت را برعلیه جفت دار، کارگران را برضد هم تحریک می‌کنند. حزب ایران دستور تقسیم اراضی صادر کرده به این عنوان به نام حزب، رعایا را اغفال از هر خانواده ده تا سه تومان در ماه [به] عنوان ماهیانه پول می‌گیرند. هرکسی در هر آبادی داخل شود با دستور این عده مضروب یا مجروح خواهد شد. خلاصه به حدی اوضاع مغشوش و ما رعایا را نگران ساخته‌اند که به کلی از کسب و کار بازمانده‌ایم، قحطی و انقلاب داریم، دولت [و] مجلس را متوجه عواقب وخیم امور نموده و آسایش و امنیت را خواستاریم. اداره امور قند و شکر را نیز این عده ماجراجو در دست گرفته و هرکسی داخل حزب نشود محروم می‌کنند: حسن خلیلی،

۱. در اصل: رحمن؛ اصلاح در همه موارد.

نصرالله اسماعیلی^۱، قادر رضوی، رسولی، احمد، حسین علائی دیان، محمدعلی، عبدالله، سیدحسن حسینی، سیدابراهیم حسینی، مصطفی، ملا ابراهیم، احمد، قادر، رحمان، محمدعلی حیدری، عبدالله زاده، حیدری، اسماعیل، کریم رشیدی، احمد افتخاری، عالی جلونی، عبدالله عزیزی، رحیم ولی، عبدالله دوران، مصر ولی، مصطفی زاده، رسول، سعید سعیدی.
[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد، بایگانی شود. [۱۳]۳۱/۱۲/۷

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۴۷۲۳

تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۲/۷

سند شماره ۶۲

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری راجع به گزارش شهربانی خراسان
درخصوص انشعاب در حزب ایران مشهد

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره: سیاسی

ضمیمه: دارد

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۲/۹

شماره: ۱۸۶۶۳/س/۱۷۲۴۸/رم

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش شماره ۹۰۰۸ [مورخ] [۱۳]۳۱/۱۱/۱۹ شهربانی خراسان راجع به انشعاب

۱. در اصل: اسمعیل؛ اصلاح در همه موارد.

در حزب ایران شعبه مشهد و اختلافات بین آقای دکتر میردامادی دبیر حزب ایران در مشهد و آقای حمید موسویان برای استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد.
وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین: بایگانی شود. ۱۳۳۱/۱۲/۱۰]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر]

شماره: ۳۱۰۳/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۲/۹

سند شماره ۶۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۹۰۰۸

مورخه: ۱۱/۱۹

بعدالعنوان - طبق گزارش واصله در اثر اختلاف و انشعابات حزب ایران در مرکز آقای کاشفی سردبیر روزنامه جوانان ایران اخیراً از تهران به حزب ایران مشهد آمده و در اثر تبلیغات بین افراد حزب انشعابات تولید، در داخله حزب اختلافاتی رخ داده و عده‌ای طرفدار آقای حمید موسویان اهل خراسان از لیدرهای حزب و وکیل دادگستری است و عده‌ای طرفدار آقای دکتر میردامادی دبیر حزب شده، بالنتیجه در غیاب آقای میردامادی^۱ دستگاه بلندگوی حزب و مقداری اوراق را از حزب خارج و این طور می‌گویند به دستکاری حمید موسویان بوده، چون با تشکیل جلساتی که دادند موافقتی برای ائتلاف حاصل نشد، آقای میردامادی برای اموال و اوراق ریوده شده به دادسرا مراجعه و رسیدگی به دایره آگاهی شهربانی محول

۱. در اصل: امیردامادی.

شده، مشاجرات پنهانی بین موافق و مخالف جریان دارد و مأمورین مسئول دائماً مراقب نظم محل و پیش‌بینی‌های لازم می‌باشند. نتیجه اقدام بعداً به استحضار خواهد رسید.

رئیس شهربانی خراسان

[امضا: ناخوانا]

رونوشت برابر اصل است.

رونوشت برابر رونوشت است.

سند شماره ۶۳

تلگراف‌های ارسالی اهالی بیرجند در شکایت از تعدیات چماقداران امیراسدالله علم نسبت به هواداران حزب ایران و نهضت ملی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، به: [تهران]، شماره قبض: ۵۶۰، تعداد کلمه: ۲۵۰، تاریخ اصل: ۱۷، تاریخ وصول:

[۱۳]۳۱/۱۲/۱۷

جناب آقای نخست‌وزیر، دو کپیه: جناب آقای وزیر دادگستری، جناب آقای دکتر سنجابی تهران. به علت عملیات وحشیانه و ضدانسانی اسدالله علم که دیروز نوکران و عمال خود را مسلح و با چوب و چماق علیه مردم تجهیز کرده و منتهی به ضرب و جرح عده‌ای از افراد حزب ایران شده و سران نهضت ملی بیرجند تهدید [به] مرگ شده‌اند ما بازارگانان، اصناف، دانشجویان [و] اهالی تعطیل عمومی کرده و از دولت ملی می‌خواهیم که بیش از این با توقف علم در بیرجند موجب تهدید موافقین کثیر دولت نشده و راضی نشوند که انجام مأموریت‌های خائنانه علم به نفع کمپانی ادامه یابد. منتظر جواب قطعی هستیم. بازارگانان، اصناف و

دانشجویان و اهالی بیرجند: صمدی، ناصری، سعیدی، سلطانی، عطاردی، همایونی، یوسف‌زاده، مقدوری، کشمیری، عباس فیروزی، عادل، قضایی، تابع سنقری، جوادی، سعیدی، قندهاری، راشد، ر[[استگو، لاری، صفاری، خزاعی، خلیل، افشاری، راشدی، روشنی، حسینی، موسوی، شمس و پانصد امضای دیگر.

[حاشیه بالا:] نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد. بایگانی شود. [امضا: ناخوانا]
[۱۳]۳۱/۱۲/۱۹

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۵۴۳۷

تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۲/۱۸

سند شماره ۶۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، به: تهران، شماره قبض: ۵۷۴، تعداد کلمه: ۱۵۰، تاریخ اصل: ۱۷، تاریخ وصول:

[۱۳۳۱]/۱۲/۱۷

جناب آقای دکتر مصدق پیشوای محبوب، رونوشت آقای دکتر سنجابی کمیته مرکزی حزب ایران، آقای وزیر دادگستری. پیرو تلگراف هفته اخیر دایر بر تحریکات و توطئه‌های ضددولتی علم اینک به دنباله آن، اسدالله علم چون نهضت ملی و موافق دولت را عمیق دیده با جمع آوری رجاله و چاقوکش و زارعین شخصی از دهات، از دو روز پیش، قصد ترور رهبران حزب ایران و زعمای روحانی نهضت را علنی کرده‌اند. مردم عصبانی شده و از ظهر امروز مقابل تلگرافخانه تجمع برحسب اطمینانی که آقای رئیس شهربانی دادند و شخصاً ناظر ضرب

و جرح افراد غیور ما به وسیله مأمورین نظام وظیفه که تحت ریاست نوکر علم می‌باشند بوده‌اند، با زحمت بسیار از تحصن جلوگیری کردیم. اینک معروض است که اگر علم احضار نشود و قضات دادگستری که تطمیع وعده‌های او شده‌اند از حمایت عمال علم دست نکشند و رئیس نظام وظیفه بیش از این در توطئه‌های ضدملی علم شرکت کند و با فحاشی علنی به دولت ملی احساسات مردم جریحه‌دار نموده و عملیات خائنانه هفته‌های اخیر علم خاتمه نیابد، مردم ناچار از دفاع خواهند بود و ممکن است نقشه‌های عمال کمپانی حادثه سیستان را تکرار کنند. با تقدیم احترامات از طرف جمعیت مقابل تلگرافخانه دبیر حزب ایران بیرجند ۱۱۶ سعیدی.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه راست:] نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد. [۱۳]۳۱/۱۲/۱۹

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۵۴۱۵

تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۲/۱۹

سند شماره ۶۴

تلگراف عده‌ای از اهالی بیرجند در شکایت از اقدامات اعضای حزب ایران در آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، به: ت[هران]، شماره قبض: ۶۵، تعداد کلمه: ۴۳۲، تاریخ اصل: ۱۷، تاریخ وصول:

[۱۳۳۱]/۱۲/۱۸

جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب، کپیبه جناب آقای منصف نماینده محترم مجلس

شورای تهران. مدتی است عده‌ای [لجاره به نام حزب ایران در این شهرستان به دسته کشی مشغول و هر روز به عناوینی سبب ناراحتی مردم و بی‌نظمی شهرستان را فراهم و علناً در کوچه و بازار به کتک‌کاری مردم بازار مبادرت و به دنبال مردم حمله و هجوم می‌آورند. اخیراً که به چند نفر از مردم حمله کرده و آنان را کتک کاری کرده‌اند دادگستری مرتکبین را تعقیب و دیروز بازداشت کرده‌اند. عصر دیروز و صبح امروز عده‌ای [لجاره در بازار ریخته و با تهدید و زور دکانین مردم را مسدود و آنان را اجباراً برداشته به طرف شهربانی و دادگستری^۱ می‌برند و با امضا دادن [می‌گویند] مرخص کنید زندانیان ما را وگرنه ادارات را روی سر شما کوبیده آنها را خلاص می‌کنیم و بالتیجه قول که زندانیان را آزاد کنید؟! در ساعت ۱۰ صبح با تهدید این‌که اگر تا غروب زندانیان آزاد نشدند مجدداً دسته کشی و قضات دادگستری را کشته و نخواهیم گذاشت رفقای ما در زندان باشند. در نتیجه مأمورین مرعوب و ممکن است به خلاف قانون زندانیان را آزاد و بر تخریب آنها افزوده گردد. قبل از آن‌که به دسته کشی این لجاره‌ها به کشت و کشتار منتهی گردد تقاضای عطف توجه فوری داریم که قدغن فرمایند ادارات ژاندارمری، ارتش و شهربانی در رفع بی‌نظمی دادگستری را تقویت و نگذارند در این موقع حساس که کشور محتاج آرامش کامل و دشمن در کمین فرصت است بیش از این اغتشاش فراهم گردد^۲ و باعث ارباب و ناراحتی مردم نگردند تا اتفاق سوئی رخ ندهد. خیروانی، محمد رحیمی، سیدمحمد رضا رحیمی، محمد افضل، سیدحسن رحیمی، سیدعبدالرحیم اسلامی، سیدغلامرضا اصغری، سیدمحمدحسن، سیدعلی اکبر رضوی، محمدحسن رضائی، حاجی محمدعلی رحیم آبادی^۳، حسین گرگی، علی عباس، سیدعلی علوی، حسین قریشی^۴، محمد رحیم آبادی، محمد رضا دریانی، پورحسن، کاو، غلام، رضا ثقفی، علیرضا بامرغی، علی، جهان، سیدمحمد اسلامی، سیدمرتضی اسلامی، محمدابراهیم نوری، غلامرضا، حسین، سیدرضا اسلامی، سیدمحمد اسلامی، محمدکبیر اسلامی، حسین موقری، سیدمحمد علوی، سیدباقر هاشمی، سیدحسین رضوی، محمدباقر، حسین کربلائی^۵.

۱. در اصل: دادگستری.

۲. در اصل: نگردد.

۳. در اصل: رحیمی آبادی.

۴. در اصل: قریش.

۵. در اصل: دو بار تکرار شده بود.

سبزواری، دهقان، غلامرضا فروعلی، علی محمد کربلانی، غلام فریاد، علی اکبر عبداللهی، کربلانی سید ابراهیم قاسمی، سید محمد قاسمی، سید علی قاسمی، سید ابوتراب کاظمی، رجب زاده، غلامرضا، محمد ریاحی^۱، محمد، علی و تقی کربلانی، محمد زمینی، محمد علی روغنی، حسین مصلحی، احمدزاده، محمد علی ورامینی، غلام، حسین غلام میان هم آغوش، علی رحمانی، علی جان، بهلول، غلام، زینا عاقلی، محمد سید حسینی.

[حاشیه بالا:] نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد، بایگانی شود. ۱۳۳۱/۱۲/۱۹

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۵۴۶۵

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۲/۱۸

سند شماره ۶۵

تلگراف یکی از اعضای حزب ایران به نخست وزیری و دکتر سنجابی در شکایت از علمی (رئیس فرهنگ بیرجند) و دکتر احمدی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، به: تهران، شماره قبض: ۷۶، تعداد کلمه: ۷۵، تاریخ اصل: ۲۵، تاریخ وصول:

۱۳۳۱/۱۲/۲۵

مقام نخست وزیر، رونوشت جناب آقای وزیر فرهنگ، رونوشت جناب آقای دکتر سنجابی.

آقای علمی رئیس فرهنگ و دکتر احمدی از مخالفین دولت هستند، امروز صبح اداره می‌رفتم عده‌ای [چاقوکش را وادار [کرده تا] بنده را کتک کاری نمایند به جرم این‌که عضو حزب ایران می‌باشم. مراتب جهت استحضار معروض و ضمناً صراحتاً عرض می‌کنم در این شهر هر که طرفدار دولت باشد باید طرد [و] به حیثیت او لطمه وارد آورند. استدعای عطف توجه دارد. پوریموت.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] نسخه اول به وزارت فرهنگ فرستاده شد، بایگانی شود. [امضا: ناخوانا]

۳۱/۱۲/۲۶

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۳۶۰۰۱

تاریخ: ۳۱/۱۲/۲۶ [۱۳]

سند شماره ۶۶

بیانیه حزب ایران و احزاب ملی طرفدار نهضت ملی در حمایت و پشتیبانی از گزارش هیأت هشت نفری مجلس برای تفکیک وظایف نخست‌وزیر و شاه

بیانیه احزاب ملی طرفدار نهضت ملی ایران

مجلس شورای ملی باید با تأیید گزارش هیأت هشت نفری به خواست میلیون‌ها ایرانی مبارز و حق طلب پاسخ مثبت بدهد.

هموطنان، ملت شجاع و قهرمان ایران

قیام دلیرانه ملت ما بر علیه شرکت غاصب نفت و عمال سیاست استعماری در آستانه پیروزی

است. مبارزه سرسخت و شجاعانه مردم استعمارزده ایران نقشه‌های دشمن را یکی پس از دیگری دچار شکست و ناکامی ساخته و هر روز دسته جدیدی از ایادی بیگانه و فریب‌خوردگان و گم‌شدگان راه ملت را مفتضحانه از میدان مبارزه بیرون می‌کند و قدم تازه‌تری به سوی پیروزی نهایی و هدف اساسی خود که استقرار حاکمیت ملی و استقلال تام و تمام اقتصادی و سیاسی است نزدیک می‌شود. در این مرحله از مبارزه ما، دشمن آخرین تلاش مذبحخانه خود را برای شکست مقاومت ثمربخش ملت ایران به کار می‌برد و نیروهای وازده و رسوای خود را به میدان می‌آورد. توطئه شوم و خائنانه نهم اسفند، که به بهانه ساده‌اعلی حضرت شاه انجام گرفت و با قیام آگاهانه مردم مواجهه با شکست شد، نمونه‌ای از اقدامات دشمن شکست خورده محسوب می‌شود. آنها می‌خواستند با صحنه سازی مبتذل خود نیروهای ترقی‌خواه و ملی خود اجتماعی را مرعوب نموده و نقشه شیطانی خود را با از بین بردن نخست‌وزیر شجاع ما عملی سازند. مجلس شورای ملی با انتخاب هیأت هشت نفری برای بررسی علل اصلی اختلافات که ادامه آن به نفع سیاست‌های بیگانه تمام می‌شود اقدامی بسیار بموقع و بجا انجام داد و تصویب و تأیید گزارش این هیأت تنها راه حل اشکالات موجود در شرایط کنونی و دلیل شکست قطعی تشبثات سیاستهای اقتصادی و ارتجاعی به شمار می‌رود. ملت ایران بخوبی آگاه است که این گزارش برخلاف آنچه مخالفین شایع ساخته‌اند به هیچ وجه با سلطنت مشروطه مخالفت نداشته و بر عکس تنها راه حل ادامه مشروطیت را به طریقی که با اصول حاکمیت ملی منطبق باشد طبق مدلول صریح قانون اساسی و آنچه خواست بانیان دلیر مشروطیت ایران بوده روشن و صریح نشان می‌دهد.

حکومت حق ملت است و در رژیم مشروطه تنها دولت منتخب مجلس ملی مسئول اداره امور مملکت است. این اصلی است که مبنای گزارش هیأت منتخب مجلس شورای ملی ایران قرار گرفته و ما به نام احزاب و جمعیت‌های وفادار نهضت ملی پشتیبانی قاطع و همه جانبه خود را از آن اعلام می‌داریم.^۱ ما جداً از نمایندگان محترم مجلس می‌خواهیم که به خواست میلیون‌ها مردمی که در طول مبارزه قهرمانانه خود از هیچ نوع فداکاری و جان‌بازی خودداری نکرده و اینک خواستار نتیجه مشروع و قانونی مبارزه خود می‌باشند پاسخ مثبت

گفته و با تصویب گزارش هیأت هشت نفری یک گام دیگر مبارزه ضد استعماری ملت ما را به رهبری نخست وزیر محبوب جناب آقای دکتر مصدق به موفقیت قطعی نزدیک سازد. از طرف حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) علی اکبر بیداریان - محمود عرب زاده کمیته مرکزی حزب ایران از طرف جمعیت آزادی مردم ایران محمد نخشب - حسین راضی، از طرف حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم داریوش فروهر، امیر سلیمان عظیمیا.

سند شماره ۶۷

تجلیل از خدمات امان الله ریگی (نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای ملی) به خاطر حمایت از نهضت ملی و همکاری با رهبران حزب ایران

چون جناب آقای ریگی نماینده محترم مردم بلوچستان با عضویت [در] فراکسیون ادامه نهضت ملی خدمتگزاری^۱ خود را به پیشرفت منویات ملی ثابت و پشتیبانی و همکاری صمیمانه‌ای با رهبران حزب ایران فرموده‌اند، به افتخار ورود معظم له مجلس ضیافتی برای صرف چای و شیرینی در ساعت چهار بعد از ظهر روز چهارشنبه ۱۳۲۲/۱/۱۳ [در محل حزب ایران منعقد خواهد بود. خواهشمند است لطفاً قدم رنجه فرموده و اعضای حزب را سرافراز و قرین امتنان فرمایید

جاوید باد ایران

هیأت اجراییه حزب ایران در زاهدان

[امضا: امیر ابراهیمی]

[امضا: پاکدامن]

[امضا: آزاد]

نشانی: روبروی انبار غله، منزل آقای گرجی

[حاشیه چپ: امضا آقایان: آزاد کارمند فرهنگ، امیر ابراهیمی اداره راه، پاکدامن دارایی

سند شماره ۶۸

تلگرافات حسام‌الدین نعمت‌اللهی (دبیر حزب ایران شیراز) راجع به غارت مراکز احزاب ملی به دست هواداران سیدنورالدین‌الحسینی شیرازی

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره خصوصی: ۱۸۸۳

[تاریخ: ۱۳۲۶/۱/۲۹]

خیلی فوری است

وزارت کشور

پیرو نامه شماره ۱۸۷۵ [مورخ] ۱۳۲۶/۱/۲۷ [نسخه دوم تلگراف شماره ۱۸۵۵ [مورخ] ۱۳۲۶/۱/۲۷] آقای حسام‌الدین نعمت‌اللهی از شیراز دایر به غارت اثاثیه حزب ایران و باشگاه‌های ملی برای اطلاع و اقدام مقتضی و اعلام نتیجه به پیوست ارسال می‌گردد.

معاون نخست‌وزیر

جمال ملکوتی

[امضای پیش‌نویس: ضیایی] ۱۳۲۶/۱/۲۹

سند شماره ۶۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۶۵، از: شیراز، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۸۵۵، تعداد کلمه: ۷۷، تاریخ اصل:

۲۷، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۱/۲۷

فوری، جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب، رونوشت توسط جناب آقای خسرو

قشقائی، جناب آقای دکتر سنجابی، رونوشت کمیته مرکزی حزب ایران تهران. غروب چهارشنبه ۲۶ فروردین چاقوکشان سیدنورالدین و معدل با همکاری استاندار و رئیس شهربانی و فرمانده لشکر به حزب ایران و تمام باشگاه‌های ملی و داروخانه آقای محمدیان ریختند و سوختند و الساعه هم هنوز مشغول کشتار مردم بی‌گناه می‌باشند. دبیر حزب ایران شیراز. حسام‌الدین نعمت‌اللهی

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه پایین، اول:]: فوری، به ضمیمه گزارش رمز استناداری شیراز خدمت جناب آقای ملکوتی معاون محترم نخست‌وزیر فرستاده شود. [۱۳]۳۲/۱/۲۷
[حاشیه پایین، دوم:]: گزارش، منزل جناب آقای نخست‌وزیر فرستاده شده است.
[امضا: ناخوانا] [۱۳]۳۲/۱/۲۷

[مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا]

به تاریخ: ۱۳۳۲/۱/۲۷

نمره: ۱۸۸۳

ساعت ۱۸^۱ رسیده است.
۲

سند شماره ۶۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۳۱۸، از: شیراز، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۹۷۴، تعداد کلمه: ۱۰۴، تاریخ اصل: ۲۸، تاریخ وصول: [۱۳۳۲/۱]/۲۸

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب، رونوشت جناب آقای دکتر سنجابی، رونوشت آقای خسرو قشقایی [نماینده] مجلس شورای ملی. اعزام فوری هیأت بازرسی برای رسیدگی

به فجایع غروب ۲۶ و روز ۲۷ اسفند ماه شیراز و تعقیب مسئولین شهربانی و ارتش و استاندار بی‌عرضه خیلی ضروری، مسامحه موجب طغیان شدید عناصر مزدور خواهد بود. مردم فارس و اهالی شیراز سخت در فشار، حکومت نظامی بعد از قتل و غارت مردم نوشدارو^۱ بعد از مرگ، اگر ملیون کارمندان آمریکایی اصل ۴ را از مهلکه نجات نداده بودند قضیه سقاخانه تکرار می‌شد، توجه عاجل مبذول شود.

حسام‌الدین نعمت‌اللهی

دبیر حزب ایران شیراز

[مهر]: اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین]: پس از صدور جواب در پرونده مربوطه ضبط شود. [امضا: ناخوانا]
[۱۳]۳۲/۱/۳۰

[مهر]: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۳۳۹

تاریخ: [۱۳]۳۲/۱/۳۱

سند شماره ۷۴

اعلامیه حزب ایران در محکومیت اقدامات هواداران سیدنورالدین الحسینی شیرازی در تخریب باشگاه حزب ایران و حمله به مراکز و اجتماعات ملیون

اعلامیه حزب ایران

فجایع سیدنورالدین و معدل، قتل و کشتار و غارت

حزب ایران

همشهریان عزیز، حملات ناجوانمردانه و وحشیانه چاقوکشان و رجاله‌های سیدنورالدین

عامل مزدور و شناخته شده انگلستان به حزب ایران و سایر مراکز اجتماعات و احزاب ملی حقایقی را که از یک ماه قبل، طی اعلام خطرهای مکرر خود، پیش‌بینی کرده بودیم در روز ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۳۲ صورت تحقق یافت. این خیانت کارانی که به امید سقوط مصدق از اول فروردین ماه تاکنون در شیراز مشغول توطئه بودند، آخرین تلاش مذبحخانه خود را برای سرنگون کردن حکومت مردم بر مردم در این دو روز اخیر نمودند. باشگاه حزب ما را ویران کردند و هم مسلکان مبارز ما را با چوب و سنگ و چماق مجروح نمودند ولی ما و تمام آزادی خواهان فارس تاکنون به کوری چشم دشمنان ملت ایران برای استقرار عدالت اجتماعی و حکومت مشروطه واقعی بر پایستاده‌ایم. ما به همشهریان عزیز و آزادی خواهان فارس نوید می‌دهیم که دوران خودسری عناصر مزدور سپری شد و چیزی طول نخواهد کشید که محرکین و مرتکبین فاجعه روز ۲۶ و ۲۷ فروردین ماه به دست نیروی عظیم ملت ایران مغلوب و منکوب خواهند شد.

جاوید باد ایران

حزب ایران شیراز

تلگراف

فوری - جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب، رونوشت توسط جناب آقای خسرو قشقائی، جناب آقای دکتر سنجابی، رونوشت کمیته مرکزی حزب ایران تهران. غروب چهارشنبه ۲۶ فروردین چاقوکشان سیدنورالدین و معدل با همکاری رئیس شهربانی و فرمانده لشکر به حزب ایران و تمام باشگاه‌های ملی ریختند و سوختند و اکنون هم مشغول کشتار مردم بی‌گناه می‌باشند. فریادرسی نیست، قوای پلیس و ارتش برای کشتن مردم متفقند.

دبیر حزب ایران شیراز

حسام‌الدین نعمت‌اللهی

تلگراف

جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب، رونوشت جناب آقای دکتر سنجایی، رونوشت آقای خسرو قشقائی مجلس شورای ملی: اعزام هیأت بازرسی برای رسیدگی به فجایع غروب ۲۶ و روز ۲۷ فروردین شیراز و تعقیب مسئولین شهربانی و ارتش خیلی ضروری مسامحه موجب طغیان شدید عناصر مزدور خواهد بود، مردم فارس و اهالی شیراز سخت در فشارند. حکومت نظامی بعد از قتل و غارت مردم نوشدارو بعد از مرگ است اگر بعضی از افراد خیراندیش، کارمندان آمریکایی اصل ۴ را نجات نداده بودند قضیه سقاخانه تکرار می‌شد، توجه عاجل مبذول شود.

دبیر حزب ایران شیراز
حسام‌الدین نعمت‌اللهی

جواب تلگراف از مرکز

شماره کتاب: ۱۶، تاریخ: ۳۱/۱/۲۸ [۱۳]، آقای حسام‌الدین نعمت‌اللهی، حزب ایران: از عملیات وحشیانه خائنین، عموم وطن پرستان متأثر، ملت ایران فداکاری شما را فراموش نخواهد کرد، اقدام فوری به عمل آمده به زودی مطلع خواهید شد.

جاوید باد ایران
کمیته مرکزی حزب ایران

تلگراف از مجلس

حزب ایران آقای نعمت‌اللهی

وقایع اخیر شیراز موجب کمال تأسف اقدام عاجل به عمل [آمده به] اهالی محترم اطمینان دهید مجرمین و مسببین جنایات تعقیب [خواهند شد] درود ما را به رفقای حزب ابلاغ [نمایید]. شماره کتاب ۲۶۶

جاوید باد ایران
دکتر سنجایی

تلگراف از تهران

جناب آقای نعمت‌اللهی، تلگراف رسید، فوری اقدام لازم شد، همین امروز از نتیجه مطلع خواهید شد.

خسرو قشقایی

تلگراف رسیده از حزب ایران کازرون

توسط جناب آقای نعمت‌اللهی حزب ایران، رونوشت روزنامه صدای شیراز، رونوشت روزنامه گلستان شیراز، از قرار معلوم باز هم سیدنورالدین و جیره‌خواران دیگر و عناصری که در این مدت همیشه بر علیه دولت و ملت مشغول توطئه‌چینی و فعالیت شده و در این موقع که سرتاسر کشور تعطیل عمومی اعلام و نوزده میلیون^۱ ایرانی همه با هم فریاد یا مرگ یا مصدق، یا مرگ یا خواسته‌های مصدق به فلک رسانده‌اند، این ملای انگلیسی و درخت پوسیدگان دیگر استعمار در صدد اختلال نظم عمومی و پیشرفت مقاصد ارباب افتاده، عده‌ای چاقوکش به باشگاه حزب ایران و تلگرافخانه فرستاده‌اند تا بدان وسیله از احساسات پردامنه مردم که تمام‌شدنی نیست جلوگیری و مانع تصویب و اجرای خواسته‌های ملت و دولت گردند، غافل از این‌که پایه‌های حکومت مصدق محکمتر از آن است که منافقین و جناح ارتجاع خیال می‌کنند. در هر حال عموم کارگران و زحمتکشان حزب ایران کازرون با مشت‌های گره کرده آماده حرکت [به] شیراز می‌باشیم...^۲

۱. در اصل: ملیون.

۲. آخر سند افتادگی داشت.

سند شماره ۷۰

مکاتبات دبیرکل حزب ایران (کریم سنجابی) با نخست وزیر (محمد مصدق) راجع به تلگرافات ارسالی از بجنورد و اسفراین درباره قتل رضا امامی (از اعضای حزب ایران بجنورد) به تحریک خانواده شادلوها

حزب ایران
کمیته مرکزی
خیلی فوری است

تاریخ: ۱۳۳۲/۳/۲۸

شماره: ۵۸۴

جناب آقای نخست وزیر

محترماً در تعقیب واقعه هیجده مرداد ماه ۱۳۳۰ بجنورد که آقایان شادلو دست به خونریزی زده و افراد حزب ایران بجنورد و نمایندگان اعزامی این حزب را غرق در خون خویش کردند و پرونده آن مدتی است در دادگستری مشهد در جریان است و تا این تاریخ متأسفانه خاتمه نیافته است. طبق اطلاع تلگرافی از شعبات حزب ایران در بجنورد و مشهد، سه شب قبل سیدرضا امامی نماینده فداکار حزب ایران را که در جریان مذکور به شدت مضروب شده بود به وسیله غلامحسین نام و به تحریک همان اشخاص به طور ناجوانمردانه در نیمه شب در بستر به ضرب گلوله کلت به قتل رسانیده و قاتل را فرار داده‌اند.

با آن که حزب ایران بارها مقامات مسئول را با اسناد و ادله محکم متوجه مظالم این دسته و جنایات آنها کرده مع ذلک تمام پرونده‌های جنایی آنان همچنان بر اثر سازش با مأمورین خاطی در زیر گرد و غبار مدفون است و معلوم نیست چه موقع قانون قادر به جلوگیری از جنایت کاران و مجازات آنان خواهد گردید.

حزب ایران مصراً از نخست وزیر محبوب ملی درخواست دارد که اجازه ندهند عامل و مسبب این جنایات دلخراش بار دیگر در پناه مأمورین فاسد از مجازات معاف گردند و در

این مورد دستورات لازمه را صادر فرمایند. چه در غیر این صورت حزب ایران در آن نقاط نمی‌تواند مسئولیتی را بر عهده گیرد.

جاوید باد ایران
دبیرکل حزب ایران
دکتر کریم سنجابی
[امضا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳/۳۲/۴/۸]

[حاشیه پایین، دوم: خدمت جناب آقای دکتر علی‌آبادی معاون محترم نخست‌وزیر.

[مهر: بازرسی شد.

سند شماره ۷۰/۱

[شیر و خورشید]

حزب ایران
کمیته مرکزی

شماره: ۶۵۹

تاریخ: ۱۳/۳۲/۴/۸

مستقیم - فوری

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً در پیرو معروضه شماره ۵۸۴ به پیوست عین دو فقره تلگراف مورخه ۱۳/۳۲/۳/۲۸ [۱۳] ارسالی از بجنورد و اسفراین را درباره شهادت یکی از سربازان مجاهد نهضت ملی مرحوم رضا امامی فرزند آقای امام جمعه بجنورد و هم مسلک گرامی ما، تقدیم و درخواست دارد به مفاد آن توجه فرمایند.

امضاکنندگان^۱ تلگراف شکایت می‌نمایند که ادارات شهربانی و ژاندارمری بجنورد در توقیف و دستگیری غلامحسین نام قاتل مرحوم امامی کوچکترین اقدامی نمی‌کنند. مستدعی است دستور اکید درباره تعقیب قاتل مزبور و محرکین و مسببین این فاجعه دلخراش صادر فرمایند.

جاوید باد ایران

دبیرکل حزب ایران

دکتر [کریم] سنجابی

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:]: به شماره ۱۰۱۵۱ [مورخ] [۱۳۳۲]/۳/۳۱ به وزارت کشور ارجاع شده است. [۱۳۳۲]/۴/۱

[حاشیه پایین، دوم:]: اداره مراسلات شماره تلگراف ضمیمه را از دفتر تعیین فرماید. [امضا: ناخوانا] [۱۳۳۲/۴/۱]

[حاشیه پایین، سوم:]: ضمیمه شد. [۱۳۳۲]/۴/۲

[حاشیه پایین، چهارم:]: خدمت جناب آقای دکتر علی‌آبادی معاون محترم نخست‌وزیر. [امضا: ناخوانا] عصر [۱۳۳۲/۴/۲]

[حاشیه پایین، پنجم:]: اداره بایگانی چند روز قبل روی تلگراف آقای امام جمعه بجنورد پدر مقتول فقید شرحی به وزارت کشور نوشته شد آن هم پیوست شود. [۱۳]۳۲/۴/۲

[حاشیه پایین، ششم:]: ضمیمه شد. [۱۳]۳۲/۴/۲

[حاشیه بالا:]: رونوشت این نامه و نامه ۵۸۴ برای رسیدگی و اقدام و تعقیب قانونی اعلام نتیجه برای ژاندارمری و شهربانی کل کشور و وزارت دادگستری ارسال گردد.

رونوشت برای آقای دکتر سنجابی [امضا: ناخوانا] [۱۳]۳۲/۴/۳

[مهر:]: بازرسی شد.

سند شماره ۲/۷۰

[شیر و خورشید]
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

شماره کتاب: ۵۲۲، از: بجنورد، به: تهران، شماره قبض: ۹۱، تعداد کلمه: ۲۰۵، تاریخ اصل: ۲۸، تاریخ وصول: [۱۳۲۳/۳]/۲۸

جناب آقای نخست وزیر

توسط آقای دکتر کریم سنجابی دبیر اول کمیته حزب ایران، جناب آقای نخست وزیر رونوشت فراکسیون نهضت مقدس ملی، رونوشت [روزنامه] جبهه آزادی. مسبین فاجعه ۱۸ مرداد که منتهی به جرح و ضرب و غارت فعالین حزب ایران در بجنورد گردید، چون نفوذ شادلوها که خود عامل اصلی بودند در ادارات دولتی موجب عدم تعقیب و مجازات آنان گردید باعث شد که ساعت ۸ بعد از ظهر ۲۷ خرداد جاری رضا امامی عضو مؤثر این حزب در بجنورد به تحریک شادلوها به دست غلامحسین نام با گلوله شرافت کش مقتول [و] قاتل در پناه شادلوها فرار و شهربانی و ژاندارمری و دادگاه با امکاناتی که دارند^۱ از دستگیری آن طرفه می زنند و بلاشک قاتل در حمایت مستقیم شادلوها قرار گرفته ممکن است در آینده این جانب و سایرین مطمع نظر شادلوها است به وسیله وی به قتل برسانند.^۲ تقاضای دستور سریع برای دستگیری قاتل و مسبین و محرکین به اداره ژاندارمری و پادگان نظامی را دارم. چون امیدی نیست که ژاندارمری برای دستگیری قاتل اقدام مؤثری نمایند تجویز فرمایند خود اهالی برای دستگیری قاتل اقدام و در صورت بروز حوادثی مسئولیت^۳ به عهده خود مقامات محلی خواهد بود. جاوید باد ایران - علی اکبر کاظمیان

[مهر]: اداره تلگراف تهران

۱. در اصل: دادند.

۲. در اصل: برسانند.

۳. در اصل: مسئولیتی.

سند شماره ۷۰/۳

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۱۲۶۰، از: اسفراین، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۱۴، تعداد کلمه: ۴۲۳، تاریخ
اصل: ۲۸، تاریخ وصول: ۱۳۲۲/۳/۲۹ [۱۳]

جناب آقای نخست‌وزیر، رونوشت جناب آقای دکتر کریم سنجابی وکیل مجلس تهران. ليله
۲۷ خرداد با اظهار تأسف به تحريك [و] ترويج شادلوهاى اجنبى پرست كه همواره برآى
اربابان انگليسى^۱ خود فعاليت مى‌نمايند، آقای رضا امامى فرزند رشيد امام جمعه بجنوردى را
در منزل شخص خودش ترور و مقتول نموده‌اند و اين فجايع بزرگ باعث تأثر و تأسف عموم
طبقات مخصوصاً ما اهالى اسفراین گرديد. چون سال گذشته در مردادماه شادلوها وى را به
اتفاق عده [اى] از محترمين بجنورد مضرور مدتى در مريضخانه بسترى و تمام پرونده امر در
دواير حاكى است چون به مجازات نرسيدند بر تجزى آنان افزوده و اکنون بدون بيم مبادرت به
اين عمل وحشيانه و ناجوانمردانه نموده‌اند. اينك تقاضاى تعقيب و مجازات آنان را داريم. اگر
اين موضوع به دفع وقت بگذرد، عمل آقایان تکرار، زير آنان با تمام افراد وابسته به حزب
ايران و طرفداران دولت و ملت کينه بخصوص دارند. از بين بردن هر يك از افراد دولت خواه
را واجب مى‌دانند و بخصوص ما اهالى اسفراین در انتخابات دوره هفدهم با شادلوها مبارزه
نموده‌ايم اين جانبان را رقيب انتخاباتى خود مى‌دانند در صدد هرگونه کلاه سازى به وسيله
مأمورين ادارات بجنورد مى‌باشند، به وسيله ايدى خودشان آقایان روشنى، فلاح و کوهستانی
از کشتن و غارت اموال هيچ يك از ماها خوددارى نخواهد نمود. در هر صورت ما اهالى برآى
کارهاى [که داريم] جرأت رفتن به بجنورد را نداريم. مستدعى [است] همان طورى که فعلاً

۱. در اصل: انگليس.

هم تقاضا شده بخش اسفراین را جزء شهرستان سبزوار قرار داده تا در بجنورد سر[و]کاری نداشته از شر نوکران مارکدار انگلیس ایمن باشیم و به آسایش زندگی نماییم. چنانچه به تقاضای ماها ترتیب اثری داده نشود ناچاریم به واسطه عدم تأمین جان و مال از اوامر مأمورین دوایر بجنورد خودداری نماییم. زیرا مأمورین بجنورد تحت تأثیر شادلوها واقع از هرگونه کلاه سازی و پرونده بندی برای ما اهالی اسفراین دریغ نمی‌دارند. در خاتمه تعقیب و مجازات محرکین قتل را جداً انتظار داریم: محمد حقانی، مصرزاده، ایرانلو، حیدری، برات‌علی حسینی، محمدرضا، عبدالرحیم، کیان، سجادی، محمد صفری، عطایی، چوپانی، شریفی، موسوی، حاجی سیار، سیدحبيب اکبری، جواد رحمانی، محمدیان، فضل‌الله عطایی، بهادر شریفی، ترابی، سیدنژاد بداغ‌آبادی، ولی محمدپور، غلامی، نورالله جابری، عبدالحسین میرزا آقا بخارایی، ادیبی، مفضل، تبریزیان، وحیدیان، رضایی، غلامی، صباغ‌پور، غلامرضا مودتی، نجفی، سیدی، محمدعلی قوچانی^۱، علی اکبر قوچانی، عباس، موسی، احمدی، محمدحسن، علی اکبر احمدی، حقیقی، غفور اسماعیلی، حاجی مهدی، محمود قربان‌زاده، برقی، اکبرزاده، برقی، اکبرزاده، کاهانی، عاشوری، زرغامی، روح‌الله، شیخ علی عاشوری، برات، رضا جعفری، غلامحسین قره‌چورلو، عباس فهیمی.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

سند شماره ۷۱

تلگراف عده‌ای از اهالی زاهدان در انتقاد از عملکرد حزب ایران و نفوذ بانده
 هوادار امیراسدالله علم، حزب توده و حزب دمکرات در شعبه زاهدان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: زاهدان، به: [تهران]، شماره قبض: ۲۸۵، تعداد کلمه: ۴۱۰، تاریخ اصل: ۱۵، تاریخ وصول:

[۱۳]۳۲/۴/۱۵

جناب آقای نخست‌وزیر منزل شخصی ایشان، رونوشت جناب آقای وزیر کشور، رونوشت
 روزنامه جبهه آزادی. با کمال تأسف باید به عرض برسد که حزب ایران بدون هیچ‌گونه مطالعه
 قبلی اجازه افتتاح شعبه زاهدان را به کسانی در زاهدان [داده و] به عضویت پذیرفته که رسواتر
 و ننگین‌تر و کلاهبردارتر از آنان در سراسر بلوچستانیان یافت نمی‌شود و تعجب در این است
 که سران حزب چگونه بدون تحقیق به کسانی که روزگار یافته‌های علم و دستگاه او در
 بلوچستان می‌باشند و از زمان فرمانداری نامبرده در این منطقه تشکیل باند [داده و] با الهام
 گرفتن از او چون سرطان به جان مردم افتاده و طبق مأموریت هر روز به رنگی در بیابند اجازه
 عضویت می‌دهند و با آن که اعضای محترم حزب ایران در انتخابات انجمن شهر زاهدان در
 نتیجه اعمال ننگین و رسواکننده خود با فضاحت^۱ هر چه تمامتر شکست خوردند تقصیر این
 شکست را با کمال بی‌انصافی و غرض ورزی متوجه جناب آقای معینی فرماندار محترم کل
 بلوچستان که بلوچ و بلوچستانی تا ابد خدمات ایشان را برای مردم محروم این منطقه از لوحه
 ضمیر محو نخواهد نمود می‌دانید غافل از این که این شکست مفتضحانه در نتیجه بیداری مردم

هوشیار زاهدان و فساد اعمال اعضای محروم حزب ایران در زاهدان می‌باشد [؟] چنانچه سران حزب ایران به حیثیت خود در این منطقه علاقه‌مند می‌باشند برای روشن شدن اظهارات ما و لاطائلاتی که آقایان در شماره ۲۰۳ روزنامه جبهه آزادی درج نموده‌اند برای تحقیق لازم است به طور مخفی یا آشکار بازرسانی به این منطقه اعزام تا کسانی را که روزی به نام حزب توده و زمانی به نام حزب دمکرات و امروز به نام حزب ایران مشغول غارتگری و کلاهبرداری می‌باشند و در هر لباس که هستند از علم و دستگاه او الهام می‌گیرند بشناسند و نیز معلوم شود که چه کسانی با اعمال متشنج و جنایت‌آمیز خود باعث مهاجرت عده [ای] از هم میهنان محروم ما به نام افراد بلوچ هستند. مضافاً این‌که بلوچ و بلوچستانی امروز مصالح خود را حزب تشخیص می‌دهد و دایه مهربانتر از مادر لازم ندارد و خائنین و یغماگران را در هر لباس که باشند خوب می‌شناسند^۱ و این وظیفه سران محترم حزب ایران است که در انتخاب اعضای خود تعمق بیشتری به خرج دهد. دل مراد اسمعی بلوچ، درمحمد صالح زهی بلوچ، ادریس صالحی زهی، علی محمد شکل‌زایی، پیرصمد صالح‌زایی، یارمحمد شکل‌زایی، شیرمحمد صالح‌زایی، مهدوت سیاهی، غلام صمد دهواری، بلوچ‌خان ریگی، خدابخش ریگی، حاج محمد سلیمان دهواری، ملک صمد صالح‌زایی، کریم‌داد دهواری، شهنوازی، صالح‌زایی، آزاد ریگی، گرگین ریگی، عبدالکریم ریگی، لعل محمد دهواری، عمر ریگی، قادر ریگی، ولی صمد رحمانی، نظر ریگی، تقضان ریگی، وسی ریگی، صمد ریگی، درمحمد ریگی، ولی صمد ریگی، ملک‌شاه ریگی، پرویز صالح‌زایی، خان‌محمد ریگی و سیصد امضای دیگر.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد، بایگانی شود. [امضا: ناخوانا]

[۱۳]۳۲/۴/۱۷

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۲۷۶۱

تاریخ: ۱۳۳۲/۴/۱۷

سند شماره ۷۲

تلگراف جمعی از اعضای خانواده شادلوها به دکتر مصدق در رد اتهام وارده به آنها از سوی اعضای حزب ایران مبنی بر دخالت در قتل رضا امامی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۳۸۱، از: بجنورد، به: تهرآن، شماره قبض: ۱۰۴، تعداد کلمه: ۳۸۷، تاریخ اصل: ۱۸، تاریخ وصول: ۱۳۲۲/۴/۱۹

توسط جناب آقای نصرالله شادلو تهران، حضور بندگان اجل جناب آقای دکتر مصدق نخست وزیر محبوب ایران، رونوشت جناب دکتر سنجابی نماینده محترم مجلس شورای ملی: خدمات چندین ساله خانواده شادلوها به میهن عزیز خصوصاً به دولت ملی آن جناب در تمام مراحل بر هیچ فردی مخصوصاً اولیاء دولت و مصدر امور کشور پوشیده نیست و با بودن سوابق موجود در مقامات مؤثر محتاج به شرح و بسط نبوده و وطن خواهی و حمایت از دولت ملی اظهر من الشمس است. از سال ۱۳۲۰ به این طرف عده ای از ماجراجویان بوقلمون صفت در بجنورد به منظور اجرای مقاصد و اغراض شخصی و جاه طلبی مشغول توطئه و چند نفر از آنها خود را به حزب ایران منتسب و از این طریق بر علیه وطن خواهان [و] متشنج ساختن اوضاع این شهرستان مرزی حساس هستند و در این راه از هیچ گونه اقدامی ولو بستگی با بیگانگان خودداری نکرده اند. اخیراً که آقای رضا امامی به دست نوکر گرگ صفت خود که سالها مشغول سرقت مسلحانه بوده و پرونده های سرقت و قتل و ضرب و جرح او و این که چه شخصی حامی او بوده و در مواقع لزوم برای رهایی او از زندان اقدام می کرده در مقامات صالحه موجود است به قتل رسیده، همان عده به منظور انجام مقاصد شوم خود و مشوب ساختن اذهان عمومی و مقامات رسمی دست به یک سلسله اقدامات برخلاف حقیقت زده و این پیش آمد را دست آویز تبلیغات شوم خود قرار داده و با جعل اخبار و طومارهای جعلی به

تهران حرکت، مترصدند از این واقعه موضوع را به نحو دیگر جلوه داده و خانواده شادلو را لکهدار سازند. گرچه حقیقت را نمی‌توان مکتوم [و] از بین برد و آن را که حساب پاکست از محاسبه باکی نیست، ولی ممکن است موضوع را در مرکز به نحو غیرواقعی جلوه داده و خاطر مصدر امور را نسبت به خانواده شادلو بدبین سازند. این است مراتب را معروض و استدعا داریم موضوع را از مقامات صالحه و مأمورین تحقیق و در صورت ایجاب یا احتیاج با اعزام بازرسی عالی رتبه به محل از واقعیت و حقیقت مطلب استحضار حاصل فرمایند. خسرو شادلو، اصلان شادلو، یار محمد شادلو، فریدون شادلو، پرویز شادلو، فریبرز شادلو، فتح‌الله شادلو، بیژن [و] سهراب شادلو، سیف‌الله شادلو، ایرج شادلو، اسفندیار شادلو، احمد شادلو، خانلر شادلو، فضل‌الله شادلو، همایون [و] روح‌الله شادلو، ناصر شادلو، امان شادلو.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۳۷۵۹

تاریخ: ۱۳۳۲/۴/۲۴

سند شماره ۷۳

تلگراف حزب ایران (شعبه مسجد سلیمان) در محکومیت قتل رضا امامی در بجنورد و درخواست مجازات عاملین آن

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: مسجد سلیمان، به: ت[هران]، شماره قبض: ۸۹۹، تعدادکلمه: ۹۰، تاریخ اصل: ۲۲، تاریخ

وصول: [۱۳۳۲]/۴/۲۳

جناب دکتر مصدق نخست‌وزیر محبوب، کپیه کمیته مرکزی حزب ایران، کپیه روزنامه جبهه

آزادی. اعضای حزب ایران مسجد سلیمان ضمن اظهار نهایت تأثر و تألم از شهادت سرباز فداکار رضا امامی که در بجنورد هدف گلوله مزدوران امپریالیسم گردید، از آن جناب تقاضا داریم دستور مجازات سریع قاتلین آن مرحوم را صادر با این عمل [به] تمام نوکران اجانب ثابت نمایید که ملت ایران انتقام خود را از خائنین گرفته و در هر حال سپاسگزار خادمین خود می‌باشد. جاوید باد ایران، هیأت اجرائیه حزب ایران مسجد سلیمان، مهندس و کیلی.

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه پایین: نسخه اول به وزارت دادگستری فرستاده شد، بایگانی شود. امضا: ناخوانا]

[۱۳]۳۲/۴/۲۴

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر]

شماره: ۱۳۷۳۳

تاریخ: [۱۳]۳۲/۴/۲۴

سند شماره ۷۴

مکاتبه مهندس طاهرزاده (عضو هیأت مدیره راه آهن دولتی) با نخست وزیری در شکایت از اعمال نفوذ حزب ایران در تعیین هیأت مدیره جدید

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۶۵۲، از: تهران، به: تهران، شماره قبض: ۹۲۷۵۰، تعداد کلمه: ۲۷۶، تاریخ

اصل: ۲۳، تاریخ وصول: [۱۳]۳۲/۴/۲۳

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب ایران، قانون جدید سازمان راه آهن که

چندی قبل به تصویب جناب عالی رسیده و محرک اصلی اقدام مذکور هم اصلاح بنگاه راه آهن بوده است. این جانب در تدوین اصلی آن شرکت داشته‌ام. فعلاً که وزارت راه مشغول انتخاب اعضای شورای عالی و هیأت مدیره می‌باشد توجهی به مؤلفین آن مبذول نمی‌شود. ارادتمند با علاقه [ای] که به راه آهن داشته و سال‌های سال با عناوین مختلف از آن جمله رئیس هیأت مدیره جمعیت مهندسين در راه تحکیم مبانی این مؤسسه عظیم کوشیده و فعلاً اندوخته من هم جز مبالغ زیادی قرض چیز دیگری نیست، در صدد نیستم که آیا در سازمان جدید هم خواهم بود یا نه، ولی از دورنمای فعلی آن به طور کلی دچار تردید هستم. از آن جمله فعلاً که انتساب به حزب برای احراز کارهای حساس شانس بیشتری دارد نه مقام فنی و تجربیات پر ارزش و با وجود علاقه قلبی و تشریک مساعی که به حزب ایران داشته و دارم ولی فکر می‌کنم که ماکه سال‌ها به افراد احزاب مختلف گفته‌ایم که راه آهن باید از سیاست کنار باشد، حالا اگر خلاف آن رفتار کنیم بدون تردید تأثیر و نتیجه فوق‌العاده نامطلوبی خواهد داشت. اینک تصور این که خدا نکرده در اجرای قانون سازمان نیز همان رویه اتخاذ شود شیرازه راه آهن از هم پاره شده و مکنونات حقیقی جناب عالی نیز عملی نخواهد شد. بنابراین آیا صلاح نیست که اجرای قانون سازمان بدون نظریات عده‌ای معدود که دارای اهمیت و تجربیاتی نیستند با توجه به نظر و صلاح‌دید فرد فرد تدوین‌کنندگان بموقع اجرا گذارده شود؟ ارادتمند سر مهندس طاهرزاده بهزاد، عضو هیأت مدیره راه آهن دولتی ایران

[مهر:] اداره تلگراف تهران

نشانی. بهارستان، کوچه نظامیه، کوی بهزاد، کاشی ۱۶، تلفن ۳۶۰۲۲

[حاشیه بالا، اول:] به عرض جناب آقای معاون محترم برسد. [۱۳]۳۲/۴/۲۴

[حاشیه بالا، دوم:] نسخه دوم به وزارت راه فرستاده شد، بایگانی شود. ضیایی.

[۱۳]۳۲/۴/۲۴

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۳۷۹۵

تاریخ: [۱۳]۳۲/۴/۲۴

سند شماره ۷۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت راه

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۴

شماره: ۲۷۴۸

جناب آقای نخست وزیر

امریه شماره ۱۳۸۰۸ روز ۱۳۳۲/۴/۳۱ [۱۳] و مرجوعه شماره ۱۳۷۹۵ زیارت شد و با اطلاع از مفاد معروضات آقای مهندس طاهرزاده بهزاد به عرض مبارک می‌رساند. پس از صدور تصویبنامه اجرایی شماره ۱۰۴۳۰ روز ۱۳۳۲/۴/۳ [۱۳] هیأت وزیران مستند به لایحه قانونی قانون اصلاح سازمان بنگاه راه آهن که لازم گردید چهار نفر از کارمندان عالی رتبه به عضویت شورای عالی انتخاب و پیشنهاد شوند این جانب در نظر گرفتم افرادی انتخاب کنم که از هر حیث واجد شرایط مقرر و مخصوصاً در امور قسمت‌های چهارگانه خط و ابنیه، جریه، دارایی و بهره‌برداری دارای اطلاعات و بصیرت و معلومات باشند و در ضمن بررسی متوجه بودم که تنها در قسمت خط و ابنیه ممکن است از وجود آقای مهندس طاهرزاده بهزاد استفاده شود. ولی پس از مذاقه و مطالعه و مقایسه معلومات ایشان با آقای مهندس پرویز بهمن این جانب آقای مهندس بهمن را انطباق تشخیص و پیشنهاد نمودم.

دربارۀ نظریۀ آقای مهندس طاهرزاده که اشعار داشته‌اند در مورد انتخاب چهار نفر از کارمندان عالی رتبه راه آهن وزارت راه تحت تأثیر حزب ایران واقع بوده است، به عرض عالی می‌رساند. آقایانی که انتخاب و به عضویت شورا منصوب شده‌اند و همچنین آقای مهندس هوشنگ سمیعی که اخیراً به مدیریت کل راه آهن منصوب گردیدند صریحاً ابراز و اظهار می‌دارند تا به حال وابسته به هیچ حزب و دسته [ای] نبوده و متوسل به افراد حزب ایران نشده‌اند و این وزارت در جریان کارها و انتخاب اعضا جز اجرای مقررات قانون و توجه به وظایف خود نظری ندارد و در انتخاب چهار نفر کارمندان عالی رتبه راه آهن نیز فقط و فقط شرایط مصوبه منظور نظر بوده و تحت تأثیر افراد یا حزب و دسته [ای] قرار نداشته است. بسیار جای تأسف و تعجب است آقای مهندس طاهرزاده بهزاد که خود را فردی تحصیل کرده می‌دانند

چگونه به حربه ناروا و خلاف انصاف و حقیقت توسل جسته و چون نمی‌توانند سوابق کاردانی، بصیرت و پاکدامنی و معلومات افراد منتخب شورای عالی راه‌آهن را مورد تردید و انکار قرار دهند انتخاب ایشان را صرفاً از نظر انتسابشان به حزب ایران قلمداد و قضاوت می‌نمایند که خوشبختانه مراجعه به هر یک از آنان بطلان آن ادعا را محرز و مکشوف خواهد نمود.

وزیر راه

[امضا: جهانگیر حق‌شناس]

[حاشیه راست، اول: سابقه. ۱۳۳۲/۵/۴]

[حاشیه راست، دوم: ضمیمه شد. ۱۳۳۲/۵/۵]

[حاشیه راست، سوم: به عرض رسید. بایگانی شود. ۱۳۳۲/۵/۶]

[مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا]

شماره: ۱۴۹۳۴

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۴

سند شماره ۷۵

مکاتبه ژاندارمری کل کشور با نخست وزیری راجع به گزارش ژاندارمری
خراسان درباره دستگیری قاتل رضا امامی

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

ژاندارمری کل کشور

پیوست: ۱ برگ

خیلی فوری است

دایره: رکن ۲ شعبه امنیت

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۳

شماره: ۱۴۶۶۸ ج ۱

جناب آقای نخست وزیر

محترماً پاسخ امریه شماره ۱۳۰۲۲ [مورخ] ۱۳۳۲/۴/۱۵ و شماره ۶۲۶۲/۲ [مورخ]

۱۱/۴/۳۲[۱۳] معروض می‌دارد. با تقدیم رونوشت گزارش فرمانده ناحیه ژاندارمری خراسان دستور کافی داده شد مراقبت نمایند چنانچه قاتل از شهر خارج شود مأمورین ژاندارمری که در تعقیب او می‌باشند دستگیرش نموده و تسلیم دادگاه نمایند ولی ممکن است نامبرده در شهر جایی مخفی شده باشد در این صورت وظیفه شهربانی است که محل اختفای او را کشف و دستگیر نمایند.

فرمانده ژاندارمری کل کشور

[امضا: محمود امینی]

[حاشیه پایین، اول: سابقه، ۴/۵/۳۲[۱۳]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۴/۵/۳۳۲[۱۳]

[حاشیه پایین، سوم: به عرض جناب آقای معاون محترم برسانید. ۵/۵/۳۲[۱۳]

[حاشیه پایین، چهارم: اقدامی ندارد. ۵/۵/۳۲[۱۳]

[مهر: ورود به کابینه ریاست وزرا

به تاریخ: ۴/۵/۳۳۲

شماره: ۱۴۹۵۰

سند شماره ۷۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

ژاندارمری کل کشور

[تاریخ: ۱۷/۴/۳۲[۱۳]

[شماره: ۲۴/۴۰/ج

مستقیم

تیمسار فرماندهی ژاندارمری کل کشور

گزارش

محترماً عطف به امریه ۱۳۴۴۴/ج ۱ [مورخ] ۱۶/۴/۳۲[۱۳] معروض می‌دارد، رضا امامی منتسب به حزب ایران [را] در بجنورد [در] خانه خود به دست نوکرش مقتول و قاتل فراری

است. چند روز پیش با مذاکره با استانداری تأکیدات لازم به عمل آمده مخصوصاً تذکر داده شد در صورتی که مأمورین محلی اهمال نمایند شخصاً حاضرم عده [ای] از مرکز ناحیه در اختیار آنان بگذارم که قاتل را جستجو و پیدا نمایند. جسارتاً معروض می‌دارد قاتل یک فردی است که پس از ارتکاب مخفی و دستگیری او از وظایف مسلم شهربانی بوده و اگر از طرف شهربانی یا اولیای مقتول^۱، محل قاتل نامبرده در خارج از شهر تعیین گردیده و به ژاندارمری مراجعه شده باشد در این صورت اگر اهمال شود مأمورین ژاندارمری مقصرند. مع‌هذا در اجرای امر فرماندهی دستور مؤکد صادر و خود بنده نیز تماس مستقیم با اولیای مقتول داشته و اقدام مؤثر به عمل خواهد آمد.

فرمانده ناحیه ژاندارمری خراسان

سرتیپ امیر پرویز

رونوشت برابر اصل است.

سند شماره ۷۶

تلگرافات ارسالی عده‌ای از اهالی اسفراین و کمیته موقت حزب ایران در آن شهرستان در شکایت از اقدامات خاندان شادلو علیه هواداران نهضت ملی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۵۵۸، از: اسفراین، به: تهران]، شماره قبض: ۷۵، تعداد کلمه: ۴۲۹، تاریخ

اصل: ۱۳، تاریخ وصول: ۱۳/۵/۳۲ [۱۳]

جناب آقای نخست‌وزیر محبوب ملی، رونوشت وزارت کشور، رونوشت آقای ابوالفضل

۱. در اصل: اولیای او مقتول.

قاسمی^۱ مدیر روزنامه محترم جبهه آزادی. ما افراد حزب ایران و سایر طبقات وابسته به حزب ایران جبهه ملی از بدو کار با کوشش و جدیت کسب [و] کار خود را فراموش، فکر و هم خود را به حکم وجدان و علاقه به میهن عزیز صرف مبارزه با استعمار نموده و هیچ‌گونه خستگی به خود راه نداده [و] از منویات دولت ملی که خواسته ملت است پیروی نموده^۲ تا به یاری خدا به طور مطلوب ملت ایران به مقصد حقه خود نایل و آزادی کامل داشته باشند که نسل آینده از قید اسارت استعمار نجات یافته [و] استقلال ایران عزیز به دست ایرانی بقاء داشته باشد^۳ و تا آخرین نفس هم برای این هدف مقدس [به] پشتیبانی مصدق عزیز از جان و مال گذشته با استعمار مبارزه خواهیم کرد، اما متأسفانه عده‌ای ایادی بیگانه پرست همدست خویشاوندان شادلوهای جاسوس ۱. سلیمان روشن ۲. محمد روشن ۳. یوسفعلی فلاح ۴. حسین کوهستانی ۵. رجب ایرجی ۶. بهادر محمدی برای رضای خاطر اربابان انگلیسی^۴ خود به خوردن حقوق مردم که عادت آنها است در هر موقع علیه مظالم انگلستان میتینگ و تظاهرات به پیروی از مردم می‌نماییم همین آقایان علناً دست به اختلالگری مسلحانه زده که از احساسات مردم و اقدام ضدانگلیسی جلوگیری و کارشکنی کنند^۵ حتی [به] سارقین متشبث، وسیله آنان مردم را زجر و مرعوب می‌نمایند. از طرفی مأمورین محل را تحت تأثیر قرارداده عملیات آنان را نادیده بگیرند، به جای این‌که با طبقه خدمتگزاران دولت همکاری و محافظت کنند بدبختانه برای افراد ما وسیله آنان کلاه‌سازی و بدبختی مطابق دستور شادلوها فراهم می‌نمایند. مأمورین غلام‌وار [و] طاعت همدستان شادلوهای انگلیسی پرست را می‌نمایند. ما ملت فداکار هرچه فکر می‌کنیم نمی‌دانیم با این‌که صراحتاً از پیشرفت کار و اقدامات ضدانگلیسی ممانعت می‌شود^۶، باز چرا مأمورین به^۷ آنها کمک می‌کنند و خلاف کاری آنها را نادیده می‌گیرند. از آنها پشتیبانی نکرده جلوی کارهای خلاف آنها را بگیرند از دهان [؟] آنان زیاد است [که] با برنو و سی [و]

۱. در اصل: قائمی.

۲. در اصل: پیروی از منویات دولت ملی که خواسته ملت است پیروی نموده.

۳. در اصل: بقاء استقلال ایران عزیز به دست ایرانی و بقاء داشته باشد.

۴. در اصل: انگلیس. ۵. در اصل: کند.

۶. در اصل: می‌کند. ۷. در اصل: از.

دو تیرهای شخصی خود و تحریک سارقین می‌توانند جلو احساسات مردم را بگیرند همان طور که [در] میتینگ روز ۳۰ تیر به افراد ما حمله ور شدند به یاری خدا نتوانستند جلوگیری کنند. با توجه به عرایض بالا از روزنامه محترم جبهه آزادی تقاضا داریم با همکاری آقای حاجی ابراهیم حاتمی که برای نمایندگی سی تیر از طرف قاطبه اهالی مردم میلانلو و اسفراین در تهران می‌باشند جریان از نظر مبارک اولیای امور مرکزی بگذارند تا برای بعد تکلیف این جاسوس‌ها روشن گردد، زیرا برای روز رفراندوم ممکن است این اجنبی پرستان مشغول تحریکات شوند. تمنا داریم نتیجه عرایض ما را پیش از وقوع حادثه [به] وسیله روزنامه محترم و یا به هر طوری که صلاح است ابلاغ فرمایند و الا ناچاریم در صورت تکرار عملیات خائنین سینه خود را هدف گلوله قرار دهیم و مرگ را استقبال نماییم. انتظار جواب فوری داریم از طرف افراد کمیته موقت حزب ایران در اسفراین. جاوید باد ایران: کاهانی، نجفعلی، عبدالمحمد طاهری، محمد کاظمی، حسین کاظمی، حیدر، اسماعیل، پورمحمد، حسین حقانی، حاجی‌زاده، سهراب ابراهیمی، محمدرضا، حسن، مجتبی، علیرضا اکبریان، نیک محمد صفایی مردانی، رحمانی، اسدالله محمدپور، حقیقی، غلامحسین قره‌چورلو، رحیمی، حسین، باباعلی، قربان، ابراهیمی، علی رحمانی، اسماعیل‌زاده، اسماعیل صفری، ابوطالب، بداغ‌آبادی.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا، اول:] سابقه دارد ضمیمه شود.

[حاشیه بالا، دوم:] وزارت کشور. [۱۳۳۲]/۵/۱۷

[حاشیه بالا، سوم:] انتظامات.

[حاشیه بالا، چهارم:] آقای ثامن. [۱۳۳۲]/۵/۲۱

[حاشیه پایین:] بایگانی شود.

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۶۹۵۱

تاریخ: [۱۳۳۲]/۵/۱۵

[مهر:] ثبت کل وزارت کشور

شماره: ۵۵۵۱۶

تاریخ: [۱۳۳۲]/۵/۲۰

سند شماره ۷۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

[شماره] کتاب: ۲۵۶۳، از: اسفراین، به: تهرآن، شماره قبض: ۵۹، تعداد کلمه: ۴۷۲، تاریخ اصل: ۱۲، تاریخ وصول: ۱۳/۵/۳۲ [۱۳]

جناب آقای نخست وزیر محبوب، رونوشت وزارت کشور، رونوشت جبهه آزادی. ما اهالی و کشاورزان اسفراین که فرزندان این آب و خاک باستانی می‌باشیم وجدان [و] حق وطن خواهی به ما اجازه داده که همواره از دولت محبوب و قهرمان ملی استعمارشکن خود جناب آقای دکتر مصدق برای پیشرفت امور مملکت [و] خورد کردن استعمارچیان پشتیبانی خود را اعلام می‌داریم و از بدو زمامداری آن رهبر و قائد بزرگ ملت از عملیات نخست وزیر محبوب پیروی نموده از جان و مال و فرزندان خود در این راه مقدس گذشته همین طور که از اول مبارزه با استعمار برای هر گونه فداکاری خود را آماده کرده ایم [با] مخالفت سلیمان روشن و محمدخان روشن و فلاح و کوهستانی و رجب ایرجی که اقوام و نور چشم‌های شادلوها می‌باشند، همدستی و اغفالگری پیشرفت کار مملکت اظهر من الشمس است روپرو شده ایم [؟] مخالفتشان به جایی رسیده که روز ۳۰ تیر آقای حاجی محمدخان روشن و رجب خان ایرجی با چند نفر مسلح با حضور مأمورین انتظامی و حتی بازپرس شعبه دوم قوچان به ماها حمله نموده که ما نتوانستیم میتینگ ۳۰ [تیر] را برگزار نماییم که چند تا چوب هم بازپرس از آنها گرفت و جمعیت آنها را متفرق ساخت. چون آن روز نتوانستند جلو احساسات ما را بگیرند فقط چند نفر از ماها که عقب جماعت مانده بودند دستگیر کرده در خانه خود زندانی، مبلغی پول آنها را از دستشان گرفته رها کردند. از آن وقت شب و روز به قریه‌هایی که برای میتینگ

شرکت کرده‌اند مسلحانه رفته مردم را متواری، کتک [و] زجر می‌نمایند که باید^۱ از پشتیبانی دولت خودداری کنید. من جمله شب قبل، آقای سیاوش خان، جعفر امینی، نصرالله فلاح با عده [ای] چوب به دست و مسلح به قریه توی و چهار برج که محل سکونت این جانبان است برای دستگیری ماها آمده، چون مسلح بودند ناچار فرار نموده خانه خود را ترک کردیم. ناگزیر تعداد صد رأس گوسفند این جانبان را به سرقت بردند. محرمانه تعقیب گوسفند خودمان را نمودیم به قریه روق آباد بردند. ما از ترس دزدان مسلح آنها جرئت رفتن به خانه و جمع آوری محصول خود را نداریم. استدعا [ی] عاجزانه از جناب آقای نخست وزیر [داریم که] هر چه زودتر دستور رفع مزاحمت صادر فرمایند [تا] بیشتر از این متواری نشده بتوانیم به جمع آوری غله و محصول خود پردازیم. چنانچه به زودی وسیله آسایش ماها فراهم نشود محصول غله که نان یومیه ما است در بیابان مانده در نتیجه دست بچه [و] زن خود را گرفته به گدایی برویم. مراجعه به ادارات بجنورد جز بدبختی برای ما نتیجه ندارد زیرا تحت اوامر شادلوها کار می‌کنند. از طرف اهالی قریه توی [و] چهار برج: محمد امیدی، ابراهیم محمدی، قدرت الله قره‌چورلو، حسن زاده، عبدالوهابی، پرویز، ذبیح‌الله سلیمانی، اکبر، امیرخان مقدمی، عبدالمحمد غلام‌زاده، طالب شرفی، قربان، ولی، یارمحمد، غلام، محمد حسین زاده، جهانی، حسین، علی خادمی، عباس، رضاقلی، شاه‌رضا، حسین دارایی، سبزعلی، عباس، قربان، علی مقدم، علی شکوهی، سعادت قلی، رحمان قلی، عباس، غلامحسین احمدی، علی محمدی، موسی جان جعفری، رمضان کردخوئی، حسنتلی، میرزا محمدقربان، محمد، غلام، مشهد [ی] قلی عباسی.

[مهر: اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا، اول: سابقه دارد ضمیمه شود.

[حاشیه بالا، دوم: انتظامات.

[حاشیه بالا، سوم: وزارت کشور ۱۳۲/۵/۱۷]

[حاشیه بالا، چهارم: آقای ثامنی. ۱۳۲/۵/۲۱]

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۶۹۷۳

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۱۵

[مهر:] ثبت کل وزارت کشور

شماره: ۵۲۲۲۱

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۲۰

سند شماره ۷۷

دستور نخست وزیر به وزارت کشور در مورد نامه کریم سنجابی راجع به
اوضاع جنوب خراسان و اقدامات امیراسدالله علم علیه دولت

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره خصوصی: ۱۶۷۷۵

[تاریخ:] ۱۳۳۲/۵/۱۳

تاریخ پاک نویسی: ۵/۹

جناب آقای دکتر صدیقی وزیر کشور

جناب آقای دکتر سنجابی به عنوان دبیرکل حزب ایران گزارش شماره ۹۵۹ [مورخ]
۱۳۳۲/۵/۶] راجع به اوضاع جنوبی خراسان مرقوم داشته اند که رونوشت آن به ضمیمه
ارسال می گردد. خواهشمند است شخصاً در این [زمینه] تحقیقات لازم نموده و ظرف هفته
جاری این جانب را از اقدامی که معمول خواهند داشت مستحضر بفرمایید.

نخست وزیر

رونوشت برای اطلاع جناب آقای دکتر سنجابی فرستاده شود. نخست وزیر

[حاشیه راست:] رونوشت نامه را ضمیمه فرمایید. ۱۳۳۲/۵/۱۳

سند شماره ۷۷/۱

حزب ایران
کمیته مرکزی

تاریخ: [۱۳]۳۲/۵/۶

شماره: ۹۵۹

جناب آقای نخست وزیر

به طوری که از حزب ایران شهرستان بیرجند گزارش می دهند، آقایان اسدالله علم و خزیمه علم در نواحی جنوب خراسان مشغول تحریک و اغوای مردم ساده لوح و عناصر ناراضی می باشند که در مواقع حساس و بحرانی بر علیه دولت و نهضت ملی بلوا و آشوبی فراهم آورند. مخصوصاً مقارن با طرح استیضاح اقلیت در مجلس در حدود ۲۰۰ نفر از رعایا و طرفداران خود را به بیرجند آورده به این امید که در تهران دولت ملی آن جناب مواجه با مشکلات و خطراتی خواهد شد و آنان خواهند توانست در آن حدود انقلاباتی برپا ساخته، کشور را متشنج و دولت را ضعیف و ناتوان جلوه دهند. تصور می رود نقشه آنان جزئی از نقشه عمومی ایادی استعمار و اقلیت مجلس شورای ملی که در تمام ایران و به دست اشخاص مختلف طرح گردیده است که خوشبختانه توفیق خرابکاری و اخلال نصیب آنان نگردید.

مراتب را برای استحضار خاطر عالی به عرض می رساند تا مقرر فرمایند توجه دقیقی به وضع بیرجند و قاینات و عملیات ضد ملی آقایان علمها معمول دارند.

با عرض احترام

جاوید باد ایران

دبیر کل حزب ایران

[امضا: دکتر کریم سنجابی]

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۶۷۷۵

تاریخ: [۱۳]۳۲/۵/۱۴

سند شماره ۷۸

دستور نخست وزیری به وزارت دادگستری راجع به درخواست کریم سنجابی
(دبیرکل حزب ایران) درباره رسیدگی به مسأله قتل محمد کاظم زارع (کدخدای
روستای دهک شیراز)

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

[شماره: ۱۷۳۶۳]

تاریخ پیش نویس: ۱۳۳۲/۵/۱۹

خیلی فوری

وزارت دادگستری

عین نامه شماره ۱۰۶۶ [مورخ] ۱۳۳۲/۵/۱۷ جناب آقای دکتر سنجابی دبیرکل حزب
ایران راجع به قتل محمدکاظم زارع کدخدای دهک و تقاضای تعقیب مجرمین برای اطلاع به
پیوست ارسال می گردد. خواهشمند است دستور فرمایید با توجه به مفاد آن اقدامی که
مقتضی باشد معمول و نتیجه را اعلام فرمایند.

معاون نخست وزیر

جمال ملکوتی

رونوشت برای اطلاع جناب آقای دکتر سنجابی دبیرکل حزب ایران فرستاده می شود.

معاون نخست وزیر

جمال ملکوتی

سند شماره ۷۸/۱

[شیر و خورشید]
وزارت دادگستری
اداره دفتر کل وزارتی

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۲۴

شماره: ۲۴۳۵۵

مقام نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۱۷۳۶۳ [مورخ] ۱۳۳۲/۵/۱۹ متضمن نامه جناب آقای دکتر سنجابی دبیرکل حزب ایران راجع به قتل محمد کاظم زارع کدخدای دهک به استحضار می‌رساند که قبل از وصول نامه مزبور رونوشت جناب آقای دکتر سنجابی رسید و دستور رسیدگی به دادسرای شیراز صادر و به شکایت‌کنندگان و جناب آقای دکتر سنجابی نیز پاسخ مقتضی داده شده است.

از طرف وزیر دادگستری

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول]: سابقه. ۱۳۳۲/۵/۲۶

[حاشیه پایین، دوم]: ضمیمه شد. ۱۳۳۲/۵/۲۶

[حاشیه پایین، سوم]: به عرض جناب آقای معاون محترم رسید. ۱۳۳۲/۵/۲۷

[حاشیه پایین، چهارم]: ملاحظه شد، جمال ملکوتی. ۱۳۳۲/۵/۲۷

[مهر]: ورود به کابینه ریاست وزرا

نمره: ۱۷۷۴۲

به تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۲۶

سند شماره ۷۹

مکاتبه وزارت دارایی با اداره کل بازرسی نخست وزیری در مورد شکایت هیأت مبارز از اعمال نفوذ حزب ایران در تحمیل افراد مورد نظر خود به شرکت بیمه و شرکت های دولتی

[شیر و خورشید]

وزارت دارایی

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۲۲

شماره: ۲۲۳۰۳

پیوست: دارد

اداره کل بازرسی مخصوص نخست وزیری

عین مرجوعه شماره ۱۴۳۱۳ - ۱۳۳۲/۴/۲۶ [۱۳]، مبنی بر وضعیت استخدامی شرکت ها به ضمیمه اعاده و اضافه می نماید که نامه مزبور در وزارت دارایی اقدامی ندارد.

دفتر وزارتی

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول:] امروز به اداره کل دفتر نخست وزیری رسیده. ۱۳۳۲/۶/۲ [۱۳]

[حاشیه پایین، دوم:] ضبط است. ۱۳۳۲/۶/۲ [۱۳]

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزرا

تاریخ: ۱۳۳۲/۶/۲ [۱۳]

نمره: ۱۸۶۶۲

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۷۹/۱

جناب آقای نخست‌وزیر

اگر جناب عالی خواهان اصلاح هستید مقرر فرمایید به استخدام اشخاص بی سابقه و بازاری در شرکت‌های دولتی مانند شرکت بیمه و شرکت معاملات خارجی و غیره رسیدگی شود و آنهایی که با دستور زیرک‌زاده و حزب ایران تحمیل شده‌اند و هر ماه مبالغ هنگفتی حقوق می‌گیرند برکنار شوند و بر سرکار خود بروند و مدیران شرکت‌ها را در فشار نگذارند.

چرا شرکت‌ها مانند سایر وزارتخانه‌ها نباید روی اشل قانونی حقوق بدهند مگر شرکت‌ها چه گل بارانی کرده‌اند که باید حقوق‌های گزاف به افراد و هیأت‌های مدیره بدهند. یک کارمند سابقه‌دار خدمتگزار چه گناهی کرده است که با داشتن رتبه ۸ و ۹ و سی سال سابقه خدمت نصف بلکه ثلث یک نفر بازاری بی سواد جدیدالاستخدام ولی مورد حمایت امثال زیرک‌زاده و جلالی آخوند حقوق بگیرد. بفرمایید به امور کارگزینی شرکت‌ها رسیدگی شود تا حقایق معلوم گردد.

هیأت مبارز

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه راست، اول:] عیناً به وزارت دارایی فرستاده شود. [امضا: ناخوانا] [۱۳]۳۲/۴/۲۸

[حاشیه راست، دوم:] اداره کل کارگزینی. [۱۳]۳۲/۴/۳۱

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۴۳۱۳

تاریخ: ۱۳۳۲/۴/۲۹

[مهر:] ورود به دفتر وزارت دارایی

شماره: ۲۲۳۰۳

تاریخ: ۱۳۳۲/۴/۲۹

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۸۰

تلگراف عده‌ای از اهالی بیرجند به نخست وزیر (سپهبد زاهدی) در اعتراض به عملکرد حزب ایران در آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: بیرجند، به: [تهران]، شماره قبض: ۶۵، تعداد کلمه: ۳۳۹، تاریخ اصل: ۹، تاریخ وصول:

[۱۳۳۲]/۶/۱۰

جناب تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر محبوب از بدو تأسیس حزب ایران در بیرجند افرادی ماجراجو و خائن امثال محمد مهدی، غلامحسین ریاحی، مهدی سعیدی، حاجی ناصری، علی حسین آبادی، خامسان، سیدعلی و عده‌ای دیگر رهبری حزب را عهده‌دار بودند به نام پشتیبانی از دولت وقت از هیچ‌گونه فحش و ناسزا، تهمت و افترا، تهدید و تخویف چه [به] وسیله بلندگو و چه در مجالس حزبی و میتینگ‌های سیار [نسبت به] عموم اهالی بیرجند فروگذار نکرده که پرونده‌های متشکل در شهربانی و فرمانداری [و] دادگستری گواه صدق عرایضمان می‌باشد و حتی این افراد ماجراجو به قدری جسور شده بودند که از هیچ‌گونه هتاک‌ها به مقام شامخ سلطنت در ملاء عام و مجالس حزبی خودداری ننموده‌اند.^۱ متأسفانه دستگاه‌های دولتی هم با این‌که می‌دانستند نامبردگان چه عناصری^۲ هستند چون مرعوب بودند تا به حال به شکایت حقه هیچ یک از اهالی رسیدگی نشده است. فعلاً که بحمدالله در نتیجه قیام آن راد مرد بزرگ وضع اسفناک سابق سپری گردیده و مال و جان و ناموس مردم از

۱. در اصل: نموده‌اند.

۲. در اصل: و چه عناصری.

دست نرود، این غارتگران اجتماع محفوظ می‌باشند.^۱ با وجود شکایات مجدد باز هم رسیدگی به امروز و فردا برگزار و این عناصر وطن‌فروش از ادامه در منازل خود راحت و به ما بیچارگان که دو سال و نیم در تحت شکنجه و آزار آنها بوده‌ایم پوزخند می‌زنند. با عرض مراتب فوق از دولت آن جناب خواستاریم مقرر فرمایند مقامات مربوطه کماهو حقه به موضوع رسیدگی و این عناصر مفسده‌جو را به کیفر اعمال زشتشان برسانند و الّا بر ملت شاه‌دوست و وطن‌پرست نجیب خاندان خلی دشوار است که دو سال و نیم به سختی ناسزا نسبت به خود و مقدسات ملی بشنوند^۲ و فعلاً ببینند که همان افراد بدون این‌که پنجه قهر عدالت گلوی آنها را بفشرد آزادانه با خیال راحت به ریش یک ملت بیست هزار نفری بخرند. دکتر احمد، محمد ناصح، محمدرضا قنادان، سیدابراهیم ساوسی، محمدابراهیم مارالی، محمد ریاسی، ابوالقاسم، ملک‌علی رهبر، سیدهاشم سعادت، حسن سبزیان، محمدحسین خواجوی، باقر لطفی، منوچهر سپهر، رونقی، عبدالله‌زاده.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] وزارت کشور - بایگانی. ۱۳۳۲/۶/۱۰

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۱۰۹۳

تاریخ: ۱۳۳۲/۶/۱۰

۲. در اصل: بشنوید.

۱. در اصل: می‌باشد.

سند شماره ۸۱

تلگراف نماینده اتحادیه خراسان و جوانان اسفراینی به نخست وزیری راجع به تعقیب و دستگیری ابراهیم حاتمی (از رهبران حزب ایران) به اتهام قتل نصرت کوهستانی

[شیر و خورشید]
وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

از: مشهد، به: تهران، شماره قبض: ۳۰۴۸، تعداد کلمه: ۱۰۴، تاریخ اصل: ۱۳، تاریخ وصول:
[۱۳]۳۲/۶/۱۳

جناب آقای نخست وزیر، رونوشت تبلیغات: اخیراً مورخه [۱۳]۳۲/۶/۱۱ از رادیو تهران شنیدیم که ابراهیم حاتمی اسفراینی^۱ قاتل نصرت کوهستانی و لیدر حزب ایران که اکنون به تهران فراری است خود را دوست دار شاهنشاه [و] پشتیبان دولت معرفی [کرده] این خائنین شناخته شده از شهریور ماه ۲۰ تا به حال صدها پرونده خیانت و خلع سلاح^۲ ژاندارمری محل در ارتش و ژاندارمری حاکی و حالیه هم که مرتکب قتل شده و تحت تعقیب است. لذا این جانبان [او را] یک عنصر خائن به دولت معرفی و استدعای [صدور] اوامر مؤکد نسبت به تعقیب نامبرده را از دستگاه قضایی و ارتش خواستاریم. از طرف اتحادیه خراسان جوانان اسفراینی، بهشتی.

[مهر]: اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین]: وزارت دادگستری، بایگانی. [۱۳]۳۲/۶/۱۴

[مهر]: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۱۵۶۱

تاریخ: ۱۳۳[۲]/۶/۱۴

۲. در اصل: قلع سلاح.

۱. در اصل: اسفراآینی.

سند شماره ۸۲

تلگراف سیدزاده (کارمند دارایی ابهر) به نخست وزیری درباره اقدامات
اسفندیاری و کفیل بهداری ابهر در تقویت و پشتیبانی از حزب ایران

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۲۵۲، از: ابهر، به: ت[هران]، شماره قبض: ۱۳۵، تعداد کلمه: ۱۴۰، تاریخ وصول:
[۱۳۳۲]/۶/۱۶

جناب آقای نخست وزیر محبوب، کپیبه مقام وزارت کشور، کپیبه ژاندارمری کل تبریز، مقام
استانداری، کپیبه هنگ ژاندارمری، آقای سرگرد مدنی فرمانده گروهان به اتفاق دکتر
اسفندیاری و کفیل بهداری ابهر که از هرگونه پشتیبانی از حزب ایران فروگذار نبوده همیشه در
تقویت حزب فعالیت می نمایند. فعلاً که با توجه بندگان اعلی حضرت همایونی موقع انتقام این
قبیل خائنین است بنده به نام شاه دوستی از اعمال این دو عناصر متنفذ و در نتیجه برای ارباب
اهالی و خفه کردن احساسات آنها بنده را تهدید و جهت ترور از مأمورین ژاندارمری معین
نموده که جان و آزادی بنده در خطر می باشد. استدعای توجه فوری دارد. کارمند دارایی اهر
سیدزاده.

[مهر]: اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین]: وزارت کشور، بایگانی. [۱۳]۳۲/۶/۱۶

[مهر]: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۲۵۶۳

تاریخ: [۱۳]۳۲/۶/۱۷

سند شماره ۸۳

دستور نخست وزیری به وزارت کشور در مورد رسیدگی به شکایت خوانین و
عشایر لرستان از نماینده حزب ایران در آن استان

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۲۶/۶/۱۷ [۱۳]

شماره: ۲۲۳۹۹

وزارت کشور

عین تلگراف آقای حاجی روح الله قاضی زاده و عده‌ای دیگر از اهالی خرم‌آباد و محترمین و
عشایر لرستان مبنی بر شکایت از اعمال بی‌رویه مرتضی اعظمی که به وسیله جناب آقای
پورسرتیپ نماینده مجلس شورای ملی واصل گردیده برای رسیدگی و اقدام قانونی به پیوست
ارسال می‌شود.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

انصاری

رونوشت برای استحضار جناب آقای پورسرتیپ نماینده مجلس شورای ملی ایفاد می‌شود.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

انصاری

[امضا]

[حاشیه پایین:] اداره امور، آقای پورسرتیپ، به عنوان جناب آقای پورسرتیپ فقط جواب داده

شود نامه شما واصل [و به] وزارت کشور طی شماره...^۱ دستور داده شد. ۱۳۳۲/۶/۱۶

سند شماره ۸۳/۱

فتح‌الله پورسرتیپ
نماینده مجلس

[تاریخ: ۱۳۳۲/۶/۱۲]^۱

جناب آقای نخست‌وزیر

احتراماً به عرض می‌رساند: تلگراف پیوست^۲ از جانب آقایان بازرگانان و محترمین و خوانین عشایر لرستان است که [به] وسیله بنده معروض داشته و نسبت به اعمال مرتضی اعظمی نام که در لرستان به دستور دولت سابق و مهندس زیرک‌زاده [از اعضای] حزب منفور ایران [که] از هیچ‌گونه رذالتی خودداری ننموده و در تظاهرات روز ۲۵ مرداد نیز علیه مقام شامخ سلطنت در طی سخنانی جسارت‌ها کرده و تمثال مبارک شاهنشاه را نیز پاره نموده است ابراز تنفر و تعقیب نامبرده را تقاضا نموده‌اند. منوط به رأی عالی است.

ارادتمند

[امضا: فتح‌الله پورسرتیپ]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۲۳۹۹

تاریخ: ۱۳۳۲/۶/۱۷]

۲. تلگراف مذکور در پرونده نبود.

۱. در اصل: ۳۱/۶/۱۲ بود.

سند شماره ۸۴

مکاتبه مدیر عامل شرکت سهامی کارخانجات قند ایران با سازمان برنامه
راجع به پیگیری شکایت مهندس ناصح از مهندس قائم مقامی به اتهام دزدی و
وابستگی به حزب ایران

[شیر و خورشید]

سازمان برنامه

اداره دفتر سازمان برنامه

به اعاده دو فقره تلگراف مرجوعه موضوع گزارش آقای مهندس ناصح علیه آقای مهندس
قائم مقامی^۱ اشعار می دارد که موضوع به شرح نامه شماره ۱۳۹۵۵ مورخ ۱۳۲۶/۶/۱۷ [۱۳] که
رونوشت [آن] ضمیمه است جهت رسیدگی به ادعای شاکی و به آدرسی که تعیین کرده بود
ابلاغ و طبق گزارش مأمور مربوطه اصولاً چنین شخصی در کوچه فلاح شناخته نشده و حتی
کاشی شماره ۲۹ نیز در کوچه مذکور وجود ندارد و نام شاکی که به طور قطع مغرض بوده
مستعار و آدرس نیز مجهول می باشد.

مدیر عامل شرکت سهامی کارخانجات قند ایران

مهندس ایروانی

سند شماره ۸۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۱۱۲، از: شهری، شماره قبض: ۱۳۷۸۵۸، تعداد کلمه: ۶۴، تاریخ اصل: ۱۱،
تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۶/۱۱

تهران، تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر، رونوشت سازمان برنامه جناب آقای مهندس شریف امامی، شورای عالی هیأت نظارت دادگستری، جراید: شاهد، داد، به منظور اصلاح دستگاه‌های اقتصادی و طرد اشخاص ناصالح تقاضای برکناری و تعقیب مهندس قائم مقامی که پرونده دزدی شاه آباد و کهریزک او در دادگستری موجود و با زد و بند کردن با حزب ایران فعلاً دارای سه شغل در شرکت قند می باشد داریم. مهندس ناصح
[مهر:] اداره تلگراف تهران

نشانی: خیابان ژاله، کوچه فلاح، شماره ۲۹

[حاشیه:] سازمان برنامه، بایگانی. ۱۳۳۲/۶/۱۴

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۱۵۲۱

تاریخ: ۱۳۳۲/۶/۱۴

سند شماره ۸۴/۲

[شیر و خورشید]

سازمان برنامه

[تاریخ: ۱۳/۳۲/۶/۱۷]

[شماره: ۱۳۹۵۵/ق]

آقای مهندس ناصح

عطف به تلگراف شهری خدمت تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر و سازمان برنامه اشعار می‌دارد چون شرکت سهامی کارخانجات قند همواره علاقه‌مند بوده و هست که از وجود کارمندان صحیح‌العمل و درستکار استفاده نماید و در مورد شخص مورد نظر شما هم جز این که رئیس حسابداری وقت کارخانه قند کهریزک اتهام تقسیم قند بدون مجوز بین کارکنان غیره به او وارد نموده عمل خلاف و نادرستی از او مشاهده نشده و از طرفی این شخص اصولاً از هرگونه حزب و دسته‌بندی بری بوده و طبق سوابق امر تاکنون در هیچ یک از احزاب عضویت نداشته است. لذا چنانچه شما اطلاعات و مدارکی از او در دست دارید خواهشمند است یا شخصاً در هیأت مدیره شرکت قند حاضر شده و توضیحات خود را کتباً مرقوم داشته و یا این که مشروحاً^۱ با ذکر دلیل [به وسیله پست سفارشی ارسال داشته تا مورد رسیدگی دقیق قرار داده شود.

شرکت سهامی کارخانجات قند ایران

۱. در اصل: حزائب.

۲. در اصل: مشروحاً.

سند شماره ۸۵

گزارشی در زمینه نفوذ عناصر هوادار حزب ایران و حزب توده در اداره کل درآمد و موقعیت و منصب هرکدام از آنها

[تاریخ: ۱۳۲۲/۶/۳۲]

جناب آقای امینی وزیر محترم دارایی

پس از تقدیم احترامات فائمه، چون قیام ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ برای ریشه کن کردن نفوذ اجانب بوده و دولت دائماً به وسیله مبلغین دینی و ملی برای مبارزه در این قسمت سخنرانی می‌کند. لذا جایز می‌داند شمه‌ای از وضع رؤسای ادارات و قسمت‌ها و بخش‌های تابعه پیشکاری سابق اداره کل درآمدهای فعلی را که به وسیله آقای کی‌استوان تعیین شده‌اند به عرض برساند.

چون آقای خطاطان در این محیط تازه وارد بوده و بیشتر مورد اغفال آقای محمد انتخابی دزد معروف شده است، لذا افراد پروپا قرص و کاملاً محرز و مسلم حزب توده و حزب ایران را با اخذ حق حسابی جا زده و حکم ریاست اداره آنها را از اداره‌ای به اداره دیگر در اداره کل درآمد صادر نموده‌اند و این عمل خود مخالفت جدی با دولت فعلی است. زیرا خود آقای انتخابی معاون پیشکاری آقای کی‌استوان و معاون فعلی اداره کل درآمد مسلماً اتباع خود را به هر عنوانی بوده نگاهداری کرده و به نحو اولیه به کار خود ادامه می‌دهد و کسانی که در زمان کی‌استوان و دولت سابق رکاب نداده‌اند و عضویت یکی از دو حزب مزبور را ندارند برکنار می‌کنند. ما معتقد هستیم کلیه رؤسا و معاونین دوره حکومت سابق باید عوض شوند تا وضع اداری به میل دولت کار کند. کما این که آنهایی که متکی به احزاب خیانت پیشه هستند [به] وسیله امثال انتخابی ابقاء و آنهایی که با طریق رفاقت آمده‌اند و سبیل آقای انتخابی را بموقع چرب نکرده‌اند برکنار شوند و اسمش را اصلاحات اداری بگذارند.

این اشخاص عبارتند از:

۱- آقای خطیبی لیدر توده‌ای‌های اداره کل درآمدها ارتقاء مقام پیدا کرده‌اند و به ریاست اداره منصوب شدند که همه وزارتخانه این شخص را می‌شناسند و فرماندار [نظامی جلب و بعداً مرخص نموده.

- ۲- آقای صفایی توده [ای] سابق، حزب ایرانی فعلی، رفیق دکتر سنجابی ارتقاء مقام پیدا کردند به معاونت بازرسی.
- ۳- شاهزاده سیفی معاون دفتر اداره کل درآمد عضو پان ایرانیست که ده پانزده روز قبل عکس شاه را کنده بیش از ۵ تا عکس مصدق را بالای سرش نصب و حکومت قاجار را خواستار بود ابقاء شد.
- ۴- کمالی رئیس دفتر اداره کل درآمد عضو حزب ایران ابقاء شد.
- ۵- حسین ضرابی به ریاست بازرسی ارتقاء [یافته] عضو حزب ایران و بوقلمون صفت [است] هر حزبی هر دسته‌ای توفیق حاصل نمود در آن جا پلاس است، به قول خودش رند است.
- ۶- کریم طوسی معاون درآمد مقطوع عضو حزب ایران از مخالفین سرسخت دولت فعلی و هنوز تبلیغ محرمانه می‌کند.
- ۷- بحرینی رئیس امور عمومی عضو حزب ایران ابقاء [شد].
- ۸- آقای سمنانیان معاون امور عمومی، عضو حزب ایران ابقاء [شد].
- ۹- اشرفی عضو حزب توده ابقاء [شد].
- ۱۰- آقای رجایی از رفقای عزیز کی‌استوان عضو حزب ایران از مخالفین جدی شخص شاه رئیس مقاطعه کاران.
- ۱۱- علی‌اکبر ضرابی رئیس کارگزینی، عضو حزب ایران.
- ۱۲- آقای مهاجر رئیس کارپردازی، عضو حزب توده.
- رؤسای بخش‌ها و قسمت‌ها هم اغلب به وسیله همین رؤسا از افراد حزب توده [و] حزب ایران [و] پان ایرانیست تعیین شده. آیا دولت فعلی می‌تواند با وجود این قبیل رؤسا اصلاحات لازم را بنماید و علت اصلی نگاهداری آقای انتخابی در این دستگاه تیمسار بازنشسته ضرابی است که خیلی رفیق هستند از هیچ‌گونه عمل خلافی خودداری نمی‌کند. باقی منوط به نظر مبارک است.

[امضا: محمدزاده]

رونوشت جهت استحضار مقام معظم نخست‌وزیر تقدیم می‌شود.

[حاشیه بالا، اول]: به عرض برسد. عصر ۱۳۳۲/۷/۸

[حاشیه بالا، دوم]: عیناً به عرض رسید. ۱۳۳۲/۷/۱۱

[حاشیه راست]: اصل آن‌که به وزارت دارایی رفته امضا هم گویا متفاوت است. بایگانی شود.

[امضا: ناخوانا] ۱۳۳۲/۷/۱۱

سند شماره ۸۶

نامه عده‌ای از اهالی تويسرکان به نخست وزيری در شکایت از اعمال نفوذ حزب ایران در تعیین شهردار و انجمن شهر تويسرکان و سوءاستفاده از اعتبارات شهرداری

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: تويسرکان، به: ت[هران]، شماره قبض: ۴۹، تعداد کلمه: ۲۷۷، تاریخ اصل: ۱۸، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۷/۱۸

جناب آقای نخست وزير، رونوشت وزارت کشور، رونوشت امور شهرداری‌ها. قریب سه سال و نیم است که انجمن شهر تويسرکان که نمایندگان آن اکثراً^۱ وابسته به حزب ایران بودند و با اعمال نفوذ و پشتیبانی وکلای حزبی انتخاب و نماینده حقیقی مردم نبوده و به این شهر تحمیل شده^۲ از کلیه اعتبارات و بودجه شهرداری وصول [و از سوی] شهردار انتخابی انجمن سهراب حق شناس^۳ مخصوصاً در یک سال اخیر معلوم نیست به چه مصرف رسیده، وضع آب، بهداشت، نظافت و نان و گوشت شهر به نحوی^۴ رقت بار [و] اسف آور [است] که هر بیننده تازه‌واردی که [به] تويسرکان [بیاید و] [این موضوع [را] به رأی عین دیده جای شک و تردیدی باقی نخواهد ماند و گواهی خواهد داد که انجمن و شهردار که حتی یک قدم به نفع شهرستان

۱. در اصل: از اکثر.

۲. در اصل: نماینده حقیقی نبوده و مردم به این شهر تحمیل شده.

۳. در اصل: سهراب حق شناس.

۴. در اصل: نحویل.

برنداشته‌اند در مقابل شهرداری [را] پایگاه مخالفت^۱ با ملیون و شاه‌پرستان قرار داده و با اعتبار شهرداری از هیچ‌گونه مخالفت فروگذار نکرده‌اند و در این مدت سه سال همه روزه که شکایت از شهرداری و شهردار کردیم روی اعمال نفوذ و پشتیبانی وکلای حزب ایران در مرکز هیچ مقامی به شکایات ما ترتیب اثری نداده در این موقع که به یاری خدا قیام ۲۸ مرداد به کلیه عملیات خائنانه خاتمه داده و دولت قانونی تیمسار معظم زاهدی تحت توجهات شاهنشاه محبوب سر کار آمده استدعای عاجزانه [می]‌نماییم با توجه به فرمایشات ملوکانه که کار شهرها به خود اهالی واگذار شود، مزاحمت انجمن تحمیلی و شهردار انتصابی حزب ایران را که مدت سه سال و نیم کوچکترین قدمی برای اصلاح این شهر برداشته از سر یک مشت مردم فقیر این شهر شاه‌دوست کوتاه و اجازه دهید در این موقع که بحمدالله امنیت کامل حکم‌فرما است انتخابات انجمن شهر تجدید و یک نفر بازرس مورد اعتماد برای رسیدگی به صدق عرایض به وضع خلاف‌کاری انجمن و شهردار اعزام فرمایید. حاجی سگوند، حاج عیسی‌بیگ، نعمت‌الله اکبری، قاسم قمری، نصرالله کرمی، فضل‌الله اکبری، علی‌آقا سگوند، علی‌اصغر اسماعیلی، شمس‌علی اسماعیلی، احمدوند، علی سلیمانی، رحمت‌الله اکبری، سیف‌الله‌خان، محمود اسدی، علی اصغر کلانتری، نعمت‌الله جمشیدی، حبیب‌الله جادولی، محمود، محمدصادق دباغی، محمدآقا دباغی، قبادیان، بیات، رحمت‌الله کیانی، حاجی اسماعیل صابونی، مجتبی سلیمی، حسین ثابت، غفار سگوند، خداداد، خدابخش، هوشنگ سگوند.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] وزارت کشور، بایگانی. ۱۳/۳۲/۷/۱۹

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۶۷۹۹

تاریخ: ۱۳/۳۲/۷/۱۹

سند شماره ۸۷

دستور نخست وزیری به شهربانی کل کشور راجع به رسیدگی به عریضه دو تن از مردم خوانسار درباره نفوذ حسین معظمی و سایر عناصر حزب ایران در مراکز تصمیم‌گیری

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره عمومی: ۲۳۵۰/۴

تاریخ ثبت: [۱۳]۳۲/۸/۲۷

محرمانه

شهربانی کل کشور

حسب‌الامر جناب آقای نخست‌وزیر

رونوشت نامه شماره ۴۳۳ [مورخ] [۱۳]۳۲/۸/۲۶ دفتر مخصوص شاهنشاهی و عین دو برگ ضمیمه آن به پیوست فرستاده می‌شود. خواهشمند است با توجه به مفاد آن در این خصوص تحقیقات لازم به عمل آورده و نتیجه را ضمن اعاده عین مرجوعه اعلام فرمایید تا به عرض معظم‌له برسد.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

سرتیپ دادور

[امضای پیش‌نویس: خاوری] [۱۳۳۲]/۸/۲۷

سند شماره ۸۷/۱

[تاریخ: ۱۳۳۲/۸/۲۶]

شماره: ۴۳۳

محرمانه

تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر

از خوانسار عریضه به امضای هدایت زهرایی و اسماعیل^۱ ضیایی راجع به مسامحه دولت دربارۀ تنبیه متجاوزین دورۀ سابق و ابقای حسین معظمی در مستشاری دیوان کشور با صورت تلگرافاتی تقدیم داشته‌اند که عین عریضه و ضمیمه آن برحسب فرمان مبارک برای اطلاع لفاً ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا: رحیم هیراد]

[حاشیۀ پایین: شهربانی کل در این خصوص تحقیقات کرده و گزارش بدهند.

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۲۳۵۰/۴

تاریخ: ۱۳۳۲/۸/۲۵]

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۱

سند شماره ۸۷/۲

[تاریخ: ۱۳۳۲/۷/۱]

پیشگاه مبارک اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه
نویسندگان^۲ این سطور کسانی هستند که در دستگاه حکومت مصدق السلطنه و اعوان و

۲. در اصل: نویسنده گان.

۱. در اصل: اسمعیل.

انصارش پرونده قطوری دارند و اخیراً تصمیم قطعی برای امحاء ما گرفته شده بود و خدا نخواست و طراحان این نقشه شوم خود محکوم به فنا شدند. در این شهرستان مردم از ترس دکتر معظمی ایمنی ندارند ولی از حکومت جدید تعجب داریم که چرا در محاکمه و مجازات عناصری که کار این ملت را تا این جا کشانده اند مسامحه کرده و یا اصلاً مداخله نمی‌کند. من باب مثال دکتر معظمی را نه فقط آزاد گذارده و نه فقط مهندس معظمی را که به توصیه برادر وکیلش مصدق السلطنه وزیر کرده بود آزاد کرده بلکه حسین معظمی مستشار انتصابی دکتر مصدق و یارانش را در دیوان عالی کشور مجدداً به همان سمت وارد کار کرده است و با این ترتیب به قدری یأس و نومیدی مردم این حوزه را فرا گرفته که حتی تصور آن هم مشکل است. مردم خوانسار و گلپایگان برای طرد عمال بیگانه دو سال تمام علی‌الودام مبارزه کردند و از همه زودتر به نیات و نقشه‌های دکتر مصدق و اعوان و انصارش [در] حزب ایران و نیروی سوم و دکتر معظمی و رفقا پی‌بردند و حالیه مشاهده می‌کنند که باز هم آقایان به ریش این ملت می‌خندند. اعلی‌حضرتا اگر جناب تیمسار سپهبد زاهدی امور خصوصی و خویشاوندی و رفاقت را خدای نکرده در امور مملکت و ملت مداخله دهد همین خویشاوندان و دوستان و رفقا با آن کارهایی که بر سر دکتر مصدق آوردند بهتر نخواهند کرد و آورد و ما به نام یک فرد ایرانی و وطن‌پرست و طرفدار رژیم مشروطه استنباطات خود را حسب وظیفه به عرض اقدس شهرباری می‌رسانیم و برای اطلاع ذات همایونی رونوشت متن نامه شماره ۳۸۳۴ [مورخ] ۱۳/۳۰/۹/۲۳ حزب ایران و تلگراف ۳۸۲۹ [مورخ] ۱۳/۳۰/۹/۲۳ حزب ایران و تلگراف شماره ۸۳۰ [مورخ] ۱۳/۳۰/۱۲/۱۵ حزب ایران را به پیوست تقدیم و متحیریم که چه شده این باند خطرناک همه جا نه فقط چیزی بدهکار نیستند بلکه هر روزی [بلایی] به سر مملکت می‌آورند و جنایت و خیانتی مرتکب می‌شوند، باج سبیل و دست مریزاد هم می‌گیرند و این عرایض را صرفاً از نظر علاقه [به] مملکت و مصالح خانه ملت که اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی مظهر و مرجع آن می‌باشند می‌نماییم، مگر مصدق حامی این آقایان نبوده و همیشه مشاورش نبودند و مگر این آقایان طرفدار جدی مصدق و کارهایش نبودند و بالاخره مگر همین دکتر معظمی سه وزیر در کابینه مصدق نداشت و بالاخره هم با اعمال قدرت مصدق رئیس مجلس نشد و اینک هم در حکومت تیمسار سپهبد زاهدی به جای محاکمه مستشار دیوان کشور می‌شوند.

هدایت زهرایی [امضا]

اسماعیل ضیایی [امضا]

فدویان از خوانسار

سند شماره ۸۷/۳

[تاریخ: ۱۳۳۰/۹/۲۳]

[شماره: ۳۸۳۴]

هیأت اجرائیه حزب ایران خوانسار

در بخشنامه تذکر داده شده بود که شعب حزبی نظریات خود را درباره اوضاع انتخابات و کاندیداهای محلی خود به کمیته مرکزی گزارش دهند ولی متأسفانه شنیده شده آن شعبه از این دستور پا فراتر نهاده و شروع به عملیاتی بر ضد آقای دکتر معظمی نموده است و با وجود تذکراتی که داده شده آن اقدامات همچنان ادامه دارد. برای آخرین بار به آن هیأت اجرائیه یادآور می‌شود که اختلافات محلی را فدای مصالح مملکتی نموده^۱ از این اقدامات دست بردارند، بدیهی است در صورتی که بدین دستور عمل نشود هیأت اجرائیه معزول خواهد شد.

دبیرکل حزب ایران

مهندس زیرک‌زاده

از تهران تلگراف به خوانسار - حزب ایران خوانسار به طوری که تذکر داده شد مخالفت با آقای دکتر معظمی به صلاح کشور نیست. ۳۸۲۹ [مورخ] ۱۳۳۰/۹/۲۳

دبیرکل حزب ایران

مهندس زیرک‌زاده

تلگراف از تهران به خوانسار:

حزب ایران به سبب تخلف از دستور کمیته مرکزی بدین وسیله تعطیل تشکیلات شعبه خوانسار حزب ایران را اعلام می‌دارد. کسانی که هنوز مایل به ادامه عضویت در حزب ایران باشند می‌توانند مراتب را به تهران اطلاع دهند تا ترتیب کار آنها توسط سازمان کل داده شود. جاوید باد ایران، از طرف دبیرکل حزب مهندس علیقلی بیانی ۱۳۳۰/۱۲/۱۵ - ۸۳۰

دستور کمیته مرکزی همان نامه شماره ۳۸۳۴ [مورخ] ۳۰/۹/۲۳ [۱۳] و تلگراف ۳۸۲۹ [مورخ] ۳۰/۹/۲۳ [۱۳] بوده. همه جا با هم و همه وقت حامی همدیگر ولی حالا زیرک زاده که آلت دست دکتر معظمی بوده خائن است ولی خود دکتر معظمی و برادرانش پاک و پاکیزه و شایستگی عضویت دیوان عالی کشور (مستشاری) را دارد ولی ما معتقدیم هر دو از یک جنس و یک قماشند و دلیل کافی هم برای اثبات داریم.

سند شماره ۸۷/۴

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهریانی کل کشور

ضمیمه: دارد

محرمانه

اداره اطلاعات

تاریخ: ۳۳/۲/۲۵ [۱۳]

شماره: ۵/۵۲۴

ریاست کل دفتر نخست وزیر

عطف به نامه شماره ۲۳۵۰/۴، ردیف ۲ [مورخ] ۳۲/۸/۲۷ [۱۳] با اعاده دو برگ مرجوعه‌های ارسالی به استحضار می‌رساند: طبق گزارش شهریانی گلپایگان مستند به نامه فرمانداری محل مقصود شاکیان از تقدیم مشروح عمران و آبادی خوانسار بوده که در حدود امکان اقدامات لازم به عمل آمده است.

از طرف رئیس شهریانی کل کشور

درخشانفر

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. [امضا: ناخوانا] ۳۳/۲/۲۵ ۱۳۳۳]

[حاشیه پایین، دوم:] سابقه ضمیمه شد. [۱۳]۳۳/۲/۲۶
[حاشیه پایین، سوم:] اشتباهاً باز شده مربوط به شهربانی کل است. [امضا: ناخوانا]
۱۳۳۳/۲/۲۶

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۳۰۳/۴

تاریخ: [۱۳]۳۳/۲/۲۶

سند شماره ۸۸

مکاتبه نخست وزیری با ستاد ارتش در مورد رسیدگی به عریضه علی
حسنزاده غفاری و پاسخ ستاد ارتش در مورد سوابق وابستگی وی به حزب
ایران

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۳۳۶۴۹

تاریخ: [۱۳]۳۲/۹/۲۹

ستاد ارتش

عین دو فقره نامه‌های^۱ علی حسنزاده غفاری از لنگرود به پیوست فرستاده می‌شود. مقتضی
است نسبت به مطالب آن رسیدگی و اقداماتی که لازم است معمول و نتیجه را اطلاع دهند.

نخست وزیر

۱. نامه‌های یادشده در پرونده موجود نبود.

سند شماره ۸۸/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دفاع ملی

از: اداره ستاد ارتش
 به: جناب آقای نخست وزیر
 شماره: ۲۰۸۵۱
 درباره مفاد نامه آقای علی حسن زاده بازگشت به شماره ۳۳۶۴۹ [مورخ] ۱۳/۳۲/۹/۲۹
 دایره: رکن ۲ شعبه ۷
 [تاریخ: ۱۳/۳۲/۱۱/۲۸]
 محرمانه، مستقیم

برابر گزارش تیپ مستقل رشت نامبرده سابقاً با حزب ایران همکاری داشته ولی فعلاً با طرفداران حزب مزبور رابطه خوبی ندارد، علی‌هذا رونوشت دو فقره گزارشات تیپ مورد بحث برای مزید استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد.

وزیر دفاع ملی

[امضا: عبدالله هدایت]

[حاشیه پایین، اول:]: پیشینه. ۱۳/۳۲/۱۲/۱

[حاشیه پایین، دوم:]: سابقه ضمیمه شد. ۱۳۳۲/۱۲/۲

[حاشیه بالا:]: اقدامی ندارد. ۱۳/۳۲/۱۲/۲

[مهر:]: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۴۱۸۸۲

تاریخ: ۱۳/۳۲/۱۲/۱

سند شماره ۸۸/۲

[از:] تیپ مستقل رشت
 [به:] تیمسار ریاست ستاد ارتش
 دربارہ: علی حسن زاده
 [تاریخ:] ۱۳۳۲/۱۰/۲۱
 شماره: ۱۳۳۶۹

بازگشت به شماره ۷/۱۷۱۵۹ [مورخ] ۱۳۳۲/۱۰/۶ آقای علی حسن زاده قبلاً هم شرحی به تیپ تسلیم نموده بود که چون به طور کلی اشاره به خائنین کرده بود از وی خواسته شد در صورتی که از شخص یا اشخاص بخصوص اطلاعاتی دارد در اختیار تیپ بگذارد، تا این تاریخ پاسخی نداده است. ضمناً راجع به فعالیت حزب ایران در ننگرود و حومه تیپ کمال مراقبت را دارد و فعالیت قابل ملاحظه‌ای دیده نشده است. در خاتمه عین مرجوعه به پیوست تقدیم می‌گردد.

فرمانده تیپ مستقل شمال - رشت

سرتیپ قرنی

[مهر:] ستاد ارتش، شعبه چهارم رکن دوم

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۸۸/۳

[از:] تیپ مستقل رشت
 به: تیمسار ریاست ستاد ارتش
 دربارہ: علی حسن زاده
 [تاریخ:] ۱۳۳۲/۱۱/۷
 رکن ۲ شعبه ۱
 شماره: ۱۵۱۷۳
 محرمانه، مستقیم

بازگشت به شماره ۷/۱۹۵۱۵ [مورخ] ۱۳۳۲/۱۰/۳۰ مجدداً در تاریخ ۱۳۳۲/۱۱/۳ گزارشی از طرف شخص نامبرد بالا به تیپ واصل و اطلاعاتی داده بود که خلاصه آن شاید از

نظر اشخاصی که دور از این منطقه بوده و بخواهند وضع کلی لنگرود را مطالعه کنند بی‌فایده نباشد. لیکن برای تیپ که در جریان اوضاع می‌باشد و اطلاعات کافی از هرگونه وقایع و اقدامات دارد چندان قابل اهمیت نیست. مع‌ذلک روی اطلاعاتی که این شخص می‌دهد بررسی و با سایر اطلاعات واصله مطابقت و در تفسیر و تقویم آنها اقدام و بهره‌برداری می‌شود. آن چه به نظر می‌رسد این است که نامبرده بخصوص با طرفداران حزب ایران (که خود نیز سابقاً با آنها همکاری داشته فعلاً رابطه خوبی ندارد) و تمام گزارشات او هم در زمینه تعقیب و دستگیر[ی] آنها تهیه می‌شود. همان طوری که به عرض رسید با بهره‌برداری از جمیع اطلاعات واصله، اشخاصی که مستحق تعقیب باشند دستگیر و تحت تعقیب قرار گرفته و خواهند گرفت.

فرمانده تیپ مستقل رشت

سرتیپ قرنی

[مهر:] ستاد ارتش، شعبه چهارم، رکن دوم

رونوشت برابر اصل است. [امضا]

سند شماره ۸۹

نامه نمایندهٔ بازبینی قطارهای مسافربری به نخست وزیری در مورد اعمال نفوذ عناصر وابسته به حزب ایران در امر مأموریت بازبینی قطارهای مسافری

[شیر و خورشید]

وزارت راه

بنگاه راه‌آهن دولتی ایران

پیوست: دو برگ

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۰/۱۰

مقام محترم نخست‌وزیر

با نهایت توقیر و احترام ضمن تقدیم یک نسخه از گزارش ارسالی به حسابداری راه‌آهن

به منظور استحضار آن مقام معظم از جریانات امر به عرض می‌رساند که اولیای راه‌آهن به جای آن‌که نسبت به تقاضای حقه یک عده از کارمندان قدیمی و زحمتکش خود که از مردادماه ۳۱ به علت شاه‌دوستی و وطن‌پرستی و زیر بار نرفتن دستورات عده‌ای خائن و بی‌وطن از مشاغل خود برکنار و یک عده اشخاص مورد نظر وابسته به حزب ایران و مؤتلفین آنها که به جای این‌جانبان به کارگماشته‌اند رسیدگی و نسبت به طرد عناصر مشکوک اقدام نمایند. متأسفانه دستوری ضمن شماره ۱/۱۲۲۱۹ [مورخ] ۱۳/۳۲/۹/۲۴] که رونوشت آن به پیوست تقدیم می‌گردد^۱ صادر می‌نماید که بازیبن‌هایی بایستی با قطارها اعزام شوند که تا شهریور ماه ۱۳۳۲ فرستاده می‌شده‌اند. یعنی همان عده معدود که تا قبل از شهریور ماه ۱۳۳۲ [۱۳]۳۲ با قطار اعزام و دستورات و اوامر حزبی خود را انجام و به نفع بیگانه پرستان مشغول فعالیت بوده‌اند، انتخاب و اعزام نمایند.^۲ لذا از آن مقام معظم استدعای عاجزانه دارد در این مورد بذل عنایت و توجه مخصوص مبذول فرموده و امر به ابلاغ فرمایند تا حقوق حقه یک عده از کارمندان قدیمی که جز شاه‌دوستی و میهن‌پرستی شعاری نداشته و ندارند بیش از این تضییع نگردد.

با تقدیم احترامات فائقه

نماینده بازیبن‌های قطارهای مسافربری

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین]: وارد دفتر و اعاده فرمایید. [امضا: ناخوانا] ۱۰/۱۰/۱۳۳۲]

مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳/۳۲/۱۰/۱۰]

شماره: ۳۴۵۱۹

۲. در اصل: نمائید.

۱. نامه مذکور در پرونده نبود.

سند شماره ۸۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت راه

بنگاه راه‌آهن دولتی ایران

ریاست محترم اداره حسابداری کل

محترماً به عرض می‌رساند: این‌جانبان طبق نظر و تشخیص کمیسیون عالی رؤسای نواحی راه‌آهن و به موجب ابلاغ شماره ۳۵۶۱۴/م [مورخ] ۱۳/۲۶/۶/۱۴ از تاریخ مذکور به سمت بازبین قطارهای مسافری تعیین و با آن‌که پس از آن تاریخ کمیسیون‌های متعددی به منظور رسیدگی به وضعیت بازبین‌ها تشکیل و تغییراتی در بازبین‌ها حاصل می‌شد مع‌هذا طبق برنامه‌های موجوده تا آخر تیرماه سال ۱۳۳۱ به مأموریت بازبینی قطارهای مسافری اعزام و انجام وظیفه می‌نمودیم، در این تاریخ به علت عدم همکاری با احزاب مختلفه و مخصوصاً حزب ایران که نفوذ بی‌حدی در کلیه شئون راه‌آهن نموده بود^۱ و این‌جانبان نیز از پذیرش عضویت آن خودداری نمودیم لذا نام این‌جانبان را از برنامه قطارها از مردادماه ۳۱ حذف و اشخاص مورد نظر وابسته به دستجات مختلف را که اغلب واجد شرایط طبق آیین‌نامه نبوده‌اند به جای این‌جانبان تعیین نمودند.

خوشبختانه پس از گذشت^۲ یک سال و چند ماه از تاریخ فوق (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و پیدایش قیافه حقیقی اولیای محترم راه‌آهن و کارمندان مربوطه در مهرماه سال ۱۳۳۲ بتدریج از کارمندان قدیمی استفاده و در آذرماه که بعضی از این‌جانبان فقط یک یا دو مرتبه به مأموریت رفتیم مجدداً بدون هیچ‌گونه قصور و تقصیری از اعزام ما خودداری و به جای ما همان آقایان که بدون هیچ‌گونه آشنایی به امور قطار و مواد آیین‌نامه‌های مربوطه استفاده و اعزام گردیده‌اند.

در این موقع که سیاست کلی دولت ایجاب به طرد عناصر فعال دستجات غیرملی سابق

۱. در اصل: رخنه نموده بود.

۲. در اصل: گذشتن.

می‌باشد، دلیلی در دست نیست که در راه‌آهن همان عناصر مجدداً به کار منصوب و جای افرادی را که هیچ‌گونه فعالیت و وابستگی مشکوکی نداشته و جز انجام وظیفه تقصیری ندارند اشغال نمایند. بنابراین با عرض مراتب فوق استدعای رسیدگی فوری و تجدید نظر در انتخاب بازیین‌های قطارهای مسافری که از وظایف مخصوص اداره حسابداری کل می‌باشد، داریم. به امضای آقایان دیباج، قفقایچی، واعظی، موفق، منشی‌زاده، صدیق، اکبری، توکلیان، زرافشان، دانشکو...^۱، حریری، فداکار، واثقی، طهماسبی، اوشال.

سند شماره ۹۰

مکاتبه نخست وزیری با دفتر مخصوص شاهنشاهی در مورد گزارش فرمانداری نظامی تهران راجع به وابستگی دکتر مکرری به حزب ایران

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره عمومی: ۲۷۰۶/۴

تاریخ ثبت: ۱۳۲۲/۱۰/۱۴ [۱۳]

محرمانه

دفتر مخصوص شاهنشاهی

رونوشت نامه شماره ۲/۱۵۷۸۶ مورخ ۱۳۲۲/۱۰/۸ [۱۳] فرمانداری نظامی تهران برای استحضار تلواً ایفاد می‌گردد.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

سرتیپ دادور

[امضای پیش‌نویس: شمسیان] ۱۳۲۲/۱۰/۱۳ [۱۳]

۱. یک کلمه خوانده نشد.

سند شماره ۹۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت دفاع ملی

فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۰/۸ [۱۳]

شماره: ۲/۱۵۷۸۶

محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً معروض می‌دارد. دکتر مکرری که در زمان قیام قاضی محمد رئیس فرهنگ مهاباد بوده و از منسوبین و نزدیکان دکتر سنجابی می‌باشد رئیس یکی از حوزه‌های حزب ایران در تهران و مأمور تشکیلات شعبه حزب در مهاباد بوده و نیز در حوادث اسفند ماه ۳۱ در بوکان و اطراف آن دخالت مستقیم داشته و با راهنمایی‌ها و هدایت نامبرده وقایع مزبور عملی شده و همچنین در موقع فرارندوم در مهاباد و اطراف آن فعالیت و در قیام ۲۸ مرداد مخفیانه به تهران آمده و مدتی مخفی بوده است. ولی اخیراً به عنوان عضو عالی شورای عشایری حضور بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاهی شرفیاب و طبق مندرجات جراید مورد توجه و مراجع شاهانه واقع شده است. مراتب جهت استحضار خاطر عالی معروض که هر نحو امر و مقرر فرمایند اطاعت شود.

فرماندار نظامی تهران

سرتیپ تیمور بختیار

[امضا]

[حاشیه پایین:] رونوشت برای اطلاع دفتر مخصوص شاهنشاهی فرستاده شود.

[امضا: ناخوانا] [۱۳۳۲/۱۰/۱۰]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۷۰۶/۴

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۰/۹ [۱۳]

سند شماره ۹۱

گزارش شهربانی کل کشور به دفتر نخست وزیری در مورد تظاهرات کارگران
هوادار احزاب توده، ایران و نیروی سوم علیه کارشناسان خارجی

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: اطلاعات

شماره: ۵/۸۳۷۹۴

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۲/۱۵

ریاست دفتر کل نخست وزیری

عطف به نامه شماره ۳۱۰۱/۴۰ [مورخ] ۱۳۳۲/۱۲/۱۰ [راجع به تظاهرات چند نفر کارگر علیه کارشناسان نفت خارجی به استحضار می‌رساند: قبل از عزیمت کارشناسان به آبادان اطلاع رسیده بود که کمیته مرکزی حزب منحل توده به کارگران توده‌ای در آبادان دستور داده در موقع ورود کارشناسان به آنجا با همکاری کارگران عضو حزب ایران و نیروی سوم تظاهرات شدیدی به عمل آورند. در این مورد مأمورینی از مرکز اعزام و به شهربانی آبادان نیز دستورات لازم داده شد. هنگام بازدید کارشناسان مزبور از پالایشگاه نفت از طرف چند نفر کارگران شعارهایی داده شد و اوراقی پخش گردیده که فوراً به وسیله مأمورین اوراق جمع‌آوری و محرکین و مرتکبین دستگیر و به دادسرای فرماندار [ی] نظامی آنجا تحویل شده‌اند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

[امضا: درخشانفر]

[حاشیه پایین، اول: سابقه.

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۱۳۳۲/۱۲/۱۶]

[حاشیه پایین، سوم: مقصود جناب آقای نخست وزیر ریشه [و] پایه تحریکات بوده، این

جریان نحوه عمل را می‌رساند که گزارش رسیده و مسبوق شده‌ایم به هر صورت بایگانی شود. [امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۳۱۵۳/۴

تاریخ: ۱۳۲۲/۱۲/۱۶ [۱۳]

سند شماره ۹۲

نامه حسن دولو به دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره فعالیت فریدون دهقان عضو حزب ایران و عضو هیأت مدیره شرکت سهامی ابریشم و نوغان علیه حکومت پهلوی

دفتر مخصوص اعلی حضرت همایون شاهنشاهی

در زمان حکومت قلدرد^۱ سابق، جوان فاسدی به نام فریدون دهقان که در تمام دوران زندگی خود به غیر از ننگ و رسوایی سابقه دیگری نداشته و ندارد و به مصداق این که پرچم به هر طرف در اهتزاز باشد به همان طرف می‌گردد، پس از قبول عضویت حزب کارگشایی ایران با توصیه و تحمیل حزب نامبرده به سمت عضو هیأت مدیره شرکت سهامی ابریشم و نوغان سازمان برنامه منصوب گردید و در این سمت چه زبان‌ها که به شرکت مذکور وارد آورد و به عناوین مختلف از بیت‌المال مردم به نفع حزب ایران بخشید بحثی است جداگانه که در آتیه مفصلاً در این باره صحبت خواهیم کرد اما چیزی که برای هر فرد وطن‌پرست و شاه‌دوست تعجب‌آور می‌باشد آن است که این عنصر کثیف و بدنام با وجود آن که در ایام ۲۵ تا ۲۸ مرداد ظاهراً به نام مأموریت اداری و باطناً برای حزب ایران فعالیت می‌کرد با نهایت بی‌شرمی و وقاحت پشت میکرفون حزب ایران رشت قرار گرفته پس از توهین به مقام شامخ سلطنت و خاندان جلیل سلطنتی داعیه جمهوری‌خواهی بلند کرد. پس از سرنگون شدن حکومت سابق

۱. در اصل: قلدردی.

چون نامبرده در پایین آوردن مجسمهٔ اعلیٰ حضرت شرکت نموده بود اهالی شاه‌دوست رشت در نظر داشتند او را به سزای اعمالش برسانند، ولی او از ترس انتقام مردم وطن‌پرست و شاه‌دوست رشت چند روزی در اختفا بسربرد و بعد از آن شبانه به تهران فرار کرد.

در نتیجه با تذکرات پی‌درپی مردم و دستور صریح دولت که مقرر گردید این قبیل یاوه‌سرایان و شیادان از دستگاه‌های دولتی و پست‌های حساس رانده شوند، لذا در تاریخ ۱۳۲۸/۸/۱۳ نامبرده را از شغلش منفصل و با توسری بیرونش کردند. ولی متأسفانه از آن‌جایی که در حال حاضر به‌منظور تولید عدم رضایت بین مردم و ایجاد کارشکنی برعلیه دولت خدمتگزار فعلی ایادی مرموزی در کار بوده و هست مجدداً در تاریخ ۱۳۳۲/۱۱/۱۸ نامبرده را به سمت اولیه او (عضو هیأت مدیره شرکت سهامی ابریشم و نوغان) منصوب نمودند.

ما از دولت تیمسار سپهبد زاهدی که تمام هم و غم خود را در اجرای منویات ملوکانه برای اصلاح ادارات و برنامه‌های اصلاحی و عام‌المنفعه به کار برده و می‌برند سؤال می‌کنیم آیا سزاوار است که این جوان فاسد و بدنام با آن همه سواق ننگینش دوباره مصدر کار حساب شود؟ و عوض این‌که مانند سایر خائنین به کشور به محاکمه دعوت و به سزای جنایات و خیانت‌هایی که کرده برسد باز هم ماهیانه هزار تومان از بودجه ضعیف ملت فقیر و نجیب ایران استفاده نماید.

می‌گویند که آقای پناهی مدیر عامل سازمان برنامه برای انتصاب ایشان تحت فشار بعضی اشخاص قرار گرفته‌اند، چون مایل نیستیم عجالاً دربارهٔ نحوهٔ فشار و تحمیل نامبرده و این‌که چه شخصی راجع به او توصیه نموده است بحث کنیم فعلاً از دولت تیمسار معظم سپهبد زاهدی خواستاریم دستور فرمایند فوراً این فرد کثیف و خائن به ملک و ملت را از کار برکنار نموده [و] به مردم که تشنه اصلاحات بوده و هستند بفهمانند که دیگر دوران بند و بست و اخلال سپری شده است و در دستگاه‌های دولت ملی و خدمتگزار مردم جای این قبیل عناصر پست و معلوم‌الحال و خائن به وطن و شاهنشاه نبوده و نیست.

به انتظار اقدام سریع هستیم

[امضا: حسن دولو]

[حاشیهٔ راست:] امضا مستعار یا مجهول است، بایگانی شود. [امضا: ناخوانا]

[۱۳۳۲]/۱۲/۲۹

سند شماره ۹۳

مکاتبه رئیس هیأت بازرسی جنوب کشور با وزارت دادگستری راجع به رسیدگی به پرونده متهمین درگیری بین حزب ایران و حزب برادران در شیراز و روند قضایی آن

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری هفتم

تاریخ: ۱۳۳۲/۲/۲

شماره: ۹۲۲

پیوست: ۲۶ برگ^۱

وزارت دادگستری، بازرسی کل کشور

عطف به امریه ۸۹۳۹ [مورخ] ۱۳۳۲/۸/۲۳ برای رسیدگی به موضوع شکایت آقایان حاج محمودی پیری و دیگران صاحبان شکایت دعوت و به شرح اوراق پیوست، هر یک توضیحات لازم را ادا و با مراجعه به دادگستری شیراز معلوم شد در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین ۱۳۳۲ امیرمختار کریم پورشیرازی و ذوالقدر به طرفداری دولت وقت درخواست میتینگی در فلکه شهرداری شیراز نموده و در نتیجه اختلافی که در اثر میتینگ میانه حزب ایران (طرفدار دولت) و حزب برادران به ریاست آقای حاج سیدنوردین که از علمای متنفذ شیراز است ایجاد شده [و] منتهی به قتل و ضرب و جرح اشخاص شده و ضمناً دفتر چند روزنامه و خانه و اداره اصل چهار غارت گشته و متهمین پرونده مزبور بالغ بر ۸۴ نفر است که در شعبه ۳ بازرسی شیراز تحت رسیدگی واقع و تأکید شد جریان قانونی آن را تکمیل نمایند اینک با تقدیم خلاصه پرونده و اسامی متهمین پرونده که به وسیله آقای احمد یعقوبی بازررس

۱. اوراق مذکور پیوست نبودند.

شعبه مزبور تهیه و ۷ برگ است به مناسبت کیفیت تشکیل پرونده و موقعیت محلی بعضی از متهمین و سایر اشکالات موجوده در محل رسیدگی و تکمیل این پرونده در دادسرای شیراز برخلاف مقتضیات محلی و با زیادی امور قضایی در این حوزه خارج از حوصله مأمورین قضایی است و ایجاب می‌نماید فوراً احاله امر دایر به رسیدگی و تکمیل آن در مرکز صادر شود و به طوری که با آقایان امین و دستغیب رؤسای دادگستری و دادسرای استان ۷ نیز مذاکره شد همین معنی تأیید و بنا شد در این باره پیشنهاد لازم به مقام وزارت دایر به احاله رسیدگی در مرکز از طرف دادسرا بشود و مراتب را برای اتخاذ تصمیم مقتضی گزارش نموده.

رئیس هیأت بازرسی کل کشور در جنوب

نصیر خواجوی

رونوشت در پاسخ مرقومه ۱۶۱۹ [مورخ] ۱۳۳۳/۱/۲۸ [۱۳] نخست وزیری تقدیم و به استحضار می‌رساند یکی از شاکیان پرونده فوق‌الذکر که خانه او به غارت رفته آقای آرین می‌باشد و در هر حال تأکید لازم به دادسرای شیراز شد [تا] پرونده امر را مطابق مقررات قانونی تکمیل و نتیجه را اعلام دارند.

رئیس هیأت بازرسی کل کشور در جنوب

نصیر خواجوی

[حاشیه بالا]: اینک اقدامی ندارد، پیوست پیشینه شود. [امضا: ناخوانا] ۱۳۳۳/۳/۷ [۱۳]

[مهر]: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۲۶۸

تاریخ: ۱۳۳۳/۲/۹ [۱۳]

سند شماره ۹۴

گزارش نورالله اعلائی کارمند دارایی آباده در مورد نفوذ عناصر حزب ایران و حزب توده در ادارات آباده و لزوم کوتاه کردن دست آنها از امور اداری

تاریخ: ۱۳۳۳/۲/۱۳

مقام منبع تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر محبوب ایران

با کمال ادب و احترام معروض می‌دارد، طی تلگراف مورخ ۳۲/۶/۳۱ و معروضات ۳۲/۷/۳ و ۳۲/۸/۱۶ و ۳۲/۹/۱۸ [۱۳] درخصوص عملیات عده‌ای از اعضا و منتسب به حزب توده و ایران در آباده به عرض مبارک رسید و مسلم است از طرف آن مقام معظم هم امر لازم برای رسیدگی و کشف حقایق و کوتاه کردن دست این گونه افراد ناصالح شرف صدور یافته ولی نتیجه رسیدگی مأمورین تحقیق هنوز معلوم نشده و به همین جهت است که هر یک از آن اشخاص به پشتیبانی آقای محمدرضا امید سالار که رئیس سلسله است به پست‌های حساس تری در ادارات منصوب می‌گردند. اگر چه در معروضه‌های قبلی به عرض رسید فدوی و برادرم عزت‌الله اعلائی کارمند وزارت کشور اولین نفری بودیم که بر اثر قیام ملی ۲۸ مرداد به پاس سپاسگزاری از درگاه خداوند متعال از آباده به مخایره تلگراف حضور مبارک مبادرت و به زیارت جواب هم نائل شده مفتخر گردیدیم و همان حس شاه پرستی و میهن دوستی است که چاکر را تحریک به عرض حقایق و معرفی اشخاص ناصالح و خائن نموده و می‌نماید. از آن جمله محمدعلی بزرگزاد است که عامل بالا بردن تابلو حزب ایران در روزهای قبل از ۲۸ مرداد ۳۲ می‌باشد که به جای دیدن کیفر، رئیس انجمن شهرداری شده است. همچنین جلال ظهیر امامی شهردار بد سابقه سابق آباده است که معاون فرمانداری شده. عنایت‌الله امامی کارمند وزارت فرهنگ است که رئیس فرهنگ آباده شده. اصغر امامی دبیر فرهنگ آباده است که مدتی متواری بوده و گذشته از این که حقوقات خود را مرتباً [به] وسیله پدرش دریافت داشت پس از نمایان شدن هم رئیس دبیرستان شد. عبدالرضا منصف کارمند دارایی و همچنین

سیدعلی نقی‌بی کارمند دارایی می‌باشند که هر کدام دارای شغل‌های حساس و هر چه بخواهند می‌کنند و می‌گویند کسی هم نیست به آنها بگوید چرا. مهندس عطاءالله امام است که کارمند وزارت کشاورزی، ولی در هر سال ۶ ماه یا بیشتر آن را چه عنوان کسالت و مرخصی و چه به عنوان مأموریت با اخذ فوق‌العاده هزینه سفر با راحتی در آباده به سر می‌برد و همکاری نزدیک با عمال احزاب مزبور می‌نماید. البته عده زیادی هستند که ذکر نام تمامی آنها در موقع رسیدگی عرض و اظهار می‌شود. همان طوری که فوقاً عرض شد چون تمامی از بستگان نزدیک آقای امید سالار هستند نفوذ نامبرده در تهران مانع از آن است که مأمورین محلی بتوانند بیطرفانه به حقایق رسیدگی نمایند و به کیفر قانونی برسانند. نسبت به آنچه را [که] عرض می‌کنم گذشته از این که سوابق موجوده در فرمانداری، شهربانی [و] پادگان ثابت می‌نماید چنانچه به وسیله یک نفر مأمور غیر محلی فعلی امر به رسیدگی فرمایند اطلاعات بیشتری دال بر صدق عرایض در اختیار می‌گذاریم.

جناب آقای نخست‌وزیر معظم و محبوب فدوی که ذیل عریضه را امضا می‌نمایم اگر اطمینان به صحت آن نداشتم تا به حال [به] وسیله اشخاص فوق‌الذکر به نام مفتری تعقیب شده بودم، زیرا از مندرجات عرایض آگاه شده‌اند و تا حد اکثر در صدد بیچارگیم می‌باشند. چنانکه در اوایل زمستان توانستند برادرم را که بیست و یک سال است کارمند وزارت کشور می‌باشند با هشت نفر عائله بدون هیچ سبب و جهتی از فرمانداری آباده به اصفهان منتقل نمایند و با نهایت بی‌انصافی پست حقوقی او را برای خاطر امید سالار به جلال ظهیرامامی باجناب نامبرده واگذار^۱ و ابلاغ معاونت فرمانداری را برایش صادر نمایند و الان هم مشغول نقشه کشی برای آوارگی خود فدوی هستند که تا چه اندازه توفیق حاصل نمایند. این است مفهوم وطن پرستی، اینک از حضور مبارک استدعای عاجزانه دارم امر و مقرر فرمایند وسیله مأمورین مطمئن به عرایض رسیدگی تا صدق آنچه معروض گردیده ثابت و دست خائنین را از سر یک عده ستم‌دیده شاه پرست و دولت دوست کوتاه گردد.

جان نثار نورالله اعلایی کارمند دارایی آباده

{امضا}

[حاشیه بالا، اول:] به عرض برسد.

[حاشیه بالا، دوم:] اعاده شود. ۱۳۳۳/۲/۱۵

[مهر:] بازرسی مخصوص نخست وزیر

شماره: ۲۸۶۴/۲

مورخه: ۱۳۳۳/۲/۱۵

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۲

سند شماره ۹۴/۱

فهرست ضمیمه معروضه

۱. محمدعلی بزرگزاد: عامل بالا بردن تابلو حزب، وابسته به حزب ایران [در] روزهای ماقبل ۲۸ مرداد.
 ۲. اصغر امامی عامل و سردسته حزب منفورۀ توده.
 ۳. جلال ظهیرامامی مربی و همکار دو نفر بالا.
 ۴. عبدالرضا منصف سرپرست حزب منحلۀ سابق توده و عضو حزب ایران و فعلاً عضو حزب آریا.
 ۵. عنایت الله امام رئیس فرهنگ، گرداننده و عامل حقیقی دستگاه های حزبی و اخلاگری.
 ۶. عطاء الله امام، کارمند وزارت کشاورزی، مأمور آباده.
 ۷. سیدعلی نقیبی، کارمند دارایی، داماد بزرگزاد.
 ۸. دکتر امامی رئیس بهداری آباده.
- این ها هر کدام بنا به تمایل آقای امید سالار چندیست به پست های خصوصی وارد و حامی جدی اقوام فوق الذکر خود هستند.

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره ۵

سند شماره ۹۵

گزارش هیأت بازرسی شرق در مورد فعالیت سیاسی احزاب ایران و توده در
شهرستان بیرجند و علل بی نظمی در آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان نهم

فرمانداری بیرجند

تاریخ: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۳۳ [۱۳]

شماره: ۴۴۶

ضمیمه: ۴۸ برگ

محرمانه - مستقیم

جناب آقای اخوی وزیر محترم دادگستری

ریاست عالی بازرسی کل کشور

پیرو گزارش نمره ۴۱۸ [مورخ] ۱۳۳۳/۱/۱۸ اینک جریان امور انتظامی بیرجند را به
استحضار خاطر عالی می‌رساند:

علل ظهور وقایع خلاف نظم

شهرستان بیرجند از مناطق آرام می‌باشد و وقایع خلاف نظم که امنیت عمومی را مختل سازد
تا قبل از سال ۲۵ در این شهرستان واقع نشده، از سال مزبور که حزب توده به وسیله شخصی
به نام باقر عامری سازمان و تبلیغات خود را در بیرجند شروع نموده گاهی وقایع کوچکی رخ
داده ولی کم و بی‌اهمیت بوده و علت آن این است که سطح فرهنگ عمومی نسبت به سایر
شهرستان‌های استان نهم بالاتر است و مردم به اصول و مبانی دینی متوجه و معتقدند. بعد از
آن که غیرقانونی بودن حزب توده اعلام شده رفته رفته فعالیت و تبلیغات آنها کاهش یافته و
همین که حزب ایران تشکیل یافته اکثر افرادی که در حزب توده بوده‌اند به حزب ایران وارد
شده و به فعالیت خود ادامه داده‌اند. بعضی از اهالی شکایات متعددی راجع به عملیات افراد

مزبور به مقامات مربوطه تسلیم نموده‌اند و طبق صورتی که فرمانداری تنظیم نموده از اواخر سال ۱۳۳۱ تا آبان ۱۳۳۲ بیست و شش فقره شکوائیه و پرونده به شهربانی و دادسرا و فرهنگ برای تعقیب و اقدام فرستاده است. افراد حزب ایران در وقایع مرداد سال گذشته تظاهراتی له دولت سابق به عمل آورده‌اند و ضمن سخنرانی‌ها مطالب اهانت‌آمیزی نسبت به مقامات عالی‌ه اظهار داشته‌اند. در مقابل آنها عده‌ای [ای] به نام اتحادیه جوانان اسلامی نیز تظاهراتی کرده و روز ۲۸ مرداد به محل حزب ایران و تجارتخانه حاج مهدی صمدی رهبر حزب مزبور و چاپخانه موسوم به آزادی قائنات حمله نموده‌اند و در نتیجه ضایعاتی وارد آمده و مقداری پنبه سوخته شده است. ضمناً مقداری کتاب و اوراق و نوشتجات در محل حزب ایران و تجارتخانه صمدی بوده که از طرف مأمورین انتظامی مورد سوءظن واقع شده و لاک و مهر گردیده که بعداً در ۱۶ شهریور ۱۳۳۲ [ای] به شرح صورت مجلس تنظیم شده به وسیله نمایندگان پادگان نظامی و دادسرا و شهربانی بازدید و آنچه از اوراق مزبور که مربوط به فعالیت حزب ایران و برخلاف مصالح کشور و منافعی با نظم تشخیص گردیده در صورت مجلس قید شده است.

بعد از وقایع مزبور حزب ایران متلاشی و افراد آن مخفی و متواری شده‌اند و چون حمله به محل حزب ایران و سوختن قسمتی از آن‌جا به وسیله عده زیادی از اهالی انجام یافته و مبنی بر احساسات عمومی بوده مسئول آن تشخیص نگردیده و مأمورین هم تا آن‌جا که توانسته‌اند در حفظ نظم اقدام و از بروز وقایع خلاف نظم جلوگیری کرده‌اند. روز ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ [ای] سیدعلیرضا مجتهدزاده دبیر دبیرستان قل‌هک تهران به اتفاق سه نفر از دانش‌آموزان دبیرستان شاهرضای مشهد به قائن آمده با کمک حسین سالاری کارمند فرهنگ که دبیری حزب ایران را در آن‌جا به عهده داشته میتینگی تشکیل داده، سخنرانی و ضمن بیانات خود نسبت به شاهنشاه و خاندان جلیل سلطنتی مطالب توهین‌آمیزی اظهار داشته و در این موضوع بین شهربانی و ژاندارمری محل اختلاف نظر حاصل شده که جریان آن در گزارش [شماره] ۱۹۶/۵/۵۵۹ [مورخ] ۱۳۳۲/۹/۲۲ [ای] شهربانی بیرجند به فرمانداری توضیح داده شده و روز ۲۸ مرداد به جهت تغییر اوضاع سیدعلیرضای مزبور و همراهانش از قائن فرار کرده‌اند.

به طوری که پرونده موجود در فرمانداری حکایت دارد روز ۲۸ شهریور ۱۳۳۲ [ای] کمیسیونی در شهربانی مرکب از فرمانده پادگان و فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی تشکیل

یافته دربارهٔ عده [ای] از اشخاصی که متهم به عضویت حزب توده و اقدامات منافی نظم بوده‌اند تصمیماتی به خلاصهٔ زیر گرفته شده است:

۱- علی اکبر مظفری عضو ثبت، محمدعلی بهار رئیس آمار، علی حسین آبادی بازرگان، اسماعیل احمد فرزانه آموزگار، اسماعیل دستجردی آموزگار، محمدعلی فرزند اسماعیل، محمدباقر خواجه میری خیاط، سیدرضا آذرکار حداد، بواسطهٔ فقد دلیل غیرقابل تعقیب تشخیص گردیده‌اند.

۲- محمدابراهیم رضوانی روضه خوان، سیدحسن راشدی، رسیدگی به اتهام آنها در صلاحیت دادگاه‌های عمومی تشخیص گردیده.

۳- غلامحسین میرسمیع آموزگار، محمدعلی دوستی دانش آموز، احمد مقدس دانش آموز، مهدی سعیدی، سیدعلی وجدانی بازرگان، پوریموت کارمند فرهنگ، برهانی، غلامحسین ریاحی، حاج محمد ناصری بازرگان، حسین صفاری، ابوالفضل اذانی که غالب آنها فراری بوده‌اند رسیدگی به اتهاماتشان در صلاحیت دادگاه نظامی تشخیص گردیده است.

بعد از وقایع مذکوره متدرجاً چند نفر از آموزگاران و دبیران و دانشجویان جلساتی به‌عنوان سازمان جوانان حزب توده تشکیل داده بین دانش آموزان تبلیغاتی به‌عمل آورده و شب چهارم آبان اعلامیهٔ تحت عنوان (سلام ما به شما مردم ضد استعمار) منتشر نموده‌اند که بسیار موهن بوده و شهربانی موفق به کشف آن گردیده. گزارش مشروحی که حاوی کلیهٔ جریانات می‌باشد به‌عنوان دادستانی دادگاه نظامی لشکر به ۵/۱۶۳/۴۶۵ [مورخ] ۱۳/۳۲/۸/۲۰ تنظیم نموده که رونوشت آن لفاً تقدیم می‌گردد. از ملاحظه گزارش مزبور و کیفیت عمل هر یک از مرتکبین بخوبی معلوم می‌شود که تا چه حد جسور و متجری بوده‌اند و از بررسی امور مزبور و وضع محل چنین به نظر می‌رسد که سهل‌انگاری و ارفاق بی‌مورد مأمورین انتظامی و دادگاه‌های مرجع رسیدگی به اتهامات متهمین مزبوره موجب تجزّی آنها و یکی از علل عمدهٔ وقوع حوادث خلاف نظم می‌باشد و توضیحاتی که درمورد متهمین مزبور در قسمت (عضویت کارمندان در احزاب) به عرض خواهد رسید موضوع را روشن‌تر می‌نماید و اقتضا دارد که مورد کمال توجه واقع شده اوامر مقتضیه صادر فرمایند.

موضوعاتی که موجب برهم زدن امنیت گردد:

در حوزهٔ بیرجند موضوعاتی که موجب اختلال و برهم زدن امنیت عمومی گردد از قبیل

قاچاق اسلحه (به موجب شرحی که ژاندارمری و شهربانی نوشته‌اند) وجود ندارد و چنانچه کسی هم در خارج شهر اسلحه داشته باشد بسیار نادر و به طور مخفی و پنهانی می‌باشد و به همین جهت هم به بزه‌های مهم مانند قتل و سرقت ملسحانه نادرالوقوع است و چیزی که ممکن است نظم عمومی را مختل سازد تجدید عملیات و تبلیغات عناصر افراطی خواهد بود که فعلاً هیچ‌گونه تظاهری ندارند.

اموری که رعایت آنها در امنیت منطقه مؤثر است:

چون هنوز در بیرجند عناصر افراطی که وابسته به احزاب توده و ایران بوده‌اند وجود دارند و در فرهنگ عده آنها نسبتاً^۱ زیاد است، برای حفظ امنیت و آرامش فعلی اقتضا دارد که نسبت به آنها اقدامات مقتضیه معمول گردد و مانند سایر نقاط درباره هر کدام برحسب اوضاع و احوال مخصوص آنها اقدام لازم به عمل آید و چون درباره بعضی از آنها پرونده تشکیل و به لشکر خراسان و یا دادسرای بیرجند فرستاده شده و در عین حال مشغول خدمت می‌باشند به لشکر مزبور و دادسرای بیرجند دستور داده شود که در رسیدگی تسریع لازم به عمل آورند.

عضویت مأمورین دولتی در احزاب

برطبق صورتی که شهربانی تنظیم نموده سی نفر از کارمندان دولتی شهر بیرجند به عضویت حزب توده معرفی شده‌اند که سه نفرشان کارمند دارایی، یک نفر کارمند شهرداری و یک نفر کارمند آمار و یک نفر کارمند بانک کشاورزی است و بیست و چهار نفرشان دبیر و آموزگار فرهنگ می‌باشند و چون محل خدمت چند نفر از دبیران و آموزگاران مزبور بعد از قضایای مرداد ۳۲ به نقاط دیگر شهرستان تبدیل شده ضمن صورت تنظیمی هنگ ژاندارمری هم اسامی آنها درج گردیده و اقداماتی که از طرف ژاندارمری و شهربانی نسبت به هر یک از آنها به عمل آمده ضمن هر یک از دو صورت مزبور در ستون مخصوص توضیح داده شده و ملاحظه خواهند فرمود.

برطبق صورتی که آقای علمی رئیس فرهنگ تنظیم نموده و توضیحی که بالای آن نوشته است در کمیسیون مخصوص نسبت به جهات اخلاقی و معتقدات سیاسی ۳۸ نفر کارمندان فرهنگ شور و مذاقه به عمل آمده و لزوم مراقبت درباره ۱۴ نفر آنها تأیید شده و برطبق

۱. در اصل: "نسبت"

صورت دیگری که تنظیم نموده و صورت مجلس کمیسیون مزبور راجع به هشت نفر از چهارده نفر مذکور اظهار نظر بر لزوم انتظار خدمت و انفصالشان به عمل آمده و نظریه مزبور اجرا شده لیکن بعد از مدت کمی بر اثر شکایات آنها کمیسیون تجدید نظر نموده و مقرر داشته است که با انجام تحلیف و تعهد بر انصراف از عقاید و اعمال سابقه مجدداً به خدمت مشغول شوند و بنابراین به کار مشغول شده‌اند و آقای رئیس فرهنگ ضمن صورت‌هایی که تنظیم نموده‌اند توضیح داده‌اند که حکم اشتغال مجدد آنها در جریان است و فقط درباره یک نفرشان (غلامحسین میرسمیع) اشعار داشته‌اند که چون پرونده او در دادگاه نظامی مطرح است تصمیم قطعی موکول به صدور رأی نهایی از دادگاه نظامی است.

سوابقی که در شهربانی و فرمانداری موجود است بخصوص گزارش نمره ۵/۱۶۳/۴۶۵ مورخ ۱۳۲۲/۸/۲۰ شهربانی به‌عنوان دادستانی لشکر خراسان حاکی است بر این‌که بعد از وقایع مراد و متلاشی شدن حزب ایران، چند نفر از دبیران و دانش‌آموزان سازمانی به‌عنوان جوانان حزب توده به‌وجود آورده و جلساتی تشکیل داده و شب چهارم آبان اعلامیه‌ای تحت عنوان (سلام ما به شما مردم ضد استعمار) انتشار داده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که درباره اکثر اشخاص مزبور زائد بر میزان استحقاق ارفاق شده، بدین توضیح که با دادن تأمین مختصر آزاد شده و پس از نوشتن شرحی در روزنامه مبنی بر تبری خود از حزب توده و انجام سوگند دوباره بکار مشغول شده‌اند. نهایت این‌که محل خدمت بعضی از آنها تبدیل شده و اگر تا قبل از تعقیب از نزدیک تحت نظر و مراقبت بوده‌اند اکنون در بخشهای اطراف و دور از نظر مأمورین مرکزی شهرستان به سر می‌برند و چه بسا که دامنه تبلیغات آنها وسیع‌تر شده باشد. بنابراین به نظر هیأت بازرسی اقتضا دارد مقرر فرمایند مقامات قضایی لشکری و دادگستری در رسیدگی به پرونده‌های آنها بدون ارفاق زیاده از حد، تسریع نمایند و در موضوع سوگند و تعهد دقت شود تا اشخاصی که حقاً استحقاق داشته باشند مشمول شده و از آن استفاده نمایند نه آنها که اعمالشان قابل گذشت نبوده و پای بند قسم و تعهد نمی‌باشند. برای مزید استحضار خاطر عالی اسامی آنها را که برطبق سوابق موجوده فعالیت بیشتری داشته‌اند با توضیحات مختصر راجع به هر یک ذیلاً معروض می‌گردد:

۱- احمد فرزانه بهلگرد: گرچه طبق توضیح شهربانی در کمیسیونی که روز ۱۳۲۲/۶/۲۸ [۱۳] در شهربانی تشکیل گردیده به‌عنوان فقد دلیل مرخص شده لیکن در کمیسیون مورخ

۱۲/۷/۳۲[۱۳] با بررسی سوابق و دلایل موجوده اظهار نظر نموده‌اند که از خدمت برکنار شود و برحسب گزارش مشروح نمرة ۵/۱۶۳/۴۶۵ [مورخ] ۳۲/۸/۲۰ شهرستانی بیرجند به‌عنوان دادرای نظامی لشکر، نامبرده رهبری سازمان حزب توده را داشته و همواره بین دانش‌آموزان افکار افراطی را تبلیغ می‌کرده و به همدستی چند نفر از دبیران و دانش‌آموزان در شب چهارم آبان ۳۲[۱۳] اعلامیه‌ای [انتشار داده که مندرجات آن بسیار موهن بوده است و مع‌ذک طبق صورت تنظیمی فرهنگ بکار اشتغال دارد و ابلاغ اشتغال مجدد او در جریان صدور می‌باشد و معلوم نیست دادرای نظامی لشکر ۸ درباره‌ی او چه اقدامی به عمل آورده‌اند.

۲- غلامحسین میرسمیع، آموزگار: اتهام مشارالیه نیز رهبری سازمان حزب توده و شرکت در پخش اعلامیه‌ی چهارم آبان ۳۲[۱۳] و تبلیغ بین دانش‌آموزان بوده مضافاً به این‌که برطبق توضیح فرهنگ قبل از مرداد ۳۲[۱۳] و بعد از آن به اتهام دادن شعار و اهانت به مقام سلطنت در دادگاه نظامی لشکر ۸ خراسان تعقیب و زندانی و در دی ماه به قید کفیل آزاد گردیده و هنوز رأی قطعی درباره‌اش اعلام نشده و به حال انتظار خدمت بسر می‌برد و فقط همین یک نفر فعلاً از کار برکنار است.

۳- غلامرضا کاشانی: به اتهام رهبری حزب توده بیرجند و شرکت در پخش اعلامیه‌ی چهارم آبان ۳۲[۱۳] تحت تعقیب قرار گرفته به قید کفیل آزاد شده و هنوز رأی نهایی از دادگاه نظامی لشکر درباره‌اش صادر نگردیده و به کار خود مشغول می‌باشد و فرهنگ نوشته تصمیم قطعی درباره‌ی او موکول به صدور رأی نهایی دادگاه نظامی است.

۴- محمدحسین سالاری، آموزگار: شهرستانی نوشته است مشارالیه قبل از مرداد ۳۲[۱۳] فعالیت داشته است. برطبق پرونده فرمانداری، بخشدار قائن در اردیبهشت ۳۲[۱۳] گزارش داده است در موقعی که به اتفاق رئیس بانک کشاورزی برای دادن پول به آسیب دیدگان از سیل به قراء رفته بوده سالاری هم در تعاقب آنها حرکت و بین رعایا تحریکاتی می‌کرده که مانع پیشرفت کار آنها شود. دارایی قائن هم شرحی نوشته مبنی بر این‌که نامبرده در مورد توزیع قند و شکر تحریکاتی می‌نماید. برحسب گزارش [نمرة] ۱۹۶/۵/۵۵۹ [مورخ] ۲۲/۹/۳۲[۱۳] شهرستانی به فرمانداری بیرجند، محمدحسین نامبرده رهبر حزب ایران در بخش قائن بوده و در تهیه میتینگ روز ۲۶ مرداد که در آن‌جا ضمن سخنرانی به مقام سلطنت اهانت شده اقدام نموده بوده و به شرح گزارش شهرستانی متهم به همکاری با حزب توده و

پخش اعلامیه چهارم آبان گردیده و فعلاً مشغول کار است.

۵- غلامرضا صباغ، آموزگار: در صورت ژاندارمری توضیح داده شده که در آبان ۱۳۳۲ [۱۳] پرونده اتهام او به دادسرای بیرجند ارسال شده، طبق گزارش مشروح شهربانی متهم به همکاری و حضور در جلسات حزب توده و فعالیت به نفع حزب مزبور و شرکت در پخش اعلامیه چهارم آبان گردیده و در گزارش مزبور اشعار داشته‌اند که (در مرز غلامان مدتی با شوروی‌ها در تماس بوده) و با این حال طبق صورت‌های فرهنگ در ژاندارمری در محل موسوم به گلفریز مشغول کار است.

۶- سیدرضا علوی، آموزگار: شهربانی نوشته است قبل از مرداد ۱۳۳۲ [۱۳] فعالیت داشته و به شرح گزارش مشروح شهربانی متهم به عضویت حزب توده و شرکت در پخش اعلامیه چهارم آبان می‌باشد و طبق صورت‌های موجوده فعلاً مشغول کار است. مشروح به امضای چند نفر از اهالی خوسف (محل کار فعلی مشارالیه) راجع به اعمال فعلی او رسیده که لفاً تقدیم می‌گردد.

۷- مهدی قدری، آموزگار: بر طبق صورت شهربانی، قبل از مرداد ۱۳۳۲ [۱۳] فعالیت داشته به موجب گزارش مشروح شهربانی متهم به همکاری با حزب توده و شرکت در پخش اعلامیه چهارم آبان است و فعلاً مشغول کار می‌باشد.

۸- غلامحسین گنجی، آموزگار: شهربانی ضمن صورت تنظیمی توضیح داده است که در سال ۱۳۳۲ [۱۳] سابقه عضویت حزب توده را داشته. طبق گزارش مشروح شهربانی متهم به فعالیت به نفع حزب توده و شرکت در تهیه و پخش اعلامیه چهارم آبان می‌باشد و مشغول کار است.

۹- حسین حدیدی پور، آموزگار: طبق گزارش مشروح شهربانی متهم به شرکت در تهیه و پخش اعلامیه چهارم آبان می‌باشد و مشغول کار است.

۱۰- رحیم شیوخ، سرپرست دانشسرای بیرجند: متهم به همکاری با عناصر وابسته به حزب توده و شرکت در پخش اعلامیه چهارم آبان و مشغول کار است.

علاوه بر ده نفر نامبردگان و اشخاص دیگری که اسامی آنها در صورت‌های تنظیمی ادارات مربوطه قید شده و از نظر عالی می‌گذرد چند نفر از کارمندان فرهنگ که محل خدمت آنها در جای دیگر بوده و یا از بیرجند به محل دیگر تبدیل شده‌اند متهم به عضویت در احزاب افراطی و یا فعالیت به نفع حزب توده بوده‌اند که راجع به آنها هم توضیحات لازمه به عرض می‌رسد:

۱- محمد پوریموت، کارمند فرهنگ: طبق توضیح شهربانی قبل از مرداد ۱۳۳۲ [۱۳] به مشهد

رفته و مراجعت نکرده است، آقای پزشک احمدی شکایاتی به طرفیت مشارالیه نموده که از طرف فرمانداری به دادسرا و شهربانی فرستاده شده است.

۲- محمد ابراهیم معروف به محمدعلی بهار، رئیس سابق آمار: معروف به عضویت [در] حزب توده بوده لیکن طبق توضیح شهربانی در کمیسیونی که مرکب از رؤسای ادارات انتظامی تشکیل یافته به عنوان نبودن دلیل مبرای تشخیص گردیده است، یک نفر از کارمندان آمار (غلامحسین واحدگیوی) در نامه‌ای که راجع به انتقال خود نوشته او را عضو حزب توده معرفی کرده. مشروح [ای] هم به امضای جمعی از اهالی به فرمانداری نوشته شده به این که نامبرده لیدر حزب ایران است و با ماجراجویان نجوای دارد و تقاضای تعقیب او را کرده‌اند.

۳- شهابی، رئیس سابق دانشسرای بیرجند: برطبق گزارش مشروح شهربانی نامبرده متهم به همکاری با افراد حزب توده و شرکت در تهیه و پخش اعلامیه چهارم آبان بوده و گویا فعلاً در مشهد خدمت می‌کند.

۴- سیدعلیرضا مجتهدزاده، دبیر دبیرستان قلهک تهران: برطبق گزارش [شماره] ۱۹۶/۵/۵۵۹ [مورخ] ۱۳/۳۲/۹/۲۲ شهربانی به فرمانداری، نامبرده روز ۲۶ مرداد ۱۳۳۲ به اتفاق سه نفر از دانش‌آموزان مشهد به قائن وارد و با کمک حسین سالاری کارمند فرهنگ که رهبر حزب ایران قائن بوده میتینگی تشکیل داده، شخصاً سخنرانی و ضمن بیانات خود نسبت به شاهنشاه و خاندان جلیل سلطنتی مطالب اهانت‌آمیزی ادا کرده است. موضوع در جلسه مورخ ۱۳/۳۲/۹/۲۴ کمیسیون امنیت اجتماعی مورد رسیدگی قرار گرفته، تصمیماتی اتخاذ نموده‌اند. رونوشت گزارش شهربانی و صورت مجلس کمیسیون لفاً از نظر عالی می‌گذرد. شنیده شد سیدعلیرضا مزبور کماکان به شغل خود در تهران مشغول است.

برطبق اوراقی که به ضمیمه این گزارش از نظر عالی می‌گذرد عده [ای] از دانش‌آموزان با دبیران و آموزگاران در اقدامات علیه مصالح کشور شرکت داشته‌اند از جمله سه نفر به نام پرویز و مسعود و محسن نوربخش دانش‌آموزان دبیرستان شاهرزای مشهد که به اتفاق مجتهدزاده به قائن آمده میتینگ روز ۲۶ مرداد را در آنجا تشکیل داده‌اند و برطبق گزارش مشروح شماره ۵/۱۶۳/۴۶۵ [مورخ] ۱۳/۳۲/۸/۲۰ شهربانی، هوشنگ طاهری، محمد علی بدیلی، مسعود افتخاری، فریدون رخشانی، محمد ابراهیم ناصح، پرویز نارویی، خسرو گنجی، محمدعلی دوستی [و] احمد مقدسی دانش‌آموزان بیرجند متهم هستند به این که در

جلساتی که به عنوان سازمان حزب توده در مهر و آبان ماه سال ۱۳۳۲ [۱۳] بر اثر اقدام و تشویق آموزگاران^۱ که اسامی آنها معروض گردید تشکیل یافته بوده شرکت کرده و در تهیه و پخش اعلامیه شب چهارم آبان اقدام نموده‌اند. بین دانش‌آموزان مزبور عملیات احمد مقدس دانش‌آموز سال پنجم دبیرستان از سایرین بیشتر و شدیدتر بوده است. شهرستانی بیرجند ضمن گزارش مزبور توضیحاتی داده است، خلاصه این‌که نامبرده از اعضای مؤثر و فعال حزب توده و در تبلیغ مرام حزب مزبور بین دانش‌آموزان اقدام می‌کرده و در قضایای مرداد متواری شده بعداً مخفیانه به بیرجند آمده یا دانش‌آموزان ملاقات و دستورهای حزبی را ابلاغ و در تهیه اعلامیه چهارم آبان اقدام نموده و دوباره متواری شده و نیز اشعار داشته‌اند که پرونده‌های دیگری در دادرسی بیرجند به اتهام پخش اعلامیه و شبنامه دارد. بالاخره روز سیزدهم اسفند ۱۳۳۲ [۱۳] در بیرجند از طرف شهرستانی دستگیر و از دادگاه نظامی درباره‌اش تقاضای صدور قرار نموده‌اند و بعداً به مشهد اعزام شده و از اقدامی که در تعقیب و دادرسی او به عمل آمده هنوز اطلاعی به دوایر بیرجند نرسیده است.

لازم است به عرض برساند که با متینگ‌هایی که روزهای ۲۶ و ۲۷ مرداد در بیرجند و قائن داده شده و تظاهراتی که به عمل آمده و مطالبی که در روزنامه آزادی قائنات نوشته شده و اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌هایی که انتشار یافته و عده [ای] از کارمندان فرهنگ بالخصوص اشخاصی که اسامی آنها معروض گردیده در عملیات مزبوره شرکت داشته‌اند عملاً و نتیجتاً اقدام مؤثری درباره آنها به عمل نیامده، به عناوین مختلف از تعقیب و مجازات‌هایی یافته و همگی به شغل خود مشغولند و فقط یک نفر از آنها (غلامحسین^۱ میرسمیع) فعلاً به حال انتظار خدمت به سر می‌برد و این موضوع خاصه اخذ تأمین خفیف و اشتغال آنها به کار موجب یأس مردم میهن خواه و آنهایی است که نسبت به شاهنشاه و کشور صمیمانه علاقه دارند و اقتضا دارد امر و مقرر فرمایند دادگاه‌ها درباره آنها کاملاً و دقیقاً رسیدگی و احکام مجازاتی که صادر می‌گردد به دوایر محلی اعلام شود تا مردم مستحضر و امیدوار شوند و راجع به برکناری آنها از خدمت نیز اقدام شود تا اسباب دلگرمی سایر کارمندان گردد و به اشتهاارات نامطلوبی که راجع به کیفیت تعقیب این قبیل عناصر وجود دارد خاتمه داده شود.

۱. در اصل: غلامرضا بود که براساس متن سند اصلاح شد.

نکاتی که استحضار دولت از آنها لازم به نظر می‌رسد:

برطبق صورت‌هایی که شهربانی بیرجند تهیه نموده و از نظر عالی می‌گذرد عده [ای] از دانش‌آموزان و بازرگانان و غیره متهم به عضویت حزب توده و حزب ایران بوده‌اند که درباره هر یک از آنها اقداماتی به عمل آمده و راجع به چند نفر از آنها که عملیاتشان نسبت به دیگران مؤثرتر بوده ذیلاً توضیحات لازم به عرض می‌رسد:

۱- حاج محمد مهدی صمدی بازرگان: نامبرده رهبری حزب ایران بیرجند را عهده‌دار بوده و کلیه تشنجات و تظاهرات را به وجود آورده و اداره می‌کرده است. به علاوه در انتشار روزنامه‌ای به نام «آزادی قائنات» که صاحب امتیاز و مسئول آن محمدتقی صمدی برادر مهدی نامبرده و حاوی مقالات مضره بوده شرکت و دخالت داشته است. بعد از وقایع مرداد کمیسیون امنیت او را به یکسال حبس محکوم نموده، لیکن حکم محکومیت او در شعبه ۲ دادگاه استان نهم گسیخته و تیرئه شده است (رونوشت دادنامه مزبور به ضمیمه تقدیم می‌گردد) و فعلاً در تهران بسر می‌برد و از بیم اهالی نمی‌تواند به بیرجند بیاید و تجارتخانه‌اش را برادرش اداره می‌کند. با آن‌که مقداری اوراق و اسناد از تجارتخانه او کشف و تحویل شهربانی شده که به مقامات مربوطه ارسال دارند معلوم نیست در تعقیب او از جهت اتهاماتی که داشته چه اقدامی از طرف دادگاه‌های صلاحیت‌دار به عمل آمده است.

۲- محمدتقی صمدی، مسئول روزنامه آزادی قائنات: در روزنامه مزبور مقالاتی مبنی بر اهانت به اشخاص درج شده که بعضی از آنها شکایت کرده‌اند و برطبق توضیح شهربانی پرونده به دادسرای بیرجند ارسال و نامبرده به قید کفیل آزاد شده و نتیجه معلوم نیست.

۳- سید مهدی سعیدی، ملاک: برطبق سوابق موجود نامبرده فعالیت زیادی داشته و قبل از قضایای مرداد ۳۲ به تهران رفته بوده. شهربانی سوابق او را در طی [نمره] ۵۱۹ [مورخ] ۱۳/۹/۳۲ به دادسرای نظامی لشکر فرستاده نتیجه معلوم نشده و فعلاً در تهران بسر می‌برد.

۴- غلامحسین ریاحی، واعظ: واسطه ابلاغ دستورهای حزبی بوده شهربانی اوراق او را کشف و با پرونده طی [نمره] ۶۴۷ [مورخ] ۱۳/۱۰/۱۲ به دادسرای نظامی لشکر خراسان فرستاده، نتیجه رسیدگی معلوم نیست و نامبرده گویا فعلاً در تهران بسر می‌برد.

۵- حاج محمد ناصری، بازرگان: شهربانی بیرجند پرونده اتهام او را طی [نمره] ۵۱۹ [مورخ]

۱۳/۹/۳۲]۱۳] به دادسرای نظامی لشکر ۸ خراسان فرستاده و نتیجه رسیدگی معلوم نیست.

۶- سیدرضا آذرکار، آهنگر: برحسب توضیح شهربانی در کمیسیون ۱۳/۶/۲۸]۱۳] به واسطه فقد دلیل میرای تشخیص شده لیکن طبق گزارش مشروح شهربانی سابقاً دارای کارت عضویت حزب توده بوده و اخیراً هم متهم به شرکت در تهیه و پخش اعلامیه چهارم آبان ۳۲ گردیده است. برطبق توضیح شهربانی پرونده چند نفر از افراد مزبوره که متهم به اهانت به مقام شامخ سلطنت بوده‌اند به دادسرای شهرستان بیرجند ارسال گردیده که اقدام لازم به عمل آمده و هریک از آنها در دادگاه جنحه به مدتی حبس محکوم شده‌اند. صورتی که دفتر دادگستری از اسامی و مدت محکومیت آنان تهیه نموده لفاً از نظر عالی می‌گذرد.^۱ برحسب توضیحی که در صورت مزبور داده شده نامبردگان از دادنامه محکومیت خود پژوهش خواسته‌اند لذا فعلاً پرونده‌ها در جریان رسیدگی پژوهشی است. دادسرای شهرستان نیز صورتی از پرونده‌های مربوط به اتهامات اشخاص به عضویت حزب توده و امثال آن‌که در دادسرا جریان دارد ترتیب داده که لفاً از نظر عالی می‌گذرد. به نظر هیأت اقتضا دارد امر و مقرر شود مقامات قضایی لشکر در رسیدگی به پرونده اتهام اشخاص مذکور و مانند آنها نهایت تسریع را به عمل آورند.^۲

هیأت بازرسی شرق:

نماینده وزارت دفاع ملی، سرهنگ ستاد حبیب‌الله شیبانی [امضا]

نماینده وزارت کشور، علیرضا صبا [امضا]

نماینده وزارت دادگستری، احمد جدی [امضا]

۱. صورت مذکور در پرونده نبود.

۲. دنباله گزارش مربوط به قاچاق در منطقه بیرجند بود لذا از نقل آن خودداری شد. ضمناً در پایان تمام صفحات گزارش مذکور امضای اعضای هیأت بازرسی آمده بود که به منظور جلوگیری از تکرار آن فقط به آخرین امضاها اکتفا شد.

سند شماره ۹۶

مکاتبه رئیس کل دفتر نخست وزیری با شهربانی کل کشور در مورد انتشار روزنامه جبهه آزادی به وسیله ابوالفضل قاسمی (از رهبران حزب ایران) و لزوم جلوگیری از فعالیت‌های مطبوعاتی ایشان

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۳/۴/۱۷

شماره: ۷۷۰/۴

محرمانه

ریاست شهربانی کل کشور - اداره اطلاعات

به قرار اطلاع دیروز ۱۶ تیرماه در اداره برق روزنامه جبهه [آزادی] به وسیله آقای ابوالفضل قاسمی کارمند حقوق بگیر آن اداره متضمن حملات شدید به دولت منتشر شد و نسخه‌ای پنج ریال قیمت آن دریافت می‌شده است. با یادآوری این‌که روزنامه مذکور در ضمن روزنامه‌های ارسالی شهربانی نبود اکیداً [دستور فرماید در این باب دقت بیشتری به عمل آورند که جراید روزانه شهر به هر صورت منتشر می‌شود ضمن روزنامه‌های ارسالی باشد و البته کسانی که در مؤسسات دولتی وابسته دولت حقوق می‌گیرند مقتضی نیست در فعالیت برخلاف منویات دولت آزادی عمل داشته باشند. خواهشمند است نتیجه اقدامی را که در این باب به عمل می‌آورد گزارش دهید.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

سرتیپ دادور

سند شماره ۹۶/۱

[آرم بنگاه مستقل برق تهران]

تاریخ: ۱۳/۳۳/۵/۱۲

شماره: ۶۹۰۰

محرمانه

ریاست کل دفتر نخست وزیر

پاسخ نامه محرمانه شماره ۹۱۹/۴ ردیف ۶ مورخ ۱۳۳۳/۴/۲۷ به استحضار می‌رساند: چنانکه ظواهر امر حاکی است آقای ابوالفضل قاسمی بعد از تمهیدی که قریب ۸ ماه قبل در فرمانداری نظامی سپرده و مشغول خدمت شده در محیط اداری کارمندی مطیع و با انضباط بوده، تصور نمی‌شود در امور مطبوعاتی و انتشار روزنامه مورد نظر دخالتی داشته باشد. هرگاه صلاح دانند حقیقت امر از نامبرده استفسار و توضیحات وی برای استحضار و اظهار نظر به خدمت ایفاد گردد تا پس از تحقیقات لازم هر تصمیمی اتخاذ فرمایند ابلاغ و بموقع اجرا گذارده شود.

مدیرکل بنگاه برق تهران

[امضا: نجم]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳/۳۳/۵/۱۳]

[حاشیه پایین، دوم: اداره محرمانه [شماره] ۲۱۹/۴ مربوط به موضوع نیست، سابقه

بخصوصی هم در بایگانی ندارد. ۱۳/۳۳/۵/۱۳]

[حاشیه پایین، سوم: گویا شماره صحیح ۹۱۹/۴ باشد که شماره آزاد است. ۱۳/۳۳/۵/۱۳]

[حاشیه پایین، چهارم: شفاهاً با آقای مهندس نجم مذاکره و اقدام شود.

[حاشیه بالا، اول: با تلفن مذاکره شد جواب دادند رضوی نامی است که فعلاً مدیر شده چون

قبول کرده تقاضا کرده مجدداً تحقیقاتی نموده جواب بدهد.

[حاشیه بالا، دوم: باید به آقای مهندس نجم تأکید شود.

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۲۰۹/۴

تاریخ: ۱۳/۳۳/۵/۱۳]

سند شماره ۹۶/۲**[آرم بنگاه مستقل برق تهران]****ریاست محترم دایرة کارپردازی و معاملات بنگاه برق**

محترماً به عرض می‌رساند قریب هشت ماه پیش این‌جانب را به‌عنوان این‌که در گذشته فعالیت مطبوعاتی داشته [و] مدیریت روزنامه جبهه آزادی را عهده‌دار بودم به فرمانداری نظامی احضار کردند و از این‌جانب تعهد گرفتند که به هیچ وجه در امور مطبوعاتی فعالیت ننمایم. این‌جانب نیز متعهد شدم که پس از آن از هرگونه فعالیت در این قبیل امور برکنار باشم و اکنون نیز نه تنها در روزنامه جبهه آزادی بلکه در هیچ یک از روزنامه‌های دیگر نویسندگی ننموده از عهده‌ام نیز خارج می‌باشد. زیرا گرفتاری‌های شخصی‌ام به حدی زیاد است که فرصتی برای امور غیرشخصی برایم باقی نمانده است. به تنهایی مشغول بیماررداری و همچنین مداوای خود که مبتلا به عارضه شدید کبدی شده‌ام می‌باشم و به‌طور قطع اگر وقت شود مسلم خواهد شد که به کلی از امور مطبوعاتی کناره گرفته‌ام تا چه رسد در روزنامه‌هایی که مدتهاست تعطیل شده فعالیتی نمایم. بدیهی است وقتی که اصل موضوع منتفی باشد فرع آن صورت خارجی نخواهد داشت.

با احترامات فائقه

ابوالفضل قاسمی

سند شماره ۹۶/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳/۳۳/۵/۲۴

شماره: ۵/۲۷۷۱۴

ضمیمه: دارد

محرمانه - مستقیم

ریاست کل دفتر نخست‌وزیری

عطف به نامه شماره ۱۲۰۹/۴ [مورخ] ۱۳/۳۳/۵/۱۸ با اعاده روزنامه شماره ۲ مورخ ۱۳/۳۳/۴/۱۵ [جهت آزادی ارگان حزب ایران که از بعد از قیام ملی ۲۸ مرداد گذشته به طور مخفی و غیرمنظم منتشر شده است. طبق تحقیقاتی که به عمل آمده مسلم به نظر می‌رسد که روزنامه مذکور در یکی از شهرستان‌ها به چاپ رسیده لذا به شهربانی‌های مربوطه دستور تحقیق و کشف محل چاپ صادر شده که پس از حصول نتیجه مراتب به استحضار خواهد رسید.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

مهندس غفاری

[امضا]

[حاشیه پایین، اول]: شماره فوق اشتباه است.

[حاشیه پایین، دوم]: شماره آزاد است.

[حاشیه پایین، سوم]: باید منتظر نتیجه بود فعلاً اقدامی ندارد.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۳۳۶/۴

تاریخ: ۱۳/۳۳/۵/۲۴

سند شماره ۹۷

دستور نخست وزیری به شهربانی کل کشور در مورد ارسال صورت اسامی
اعضای حزب ایران و مکاتبات شهربانی در این زمینه

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۹۲۰/۴

تاریخ: ۱۳۳۳/۴/۲۷ [۱۳]

محرمانه - مستقیم

شهربانی کل کشور - اداره اطلاعات

حسب الامر دستور فرماید فوراً صورتی از اعضای حزب ایران تهیه و برای ملاحظه معظم له
ارسال فرماید. ضمناً تعیین شود چه اشخاصی در کار حزبی خود باقی مانده اند.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

سر تیب دادور

[امضا]

سند شماره ۹۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۵/۲۴۱۲۰

تاریخ: ۱۳۳۳/۵/۱۲ [۱۳]

محرمانه - مستقیم

ریاست کل دفتر نخست وزیری

عطف به نامه شماره ۹۲۰/۴ [مورخ] ۱۳۳۳/۴/۲۷ [۱۳] صورت اسامی اعضای اصلی و
علی البدل حزب ایران ذیلاً اعلام و به استحضار می‌رساند [که] بعد از قیام ملی ۲۸ مرداد حزب

مزبور و اعضای آن به صورت ظاهر فعالیتی نداشته‌اند.

اعضای اصلی: ۱. اللهیار صالح. ۲. مهندس احمد زیرک‌زاده. ۳. مهندس علیقلی بیانی
 ۴. مهندس کاظم حسینی. ۵. دکتر کریم سنجابی. ۶. دکتر بیژن. ۷. بانو بدرالملوک بامداد.
 اعضای علی‌البدل: ۱. مهندس قدرت‌الله تشکری. ۲. مهندس نظام‌الدین موحد. ۳. مهندس
 امیر پایور

از طرف رئیس شهربانی کل کشور
 مهندس غفاری
 [امضا]

[حاشیه پایین، اول:] منظور از استعمال کلی تعیین عده‌ای که فعلاً در حزب باقی هستند
 می‌باشد. جواب این قسمت صریحاً داده نشده.

[حاشیه پایین، دوم:] شماره آزاد است.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۱۹۷/۴

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۱۲

سند شماره ۹۷/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

شماره: ۵/۲۷۲۲

محرمانه - مستقیم

اداره: اطلاعات

تاریخ: ۱۳۳۲/۸/۱۸

ضمیمه: دارد

ریاست کل دفتر نخست‌وزیری

عطف به نامه شماره ۱۱۹۷/۴ [مورخ] ۱۳۳۲/۵/۱۳ [راجع به اعضای حزب ایران به

استحضار می‌رساند: طبق گزارش اداره مربوطه با مراجعه به سوابق موجوده تا قبل از قیام ملی ۲۸ مرداد افرادی از طبقات مختلف در مرکز و شهرستان‌ها به نفع حزب مزبور و دولت سابق فعالیت‌هایی داشته‌اند که برای مزید استحضار یک برگ صورت اسامی آنان تلواً ایفاد می‌گردد. از طرف رئیس شهربانی کل کشور

مهندس غفاری

{امضا}

[حاشیه پایین، اول: سابقه به کاخ بیلاقی ارسال شد. پیروزی ۱۳۳۱/۵/۲۰]
[حاشیه پایین، دوم: جواب داده شده، فهرست ارسالی مربوط به مرداد ۳۲ است. مقصود اعضایی است که فعلاً در حزب باقی مانده و فعالیت دارند. تحقیق نموده صورت دهند. {امضا: ناخوانا}]

{مهر:} ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۲۹۵/۴

تاریخ: ۱۳۳۳/۵/۲۰ [۱۳]

سند شماره ۹۷/۳

{شیر و خورشید}

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

گزارش

سیدرضا امامی، شجاع خراسانی، مهندس اسماعیل جفرودی، رضا کاشفی، حسین سرابندی، محمدتقی خرسندیان، ناصرالدین موسوی، حسین رازی، طاهر خوش‌خلق، ابوالحسن کرامت، کریم گلشنی، مشعوف، اسماعیل قتل‌زاد، علی وحید خورگامی، مظفر زمردی، محمد رسول سلامت‌بخش، طائب، عبدالعظیم یمینی، شاهپور رواسانی، فرخ فرزنان، رحیمی،

محسن برشاد، عظیمی، دیده‌وری، شہامت، سلوکی، دکتر رضی شبان، تاج الامینی، دکتر حبیب داوران، احمد محبوبی تبریزی، کریم رہبر سعادت، یوسف دستمالچی، مجتہدی، بامداد، حمید قبایی، طالب‌زاده، ہدایت، زرینہ‌باف، مہدی انواری، دکتر جلوہ، مهندس طاہبازیان، دکتر فرخانی، صدیقی، دکتر نعمت‌اللہی، علی اکبر صالح، بہاء‌الدین، مرتضی مشاوری، مهندس پاکزاد، محمدہادی جواہری، اراکی، نخشب، سعیدی، اسماعیل حمامیان، ابوالقاسم شافیہ، تقی تقی‌پور، سیداسماعیل فرجاد، باقر مکی، حمید موسویان، مهندس اسبقی، مهندس بہبہانی، واثق، نوری، مهندس زیرک‌زادہ، مهندس ثابت قدم، دکتر میردامادی، حسن سجادی، کاظم حبیبی، دکتر آزاد، مهندس علیقلی بیانی، مهندس نظام‌الدین موحد، دکتر اسداللہ بیژن، محمدمہدی صمدی، بہروز احمدی، محمدرضا راشد، حسین اعلم، غلامرضا صمدی، دکتر کریم سنجایی، اللہیار صالح، بذرافکن، حسین زادہ، عبدالواحد لطفی، کاظم مقدس، سروری، محسن خامسان، رمزی، ازانی، سیدعباس سوداگر، حسن خواجہ‌باش، غلامرضا صبوغی، مهندس آریان ارمنی، مرتضی و ابوالفضل قاسمی، بنداد، غلامرضا شیخانی، ابراہیم پورمقامی، دلالان، پرچینی، ایرج تقی‌پور، پرویز اخلاقی، غلامرضا شیرانی، اسماعیل پاپایی، فغانی، فخاری، علوی، سلطانی، حافظی، ثنایی، خرمشاهی، حبیب‌اللہ پاپایی، مصطفی ہاشمی، محمدعلی گرم‌زیان، اسماعیل امامیان، محمد رستم‌زادہ، روحانی، رضا بنداد، مہدی رونقی، دکتر محمد میرامامی، قنادان، گرامی‌منش، حاج محمد ناصری، سیدعلی وحدانی، محمدابراہیم یاوری، سیدعلی اکبر کاظمی، شریف‌زادہ، احمدپور، محمد نجف‌زادہ، علی شریفی، علی پارس، محمدحسین پارس، محمدحسین نجفی، غلامرضا یاوری، محمد پارس، ابوالحسن آیتی، محمدعلی لاری، منصور ناصح.

سند شماره ۹۸

مکاتبه وزیر دربار شاهنشاهی (حسین علاء) با نخست وزیر (فضل الله زاهدی)
راجع به نامه نصرالله آسایش در مورد نفوذ افراد حزب ایران در ادارات دولتی
زاهدان

[تاج شاهنشاهی]

دربار شاهنشاهی

تاریخ: ۱۳۳۳/۵/۲۵

شماره: ۳۶۱۶

تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر

آقای نصرالله آسایش رئیس دفتر اداره راه شوسه زاهدان نامه‌ای به عنوان آقای مهدی ارباب
نماینده مجلس شورای ملی نگاشته و با درج اسامی عده‌ای از کارمندان دولت متذکر شده
است اشخاص نامبرده به نام حزب ایران در بلوچستان تشکیلاتی داده و به نفع حزب مزبور
مشغول فعالیت و تبلیغات هستند و برای اثبات گزارش رونوشت نامه‌ای که از طرف فرماندار
کل بلوچستان و سیستان به عنوان اداره راه بلوچستان صادر گردیده فرستاده است، اینک عین
نامه آقای مهدی ارباب و ضمائم آن برای ملاحظه جناب عالی به پیوست ایفاد می‌گردد تا هر
اقدامی را که شایسته بدانند معمول فرمایند.

وزیر دربار شاهنشاهی

[امضا: حسین علاء]

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۱۸۱۶

تاریخ: ۱۳۳۳/۵/۲۵

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۴

سند شماره ۹۸/۱

تاریخ: ۱۳۳۳/۵/۱۹

شماره: ۵۰۱

پیوست: دو برگ

مهدی اریاب

تلگراف اریاب

تلفن: ۳۶۴۱۴، ۳۵۳۳۸

وزارت دربار شاهنشاهی

محترماً تصدیق می‌دهد، اطلاعات زیادی از بعضی عناصر مضر در بلوچستان که در دوره هرج و مرج به جای انجام وظیفه در ادارات به خرابکاری می‌پرداخته‌اند رسیده که به مقامات مربوطه ارجاع گردد. چون بسیاری از ادارات هنوز تصفیه نشده و همدستان آن خائنین [در] مصادر امور و مشغول کارند قطعاً به گزارشات واصله ترتیب [اثر] داده نخواهد شد. ناچار برای این که نسبت به برگ‌های رسیده قابل توجه سکوت نکرده باشد عیناً تقدیم تا اقدامی را که شایسته می‌دانید معمول فرموده و دستورات لازم را صادر فرمایید.

با تقدیم احترام

مهدی اریاب

[امضا]

[مهر:] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۳

سند شماره ۹۸/۲

جناب آقای مهدی اریاب نماینده محترم بلوچستان

محترماً به استحضار عالی می‌رساند این جانب نصرالله آسایش رئیس دفتر اداره راه شوسه زاهدان که در زمان ریاست شاهزاده قهرمانی افتخار خدمت را در موقع انتخابات داشتم و مأمور شدم که آقای نیک‌بخت را از خاش به زاهدان بیاوریم و این عمل هم انجام شد. چون در آن تاریخ به عللی موفقیت آن جناب حاصل بفرمودند مورد بغض و کینه شدید همکاران

ریگی واقع از آن جمله آقای عباس نیک بخت که سوابق سوء ایشان مورد نظر جناب عالی هست می باشد و اخیراً با این که ضمن رونوشت نامه فرمانداری کل دستور صریح صادر نمودند و رونوشت آن پیوست این نامه تقدیم می شود ریاست اداره راه آقای جعفریه^۱ نمی دانم به چه جهت دستور را اجرا نمودند و به عناوین مختلف از او حمایت می نماید این بود که ناچاراً به عرض این مختصر مبادرت ورزیده و تقاضا دارد که اقدام فرمایید تا این عنصر کثیف از منطقه بلوچستان خارج شود؛ زیرا این فرد به تمام معنی فرد خرابکار [ی] می باشد و عده [ای] هم معلوم الحال را دور خود جمع نموده به نام حزب ایران تشکیلاتی داده اند که قبلاً مراتب به جناب آقای نخست وزیر (تیمسار سپهبد زاهدی) گزارش شده است که اسامی آنها به شرح زیر می باشد:

۱. آقای نیک بخت
 ۲. آقای زرین افسر، کارمند راه
 ۳. آقای موسی امیرابراهیمی، ناظر مالی راه
 ۴. آقای هرمزی، رئیس دارایی ایران شهر
 ۵. آقای عطوفی، رئیس خالصه بمپور
 ۶. آقای آزاد، رئیس کارگزینی فرهنگ
 ۷. آقای پاکدامن، رئیس حسابداری دارایی
 ۸. آقای کامبوزیا
- در این موقع که دولت برای سرکوب کردن خائنین به کشور اقدام می نماید موضوع را دستور فرمایید تعقیب و این افراد و حامیان آنها را منکوب سازند در انجام اوامر حاضریم.

آسایش

[امضا]

[۲]/۷/۳۲[۱۳]

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۱

سند شماره ۹۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت راه

تاریخ: ۱۳۳۲/۶/۲۵

محرمانه - مستقیم

شماره: ۸۶۲

به جای رونوشت

آقای رئیس اداره راه بلوچستان

تعقیب شماره ۶۹۱-م [مورخ] ۱۳۳۲/۵/۲۱ و عطف به شماره ۲۷۰۱-م [مورخ] ۱۳۳۲/۶/۱ چون آقای عباس نیکبخت کارمند آن اداره و عضو کمیته احزاب ایران که در این مدت برای مرعوب ساختن عشایر و پیشرفت تبلیغات مضره خود را همشیرزاده آقای دکتر مصدق حتی در تمام محافل و مجالس معرفی [و] به پشتیبانی و حمایت رهبران مرکز حزب ایران از هر نوع بی‌احترامی و اهانت را به مقام شامخ مملکت مشروطه فروگذار ننموده، مضافاً به این که دارای پرونده سوءاستفاده در داد[سرا] می‌باشد و فعلاً هم در حوزه ایرانشهر دست از حرکات تخریبی خود برنداشته دستور فرمایید نامبرده را احضار و به خدمت او خاتمه داده شود.

از طرف فرماندار کل بلوچستان و سیستان

وحید

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

[مهر: بایگانی دفتر نخست‌وزیر]

شماره: ۲

سند شماره ۹۸/۴

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

تاریخ: ۱۳۳۳/۷/۲۰ [۱۳]

شماره: ۶۸۰۳/س

محرمانه

ضمیمه: دارد سه برگ

اداره کل دفتر نخست وزیری

عطف به نامه شماره ۱۱۸۱۶ [مورخ] ۱۳۳۳/۶/۹ [۱۳] راجع به علمیات عده [ای] از کارمندان دولت که به نام حزب ایران در بلوچستان تشکیلاتی داده و به نفع حزب مزبور مشغول فعالیت بودند شرح مقتضی طی شماره ۵۶۱۷/۵۸۴۵ م [مورخ] ۱۳۳۳/۶/۱۶ [۱۳] به وزارتین راه، دارایی [و] فرهنگ نوشته شد. اینک رونوشت شرحی که در پاسخ فرستاده جهت استحضار به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

از طرف وزیر کشور

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳۳۲/۷/۲۱]

[حاشیه پایین، دوم: سابقه ضمیمه شد. ۱۳۳۲/۷/۲۲]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر]

شماره: ۱۸۰۱۶

تاریخ: ۱۳۳۳/۷/۲۱ [۱۳]

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر]

شماره: ۹

سند شماره ۹۸/۵

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

وزارت کشور

به اعلام وصول نامه محرمانه شماره ۵۸۴ [مورخ] ۱۳/۳۳/۶/۲۰ [مورخ] متضمن رونوشت نامه شماره ۳۶۱۶ [مورخ] ۱۳/۳۳/۵/۲۵ [مورخ] وزارت دربار شاهنشاهی و نامه شماره ۱۱۸۱۶ [مورخ] ۱۳/۳۳/۶/۷ [مورخ] دفتر نخست‌وزیری و رونوشت نامه آقای آسایش و نامه محرمانه شماره ۴۷۸۰۲/۸۹۶۰ [مورخ] ۱۳/۳۳/۶/۲۷ [مورخ] درخصوص فعالیت چند نفر از کارمندان اداره شوسه زاهدان و بلوچستان به نفع حزب ایران زحمت اشعار می‌دارد که نامه آقای آسایش در تاریخ ۱۳/۳۲/۷/۸ [مورخ] نوشته شده و این وزارت نیز به موجب نامه شماره ۳۳۳/۴۲۱ [مورخ] ۱۳/۳۳/۱/۱۱ [مورخ] که منضم به صورت جلسه مورخ ۱۳/۳۲/۱۲/۲۳ [مورخ] فرمانداری کل بلوچستان و سیستان و حاوی صورت اسامی عده‌ای از کارمندان وابسته به حزب ایران بوده نامبردگان را از خدمت برکنار و منتظر خدمت نموده و بعداً طبق گزارش تیمسار سرلشکر کیکاوسی نماینده محترم بلوچستان و بنا به تحقیقاتی که به عمل آمد معلوم شد که این انتساب و اتهام درباره آن‌ها صحیح نیست و به همین جهت دستور ابقای آنها به خدمت صادر و ابلاغ گردید و از حسن اتفاق نظریه هیأت بازرسی شرق که طی نامه شماره ۳۸۲۰ [مورخ] ۱۳/۳۳/۲/۱۹ [مورخ] از طریق وزارت دادگستری و طی نامه شماره ۴۷۸۰۲/۸۹۶۰ [مورخ] ۱۳/۳۳/۶/۲۷ [مورخ] از طرف آن وزارت اعلام گردیده نیز مؤید تصمیم این وزارت می‌باشد.

وزیر راه

[حاشیه پایین: رونوشت برابر اصل است. امضا: ناخوانا]

[مهر: وزارت کشور، اداره سیاسی]

[مهر: بایگانی دفتر نخست‌وزیر]

شماره: ۸

سند شماره ۹۹

مکاتبات شهربانی کل کشور با نخست وزیری در مورد نفوذ عناصر وابسته به احزاب ایران و توده در اداره برق

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره اطلاعات

شماره: ۵/۳۳۵۷۱

محرمانه - مستقیم

تاریخ: ۱۳۳۳/۷/۱۷ [۱۳]

جناب آقای نخست وزیر

محترماً به استحضار عالی می‌رساند اطلاعات واصله حاکی است وضعیت اداره برق کمافی السابق زیر نفوذ کارمندان منتسب به حزب توده و ایران باقی می‌باشد. به طوری که پاره‌ای از اعلامیه‌های حزب ایران به وسیله رئیس کارپردازی بین کارمندان توزیع می‌شود. آنچه که تحقیق شده عاملی رئیس دفتر بازرسی، شیوا رئیس برزن و رضوی بازرس و نماینده کارگران از عناصر توده‌ای بوده و عده‌ای از کارمندان بنگاه مزبور به شرح زیر [است]: عبدالکریم انواری کارمند شعبه حقوقی، ساسانفر شعبه حقوقی، مرتضی پاک‌طینت بازرس، محمد مهدی قاسمی رئیس حسابداری درآمد، نخعی رئیس درآمد، شهیدی رئیس صندوق درآمد، مصطفی پاک‌طینت رئیس شعبه تبدیل شعب فرعی به اصلی، بکایی رئیس دفتر بهره‌برداری، یعقوب دانش رئیس انتقالات، احمدی رئیس برق موقت، ماهرالنقش رابط اداره برق با نخست‌وزیری، محمود زهریه رئیس تدارکات کارپردازی، طبسی رئیس کارپردازی [و] شریفی کارمند دفتر درآمد از اعضا حزب ایران می‌باشند.

رئیس شهربانی کل کشور

[امضا: مهدیقلی علوی مقدم]

[حاشیه پایین:] فرمودند فوراً توده‌ای‌ها را از حزب ایران تفکیک کنند.

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۱

سند شماره ۹۹/۱

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۳۲/۷/۱۸ [۱۳]

شماره عمومی: ۲۱۴۲/۴

محرمانه - مستقیم

ریاست شهربانی کل کشور

مفاد نامه شماره ۵/۳۳۵۷۱ [مورخ] ۱۳۳۲/۷/۱۷ [۱۳] به استحضار جناب آقای نخست وزیر رسید، فرمودند افراد حزب منحلّه توده را از اسامی وابسته به حزب ایران فوراً تفکیک و صورت دهند.

رئیس کل دفتر نخست وزیر

سرتیپ دادور

[امضا]

[مهر]: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۲

سند شماره ۹۹/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

صورت اسامی کارمندان بنگاه برق که عضو حزب ایران و سایر احزاب هستند

۱- شیوا: رئیس برزن بنگاه برق سابقاً عضو حزب ایران بوده و فعلاً فعالیت ندارد.

- ۲- رضوی: بازرس بنگاه برق که ضمناً دانشجوی دانشکده حقوق می‌باشد، از افراد قدیمی حزب ایران و افکار ایدئولوژیکی دارد.
- ۳- عبدالکریم انواری: کارمند شعبه حقوقی برق، عضو حزب ایران، مدیر روزنامهٔ پرخاش در زمان دولت سابق، علاوه بر همکاری با دکتر فاطمی با اعضای حزب ایران علیه مصالح مملکت و مقامات عالیه فعالیت‌های شدید و خطرناکی از خود نشان داده و در آخرین شمارهٔ روزنامهٔ مذکور که صبح روز ۲۸ مردادماه منتشر گردیده در آن نسبت به مقام شامخ سلطنت اهانت نموده و در بازرسی منزلش هیجده تیر فشنگ اسلحه کمری و مقداری اوراق مضره کشف و به اتهام فعالیت مضره به فرمانداری نظامی تهران جلب شده بود.
- ۴- ساسانفر: عضو حزب ایران، ضمن خدمت در شعبه حقوقی بنگاه برق دانشجوی دانشکده حقوق است که از افراد متعصب حزب ایران می‌باشد.
- ۵- مرتضی پاک‌طینت: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۶- محمدمهدی قاسمی: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۷- نخعی: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۸- سیدی: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۹- مصطفی پاک‌طینت: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۱۰- بکایی: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۱۱- یعقوب دانش: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.
- ۱۲- احمدی: از زمان دولت سابق به راهنمایی (نهادندی نام) داماد زیرک‌زاده به عضویت حزب ایران در آمده.

- ۱۳- ماهرالنقش: از بستگان انواری است که مدیریت روزنامه فریاد اصفهان را داشته و به حزب ایران بستگی دارد.
- ۱۴- محمود زهریه: از افراد وابسته به حزب زحمتکشان (نیروی سوم) می‌باشد و از زمان دولت سابق به عضویت حزب مذکور درآمده ولی فعلاً فعالیتی ندارد.
- ۱۵- طبسی: رئیس کارپردازی بنگاه برق وابسته به هیج حزبی نیست و در زمان دولت سابق که همواره سعی می‌شد فقط عناصر وابسته به دولت سرکار باشند مطرود دستگاه مصدقی‌ها بوده است.

سند شماره ۹۹/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: اطلاعات

صورت‌اسامی کارمندان توده‌ای بنگاه برق:

- ۱- عاملی: رئیس دفتر بازرسی از سال ۲۴ به عضویت حزب منحل توده درآمده و تا بهمن ماه ۲۷ فعالیت علنی شدیدی از خود ابراز و پس از اعلام غیرقانونی حزب توده، نامبرده نیز بستگی خود را با تشکیلات مخفی حزب منحل توده حفظ نموده و در زمان سابق که امکان فعالیت علنی مجدداً برای افراد حزب منحل توده فراهم گردیده بود علناً به نفع حزب فعالیت داشته و در واقع از افراد مؤمن و متعصب حزب می‌باشد و فعلاً از بنگاه برق استعفا نموده است.
- ۲- شریفی: در زمان دولت سابق به عضویت حزب منحل توده درآمده و بسیار فعال و اکنون نیز بستگی خود را به حزب منحل توده حفظ نموده و مدتی هم تحت تعقیب مقامات فرمانداری نظامی بوده است.

سند شماره ۱۰۰

مکاتبه وزارت فرهنگ با نخست وزیری راجع به درخواست استانداری اصفهان در مورد احضار مهندس طهبازیان (عضو حزب ایران) به دلیل ایجاد اختلاف و اغتشاش میان دانش آموزان و هنرآموزان

[شیر و خورشید]

وزارت فرهنگ

شماره: م/۳۴۸۲

ضمیمه: یک برگ

اداره دفتر محرمانه و رمز

تاریخ: ۱۳۳۳/۱۱/۱۸

ریاست دفتر کل نخست وزیری

عین رونوشت نامه استانداری استان دهم به ضمیمه ارسال می شود. رونوشت مذکور مربوط به نامه شماره ۳۴۰۷/۴ مورخ ۱۳۳۳/۱۰/۱۵ [۱۳] که اشتباهاً فرستاده شده است اینک همراه این نامه ارسال می شود.

از طرف وزیر فرهنگ

شهنایی

[امضا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه.

[حاشیه پایین، دوم:] بماند تا جواب مأمور اعزامی برسد. [امضا: ناخوانا] [۱۳۳۲]/۱۱/۱۹

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۳۸۸۷/۴

تاریخ: [۱۳]۳۲/۱۱/۱۹

سند شماره ۱۰۰/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان دهم

تاریخ: ۱۳۳۳/۱۰/۱۱ [۱۳]

شماره: ۱۳۴۴/م

محرمانه و فوری است

پیوست: دارد

جناب آقای نخست وزیر معظم

رونوشت نامه شماره ۵/۶۶۱۶ شهربانی اصفهان به پیوست تقدیم می‌شود. چون وجود آقای مهندس طهبازیان عضو حزب ایران در اصفهان باعث زحمت شده. مستدعی است مقرر فرمایند فوری او را از اصفهان احضار نمایند.

استاندار استان دهم

[امضا: امیرقاسم فولادوند]

[حاشیه پایین: رونوشت به وزارت فرهنگ ارسال شود که با توجه به گزارش ضمیمه دستور لازم صادر فرمایند.

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۳۴۰۷/۴

تاریخ: ۱۳۳۳/۱۰/۱۴ [۱۳]

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۱

سند شماره ۱۰۰/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان دهم

تاریخ: ۱۳۳۳/۱۰/۸

شماره: ۵/۶۶۱۶

محرمانه - مستقیم

جناب آقای استاندار استان دهم

به استحضار می‌رساند. ساعت ۱۵ روز ۱۳/۳۳/۱۰/۷ [۱۳] آقای بهادری رئیس هنرستان هنرهای زیبا از محل مذکور به این‌جانب تلفناً اطلاع داد که عده‌ای از محصلین هنرستان صنعتی قفل یکی از اتاق‌های این هنرستان را شکسته و عده‌ای را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند که بلافاصله شخصاً به محل مزبور عزیمت و برای آن‌که اداره فرهنگ هم از موضوع مستحضر و اقدام شایسته به عمل آید فوراً تلفنی^۱ آقای کتابی معاون اداره فرهنگ را که در غیاب آقای رئیس فرهنگ انجام وظیفه می‌نمایند خواسته، حاضر و به اتفاق در اطراف موضوع بررسی و تحقیق لازمه معمول و معلوم شد آقایان بهادری رئیس هنرستان هنرهای زیبا و طهبازیان رئیس هنرستان صنعتی از سابق اختلافاتی از لحاظ محل مذکور و عقیده‌ای که بنا به اظهار آقای بهادری آقای طهبازیان عضو حزب ایران بوده با یکدیگر داشته ضمناً به‌عنوان کمبود کلاس تدریس و این‌که یکی از کلاسهای هنرستان هنرهای زیبا مورد استفاده هنرستان صنعتی قرار گیرد اختلافات آنان تشدید و در موقع تشریف‌فرمایی جناب آقای وزیر فرهنگ به اصفهان موضوع مورد مذاکره قرار گرفته و مقرر می‌شود در هفته دو روز یکی از کلاس‌های هنرهای زیبا مورد استفاده هنرستان صنعتی قرار گیرد و آقای بهادری هم یکی از کلاس‌ها را در اختیار آنان می‌گذارد تا این‌که روز گذشته هرنجویان کلاس پنجم هنرستان

۱. در اصل: تلفونی.

صنعتی به عنوان این‌که کلاسی که از طرف هنرستان هنرهای زیبا در اختیار آنان گذارده شده قابل استفاده نیست، مجتمعاً به کلاس دیگری از این هنرستان رفته قفل درب آن را شکسته و داخل کلاس می‌شوند. سپس آقای بهادری به اتفاق چند نفر از هنرآموزان خود [به] عنوان نصیحت و سرزنش محصلین مذکور به کلاس مورد بحث رفته و در نتیجه مشاجره و منازعه ایجاد که منجر به شکستن سر یکی از معلمین هنرستان هنرهای زیبا به نام ابوعطا^۱ می‌گردد. در ضمن آقای بهادری شرحی تسلیم و ضمن دادخواهی آقایان طهبازیان و زهدی مدیر و ناظم هنرستان صنعتی را محرک معرفی نموده و در اثر ادامه تحقیقات و بنا به اعترافات که در بازجویی نمودند معلوم شد عباس نوایی یکی از هنرجویان کلاس پنجم به معیت سایر شاگردان آن کلاس قفل کلاس مورد بحث را شکسته و مبادرت به منازعه نموده، که مشارالیه به اتفاق محمود بهبهانی یک نفر دیگر از هنرجویان آن کلاس مورد تعقیب واقع و بنا شد فعلاً تا عرض گزارش و تصمیم قطعی در این مورد از هنرستان اخراج گردند و از مرکز و همچنین از فرهنگ استان دهم بازرسینی جهت رسیدگی به موضوع و رفع اختلاف مدیران دو هنرستان مذکور به هنرستان رفته اقدامات لازمه معمول دارند. اینک با عرض مراتب فوق چون مؤسسات فرهنگی به منظور تعلیم و تربیت افراد و اطفال ساده لوح تشکیل و لازم است از هرگونه تحریک و تشنج و اخلاص‌گری مصون باشد و ادامه اختلافات دو نفر آقایان مذکور و ایجاد تشنج در محیط هنرستان علاوه از آن‌که صورت فوق‌العاده نامطلوبی در اذهان عمومی دارد ممکن است به سایر مؤسسات فرهنگی هم سرایت کند. مستدعی است اوامر مقتضی و شایسته در این مورد به اداره فرهنگ صادر فرمایند. در خاتمه به استحضار می‌رساند فعلاً دو نفر محصل مذکور به قید کفیل مرخص و منتظر صدور اوامر عالی می‌باشد. رونوشت گزارش بالا نیز برای استحضار اداره فرهنگ استان دهم ارسال گردید.

رئیس شهربانی اصفهان

سرهنگ خلیل پور

[حاشیه راست]: رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا] [۲۱/۱۰/۳۳] [۱۳]

۱. در اصل: یکی از معلمین هنرستان به نام (ابوعطا) هنرهای زیبا می‌گردد.

سند شماره ۱۰۱

دستور نخست وزیری به شهربانی کل کشور در مورد مخالفت محمدرضا پهلوی با برکناری اعضای حزب ایران از مشاغل سازمان برنامه و مفرضانه بودن اتهامات وارده به آنها

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۱۹۰۰/۴

پیوست: دارد

تاریخ: ۱۳۳۵/۸/۲۱

به کلی محرمانه - مستقیم - فوری

تیمسار سرلشکر علوی مقدم ریاست شهربانی کل کشور

صورت ضمیمه^۱ مربوط به اعضای حزب ایران که در قسمت‌های مختلف سازمان برنامه اشتغال دارند و همچنین صورت دیگری از اشخاصی که در چند ماهه اخیر از مشاغل خود برکنار گردیده‌اند، به ضمیمه ایفاد می‌دارد. صورت‌های مزبور به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسید، فرمودند به نظر می‌رسد مفرضانه تهیه شده است. بهتر است ریاست شهربانی معلوم نمایند این اشخاص چه فعالیتی برضد مصالح مملکت در گذشته و حال داشته و دارند زیرا همگی از مهندسين تحصیل کرده و مورد احتیاج کارهای عمرانی سازمان برنامه و شایسته نیست بدون وجود مدرک مثبت غیرمفرضانه از کار برکنار گردند. مقتضی است در اجرا [ای] اوامر مبارک ملوکانه سریعاً و شخصاً اقدام و معلوم نماید فعالیت‌های ناروای آنها از چه قرار است. در مورد صورت دیگر هم که اظهار شده بود اشخاصی خدمتگزار هستند نیز با تردید تلقی فرمودند زیرا اغلب آنها دارای شهرت مناسب و شایسته [ای] نیستند.

نخست وزیر

۱. صورت مذکور در پرونده نبود.

سند شماره ۱۰۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

اداره: اطلاعات

شماره: ۵/۴۷۲۸۰ز

محرمانه. مستقیم. فوری است

تاریخ: ۱۳/۳۵/۸/۲۴

جناب آقای نخست‌وزیر

عطف به مرقومه شماره ۱۹۰۰/۴ [مورخ] ۱۳/۳۵/۸/۲۱ [راجع به صورت اسامی اعضا] ی] حزب ایران در قسمت‌های مختلفه سازمان برنامه به استحضار عالی می‌رساند. صورت‌های مذکور در جلسه دوشنبه چهاردهم از طرف تیمسار سرلشکر وثوق وزیر جنگ در جلسه کمیسیون امنیت به جناب عالی داده شده ولی اینک هم دستور داده شد که رسیدگی و نتیجه به استحضار برسد.

رئیس شهربانی کل کشور

سرلشکر علوی مقدم

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:] ملاحظه شد. [امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، دوم:] بایگانی. [امضا: ناخوانا] ۱۳/۳۵/۸/۲۷

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۱۹۵۰/۴

تاریخ: ۱۳/۳۵/۸/۲۸

سند شماره ۱۰۲

اعلامیه کمیته مرکزی حزب ایران در حمایت از پیام رئیس جمهور آمریکا درباره حقوق بشر، آزادی فردی و استقلال ملت‌ها

[تاریخ: اول بهمن ماه ۱۳۳۵]

اعلامیه حزب ایران

کمیته مرکزی حزب ایران در بیانات رئیس جمهور ممالک متحده آمریکا شمالی در ضمن پیام‌های پنجم و دهم ژانویه ۱۹۵۷ به کنگره آن کشور مطالعات دقیق نموده و از لحاظ این که مفاد و روح این دو پیام را بر ضد «امپریالیسم» و «کلنیالیسم» و موافق با احترام حقوق بشر و آزادی افراد و استقلال ملل در اداره امور خود و تقویت وطن پرستی و تقوی تشخیص داده. خاصه که پیام مذکور پس از اتخاذ سیاست مستقل و مساعد در مسأله حمله به مصر ایراد شده، اصولاً خوشبین است و از جنبه واقع بینی نیز آنها را با اصول سیاست داخلی خود که عبارت است از:

الف) اجرای قانون اساسی و متمم آن.

ب) اجرای اعلامیه حقوق بشر و احترام به آزادی و حقوق و امنیت قضایی ملت ایران.

ج) متابعت از اصول پارلمانی و دموکراسی و تحقق حکومت مردم بر مردم.

د) ریشه کن کردن فقر و رشوه خواری و نادرستی.

و با اصول سیاست خارجی خود که عبارتست از:

الف) متابعت از منشور ملل متحد.

ب) احترام [به] عهد و پیمان‌های موجود.

ج) مبارزه با کمونیسم.

د) همکاری نزدیک با ملل اسلامی و آسیایی.

ه) جانبداری از ملل محروم و مظلوم جهان.

و) نوع دوستی و همکاری بین‌المللی، منطبق می‌داند.

حزب ایران قویاً معتقد است که از بین بردن عدم رضایت‌ها، احترام حقیقی به آزادی و حقوق و امنیت قضایی، حکومت قانون و شرکت مردم در اداره امور کشور خود، مهمترین عامل اصلی و اساسی برای مبارزه با نفوذ کمونیسم و موجب پیشرفت تجدّد و ترقی می‌باشد.

جاوید باد ایران

از طرف کمیته مرکزی حزب ایران

اللهیار صالح

سند شماره ۱۰۳

نامه اسدالله ریاضی درباره اعلامیه حزب ایران و موضع‌گیری این حزب در قبال حزب توده

اسدالله ریاضی

واعظ

تلفن: ۲۰۷۸۲

تاریخ: ۱۳۳۵/۱۱/۱۷

شماره: ۱

پیوست: دو برگ

خدا - شاه - میهن

شرحی مختصر راجع به اعلامیه حزب ایران است

این اعلامیه شباهت دارد به این لطیفه [که] یک مرد کاسب زمستان لبومی فروخت در تابستان شنگ تازه، روزی از یک کوچه عبور می‌کرد یک زنی او را صدا کرد آی شنگی بیا، وقتی که شنگی آمد. آن زن قدری شنگ خرید و گفت همیشه شما بیاید که بوی بهار آوردی، آن فرومایه بی‌شرم و بی‌آبرو و لبو فروش هر وقت بیاید سرما و زمستان را با خود می‌آورد. مرد شنگ فروش جواب داد همشیره فحش ندهید آن هم من بودم که در زمستان لبومی فروشم در تابستان شنگ. عیناً اعلامیه اللهیار^۱ صالح رهبر حزب ایران حکایت مرد کاسب را دارد که روزی با حزب توده بند و بست می‌کند و زمانی با دکتر مصدق می‌سازد. مآلاً هم اعلامیه مضحک و بی‌مغز و پوچ صادر می‌نماید. نظرم هست که در تاریخ سال ۱۳۲۴ همین اللهیار

۱. در اصل: الهیار.

صالح و آقای مهندس فریور یک نفر دیگر از نمایندگان مجلس شورای ملی که با مصدق همکاری و دسته‌بندی داشته و در ضمن وابسته به حزب توده بودند و حتی همان روز با یکی از وابسته‌های نظامی خارجی سه نفر آقایان مزبور تماس مستقیم داشتند و حزب توده را کاملاً تقویت می‌کردند. وسایل پیشه‌وری را در آذربایجان فراهم و از عمل خائنانه او طرفداری می‌نمودند. هر روز با شکلی فعالیت کرده، قیام آذربایجان را به نفع کشور باستانی می‌دانستند. البته باطناً رئیس این دسته جناب دکتر مصدق بود چون آن زمان وظیفه هر ایرانی خادم و حقیقی بود انجام خدمت نماید. لذا رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی آن روز حاضر شد که با دکتر مصدق به وسیله مهندس فریور ملاقات نماید. تلفناً وقت گرفته شد و پس از تعیین وقت ملاقات با دکتر مصدق حاصل گردید که شاید خیری برای مملکت باشد. در این ملاقات و ملاقات ۳ ستوال رئیس ستاد با ایشان صورت گرفته است:

۱. آیا جناب عالی با حزب توده و با عمل آنها موافقت دارید یا نه.
 ۲. آیا با این وضع فعلی که عناصر خارجی در مملکت است انتخابات شروع شود به ضرر کشور است یا نه.

۳. آیا [با] دادن امتیاز نفت به شوروی موافقت دارید یا خیر.

در جواب اول: حزب توده باید باشد و وجود آن به نفع کشور هست.
 در جواب دوم: دکتر مصدق گفتند باید انتخابات شروع شود و ضرر هم با بودن قشون اجنبی در ایران به انتخابات ندارد.

جواب سوم: اگر بنا شود منابع نفت را خارجی منفعتش را ببرد چه اشکالی دارد یک امتیاز هم روس‌ها داشته باشند. در این موقع رئیس ستاد محترم خداحافظی نمود از منزل دکتر مصدق خارج شد. این عمل خائنانه مصدق و عمال آن بود و از آن جمله است اللهیار صالح، ولی اللهیار صالح بداند خائنین مثل خودش که اعمال گذشته را ما هرگز فراموش نکرده‌ایم و دیگر اجازه نمی‌دهیم اگر به قیمت جان هم تمام شد زمام امور به دست بیگانه و وطن فروش و خائن شاهنشاه عظیم‌الشان بیفتد. این جانب اسدالله ریاضی خدمتگزار و جان نثار شاهنشاه و وطن بدون کوچکترین نظر ۱۴ سال متوالی است انجام وظیفه نموده و می‌نمایم گرچه برای خادمین و جان نثاران شاهنشاه دفتر خاطراتی باز نشده است اما سندهای فداکاران و

جان نثاران اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاه و وطن دفتر خاطرات است که در تاریخ نام جان بازان و فداکاران حقیقی را در راه خدمت به وطن و محمدرضا شاه پهلوی در صفحه روزگار خود ضبط می‌نماید و همین‌طور که در تاریخ ۱۳/۱۱/۳۵ [۱۳] جناب آقای جمال امامی سناتور محترم که این‌جانب عقیده راسخ و ایمان کامل به لیاقت ایشان دارم فرمودند سالیان دراز در مواقع حساس رنج‌ها و شکنجه‌ها کشیده و [مورد] تهدید و حملات شدید بیگانه و بیگانه پرستان واقع می‌شدیم و هستیم. نمی‌گذاریم اعمال آنها مجدداً تجدید شود. ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه توست عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری در کشور شاهنشاهی، خائن و جنایت‌کاری نمی‌تواند قدم علم کند و البته معلوم است این قبیل اعلامیه‌ها و همچنین اعلامیه حزب ایران که اخیراً صادر شده از حسن اخلاق و رفتار دولت استفاده شده است. امیدواریم دولت علیه در این باره توجه بیشتری داشته باشند.

جان نثار شاهنشاه

اسدالله ریاضی

[امضا]

سند شماره ۱۰۴

مکاتبه دادستانی ارتش با نخست‌وزیری در مورد دادخواست اسماعیل فرجاد رهبر حزب ایران (شعبه رشت) و اتهامات وارده به ایشان

[شیر و خورشید]

ستاد بزرگ ارتشتاران

محرمانه، مستقیم است

پیوست: چهار برگ

اداره: دادستانی ارتش

تاریخ: ۱۳/۳۶/۳/۷

شماره: ۴۱۸۶/د

جناب آقای نخست‌وزیر

با نهایت احترام بازگشت به شماره ۴۶۹۹/۴۰ بازرسی تاریخ ۱۳/۳۶/۳/۴ با اعاده عین

دادخواست آقای سیداسماعیل فرجاد به عرض می‌رساند:

۱- اساس پرونده متشکله درباره نامبرده به طور خلاصه این است که صرفنظر از فعالیت‌های مضره در دوران حکومت دکتر محمد مصدق در تاریخ ۲۵-۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ در حالی که رهبر افراد وابسته به حزب ایران در رشت بوده مجسمه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی را تخریب نموده، استاندار وقت را به نفع هواخواهان مصدق تهدید کرده و به طور کلی مرتکب اعمالی گردیده که مخالف وی نسبت به برهم زدن اساس حکومت و تخت و تاج سلطنت آشکار بوده است و پس از قیام ملی ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ [۱۳] مدت‌ها متواری بوده تا این که به وسیله یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی خود را معرفی و تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

۲- تقاضای دادستان ارتش به موجب کیفرخواست تنظیمی مستند به مدارک موجود در پرونده صدور رأی محکومیت اعدام درباره نامبرده بوده است که پس از احالۀ پرونده به دادگاه عادی لشکر ۲ زرهی مرکز دادگاه با قایل شدن دو درجه تخفیف در کیفر، متهم را محکوم به سه سال زندان با کار می‌نماید و اکنون پرونده در دادگاه تجدیدنظر سپاه ۱ در جریان دادرسی است و منجر به صدور رأی نشده است.

۳- آقای سیداسماعیل فرجاد توقع و انتظار دارد امروزه دادگاه رأی برائت او را صادر نمایند که این توقع با خواسته ایشان در روز ۲۵ مردادماه ۱۳۳۲ [۱۳] تفاوت فاحش دارد که در این مورد توجه عالی را به رونوشت تلگراف نامبرده در روز ۲۵ مرداد (پیوست شماره ۱) معطوف می‌نماید.

۴- از لحاظ دادستانی ارتش افرادی وابسته به حزب ایران در مواردی مرتکب اعمالی شده‌اند که درجه خیانت آنها به مراتب افزون از خیانت افراد وابسته به حزب منحلۀ توده بوده است که از جمله آنها آقای اسماعیل فرجاد دبیر حزب ایران در رشت بوده است. به موجب پرونده متشکله نظریات کلیه مقامات انتظامی رشت درباره اعمال نامبرده مشابه نظریه فرمانده وقت تیپ مستقل رشت است، که رونوشت نظریه فرمانده مزبور به شرح (پیوست شماره ۲) به عرض عالی می‌رسد.

۵- در روز ۲۷ مرداد ماه ۳۲ آقای اسماعیل فرجاد به خط خود نامه‌ای به عنوان دادستان دادرسی شهرستان رشت صادر نموده که رونوشت آن را به شرح (پیوست شماره ۳) ملاحظه می‌فرمایند و این دادستانی حاجت به توضیح نمی‌بیند که مفاد نامه متهم در روز ۲۷ مردادماه تا

چه اندازه با مفاد دادخواست تقدیمی به تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۳۶ [به عنوان مقام عالی مغایرت دارد، حال اگر آقایانی با عناوینی از قبیل: (نوع پروری)، بدبختی متهم، (جوانی)، (دعاگویی) تشبث می نمایند که گناهکاران را بی گناه و مأموران دولتی را بی بند و بار قلمداد نمایند کوچکترین تأثیری در انجام وظیفه این دادستانی نخواهد داشت.

در خاتمه به دادگاه تجدیدنظر سپاه ۱ اعلام شد با رسیدگی دقیق و صدور رأی عادلانه هر چه زودتر تکلیف متهم و این دادستانی را معلوم نمایند.

دادستان ارتش

سرلشکر آزموده

[امضا]

[حاشیه سمت راست: دفتر، نمونه گزارش را ضبط نماید ولی مفاد آن را به اطلاع آقای مهندس بهاری (سازمان بیمه های اجتماعی) برسانند.

[امضا: دکتر منوچهر اقبال]

[۱۳]۳۶/۳/۱۰

سند شماره ۱۰۴/۱

[تاریخ: ۲۲ فروردین ۱۳۳۶]

جناب آقای دکتر اقبال نخست وزیر دانشمند و معظم

محترماً به عرض عالی می رساند: این جانب سید اسماعیل فرجاد در سال ۱۳۲۳ به سابقه حس وطن پرستی و احساسات جوانی به منظور مقابله با حزب توده و قوای بیگانه که کشور عزیز ما را در اشغال خود داشتند در شهرستان رشت عضویت حزب ایران را پذیرفتم و به همین مناسب تحت فشار قوای اشغالگری و ایادی آنها رسماً از منطقه اشغالی شوروی تبعید گردیدم و بعد از خروج نیروهای بیگانه مبارزه خود را به اتفاق عده ای جوان پرشور و وطن پرست دنبال کردم و در این راه متحمل انواع محرومیت ها گردیدم تا این که روز ۲۷ مرداد سال ۱۳۳۲ [به مناسبت

اقداماتی که در مرکز به عمل آمده بود عده‌ای ظاهراً قصد برداشتن مجسمه اعلی حضرت همایونی را داشته‌اند که بر اثر تیراندازی پلیس بدون این که موفق به انجام عملی شده باشند متفرق شده‌اند و دو سه نفر از افراد حزب ایران رشت که گویا در میان جمعیت بوده‌اند مجروح می‌گردند و مجروح شدن این عده مبنای تشکیل پرونده‌ای علیه این جانب که دبیر کمیته حزب ایران رشت بوده‌ام گردیده است و در پرونده امر هیچ دلیلی مبنی بر شرکت یا تحریک یا صدور دستوری از طرف فدوی وجود ندارد، فقط به اتکاء گزارش استنادار و مأمورین وقت که خود متهم بوده و با دلایل متقن مغرض بوده‌اند این جانب را طبق ماده ۳۱۷ آیین کیفر ارتش در دادگاه بدوی به سه سال زندان محکوم ساخته‌اند و اکنون پرونده امر در دادگاه تجدیدنظر سپاه ۱ مرکز تحت رسیدگی است. این جانب ۲۲ سال سابقه خدمت صادقانه در وزارت پست و تلگراف دارم و بهترین ایام جوانی خود را با تحمل هزاران محرومیت و مشقت در راه خدمت به وطن و اعتلای نام ایران عزیز به سر برده‌ام و در این راه نه صاحب جاه و مقامی شده‌ام و نه از مال دنیا نصیبی داشته‌ام و در مدت قریب چهارسال که از وقایع مذکور می‌گذرد آنچه از اثاث زندگی داشته‌ام به کلی از بین رفته، به علاوه سلامت مزاج خود را از دست داده‌ام، در حالی که هیچ یک از سران و افراد احزاب وابسته به جبهه ملی سابق مورد مزاحمت قرار نگرفته‌اند. در حالی که مؤثرترین عناصر رهبری حزب بیگانه پرست و کمونیست توده با کمتر از دو سال توقف در زندان بدون محاکمه و محکومیت از زندان آزاد شده و می‌شوند در حالی که اکثریت سازمان نظامی و قوای مسلح حزب توده آزاد شده‌اند.

خرقه‌پوشان همگی مست گذشتند و گذشت

قصه ماست که بر هر سربازار بماند
 همچنان که خطاکاران بزرگ و درجه اول با ابراز پشیمانی و ندامت مورد عنایت و مهر و عطوفت شاهنشاه قرار گرفته‌اند، اگر وضعیت این جانب نیز به عرض می‌رسید با کمال وفاداری و خلوص عقیدتی که به قانون اساسی و مقام شامخ سلطنت داشته‌ام یقیناً این همه رنج و مشقت متحمل نمی‌شدم. اکنون از حضور محترم آن جناب استدعا دارم مقرر فرمایند اگر هم احیاناً به زعم مقامات دادستانی ارتش اشتباه و یا خطایی هم سرزده باشد چهار سال رنج و مشقت و زندان و محرومیت از زندگی آزاد را به عنوان کفاره گناهان محسوب تا لااقل ۲۲ سال سابقه خدمت گذشته و زندگی آینده‌ام با صدور حکم محکومیت قطعی در دادگاه تجدیدنظر به

مخاطره نیفتد تا بر اثر یأس و حرمان، اساس خانواده‌ای به کلی و برای همیشه مضمحل و نابود نگردد.

با تقدیم احترامات - از زندان

سیداسماعیل فرجاد

[امضا]

[حاشیه پایین:] فدایت شوم، دوبار برای تقدیم این عریضه شرفیاب شدم ولی موفق به زیارت آن دوست ارجمند نشدم. تمنا دارم از راه نوع پروری بذل توجه مخصوصی درباره این بدبخت بفرمایید تا شاید تیرئه حاصل گردد و یک عمر به دعاگویی مشغول گردد. [امضا: بهاری] با تقدیم مراتب ارادت

[حاشیه راست:] تیسمار سرلشکر آزموده دادستان کل ارتش، خواهشمندم رسیدگی و نتیجه را گزارش دهند. [امضا: منوچهر اقبال] [۱۳]۳۶/۳/۲

سند شماره ۱۰۴/۲

حزب ایران

کمیته ایالتی گیلان

[شماره: ۲۲۹۶۷]

[تاریخ: ۱۳]۳۲/۵/۲۵

پیوست: نمره ۱

جناب آقای نخست‌وزیر

رونوشت کمیته مرکزی حزب ایران، رونوشت تبلیغات حزب ایران رشت: انزجار و تنفر خود را نسبت به توطئه ضدملی کودتاجیان و عمال بیگانه ابراز داشته و تشکیل محکمه فوق‌العاده ملی و محاکمه و مجازات عاملین و مسببین را جداً خواستار است.

دبیر حزب ایران رشت

[امضا: اسماعیل فرجاد]

رونوشت برابر اصل است. [امضا: حسین آزموده]

سند شماره ۱۰۴/۳

[شیر و خورشید]

ستاد بزرگ ارتشتاران

پیوست شماره ۲

سیداسماعیل فرجاد دبیر حزب ایران شعبه رشت در زمان قدرت دولت سابق علناً به فعالیت و مبارزه علیه دربار و ارتش مشغول بوده و حتی در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ مرداد این فعالیت را وسیع تر نموده و اطلاع رسیده به تیپ حاکی بود که نامبرده شب ۲۶ مرداد طی یک جلسه محرمانه در کمیته حزب ایران گزارش علیه چند تن از افسران شاه دوست تیپ مبنی بر این که این افسران احساسات درجه داران را بر له شاهنشاه تحریک و سبب تشنج شهر شده اند تنظیم و قصد ارسال به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ایران داشته و در آن تقاضا نموده افسران مورد نظر را به نواحی جنوب منتقل کنند. همچنین نامبرده در صبح روز ۲۷ مرداد افراد حزب ایران در مرکز حزب جمع ضمن تهیه نردبام و وسایل دیگر مقدمات پایین آوردن مجسمه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی را فراهم و بالاخره با استفاده از موقعیت خود به رهبری افراد مربوطه و سایر خائنین مجسمه شاهنشاه را با آن وضع پایین آورده است. به طور کلی این شخص در تخریب مجسمه محرک اصلی می باشد. ضمناً نامبرده در روز ۲۵ مرداد تلگرافی به کمیته مرکزی حزب ایران مخابره و در آن مجازات مسببین کودتای شب ۲۵ مرداد را خواستار می شود.

رونوشت برابر اصل است. [امضا: حسین آزموده]

سند شماره ۱۰۴/ع

[شیر و خورشید]

وزارت جنگ

پیوست شماره ۳

در حدود ساعت ده و نیم صبح امروز به مناسبت اخباری که در روزنامه باختر امروز منتشر شده بود عده‌ای در حدود پانزده نفر افراد حزب ایران با پرچم حزب و نردبان به طرف مجسمه شاه سابق در میدان شهرداری می‌رفتند که عده‌ای پاسبان به دستور سرگرد راست‌روان با اسلحه کمری به آن عده که می‌خواستند مجسمه را پایین بیاورند تیراندازی کردند و در نتیجه آقایان اسماعیل دلیلی، منصور، ناصر اخوان، بلورچیان، ابراهیم، جعفر و تقی پسران یوسف با اسلحه مضروب و به شدت مجروح فعلاً در بیمارستان پورسینا بستری می‌باشند که به قرار اطلاع وضع مزاجی آنها خطرناک و مشرف به موت می‌باشند و عده‌ای دیگر از جمله آقایان سلیمی اشکوری و حسن سلیمانی به شدت با باطوم^۱ و لگد مضروب شده‌اند کسانی که تیراندازی کرده‌اند در ضمن تیراندازی فریاد می‌کردند ما می‌کشیم زنده شاه، آقای سرگرد راست‌روان و آقایان میرقاسم پیرسرانی پاسبان و فرج‌الله نوزاد پاسبان، میرحسین پاسبان، محمد کالش پاسبان، تیراندازی کرده‌اند. بدین وسیله مراتب اعلام و تقاضای تعقیب فوری را دارم.

دبیر حزب ایران رشت

فرجاد (امضا)

[۱۳]۳۲/۵/۲۷

رونوشت برابر اصل است. [امضا: حسین آزموده]

سند شماره ۱۰۴/۵

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

شماره: ۷۸۶/۴

تاریخ: ۱۳۳۶/۳/۱۳

محرمانه

آقای مهندس بهاری - سازمان بیمه‌های اجتماعی

عطف به شرحی که در ذیل تقاضای ندامت و عفو مورخ ۱۳۳۶/۱/۲۲ [۱۳] آقای سیداسماعیل فرجاد به‌عنوان جناب آقای نخست‌وزیر مرقوم فرموده‌اید لزوماً متذکر می‌گردم که اساس پرونده متشکله برعلیه نامبرده به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

- ۱- در دوران حکومت مصدق فعالیت‌های علنی و مضر داشته و در ایام ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ [۱۳] هنگامی که رهبری افراد وابسته به حزب ایران در رشت را به‌عهده داشته مجسمه اعلی‌حضرت همایون شاهنشاه را تخریب و استاندار وقت را تهدید نموده. از مجموع اقدامات، مخالفت و اقدام او برای برهم زدن اساس حکومت و تاج و تخت سلطنت مسلم و آشکار است.
- ۲- دادستان ارتش به استناد مدارک مسلم و روشن برای او تقاضای اعدام کرده و دادگاه عادی لشکر ۲ زرهی مرکز با قائل شدن دو درجه تخفیف متهم نامبرده را به سه سال زندان محکوم کرده که اکنون پرونده در جریان تجدید نظر است.
- ۳- از نظر مقامات صالحه نظامی خیانت این قبیل افراد وابسته به حزب ایران به مراتب از بزه‌های افراد وابسته به حزب منحل توده بیشتر است.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

[بی‌افزود]: رونوشت عطف به مرقومه محرمانه شماره ۴۱۸۶/۴ مورخ ۱۳۳۶/۳/۷ [۱۳] برای استحضار تیمسار سرلشکر آزموده دادستان ارتش ارسال و اشعار می‌دارد که جناب آقای نخست‌وزیر مطلقاً نظر ارفاق نسبت به این متهم و امثال او نداشته و ندارد.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

[۱۳]۳۶/۳/۱۳

سند شماره ۱۰۵

مکاتبة وزارت کشور با نخست وزیر در مورد وابستگی شهردار درگز به حزب ایران و عدم صلاحیت اعضای انجمن شهر آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره انتخابات

تاریخ: ۱۳۳۶/۳/۱۹

شماره: ۸۷۴

ضمیمه: دارد

جناب آقای نخست وزیر

انجمن شهر درگز در تاریخ ۱۳۳۶/۹/۱۷ [۱۳] بر طبق قانون شهرداری تشکیل یافته و یک نفر از اهالی محل به نام آقای سلیمانی به سمت شهردار انتخاب نمود. چون شکایت تلگرافی از سوابق سیاسی شهردار منتخب و بعضی از اعضای انجمن می رسید و به استانداری استان نهم ارجاع گردید و در خلال این احوال اطلاعات شفاهی دیگری هم به فرمانداری درگز رسیده بود که شهردار و عده [ای] از اعضا به علت بستگی به احزاب سیاسی مخالف دولت صلاحیت کار را ندارند و به علاوه آقای شهردار هم معتاد به افیون و شیره و مورد اعتماد حزب سابق ایران است. استانداری ضمن نامه شماره ۱۹۳/م [مورخ] ۱۳۳۶/۲/۲۱ [۱۳] گزارش می دهند علاوه از نظر فرمانداری به استناد نامه های مرزبانی درجه ۱ لطف آباد و شهربانی درگز چند نفر از اعضای انجمن دارای مرام چپی و افراد مشکوک این شهرستان هستند و از نظر مصالح عالیله کشور صلاحیت شرکت در انجمن شهر را ندارند و علاوه بر این چون منافع فردی را بر منافع عمومی ترجیح می دهند و موجبات نارضایتی اکثر اهالی مرزنشین این شهرستان را فراهم می سازند. علی هذا به استناد ماده ۴۱ قانون شهرداری موضوع در شورای شهرستان مطرح و شورا لزوم انحلال انجمن را تأیید کرده اند. بنابراین طبق مقررات طرح تصویب نامه انحلال

انجمن درگزر به ضمیمه تقدیم^۱ و استدعای طرح تصویب آن می‌شود.

وزیر کشور

[امضا: فتح‌الله جلالی]

[حاشیه راست:] جناب آقای اشرف احمدی اقدام نمایند. [امضا: منوچهر اقبال]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۷۱۸۶

تاریخ: ۱۳/۳۶/۳/۲۸

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۰۶

گزارش شهربانی کل کشور به نخست‌وزیری در مورد وابستگی شهردار آبادان به حزب ایران و اختلافات موجود بین انجمن شهر و شهردار مذکور به دلیل حیف و میل اموال عمومی

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳/۳۶/۵/۱۲

شماره: ۵/۲۷۶۱۲ ت

اداره: اطلاعات

پیوست: دارد

محرمانه

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً عطف به مرقومه شماره ۱۱۹۰/۴ [مورخ] ۱۳/۳۶/۴/۱۷ به استحضار عالی می‌رساند: مطابق سوابق موجوده آقای مهندس نصرالله قادسی شهردار آبادان تا قیام ملی ۲۸ مرداد سال ۱۳۲۲ [۱۳] رئیس ناحیه نفت بندر معشور و یکی از عناصر وابسته به حزب ایران بوده و در موقع تصدی خویش کارگران را برله دکتر مصدق تشویق و عکس‌های اعلی حضرت

۱. طرح تصویب‌نامه مذکور در پرونده نبود.

همایون شاهنشاه را از دفاتر آنان برداشته و عکس دکتر مصدق را نصب می‌نموده که برای اثبات موضوع، بخشدار و رئیس پست و تلگراف و فرمانده گروهان ژاندارمری و فرمانده گارد مسلح گمرک محل به اتفاق به دفتر وی مراجعه و جریان را مشاهده و صورت مجلس می‌نمایند و ضمناً در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ کارگران را دعوت به اعتصاب می‌نموده و کسانی که به منظور پشتیبانی از ذات مبارک ملوکانه به تلگرافخانه می‌رفتند تهدید می‌کرده است و از طرفی مشارالیه به اتهام داشتن مرام اشتراکی و اسلحه غیرمجاز در بازپرسی خلیج تحت تعقیب بوده و بعد از قیام ۲۸ مرداد رابطه خود را با حزب ایران محفوظ ولی به علت تحت مراقبت بودن عملیاتش فعالیتی نداشته و نظر به سوابق امر عده‌ای از وی ناراضی و از طرفی بین اعضای انجمن شهر اختلافاتی موجود بوده که در نتیجه ۸ نفر از اعضای انجمن مذکور در مورد وضع عمومی شهر از قبیل گرانی و کمیابی ارزاق و حیف و میل یک میلیون تومان از اموال شهرداری، شهردار را استیضاح و بالاخره در ساعت ۹ صبح روز ۱۹/۴/۱۳۳۶ [۱۳] شورای فوق‌العاده شهرستان با حضور رؤسا [ی] دوایر دولتی (به جز رئیس دادگستری و شهردار) تشکیل جلسه داده و در نتیجه رأی به انحلال انجمن منظور داده‌اند.

برای رسیدگی به مفاد گزارش واصله مأمور مخصوص به آبادان اعزام و مأمور اعزامی در مراجعت گزارشی داده که رونوشت آن به ضمیمه تقدیم، ضمناً به رئیس شهربانی آبادان هم تلگرافاً ابلاغ گردید چنانچه در این گونه جریانات دخالت کند تسلیم محکمه خواهد شد.

رئیس شهربانی کل کشور

سرلشکر علوی مقدم

[امضا]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳/۵/۳۶] [۱۳]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. ۱۷/۵/۳۲] [۱۳]

[حاشیه بالا، اول: جناب آقای اشرف احمدی، برای رسیدگی شرح لازم به آقای استاندار و

وزارت کشور نوشته شود. [امضا: دکتر منوچهر اقبال] ۱۲/۵/۳۶] [۱۳]

[حاشیه بالا، دوم: اداره امور اقدام نماید. [امضا: علی اشرف احمدی]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۴/۱۵۳۰

تاریخ: ۱۳/۵/۳۶] [۱۳]

سند شماره ۱۰۷

مکاتبات عبدالله شیرخانی (فرماندار گرگان) با نخست وزیری و وزارت کشور
در رد اتهامات وارده به وی مبنی بر وابستگی به حزب ایران

محرمانه، خصوصی است

[تاریخ: ۱۳۳۶/۷/۲۸]

قابل توجه

پس از تقدیم ادب و احترام از این که جناب عالی را از جریان بسیار تأثرآوری مستحضر می‌کنم
معذرت می‌خواهم. جناب آقای دکتر اقبال نخست وزیر مکرر فرموده‌اند دولت ایشان دولتی
پرونده‌ساز نیست و توفیق کامل معظم‌الیه هم صمیمانه مورد علاقه بنده و امثال بنده بوده و
هست، اما اگر فرصتی باشد لطفاً سه نامه ضمیمه را که به تاریخ ۶/۳۰ و ۷/۳ و
۱۳۳۶/۷/۱۷] به وزارت کشور نوشته شده مطالعه فرمایند. این نمونه یکی از تأسف آورترین
پرونده‌هاست که [تا] حالا ساخته نشده ولی از پرونده صدر صد خلاف حقیقت دو سال قبل
استفاده گردیده است یا روی سوء تفاهم و یا خدای ناکرده روی حسد و غرض. در دورانی که
اعضای سابق حزب ایران مصدر مشاغل حساس در دستگاه دولت و سازمان برنامه هستند
خود من را به اتهام صدر صد دروغ (عضویت حزب ایران) سه بار تاکنون شکنجه کرده‌اند و
یک نفر هم در تمام کشور پیدا نمی‌شود فقط نیم ساعت وقت خود را صرف تحقیق کند و
حقیقت امر را ادراک نماید. چون پای سازمان اطلاعات و امنیت در بین است وزیر متبوع و
معاون و مدیرکل و وکیل محل تصور می‌کنند اگر پافشاری در رسیدگی نمایند خودشان هم
مورد اتهام «طرفداری از حزب ایران» قرار بگیرند. حق هم دارند ولی آیا چنین کشوری قابل
زندگی است؟ آیا مردم خصوصاً طبقه تحصیل کرده تصور می‌کردند در دولت جناب آقای دکتر
اقبال یکی از پاکترین و لایق‌ترین فرمانداران درجه ۱ وزارت کشور را به اتهام صدر صد خلاف
وجدان و خلاف حقیقت از فعالیت عمرانی و اصلاحی که دایم مورد تذکر و یادآوری شاهنشاه
کشور است بازدارند و یک نفر هم در تمام مملکت جرأت نکند فقط چند دقیقه وقت خود را
صرف تحقیق کند و صحت و سقم قضیه را لااقل به استحضار دولت برساند. مأموری را که
فرمانداریش از زمان مرحوم رزم‌آرا (سال ۱۳۲۹) شروع می‌شود روی غرض و حسد فرماندار

مصدقی بخوانند و هر چند یک بار مورد شکنجه و آزار قرار بدهند. این هم شد مملکت! جناب آقای دها: آیا سازمان اطلاعات و امنیت را فقط به این منظور در کشور تشکیل داده‌اند؟! نویسنده این سطور را وزیر وقت کشور (بدون کمترین سابقه) در روز اول شروع دولت جناب علاء (فروردین ۱۳۳۴) به ریاست اداره کارگزینی انتخاب می‌کند. چندماه بعد جناب نجم الملک او را با اصرار از وزیر وقت می‌گیرند و به فرمانداری آبادان می‌فرستند. شش ماه بعد با گزارش صد در صد [صد] خلاف حقیقت، فرماندار را علی رغم فشار و اصرار استاندار (که از نزدیک ناظر کارش و طرز فکرش بوده‌اند) تغییر می‌دهند و به گرگان می‌فرستند. استاندار استعفا می‌کند و منتظر نتیجه می‌ماند و همین که پیشکار دارایی مورد علاقه ایشان (آقای ولایی) را هم تغییر می‌دهند به تهران می‌آیند و دیگر مراجعت نمی‌کنند. یک سال و نیم بعد باز هم سوء تفاهم (یا حسد و غرض) باعث می‌شود که همان گزارش صد در صد خلاف واقع آبادان موجب احضار فرماندار گرگان شود^۱ و پرونده صد در صد معمولی در دولت جناب آقای دکتر اقبال موجب هتک حیثیت دلسوزترین مأمور دولت قرار می‌گیرد. استاندار مازندران (جناب مهندس مهدوی) مکرر مراتب شاه‌دوستی و خدمتگزاری و لیاقت و درستی فرماندار گرگان و رضایت فوق‌العاده مردم را به طور مستقیم و غیرمستقیم به عرض شاهنشاه و دولت می‌رساند ولی چون پای (سازمان اطلاعات و امنیت) در بین است مقامات دولتی می‌ترسند خودشان هم اتهام «حزب ایرانی یا مصدقی» پیدا کنند و مقامشان متزلزل گردد.

جناب آقای دها چرا همه جا بین طبقات درستکار و لایق و شاه‌دوست و وطن‌پرست کشور صحبت این است که ایران قابل زندگی نیست! چرا جوان‌های آمریکا و اروپا رفته با وجود حقوق‌های زیاد به ایران بر نمی‌گردند؟! به بنده بفرمایید پاسدار حق و عدالت در ایران کیست؟! و از این به بعد کدام یک از فرمانداران وزارت کشور وقتی چنین پرونده و چنین جریان دردناکی را می‌بینند حاضرند ریاضت بکشند و با اعتماد و اطمینان به حمایت دولت و وزارت متبوع و وظایف خودشان را صمیمانه انجام دهند و مردم را از مقامات مرکزی راضی نگاهدارند؟! فرمانداری که ظرف یک سال و نیم خدمت شبانه روزی توجه دوست و دشمن را جلب کرده و منتظر است نام خود را در ردیف اول کسانی که استحقاق دریافت مدال لیاقت

دارند مشاهده کند ناگهان در معرض تغییر و سلب صلاحیت فرمانداری قرار می‌گیرد، آن هم با گزارش صد در صد دروغ و تأسف آور، آن هم در دولت جناب دکتر اقبال که قرار نیست پرونده‌سازی برای کسی بشود!؟

این مختصر را برای این ننوشتم که جناب عالی اقدامی بفرمایید بلکه چون اکنون مصدر شغل حساسی در کشور هستید و انتقادات و شکایات را مورد رسیدگی قرار می‌دهید خواستم فقط از جریان مستحضر باشید زیرا جناب عالی روزی در مدرسه شرف معلم من بوده‌اید جناب آقای دها. از هیچ کس گله ندارم فقط درددلی بود. گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم. با احترام عبدالله شیرخانی

آدرس، وزارت کشور یا [به] وسیله تلفن ۲۸۸۷۴

[حاشیه راست]: آقای سلیمی پور، محرمانه دقیقاً رسیدگی نمایید. با خود آقای شیرخانی نیز تماس بگیرند. ۱۳۳۶/۷/۲۹

سند شماره ۱۰۷/۱

محرمانه است

[تاریخ: ۳۰ شهریور ۱۳۳۶]

نسخه ثانی

ریاست محترم اداره سیاسی وزارت کشور

برای بنده مجهول است که به چه علت درباره این خدمتگزار توهم عضویت حزب ایران به وجود آمده است، شاید از این نظر است که چون بنده در مأموریت فرمانداری کاشان مورد محبت فوق‌العاده عموم کاشی‌ها بوده‌ام و رئیس حزب ایران هم کاشی بوده‌اند، چنین قیاسی شده است که بنده هم عضو حزب ایران بوده‌ام. از آنجایی که تاکنون ۳ بار در سنوات ۳۲ و ۳۴ (مأموریت اول و دوم فرمانداری آبادان) در سال ۳۶ (مأموریت فرمانداری گرگان) به همین اتهام مورد شکنجه قرار گرفته‌ام. استدعایم از دستگاه‌های انتظامی و تأمینی کتباً مراتب را استعلام و چنانچه مسلم شد بنده در عرم تحت هیچ عنوانی (رسمی، وابسته، پیوسته و غیره) عضویتی در حزب ایران نداشته‌ام گواهی لازم به بنده مرحمت فرمایند.

عبدالله شیرخانی

[امضا]

سند شماره ۱۰۷/۲

[شیر و خورشید]
وزارت کشور

تاریخ: ۳ مهرماه ۱۳۰۶ [۱۳] (قابل توجه و محرمانه است)

مقام وزارت کشور

گزارشی که از گرگان به سازمان اطلاعات و امنیت کشور و از آنجا توسط مقام نخست وزیر به وزارت متبوع رسیده حکایت دارد که: «فرماندار گرگان با افراد حزب ایران و طرفدار دکتر مصدق تماس دارد».

از آنجایی که: اولاً، وجود حزب ایرانی و مصدقی (حتی یک نفر) در شرایط فعلی و با بودن تشکیلات لشکر در گرگان عجیب و غیرقابل تصور و جداً مورد تکذیب است. ثانیاً، بنده در تمام یک سال و نیم خدمت در گرگان برحسب سبک و سلیقه مخصوص خود حتی یک دقیقه با یک نفر گرگانی تماس و ارتباط و رفت و آمد نداشته‌ام (نظیر کاشان و کرمانشاهان و آبادان) استدعایم برای حفظ حیثیت مأمورین عالی رتبه وزارت کشور و این که به صرف گزارش و اطلاعیه هتک حرمت از نماینده اول دولت و دارنده فرمان شاهنشاه نشود لطفاً اوامر لازم صادر فرمایند شخصی را که چنین اطلاعیه صدرصد خلاف واقع به لشکر گرگان داده است شدیداً مورد تعقیب قانونی قرار داده [و] برای همیشه بنده را رهین الطاف بزرگوارانه خودشان بفرمایند.

با تقدیم احترام
عبدالله شیرخانی
[امضا]

[حاشیه بالا: نسخه ثانی.]

سند شماره ۱۰۷/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

تاریخ: ۱۳۳۶/۷/۱۷

(محرمانه - مستقیم - قابل توجه)

مقام وزارت کشور

سرکار سرهنگ سیف‌الله آهنین فرماندار نظامی آبادان در سال ۱۳۳۴ [۱۳] عملیاتی به این شرح مرتکب شده‌اند:

۱- ارسال گزارش خلاف واقع به مقام ستاد کل.

۲- ایراد تهمت و افترا به نماینده اول دولت و دارنده فرمان شاهنشاه.

بنده با این‌که به مناسبت اقدام آقای فرماندار نظامی لطمه‌های شدید حیثیتی متحمل شده‌ام مع‌هذا از آن‌جایی که آقایان افسران به گردن همه افراد ملت حق دارند از نظر شخصی گذشت می‌کنم ولی برای [این‌که در آتیه حیثیت و احترام مأمورین عالی رتبه وزارت کشور (یعنی فرمانداران) از تعرض سوء تفاهم مصون بماند استدعایم به مقام وزارت جنگ مرقوم فرمایید چنانچه در ارتش شاهنشاهی مقرراتی برای تعقیب آقایان افسرانی که گزارش خلاف واقع بدهند و تهمت و افترا وارد نمایند وجود دارد. نسبت به سرکار سرهنگ [سیف‌الله] آهنین اقدامات لازمه معمول و لطفاً از نتیجه اقدام بنده راهم مستحضر فرمایند. فهرستی از گزارش خلاف واقع و نسبت‌های افسر نامبرده با ذکر توضیحات کافی در اطراف هر کدام به ضمیمه تقدیم می‌گردد.

عبدالله شیرخانی

[امضا]

[حاشیه بالا]: نسخه ثانی.

سند شماره ۱۰۷/ع

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره ردیف	نسبت‌های وارده از طرف فرماندار نظامی آبادان به فرماندار آن‌جا در سال ۱۳۳۴	توضیحات در اطراف هر یک از نسبت‌ها
۱	فرماندار آبادان در جریان ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ [تلگرافهایی بر علیه مقامات به تهران مخابره کرده است.	هرگاه کسی یک سطر تلگراف ارایه نماید علاوه بر این‌که تلگراف‌کننده حاضر به اخراج از خدمت دولت است صد هزار ریال هم جایزه از طرف کارکنان وزارت کشور دریافت خواهد داشت.
۲	فرماندار عضو حزب ایران بوده است.	چنانچه شخصی مدرکی (کارت عضویت یا دفاتر حزبی) دایر به عضویت حزب ایران از رسمی و پیوسته و وابسته ارایه دهد یک صد هزار ریال از طرف کارکنان وزارت کشور دریافت خواهد داشت.
۳	فرماندار در سال ۱۳۳۲ [در وزارت کشور محاکمه و محکوم شده است.	فرماندار در تمام مدت ۲۷ سال خدمت خود سابقه محکومیت اداری نداشته سهل است در تمام مأموریت‌ها بیش از همه مأمورین مورد تقدیر و تحسین فوق‌العاده واقع شده است.
۴	فرماندار افراد حزب ایران را به نام ورزشکار دور خود جمع کرده است.	فرماندار به علت علاقه فوق‌العاده‌ای که در تمام مأموریت‌ها در اجرای متویات مبارک شاهنشاه نسبت به پیشرفت و تعمیم تربیت بدنی داشته در سال ۱۳۳۴ [یعنی همان مأموریت دوم آبادان در کاخ مرمر از دست مبارک شاهنشاهی به دریافت نشان درجه ۲ ورزش مفتخر گردیده است.

۵	تمثال مبارک را از بالای اتاق پایین آورده و روی میز گذارده است.	تمثال مبارک ملوکانه از دو سال قبل یعنی زمان فرمانداری آقای ابوذر و روی میز بالای اتاق در محل بسیار مناسبی قرار داشته و روزی که فرماندار آبادان به اهواز رفته بوده است آقای فرماندار نظامی به اتاق او وارد و تمثال را به بالای اتاق انتقال داده‌اند که در نتیجه با نامه فوق‌العاده مستدل و منطقی فرماندار مواجه شده و ناچار برای تبرئه خود متوسل به ارسال گزارش خلاف واقع گردیدند.
---	--	---

[افزوده به متن اصلی:] فوق‌العاده مایه تمجب است که حتی یک درصد از نسبت‌های فوق صحت نداشته و با حقیقت تطبیق ندارد. ضمیمه نامه مورخ ۱۳۶/۷/۱۷ [۱۳] امضا: عبدالله شیرخانی]

سند شماره ۱۰۸

مکاتبه دفتر مخصوص شاهنشاهی با نخست‌وزیری در مورد اقدامات مهندس اسماعیل زنجانی (از کارمندان سازمان برنامه) در شورای عالی اقتصاد برای توسعه نفوذ حزب ایران و حزب توده

[تاریخ: ۱۳۶/۸/۲]

نمره: ۲۷۶۶ و گزارش

محرمانه

جناب آقای دکتر اقبال نخست‌وزیر

حسب‌الامر مطاع مبارک ملوکانه عین گزارش واصله که راجع است به سوابق آقای مهندس اسماعیل زنجانی به پیوست ارسال می‌گردد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا: رحیم هیراد]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۲۷۸۴/۴

تاریخ: ۱۳۶/۸/۶ [۱۳]

سند شماره ۱۰۸/۱

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شاهنشاهها

به شرف عرض مبارک اعلی حضرت همایونی برسد

چندی قبل صورت اعضای شورای عالی اقتصاد که جلسات آن همه هفته در پیشگاه اعلی حضرت همایونی تشکیل می شود در روزنامه ها انتشار یافت و موجب تعجب و تأثر شدید بسیاری از طبقات تحصیل کرده و شاه دوست و وطن پرست که در سرنگون ساختن بساط مصدقی و در نهضت قیام ملی ۲۸ مرداد سهم بسزایی داشتند قرار گرفت.

در این صورت اسامی اشخاصی دیده می شود که همان طوری که در بیانات ملوکانه در روز افتتاح مجلس سنا بدان اشاره فرمودند^۱ هنوز هم آرزو و مأموریتشان محو استقلال ملیت و وطن عزیز ما می باشد و صحنه مملکت از لوث وجود خیانتکاران پاک نشده، سردهسته این اعضای جدید شورای عالی اقتصاد شخصی است به نام مهندس اسماعیل زنجانی، دست نشانده مارکدار حزب توده، معلوم نیست چه دستی در کار است که این شخص خطرناک به این شورای عالی که جلسات آن را شخص شخیص اعلی حضرت همایونی اداره می فرمایند راه یافته و تقرب حاصل نموده، علت این نزدیکی و تقرب [برای] همه^۲ کسانی که او را می شناسند و با نقشه های او و همدستانش آشنایی دارند کاملاً واضح و آشکار است. نقشه آنها این است که با شرکت در کارهای شورای عالی اقتصاد متدرجاً همان باند وابسته به حزب ایران و توده که در سازمان برنامه ابوالحسن ابتهاج را اغفال کرده و تمام کارهای حساس و مشاغل مهم را بین خودشان تقسیم نموده اند در این شورا هم متدرجاً دست همان باند را بکشاند و رفته رفته مقاصد پلید خود را عملی نمایند. مهندس زنجانی که با بیوک صابر در کارهای شخصی شریک است و یک معدن بزرگی را در آذربایجان با تیبانی از دست وزارت صنایع و معادن گرفته و مواد معدنی آن را به شوروی صادر می نمایند، اکنون طوری خودش و همدستانش

۱. در اصل: فرمودید.

۲. در اصل: هر.

آقای ابتهاج را محاصره نموده‌اند که ایشان مجبور شده است کورکورانه چندین پست حساس را به او بدهد. امروز در سازمان برنامه کاری نیست که بدون نظر آقای زنجانی و یا همکاران او انجام نشود. زنجانی رئیس اداره تعقیب امور و عملیات می‌باشد، عجب اسم بامسمایی [!]. (تعقیب چه اموری) همان اموری که حزب توده به ایشان محول کرده که در کارهای سازمان برنامه تعقیب نمایند. یعنی کاری صورت نگیرد و مردم روز به روز ناراضی‌تر شوند. زنجانی رئیس اداره کل بودجه سازمان برنامه است. دخالت او در این پست مهم این است که بتواند در اجرای طرح‌های مفید سابوتاژ^۱ نماید و برای این‌که این عمل خوب صورت گیرد مهندس امیر پایور، شخصی که در روز ۲۶ و ۲۷ مرداد مجسمه پدربزرگوار و تاجدارتان اعلی حضرت فقید را پایین می‌آورد و قطعه قطعه می‌نمود در رأس طرح‌ها گذاشته تا بتواند دخل و تصرفی در اقلام بودجه و در عقیم گذاشتن طرح‌های عمرانی بنماید. زنجانی رئیس اداره ذوب آهن هم می‌باشد برای چه؟ برای این‌که تمام کارهایی که در این زمینه در زمان اعلی حضرت فقید شده تخطئه نماید و مانع ساخته شدن این کارخانه که تمام مملکت ایران منتظر آن هستند بشود و فقط بودجه آن را به مصرف خرید اتومبیل و مسافرت به آلمان برای دریافت هدایا و حق دلالی از شرکت گروپ و ماگ بنماید.

نقشه این شخص و همکارانش این است که در تمام کارهای حساس دست یابند تا این نهضت مقدس پیش نرود و کارها همچنان فلج بماند. وقتی که جوانان و طبقه تحصیل کرده با چشم خود مشاهده می‌کنند که اشخاص گناهکار دیروز نه فقط مجازات نشده بلکه طوری تشویق شده‌اند که امروز هر کدامشان صاحب چندین شغل حساس شده و روز به روز بر مکنت و ثروت شخصی می‌افزایند چگونه می‌توانند به این نهضت مقدس که به رهبری اعلی حضرت همایون شاهنشاه اداره می‌شود ایمان و اعتماد داشته باشند و دلسرد و مأیوس نگردند. تا موقعی که این مزدوران و خیانتکاران بر سر کارهای مهم کشوری هستند و روز به روز زمینه را برای همدستان خود که در خارج مراقب اوضاع هستند مساعدتر می‌سازند، چطور می‌شود امیدوار بود که دعفاً اوضاع سابق به دست همین اشخاص بر نگردد [و] آنچه در این مدت چند ساله انجام یافته دگرگون نگردد. با توجه خاطر خطیر شاهنشاه یقین است اوامر ملوکانه برای کوتاه کردن دست این عمال بیگانه از این مشاغل شرف صدور خواهد یافت. جان نثار، امضا، قریب.

۱. در اصل: سابوتاژ؛ یعنی خرابکاری. (Sabotage)

سند شماره ۱۰۸/۲

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۶

شماره: ۲۷۸۴/۴

محرمانه

ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی

عطف به نامه شماره ۲۷۶۶ مورخ ۱۳۳۶/۸/۲ راجع به آقای مهندس اسماعیل زنجانی اشعار می‌دارد که مشارالیه مدیرکل تعقیب عملیات سازمان برنامه است و در شورای عالی اقتصاد سمتی نداشته و فقط از طرف جناب آقای ابتهاج مدیرعامل سازمان برنامه در بعضی کمیسیون‌های مربوطه شرکت می‌نماید. در صورت اقتضا مراتب به عرض خاکپای ملوکانه خواهد رسید.

نخست وزیر

رونوشت برای شورای عالی اقتصاد ارسال می‌شود. نخست وزیر [امضا: منوچهر اقبال]

سند شماره ۱۰۹

مکاتبه وزارت کشور با نخست وزیری در مورد چگونگی انتشار اعلامیه نهضت مقاومت ملی در بندر پهلوی و گزارش شهربانی کل کشور در این زمینه

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۲۳

شماره: ۶۲۷۷/س ۷۲۱۹

پیوست: یک برگ

جناب آقای نخست وزیر

محترماً معروض می‌دارد استانداری گیلان طی گزارش شماره ۴۰۶ - ۱۳۳۶/۶/۱۰ [۱۳] ضمن

ارسال رونوشت اعلامیه چاپی تحت عنوان (نفث، تیرماه ۱۳۳۶) ضمیمه راه مصدق ارگان نهضت مقاومت ملی) اشعار داشته بود که اعلامیه مزبور [به] وسیله پست از تهران به عنوان آقای طالب [قاسم]شاهی مقیم بندر پهلوی رسیده و دستور داده شده است که شهربانی محل نسبت به شناسایی و دستگیری عناصر مشکوک و پخش کنندگان اقدام جدی معمول دارند و از طرف وزارت کشور نیز دستور رسیدگی و اقدام فوری به شهربانی کل کشور صادر گردید که اینک رونوشت گزارش شماره ۵/۳۴۸۶۹/س [س] [مورخ] ۱۳۳۶/۸/۱۶ شهربانی کل در این باب جهت استحضار خاطر عالی تقدیم می‌گردد.

وزیر کشور

[امضا: دکتر فتح‌الله جلالی]

[حاشیه پایین: ملاحظه شد.]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۳۱۲۷/۴

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۲۶]

سند شماره ۱۰۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۵/۳۴۸۶۹/س

تاریخ: ۱۳۳۶/۸/۱۶

محرمانه

وزارت کشور

درباره اعلامیه‌های نهضت مقاومت ملی

بازگشت به شماره ۴۵۴۱/س/۵/۱۷۲ [مورخ] ۱۳۳۶/۶/۱۹ به استحضار می‌رساند برابر گزارش‌های شهربانی گیلان در تیرماه امسال اعلامیه‌های مزبور [به] وسیله پست از تهران برای طالب قاسم‌شاهی مدیر مغازه جنرال مد بندرپهلوی ارسال و فرستنده اعلامیه نشانی خود را

الکتریکی روشن تعیین نموده و همچنین نظیر اعلامیه‌های مزبور در رشت [به] وسیله دو نفر از افراد حزب مزبور به اسامی محمدحسن شهرت داوچاهی، فرزند عبدالعظیم، شغل بزاز و منوچهر صفاری شغل مالک، پخش گردیده. این دو نفر از افراد فعال حزب ایران و در زمان حکومت دکتر مصدق شدیداً به نفع آن حزب فعالیت داشته و اغلب در میتینگ‌ها شرکت می‌نموده‌اند و بعد از قیام ملی ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ [۱۳] نیز به‌طور محرمانه مخفیانه روزنامه راه مصدق و اعلامیه‌های نهضت مقاومت ملی را بین افراد حزبی پخش می‌کرده و حالیه نیز به‌طور پنهانی به نفع حزب مذکور فعالیت دارند که اعمال آنها از طرف شهربانی رشت تحت مراقبت قرار دارد.

ضمناً درباره الکتریکی روشن تحقیق به عمل آمده در نتیجه دو الکتریکی به این نام در تهران وجود دارد که یکی در خیابان پشت شهرداری در پاساژ فتوت و دیگری در چهارراه یوسف‌آباد مقابل بیمارستان شوروی که متعلق به حاجی فتاح رضایی می‌باشد. چون شخص اخیرالذکر و پسرش به نام اسرافیل در این اداره دارای سوابق حزبی می‌باشند بنابراین تحقیق و مراقبت در اطراف مشارالیهما ادامه داشته، نتیجه متعاقباً به استحضار خواهد رسید.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سرهنگ میرنصیری

سند شماره ۱۱۰

عریضه سیدمهدی میراشرفی به محمدرضا شاه پهلوی درباره نفوذ هواداران حزب ایران در شرکت نساجی، سازمان برنامه و کارخانه پشم‌بافی اصفهان

پیشگاه مبارک بندگان اعلی حضرت همایون شاهنشاه ارواحنافداه

مفتخراً به شرف عرض خاکپای مبارک می‌رساند. رهبران حزب ایران با کمک دکتر حسین فاطمی زمان حکومت دکتر مصدق در سال ۱۳۲۹ برای اجرای مقاصد پلید خود درصدد

برآمدند^۱ بر امور و اداره کارخانجات کشور و مهمتر از همه کارخانجات اصفهان مسلط گشته و کارگران کارخانجات را برای انجام تیات شوم خود در اختیار بگیرند. برای پیشرفت این منظور سرشناسان حزب از قبیل مهندس اسبقی و مهندس سبحانی در رأس قسمت اداره نساجی سازمان برنامه قرار گرفتند و سپس برای ایجاد پایگاهی در اصفهان کارخانه پشم‌بافی را که صاحبان و مدیران ضعیفی داشت با اخلال ناگزیر به تعطیل ساختند و با قدرت کارگران و اعمال نفوذ خود و فاطمی سازمان برنامه به دستور دولت کارخانه را به نام این‌که ما بهتر از شما اداره می‌کنیم طبق قراردادی که هیچ یک از مواد آن از طرف سازمان رعایت نشده کارخانه را تحویل گرفته و مهندس سبحانی را که اکنون مدیرعامل شرکت نساجی سازمان برنامه است به ریاست کارخانه منصوب نمودند.

اعلی‌حضرتا، طبق دفاتر و سوابق موجود در مدت چهارسال تصدی سازمان برنامه یا در حقیقت ایادی حزب ایران میلیون‌ها^۲ تومان از اموال و درآمد کارخانه صرف مخارج حزب ایران و اعوان و انصار دکتر مصدق نموده‌اند. در سال ۱۳۳۲ که بساط خیانت پیشگان راخدای ایران به دست توانای آن شاهنشاه معظم بهم ریخت متأسفانه باز هم همان افراد از معدلت گستری و رأفت اعلی‌حضرت استفاده کرده و در جای خود باقی ماندند. چاکر به علت اشتباه و عدم اطلاع از وضع حقیقی کارخانه و عواقب وخیم آن قسمت عمده سهام کارخانه را خریداری کرده بودم چون ملاحظه شد هنوز هم ایادی حزب ایران صاحب اختیار نساجی سازمان برنامه هستند و مسلماً کارخانه را به وضعی از این بدتر هم خواهند انداخت لذا به سازمان مراجعه و طبق شرایط قرارداد منعقد شده کارخانه را تحویل گرفتم با این‌که وقت تحویل کارخانه به سازمان برنامه بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار تومان مواد اولیه و محصول موجود داشت وقتی آن را مسترد داشتند مدعی شدند مبلغ شش میلیون و پانصد هزار تومان در مدت تصدی زیان داشته و باید صاحبان سهام بپردازند^۳. در حالی که طبق ماده ۷ قرارداد این حق را نداشتند ولی بر اثر القاء^۴ شبهات همان ایادی حزب ایران به آقای ابتهاج، متأسفانه ابداً به دلایل و اسناد فیما بین توجه نشد و هیأت مدیره وقت ناگزیر سند سپرد که در مدت

۱. در اصل: افتادند.

۲. در اصل: ملیونها؛ اصلاح در همه موارد.

۳. در اصل: به بپردازند؛ اصلاح در همه موارد.

۴. در اصل: القاء؛ اصلاح در همه موارد.

هفت سال قریب هفت میلیون و پانصد هزار تومان مبلغ ادعایی را که خرج اعمال حکومت مصدق شده با صدی شش سود به سازمان بپردازند. چون دفاتر در اختیار خودشان بود ضمن سند مقرر شد اشتباه حساب قابل رجوع باشد. پس از رسیدگی به دفاتر معلوم شد قسمت عمده و کلی وجوه مورد مطالبه حساب سازی و خرج حزب ایران شده بدبختانه هر چه از آقای ابتهاج تقاضا کردیم که دستور فرمایند کارشناس و حسابداران مورد اعتماد خودش به این حساب رسیدگی کنند چون همان افرادی که این وجوه را حیف و میل کرده و در راه خیانت به شاهنشاه و میهن مصرف کرده بودند اکنون هم در همان دستگاه ذی نفوذ هستند با التواء شبهه و اقدامات پشت پرده مانع از موافقت آقای ابتهاج شدند و کاری کردند که سازمان برنامه علیه کارخانه به صدور اجرائیه میادرت و کارخانه را به حال تعطیل و ورشکستگی انداخت و اکنون هم در دادگستری با اعمال کمال قدرت و نفوذ مرتب تعقیب و موجبات زحمت و زیان جبران ناپذیر کارخانه و هیأت مدیره و صاحبان سهام را فراهم می‌سازند.

اعلی‌حضرتا طبق اسناد مسلم برای راه انداختن این کارخانه و جلوگیری از تعطیل آن و بیکاری چند هزار نفر کارگر و کارمند بیچاره کلیه هستی و مایملک خود و پدر پیر از کار افتاده‌ام را در بانک ملی و سایر بانک‌ها وثیقه داده و تا امروز به هر جان‌کدنی بوده آن را به راه انداخته‌ام ولی اکنون نه دیگر قدرت مبارزه با دشمنان سرسختی از قبیل مهندس اسبقی‌ها و سبحانی‌ها و طرفداران مصدق دارم و نه دیگر ملک یا چیزی برایم باقی مانده که با فروش و یا وثیقه آن از جایی وامی بگیرم و صرف هزینه و پرداخت حقوق کارگران کنم، ناچار به آخرین ملجاء همه افراد کشور و خودم یعنی اعلی‌حضرت همایونی شاهنشاه ملتجی و متوسل شده و عاجزانه استدعا دارد امر جهان مطاع شرف صدور یابد که سازمان برنامه با رسیدگی به دفاتر و سوابق زمان تصدی و مورد قبول خودشان به جای مراجعه به دادگستری و تحمیل این همه هزینه‌های کمرشکن به کارخانه و ضمناً خودشان موافقت نمایند به حکمیت رجوع شود و نسبت به مبلغی که مسلم شد کارخانه باید بپردازد با توجه به وضع هزینه و درآمد کارخانه قرار اقساطی بگذارند که قابل پرداخت باشد، داده شود در غیر این صورت کارخانه را تقویم و پس از برداشت ادعای خود و پرداخت دیون سایر طلبکاران اگر چیزی باقی ماند به صاحبان سهام بدهند و الاً عدم اجابت و توجه سازمان برنامه به انجام دو استدعای بالا قهراً موجب

ورشکستگی و تعطیل کارخانه و بیکاری چند هزار نفر کارگر می‌باشد.

غلام جان نثار
سیدمهدی میراشرفی
[امضا]

[حاشیه بالا]: حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه به جناب آقای نخست وزیر ابلاغ و این عریضه ارسال شود که رسیدگی و تحقیق نمایند اگر حقی دارد احقاق حق نمایند. [۱۳]۳۶/۸/۲۵

[مهر]: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۱۱

[مهر]: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۱۲

سند شماره ۱۱۱

مکاتبه وزارت کشور با وزارت دربار شاهنشاهی در مورد تغییر عبدالله شیرخانی (فرماندار گرگان) به علت وابستگی به حزب ایران و هواداری از دکتر مصدق

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۶۰۰۹۷

تاریخ: ۱۳۳۶/۹/۱۰

موضوع: تغییر آقای شیرخانی فرماندار سابق گرگان، عطف به مرقومه شماره ۹۵۵ [مورخ]

محرمانه - مستقیم

[۱۳]۳۶/۸/۲۱

جناب آقای علاء وزیر محترم دربار شاهنشاهی

آقای شیرخانی در [۱۳]۳۶/۱۰/۲۸ به سمت فرماندار گرگان منصوب گردیده‌اند.

۱- در تاریخ ۳۰/۴/۱۳۳۶ [۱۳] گزارش به شرح ذیل تحت شماره ۶۱۴۲ از سازمان امنیت و اطلاعات کشور رسیده بود که جناب آقای نخست‌وزیر ذیل آن مرقوم فرموده بودند وزارت کشور رسیدگی و اقدام شود.

«طبق پرونده متشکله آقای شیرخانی فرماندار گرگان از افراد حزب ایران و از طرفداران جدی دکتر مصدق می‌باشد که قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ [۱۳] فرماندار آبادان بوده و چون علیه مقام شامخ سلطنت اقداماتی نموده بود بعد از قیام ملی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ [۱۳] با این‌که از آبادان تعویض و تنبیه می‌شود مع‌هذا مجدداً از طرف وزارت کشور به فرمانداری آبادان اعزام می‌گردد و چون از گذشته تنبیه حاصل نکرده و از تاریخ ورود دست از فعالیت برنداشته و افراد حزب ایران را که خود عضویت آن را داشته به نام ورزشکاران دور خود جمع کرده و مشغول تحریک بین کارگران و مردم بود بدین واسطه برای بار دوم از آبادان تعویض ولی به سمت فرماندار گرگان تعیین و اعزام می‌گردد. برابر گزارش منطقه یکم دریایی جنوب نامبرده موقعی که در آبادان بوده تمثال مبارک اعلی‌حضرت همایونی را به جای این‌که بالای سر خود نصب نماید روی میز کوچکی در گوشه اتاق خود گذارده بود که پس از تذکر فرمانداری نظامی آبادان بالای سر خود نصب نموده است و برابر گزارش سپاه یکم مرکز از تاریخ ورود به گرگان نیز با افراد حزب ایران و طرفداران دکتر مصدق دائماً در تماس می‌باشد که بالتبیین فرماتده لشکر ۱ گرگان گزارش نموده که ادامه خدمت آقای شیرخانی در گرگان صلاح نمی‌باشد.»

۲- با توجه به اخبار و اطلاعات واصله همکاری ایشان با مقامات لشکری و انتظامی در آن منطقه عملی به نظر نمی‌رسد.

۳- یک شماره روزنامه خسروی متضمن متن نطق آقای شیرخانی فرماندار وقت آبادان در سالن رستوران مرکزی و در ضمن دولت آقای دکتر مصدق تحت عنوان «ملت قانون اساسی را به وجود می‌آورد» در پرونده ایشان مضبوط است که رونوشت آن به ضمیمه تقدیم می‌شود.^۱

۴- با توجه به اطلاعاتی سازمان امنیت و اوضاع و احوال مزبور و طول مدت خدمت آقای شیرخانی در گرگان وزارت کشور این طور مقتضی دانست که مشارالیه را به تهران احضار نموده و از وجود مشارالیه در پست دیگری استفاده کند و آقای شیرخانی به سمت بازرس

۱. رونوشت نطق مذکور ضمیمه پرونده نبود.

وزارتی منصوب گردید.

۵- آقای شیرخانی پس از ورود به تهران در مورد اتهامات منتسبه به خود معترض گردیده و نامه‌ای در این خصوص به وزارت کشور تسلیم نمود و تقاضای رسیدگی نمود که از طرف این جانب فوراً دستور رسیدگی به اداره کل بازرسی وزارتخانه صادر گردید.

۶- به طوری که ملاحظه می‌فرمایند محکمه اداری برای آقای شیرخانی به هیچ وجه تشکیل نشده و بر طبق تقاضای خود ایشان موضوع به اداره بازرسی وزارتخانه ارجاع گردیده است.

۷- آقای شیرخانی به جای این که صبر و متانت را پیشه خود ساخته و منتظر رسیدگی باشد با نهایت تعجیل و بی‌صبری در مقام عریضه نگاری و تقدیم نامه‌ها به مقامات عالیه و مراجع مختلف رسمی برآمده و انجام منظور خود را مبنی بر این که وزارتخانه رسماً تصدیق نماید که اطلاعیه واصله خلاف واقع بوده مضمراً تقاضا نموده و می‌نماید و متأسفانه جناب آقای مهدوی استاندار نیز بدون توجه به اشکالات و محظورات کار مشارالیه را در این کار تهییج و تشویق می‌نمایند. با توجه به مراتب معروضه و تذکار این نکته که معمولاً مأموریت آقایان فرماندار به علت طول مدت خدمت و یا مقتضیات دیگر تغییر نموده و می‌نماید اصولاً این جانب با این طرز فکر و عمل کارمندان و صاحب منصبان متشبت وزارتخانه موافق نیستم.

وزیر کشور

رونوشت برای استحضار جناب آقای نخست‌وزیر تقدیم می‌شود.

وزیر کشور

[امضا: فتح‌الله جلالی]

[حاشیه بالا:] ملاحظه شد.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۳۴۱۶/۴

تاریخ: ۱۳۳۶/۹/۱۲ [۱۳]

سند شماره ۱۱۲

مکاتبه شهرداری کل کشور با نخست وزیری درباره پخش اعلامیه از سوی
اعضای حزب ایران (شعبه گیلان) در مورد نارضایتی عمومی از رژیم به نقل از
روزنامه نیویورک تایمز

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهرداری کل کشور

پیوست: دارد

تاریخ: ۱۳۳۶/۱۲/۲۱

محرمانه

شماره: ۵/۶۷۷۸۱

وزارت کشور

محترماً رونوشت گزارش شماره ۶۳۵۹/۱۱۳۲۳ [مورخ] ۳۶/۱۲/۱۱ [۱۳] شهرداری رشت و
ضمیمه آن جهت استحضار [به] پیوست ایفاد می‌گردد.

از طرف رئیس شهرداری کل کشور

سرهنگ میرنصیری

[امضا]

[حاشیه بالا:] به عرض برسد.

[حاشیه پایین، اول:] ملاحظه شد.

[حاشیه پایین، دوم:] به کلی محرمانه، عیناً برای استحضار به عرض جناب آقای نخست وزیر

می‌رسد. [امضا: فتح‌الله جلالی] ۱۳۳۶/۱۲/۲۵

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۵۳۳۵/۴

تاریخ: ۱۳۳۶/۱۲/۲۶

سند شماره ۱۱۲/۱

[شیر و خورشید]
وزارت کشور
شهریانی کل کشور

اداره اطلاعات
دایره احزاب
شعبه: احزاب سیاسی
رونوشت: گزارش شهریانی رشت

مورخه: ۱۳/۳۶/۱۲/۱۱
شماره: ۶۳۵۹/۱۱۳۲۲
محرمانه - مستقیم

شهریانی کل کشور - اداره اطلاعات

طبق گزارش مأمور ویژه روز ۸ ماه جاری اعلامیه [ای] که رونوشت آن به پیوست اینفاد می‌گردد و با ماشین پلی‌کپی تهیه شده [به] وسیله افراد حزب ایران به طور خیلی محرمانه پخش گردیده، برابر اطلاع، ناشر اصلی اعلامیه مزبور آقایان اسماعیل گلشنی و دکتر داوران می‌باشند که هر دو آنها از افراد فعال حزب ایران بوده. به مأمورین مربوطه در این باره آموزش لازم صادر گردیده که سعی نمایند ناشرین را در حین ارتکاب دستگیر نمایند.

سرپرست شهریانی‌های استان ۱ گیلان
سرتیپ آصفی

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا] ۱۳/۳۶/۱۲/۲۱

سند شماره ۱۱۲/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

به جای رونوشت

خبرنگار روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز در دوم ژانویه ۱۹۵۸ [۱۹] (دی ماه ۱۳۳۶ [۱۳]) مقاله [ای] درباره ایران در آن روزنامه به رشته تحریر درآورده که حائز اهمیت و درخور دقت می باشد و اینک برای اطلاع ملت ایران منتشر می شود. بهمین ماه ۱۳۳۶ [۱۳] دوم ژانویه ۱۹۵۸ [۱۹] و ناراحتی ایران را تهدید می کند

ایران در وضع عدم رضایتی بسر می برد که برای امنیت خود آن کشور و ثبات خاورمیانه خطرناک است. با این که علائم یک انقلاب ناگهانی مشهود نیست ولی انتقاد از رژیم...^۱ رو به ازدیاد است. یک... در تهران با اشخاصی که نماینده عقاید مختلف بودند به این خبرنگار این طور نشان [داده اند] که مملکت در حال جنگ و ستیز با خود می باشد بدون این که بدانند این جنگ چه خواهد شد و چه بهره [ای] عایدش خواهد گشت. اعضای جبهه ملی که مخالف شاه هستند فقط در خفا می شد با آنها ملاقات کرد.

با وجودی که سرچنگ و ستیز نداشتند فقط خودشان...^۲ هستند، سعی می کردند که شکایات خود را بیان کنند. آنها برنامه عملی نداده اند و فقط خودشان تغییر^۳ شدند. مخالفین و آنهایی که فعلاً سرکار هستند هر دو معتقدند که موافقت بین دو دسته ممکن نیست. ولی معلوم نیست که اختلاف نظر آنها در کجاست. تنها اختلافی که بین مخالفین مشهود است موضوع آزادی نطق و بیان و انتقادات مخالفین و همچنین منابعی که در سیاست ایران دخالت نمی کنند می گویند شاه از رشوه خواری و فساد می که حتی به افراد خانواده او سرایت کرده است

۱. نقطه چین مربوط به متن سند است.

۲. یک کلمه خوانده نشد.

۳. به احتمال خوانده شد.

بی اطلاع است. بدون استثنا میلیون^۱ ایران سیاست آمریکا را در ایران به سختی انتقاد می کنند. گوا این که استفاده [ای] هم از آن ندارند و وقتی راجع به سیاست آمریکا صحبت می شود آنها یا سکوت می کنند و یا جواب مناسبی نمی دهند. در صورتی که وقتی با دولت ها صحبت می شود [از] سیاست آمریکا صحبت نمی شود. [افراد] وابسته^۲ در ضمن اضافه می کنند که ما می خواهیم کمک پولی بیشتری به ما بشود، تقاضای ایران برای پول بیشتر به علت فقر دولت نیست. عایدات نفت ایران انتظار می رود که امسال به حداکثر ۲۰۰ میلیون دلار برسد. کمک آمریکا به نظر مردم خاورمیانه ضمانت امنیت سیاسی یک مملکت است.

در ایران احزاب مخالف وجود ندارد. دستجات جز حزب کمونیست غیرقانونی شناخته شده اند ولی همان طوری که یکی از نمایندگان یکی از این دسته ها دیروز در زاویه خانه ای می گفت عملاً این احزاب نمی توانند اقدامی نکنند اشخاصی که سعی می کنند به نام مخالف عمل کنند حبس می شوند. چنانکه در این اواخر این اتفاق برای بنده افتاد. منوچهر اقبال نخست وزیر گفت که بین ۶۰ تا ۸۰ نفر توقیف شده اند، دیروز یک مقام عالی دولتی در تهران گفت که این توقیف ها از ترس ایجاد انقلاب به^۳ عمل آمد ولی اکنون معلوم شده است که این ترس اغراق آمیزی بوده است. لیدر یک دسته مخالف افراطی اظهار داشت که تمام کمک های آمریکا من جمله کمک های نظامی باید از دولت فعلی ایران (دولت شاه) قطع شود. وقتی که سؤال کردم اگر در این صورت دولت شوروی وارد معرکه شود چه خواهد شد. جواب داد درست است که در کشور کمونیست وضعیت پلیسی حکمفرما است ولی در آنجا برای مردم به طور دسته جمعی آزادی نیست و برای آنها کاری انجام نشده است. در صورتی که در این وضعیت پیش ما هیچ گونه آزادی نیست و کاری هم برای ملت انجام نشده است. قطعاً این نمایش نظریات یک اقلیت است ولی معنی دار است زیرا [ا] گوینده یک شخص خیلی تحصیل کرده و طرفدار غرب و مخالف کمونیست بود. مشکل است معلوم کرد که تا چه اندازه اولیاء دولت برای ترساندن غریبه است که در نتیجه آنها بی که این بیانات را می کنند مورد کمک آمریکا واقع شوند و نیز شاید این منظره که یک ایرانی وقتی می خواهد او یک...^۴ از دولت

۱. در اصل: میلیون.

۲. یک کلمه خوانده نشد.

۳. در اصل: ایجاد و انقلاب.

۴. یک کلمه خوانده نشد.

خویش شکایت کند باید این قدر احتیاط کند هیتلر زنده است. کافی است که فقط یکی از صدها نوع مسخرگی که هر روز در نیویورک یا واشنگتن راجع به آیزنهاور یا دالس وزیر خارجه...^۱ یا معاون رئیس می‌شود به وسیلهٔ یک ایرانی راجع به یک مقام مهم ایرانی نمی‌شود و گوینده فوراً به زندان نیفتد. گرچه آنهایی که به شدت انتقاد می‌کنند ستاد یا مکان وقوع یک انقلاب قادر نیستند. ولی به عنوان وحدت ملی هر ناحیه خارجی را ناراحت می‌سازد. ایران در سال ۱۹۴۱ یک برنامه هفت ساله را شروع کرد که به طور احتمال می‌توان گفت که نفوذ [؟] در مرحله سومین سال آن است. اختلاف عقاید داخلی و مبارزه ملی کردن نفت از پیشرفت برنامه جلوگیری کرده است. حالا یک برنامه یک میلیارد دلاری براساس عایدات نفت ارایه داده می‌شود ولی اگر چه این را عمل کنند مخالفت مخالفین به شدتی که امروز وجود دارد می‌تواند مانع پیشرفت این برنامه بشود. این عدم [پیشرفت] برنامه به شوروی کمک خواهد کرد که ناراضی ایرانی‌ها را تحریک کند. در میان موج اتومبیل‌های آخرین سیستم آمریکایی که از خیابان‌ها عبور می‌کنند در گوشه و کنار پیر زنانی را با پای برهنه می‌توان دید که با وجود خطرناک بودن عبور از ما بین اتومبیل‌ها آنها عبور می‌کنند. ایران پس از سقوط محمد مصدق نخست وزیر در سال ۱۹۵۲ یکی از کشورهای با وفای ضدکمونیست خاورمیانه محسوب می‌شود. ناظرین خارجی در تهران به وحشت افتاده‌اند اگر شاه وسایل سازش معمولی را با مخالفین غیرکمونیست خود فراهم نکند^۲ خطر تصادم و اصطکاک داخلی پیش [می‌آید]. شاه به مرور مستبد شده است و ترس از این است که وضعیت مخالفین غیرکمونیست را به آغوش شوروی بیندازد.

رونوشت برابر رونوشت است. [امضا: ناخوانا]

۲. در اصل: بکند.

۱. نقطه‌چین مربوط به متن سند است.

سند شماره ۱۱۳

مکاتبه استانداری گیلان با نخست وزیری در مورد گزارش شهربانی رشت
راجع به فعالیت غیرقانونی حزب ایران در آن شهرستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان اول

شماره: م/۲۶۶

تاریخ: ۱۳/۳۷/۵/۱۹

پیوست: دارد

به کلی محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش شماره ۳۴۷۲ مورخ [۱۳/۳۷/۵/۱۹] شهربانی رشت محض استحضار و اقدام لازم و صدور تعلیمات مقتضیه تقدیم می شود. چنانچه حزب مزبور غیرقانونی شناخته شده و باید از تشکیل جلسات آن جلوگیری به عمل آید اعلام فرمایید تا از همان قرار دستور جلوگیری به شهربانی صادر شود.

استاندار استان اول

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول:] جناب آقای [علی] اشرف احمدی با ساواک مذاکره نمایند.

[امضا: منوچهر اقبال] [۱۳/۳۷/۵/۲۲]

[حاشیه پایین، دوم:] محرمانه [به] وسیله تلفن مراتب به تیمسار پاکروان گفته شد، فوری

رونوشت هم فرستاده شود. [امضا: علی اشرف احمدی] [۱۳/۳۷/۵/۲۲]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۲۶۸۴/۴

تاریخ: ۱۳/۳۷/۵/۲۳

سند شماره ۱۱۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

استانداری استان اول

تاریخ: ۱۳۳۷/۵/۱۹

شماره: ۳۴۷۲

به کلی محرمانه - مستقیم

جناب آقای استاندار محترم استان اول

برابر اطلاع واصله در چند شب قبل اعضای حزب ایران گیلان در ساعت نه شب در منزل منوچهر قدسی تشکیل جلسه حزبی دادند و در آن جلسه دکتر داوران. اسماعیل گلشنی، سبز علی فرد، کریم وفایی، مصدق، صابر امیدواری، محمدرسول سلامت‌بخش که نفر آخر (سلامت‌بخش) از طرف کمیته مرکزی تهران مأموریت داشته که جلسه را تشکیل دهد و بعد از ۲۴ ساعت به تهران رفته است. در جلسه مزبور بحث در پیرامون حوادث خاورمیانه بوده و گفتند بعد از تشکیل سران دول بزرگ، حزب ایران تصمیم دارد اعلامیه چاپ نماید و از رشت دو نفر انتخاب و برای آوردن اعلامیه به تهران فرستاده خواهند شد. اغلب اشخاص نامبرده بالا از اعضای درجه اول حزب ایران که تحت تعقیب نیز قرار گرفته‌اند. به مأمورین مربوطه آموزش داده شد که مراقب^۱ اعمال و رفتار آنان باشند.

از طرف سرپرست شهربانی‌های استان گیلان

سرهنگ کمانگر

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۱۴

مکاتبه نخست وزیری با سازمان اطلاعات و امنیت کشور در مورد گزارش
شهربانی کل کشور درباره فعالیت های غیرقانونی حزب ایران در گیلان

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره عمومی: ۲۷۶۵/۴

تاریخ: [۱۳]۳۷/۵/۲۹

خیلی محرمانه - فوری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

تعقیب مذاکرات قبلی و پیرو نامه شماره ۲۶۸۴/۴ [مورخ] [۱۳]۳۷/۵/۲۷ راجع به اقدامات
اعضای حزب ایران در رشت اینک رونوشت نامه شماره ۵/۳۶۵۶۹ مورخ [۱۳]۳۷/۵/۲۶
شهربانی کل کشور برای اقدام لازم به ضمیمه ارسال می گردد.

معاون ثابت نخست وزیر

اشرف احمدی

[حاشیه بالا]: یک برگ.

[امضای پیش نویس: ملک زاده] [۱۳]۳۷/۵/۲۹

سند شماره ۱۱۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: [۱۳]۳۷/۵/۲۶

شماره: ۵/۳۶۵۶۹

اداره: اطلاعات

محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

محترماً به استحضار می رساند: شهربانی رشت گزارش می دهد در چند شب قبل اعضای حزب

ایران گیلان در ساعت ۹ شب در منزل منوچهر قدسی جلسه حزبی تشکیل و در آن جلسه دکتر داوران، اسماعیل گلشنی، سبزیعلی فرد، کریم وفایی، مصدق، صابر امیدواری، محمدرسول سلامت بخش حضور داشته‌اند. نفر آخر (سلامت بخش) که از طرف کمیته مرکزی تهران مأموریت داشته جلسه را تشکیل و بعد از ۲۴ ساعت به تهران مراجعت نموده است. در جلسه مزبور بحث در پیرامون حوادث خاورمیانه بوده و گفته شده بعد از تشکیل جلسه سران دول بزرگ، حزب ایران تصمیم دارد اعلامیه [ای] چاپ نماید و از رشت دو نفر انتخاب و برای آوردن اعلامیه به تهران فرستاده خواهد شد. ضمناً شهربانی مربوطه اضافه می‌نماید اغلب اشخاص نامبرده بالا از اعضای درجه اول حزب ایران که تحت تعقیب نیز قرار گرفته‌اند می‌باشند.

رئیس شهربانی کل کشور

سرلشکر علوی مقدم

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:]: جناب آقای اشرف احمدی رسیدگی بفرمایید و با ساواک مذاکره شود.

[امضا: منوچهر اقبال] ۳۷/۵/۲۷ [۱۳]

[حاشیه پایین، دوم:]: فوری است، محرمانه، رونوشت به تعقیب مذاکرات به سازمان امنیت برای

انجام اقدامات لازم ارسال شود. ۳۷/۵/۲۸ [۱۳]

[مهر:]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۲۷۶۵/۴

تاریخ: ۳۷/۵/۲۹ [۱۳]

سند شماره ۱۱۴/۲

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک.

شماره: ۱۵۸۵۹/الف ۳

تاریخ: ۱۳۳۷/۶/۳ [۱۳]

موضوع: فعالیت افراد حزب ایران در استان یکم

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً بازگشت به شماره ۲۶۸۴/۴ [مورخ] ۱۳۳۷/۵/۲۷ [۱۳] و ۲۷۶۵/۴ [مورخ] ۱۳۳۷/۵/۲۹ [۱۳] به استحضار می‌رساند: درمورد فعالیت حزب ایران در منطقه استان یکم قبلاً گزارشاتمی به سازمان واصل شده است که دستور رسیدگی داده شده است. نتیجه، به استحضار خواهد رسید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

[امضا: تیمور بختیار]

[حاشیه پایین: ملاحظه شد.]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر]

شماره: ۲۹۴۵/۴

تاریخ: ۱۳۳۷/۶/۵ [۱۳]

[مهر: خلی محرمانه]

سند شماره ۱۱۵

مکاتبه سازمان اطلاعات و امنیت کشور با نخست وزیری در مورد نتیجه تحقیقات به عمل آمده درباره فعالیت کاظم حسینی و برخی دیگر از اعضای حزب ایران برای تقویت آن حزب

[شیر و خورشید]

نخست وزیری

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

س.ا.و.ا.ک

تاریخ: ۱۱/۶/۳۷ [۱۳]

شماره: ۱۷۵۵۲/الف ۳

پیوست: ۱ برگ

موضوع: آقایان ابراهیم ساکنی، مهندس حسینی، مهندس مشایخی و اکبر سلیمانی

جناب آقای نخست وزیر

محترماً با اعاده عین مرجوعه شماره ۲۴۳ [مورخ] ۱۵/۴/۳۷ [۱۳] به استحضار می‌رساند: در اطراف سوابق نامبردگان بالا تحقیقات لازم معمول اینک نتیجه به شرح زیر به عرض می‌رسد.

۱. مهندس کاظم حسینی اخیراً به دانشگاه منتقل گردیده فعالیتش در حزب ایران و به نفع دکتر مصدق محرز بوده است.

۲. آقایان ابراهیم ساکنی و علی اکبر سلیمانی تا این تاریخ سابقه‌ای در این سازمان ندارند.

برای بررسی بیشتر سوابق آنها مشخصات کامل و شغل سابق و فعلی آنان مورد لزوم است.

۳. مشخصات کامل مهندس مشایخی مورد نیاز است تا سوابقش مورد بررسی قرار گیرد.

ضمناً به عرض می‌رسد آقایان دکتر علی‌اکبر مشایخی کارمند رسمی، شیمیست اداره کل معادن و ذوب فلزات می‌باشد که سابقه عضویت در حزب ایران و فعالیت به نفع دکتر مصدق ندارد، ولی آقای دکتر مهدی مشایخی که عضو وزارت فرهنگ است به نفع حزب ایران و دکتر مصدق فعالیت‌های داشته و دارد.

از طرف رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

سرتیپ علوی‌کیا

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:] آقای مهران.

[حاشیه پایین، دوم:] عطف به نامه شماره ۲۴۳ [مورخ] ۱۳۳۷/۵/۱۵ [رونوشت برای استحضار دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال می‌شود. نخست‌وزیر

[حاشیه پایین، سوم:] ملاحظه شد.

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۳۸۰۳/۴

تاریخ: ۱۳۳۷/۷/۲۰ [۱۳]

[مهر:] محرمانه

[مهر:] بایگانی شود.

سند شماره ۱۱۵/۱

[شماره:] ۲۴۳

[تاریخ:] ۱۳۳۷/۴/۱۵ [۱۳]

محرمانه

جناب آقای دکتر اقبال نخست‌وزیر

از قرار گزارشی^۱ که به شرف عرض رسیده آقایان ابراهیم ساکنی و مهندس حسینی و مهندس مشایخی و اکبر سلیمانی که سوابقی از دوره دکتر مصدق و اوضاع فراندوم‌گذاری دارند در

نقاط حساس ادارات دولتی مشغول کار هستند و همدستان خودشان را نیز وارد کار نموده و منتظر فرصتی برای اجرای مرام خود می‌باشند. مراتب اطلاعاً اعلام می‌شود تا دستور فرمایید تحقیقات دقیقی در این موضوع به عمل آورده و نتیجه را اعلام دارند [تا] به شرف‌عرض برسد.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا: رحیم هیراد]

[حاشیه پایین:] فوری است. تیمسار سرلشکر [تیمور] بختیار معاون نخست‌وزیر دستور فرمایید رسیدگی و گزارش جامعی ارسال دارند تا به شرف‌عرض ملوکانه برسد.

[امضا: منوچهر اقبال] [۱۳]۳۷/۵/۱۶

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۲۵۵۳/۴

تاریخ: [۱۳]۳۷/۵/۱۸

سند شماره ۱۱۶

نامه سرگشاده‌اللهیار صالح به مردم ایران درباره انتخابات بیستمین دوره مجلس شورای ملی، به انضمام پاسخ جمعی از مخالفین حزب ایران علیه وی

نامه سرگشاده

به هموطنانی که نظر مرا درباره انتخابات خواسته‌اند

«نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی قدر مراتبهم محق و سهمیند تشخیص و تعیین اعضای مجلس را به انتخاب ملت محول داشتیم»

نقل از مقدمه قانون اساسی مورخ چهاردهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ [ه.ق.]

هموطنان عزیز انتخابات بیستمین دوره تقنینیه در وضع و حالی انجام می‌گیرد که همه کم و بیش از آن مطلع هستیم. دولت اعلام نموده است که انتخابات حتماً آزاد است. ولی آقای دکتر

اقبال در بیانات خود چه در مجلس شورای ملی و چه در سخنرانی‌هایی که در مراکز استان‌ها ایراد کرده‌اند جمع‌کثیری را از این آزادی صریحاً محروم نموده و مثلاً گفته‌اند به «فراندمچی‌ها» اجازه حرف زدن هم داده نخواهند شد. به این ترتیب نخست‌وزیر آزادی انتخابات و استفاده از این حق را که قانون اساسی به همه افراد ایرانی اعطا کرده است منحصر به دسته‌های معین و معدودی نموده که هم اکنون سرگرم بعضی تظاهرات هستند و کسان دیگر را که ایشان تحت نام «فراندمچی‌ها» ممنوع از استفاده از این حق اعلام داشته‌اند معلوم و مشخص نکرده‌اند چه کسانی هستند و به چه مجوزی این حق طبیعی و قانونی از آنها سلب می‌شود. زیرا هیچ فردی را نمی‌توان از شرکت در انتخابات محروم کرد مگر به حکم قانون و به موجب حکم محکمه صالحه. علاوه بر نکته فوق باید توجه داشت که در اوضاع و احوالی وعده آزادی انتخابات داده می‌شود که به هیچ وجه شرایط آن آزادی موجود نیست زیرا:

۱- از آزادی مطبوعات و انتشارات جز برای افراد و دسته‌های معین اثری دیده نمی‌شود.

۲- آزادی اجتماعات جز برای دسته‌های معین وجود ندارد.

۳- امنیت شخصی برای کسانی که بخواهند خارج از دسته‌های معین برای هدف‌های اجتماعی خود به مبارزه انتخاباتی بپردازند موجود نیست.

۴- مجریان انتخابات با سرعت فوق‌العاده مشغول تدارکاتی هستند تا در همین اوضاع و احوال در سراسر مملکت در روز معین امر انتخابات را به پایان برسانند. در حالی که همین مقامات برخلاف قانون چند ماه انتخابات را بدون مجوز قانونی به تمویق انداخته، آن قدر صبر کردند تا مجلس که ممکن بود وجود آن مورد استفاده قرار گیرد به حال تعطیل درآمد و دانشگاه نیز تعطیل گردید.

اکنون جمیع امکانات مبارزه انتخاباتی منحصر به نزاع ساختگی بین دو حزبی گردیده که در واقع فرق و تفاوتی با یکدیگر ندارند و استانداران، فرمانداران و حتی قوای انتظامی و کلیه وسایل دولتی همه را در دست در اختیار دارند.

اما هموطنان عزیز با وجود ملاحظات فوق و مشکلات بیشمار مردم باید در امر انتخابات و مبارزات انتخاباتی شرکت کنند زیرا گذشته از آن که شرکت در انتخابات از جمله حقوق اولیه‌ای است که قانون اساسی به هر فرد واجد شرایط اعطا نموده است ما باید در انتخابات شرکت کنیم تا معیاری برای ارزش ادعاهایی که دولت دارد به وجود آوریم. بدین جهت از

- عموم هم‌میهنان دعوت می‌کنم که برای شرکت در انتخابات خود را آماده سازند و از مجریان انتخابات بخوانند تا آزادی‌هایی را که قانون برای آنها شناخته است رعایت نمایند. یعنی:
- ۱- مطبوعات بر طبق قانون آزاد باشند و کسی از نشر اعلامیه‌ها و بیانیه‌های جمعیت‌ها و احزاب مختلف قانونی جلوگیری نکند (چاپخانه‌ها، جراید باید عملاً مطمئن شوند که در اثر انتشار و چاپ اعلامیه‌های انتخاباتی مورد فشار قرار نخواهند گرفت).
 - ۲- تشکیل جلسات و اجتماعات برای تبلیغات انتخاباتی کاملاً آزاد باشند و به هیچ عنوان مانع این گونه اجتماعات نشوند.
 - ۳- با ایجاد رعب و وحشت به وسیله عوامل آشوبگر و چاقوکشان حرفه‌ای سلب آزادی در تبلیغ و رأی دادن از مردم نکنند.
 - ۴- توقیف شدگان سیاسی که بدون حکم دادگاه در توقیف به سر می‌برند آزاد شوند.
 - ۵- مقررات حکومت نظامی که به صورت سازمان امنیت و به شکل سخت‌تری عمل می‌شود اجرا نگردد و کسانی که وارد در فعالیت و مبارزات انتخاباتی می‌شوند جلب و تهدید یا توقیف و تبعید نگردند.
 - ۶- انجمن‌های نظارت بر انتخابات با کمال بی‌طرفی بر طبق قانون از اشخاص موجه و بی‌طرف تشکیل گردد و حق نظارت بر اخذ رأی و مراقبت از صندوقها تا مرحله قرائت آراء و ثبت و اعلام نتیجه برای مردم تأمین گردد. خلاصه مجریان انتخابات، آنها که وعده آزادی انتخابات را می‌دهند هرگاه اصول قانونی فوق را که در قوانین اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر منظور شده است رعایت کنند می‌توان به تحقق شرایط لازم برای تأمین آزادی انتخابات امیدوار بود و در غیر این صورت البته (آزادی انتخابات) جز عنوانی بی‌ارزش چیز دیگر نخواهد بود.
- جریان تاریخ نشان داده است که رعایت آزادی انتخابات در هر کشور حتی به نفع کسانی است که زمامداران آن کشورند. زیرا تمکین دولت‌ها به آزادی حقیقی و قانونی ملت از ایجاد بن‌بستهای خطرناک جلوگیری می‌کند.

تهران - ششم تیرماه ۱۳۳۹ شمسی

اللهیار صالح

[حاشیه بالا، اول:] به عرض برسد. ۱۳۳۹/۵/۲۲

[حاشیه پایین:] در بازرسی اقامی ندارد. [امضا: ناخوانا] ۱۳۳۹/۵/۲۲

[مهر:] بازرسی دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۳۷۱۳۰

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۱۳

سند شماره ۱۱۶/۱

هموطنان عزیز

اعلام آزادی انتخابات کسانی را به هوس نمایندگی مجلس شورای ملی انداخته که سوابق خود را از یاد برده و تصور کرده‌اند ملت ایران نیز صدمات آن گذشته‌های دردناکی را که در اثر ساده‌لوحی ایشان وارد شده فراموش کرده‌اند.

ما نمی‌گوییم آقای اللهیار صالح شخص ناپاک و نادرستی است ولی ما از شما مردمان شاه‌دوست و وطن‌پرست که حافظ قانون اساسی این کشور هستید و به موجب همین قانون اساسی از حق آزادی بهره‌مند شده‌اید سؤال می‌کنیم که آیا کسی که در حیات سیاسی خود بارها مرتکب اشتباهات عظیم و غیرقابل عفو شده است و اصول قانون اساسی را منکر و با تأیید حزب شناخته شده ایران و همکاری با حزب منحلۀ توده ایران و با ائتلاف به حزب دموکرات پیشه وری نزدیک بود اساس سلطنت مشروطه ایران و استقلال ۲۵۰۰ ساله ما را از بین ببرند حق دارند باز هم خود را وارد سیاست کشور عزیز شما بنمایند. کسی که در روز ۳۰ مرداد فرمان اعلی‌حضرت همایونی را برای عزل دکتر مصدق موجب تأسف دانست امروز چگونه می‌خواهد در کنار تمثال مبارک اعلی‌حضرت همایونی ادعای شاه‌دوستی و وطن‌پرستی بکند، بدانید که توبه گرگ مرگ است. خوب فکر کنید فریب تبلیغات اخلاک‌گرا را نخورید و احساسات خود را تسلیم یک مشت سخنرانی‌ها و تظاهرات عوام فریبانه نکنید. ملت ایران و مملکت ایران در سایه توجهات خداوند متعال و عنایت ذات مبارک شاهنشاه به پیش می‌رود [و] مملکت احتیاج به اشخاصی مثبت، فعال، خدمتگزار اجتماع و خوش سابقه دارد. این گوی و این میدان.

رضا وطن دوست، یوسفی، علی احمد شرافتمند

سند شماره ۱۱۷

مکاتبات شهربانی کل کشور با نخست وزیری در مورد فعالیت های انتخاباتی
دکتر شاپور بختیار و مهندس ایزدی از اعضای وابسته به حزب ایران و جبهه
ملی در میان کارگران شرکت نفت آبادان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۲۰

شماره: ۵/۲۹۱۳۹ ت

از: شهربانی کل کشور

به: جناب آقای نخست وزیر

محترماً به استحضار می‌رساند. طبق اطلاع واصله از آبادان روز ۱۳۳۹/۵/۱۲ [مقداری
آگهی‌های انتخاباتی به نفع دکتر شاپور بختیار در شهر منتشر گردیده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۷۴۵۲/۴

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۳۰

سند شماره ۱۱۷/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهریانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۲۵

شماره: ۵/۲۹۶۱۶ ت

از: شهریانی کل کشور

به: جناب آقای نخست وزیر

محترماً به استحضار می‌رساند. طبق اطلاع واصله از آبادان آقای دکتر شاپور بختیار پس از ورود به آبادان به آقای مهندس ایزدی و سایر وابستگان به حزب ایران تماس گرفته و خود و آقای ایزدی را کاندید نمایندگی از آبادان معرفی و در این مورد اعلامیه‌هایی نیز منتشر نموده است.

از طرف رئیس شهریانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۷۰۲۶۵/۴

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲

سند شماره ۱۱۷/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

از: شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۲۵

به: جناب آقای نخست وزیر

شماره: ۵/۲۹۹۸۲ ت

محترماً به استحضار می‌رساند: طبق اطلاع واصله از آبادان آقای دکتر شاپور بختیار که خود را کاندیدای نمایندگی دوره بیستم مجلس شورای ملی می‌داند در سال ۲۷ نیز کاندیدا بوده و به علت انتخاب نشدن با عده‌ای در تلگرافخانه متحصن و باعث اعتصاب گردیده و آقای مهندس ایزدی که او نیز خود را کاندیدای نمایندگی معرفی نموده در دوره ۱۸ از طرف حزب ایران کاندید بوده و اکثر اشخاصی که در سخنرانی‌های آنان شرکت می‌نمایند وابستگان به حزب منحلّه توده و حزب ایران می‌باشند که در اذهان عمومی تولید ناراحتی نموده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۷۲۵۶/۴

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۰

سند شماره ۱۱۷/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

از: شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۲۵

به: جناب آقای نخست‌وزیر

شماره: ۵/۳-۷۴۸ ت

محترماً به استحضار می‌رساند طبق اطلاعیه واصله از آبادان روز ۱۷ ماه جاری دو نفر از نمایندگان کارگران که از طرفداران حزب ملیون می‌باشند [به] وسیله تلفن با جناب آقای نخست‌وزیر تماس گرفته و تقاضای تعطیل منزل کرباسی نام را که در اختیار دکتر بختیار و مهندس ایزدی می‌باشد نموده‌اند که به آنان وعده مساعد داده شده و این همان منزلی است که افراد مشکوک حزب ایران و حزب منحلۀ توده در آن تجمع می‌نموده‌اند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۷۸۱۹/۴

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۲

سند شماره ۱۱۷/ع

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

از: شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۲۵

به: جناب آقای نخست وزیر

شماره: ۵/۳۱۱۴۹

محترماً به استحضار می‌رساند طبق اطلاعیه واصله از آبادان آقایان دکتر شاپور بختیار و مهندس ایزدی وابستگان حزب ایران در سخنرانی‌های خود تنقیدات زیادی از دولت می‌نمایند و در جلسات آنان اشخاص مشکوک و منتسب به حزب منحلّه توده و حزب ایران زیاد مشاهده می‌شوند و به قرار مسموع هر دو نفر آنان از طرف مخالفین تهدید به قتل شده‌اند. و از طرف کارگران اعلامیه‌هایی منتشر شده که اگر مأمورین انتظامی مانع تشکیل جلسات دکتر بختیار و مهندس ایزدی نگردند خود آنان اقدام به برجیدن آن خواهند نمود.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۷۸۲۱/۴

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۲۲

سند شماره ۱۱۷/۵

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

از: شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳/۳۹/۵/۲۹

به: جناب آقای نخست وزیر

شماره: ۵/۳۱۱۷۷ ت

محترماً به استحضار می‌رساند طبق اطلاعیه واصله از آبادان روز ۱۳/۳۹/۵/۱۷ تظاهراتی در منزل آقای کرباسی به نفع آقای شاپور بختیار و مهندس حسن ایزدی منتسب به حزب ایران به عمل آمده و شاپور بختیار ضمن سخنرانی خود بیان داشته کارگران عزیز، من راه مبارزه را به شما نشان داده و تا آخرین قطره خود ایستادگی می‌کنم و ضمناً شخصی به نام حسین صالحی کارگر ساختمانی شرکت نفت که یکی از مسئولین حزب ایران می‌باشد ضمن مذاکره با چند نفر از دوستان خود اظهار نموده ما حتی پیش‌بینی اعتصاب را در آبادان و بندر معشور کرده‌ایم، اگر موفق نشویم کارگران اتوبوس رانی و لیبرپور نیز اعتصاب خواهند کرد، لذا ساعت ۸ صبح روز ۱۳/۳۹/۵/۱۸ آقای استاندار خوزستان مقامات مسئول شهر را احضار و اظهار نموده‌اند به مناسبت اختلافات موجوده احتمال تشنج شدیدی در آبادان می‌رود و به دستور ایشان آقای فرماندار در انجمن نظارت حضور یافته و پس از طرح موضوع اعضا انجمن دسته‌جمعی استعفا نموده‌اند. پس از استعفا آنان، از طرف فرمانداری به اهالی اعلام گردیده که تا وصول دستور مجدداً از وزارت کشور انتخابات متوقف خواهد بود. ضمناً ساعت ۸/۳۰ روز ۱۳/۳۹/۵/۱۹ تیمسار سپهبد بختیار با هواپیما به آبادان وارد و به قرار اطلاع با سرهنگ امجدی رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آبادان درباره انتخابات آبادان مذاکره و ساعت ۱۱/۳۰ همان روز با هواپیما به اهواز عزیمت نموده‌اند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۱۷/۶

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهریانی کل کشور

از: شهریانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۳/۹/۶/۱

به: جناب آقای نخست وزیر

شماره: ۵/۳۱۷۵۹ ت

محترماً به استحضار می‌رساند. طبق اطلاعیه واصله از آبادان با شروع مجدد انتخابات و عملیات طرفداران دکتر بختیار و مهندس ایزدی امکان اغتشاش در شهر زیاد شده و تصور می‌رود با بودن دو نفر مذکور در شهر اختلال نظم تولید و اتفاقات سوئی رخ دهد، مثلاً نامبردگان قبل از استعفای انجمن نظارت به طرفدارانشان دستور داده‌اند از ساعت ۴ صبح به طور منظم و یک صف در محل‌های أخذ رأی حاضر شده و رأی بدهند و به این ترتیب اهالی و کارگران موفق به دادن رأی نخواهد شد.

از طرف رئیس شهریانی کل کشور

سپید علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۸۳۱۵/۴

تاریخ: ۱۳۳۳/۹/۶/۳۰

سند شماره ۱۱۷/۷

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهریانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۹۶/۵/۳۰

شماره: ۵/۳۳۴۲۴ ت

از: شهریانی کل کشور

به: جناب آقای نخست وزیر

محترماً به استحضار می‌رساند: طبق اطلاعیه واصله از آبادان روز ۱۳۹۵/۵/۳۰ [۱۳] دکتر شاپور بختیار از تهران به آبادان وارد و به اتفاق مهندس ایزدی وابسته به حزب ایران و اطرافیان خود مجدداً مشغول فعالیت‌های انتخاباتی گردیده است.

از طرف رئیس شهریانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۸۵۲۹/۴

تاریخ: ۱۳۹۷/۷/۲ [۱۳]

[مهر:] محرمانه

سند شماره ۱۱۷/۸

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

از: شهربانی کل کشور

تاریخ: ۱۳۳۹/۶/۶

به: جناب آقای نخست وزیر

شماره: ۵/۳۳۶۸۸ ت

محترماً به استحضار می‌رساند: طبق اطلاعیه واصله از آبادان روز ۱۳۳۹/۵/۳۰ آقای دکتر شاپور بختیار در مقابل عده‌ای از افراد ماجراجو و عضو احزاب منحلّه توده و ایران اظهار داشته که دولت دلقک و احمق و مأمورین مربوطه‌اش آزادی انتخابات را از ما سلب نموده و انجمن نظارت آبادان نیز از مأمورین بی‌سواد و غیر صالح و حتی از مأمورین دولت تشکیل شده و در عوض سه روز اخذ آراء، دو روز تعیین شده و روز جمعه را که پالایشگاه تعطیل است تعیین نموده‌اند و ما مجبوریم روزهای چهارشنبه و پنجشنبه کارگران را از کار خود بازداشته و برای دادن رأی به مساجد بفرستیم و اگر وقفه‌ای در کار پالایشگاه پیدا شود مسئول مقامات مربوطه هستند و چنانچه مأمورین مانع رأی دادن شوند من و شما به صندوق‌ها هجوم خواهیم آورد و ضمناً اظهار داشته در پایتخت با وجود دوستان نگر خیرنگار خارجی حیثیت بین‌المللی ایران از بین رفته است و دولت در تهران پاسبانان و سربازان و ژاندارمها و رفتگران را با لباس میدل [به] وسیله کامیون جهت دادن رأی به پای صندوقها برده‌اند.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

سپهبد علوی مقدم

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه بالا]: ملاحظه شد.

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۸۸۸۸/۴

تاریخ: ۱۳۳۹/۷/۹

سند شماره ۱۱۸

اظهارات یکی از اعضای حزب ایران در مورد شناسایی رژیم اسرائیل از طرف دولت ایران در قبال دریافت سی میلیون دلار وام

ارزیابی: امکان صحت دارد

[مورخه: ۱۳/۶/۷۳]

اطلاعیه

یکی از اعضای حزب ایران گفته است این که شاهنشاه و دستگاه اظهار می‌دارند که ما اسرائیل را به رسمیت نشناخته بلکه روابط ما در همان حدود دو فاکتو است که ده سال پیش انجام گرفته صحیح نیست و احتمالاً اسرائیل به رسمیت شناخته شده و داد و فریاد رئیس جمهور مصر هم درست است زیرا چندی قبل که مهندس خسرو هدایت برای دریافت پول به آمریکا رفت و دولت آمریکا پرداخت پول را موکول به نتیجه انتخابات نمود و بالتیجه خسرو هدایت دست خالی برگشت دولت اسرائیل گفت که اگر ما را به رسمیت بشناسید حاضریم پول مورد نیاز شما را بپردازیم و این شناسایی در قبال سی میلیون^۱ دلار انجام پذیرفت^۲.

[حاشیه پایین: ملاحظه شد.

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۶۹۳۹/۴

تاریخ: ۱۳/۶/۷۳]

۲. در اصل: پذیرفت.

۱. در اصل: ملیون.

سند شماره ۱۱۹

عریضه عده‌ای از اهالی کاشان در شکایت از فرمانداری آن شهرستان بدلیل
طرفداری از اللهیار صالح و حزب ایران

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

از: کاشان، به: [تهران]، شماره قبض: ۳۵۲، عدد کلمات: ۲۱۶، تاریخ وصول: ۱۳۰۶/۴۰/۲۳ [۱۳]

جناب آقای دکتر امینی نخست‌وزیر، رونوشت تیمسار سپهبد عزیزی وزیر کشور: با آن‌که اعمال و رفتار آقای ملک مدنی فرماندار کاشان به طرفداری از آقای اللهیار صالح اظهار من‌الشمس است و خود و پدرش عضو جبهه ملی است و بر علیه کشور و ملت قیام کرده‌اند. در این مأموریت هم می‌خواهد افراد حزب ایران و توده و جبهه ملی را به عضویت انجمن شهر به مردم شاه‌دوست کاشان تحمیل نماید تاکنون شکایات متعدد از اعمال و رفتار خلاف قانون او شده آنچه مسلم است آقای حشمتی پسر عمه صالح معاون فعلی وزارت کشور مانع احقاق حق مردم گردیده و نمی‌گذارد مأمور بی‌نظری انتخاب شود. استدعای بذل توجه و تعیین مأمور بی‌نظری را داریم: سید اکبر خادمی، سید محمد جلالی، قاسم قیصری، غلانزادی، اکبر کردمیل، حسین کاشانی، اکبر طرفدار، حبیب جمالی مشهدی، صادقی، نعمت بهرامی، روح‌الله بهرامی، حسین^۲ جلالی، غلامعلی کاشانی، عباس جارچی‌زاده، محمد جارچی‌زاده، محمد صادقی، شکرالله تبریزی^۳، امیرزادی، حسن جعفری، حسین تأملی، حسین ایران‌پور، سیدعباس یالاهی، سیدحسین یالاهی، سیدعلی یالاهی، حسین جوامردی، حسین هوشمندی، اکبر گذرنور، غلامعلی گذرنور، سیدباقر جلالی، سیدجلال جلالی، نصرالله طرفدار، عباس طرفدار، اسماعیل

۱. در اصل: عالییه.

۲. به احتمال خوانده شد.

۳. در اصل: تبریزی.

طرفدار، همایون سلیمانی، جواد سلیمانی، هوشنگ صادقی، اکبر بوستانی، صادق بوستانی، تقی بوستانی^۱، اکبر زارع، حسین زارع، عباس جوکار، ناصر خدایاری^۲، ناصر کریمی، رضا جلالی، علی تقی فینی، ناصر طاهری، اسدالله طاهری، محمد طاهری، کاظم بوزآبادی، حسن ذولفقاری^۳، حسن شاه‌نجفی، علی کاشانی، احمد کاشانی.

[حاشیه بالا:] وزارت کشور - بایگانی. ۴۰/۶/۲۵ [۱۳]

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۱۵۶۹

تاریخ: ۴۰/۶/۲۵ [۱۳]

۲. در اصل چند اسم دو بار تکرار شده بودند.

۱. در اصل: دوبار تکرار شده.

۳. در اصل: زلفقاری.

حزب سعادت ملی ایران

سند شماره ۱۲۰

تلگراف عده‌ای از اهالی کردستان به رهبر حزب سعادت ملی ایران و اظهار
مسرت از بازگشت وی به کردستان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۵۱۳، از: کردستان، به: [تهران]، شماره قبض: ۵۷۳، تعداد کلمه: ۸۲، تاریخ
اصل: ۱۰/۲/۱۳۳۱، تاریخ وصول: ۱۰/۲/۱۳۳۱

حضور آقای محیط رهبر حزب سعادت ملی ایران تهران، وصول تلگراف موجب کمال مسرت
[شد] شدیداً منتظر مراجعت می‌باشیم: حاج محمد سجادی، حاج عبدالله دیانت، محمد
سجادی، سیدحبيب‌الله دیانت، سیدسعید صادقی، حبیب‌الله نویری، احمدنژاد، روحانی، حاج

عبدالرحمان معروفی، سیدعبدالله سجادی^۱، ...^۲ سجادی، اسماعیل فرشچی، سیف‌الله عبداللهی، عبدالباقی زمان، محمدجعفر کلامی، غلامحسین صدقی، محمود زیرجد، محی‌الدین علاقمند، حاج حسین زرداری، عبدالله کریمان‌لو، محمود رشیدیان، اسماعیل^۳ معروفی، محمد ابتیان^۴، حبیب‌الله روشنی، باقر

[مهر: اداره تلگراف تهران]

سند شماره ۱۲۱

مکاتبه سناتور دیوان بیگی با نخست وزیر (دکتر محمد مصدق) درباره تعیین وقت قبلی برای نمایندگان حزب سعادت ملی جهت ملاقات با نخست وزیر

[تاریخ: ۲۵ مرداد ماه ۱۳۳۱]

قربانت گردم

اهالی و حزب سعادت ملی کردستان برای عرض تشکر و سپاسگزاری از وجود مبارک که پس از کسب اختیارات در وهله اول امر به انغای عوارض رعیتی و تخصیص صدی بیست از بهره مالکانه به نفع رعایا فرموده‌اید طوماری با ده هزار امضا به وسیله هیأتی مرکب از بیست نفر از زعمای قوم به تهران فرستاده‌اند که تقدیم حضور مبارک شود.^۵ این جمعیت دیروز وارد شده و در مهمانخانه حقیقت واقع در خیابان ناصر خسرو اقامت و قصد شرفیابی دارند و برای این‌که معرفی شده باشند به توسط بنده استدعای تعیین وقت شرفیابی دارند که در ضمن تقدیم طومار مزبور احساسات مردم آن ولایت را هم حضوراً به عرض برسانند. اینک مستدعی

۱. در اصل: "سیدعبدالله سجادی" دو بار تکرار شده بود.

۲. در اصل: اسمعیل.

۳. یک کلمه خوانده شد.

۴. طومار مذکور در پرونده موجود نبود.

۵. به احتمال خوانده شد.

است هر وقت صلاح باشد، مقرر فرمایید به آنها ابلاغ شود تا شرفیابی حاصل کنند و با تقدیم احترامات فائده خود زیاده تصدیع نمی دهد.

[امضا: رضاعلی دیوان بیگی]

[مهر:] ورود به دفتر ریاست وزرا

شماره: ۱۲۶۶۹

تاریخ: ۱۳۳۱/۵/۲۹

سند شماره ۱۲۱/۱

نخست وزیر

شماره خصوصی: ۱۲۶۶۹

تاریخ پیش نویس: [۱۳]۳۱/۵/۲۸

تاریخ ثبت: [۱۳]۳۱/۵/۲۹

جناب آقای دیوان بیگی سناتور محترم

نامه مورخ [۱۳]۳۱/۵/۲۵ عز وصول بخشید چنانکه خاطر عالی مستحضر است، جناب آقای نخست وزیر، از ملاقات آقایان نمایندگان حزب سعادت ملی کردستان معذورند چنانچه موافقت فرمایید، دستور خواهید فرمود تا لطفاً آقایان نمایندگان مزبور این جانب را سرفراز فرمایند.

نخست وزیر

[امضای پیش نویس: احمد بهار]

سند شماره ۱۲۲

تلگراف دو تن از مالکین کردستان در شکایت از اقدام حزب سعادت ملی در تحریک رعایای سنندج علیه مالکین

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: کردستان، به: [تهران]، شماره قبض: ۱، تعداد کلمه: ۲۱۲، تاریخ اصل: [۱۳۳۱/۶/۱۵]،
تاریخ وصول: [۱۳۳۱/۶/۱۵]

پیرو تلگراف مورخه ۱۳۳۱/۲/۱۶ [۱۳] جناب آقای نخست‌وزیر، رونوشت مجلس محترم سنا، رونوشت مجلس محترم شورای ملی تهران: جماعتی آشوب طلب ماجراجوی حزبی بعنوان سعادت ملی در سنندج تشکیل و رعیت را وادار به تقسیم اراضی نموده‌اند، نتیجتاً رعایا به هیچ وجه برای پرداخت دو عشر مالکانه حاضر نمی‌شوند. از جمله موقوفات حضرت سیدالشهدا علیه السلام که تحت تصدی بنده است رعیت اعتنا به بنده و مباشر نکرده خودسرانه خرمن برداشته و برمی‌دارند. محصول باغات هم به کلی بدون پرداخت سهم مالکی از طرف رعایا به قوت شرارت استیفا می‌شود. جزئی ملک موروثی که خود بنده دارم آن هم رعایا خرمن‌ها را برداشته و مشغول تصرف بقیه آن هستند. حزب سعادت ملی رعایای خورده مالکین بدبخت را علیه مالک تحریک و نمی‌گذارند مشغول زندگی رعیتی خود باشند. در مقابل اخذ رشوه‌های زیاد قول داده‌اند از طرف حزب اراضی برای رعایا تقسیم شود. محض رضای خدا زودتر به حال مظلومین عطف توجه مبذول فرمایید و الا آتش که کاملاً روشن شده خاموش کردنش بی‌حد مشکل است. ضمناً معروض می‌دارد که تشکیل حزب سعادت بدواً به نام اقدام در آزادی آرای انتخابات بوده و بعداً هدف آنان تبلیغات سوء و بهم زدن بین مالک و

رعیت از آب درآمد. خاتماً عطف توجه عاجل را مستدعیم. صالح صدیق متولی.
[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا:] نسخه اول به وزارت کشور ارسال شد. ضبط است. ۱۳۳۱/۶/۱۷

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۵۸۲۳۰

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۱۷

سند شماره ۱۲۳

مکاتبه رضاعلی دیوان بیگی (سناتور) با نخست وزیری در مورد شکایت از
اقدامات حزب سعادت ملی ایران به دلیل تحریک و تشویق رعایا کردستان
علیه مالکین

[شیر و خورشید]

مجلس سنا

خصوصی

[تاریخ:] ۱۹ شهریور ۱۳۳۱

دوست محترم

در ضمن تجدید عهد و ارادت، تلگرافی که از کردستان توسط بنده حضور جناب آقای
نخست وزیر عرض شده چون حائز اهمیت است تلواً ایفاد می‌دارد که از لحاظ مبارکشان
بگذرانید. ضمناً چون طبق گزارشاتی که متوالیاً می‌رسد اوضاع آن ولایت دارد رو به اغتشاش
می‌رود. رونوشت نامه‌ای که در این خصوص [به] آقای وزیر کشور نوشته‌ام لفاً تقدیم می‌کنم

که لطفاً مدلول آن را به عرضشان برسانید. زیاده زحمت افزا نمی شوم و ایام عزت مستدام باد.
[امضا: رضاعلی دیوان بیگی]

[حاشیه پایین:] ضمن کارهای عرضی بگذارید که به عرض برسد. بهار ۱۳۱۶/۶/۱۹ [۱۳]
[حاشیه راست:] به وزارت کشور نوشته شود که راجع به نامه آقای دیوان بیگی سناتور محترم
چه اقدام فرموده اند. ۱۳۱۶/۶/۲۴ [۱۳]

سند شماره ۱۲۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۱۱۸۲، گیرنده: محبی، از: کردستان، به: [تهران]، شماره قبض: ۴۵۴، تعداد کلمه:
۳۳۹، تاریخ اصل: ۱۸ [۱۳۳۱/۶/۱۳]، تاریخ وصول: ۶/۱۸

توسط جناب آقای دیوان بیگی سناتور معظم غرب، حضور محترم نخست وزیر محبوب، رونوشت جناب آقای فرزانه نماینده محترم مجلس، رونوشت جناب آقای نادعلی کریمی نماینده محترم مجلس تهران: جناب آقای دیوان بیگی سابقه دارند که محمدحسن آصف وزیری آتش افروز اساس اختلافات کردستان، هر وقت مسافرتی به تهران می کنند و مراجعت می نمایند به محض ورود هنگامه جدیدی برپا می نماید و چون متأسفانه تاکنون در سابه مصونیت قضایی تعقیب و تأدیب نشده روز به روز جری تر می شود خوشبختانه این مرتبه سعادت ملی با هوشیاری کامل تمام مقدمه چینی های سایر افراد خانواده آصف و سنندجی را از چند روز قبل پیش بینی کرده و طی نامه های رسمی به عرض مقام نخست وزیر و فرمانده تیپ و شهربانی و فرمانداری رسانیده، مخصوصاً امروز صبح اطلاع داده شد که قرار است تجمعی نموده و شهر را منقلب و متعاقب آن متحصن شوند و موجبات بی نظمی و اغتشاش را فراهم سازند. امروز ساعت شش بعد از ظهر چنانکه پیش بینی شده بود افراد خانواده آصف و

سنندجی و هم فکran مرتجع آنان عده‌ای اوباش را جلوانداخته و بعنوان این‌که می‌خواهند حزب جدیدی بسازند و موجبات انحلال حزب سعادت ملی را فراهم و مانع از اجرای لوایح اخیر تصویب [شده] به نفع کشاورزان شوند، شهر را به هم زده و چون مردم از چهار روز قبل آگاه بوده‌اند [با] آرامش تظاهرات مفتضخانه آنان را با خونسردی تلقی و چون دیده‌اند مردم عکس‌العملی نشان نمی‌دهند یکی از آنان به دواخانه وجدان رفته شیشه اسید را برداشته بر سر مردم ریخته‌اند عده‌ای را مجروح کرده‌اند سپس مجتمع [و] به خانه محمد مردوخ رفته‌اند و اینک درصددند دنباله این ماجراجویی و اغتشاش را آن‌جا بگیرند که به نتیجه غیرمشروع منظور خودشان که در معروضه مورخه ۱۳/۶/۳۱ [۱۳] عرض شده برسند. مراتب عرض شد، مستدعی است دستورات اکید به مقامات انتظامی برای جلوگیری از اقدامات خانواده آصف و سنندجی مخصوصاً محمدحسن آصف داده شود. ۱۷۷ [مورخ] ۱۳/۶/۱۷ [۱۳] حزب سعادت ملی کردستان.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

سند شماره ۱۲۳/۲

[تاریخ:] ۱۹ شهریور ۱۳۳۱

جناب آقای دکتر صدیقی وزیر کشور

در تعقیب مذاکرات حضوری لزوماً بدین وسیله نیز به استحضار خاطر شریف می‌رسد: اخیراً گزارشهای واصله از کردستان دلالت دارد بر این‌که ملاکین عمده آن‌جا (یعنی خانواده آصف و سنندجی) برای عدم اجرای قانون ازدیاد سهم کشاورزان و الغای عوارض رعیتی دست به کار تحریکات آشوب طلبانه‌ای شده‌اند که اگر به زودی جلوگیری نشود و دولت جریان امور آن منطقه حساس را جدی نگیرد و با نحوه اقدامی که می‌فرمایند باز طوری باشد که عملاً موجب تقویت ملاکین خودخواه و مرتجع گردد، کشمکش و زد و خورد‌های طبقاتی دامنه داری در آن‌جا به وقوع خواهد پیوست که بعداً جلوگیری از اغتشاشات محتمله کارآسانی نخواهد بود. جریان تحریکات و عملیات آشوب طلبانه مذکور اجمالاً از این قرار است:

۱- پس از ورود سرتیپ شاهرخشاهی به سنندج، وقتی سران عشایر کردستان بعنوان

معارفه با فرمانده جدید تیپ به شهر آمده‌اند به آنها که اکثراً خرده مالک هستند گفته شده (دولت در نتیجه اغتشاشات کمونیستی ۳۰ تیر در تهران ناچار به وضع همچو قوانینی شده است و اگر از طرف عشایر تظاهرات شدیدی بشود و اعتراض دسته‌جمعی به دولت بنماید این قوانین از بین خواهد رفت.) ضمناً به این ترتیب درصدد برآمده‌اند سران عشایر را برعلیه کشاورزان برانگیزند زیرا در این موقع که فصل برداشت محصول است و کشاورزان هر محل جداً خواستار اجرای قوانین موضوعه می‌باشند وقتی ملاکین حاضر به دادن سهم رعیت نشدند و کار به کشمکش و زد و خورد کشید مالک عمده در تهران می‌تواند با صورت حق به جانب این اغتشاشات را نتیجه اجرای فوری قوانین فوق جلوه دهد و کاری کند که بعد قوای دولت بعنوان جلوگیری از بی‌نظمی کشاورزان بینوا و طرفداران اصلاح طلب آنها را تارومار کند.

۲- خوانین نامبرده در نتیجه اجرای تحریکات و دادن مبالغی رشوه در قریه دیرمولی عده‌ای را برعلیه شیخ معتصم حسامی پیشوای جماعت نقشبندی (که زیر بار امر و نهی خوانین در موقع انتخابات نرفته) برانگیخته‌اند که در غیاب مشارالیه خانه‌اش را غارت کنند لیکن اهل بیت حسامی از طوایف نقشبندی در دهات اطراف استمداد جسته‌اند و چند هزار نفر برای مقابله با مهاجمین و معارضه به مثل قصد عزیمت به دیرمولی کرده‌اند. حسن اتفاق در این اثنا شیخ معتصم سر می‌رسد و با تلاش بسیار از تصادم و خونریزی جلوگیری می‌نماید.

این نکته را هم متذکر می‌شود که اگر اتفاقاً به این ترتیب از آن غائله جلوگیری نمی‌شد ممکن بود کار زد و خورد از نظر تعصبات مذهبی منجر به مداخله و مهاجمه طوایف نقشبندی ساکن عراق به داخل خاک ایران گردد بخصوص که تحریکات خارجی هم در میان است و مالکین عمده کردستان خودشان هم منکر نیستند که همیشه عامل اجرای سیاست بیگانگان بوده‌اند و در هر دوره به زور اولیای سفارت انگلیس در آن ولایت فرمانروایی کرده و به وکالت رسیده‌اند.

۳- هفته گذشته مالکین قراء: باباریز، نای سر، دوشان، گریزه، برازان و سایر آبادی‌های اطراف سنندج (متعلق به آقایان آصف و سنندجی) موقع برداشت محصول حاضر نشده‌اند سهم رعیت را مطابق مقررات جدید بپردازند به قصد این‌که اگر رعایا تمکین ننمودند جناب عالی راه انداخته در مقام اشتباهکاری برآیند و بعنوان شرارت در نظر دولت آنها را محکوم نمایند. اما رعایا این خدعه را دریافته خرمنا را به جای گذاشته همگی به سنندج آمده چند روز است در تلگرافخانه تحصن اختیار نموده‌اند و با وجود تأکیدات بلیغ جناب آقای نخست‌وزیر

تاکنون کسی به عرایض آنها گوش نداده است. عاقبت اگر فرمانداری در مقام احقاق حق آنها برنیاید ممکن است خودشان بروند و رأساً حق خود را برداشت کنند و این عمل باعث کشمکش‌های علی‌التوالی و بی‌نظمی شود.

۴- مالکین نامبرده از تهران چند نفر چاقوکش سرشناس را اجیر نموده همراه محمدحسن آصف (کارمند دادگستری) به سنندج فرستاده‌اند که در آنجا با تشریک مساعی مزدوران دیگر عناصر آزادیخواه و اصلاح طلب کردستان را که غالباً عضو حزب سعادت ملی می‌باشند تهدید و مرعوب نمایند شاید دیگر برای اجرای امر ازدیاد سهم کشاورزان علاقه و جدیت به خرج ندهند.

توضیح آن‌که یک ماه قبل عده‌ای از برگزیدگان همین حزب به اتفاق پنجاه نفر از نمایندگان صفوف [!] مختلفه اهالی کردستان با طومارهای قابل توجهی به تهران آمدند و از جناب آقای دکتر مصدق نخست‌وزیر سپاسگزاری نموده برای این‌که با صدور مقررات مربوطه به الغای عوارض رعیتی و ازدیاد سهم کشاورزان معظم‌له در واقع موجبات احیای طبقه رنجبر کردستان را فراهم فرموده‌اند.

۵- در قبال این توطئه و اسباب چینی‌ها شب سه شنبه یازدهم ماه جاری عده‌ای از ماجراجویان فوق‌الذکر پس از مراجعت آقای صدیق جواهری دبیر حزب مزبور از تهران در کوچه او را دنبال کرده و گفته‌اند (توهم از سینه زنهای دولت شده‌ای؟) و سپس سخت مضروب و مجروحش نموده‌اند که بیچاره هنوز بستری است. چون دوایر شهربانی و دادگستری مرتکبین را دستگیر و تعقیب نکرده‌اند اینک بر تجری آنها افزوده شده روز گذشته در کوچه‌های سنندج بی‌پروا معترض افراد منتسب به جمعیت ملیون شده‌اند و به روی آنها اسیدسولفوریک پاشیده جمعی را مجروح کرده‌اند. با پیش آمدن [نظایر این ماجراجویی‌ها ممکن است جمعیت ملیون و گروه منتسب به حزب سعادت ملی نیز در مقام تلافی برآیند و این زدوخوردها دنباله پیدا کند.

در خاتمه با کمال تأسف باید به استحضار عالی برسانم که مأمورین انتظامی و دادگستری کردستان هم برای این‌که از آب گل‌آلود استفاده کنند در این موارد به وظیفه خود که اجرای قانون است و رعایت حال مستمندان در مقابل ستمکاران [است] عمل نمی‌نمایند. هر چند که مأمورین حکومت نهضت ملی به شمار می‌آیند.

ر.ع. دیوان بیگی

سند شماره ۱۲۳/۳

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

[تاریخ: ۱۳]۳۱/۶/۲۷

شماره خصوصی: ۱۵۴۱۰

وزارت کشور

متمنی است دستور فرمایید از اقداماتی که نسبت به نامه مورخ ۱۳]۳۱/۶/۱۹ جناب آقای دیوان بیگی نماینده محترم مجلس سنا راجع به جریانات اخیر کردستان به عمل آورده‌اند نخست‌وزیری را مستحضر فرمایند.

رئیس کل دفتر نخست‌وزیر

سند شماره ۱۲۴

مکاتبه ناد علی کریمی (نماینده مجلس شورای ملی) با نخست‌وزیر در مورد اعلامیه‌های منتشره از سوی حزب سعادت ملی در کردستان

ناد علی کریمی

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۲۷

شماره: ۱۳۲۷

پیوست: ۷ برگ

جناب آقای نخست‌وزیر معظم دامه اجلاله

عطف به شماره ۱۳۰۱ [مورخ] ۱۳]۳۱/۶/۲۲ محترماً بدین وسیله دو برگ اعلامیه دانش‌آموزان کردستان را که در تاریخ‌های ۶/۲۰ و ۱۳]۳۱/۶/۲۱ و یک برگ اعلامیه حزب

سعادت ملی روز ۱۳۳۱/۶/۱۵، به انضمام ۴ برگ تلگراف مورخه ۱۳۳۱/۶/۲۵^۱ حزب مزبور را جهت استحضار خاطر آن جناب و اقدامات مجدانه به پیوست تقدیم می‌دارد.

با تقدیم احترام

نماینده کرمانشاه

[امضا: نادعلی کریمی]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳۳۱/۶/۳۱]

[حاشیه پایین، دوم: سابقه ضمیمه نامه شماره ۱۸۸۲۵ مورخه ۱۳۳۱/۶/۲۷] به اداره امور داده شده است. ۱۳۳۱/۶/۳۱]

[حاشیه پایین، سوم: به محض وصول ارسال دارند. ۱۳۳۱/۷/۱]

[حاشیه پایین، چهارم: پرونده رسید ضمیمه شد. ۱۳۳۱/۷/۱۹]

[حاشیه بالا: اقدامی ندارد بایگانی شود. ۱۳۳۱/۷/۲۰]

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۶۱۷۲

تاریخ: ۱۳۳۱/۶/۳۱

سند شماره ۱۲۴/۱

خدا

شاه میهن

حزب سعادت ملی کردستان

آذر ۱۳۳۰

کشف دسیسه علیه

حزب سعادت ملی کردستان

به طور قطع مردمی که در این شهر از زندگانی گذشته خود به ستوه آمده و به منظور رهایی از

۱. تلگراف‌های مذکور پیوست نبود.

قید استثمار مخالفین رفاه و آسایش و سعادت مردم برگرد حزب سعادت ملی کردستان حلقه زده و یا از دوستداران این حزب هستند از جریان این چند روزه مطلع شده‌اند که آقایان عبدالحمید فریدونی و رشید یشربی و یکی دو نفر دیگر به دستور مخالفین با دادن پول افرادی از دارندگان کارت حزب سعادت ملی را که هنوز سوگند یاد نکرده و کارمند رسمی نیستند فریب داده و می‌خواهند جمعیتی مزدور تشکیل دهند که به وسیله آن در داخله شهر علیه حزب سعادت ملی کردستان اقداماتی نمایند یا به نام حزب سعادت ملی عملیاتی کنند که حیثیت حزب لکه‌دار شود.

اینک برای مزید استحضار علاقمندان به حزب سعادت ملی کردستان متن صورت مجلس جلسه ۳۱/۶/۱۴ حزب را که پرده از روی نقشه خائنانه مرقوم بر می‌دارد ذیلاً درج می‌نماییم. به تاریخ ساعت هشت بعد از ظهر روز جمعه ۳۱/۶/۱۴ جلسه انجمن کار به امضای آقایان سیدحبیب‌الله دیانت و حبیب‌الله نویری و عبدالله العزیز احمدنژاد و عطاءالله شریعتی تشکیل آقای حاج مجد سجادی عضو انجمن عالی نیز حضور دارند. آقای علاءالدین هدایت مظهر که کارمند حزب نیستند صاحب قهوه‌خانه ضلع جنوب شرقی میدان شاه حاضر، اظهار داشت دیروز که پنجشنبه ۳۱/۶/۱۳ [۱۳] بوده ساعت سه بعد از ظهر رشید یشربی به قهوه‌خانه این‌جانب آمد در پستوی قهوه‌خانه رفت و در آن‌جا صدیق مسگر ضارب آقای محیط و باقر فرزند حمزه و محمدکریم بیچاره و سیداحمد بنا و احمد که سابقاً گروه‌بان ارتش بوده و فعلاً عملگی می‌کند و صالح شاگرد سیدعارف بقال حاضر بودند یک یک این اشخاص را صدا کرد و چون از پستو بیرون آمدند کاغذی در دست مراجعت می‌کردند. این جریان نظر مرا جلب کرد به پستو رفتم و از رشید یشربی گله کردم که چرا مرا بیگانه می‌دانند و به من نمی‌گویید اظهار داشت عبدالحمید فریدونی و من مأمور هستیم حزبی به نام وحدت ملی به ریاست آقای محمد مردوخ آیت‌الله و خانواده آصف تشکیل دهیم هرکس عضو بشود به او پول می‌دهیم به شرط آن‌که هر کس عضو حزب سعادت ملی است استعفا بدهد و کارتش را به ما بدهد و تو برادرت علی هدایت مظهر هم اگر حاضر بشوید ۱۵۰ تومان می‌دهم و جمله [ای] روی کاغذ نوشت و این است کاغذ که ملاحظه می‌کنید و مقصود این است که حزب سعادت ملی را از بین ببریم و غیراز این کاغذ که به اسم خودم ۱۵۰ تومان نوشته دو کاغذ دیگر به اسم رشید و صالح است می‌آورم. اظهارات نامبرده با حضور آقایان فوق‌الذکر و آقایان حبیب‌الله محیط و

سیدعبدالحمید مجد سجادی و باقر شهابی و حسین قماشچی و مسلم روحانی و محی‌الدین کویلی و حسین خداپنده و علاءالدین کانی مشکانی و عبدالکریم معمارپور و محمدرحیم معمارپور که این دو نفر در این بین حاضر شدند صورت مجلس شد و این جلسه در منزل آقای عطاءالله شریعتی عضو انجمن کار تشکیل و اظهارات فوق استماع گردید و آقا عزیز اشیر و شاطر عبدالله کریمان‌لو و استاد حق مراد خودپرست نیز حاضر شدند و بیانات آقای علاءالدین را استماع کردند. محل امضای اشخاص فوق.

در خاتمه به استحضار عموم مردم شرافتمند کردستان می‌رساند که موضوع به اطلاع مقامات انتظامی رسیده و به وسیله مراجع قضایی مسبب فتنه و آشوب تعقیب شده‌اند و نتیجه در آینده نزدیک به اطلاع عموم خواهد رسید.

حزب سعادت ملی کردستان

۱۳۳۱/۶/۱۵

شرکت چاپ سنندج

سند شماره ۱۲۴/۲

اعلامیه

دانش‌آموزان روشنفکر کردستان علیه دسته بندی پوشالی آصفی‌ها و حوای اعلامیه بی‌معنی که راجع به اخراج حضرت آقای محیط نوشته بودند اهالی محترم و دهقانان و رنجبران و کارگران و زحمتکش‌شان و پیشه‌وران و آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان کردستان از افکار مترقی دانش‌آموزان آگاه شوید.

قابطه دانش‌آموزان کردستان، سالهای متمادی است از وضع آسف‌آور این دیار مطلع شده و همه با هماهنگی تمام خواهان و طالب اصلاح وضع رقت‌بار این سامان بوده‌ایم. ولی تاکنون در دستجات و احزابی که در شهر ایجاد شده است کاملاً بی‌طرفی اختیار نموده و به نفع هیچ

دار و دسته [ای] اقدام^۱ یا فعالیتی ننموده ایم اما حال که مشاهده می‌نماییم خانواده آصفی‌ها و فتودالهای مارکدار یا شدادان ایرانی‌نما از اعمال وحشیانه آزار مردم فقیر و بیچاره کردستان شرم ندارند، بر خود لازم دانستیم که بدین وسیله برای تنویر افکار مردم در جواب اعلامیه بی‌تاریخ و بی‌اساس حزب‌الله بی‌نام و نشان چنین پاسخ دهیم:

الف) در جواب و راجع به عناوینی که در سطور اول اعلامیه بی‌سر و ته خود نوشته بودید که خواهان طرد یا اخراج آقای محیط می‌باشند باید عرض کنیم که بجز اشخاص مزدور و پول‌پرست و عمامه سفید بر سر چون مردوخ و مجتهدی و غیره باور نمی‌کنیم یا گمان نمی‌بریم که کسی طالب طرد یا تبعید « که این کلمه کاملاً درباره جناب آقای محیط بی‌معنی است » آقای محیط باشد.

ب) همچنین نوشته بودید قبل از تشریف‌فرمایی آقای محیط، کردستان در نهایت آسایش و امنیت بوده است.

اولاً: می‌گوییم آن امنیت و آسایش امنیت و آسایشی بود که پسندیده شما بود.

ثانیاً: قبلاً اهالی کردستان از شما دلخوشی نداشتند فقط اهالی این دیار نفس‌های خود را در سینه ساکت کرده بودند زیرا رؤسای^۲ ادارات آن روز هم نوکران انگلیسی بودند که شما در اعلامیه خود آن‌ها را شاهد گرفته‌اید ولی در این موقع که تمام بشر دنیا از حقوق خود دفاع می‌نماید این بیچارگان دور افتاده از تمدن هم البته از حقوق خود دفاع می‌کنند و مسلم است که این دفاع را باید شما و آیت‌الله مانندها آشوب و انقلاب تلقی نمایید.

ج) اگر جناب آقای محیط از طرف دربار یا نخست‌وزیر یا غیره مأموریت دارند یا ندارند اگر چه تاکنون ما چنین اظهاری از ایشان نشنیده‌ایم امروز که پاکدامنی ایشان بر مردم مسلم گشته و افکار عامه متوجه ایشان است و از صمیم قلب هواخواه او بوده و اخراج او را طالب نیستند همگی خواهان ابقای ایشان می‌باشند.

د) آقای آیت‌الله یا متلون‌الیوم که هر روز به رنگی در می‌آید و حتی خدا هم حساب رنگ‌هایی که ایشان هر روز به خود گرفته‌اند گم کرده است. امروز ناصح جناب آقای محیط و رهبر حزب پوشالی یهودی الاصل‌ها شده است. مگر آن آیت‌الله نیست که می‌گفت:

۱. در اصل: اقدامی.

۲. در اصل: رؤسای.

شرمم از حاجی مشیر است ای رضای آصفی

ورنه میدان سخن بر آیت‌الله تنگ نیست

البته امروز هم می‌گوید:

شرمم از پول زیاد است ای رضای آصفی

ورنه حزب‌الله را با سعادت جنگ نیست

ها) در اواخر آن اعلامیه بی‌مفهوم خود نوشته بودید که انزجار ما از آقای محیط به واسطه این است که نسبت به پیشوای دینی «و رهبر مذهبی» توهین نموده است ما هم بدین وسیله انزجار خود را نسبت به شخص آیت‌الله و خانواده آصف و حزب‌الله ابراز می‌داریم زیرا پیروان آیت‌الله و اجزای حزب‌الله بودند که در حضور عامه دیروز نسبت به یکی از اولادان حضرت رسول (حضرت حاج سیدعبدالله دیانت) چنین بی‌احترامی نمودند ولی اکنون به انتظار دادرسی دولت ساکت هستیم تا بعداً چه خواهد شد.

در آخر باید بگوییم ما اگر چه تمام فعالیتهای بی‌نتیجه و اعلامیه‌های وابسته به خانواده آصف را قابل جواب دادن و پاسخ نمی‌دانیم ولی منظور از تحریر این سطور این بود که به خانواده آصف و اهالی نجیب کردستان بگوییم که ما دانش‌آموزان روشنفکر از این ساعت به بعد تا آخرین دم حیات^۱ و تا آخرین قطره خون خود پیشتیبیان حزب سعادت ملی بوده و تفر و انزجار خود را از آصف و آصفی‌خواهان ابراز می‌داریم.

دانش‌آموزان سنندج

[۱۳]۳۱/۶/۲۰

شرکت چاپ سنندج

سند شماره ۱۲۴/۳

دانش‌آموزان کردستان

عمل قبیح و مرتجعانه مرتجعین را تقبیح می‌نمایند

آتشی که در کانون قلبهای ما مردم محروم و ستمدیده این سرزمین سالهای دراز در زیر خاکستر یأس و نومیدی و ظلم و اسارت و بردگی پنهان شده بود اکنون با وزش نسیمی که آنها را مرتفع نموده چنین مشتعل شده که هر چه بادهای شدیدتری برای خاموش کردن آن وزیدن گیرد روشن‌تر و مشتعل‌تر شده و خاموش‌شدنی نخواهد بود. خانواده آصف با تهدیدات ظالمانه که به وسیله عده معدودی از رعایای بی‌برگ و نوای خود و چند نفری از مردم بیچاره و بیکار شهر که با تطمیع و وعده و وعید به آنان تحمیل اراده نموده و فریبشان داده‌اند می‌خواهند. آتش مقدس آزادی که تازه در قلبهای پر رنج و محنت ما درخشیدن گرفته خاموش سازند غافل از این‌که امروز روزی است که تمام ملل برای پیشرفت مرام و مقاصد خود و توسعه آزادی سینه‌ها را در مقابل گلوله سپر قرار داده و با عزمی راسخ به سوی هدف ایده‌آلی خود پیش می‌روند و با داشتن چنین عزمی که طبعاً ما سهم بزرگی را از آن دارا هستیم چوب و چماقی را که قره نوکران تحمیلی آصف‌ها برای زدن ما به دست گرفته‌اند کوچکترین اثری نخواهد کرد.

عموم طبقات کردستان به ویژه دانش‌آموزان بخوبی دریافته‌اند که هر کس کوچکترین قدمی را در مورد اصلاحات و عمران شهر و نواقص اجتماعی برداشته فوراً از طرف آصف‌ها و دست‌نشانندگان آنها پای آنها قطع گردیده.

آصف‌ها در سایه همین مردم، همین مردم نجیبی که سالیان دراز طوق بردگی و اسارت آنان را به گردن داشتند کار را به جایی رسانیده‌اند که وقیحانه و بی‌شرمانه آنان را تحت شکنجه قرارداد داده و به بند و بستشان تهدید می‌نمایند. کردستان ما از سایه وجود چنین وکلای پاکدامن و با شرفی!!! از لحاظ فرهنگ و بهداشت و طرق و ارتباطیه و آسفالت و برق و... و غیره صد سال تمام از نقاط دیگر کشور عقب‌تر بوده و در ادواری که نمایندگی مجلس را به عهده داشته‌اند نه تنها کوچکترین قدمی را برای پیشرفت اوضاع این سامان برنداشته‌اند بلکه ضررهایی از قبیل «بلی آقا هنوز رشد فکری کرد به جایی نرسیده که بتواند وسایل تمدن

جدید را در دسترس داشته باشند و هزارها فرمایشات!!! دیگری داشته‌اند و حالا هم وقیحانه هوای نمایندگی را در کلاه‌های پوشیده‌شان می‌پرورانند.

ما دانش‌آموزان تاکنون آنان را کمتر از آن دانسته که قلمهای خود را با نوشتن اسماء خبیث آنان ننگین^۱ ساخته و آنان را به مردم آن طوری که شاید و باید معرفی نماییم ولی از این که ما به باده‌سرایی‌ها و تشنجاتی که در این شهر به وجود آورده‌اند جواب نداده‌ایم گویا سوءاستفاده نموده‌اند بنابراین ناچاریم که از این بیعد به تظاهراتی و مزخرفاتی که از طرف ایشان شرفصدور پیدا می‌کند جواب داده و آنان را به جای خود نشانده تا علیه مصالح عمومی از این بیعد قدمی برندارند. اصولاً ما دانش‌آموزان به اعتبار این که مبارزات امروزی در سرنوشت فردای ما مؤثر است ناچار مراقب اوضاع بوده و عمل هرکس را بدیده دقت می‌نگریم تا جایی که مخالف با اصول اعتقادی و مرامی یک فرد آزادیخواه و طرفدار حق مردم نباشد ساکت مانده و موقعی که ببینیم انحراف از این خط مشی حاصل می‌شود ناچاریم حتی المقدور از حقوق اجتماع خود دفاع کنیم. ما کاری به مرام و شعار [و] روش حزب سعادت ملی کردستان نداریم همینقدر شاهدیم که این حزب موجب بیداری مردم، خاصه کشاورزان محروم بوده و البته این حقیقت را نباید انکار کرد [که] عملیات حزب سعادت ملی تمام نقشه‌های مخالفین دولت ملی را در این منطقه حساس هرزی به آب داده و از این حیث خدمت گرانبهایی به جامعه کردستانی نموده‌اند. اینک که مرتجعین صف‌آرایی نموده و بعنوان مبارزه با یک فردی که جزو جامعه ایرانی است و سالیان دراز در این مرز و بوم زندگی نموده قد علم کرده‌اند از دو جهت این عمل را تقبیح می‌کنم اول این که این عمل مخالف اصول آزادی است. دوم این که منظور مرتجعین چنانکه در اعلامیه دیروز به اعضای «حزب‌الله» تصریح نموده و برای برهم‌زدن حزب سعادت ملی و بالتبینه خفه کردن آزادی و جلوگیری از پیشرفت خلق ستمدیده کردستان است. به اولیاء امور مراتب را تذکر داده و جداً در خواست داریم که از این اقدامات مرتجعانه جلوگیری نمایند.

از طرف عده [ای] از دانش‌آموزان کردستان

۱۳۳۱/۶/۲۱

شرکت چاپ سندج

سند شماره ۱۲۵

نامهٔ دبیرکل حزب سعادت ملی کردستان به کفیل فرماندهی مستقل ژاندارمری کردستان در رد اتهامات وارده به آن حزب مبنی بر تحریک کشاورزان به عصیان و تمرد

خدا

شاه میهن

حزب سعادت ملی کردستان

آذر ۱۳۳۰

[تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۱۴]

نمره: ۳۱۷

جناب آقای سرگرد مظفری

کفیل فرماندهی گردان مستقل ژاندارمری کردستان

نامهٔ شمارهٔ ۸۵۰۶ [مورخ] ۱۳/۷/۱۳ [۱۳] به امضای جناب عالی که در ادارهٔ ژاندارمری به جناب آقای حبیب‌الله محیط کارمند به شرح زیر جواب داده می‌شود:

۱- این که مستقیماً حزب را نسبت به گزارشات واصله از قسمت‌های گردان (صرفنظر از صحت و سقم آنها) مطلع فرموده‌اید چون علاقهٔ جناب عالی را به حفظ حیثیت سران حزب می‌رساند موجب تشکر است.

۲- حزب سعادت ملی کردستان تصدیق می‌کند که ممکن است فرد یا افرادی باشند که بخواهند به انتساب مقامات و دستگاه‌های ملی، مذهبی، دولتی اغراض و مقاصد سوء خود را عملی کنند و حتی ممکن است در خود دستگاه افرادی که عضو جزء آن هستند دارای چنین نیاتی باشند چنانکه جناب عالی نمی‌توانید منکر شوید که ممکن است در دستگاه بزرگ ژاندارمری که کشور مأمورین وظیفه‌شناس و پرونده‌ساز و تهیه‌کنندگان گزارش خلاف واقع وجود داشته باشد ولی وقتی می‌توان خود دستگاه را متهم ساخت و اعمال ناشایست ادعایی را به دستگاه یا کارمندان نسبت داد که مورد و شخص مرتکب با قید تمام جزئیات و خصوصیات

اظهار شود و مورد رسیدگی و تعقیب آن دستگاه واقع نگردد.

حزب سعادت ملی کردستان برای شرکت کشاورزان در سازمان کشاورزان حزب، اصول و مقرراتی دارد که آن اصول مانع از این است که به طور کلی قبول کنند نماینده حزب در قراء یا کشاورزانی که جزو سازمان کشاورزی هستند بتوانند عملی برخلاف قوانین و مخالف نظم و امنیت مرتکب شوند زیرا در هر قریه که کشاورزان آن بخواهند داخل سازمان کشاورزی حزب شوند یک نفر یا سواد به حزب معرفی می‌شود آن شخص قبول کارمندی می‌کند در برابر کلام‌الله مجید سوگند یاد می‌نماید که اصل مالکیت را محترم بشمارد [و] عملی برخلاف قوانین و نظامات مرتکب نشود بعد آن شخص کشاورزانی [را] که مایل به شرکت در سازمان حزب باشند در خود قریه جمع می‌کند با حضور کلام‌الله مجید آنان را به همین ترتیب قسم می‌دهد. صورت مجلسی به امضای خود و تمام کشاورزان تنظیم می‌نماید به علاوه شخصاً به خط خود تعهد می‌کند که اگر کشاورزان تخطی کنند، شخصاً مسئول باشند آن وقت کارت کشاورزی به امضای نماینده نامبرده و تعریف او به آن کشاورز داده می‌شود. این بود جریان کشاورز در سازمان حزبی.

۳- اعلامیه‌ها و دستورات حزبی نسبت به کشاورزان در این مدت آن‌چه ثابت و پخش شده به وسیله پست سفارشی برای آن اداره ارسال [شده] دستور اخیر حزب پس از تصویب لوایح الفاء عوارض و ازدیاد سهم کشاورزان به آن اداره فرستاده شده اینک نیز یک نسخه به ضمیمه تقدیم شد.

با این حال جای تصور و توهم این‌که دستگاه حزب با هرج و مرج موافقت داشته باشد همان‌طور که خود تشخیص فرموده‌اید بی‌مورد است و اما این‌که کسی بعنوان نمایندگی مرتکب چنین عملی شده باشد محتاج است به این‌که آن شخص را معرفی فرمایید و تصریح کنید، ترمذ، عصیان [و] سوءاستفاده از حزب و امثال آن در کدام قریه و از طرف چه کسی واقع شده تا حزب نماینده [ای] تعیین و با حضور نماینده آن اداره به قضیه رسیدگی و مرتکب طبق مقررات حزبی از حزب اخراج شود.

۴- مستدعی است به این امر توجه داشته باشید که مدتی است مخالفین حزب سعادت ملی که از هوچی‌گری و پخش شایعات دروغ و پرکردن مرکز از عناوین بی‌اساس و سعی در ایجاد اختلاف بین سران حزب و عملیات ناروا به جناب آقای محیط و صرف پول‌های گزاف

و دسته‌بندی و استخدام چاقوکش و تهیه موجبات تشنج و غیره و غیره نتیجه نگرفته‌اند [حالا] در صدد برآمده‌اند از راه پرونده‌سازی موجباتی فراهم کنند که حزب سعادت ملی کردستان را در نظر اولیای امور محلی و بالتبینه اولیای امور مرکزی، حزبی^۱ افراطی، ماجراجو و مغل نظم معرفی نمایند و پر واضح است وقتی که موفق به این امر خواهند شد که قبلاً در چند قریه تشنج ایجاد کنند یا چند کشاورز بی‌سواد را به عصیان و تمرد وادارند و بعد با دست مأمورین ساده لوح یا خدای نکرده مغرض گزارشات خلاف واقع صادر نموده از مراحل پایین به مقامات بالا بفرستند.

جناب عالی و هر مأمور عاقل و وظیفه‌شناس باید به این امر توجه داشته باشد که وقتی گزارش می‌رسد به صرف بیان کلیات اکتفا نفرمائید تعریف موضوع و شخص و محل وقوع و کیفیت امر را بخواهید حزب سعادت ملی را هم مطلع سازید، پس از آن‌که در چند مورد رسیدگی شد معلوم خواهد شد گزارشات نامبرده صحیح است یا نه و اگر صحت داشته باشد، نظر واقعی حزب چیست [؟] آیا حزب سعادت ملی طرفدار نظم و امنیت است یا خلاف آن.

۵- این‌که مرقوم فرموده‌اند کشاورزان طالب اجرای لو[ا]یح اخیر دولت هستند و مأمورین ژاندارمری طالب آن، در این امر تردیدی نداریم که به ظاهر حتی مرتجع‌ترین مالک همین ادعا را دارد ولی باید اعمال ثابت کند، همه حسن نظر داریم و همه خواهان این امر هستیم و اعمال وقتی روشن می‌شود که اشخاص شریفی مثل جناب عالی از طرف ژاندارمری و افراد بی‌نظری مثل سران حزب مشترکاً در چند مورد عمل کنند تا حقیقت معلوم گردد، که چه اموری است [که] باعث این اختلافات می‌شود و علاج درد چه می‌باشد [؟]

۶- این‌که دستورات جدیدی خواسته‌اید در ظرف همین چند روز اعلامیه جدیدی تهیه و طبع و به خود آن اداره فرستاده خواهد شد که به وسیله مأمورین ژاندارمری در قراء پخش فرمایند.

در خاتمه بار دیگر جداً درخواست می‌شود هر وقت با این‌گونه گزارشات مواجه شدید مورد را ذکر صریح و نام مرتکب اعلام فرمائید. دبیرکل سازمان حزب سعادت ملی کردستان.

رونوشت حضور مبارک پیشوای محبوب ملت ایران جناب آقای دکتر محمد مصدق با احترامات فایقه تقدیم می‌شود. دبیرکل سازمان حزب سعادت ملی کردستان [حاشیه بالا، اول: سابقه].

[حاشیه بالا، دوم: به عرض برسد. ۱۳۳۱/۷/۲۱]

[حاشیه پایین، اول: پرونده حزب سعادت ملی پیوست نامه شماره ۱۶۱۷۲ در مورخه ۱۳۳۱/۷/۱۹ به اداره امور ارسال شد. ۱۳۳۱/۷/۲۱]

[حاشیه پایین، دوم: اقدامی ندارد بایگانی شود. [امضا: ناخوانا] ۱۳۳۱/۷/۲۴]

[مهر: دبیرکل حزب سعادت ملی کردستان. آذر ۱۳۳۰]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر]

شماره: ۲۳۰۵/ب

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۲۱

سند شماره ۱۲۶

مکاتبه نخست وزیری با وزارت دفاع ملی درمورد گزارش ژاندارمری کل کشور راجع به فعالیت‌های حزب سعادت ملی کردستان

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شماره: ۱۸۶۸/۴

تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۱۹

محرمانه

وزارت دفاع ملی

رونوشت گزارش شماره ۲۲۵۷۱ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۲۷ ژاندارمری کل کشور که ضمن نامه

شماره ۱۰۱۶۷/۹۳۹۹ [مورخ] ۳۱/۷/۱۷ [۱۳] وزارت کشور واصل شده است برای اطلاع
تلوا ارسال می‌گردد.

معاون نخست وزیر
جمال ملکوتی

[امضای پیش‌نویس: پیروزی] ۳۱/۷/۱۷ [۱۳۳۱]

سند شماره ۱۲۶/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

ضمیمه: دارد

محرمانه

تاریخ: ۳۳۱/۷/۱۷

شماره: ۱۰۱۶۷/س/۹۳۹۹م

جناب آقای نخست وزیر

محترماً پیرو شماره ۹۱۱۷/س/۷۹۲۷م [مورخ] ۳۱/۶/۲۵ [۱۳] راجع به حزب سعادت
ملی کردستان رونوشت گزارش ژاندارمری کل کشور به منظور استحضار خاطر عالی به
پیوست تقدیم می‌گردد. به فرمانداری کل کردستان دستور داده شد مراقب اوضاع بوده و
به وسیله مأمورین انتظامی از هرگونه اختلال و عمل خلاف نظم جداً جلوگیری نمایند.

وزیر کشور

[امضا: غلامحسین صدیقی]

[حاشیه پایین]: سابقه. ۳۱/۷/۱۷ [۱۳۳۱]

[مهر]: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۱۸۶۸/۴

تاریخ: ۳۱/۷/۱۷ [۱۳]

سند شماره ۱۲۶/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

[تاریخ: ۱۳/۳۱/۶/۲۷]

[شماره: ۲۲۵۷۱ ج ۱]

محرمانه

وزارت کشور

محترماً پیرو شماره ۲۳۰۴۲/ج ۱ [مورخ] ۱۳/۳۱/۶/۲۵ [معرض می‌دارد برابر گزارش گردان^۱ مستقل ژاندارمری سنندج تشکیل حزب سعادت ملی در کردستان باعث تشنج در اوضاع عمومی آنجا شده، یک عده اشخاص غیر معروف به عضویت حزب مذکور پذیرفته و به منظور^۲ بارزه انتخاباتی از هیچ‌گونه اهانت و ناسزا به محترمین شهر و اغلب مأمورین خودداری نمی‌کنند پس از چندی به وسیله عوامل خود و اکثراً [به] وسیله خلفا آقای شیخ معتمم حسامی و ملاهای کم سواد رعایا را به تقسیم اراضی و عدم پرداخت بهره مالکانه ترغیب و امیدوار ساخته که بالنتیجه قریب سه ماه است ژاندارمری و مقامات قضایی مواجه با اشکالات فراوانی گردیده و زد و خوردهایی بین زارعین و مباشرین^۳ و مأمورین انتظامی واقع و در حال حاضر به حدی روح طغیان و شورش در اذهان رعایا تقویت شده است که مأمورین در کمتر موردی می‌توانند ارجاعات دوائر قضایی و سایر دوائر را انجام دهند. حزب مزبور اخیراً عده زیادی از رعایای دهات را به قبول عضویت ترغیب نموده، قریب ده هزار نفر از ساکنین قراء به عضویت حزب پذیرفته شده و کارت حزبی به آنان داده‌اند چنانچه یک نفر زارع شکایتی داشته باشد دادخواست خود را توسط حزب ارسال می‌دارد و سران حزب مورد بحث عبارتند از آقای شیخ معتمم حسامی که به تازگی از طرز عمل همکاران حزبی خود ناراضی و محتمل است کناره‌گیری نماید و همچنین عبدالمجید سجادی رئیس سابق

۱. در اصل: گران.

۲. در اصل: معروض.

۳. در اصل: مبارشرین.

دادگستری می‌باشد که اخیراً از طرف دادگاه عالی انتظامی برای همیشه از خدمات قضایی محروم شده و دیگری محیط وکیل دادگستری است که طراح حزب بوده و چون علاقه [ای] جز وکالت در کردستان ندارد خرابی اوضاع منطقه برای تأمین نظر او مناسب‌تر بوده و بیشتر مواقع در نقش سیاست‌باز^۱ مورد عمل حزب قرار می‌گیرد. فرمانده گردان ژاندارمری در گزارش ارسالی نظریه داده است که تشکیل حزب به صلاح کشور مخصوصاً منطقه کردستان نبوده زیرا منطقه سندج را ده سال به طرف کمونیزم جلو برده است. چنانچه اجازه فرمایند از توزیع کارت حزبی بین رعایا و فعالیت آنان جلوگیری شود. فرمانده گردان در پایان گزارش اضافه نموده است آقای سناتور دیوان بیگی که کاملاً حزب سعادت ملی را تقویت می‌کنند معلوم نیست با استحضار از منظور آن حزب چنین رویه‌ای را اتخاذ فرموده‌اند یا اقدام ایشان معلول به علل سیاسی است.

فرمانده ژاندارمری کل کشور
سرتیپ علوی مقدم

سند شماره ۱۲۷

تلگراف عده‌ای از ملاکین و متنفذین محلی کردستان در شکایت از حزب سعادت ملی ایران به خاطر تشویش اذهان عمومی و تحریک رعایا علیه ملاکین

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از کرمانشاه، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۹۴، تعداد کلمه: ۴۲۵، تاریخ وصول: ۱۹/۷/۱۳۳۱]

پیشگاه مقدس اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی هرچند اهالی شاه‌دوست متقی^۲

۱. در اصل: نقشه سیاست از.

۲. در اصل: متقی.

کرماتشاه از توجه و دادرسی دولت به شکایات و تقاضاهای مشروعه خود مایوس و ناامید هستند اما گاه و بی‌گاه عواطف ملوکانه احساسات [را] دوباره مبدل به امید می‌سازد. در نطق افتتاحیه مجلس سنا فرمودید، کسانی که در ولایات اذهان عمومی را مشوب می‌سازند و امنیت و انتظام [را] مختل می‌نمایند و ایجاد تشنج می‌کنند^۱ و رعایا را برضد مالکین تحریک می‌نمایند باید به مجازات برسند، ما اهالی کردستان عین مفاد همین فرمایش ملوکانه را از جناب آقای نخست‌وزیر و وزیر کشور [و] وزارت دادگستری تقاضا کرده‌ایم که یک عده ارازل و اوباش دور [هم] جمع شده، نام خود را حزب سعادت گذاشته‌اند. در خیابانها تحریک می‌کنند^۲ مردم را به باد فحش می‌کشند. به خانه‌ها، دبستانها و دکانین و اداره فرمانداری سنگ پرتاب می‌کنند. درب [و] پنجره و دروازه منازل و مساجد را می‌شکنند رعایا را بعنوان تقسیم اراضی و مرام کمونیستی می‌شورانند محصول و عوایدات مالک را از هر طرف غارت می‌کنند در این موقع پاییز که بایستی خوراک شهر تأمین شود، نه مالک می‌تواند از ملک خود کوچکترین استفاده نماید و نه ارتش و فرمانداری [و] ژاندارمری خود [را] صالح برای جلوگیری می‌دانند. اگر خدای ناخواسته به دادگستری هم مراجعه شود تعزیه تکمیل و مالک برای چندین نسل بعد به وصول نتیجه نخواهد رسید. گربه را بستن و موش را رها کردن برای ویران کردن دکان بقال کافی است. که اگر این رجاله بازی ممنوع نیست ما چرا معطل بنشینیم، اگر ممنوع است چرا دولت و مصادر امور مفاد نطق و دستور ملوکانه را جامه عمل نمی‌پوشاند و در صدد منع تأدیب ماجراجویان بر نمی‌آیند. خدایا زین معما، پرده بردار. از شاهنشاه محبوب و غمخوار ملت^۳ استدعا داریم با اختیاراتی [که] به^۴ مجلسین دادند امر و دستور فرمایند که به این اوضاع هرج و مرج اراذل^۵ بازی خاتمه داده شود تا مردم بتوانند آسوده حال به زندگانی خود و دعاگویی ذات خجسته صفات ملوکانه پردازند^۶. الاحقر شیخ محمد مندوح، صدرالاسلام مجتهدی، محمد صدیق امام جمعه، شیخ حبیب‌الله، حاج مشیر، حاج حبیب‌الله، نورالله صادق وزیری، ابوالقاسم صادق وزیری، معیری سنندجی، علی اشرف

۱. در اصل: می‌کند.

۲. در اصل: می‌کند.

۳. در اصل: غمخوار و ملت.

۴. در اصل: از.

۵. در اصل: ارازل.

۶. در اصل: پردازند.

وزیری، احمد آصفی، کریم دباغ‌زاده وزیری، مظفریان، عطاء‌الله حبیبی، حاج عبدالخالق صفری، الحاج صلاحی، نعمت‌الله آصفی، الحاج عبدالله رشیدی، اصغر سنندجی، حاج محمد زارعی، محمدامین اردلان، علی میرزائزاد، رضا آصفی، نصرت‌الله سنندجی، احمد زندی.
[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا، اول:] به عرض پیشگاه مبارک ملوکانه [برسد.] [۱۳]۳۱/۷/۲۴
[حاشیه بالا، دوم:] جناب آقای نخست‌وزیر

سند شماره ۱۲۸

مکاتبه نخست‌وزیری با وزارت کشور در مورد تلگراف حاج شیخ‌الاسلام کردستانی به دفتر مخصوص شاهنشاهی درباره نقش هواداران محیط (رهبر حزب سعادت ملی) در اغتشاشات کردستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره خصوصی: ۱۹۹۵/۴

[تاریخ:] ۱۳۳۱/۷/۲۸

محرمانه

وزارت کشور

رونوشت تلگراف شماره ۶۵ [مورخ] [۱۳]۳۱/۷/۱۶ آقای حاج شیخ‌الاسلام کردستانی و رونوشت نامه شماره ۲۸۶۱ [مورخ] [۱۳]۳۱/۷/۲۳ دفتر مخصوص شاهنشاهی برای اطلاع تلواً ارسال می‌گردد.

معاون نخست‌وزیر

جمال ملکوتی

[امضای پیش‌نویس: پیروزی] [۱۳]۳۱/۷/۲۶

سند شماره ۱۲۸/۱

[تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۲۳]

نمره: ۲۸۶۱

[پیوست: تلگراف]

محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

آقای حاج شیخ الاسلام کردستانی ضمن تلگرافی به پیشگاه بندگان اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاهی عرض کرده عده [ای] محیط کردستان را متشنج و کشاورزان را دعوت به اخلاص و انقلاب نموده اند. عین تلگراف برحسب فرمان مبارک ملوکانه لفاً ارسال می شود.

کفیل دفتر مخصوص شاهنشاهی

[امضا: رحیم هیراد]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر]

شماره: ۱۹۵۵/۴

[تاریخ: ۱۳۳۱/۷/۲۴]

سند شماره ۱۲۸/۲

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲، از: کردستان، به: تهران، شماره قبض: ۶۵، تعداد کلمه: ۴۲، تاریخ وصول:

[۱۳۳۱/۷/۱۶]

پیشگاه مبارک اعلیٰ حضرت همایون شاهنشاهی تهران: طغیان کشاورزان در قسمتی از نواحی

کردستان تشنج^۱ شدید و هرج [و] مرج بی سابقه ایجاد نموده در صورت صدور اجازه ملوکانه برای عرض عوامل محرکه و راه علاج تشرف حاصل کنم. الحاج شیخ الاسلام.
[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین، اول:] جواب داده شود، مطالب را نوشته ارسال دارید.
[حاشیه پایین، دوم:] به جناب آقای نخست وزیر هم نوشته شود که این طور می گوید.
[۱۳]۳۱/۷/۱۹

سند شماره ۱۲۸/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره: انتظامات

شماره: م/۱۱۴۰۷

تاریخ: [۱۳]۳۱/۹/۴

محرمانه

وزارت کشور

عطف به مرقومه شماره ۲۴۰۰ ن/۱۰۳۸۷ م [مورخ] [۱۳]۳۱/۸/۶ راجع به گزارشی که آقای شیخ الاسلام کردستانی به پیشگاه اعلی حضرت همایون شاهنشاهی عرض کرده است دستور لازم به شهربانی مربوطه صادر، گزارش جوابیه حاکی است که آقای شیخ الاسلام موقع حرکت به تهران در مورد وجود تشنجات به رئیس شهربانی سندج اظهار داشته که از طرف حزب سعادت ملی به منظور جلب توجه کشاورزان و دهقانان نسبت به تبلیغات شومی مبنی بر

وعدة تقسیم اراضی بین آنان شده و رعایا را وادار به اقداماتی علیه مالکین نموه‌اند که در نتیجه در دهات تشنج به وجود آمده است و منظور آقای حاج شیخ الاسلام وجود اخلال در دهات می‌باشد و گرنه تظاهرات برخلافی مشاهده نشده است.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور

رفت

رونوشت عطف به نامه شماره ۱۹۵۵/۴ [مورخ] ۱۳/۸/۲۸ [۱۳] جهت استحضار معاونت نخست‌وزیری ایفاد می‌گردد.

از طرف وزیر کشور

[امضا: رفت]

[حاشیه پایین: سابقه. ۱۳۳۱/۹/۴]

[حاشیه راست: بایگانی شود. ۱۳/۳۱/۹/۴]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۲۳۱۵/۴

تاریخ: ۱۳/۳۱/۹/۴]

سند شماره ۱۲۹

مکاتبه فرمانداری کل کردستان با وزارت کشور در مورد تلگراف حزب سعادت ملی کردستان در شکایت از حمله مخالفین به صف هواداران دکتر مصدق و ضرب و شتم اعضای حزب مذکور

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره: انتظامات

پیوست: دارد

شماره: ۲۸۰۷/ن/۱۱۵۴۲/م

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۴

وزارت کشور - اداره انتظامات

عطف به مرقومه شماره ۵۲۷۰۷/۱۲۳۵۱ [مورخ] ۱۳۳۱/۷/۵ با اعاده عین تلگراف حزب سعادت به استحضار عالی می‌رساند: مواردی را که حزب سعادت در تلگراف خود متذکر گردیده و اساساً تمام مطالبی که نوشته شده با حقیقت وفق نمی‌دهد. مضافاً به این که این تظلمات و تذکرات مربوط به چند ماه قبل است که به طور کلی حالا تغییر کلی در اوضاع شده است. بنابراین توضیحات کافی ضمن شماره ۵۴۹/م [مورخ] ۱۳۳۱/۷/۲۰ [مورخ] ۱۳۳۱/۷/۲۰ عرض شده و نهایت مراقبت در حفظ نظم و آسایش عمومی به عمل آمده و خواهد آمد.

فرماندار کل

عارفی

رونوشت با اعاده مرجوعه تلگرافی شماره ۱۷۶۸۵ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۲۱ [مورخ] ۱۳۳۱/۶/۲۱ جهت استحضار اداره کل دفتر نخست‌وزیری ارسال می‌شود.

از طرف وزیر کشور

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین: بایگانی شود. ۱۳/۳۱/۹/۴]

[مهر:] ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۲۳۱۷/۴

تاریخ: ۱۳/۳۱/۹/۴

سند شماره ۱۲۹/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۳۴، گیرنده: اداره انتظامات، از: کردستان، به: تهران، شماره قبض ۷۸۷، تعداد کلمه: ۲۱۰، تاریخ اصل: ۲۱، تاریخ وصول: ۱۳۳۱/۶/۲۱

جناب آقای دکتر مصدق، نخست وزیر محبوب، رونوشت جناب آقای دیوان بیگی سناتور محترم، رونوشت جناب آقای کریمی نماینده محترم مجلس تهران، پیرو تلگراف ۱۸۶، امروز قاطبه دانش آموزان و طبقات اهالی کردستان برای ابراز احساسات نسبت به عملیات ناروای مخالفین درباره سران حزب و جناب آقای محیط با اطلاع قبلی مقامات انتظامی در حالی که تمثال مبارک شاهنشاه و نخست وزیر محبوب و حضرت آقای آیت الله کاشانی را داشتند با نظم و آرامش بی مانند از خیابان های شهر عبور کرده مرتباً شعارهای ملی می دادند، مخالفین مردم و دولت از بالای عمارت فرمانداری با سنگ و اسلحه که قبلاً تهیه کرده بودند وقتی که تظاهرات بیست هزار نفری مردم خاتمه یافته به محل اصلی مراجعت می نمودند مردم را مورد حمله قرار داده، بیست نفر را مجروح کرده اند که در بهداری تحت درمان هستند، معلوم نشد مخالفین ملت با اجازه چه کسی بالای بام فرمانداری رفته و این اقدامات را نمودند و چرا مأمورین شهربانی با اطلاع قبلی اقدام برای جلوگیری از خطر ننمودند. مع هذا افراد حزب کوچکترین عکس العملی انجام ندادند. مستدعی است همان طور که در تهران به نمایندگان حزب و مردم وعده فرمودید با تعویض رئیس شهربانی و مأمورین وظیفه شناس، مردم را از

شُرّ مساعدت علنی آنان در حق مخالفین مردم خلاص فرمایید. ۱۸۷

حزب سعادت ملی کردستان

[حاشیه بالا، اول:] سابقه. ۶/۲۳/

[حاشیه بالا، دوم:] تلگراف پیروی چون تاریخ ندارد، سابقه در دفتر بدست نیامد.

[امضا: ناخوانا] ۶/۲۳/۱۳۳۱

[حاشیه بالا:] وزارت کشور. ۶/۲۳/۱۳۳۱

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۷۶۸۵

تاریخ: ۶/۲۱/۱۳۳۱

سند شماره ۱۳۰

تلگراف تبریک حزب سعادت ملی ایران به نخست وزیر محمد مصدق به
مناسبت روز ۲۱ آذر

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۳، از: سنندج، به: تهران، شماره قبض: ۸۱۲، تعداد کلمه: ۱۰۰، تاریخ اصل: ۲۱،

تاریخ وصول: ۶/۲۲/۱۳۳۱

حضور محترم پیشوای محبوب ملت ایران جناب آقای دکتر مصدق وزیر دفاع ملی رونوشت
تیمسار معظم ریاست ستاد ارتش، تهران: افراد حزب سعادت ملی ایران که امروزه با شرکت در
مراسم رژه دوشادوش سربازان عملاً حاضر بودند خود را برای فداکاری در راه میهن و حفظ
تاج و تخت کیان و انجام منویات آن پیشوای ملی ابراز داشتند، بدین وسیله نیز تبریکات
صمیمانه را به مناسبت روز تاریخی ۲۱ آذر تقدیم بقاء عمر شاهنشاهی و آن پیشوای ملی و

دوام قدرت و شوکت ارتش شاهنشاهی را از خداوند مسئلت می‌نمایند. ۵۶۱ - ۱۳۳۱/۹/۱

حزب سعادت ملی ایران

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] بایگانی شود. ۱۳۳۱/۹/۲۲

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۷۵۱۹

تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۲۲

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۳۱

مکاتبه نادعلی کریمی (نماینده مردم کرمانشاه) با نخست‌وزیری درمورد عریضه یکی از اهالی کردستان در شکایت از تغییر کارمندان غیرمحلی در کردستان و نفوذ دموکراتها در حزب سعادت ملی و شهربانی کردستان و پیامدهای احتمالی آن

تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۲۳

ناد علی - کریمی

شماره: ۲۲۴۸

جناب آقای نخست‌وزیر محبوب

تلواً یک برگ گزارش بدون امضا که به وسیله پست از کردستان رسیده ایفاد می‌دارد که تصمیم مقتضی نسبت به آن اخذ فرمایند.

نماینده مجلس

[امضا: نادعلی کریمی]

[حاشیه بالا:] بایگانی شود. ۱۳۳۱/۱۰/۷

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزرا

به تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۲۷

نمره: ۳۰۹۶۲

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۳۱/۱

جناب آقای نادعلی کریمی

پس از عرض ارادت خاطر نشان می‌سازد که وزیر بی‌تدبیر فرهنگ در مسافرت به کردستان با قبول توصیه‌های فتودال‌های محلی و کارشکنان کارهای دولت دایر به تغییر رؤسای ادارات و انتقال کارمندان فارس غیر محلی ارمغان کمک به تجزیه کردستان را از ایران که نقشه دو دسته مختلف المرام است به تهران می‌آورد. دسته‌ای نوکران انگلیس و دسته دیگر بازماندگان خلف دموکرات‌ها^۱ که روز به روز در تزایدند و نفوذشان در حزب محلی سعادت ملی و دستگاه شهربانی بیش از همه جاست و اخیراً وارد مغز توده مردم هم شده است. موضوع انتشار اسلحه و تقویت فکر تجزیه و ایجاد حس ترمرد بین عشایر نسبت به دستگاه‌های انتظامی حقایقی است که توانستند با مهارت از چشم وزیر بی‌تدبیر و ساده لوح فرهنگ آنها را پوشیده بدارند. متوجه باشید که دولت آلت اجرای نیات دشمنان ملت نشود به کردستان و کار کردستان توجه کنید.

سند شماره ۱۳۲

تلگراف حزب سعادت ملی ایران سنندج در شکایت از اجحافات ژاندارمری و دادگستری نسبت به مردم کردستان

تاریخ: ۱۳۱۳/۹/۲۵

نادعلی کریمی

شماره: ۲۲۶۹

جناب آقای دکتر محمد مصدق نخست وزیر محبوب معظم

عین تلگراف حزب سعادت ملی ایران (سنندج) را به پیوست جهت اقدام مقتضی تقدیم می‌دارد.

نماینده کرمانشاه

[امضا: نادعلی کریمی]

[حاشیه راست، اول]: سابقه ضمیمه شود. [امضا: ناخوانا] ۱۳]۳۱/۹/۳۰
 [حاشیه راست، دوم]: ضمیمه شد. ۱۳]۳۱/۹/۳۰.
 [حاشیه پایین، اول]: بایگانی، مقصود از سابقه نسخه اول تلگراف شماره ۱۲۴ بعنوان جناب آقای نخست وزیر می باشد که ضمیمه نگردیده. [امضا: ناخوانا] ۱۳]۳۱/۱۰/۸
 [حاشیه پایین، دوم]: اداره مراسلات شماره اصل تلگراف را از دفتر تعیین فرمایید. [امضا: ناخوانا] ۱۳]۳۱/۱۰/۸
 [حاشیه پایین، سوم]: طی شماره ۲۷۶۲۹ [مورخ] ۱۳]۳۱/۹/۲۴ به وزارت کشور ابلاغ و نسخه دوم ضبط شده است. [امضا: ناخوانا] ۱۳]۳۱/۱۰/۸
 [حاشیه پایین، چهارم]: تلگراف ضمیمه شد. ۱۳]۳۱/۱۰/۲
 [حاشیه پایین، پنجم]: از دو نسخه تلگراف ضمیمه یک نسخه را عیناً برای رسیدگی و اقدام قانونی به وزارت دادگستری ارسال دارند و ارسال آن احتیاجی به صدور نامه ندارد. [امضا: ناخوانا] ۱۳]۳۰/۱۰/۲

[مهر]: ورود به کابینه ریاست وزرا

شماره: ۳۱۵۰۰

تاریخ: ۱۳]۳۱/۹/۳۰

[مهر]: بازرسی شد.

سند شماره ۱۳۲/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۹۴۴، از: سندج، به: [تهران]، شماره قبض: ۱۲۴، تعداد کلمه: ۵۱۴، تاریخ وصول: ۱۳]۳۱/۹/۲۳

حضور محترم پیشوای محبوب ملت ایران جناب آقای دکتر مصدق، رونوشت جناب آقای

وزیر محترم فرهنگ، رونوشت جناب آقای نادعلی کریمی نماینده محترم مجلس: در این موقع که خاطر مبارک از گزارشات نمایندگان محترم خودتان مستحضر گردیده و آثار عملی آن ظاهر می‌شود با تشکر^۱ از توجهات عالی اگر تشخیص فرموده باشید که حزب سعادت ملی ایران در سرتاسر کردستان که خصوصاً [در] نقاط عملیات خود صمیمانه عامل مؤثر نعم و امنیت و مبلغ مدافع منویات عالی^۲ و نظریات رعیت پروانه^۳ آن پیشوای بزرگ است. استدعا داریم اولاً مقررات جدیدی برای تضييع کشاورزان وضع نفرمایید زیرا مأمورین ژاندارمری بدون مستند جدید کشاورزان را بیچاره می‌کنند ثانیاً به دادگستری امر صادر فرمایید که تحت تأثیر هوچی بازی مالکین به قصد انتقامجویی از کسری درآمد سابق گزارشات خلاف واقع مأمورین ژاندارمری [را] تغییر ندهند و از جواب اعتدال و حق‌گزاری عادلانه منصرف نگردد و بعنوان اجرای قانون امنیت اجتماعی بی‌جهت کشاورزان را به زندان نیندازند حتی اگر به قول و فعل خدمتگزاران حزب سعادت ملی اعتماد دارید مقرر فرمایید قانون امنیت اجتماعی در کردستان فقط در شهر سنندج اجرا شود زیرا طبق اطلاع صحیح و آثار مشهود نقشه دقیقی طرح شد که بعضی از مالکین بدست بعضی از بخشداران و مأمورین ژاندارمری در چند قریه علیه کشاورزان پرونده سازی کنند و برای این‌که پرونده سازی مؤثر واقع شود دادگستری را به اتهام عدم همکاری با مأمورین ژاندارمری متهم ساخته و می‌سازند که در نتیجه دادسرای کردستان تحت تأثیر قرار گرفته و از هر قریه چند نفر کشاورز به زندان اندازد تا سایر کشاورزان مرعوب شوند و در اثر این وضعیت اجرای لایحه مفیده پیشوای محبوب که موجب تأمین رفاه و آسایش بینوایان و یگانه علاج قطعی نفوذهای غیرمشروع محلی است و اینک با آرامش و مساعدت خود کشاورزان در حال پیشرفت می‌باشد متوقف گردد. جناب آقای نخست‌وزیر به عرایض این حزب اعتماد داشته باشید و بدانید که مالکین عمده مانند شیخ احمد غیائی و آصف سنندجی و خانهای مریوان و اورامان و گلباغی که در اثر اجرای بسی لویح قادر نیستند از کشاورزان مانند بردگان استفاده کنند و از توجه منحصر کشاورزان به عواطف دولت رنج می‌برند، به دروغ خود را طرفدار اجرای لویح نامبرده معرفی می‌کنند به

۱. در اصل: با ظاهر تشکر.

۲. در اصل: عالمه.

۳. در اصل: پروانه

کرات عرض کرده باز تکرار می‌کنیم کردستان قرین آرامش است. حزب سعادت ملی ایران به تدریج و با متانت موجبات اجرای لوایح دولت و تأمین نظر عالی را در سرتاسر کردستان فراهم خواهد ساخت. کردستان احتیاجی به شدت عمل دادسرا [و] وضع مقررات جدید برای تضییق کشاورزان ندارد. به نام سعادت ایران و آسایش مردم بینوا فرصت دهید در صورتی که مأمورین ژاندارمری با دخالت‌های بی‌مورد کشاورزان را تحریک نکنند. ما تعهد می‌کنیم تا خرمن سال ۱۳۳۲ [۱] تحت نظر فرماندار کل و آقای حجازی نماینده دولت لوایح مزبور در تمام کردستان اجرا شود بدون این‌که حادثه مهمی وقوع یابد. چه خوب بود اگر بیشتر به حزب خدمتگزار^۱ اعتماد می‌فرمودید و اجرای لایحه لغو عوارض و ازدیاد سهم کشاورزان را تحت نظر مأمور به خود حزب تفویض می‌فرمودید. بسته به نظر عالی است. ۵۶۳ - ۳۱/۹/۲۳ [۱۳]

حزب سعادت ملی ایران
[مهر:] اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین، اول:] بنا به دستور یک نسخه اضافی هم به وزارت دادگستری ارجاع شده.
[۱۳۳۱]/۱۰/۴
[حاشیه پایین، دوم:] نسخه اول به وزارت کشور فرستاده شد. بایگانی شود. [امضا: ناخوانا]
[۱۳۳۱]/۳۱/۹/۲۴

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۲۷۶۲۹

تاریخ: ۱۳۳۱/۹/۲۴

سند شماره ۱۳۳

گزارش نماینده بازرسی کل کشور دربارهٔ حوادث کردستان و اختلافات
هواداران حزب سعادت ملی و ملاکین محلی

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

شمارهٔ خصوصی: ۳۲۳۳۴ تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۰/۱۰

وزارت کشور - وزارت دارایی

رونوشت گزارش مورخ [۱۳]۳۱/۹/۱۱ نماینده بازرسی کل کشور در کردستان که به پیوست
نامهٔ شمارهٔ ۷۶۵۶ مورخ [۱۳]۳۱/۱۰/۱ وزارت دادگستری واصل شده است برای اطلاع و
رسیدگی و اقدام به ضمیمه ارسال می‌گردد.

از طرف نخست وزیر

[امضای پیش نویس: ناخوانا] [۱۳]۳۱/۱۰/۷

سند شماره ۱۳۳/۱

وزارت دادگستری

اداره بازرسی کل کشور

شماره: ۷۶۵۶

تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۰/۱۱

جناب آقای نخست وزیر

رونوشت گزارش مورخ [۱۳]۳۱/۹/۱۱ نماینده بازرسی کل کشور در کردستان برای

استحضار خاطر عالی به پیوست تقدیم می‌گردد.

از طرف وزیر دادگستری و رئیس بازرسی کل کشور

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول:] خدمت جناب آقای دکتر علی‌آبادی معاون محترم نخست وزیر فرستاده
شود. [۱۳]۳۱/۱۰/۶

[حاشیه پایین، دوم:] رونوشت گزارش ضمیمه برای اطلاع و رسیدگی و اقدام قانونی به وزارت
کشور و وزارت دارایی ارسال شود. [امضا: ناخوانا] [۱۳]۳۱/۱۰/۷

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزرا

به تاریخ: [۱۳]۳۱/۱۰/۴

نمره: ۳۲۳۳/۴

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۳۳/۲

[شیر و خورشید]

وزارت دادگستری

(مخصوص اصحاب دعوی)

شیر و خورشید، ثبت کل اسناد و املاک، جناب آقای وزیر دادگستری به موجب ابلاغ شماره
۶۶۷۸ [مورخ] [۱۳۳۱/۸/۲۱] در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۱ به کردستان عزیمت و در تاریخ
۱۳۳۱/۹/۸ مراجعت. اینک به تقدیم این گزارش مبادرت می‌ورزد.

۱- راجع به تشنجات موجود در منطقه کردستان برطبق تحقیقات عمیقی که در محل

صورت گرفت. اختلافات موجود در محل از عدم رضایت توده محروم آنجا از مالکین و متنفذین محلی سرچشمه گرفته است. مالکین بزرگ و مشهور کردستان در طول سالیان دراز، تسلط خود بر مردم آن ناحیه، کوچکترین قدمی در راه اصلاحات و تأمین احتیاجات و آسایش اهل محل بر نداشته‌اند. مأمورین دولت نیز که تا چندی قبل عموماً تحت تأثیر نفوذ آنان بوده‌اند نه تنها اقدامی در راه آسایش مردم نکرده‌اند بلکه غالباً مایه زحمت و سلب آسایش مردم بوده‌اند. منطقه کردستان از عقب افتاده‌ترین مناطق کشور است و شهر سنج که مرکز کردستان و دارای سی تا چهل هزار نفر جمعیت است، فاقد برق و یک خیابان آسفالت شده یا یک بیمارستان می‌باشد. در آغاز انتخابات دوره اخیر آقای محیط وکیل دادگستری و چند نفر از افراد محلی در مقام تأسیس حزبی به نام حزب سعادت ملی برآمده و با استفاده از عدم رضایت مردم از متنفذین محلی و دادن وعده‌هایی و امیدواری‌هایی به اهالی محل خود را کاندیدای نمایندگی مجلس شورای ملی نموده‌اند. آقای سرتیپ بهارمست فرمانده سابق تیپ کردستان نیز آنان را تقویت کرده است و در نتیجه این عوامل، جمعی از اهل محل به آنان گرویده‌اند و عدم رضایت اهالی از مالکین و متنفذین که تا این تاریخ صورت آشکار نداشته علنی شده و بین مالکین و حزب سعادت مبارزه شدیدی بر سر انتخابات به وجود آمده که تا تاریخ توقیف انتخابات ادامه داشته است و با توقیف انتخابات و تغییر فرمانده تیپ و بی‌طرفی تیمسار سرتیپ شاهرخ شاهی فرمانده فعلی تیپ، موقتاً آرامش به وجود آمده است. پس از تصویب و ابلاغ لوایح الغای عوارض مالکانه و ازدیاد سهمیه کشاورزان حزب سعادت این موضوع را وسیله استفاده تبلیغاتی قرار داده و با انتشار اعلامیه‌هایی در دهات، کشاورزان را به خودداری از پرداخت عوارض و مطالبه سهمیه‌ای که به آنان تعلق گرفته، تحریص^۲ و تشویق کرده است و در هر مورد هم که اختلافاتی بین مالکین و کشاورزان به وجود آمده، حزب سعادت تا حدود امکان از کشاورزان جانبداری و حمایت کرده است و مالکین از این جریان به شدت ناراضی و عصبانی هستند، زیرا علاوه بر این که موفقیت آنان در دهات و قراء و قصبات دچار تزلزل شده و نمی‌توانند^۳ مانند سابق کشاورزان را از هر جهت در اختیار داشته باشند.

۱. در اصل: با؛ اصلاح در همه موارد.

۲. در اصل: و تحریض.

۳. در اصل: نمی‌توانند.

جریان کار طوری است که [اگر] به همین قرار ادامه پیدا نماید زمینه را برای توفیق حزب سعادت در انتخابات آینده آماده و مساعد می‌کند و با این جهات و مناسبات است که مالکین مهم کردستان سران حزب سعادت را به تحریک و تحریر رعایا [و] به خودداری از پرداخت مالکانه و بالتیجه به تبلیغات گمراه کننده متهم ساخته و با بزرگ جلوه دادن شایعات مربوطه به منطقه کردستان حداکثر کوشش را بکار می‌برند که وسایل انحلال حزب را فراهم سازند و به نظر بنده دور نیست مندرجات پاره‌ای از جراید مرکزی در این خصوص نیز با اشاره مالکین مزبور باشد. در هر حال، در حال حاضر وضع غیرعادی و خاصی در این منطقه موجود نیست ولی بدیهی است که با شروع انتخابات مبارزه بین این دو دسته، کسب شهرت و اهمیت خواهد نمود و طرفین از بکار انداختن هرگونه وسیله‌ای برای تأمین مقصود و توفیق در انتخابات خودداری نخواهند نمود و وظیفه مأمورین مسئول دولت است که با بیداری و مراقبت کامل و حفظ بی طرفی خود از حوادثی که ممکن است در نتیجه این اختلافات و مبارزه، رخ دهد، جلوگیری نمایند. از قضات دادگستری کردستان از جهت صلاحیت اخلاقی شکایت و انتقادی نیست، ولی طبق تحقیقات حاصله، وضع اخلاقی کارمندان دفتری دادگستری رضایت بخش نیست. با آقای محمودزاده، رئیس دادگستری سنندج هم که در این خصوص مذاکره شده، صحت این مطلب مورد تصدیق ایشان قرار گرفت و چون تردید نیست که این موضوع منحصر به دادگستری سنندج نبوده و در غالب نقاط این اشکال وجود دارد. فعلاً که جناب عالی دست به اقدام خطیر و تاریخی تصفیه دادگستری از قضات ناصالح زده و این اثر جاوید را از خود به یادگار گذارده و در حقیقت بزرگترین اقدام را در راه تأمین آسایش مردم برداشته‌اید، بموقع خواهد بود، که این اقدام را با برکناری و متقاعد نمودن مستخدمین اداری ناصالح تکمیل فرمایید و چون در لایحه قانونی مورخ ۱۳/۸/۳۱ [۱۳] نسبت به متقاعد نمودن کارمندان اداری نیز اعم از این که [به] این تقاعد رسیده یا نرسیده باشند، اختیار لازم به جناب عالی داده شد و در صورت صلاح و اقتضا ممکن است اجازه فرمایید، اسامی کارمندان اداری که متهم به سوءاستفاده و اخاذی و اخلال در کار بوده و یا از کار افتاده و بالتیجه، صلاحیت ادامه خدمت را ندارند با قید مسئولیت کامل کتباً یا تلگرافی از رؤسای دادگستری شهرستان‌ها استعلام و با وصول صورتهای مطلوبه و بررسی کامل در مرکز تصمیمات لازم در ظرف مدت اختیارات، اتخاذ گردد و همچنین آقایان رؤسای دادگاهها مکلف و موظف بشوند که اعمال و رفتار

کارمندان اداری و مأمورین احضار و اجرای تحت تصدی خود را مورد مراقبت قرار داده و در صورت مشاهده تخلف یا سوء رفتار، مراتب را فوراً گزارش بدهند.

برای بنده تردیدی نیست که هر دو اقدام فوق مؤثر و مفید خواهد بود، چنانکه در همین چند روزه اخیر که دستوری راجع به مأمورین احضار و ابلاغ صادر فرموده‌اند، اثر خود را بخشیده و چند نفر از ارباب رجوع از تأثیر^۱ فوری و محسوس تغییر رویه مأمورین نامبرده اظهار رضایت می‌نمودند.

مطلب دیگری که در محل مورد توجه قرار گرفت عدم هماهنگی بین ادارات دادگستری و ژاندارمری و شهربانی است. شهربانی و ژاندارمری افرادی را به اتهامات مختلف دستگیر و با گزارش جریان به دادسرا اعزام می‌دارند. عده‌ای از قبیل [این] افراد به علت کافی نبودن دلایل برای توقیف متهم و یا عدم تطبیق موضوع اتهام با قوانین جزایی بلافاصله آزاد می‌شوند و این موضوع نه فقط انعکاس نامطلوبی در محل دارد بلکه اسباب تجری افراد اخلاک‌گر می‌شود.

در این باب، با آقایان رئیس دادگستری و دادستان سنندج، مذاکراتی صورت گرفت، آقایان نامبرده نیز، معایب و عکس‌العمل نامطلوب این ترتیب را تصدیق داشته [در] نهایت معتقد بودند که علت این پیش آمدها بی‌اطلاعی مأمورین ژاندارمری و شهربانی است. به آقایان پیشنهاد شد که برای جلوگیری از ادامه این وضعیت هر ۱۵ روز یا یک ماه یک مرتبه مجلس مشاوره‌ای با رؤسای ژاندارمری و شهربانی داشته باشند و تکالیف قانونی و طرق اقدام را به آقایان تذکر بدهند که این وضعیت نظایری پیدا نکرده و هماهنگی^۲ بین دستگاه قضایی و مأمورین انتظامی بخصوص در منطقه حساس کردستان حفظ کرده، در صورتی که مقتضی بدانند مقرر خواهند فرمود در این خصوص از طرف مقامات وزارت نیز دستور لازم به آقایان رئیس دادگستری و دادستان کردستان داده شود. موضوعی که مورد شکایت بسیاری از خرده مالکین می‌باشد و آقای رئیس دادگستری سنندج نیز ضمن مذاکرات صحت این اظهارات آنان را تا حدی روی اطلاعات شخصی تأیید می‌نمود و این است که در بعضی از دهات، کشاورزان از پرداخت بهره مالکانه به مالک خودداری نموده و چون در لایحه ازدیاد سهم کشاورزان در

۱. در اصل: تأثیری.

۲. در اصل: هم‌آهنگی.

این موضوع تکلیف خاصی تعیین نشده و مالک باید مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی، بر علیه کشاورز اقامه دعوا نماید و بهره مالکانه را مطالبه کند و با طول مدت رسیدگی حقوق مالکین در معرض تضییع قرار می‌گیرند. مالکین تقاضا دارند همان طوری که بر طبق مواد ۳۲ و ۳۳ لایحه نامبرده، در صورت خودداری مالک از تسلیم سهمیه متعلق به زارع، بخشدار محل موظف است در وصول آن اقدام کند و در صورت استنکاف و امتناع مالک از تسلیم آن، مجازاتی برای او تعیین شود و در مورد عکس قضیه، یعنی خودداری زارع از تسلیم بهره مالکانه نیز، بخشدار یا مقامات قضایی محل موظف باشند به شکایت مالک به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی و در وصول بهره مالکانه اقدام کند. همچنین برداشت از محصول ملک، قبل از تقسیم چه از ناحیه زارع و چه از طرف مالک ممنوع و برای متخلفین از این قاعده، مجازاتی تعیین گردد و چون این شکایت منحصر به حوزه کردستان نیست و در کرمانشاه و همدان نیز این اختلافات پیش آمده بود^۱ و به طور قطع در سایر نقاط نیز این اشکال وجود دارد. اتخاذ تصمیم و تصویب مواد مورد احتیاج به قسمی که حقوق مالکین نیز محفوظ بماند، کمال ضرورت را داشته و به قسمت مهمی از شکایات و اختلافاتی که در نتیجه اصل لایحه نامبرده ایجاد شده خاتمه خواهد داد. به طوری که از دارایی کردستان تحقیق شده اداره نامبرده دارای ۱۸۰ کارمند و مستخدم جزء و ماهیانه ۳۵۰ هزار ریال درآمد می‌باشد. دارایی کرمانشاه طبق اظهار آقای صدیقی پیشکار دارایی ۴۰۰ نفر، دارایی همدان بنا بر اظهار آقای هادیان رئیس دارایی آنجا ۲۷۰ نفر کارمند دارد. خود آقای هادیان رئیس دارایی اظهار می‌داشت، نود درصد این عده محلی و بسیاری از آنان نادرست و در عین حال ثروتمند هستند و وجود آنان نه فقط مفید فایده نیست، بلکه از نظر نادرستی و یا محلی بودن، ارتباط با مالکین و ثروتمندان مانع اجرای قوانین و وصول مالیاتها هم می‌باشند^۲. نظر به این که^۳ اهمیت تصفیه دستگاه دارایی ایران اگر از سایر ادارات، بیشتر نباشد کمتر نیست، مراتب بدین وسیله به عرض می‌رسد تا در صورت اقتضا، توجه وزارت دارایی و جناب آقای نخست‌وزیر را به این موضوع جلب

۱. در اصل: آمد بوده.

۲. در اصل: باشد. در بقیه موارد به همین صورت اصلاح شد.

۳. در اصل: نظر با این که.

فرمایید. به نظر بنده وزارت دارایی باید هرچه زودتر با تحصیل اختیارات لازم دست به یک تصفیه جدی و عمیق در تهران و در شهرستان‌ها بزند و افراد نادرست و ثروتمند را که عده آنها محققاً در دستگاه وزارت دارایی زیاد است از کار برکنار سازد. طبق تحقیقاتی که در کرمانشاه به عمل آمد طرز خدمت آقای غلامعلی راد و زنگنه که اصلاً کرمانشاهی و متصدی قسمت پخش قند و شکر کرمانشاه می‌باشند^۱ و همچنین آقای علی‌مردان خدایی، رئیس بازرسی پیشکاری و نصرالله آل آقا رئیس کارگزینی و آقای مرزآبادی رئیس غله رضایت‌بخش نیست و شهرت دارد که این اشخاص از مقام و موقعیت اداری خود سوءاستفاده‌هایی می‌کنند. همچنین آقای حاجی احمد صدیقی پیشکار دارایی کرمانشاه در محل به سستی و بی‌حالی و ضعف شهرت داشته و گفته می‌شود که مقام پیشکار دارایی آن‌جا را با تشبث و ایجاد وسایل به دست آورده و شایستگی اشغال این مقام را ندارد. در خاتمه به عرض می‌رساند نسبت به آقایان رؤسای ژاندارمری کردستان، سقز، بانه، رئیس اداره دخانیات سنندج، معاون و کفیل دارایی، رئیس قسمت پخش قند و شکر، رئیس مالیات املاک مزروعی [و] رئیس حسابداری دارایی کردستان که ادامه خدمت آنان در محل مقتضی به نظر نمی‌رسد. از سنندج تلگرافاً مراتب به وسیله جنابان آقایان وزرای فرهنگ و بهداری به جناب آقای نخست‌وزیر گزارش و تغییر محل مأموریت آنان پیشنهاد گردید.

رئیس اداره امور املاک ثبت
وکیل و نماینده بازرسی کل کشور
معاونی

رونوشت برابر با اصل است و اداری است. امضا

۱. در اصل: باشد. در بقیه موارد به همین صورت اصلاح شد.

سند شماره ۱۳۴

اعلامیه حزب سعادت ملی ایران به مناسبت جشن مشروطیت و دعوت از طرفداران حزب برای شرکت در همه پرسی

خدا

شاه میهن

حزب سعادت ملی ایران

آذر ۱۳۳۰

با اجازه انجمن عالی و انجمن کار

جشن مشروطیت مبارک باد

در این موقع که از لحاظ مصالح عمومی و مصالح حزبی تظاهر برای تجلیل روز تاریخی چهاردهم مرداد مقتضی دانسته نشده به این وسیله به نام حزب سعادت ملی ایران جشن مشروطیت را به عموم شادباش عرض می‌کنم. مجدداً از آقایان کارمندان حزب درخواست می‌نمایم نسبت به تحریکاتی که علیه حزب سعادت ملی ایران و شخص این‌جانب می‌شود خاموشی گزینند و با رعایت کمال نظم و آرامش خود را برای شرکت در اخذ آرای عمومی در روز نوزدهم مردادماه جاری آماده سازند و برای انحلال مجلس هفدهم رأی موافق دهند و اطمینان داشته باشند در موقع مناسب در برابر تمام این تحریکات و تبلیغات مغرضانه و ناشیانه اقدام مقتضی معمول خواهد شد. فحش و ناسزا و تحریکات و دسته بندی اثری ندارد و ما را از پیشرفت به طرف مقصود مانع نخواهد شد. دبیرخانه حزب همه روزه از پنج تا نه بعداز ظهر برای قبول کارمند آماده است.

پاینده باد آزادی، پاینده باد مشروطیت و حکومت ملی، مفتخر و سرافراز است ایران و ایرانی

پیروز است، حزب سعادت ملی ایران. ۱۳۳۲/۵/۱۴

رهبر حزب سعادت ملی ایران

حبیب‌الله محیط

[حاشیه پایین:] بایگانی شود. ۷۹۴۷۱/۲، ۱۳۳۲/۵/۲۱

سند شماره ۱۳۵

مکاتبه سازمان کشاورزان حزب سعادت ملی با دکتر مصدق در مورد شرکت کشاورزان و کارمندان حزب مذکور در همه پرسى به منظور انحلال مجلس هفدهم

تاریخ: ۱۳۳۲/۵/۱۹

شماره: ۲ سیار

حضور مبارک پیشوای معظم ملت ایران جناب آقای دکتر محمد مصدق

نخست وزیر محبوب، رونوشت وزارت محترم کشور

با کمال احترام به عرض عالی می‌رساند، طبق مأموریتی که از طرف حزب سعادت ملی ایران در کردستان داشته برای شرکت در رأی موافق به انحلال مجلس هفدهم به مرکز بخشداری کامیاران رفته و با دعوت کامل از کشاورزان [و] کارمندان حزب سعادت ملی ایران در حوزه بخشداری کامیاران صبح روز دوشنبه ۱۳۳۲/۵/۱۹ با جمعیت کثیری که با صفوف منظم در حالی که پرچم سه رنگ در پیشاپیش آنان در حرکت بود و شعارهای زنده باد مصدق، مصدق عزیز پیروز است، ما این مجلس را نمی‌خواهیم وارد کامیاران [شده] با کمال نظم و آرامش رأی خود را دایر به انحلال مجلس هفدهم به صندوق ریختند. در نتیجه آرای مأخوذه در کامیاران که ۳۰۲۰ رأی موافق بوده اکثریت قریب به اتفاق از کارمندان حزب سعادت ملی ایران به رهبری جناب آقای حبیب‌الله محیط تشکیل داد که مراتب برای استحضار رهبر خردمند ملت ایران به عرض رسید.

با تقدیم احترامات فائقه

دبیر کشاورزان حزب سعادت ملی ایران

بهاء‌الدین سجادی

[مهر]: سازمان کشاورزان حزب سعادت ملی ایران

آذر ۱۳۳۰

[حاشیه راست:] اداره امور آقای ضیایی. ۱۳۳۲/۷/۲۹

[حاشیه پایین:] این‌ها باید تحت تعقیب درآیند، اقدام مقتضی بشود.

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۷۱۶۳

تاریخ: ۱۳۳۲/۷/۳

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۱

سند شماره ۱۳۷

مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با سپهبد زاهدی (نخست وزیر) در مورد مواضع و فعالیت‌های وی پس از کودتای ۲۸ مرداد و رد اتهامات وارده به وی از سوی سلطان حسین سنندجی و محمد مردوخ

حبیب‌الله محیط

لاله‌زار - کوچه ممتاز - تلفن ۳۵۳۲۹

وکیل دادگستری

نشانی تلگرافی: تهران محیط

تاریخ: ۱۳۳۲/۷/۲۱

حضور محترم فرزند رشید ایران تیمسار معظم سپهبد زاهدی نخست وزیر ایران محترماً به عرض عالی می‌رساند: پس از قیام ملی و تاریخی ۲۸ مرداد و اعلام زمامداری تیمسار معظم و عرض شادباش و اعلام طرفداری از دولت ملی چون حس کردم که نظر دولت بر این است اختلاف‌ها کنار گذارده شود از سوم شهریور از کردستان خارج و تا این تاریخ حتی برای انجام امور محاکماتی به آنجا نرفته‌ام و دوستانم نیز هیچ‌گونه فعالیتی نداشته و کتباً به فرماندار جدید اطلاع داده‌اند صددرصد تابع نظر ایشان هستند و در این مدت با این‌که فرماندار جدید از رویه بی‌طرفی منحرف و تابع تمایلات مخالفین بوده کوچکترین اعتراض و شکایتی نکرده و آنچه بوده بر سبیل حکایت به خودشان تذکر داده شده و به هیچ وجه در نظر نداشت عنوانی آغاز کند که مبین اختلاف بوده باشد. ولی اینک معلوم شده اتباع آصف و

سلطان حسین سنندجی که از تیرماه به دستور دکتر سنجابی با حزب توده محلی ائتلاف و به وسیله...^۱ [سعی کرده‌اند] تمثال مبارک شاهنشاه با رمز [!] و شعار حزبی (خدا، شاه، میهن) از تابلو و پرچم حزب برداشته شود و حزب سعادت ملی ایران با حزب ایران ائتلاف کند و در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد به شرح تلگرافاتی که مخابره کرده‌اند به دربار شاهنشاهی و شخص شاهنشاه و خانواده سلطنتی اهانت کرده‌اند ساکت ننشسته و از سکوت بنده سوءاستفاده و اقداماتی را که با نظر مأمورین انتظامی به منظور جلوگیری از تظاهر این دسته شده و به هیچ وجه متضمن اهانت به مقام مقدس سلطنت نبوده بلکه مؤید مقام سلطنت بوده وسیله قرارداد و در غیاب بنده سعایت‌هایی کرده و متعاقب آن سلطان حسین سنندجی با محمد مردوخ و چند نفر که به افتخار شرفیابی نایل شده‌اند به محل رفته و بعنوان محبوب بودن خودشان و منفور بودن بنده فرماندار جدید را تحت تأثیر قرار داده و با اعمال نفوذ فرماندار موفق شده‌اند از خود ایشان و شهربانی گزارشاتی علیه بنده به تهران ارسال دارند تا در تهران وسیله اهانت به بنده را فراهم و آن را در تهران و کردستان بزرگ جلوه دهند و سپس در مقام ابراز قدرت مرکزی از آن استفاده نمایند [لذا] ناچار شد از حضور مبارک استدعا نماید به اقتضای حقگزاری^۲ مقرر فرمایید هرکس مورد اعتماد حضرت عالی است به عرایض و مدارک بنده رسیدگی نماید تا بدون تحقیق و احراز واقع تصمیمی اتخاذ نشود.

تیمسار معظم، دوازده سال است بی‌اجر و مزد به شاهنشاه و ارتش شاهنشاهی خدمت کرده‌ام در لحظات سخت مبلغ و مدافع مقام مقدس سلطنت بوده‌ام. دو سال است در کردستان مبارزه می‌کنم. استدعای توقعی ندارم جز این که حقیقت کشف شود. مع‌هذا بسته به نظر عالی است.

ارادتمند

[امضا: حبیب‌الله محیط]

[۱۳]۳۲/۷/۲۱

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۲۷۵۸۹

تاریخ: [۱۳]۳۲/۷/۲۶

۲. در اصل: حقگذاری.

۱. چند کلمه خوانده نشد.

سند شماره ۱۳۸

مکاتبه فرمانداری نظامی تهران با نخست وزیر در مورد آزادی حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) و لزوم احضار مجدد وی به دلیل سوابق سیاسی و حمایت و پشتیبانی از دولت مصدق

[شیر و خورشید]

وزارت دفاع ملی

شماره: ۱/۱۶۵۸۷

تاریخ: ۱۳۳۲/۸/۳۰ [۱۳]

پیوست: ۴ برگ

از فرمانداری نظامی شهرستان تهران و حومه

به جناب آقای نخست وزیر

آقای حبیب‌الله محیط شغل وکیل دادگستری ساکن تهران که در تاریخ ۱۳۳۲/۷/۲۰ [۱۳] طبق ماده ۵ فرمانداری نظامی بازداشت شده بود در تاریخ ۱۳۳۲/۸/۱۳ [۱۳] با اخذ تعهد مبنی بر این که هر موقع فرمانداری نظامی او را احضار کند فوراً حاضر شود آزاد گردید. اینک معلوم گردید. نامبرده رهبر حزب سعادت که در زمان دکتر مصدق دست به تحریک اشخاص زده و حتی برای پشتیبانی از دولت سابق سران حزب را وادار به تحصن در تلگرافخانه نموده و مطالبی نیز در روزنامه‌ها نوشته که به طور اعلامیه حزبی منتشر نموده است. اینک با تقدیم ۴ برگ اعلامیه مزبور مستدعی است امر و مقرر فرمایند نظریه در این مورد ابلاغ و چنانچه اجازه فرمایند مشارالیه جلب و طبق مقررات اقدام مقتضی به عمل آید.

فرماندار نظامی تهران

سرلشکر [فرهاد] دادستان

[امضا]

[حاشیه بالا:] فرمودند سابقه و پرونده او را از کردستان بخواهید و طبق مقررات اقدام کنید.

[مهر:] ورود به کابینه ریاست وزرا

نمره: ۳۱۴۱۰

به تاریخ: ۱۳/۹/۳۲ [۱۳]

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۳۹

تلگراف عده‌ای از اهالی کردستان به سپهبد زاهدی در مورد اقدامات حبیب‌الله محیط و سایر اعضای حزب سعادت ملی در دوره دکتر مصدق و لزوم جلوگیری از بازگشت وی به کردستان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۳۵۲۳، از: کردستان، به: [تهران]، شماره قبض: ۲۸۲، تعداد کلمه: ۴۸۷، تاریخ

اصل: ۹، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۹/۹

حضور تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر معظم، رونوشت ستاد ارتش، رونوشت وزارت کشور توقیراً به عرض عالی می‌رساند تا قبل از استقرار حکومت قانونی آن جناب، حبیب‌الله محیط یزدی و چند نفر مفسده‌جو با ارتکاب اعمال خیانتکارانه موجبات اختلال نظم و سلب امنیت را به نام حزب به اصطلاح سعادت فراهم می‌کردند. به طوری که هر روز این شهرستان دچار تشنج و دهات گرفتار هرج و مرج بودند. بعد از قیام ملی ۲۸ مرداد که این عنصر خائن

و همدستانش از ترس عواقب اعمال زشت و خائنانه خود^۱ پنهان و متواری شدند خراب‌کاری آنان متوقف، در این سه ماه اخیر هیچ‌گونه تشنج و بی‌نظمی در کردستان ایجاد نگردیده و مردم با صمیمیت و علاقمندی به کسب و کار خود مشغول بقا و پایداری حکومت قدرت و قانون را که مانع پیشرفت مقاصد شوم عناصر خائن است از خداوند در^۲ خواست و انتظار داشته‌اند که اخلاص‌گران و خیانتکاران به سزای اعمال خود برسند. متأسفانه مشاهده می‌گردد که حبیب‌الله محیط یزدی که مدتی هم بازداشت حکومت نظامی تهران بوده با نشر اعلامیه و انتشار مطالب کذب^۳ و تشویش اذهان عامه^۴ فراهم و سیدمجید سجادی با توسل به اقداماتی در برنامه ارتش به نام شاهدوستی و وطن‌پرستی اعمال مخالفت‌آمیز خود را پرده پوشی و در واقع اهالی را وادار به هواداری اعمال گذشته خود کرده، در صورتی که این دو نفر در حکومت گذشته به نام سران حزب در این شهرستان فعالیت خرابکارانه داشته و به شرح اعلامیه‌ها و سوابق موجود در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد به طرفداری از دولت سابق تا آخرین دقیقه در تلگرافخانه متحصن و مصراً درخواست مجازات عاملین کودتای ادعایی را داشته اینک باز بوقلمون‌وار^۵ در دولت تیمسار زاهدی رخنه کرده مطالب واقعی را منقلب، اعمال خائنانه خود را پرده پوشی و به شرح اعلامیه اخیر آن را به افراد وطن‌پرست کردستان نسبت داده. به قراری که انتشار می‌دهند حبیب محیط که مأمورین انتظامی طرد او را از این شهر لازمه ایجاد امنیت و آرامش دانسته‌اند قصد دارد به کردستان بیاید و موجبات اختلال و بی‌نظمی را مانند گذشته فراهم کند. اهالی کردستان که همیشه خواهان امنیت و نظم و تمایل^۶ [به] رعایت قانون و دستورات دولت هستند درخواست دارند دستور صریح و مؤکد صادر فرمایند مأمورین مسئول از ورود این عنصر شیاد اخلاص‌گر جلوگیری نمایند. در صورتی که اقدام مثبت در این مورد مبذول نگردد قطعاً آرامش و امنیت فعلی را دستخوش تغییر و تبدیل به آشوب و فتنه خواهد نمود. محمد صدیق مجتهدی، حاج حبیب‌الله مؤدب، حاج امیرزاده، نصرت‌الله صادق وزیر، حاج عزت رشیدی، نصرت‌الله سنندجی، مظفریان، مهدی معتمد وزیری، حاج محمد

۱. در اصل: خود را.

۲. در اصل: از.

۳. در اصل: مکذب.

۴. در اصل: اذهان و عامه.

۵. در اصل: باو قلمون وار.

۶. در اصل: تمایل.

صلاحتی، سیدبابا شهابی، حاج حبیب‌الله زهنی، شکرالله خسروی، امیرارسلان آصفی، محمدامین مرادی، علی‌اکبر وزیری، امین‌الله مشیر، حمد زرگری، حاج محمد زرگری، قطبی، باقر شمسی، حاج امیر اردلان، محمد رحمان، سیدعبدالله سیدشهدایی، احمد شریفی، عباس بدخشی، حاج محمدعلی خانی، محمود یوسفی، عطاالله سیدشهدایی، علی‌نقی شریفی، محمدکریم شهبازی، حاج عبدالخالق سقزی، احمدکریم رئوف، حسن ذوالفقاری، حسین ذوالفقاری، عباس ذوالفقاری، صالح ذوالفقاری، احمد نصرتی، محمدسعید بدخشان.

[مهر:] اداره تلگراف تهران

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۳۱۳۰۱

تاریخ: ۱۳۳۲/۹/۱۰

[مهر:] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۶

سند شماره ۱۴۰

مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با سپهبد زاهدی (نخست‌وزیر) و درخواست رسیدگی به اظهاراتش درباره برخی از مخالفین سیاسی وی در کردستان

حبیب‌الله محیط

وکیل دادگستری

شماره: ۱۰۲۸

لاله‌زار، کوچه ممتاز، تلفن ۳۵۳۲۹

نشانی تلگرافی: تهران محیط

تاریخ: ۳۰ آذر ۱۳۳۲

حضور مبارک جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً به عرض می‌رساند: در این موقع که اوامر و نظریات عالی اجرا شده یعنی زندانی

شده‌ام به حیثیت صدمه وارد گردیده مقیدم فرموده‌اید از تهران خارج نشوم و به این ترتیب نامم قطع شده و تصور می‌کنم عدالت حضرت عالی اقتضا داشته باشد اکتفا فرمایید بنام این‌که افسری رشید هستید به علاوه نخست‌وزیر کشوری می‌باشید که بنده هم مانند آصف و سنندجی و احمد غیائی از افراد آن هستم مطالب زیر را به صورت ادعا به عرض می‌رسانم استدعای تحقیق و رسیدگی دارم:

۱- اعمال بنده در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ناشی از سه علت بوده اول عدم ارتباط با حضرت عالی یا دستگاه مربوط به حضرت عالی و بی‌اطلاعی از حقایق اوضاع مرکز و انتصاب حضرت عالی به نخست‌وزیری و توافقی که اصولاً با مأمورین انتظامی محل برای حفظ نظم و آرامش داشته‌ام و مشاهده طرز عمل آنان. دوم تعبیری که از دستور صریح نمایندگان اعلی حضرت همایونی به زعم خود کرده‌ام. سوم با رعایت اوضاع محلی و عللی که بعداً در همین نامه به عرض می‌رسد برای بقاء حزب و آماده شدن برای قیام نهایی در صورت اعلام تغییر رژیم لازم بوده آن اعمال انجام شود.

این‌ها که عرض کردم فلسفه‌بافی نیست تمام دلیل دارد مع‌هذا مجموع اعمال بنده نه جرم است و نه قابل تعقیب و متضمن اهانت به مقام سلطنت یا ابراز موافقت بر تغییر رژیم نبوده و اگر انصاف در کار باشد به فرض این‌که دلیلی هم بر اثبات مطالب فوق‌الذکر نداشته باشم در مقابل خدمات بی‌اجر و مزد و یاداش دوازده ساله و خسارات مهمی که متحمل شده‌ام جا نداشت کسی از بنده بازخواست کند تا چه رسد به این‌که بدون تحقیق تعقیب نماید و با وجود گزارش رسمی فرمانده لشکر کردستان توجهی به عرایضم نشود.

۲- آقایان فرج‌الله آصف و رضای آصف و سلطان حسین سنندجی و احمد غیائی نه تنها به دکتر مصدق و دکتر سنجابی نزدیک بوده و اقدامات شدیدی علیه دربار و ارتش در تمام مدت حکومت مصدق نموده‌اند. در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد افراد خانواده آصف و سلطان حسین سنندجی و سران اتحادیه مالکین یعنی خانواده بابان و وکیل و غیره و شخص احمد غیائی تلگرافی تقاضای مجازات عاملین عمل شب ۲۵ مرداد را نموده و نسبت به دربار شاهنشاهی و شخص اعلی حضرت همایونی اهانت کرده و تلگرافی نموده‌اند که مبین تمایل آنان به تغییر رژیم است.

۳- خانواده آصف به وسیله شخصی به نام صارم الدین صادق وزیری که در جزیره خارک

بسر می‌برد و پسر عمو و برادر زن رضای آصف است و خانواده وکیل به وسیله صالح وکیل پسر عمو و برادر زن دکتر هاشم وکیل و دکتر کاظم وکیل رئیس اداره تبلیغات کردستان با حزب توده مربوط بوده و در اواخر تیرماه مسأله ائتلاف با حزب توده را در کردستان با توجه به توضیحات فقره چهارم عملی کرده‌اند.

۴- آقای دیوان بیگی با آقای دکتر عبدالحسین اردلان استاندار استان پنج زمان دکتر مصدق با آقای دکتر اسماعیل اردلان مدیرکل دامپزشکی که دو نفر اخیر در زمان قاضی محمد نیز به او نزدیک شده‌اند به علت نزدیکی دو نفر اخیر با آقای دیوان بیگی و حمایت آقای دیوان بیگی از حزب سعادت ملی ایران موقعیتی در حزب پیدا کرده و از فروردین ماه ۱۳۳۲ یعنی بعد از مسافرت وزرای فرهنگ و بهداشتی به کردستان و مخالفت بنده به همکاری حزب، با حزب ایران کوشیدند حزب سعادت ملی ایران با حزب ایران ائتلاف کند و چون بنده قبول نکردم به دستور ایشان شیخ معتصم حسامی از حزب جدا شد شعار حزبی (خدا، شاه، میهن) را برداشت با کمک دکتر وکیل و رضای آصف و سلطان حسین سنندجی با حزب توده ائتلاف کردند و در هفتم مرداد حسامی را به تهران آورده با مساعدت دکتر سنجابی، دکتر مصدق را ملاقات و علیه بنده و جناب آقای دکتر هومن که هیچ‌گونه ارتباطی با بنده نداشتند حرف‌هایی زدند که در نتیجه آن دستور تعقیب آقای دکتر هومن و بنده صادر شد. آقای دکتر هومن را آقای دکتر ملک اسماعیلی نجات داد و بنده را آقای حسام‌الدین عارفی.

اگر مجموع این جریانات را در نظر بگیرید و بنده بتوانم تمام آنها را ثابت کنم و مخصوصاً ارتباط و نزدیکی صمیمی آقای دیوان بیگی را با دکتر مصدق حتی در روزهای اخیر به اثبات برسانم و پرده از روی اعمال مأمورین محلی که تا این تاریخ به نام مصالح منطقه حرفی نزده‌ام بردارم، تصدیق خواهید فرمود منتهای بی‌عدالتی در حق بنده شده و جا ندارد جناب آقای نخست‌وزیر طبق درخواست احمد غیائی که در تلگراف ۲۵ مرداد خود رکیک‌ترین دشنام‌ها را به شاهنشاه ایران داده دستور فرمایند که وزارت کشور نامه شماره ۲۶۰۸۶/ن ۸۴۰۹۷ [مورخ] ۳۲/۹/۱۹ [۱۳] را به فرمانداری نظامی تهران علیه بنده مرقوم فرمایند.

چه خوب بود همین نظر بنام نظر شخص خودتان اعلام می‌شد که مثل دستور بازداشت تلخی آن را می‌چشیدم و تحمل می‌کردم. به هر حال چون نامه وزارت کشور نمایش داد که جناب آقای نخست‌وزیر شخصاً نظری ندارند و تحریکات مخالفین بنده مسبب این بدبینی

است و فرماندار محترم نظامی تهران اعلامیه‌هایی را به بنده نشان دادند، استدعا دارم هر چه زودتر دستور رسیدگی به مستدعات بنده صادر شود.

با تقدیم احترامات فائقه

[امضا: حبیب‌الله محیط یزدی]

[۱۳]۳۲/۹/۳۰

[حاشیه راست: رونوشت این نامه به فرمانداری فرستاده شود.]

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: [۱۳]۳۲/۱۰/۸

تاریخ: ۳۳۷۷۹

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۰

[مهر: بازرسی شد.]

سند شماره ۱۴۱

تلگراف حبیب‌الله محیط (رئیس حزب سعادت ملی) به سپهبد زاهدی در مخالفت با کاندیداتوری رضا آصف و اقدامات خلاف قانون ژاندارمری علیه افراد حزب سعادت ملی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: کردستان، به: تهران، شماره قبض: ۶۱۲، تعداد کلمه: ۲۲۹، تاریخ اصل: ۷، تاریخ وصول:

[۱۳]۳۲/۱۱/۷

حضور مبارک تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر ایران، رونوشت وزارت کشور، رونوشت

جناب آقای دیوان بیگی تهران: طبق تلگرافات متعدد که این چند روز به دربار شاهنشاهی و وزارت کشور و ستاد ارتش و غیره عرض شده با تمام بی‌عدالتی‌ها و اعمال خلاف چون شنیدیم رضای آصف، آن دشمن سرسخت ملت و اهانت‌کننده به مقام سلطنت و قیام‌کننده علیه ارتش جزو لیست دولتی نیست. افراد حزب سعادت ملی ایران به سکوت برگزار^۱ می‌گردد، زیرا اگر آقایان حاج عزالمالک و سالار سعید و دکتر وکیل به مردم تحمیل می‌شدند باز چیزی بود، ولی طبق تلگراف شماره ۳۰۹/۸۳ مورخه ۱۳/۱۱/۵ [۱۳] فرج‌الله آصف که رونوشت آن در دست است و طبق شایعات محلی و اظهارات فرماندار و رئیس شهربانی بر همه روشن است که دولت رضا آصف را به جای دکتر وکیل گذارده، افراد حزب کوچکترین احساسات موافق نسبت به هیچ یک از کاندید^۲‌های دولتی ندارند ولی نسبت به این شخص دشمن هستند و زیربار چنین ظلمی نخواهند رفت. امروز ژاندارمری دو نفر فرد حزبی ملاعلی شریعتی و خلیفه حسن خررقه‌پوش را با ماشین که مشغول پخش اوراق بوده با این‌که اوراق با نظر شهربانی طبع و توزیع شده بود بازداشت، افراد را مضروب [و] به بنده و حزب هتاک‌ی کرده‌اند. آیا این است معنی انتخابات آزاد. رهبر حزب سعادت ملی ایران، حبیب‌الله محیط.

[مهر: اداره تلگراف تهران]

[حاشیه پایین: نسخه اول به دستور مقام ریاست دفتر عیناً به وزارت کشور ارجاع گردید.
[امضا: نژادی] ۱۳/۱۱/۸ [۱۳]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر]

شماره: ۳۷۳۳۵

تاریخ: ۱۳/۱۱/۸ [۱۳]

سند شماره ۱۴۲

تلگراف عده‌ای از اهالی کردستان به نخست وزیری در مورد لزوم جلوگیری از اقدامات حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) در کردستان

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۴۸۳، از: کردستان، به: [تهران]، شماره قبض: ۷۴۲، تعداد کلمه: ۷۱۶، تاریخ اصل: ۷، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۱۱/۸

حضور محترم تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر معظم ایران، رونوشت وزارت جلیله کشور، تهران: در انتخابات دوره هفدهم حبیب‌الله محیط یزدی با یک دستگاه بلندگو با مساعدت سرتیپ بهارمست فرمانده وقت تیپ به کردستان آمده با القاء و عنوان این‌که منتسب به مقاماتی است و باید اهالی کردستان او را به وکالت انتخاب نمایند شروع به تبلیغات مفصلی نموده از آن‌جایی که مشارالیه قبلاً در سنج شغل وکالت دادگستری داشته بود و اکثریت کاملاً او را می‌شناختند که عقیده و مسلک ثابتی ندارد جداً از انتخاب او امتناع نمودند. چون از این راه مایوس شد شروع به تبلیغات کمونیستی نمود [و] در میان رعایا و زارعین ساده لوح اشاعه داد که از طرف دولت برای تقسیم اراضی و الغاء مالکیت آمده‌ام و ایشان را تحریک به انقلاب بر علیه مالکین و حتی مأمورین انتظامی نمود و اخلاگری و آشوب‌طلبی را به جایی رسانید که عده [ای] از همان زارعین بیچاره را به طمع تقسیم اموال و املاک وادار کرد که علناً به شهر آمده با چوب و چماق و تیشه و تیر و داس به اداره فرمانداری و منازل مالکین و مغازه و دکاکین حمله ور شدند تا با مداخله سواره نظام و مأمورین انتظامی متفرق شدند و چون هر

روز به رنگی در می‌آید در فراندوم تظاهرات او که بسته‌های رأی صد ورقی را دسته دسته می‌آورد و در صندوق می‌ریخت مشهود عموم اهالی بود. موقع مسافرت اعلی حضرت همایونی به خارجه آنچه نباید و نشاید در ملاءعام اسائه [ی] ادب به مقام شامخ سلطنت نمود و تا عصر روز ۲۸ در تلگرافخانه برعلیه مقام سلطنت متحصن گردید. عصر همان روز اهالی شاهدوست و وطن‌خواه او را گرفته و کتک مفصلی زدند و شبانه فرار نمود. قطعاً مراتب از طرف مأمورین دولت به مرکز منعکس گردیده و عموم منتظر بودند که مانند سایر اخلاک‌گران و آشوب طلبان به کیفر برسد. متأسفانه چون تا به حال به مجازات نرسیده در این موقع که انتخابات شروع شده باز به کردستان مراجعت [کرده، ضمن] اختفا به وسیله کاغذپرانی و تبلیغات دروغ و حقه‌بازی شروع به تجدید اختلال و آشوب نموده و از آنجایی که می‌داند هیچ وقت اهالی شرافتمند کردستان به چنین عنصر فاسد و بوقلمون‌صفت رأی نخواهد داد باز درصدد اغوا [ی] رعایا [ی] ساده‌لوح برآمد.

چون این عملیات قطعاً موجب انقلاب در این منطقه حساس عواقب وخیمی دارد، لذا با عرض مراتب استدعای بذل توجه کامل و جلوگیری سریع داریم که امر فرمایند با تشکیل کمیسیون امنیت به سوابق این عنصر ماجراجو و اخلاک‌گر که اظهر من الشمس است رسیدگی و طبق مقررات اخراج و به مجازات عملیات سوء خود برسد: ملاصدیق مجتهدی، سیدمحمد سجادی، باقر شمس، ابوالقاسم صادق عزیزی، محمد قلعه‌چی، احمد شرورکش، نصرت‌الله صادق وزیری، عابد، سراج‌الدین، ابراهیم رضایی، حسین شجاعی، اردلان محمد امینی، حاج محمدامین صلاحی، مظفربابان، حاج حبیب‌الله مؤدب، محبت‌الله معتمد وزیری، محمدکریم دباغ‌زاده، هاشمی، حاج امیرزاده، حاج احمد شمس، محمدکریم شهبازی، احمدصادق وزیری، سیدعبدالله سیدشهبازی، فرج‌الله آقایی، عبدالصمد، حسن ذوالفقاری، شکرالله خسروی، عبدالله قمی، احمد زندی، محمود فرزاد، صالح صدیقی، محمد رضایی، شهیدی، محمدعلی ایوبیان، غلامحسین حسامی، محمدسعید بدخش، عبدالله، حمید نوری، نصرالله سعادت، حیدری، کریمی، عباس بدخشان، محمد یوسفی^۱، محمد رحیمیان، حاج فلاح سیداسعدی، سجادی، عبدالمحمد مباضی^۲، ستار، عبدالحمید زرگری، احمد وکیلی، جمال‌الدین نجوبی،

۱. در اصل: یوفی.

۲. چند اسم در اصل دوبار تکرار شده بودند.

حبیب، محمد یوسفی، حاج عزت‌الله رشیدی، عبدالمحمد رشیدی، جمال‌الدین، حبیب‌الله، علی حاج عبدالله، صادق، مهدی، عبدالمحمد بابایان، علی...^۱ لطف‌الله فتاحی، یونس^۲ قادری، درویش برازنده، محمد ستاری، فیض‌الله، بهمن، حبیب‌الله یونس، محمد، کریم، عرفان، احمد حاجی میرزایی، سعید شهبازی، عباس مهتاب، صالح شهبازی، یدالله معاونی، محمد اکرمی، علی امینی، عبدالله حاجی میرزایی، احمد نیک‌خواه، علی‌نقی شریفی، احمد شریفی، سعید اقبال، علی حاجی حسینی، احمد شاکری، یدالله کریمی، محمد جعفری، امین فروزند[ه]، احمد عابدینی، سیدعلی‌الله سیدشهادی، سیدوفا سیدشهادی، عبدالرحیم عبدالهی، سیدزکی سیدشهرابی، سید محمود سیدشهرابی^۳، امجد آصفی، سید عبدالله سیدشهرابی، محمد احمدی، حسینعلی مخدومی، محمدالدین زندی قلعه محمودی، اسماعیل زندی قلعه محمدی، بلبل‌یان، خداکرم احمدی، محمد شریف احمدی.

[مهر: اداره تلگراف تهران

[حاشیه بالا، اول: پیشینه. ۱۳/۳۲/۱۱/۸]

[حاشیه بالا، دوم: سابقه رسید. ضمیمه شد. ۱۳۳۲/۱۱/۹]

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۷۴۶۳

تاریخ: ۱۳/۳۲/۱۱/۸

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۵۹

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۰

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۱

[مهر: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۲

۲. در اصل: نونس.

۱. یک کلمه خوانده نشد.

۳. در اصل: شید شهرابی.

سند شماره ۱۴۳

تلگراف‌های حبیب‌الله محیط (رہبر حزب سعادت ملی) به سپہبد زاہدی
(نخست وزیر) در شکایت از دخالت مأمورین و نمایندگان دولت در جریان
انتخابات سنندج

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: سنندج، به: [تهران]، شماره قبض: ۲۴۳، تعداد کلمه: ۲۳۲، تاریخ اصل: ۱۸، تاریخ وصول:

[۱۳۳۲]/۱۱/۱۹

جناب آقای نخست وزیر، رونوشت وزارت دربار شاهنشاهی، رونوشت ریاست کل شہربانی: امروز معلوم شد پنج ماہ فرماندار و شہربانی می‌گفتند اگر محیط به کردستان آید تشنج می‌شود مقصودشان چه بوده، یعنی چون در سرتاسر کردستان کسی قادر به اهانت محیط نیست دستور می‌دهیم پاسبان بلا تشبیه مثل مأمورین وظیفه شناس میان خیابان جلو کلانتری او را مضروب سازند، شاید به این وسیله موقعیت او خراب شود. تمام مقامات محلی شاهد صبر بنده و افراد حزب هستند. امروز صبح عده [ای از] افراد حزب به انجمن انتخابات سنا به رأی دادن رفتند و اظهار داشتند مأمورین شہربانی مانع و رسماً داد می‌کشند باید فرج‌الله آصف انتخاب شود. افراد حزب حق دادن رأی ندارند. برای ملاقات رئیس شہربانی به کلانتری دو رقتم جلو در کلانتری پاسبانها بی‌مقدمه بنده را مضروب دست و پای راستم را [مجروح] کردند [استدعای احقاق حق دارد. ضمناً چون شہربانی سابق به خلاف گزارش خروج بنده را از کردستان داده حالیه که برای انجام محاکمہ پرونده‌های ۸۱۹/۳۲ و ۳۰/۲۲ عازم کرمانشاه است و سه روز مراجعت می‌کند لازم بود گزارش عرض نماید. امید است پس از خاتمہ انتخابات بنده رو سفید شوم و معلوم شود تمام اقدامات مأمورین که از بیم موفقیت حزب در انتخابات بوده بی‌جهت و

بنده بیش از مأمورین متوجه موقعیت کشور و اجرای نظر دولت برگزیده شاهنشاه بوده و هستم. رهبر حزب سعادت ملی ایران حبیب‌الله محیط.

[مهر:] اداره کل تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] وزارت کشور. بایگانی. ۱۳۳۲/۱۱/۲۰ [۱۳]

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۹۱۱۵

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۱/۱۹ [۱۳]

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۷

[مهر:] بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۶

سند شماره ۱۴۳/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: کرمانشاه، به: تهران، شماره قبض: ۵۵۱، تعداد کلمه: ۴۴۴، تاریخ اصل: ۱۹، تاریخ

وصول: ۱۳۳۲/۱۱/۱۹ [۱۳]

حضور محترم تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر ایران، رونوشت جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی، رونوشت وزارت کشور: پیرو تلگراف قبل حقیقت جریان و علت آمدن بنده به کرمانشاه این است پس از مضروب شدن به وسیله پاسبانها رئیس شهربانی بنده را به اجبار نزد فرماندار برد چون دستور داده بودم افراد حزب تجمع و تحصن نکنند عده زیادی بعنوان اعتراض به فرمانداری آمده بودند فرماندار اظهار کرد مجبورم حاجی عزالمالک، سالار سعید

[و] دکتر وکیل را در شورا، فرج‌الله آصف و ملاصدیق مجتهدی و یک نفر دیگر را مطابق میل آصف در سنا، از صندوق در آورم و چون حدس می‌زنم اگر حزب آزاد باشد ممکن است دستور دولت عملی نشود این مشکلات برای حزب و شما فراهم می‌شود. به او گفتم روز ورود [به] سنندج کتباً سفارش نوشتم اگر رضا آصف انتخاب تحمیلی نشود حزب با نظر دولت معارضه نمی‌کند اگر دولت دستوری داده در آخر موقع قرائت آراء عمل کنید، ولی این‌که حزب در انتخابات دخالت نکند و رأی ندهد یا در ریزش رأی تقلب شود ممکن و مصلحت نیست. گفت من با حضور فرمانده لشکر و رئیس شهربانی قسم می‌خورم همین طور بکنم و تمام افراد حزب را که بازداشت و تبعید کرده‌ام آزاد می‌نمایم به شرط این‌که تا خاتمه قرائت آرای سنا و شورا از کردستان خارج شوید. پس از حضور فرمانده لشکر که در تمام جریان ساکت بود مجدداً با حضور ایشان تکرار نمود، لذا بنده از افراد حزب خواهش کردم تشریف بردند. نهار مهمان فرماندار بودم، بعد تمام خیابانها و خانه‌ی دوستان را سرزدم که خیال نکنند فرماندار قدرت تبعید^۱ بنده را داشته. شب به منزل آقای حاجی سیدعبدالله دیانت رفته افراد حزب را خواسته جریان را به معاون رهبر حزب محرمانه گفتم و چون محاکمه در کرمانشاه داشتم و پزشک قانونی کردستان نیامد عیادت‌م کند روز هیجدهم بهمین برای محاکمه و تحصیل گواهی ضربات وارده به کرمانشاه آمدم و برای اطمینان فرماندار آقای جوائزی بخشدار مریوان را همراه به کرمانشاه آوردم ولی تا این ساعت افراد حزب را آزاد نکرده و گزارشات واصله حاکی است که در مقام نقض عهد است. از افراد حزب شدیداً جلوگیری می‌شود. تیمسار معظم نخست‌وزیر محترم، بنده تمام این از خود گذشتگی‌ها را به نام مصالح عالی کشور و عدم وقوع تزلزل در ارکان دولت تیمسار می‌نمایم و گرنه بدانید به خدای متعال ممکن نبود بدون موافقت حزب سعادت ملی ایران بتوان وکیل تحمیل کرد. گواه این ظلم باشید، بنده شخصاً هیچ استدعایی ندارم ولی باید یادش این فداکارها به افراد حزب سعادت ملی ایران داده شود و جبران بی‌عدالتی‌های پنج ماهه بشود. تیمسار مردی شریف و مرد با فتوتی^۲ هستید مع‌هذا بسته به نظر عالی است. حبیب‌الله محیط.

[مهر: اداره کل تلگراف تهران

۱. در اصل: تبعید.

۲. در اصل: با فتوت.

[حاشیه بالا]: وزارت کشور. بایگانی. ۱۳/۳۲/۱۱/۲۰

[مهر]: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۱۳/۳۲/۱۱/۲۰

تاریخ: ۳۹۲۳۳

[مهر]: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۸

[مهر]: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۶۹

[مهر]: بایگانی دفتر نخست وزیر

شماره: ۷۰

سند شماره ۱۴۴

تلگراف‌های حزب سعادت ملی ایران به نخست وزیر در مورد دخالت
مأمورین شهربانی و فرمانداری در انتخابات کردستان و ممانعت آنان از رأی
دادن هواداران حزب سعادت ملی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: کردستان، به: [تهران]، شماره قبض: ۳۸۷، تعداد کلمه: ۱۹۵، تاریخ اصل: ۲۱، تاریخ
وصول: ۱۳۳۲/۱۱/۲۱

تیمسار سپهد زاهدی نخست وزیر، رونوشت جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی،
رونوشت کانون وکلای دادگستری تهران: به طوری که طی تلگراف [دسته] جمعی و آقای

محیط رهبر حزب سعادت ملی ایران به عرض رسیده.

با این‌که فرمانداری کل و دستگاه شهربانی کردستان با تمام قوا از دادن رأی کارمندان و طرفداران حزب به نام آقای محیط و سایر کاندیدان^{۱۱}های حزب در انتخابات مجلس سنا جلوگیری و روز اخذ آرای آقای محیط رهبر حزب را به وسیله عده‌ای از پاسبانان^{۱۲} مضروب [و] ایشان را به کلاتری جلب نمودند ولی با این همه بی‌عدالتی و جلوگیری از طرفداران حزب در دادن رأی و تشکیل انجمن یک جانبه چون در بین طبقات با سواد این شهرستان حزب سعادت ملی ایران و شخص آقای محیط رهبر حزب طرفدار زیادی دارد، موقع قرائت آراء از ۱۰۶۷ تعرفه در بین ۱۵ نفر کاندیدان^{۱۳} آقای محیط رهبر حزب با ۱۵۸ رأی نفر ششم شده و حتی از آقایان دیوان بیگی و معتصم حسامی رأی بیشتر داشته است. اینک مراتب برای استحضار از این‌که حزب سعادت ملی ایران به رهبری آقای محیط در کردستان طرفدار زیادی دارد به عرض می‌رسد. ۱۱۴۱ [مورخ] ۱۳/۱۱/۲۱ حزب سعادت ملی ایران، دیانت [مهر]: اداره تلگراف تهران

[حاشیه پایین]: وزارت کشور، بایگانی. ۱۳/۱۱/۲۱

[مهر]: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۳۹۳۹۵

تاریخ: ۱۳/۱۱/۲۱

سند شماره ۱۴۴/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

از: سندج، به: تهران. شماره قبض: ۴۸۵، تعداد کلمه: ۸۹، تاریخ اصل: ۲۲، تاریخ وصول:

۱۳/۱۱/۲۲

تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر، رونوشت جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی،

رونوشت وزارت کشور: دیروز که در سندج اخذ آراء برای انتخابات مجلس شورای ملی شروع شد مأمورین شهربانی و ژاندارمری علناً در شهر و حوزه ۱ و دهات از فعالیت و شرکت کارمندان حزب جلوگیری^۱ و حتی اعلامیه‌های منتشره را توقیف و صریحاً داد می‌زنند کاندید[های] دولت باید انتخاب شود و کارمندان حزب حق شرکت در این امر حیاتی را ندارند. آیا این است معنی انتخابات آزاد. ۱۱۴۲ حزب سعادت ملی ایران.

[مهر:] اداره کل تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] وزارت کشور. بایگانی. ۱۱/۲۴/۳۲/۱۳۳

[مهر:] ورود به دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۳۹۵۱۹

تاریخ: ۱۱/۲۲/۳۲/۱۳۳

[مهر:] بازرسی شد.

سند شماره ۱۴۴/۲

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۳۷، از: کرمانشاه، به: تهران، شماره قبض: ۱۳۷۹، تعداد کلمه: ۱۶۳، تاریخ

اصل: ۳۰، تاریخ وصول: ۱۲/۱/۱۳۳۲

پیشگاه مقدس اعلی حضرت همایونی ارواحنافداه، پیرو معروضه تلگرافی آقای محیط رهبر حزب با این که ایشان به تعهد خود عمل کردند فرماندار کردستان برخلاف تعهد خود تمام آرای حزب را تزییع نمودند و به دروغ سلطان حسین، چهارم قلمداد شد، به علاوه به شهادت دفتر

تلفن^۱ خانه با تیمسار سر تیب مزین صحبت نموده تقاضا نموده ایشان را بازداشت کنند و مانع از مراجعت ایشان به کردستان شوند. سوابق تیمسار مزین با آقای محیط در نظر مبارک روشن است. با این که آقای محیط طبق گواهی پزشکی قانونی قادر به حرکت نبوده ایشان را شبانه جلب و بازداشت کرده اند. پس از دوازده سال خدمت^۲ آقای محیط و دو سال خدمت افراد حزب سعادت ملی ایران مستحق این همه مصیبت نبودند، اگر پاداش نمی‌دهید چرا نان این بدبخت قطع شود. امضای افراد حزب که به اتفاق آقای محیط به کرمانشاهان آمده ایم: دیانت، غلام‌علی ملکسی، عبداللهی، عبدخالق ملکسی، سیدبهاء‌الدین سجادی، مردوخی، عبدالعزیز، احمدنژاد، حبیب‌الله نوبری.

[مهر: اداره کل تلگراف تهران

[حاشیه بالا: برای تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر ارسال شود. ۱۳۳۲/۱۲/۲]

[مهر: بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۹۳

سند شماره ۱۴۴/۳

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۳۹، از: کرمانشاه، به: تهران، شماره قبض: ۱۳۸۲، تعداد کلمه: ۹۶، تاریخ اصل:

۳۰، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۱۲/۸]

پیشگاه مقدس بندگان اعلی حضرت همایونی ارواحنا فداه ساعت ۸ بعد از ظهر شخصی به نام

۲. در اصل: خیانت.

۱. در اصل: تلفون.

ناجی رئیس کارآگاهی و یک نفر دیگر به منزل مسکونی بنده که خانه همشیره زادگان بی‌مادرم می‌باشند آمده با آن‌که جلب شبانه ممنوع است و کتباً به رئیس شهربانی تذکر دادم بنده را جلب کردند. این تلگراف هنگام خروج از منزل نوشته می‌شود که صبح مخابره کنند جان‌نثار نفهمیدم دیگر در کرمانشاه با جان‌نثار چه کار دارند. موکلین بنده [را] کی جواب می‌دهد. کار مردم که خراب می‌شود کی جبران می‌کند. جان‌نثار حبیب‌الله محیط.

[مهر:] اداره کل تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] برای تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر ارسال شود. ۱۳۲/۱۲/۲ [۱۳]

[مهر:] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۹۰

سند شماره ۱۴۵

تلگراف‌های حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) به محمدرضا شاه و سپهبد زاهدی در اعتراض به صدور حکم کمیسیون امنیت اجتماعی کردستان مبنی بر تبعید وی

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۳۶، از: کرمانشاه، به: تهران [شماره قبض: ۱۴۱۹، تعداد کلمه: ۲۸۸، تاریخ اصل: ۳۰، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۱۲/۱]

پیشگاه مقدس بندگان اعلی حضرت همایونی محمدرضا شاه پهلوی ارواحنافداه پیرو معروضات تلگرافی یکی از اعضای کمیسیون امنیت اجتماعی به عبدالحسین صنّعی وکیل دادگستری گفته

دولت دستور داده محیط به تهران تبعید شود، فردا کمیسیون تشکیل خواهد شد و تیمسار مزین اعمال نفوذ می‌کند نظر دولت را عملی خواهند کرد. در تمام مدت نخست‌وزیری تیمسار سپهبد زاهدی جان نثار به صبر و متانت برگزار و سعی نموده خار راه نظریات دولت واقع نشود با این‌که سالار سعید سندی شخصاً کاندید^۱] و دو نفر مؤتلف داشت و هر بافهمی می‌فهمد در این صورت وجود رأی در صندوق به نام سلطان حسین سندی برادر ایشان که با داشتن سمت دبیر دومی سفارت ایران از خارج صرفاً برای کمک برادرش به سندی آمده محال و بلکه مضحک است. برای این‌که جان نثار حتی چهارم نباشم^۱ عده زیادی آراء جان نثار را به دستور فرماندار به نام سلطان حسین خواندند و حقوق حقه جان نثار و حزب را در انتخابات سنا و شورا تضييع کردند. مع‌هذا در قبال تمام این تعديات به نام مصالح عاليه کشور ساکت ماندم. با این همه فداکاری آیا روا و سزاوار است به این صورت جان نثار را بازداشت و بعد هم دولت دستور دهد کمیسیون امنیت اجتماعی تحت تأثیر اعمال نفوذ تیمسار مزین حکم تبعید یا حبس صادر کنند که آبرو و حیثیت جان نثار را در غرب بریزند تا بعد دیگر کسی کار وکالت به جان نثار رجوع نکند. جان نثار چه گناهی کرده که مستحق این همه کیفر است. به سر مبارک مرگ بر این زندگانی ترجیح دارد زیرا دست و مال جان نثار بسته و نمی‌خواهد علیه دولت برگزیده شاهنشاه اقدام تند و جدی و مؤثر نمایند ولی لااقل امر شاهانه شرف‌صدور یابد که تیمسار نخست‌وزیر تا اندازه‌ای رعایت حق و عدالت را بفرمایند. جان نثار حبیب‌الله محیط.

[مهر: اداره کل تلگراف تهران

[حاشیه بالا:] برای تیمسار سپهبد زاهدی نخست‌وزیر ارسال شود. ۳۲/۱۲/۲ [۱۳]

[مهر::] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۹۱

[مهر:] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۹۲

سند شماره ۱۴۵/۱

[شیر و خورشید]

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره کتاب: ۲۱۱۱/۱، از: کرمانشاه، به: [تهران]، شماره قبض: ۶۳۲، تعداد کلمه: ۳۱۰،
تاریخ اصل: ۴، تاریخ وصول: ۱۳۳۲/۱۲/۴ [۱۳]

حضور محترم جناب آقای نخست وزیر، رونوشت جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی، رونوشت توسط دفتر محیط، کانون وکلای دادگستری: پس از آن که نظر خلاف قانون برای صدور رأی به تبعید بنده از کمیسیون امنیت اجتماعی کرمانشاهان به علت نبودن دلیل و موجب قانونی عملی نشده فورمول عجیبی تراشیده‌اند که کمیسیون امنیت کردستان رأی غیابی به تبعید بنده صادر کند. این مطلب هم چون خلاف مقررات قانون کمیسیون امنیت اجتماعی است و مأمورین حقگزار^۱ حاضر نشده‌اند تحت تأثیر بروند و علیه یک عنصر خدمتگزار^۲ و آرامش طلب چنین تصمیم ظالمانه [ای] اتخاذ فرمایند^۳ تا این ساعت در کردستان عملی نشده ولی بدیهی است با این وضعیت بالاخره اگر از کمیسیون امنیت بوشهر و شیراز هم باشد حکمی صادر می‌کنند ولی مستدعی‌ام توجه فرمایید قید کلمه فوراً در مواد ۴، ۵، ۶ قانون کمیسیون امنیت اجتماعی دلیل است بر این که کمیسیون امنیت در مورد متهمی^۴ صالح است که حین ارتکاب دستگیر شده باشد، بنده که اساساً گناهی ندارم اگر آنچه را تراشیده‌اند فرضاً صحیح باشد چون مدتی است در کردستان نیستم و خروج بنده از کردستان در حالی به عمل آمده که به شرح تلگرافات قبل مهمان فرماندار بوده‌ام و با عزت و احترام بدرقه شده و از کرمانشاه به

۱. در اصل: حق گذار.

۲. در اصل: خدمت گذار.

۳. در اصل: فرمائید.

۴. در اصل: متهم.

کرات با فرماندار رابطه تلفنی و تلگرافی داشته‌ام^۱. خیلی مضحک است اگر به استناد قانون کمیسیون امنیت اجتماعی رأی علیه بنده صادر شود. از من می‌گذرد ولی لکه ننگ بر دامن جریان اوضاع خواهد گذارد و بنده نمی‌دانم دولت چه نظری دارد. حبسم کردند، انواع اهانت و اعمال خلاف قانون علیه بنده و دوستانم انجام دادند حق مسلم بنده و حزب را در انتخابات تزییع کردند، همه را به صبر برگزار^۲ نمودم. این نظر آخری خودتان را هم به خودم بگویید بهتر از مأمورین غلاظ و شداد که از قوانین بی‌اطلاع بوده و هیچ چیز بلد نیستند انجام خواهم داد، مع‌هذا بسته به نظر عالی است. حبیب‌الله محیط.

[مهر:] اداره کل تلگراف تهران

[حاشیه پایین:] علاء.

[مهر:] ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۹۰۷۲

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۲/۱۲

سند شماره ۱۴۶

مکاتبة حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با نخست وزیر در تکذیب اتهام وارده به وی و هوادارانش و درخواست رفع مزاحمت از وی برای مراجعه به کردستان

حبیب‌الله محیط
وکیل دادگستری

لاله‌زار، کوچه ممتاز، تلفن ۳۵۳۲۹
نشانی تلگرافی: تهران محیط
تاریخ: ۱۳۳۲/۱۲/۲۳

حضور محترم تیمسار سپهبد زاهدی نخست وزیر ایران
محترماً به عرض عالی می‌رساند چون تصور می‌رود در نتیجه انتخابات در کردستان تا اندازه

۲. در اصل: برگذار.

۱. در اصل: و داشته‌ام.

زیادی حقایق در نظر محترم روشن شده باشد که آنچه مخالفین عرض کرده بودند خلاف واقع و بنده و طرفدارانم مخالف دولت تیمسار نبوده و با نظریات تیمسار معارضه و مخالفتی نداشته بلکه مؤید تیمسار بوده‌ایم. در این موقع که انتخابات کردستان خاتمه یافته چون برای انجام وظیفه وکالتی نسبت به پرونده‌های عدیده ناچارم به کردستان و کرمانشاهان بروم استدعا دارم دستور فرمایید مأمورین مزاحم نشوند.

با تقدیم احترامات فائقه

حبیب‌الله محیط - وکیل دادگستری

[امضا]

[۱۳۳۲/۱۲/۲۳]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. [۱۳۳۲/۱۲/۲۶]

[حاشیه پایین، دوم: ضمیمه شد. [۱۳۳۲/۱۲/۲۶]

[حاشیه پایین، سوم: این نامه امروز از باشگاه رسیده است. نژادی [امضا] [۱۳۳۲/۱۲/۲۶]

[حاشیه پایین، چهارم: آقای [اکبر] اعتماد با بررسی بسته که پیوست شده خلاصه [ای] از آن

را تهیه نمایند. [امضا: ناخوانا] [۱۳۳۳/۱/۴]

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۱۳۳۲/۱۲/۲۴

شماره: ۴۱۹۱۹

[مهر: بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۰۶

سند شماره ۱۴۶/۱

[شیر و خورشید]

نخست‌وزیر

به عرض برسد:

به طوری که از پرونده امر حاکی است بعد از وقایع ۲۸ مرداد آقای محیط شرحی دایره به

پشتیبانی از جناب آقای نخست‌وزیر و شکایت از فرماندار کردستان و آصف و سندجی تقدیم داشته، پس از ارجاع به وزارت کشور پاسخی رسیده که چون حزب سعادت ملی فعالیت مضره داشته نظر کمیسیون امنیت اجتماعی بر این است که این حزب بسته شود. ضمناً خود آقای محیط نیز به موجب ماده ۵ حکومت نظامی بازداشت و سپس آزاد گردیده و فرمانداری نظامی جهت اتخاذ تصمیم نسبت به اعمال گذشته مشارالیه اعلام نظر نموده که مقرر شده است با مراجعه [به] پرونده کردستان نامبرده اقدام شود و از این پس آقای محیط چه شخصاً و چه [به] وسیله دفتر مخصوص و وزارت دربار شاهنشاهی تقاضاهایی برای رسیدگی به وضع خود و این‌که بنا به دستور فرمانداری نظامی حق خروج از حوزه قضایی تهران را ندارد نموده ولی چون وجود او مضر تشخیص داده شده موفق به عزیمت بکردستان نشده تا این‌که برخلاف دستور صادره غفلتاً وارد کردستان شده و سه روز بعد تلگرافاتی علیه او به مرکز مخابره گردیده که از طریق شهربانی کل دستگیر و به تهران اعزام می‌شود. پس از رفع بازداشت، نامبرده مجدداً تقاضا می‌کند اجازه داده شود به کردستان برود ولی وزارت کشور جواباً اعلام داشته که طبق نظر کمیسیون امنیت اجتماعی آقای محیط محکوم به شش ماه تبعید اجباری در تهران شده است. ضمناً بنا به توضیحات وزارت کشور فرمانده لشکر کردستان نیز از نامبرده حمایت می‌نموده که در این مورد از ستاد ارتش توضیح خواسته شده که هنوز پاسخ آن نرسیده و پس از پاسخ قطعی وزارت کشور و نظریه کمیسیون امنیت اجتماعی در مورد تبعید اجباری آقای محیط تلگراف و نامه‌هایی از طریق دفتر مخصوص و وزارت دربار شاهنشاهی مبنی بر رسیدگی به موضوع واصل شده که به وزارت کشور ارجاع گردیده که آخرین نامه را در تاریخ ۱۳/۳۲/۱۲/۲۳ مستقیماً تقدیم داشته است.

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه راست:] آقای کسرائی بررسی دقیق نموده مذاکره نماید. ۱۳/۳۳/۱/۹

[مهر:] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۰۷

سند شماره ۱۴۷

مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با سپهبد زاهدی
(نخست وزیر) در اعتراض به صدور حکم کمیسیون امنیت اجتماعی کردستان و
درخواست رسیدگی مجدد

لاله زار، کوچه ممتاز، تلفن ۳۵۳۲۹ حبیب‌الله محیط
نشانی تلگرافی: تهران محیط
تاریخ: ۱۳۳۳/۱/۲۵
وکیل دادگستری

حضور محترم جناب آقای نخست وزیر ایران

محترماً عرض می‌دارد: در این موقع که انتخابات تمام شده و خلاف تمام سعایت‌هایی که در حق بنده شده بعنوان این‌که مخالف شاهنشاه و دولت است ثابت گردیده و امروز هیچ نظری جز اعاشه و انجام امور قضایی مردم ندارم. عذر می‌تراشند که محیط طبق حکم کمیسیون امنیت کردستان محکوم به تبعید است و نمی‌تواند از تهران خارج شود در صورتی که چند روز قبل بنده با اجازه سرپرست محترم وزارت کشور به کرمانشاه رفته‌ام و دیشب مراجعت کرده‌ام و کسی مزاحم بنده نشده است.

البته روز ۲۹ بهمن کمیسیون امنیت کرمانشاه حکمی علیه بنده صادر کرد ولی آن حکم در دادگاه فسخ شد و بنده آزاد شدم و به تهران آمدم و اخیراً شنیده‌ام در حالی که بنده در تهران بوده‌ام کمیسیون امنیت کردستان حکم غیابی علیه بنده صادر کرده که با هیچ قاعده و قانونی مطابقت ندارد زیرا شرط رسیدگی کمیسیون این است که متهم حین ارتکاب دستگیر و در حال بازداشت حکم صادر شود. لهذا بنده احتیاطاً پژوهش دادم حالا در مرحله پژوهش بعنوان این‌که محیط مغضوب شاهنشاه و دولت است اعمال نفوذ می‌کنند که این حکم استوار شود.

استدعا دارم اگر نظر سوئی دولت نسبت به بنده دارد به خودم بفرمایید و اگر نظری ندارید و به وزارت دادگستری مرقوم فرمایید پرونده امر را که شماره آن ۳۵/۳۳ می‌باشد از دادگاه

استان پنج بخواهند و اگر دیدند گناهی ندارم رسیدگی و تصفیه به دادگاه استان تهران ارجاع شود.

با تقدیم احترامات فائقه
[امضا: حبیب‌الله محیط
۱۳۳۳/۱/۲۵]

سند شماره ۱۴۸

مکاتبه حبیب‌الله محیط (رهبر حزب سعادت ملی) با دربار شاهنشاهی درباره
عدم رسیدگی دادگاه به اعتراضات وی

[تاج پهلوی]
دربار شاهنشاهی

مورخه: ۱۳۳۳/۲/۱۸

رونوشت: تلگراف از همدان

شماره: ۱۳۱۴

حضور محترم جناب آقای علاء وزیر دربار شاهنشاهی، رونوشت جناب آقای اخوی وزیر محترم دادگستری، رونوشت توسط دفتر محیط کانون وکلای دادگستری تهران: چون روز ۱۵ اردیبهشت در کردستان محاکمه داشتم و تیمسار سپهد آق‌اولی هم در سنندج بودند، سنندج رفتم تا حالا که آصف سناتور می‌شود بین تمام طبقات رفع اختلاف کنم. روز ۱۴ اردیبهشت احمد کمانگر در روزنامه سنندج بنده را دروغگو معرفی لذا پس از شرفیابی حضور تیمسار آق‌اولی از سنندج خارج شدم. چون لازم بود لایحه‌ای به آقای صهبا داده شود به کرمانشاه رفته بلافاصله همدان آمدم تا باز از حیث اقامت در کرمانشاه متهم نشوم. امروز [به] تهران حرکت می‌کنم ولی به طوری که به تیمسار آق‌اولی هم عرض شد باید به مدارک بنده که به دادگاه استان پنج داده‌ام رسیدگی شود زیرا دادگاه استان به اعتراضات بنده از لحاظ ماهیت رسیدگی نکرده و حکم را از حیث شکل فسخ کرده، علت این است که جناب آقای صهبا

دادستان استان پنج در دوره حکومت جناب دکتر مصدق تحت تأثیر القای شبهه علیه بنده و حزب گزارش داده، لذا به احترام این مرد طی لایحه [ای] تقاضای رسیدگی شکلی هم علاوه از رسیدگی ماهوی کرده‌ام. دادگاه هم بنابه تقاضای بنده و دادستان^۱ استان به احترام تیمسار سرلشکر مزینی به ماهیت رسیدگی نکرد. اینک که روزنامه سنندج بنده را دروغگو معرفی کرده، شبیه تهران شرفیاب می‌شوم. شخص جناب آقای وزیر دادگستری به این پرونده رسیدگی فرمایند. درست است بنده ناتوان و ضعیف هستم ولی به آستان شاهنشاه دروغ نمی‌گویم مخالفین بنده متنفذ و پولدار دروغگو هستند، وکیل دادگستری امروز و نماینده مجلس آینده از کردستان حبیب‌الله محیط. اگر^۲ امر فرمایید حاضرم از وکالت در حوزه قضایی غرب اساساً دست بردارم، محیط.

[مهر:] بایگانی دفتر نخست‌وزیر

شماره: ۱۱۳

سند شماره ۱۴۹

گزارش فرماندرای کل کردستان به وزارت کشور در مورد تعطیلی فعالیت‌های حزب سعادت ملی

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره انتظامات

شماره: ۳۵۰/م

تاریخ: ۱۳۳۳/۱۱/۱۶

وزارت کشور - اداره انتظامات

عطف به شماره ۸۴۱۶۲/۲۴۸۶۶ [مورخ] ۱۳/۳۳/۱۰/۲۸ [۱۳] از چندی قبل به این طرف حزب

مزبور تعطیل و آقای حبیب‌الله محیط رهبر حزب مذکور نیز در تهران مقیم است. در چندماه اخیر دو سه بار مشارالیه به منظور شرکت در محاکمه دادگستری به کردستان وارد پس از انجام کار خود به تهران مراجعت نموده. نسبت به آرامش منطقه و استقرار نیرو و انتظامات دستورهای مقتضی به ادارات شهربانی و ژاندارمری صادر گردیده است و با اجرای مراقبت‌های لازم امنیت کامل برقرار است.

فرماندار کل

دادور

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۵۰

مکاتبات وزارت کشور با نخست‌وزیری در مورد فعالیت‌های مجدد حزب سعادت ملی در کردستان

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

شماره: م/۹۸۸۸

تاریخ: ۱۳۳۷/۹/۳

محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً رونوشت گزار شماره ۱۰۲۸/م [مورخ] ۳۷/۸/۲۲ [استانداری کردستان در مورد فعالیت مجدد حزب سعادت ملی کردستان جهت استحضار خاطر عالی لفاً تقدیم می‌گردد.

وزیر کشور

[امضا: نادر باتمانقلیچ]

گیرندگان: سازمان اطلاعات و امنیت کشور، شهربانی کل کشور

[حاشیه پایین: ملاحظه شد.] [۱۳۳۷]/۹/۲۷

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست وزیر

شماره: ۵۳۲۳/۴

تاریخ: [۱۳]۳۷/۹/۵

سند شماره ۱۵-۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

[تاریخ: ۱۳۳۷/۸/۲۲

[شماره: ۱۰۲۸/م

محرمانه - مستقیم

وزارت کشور - اداره سیاسی

شهربانی کردستان طی شماره ۵/۴۱۴۶ [مورخ] [۱۳]۳۷/۸/۲۱ گزارش نمود در شب [۱۳]۳۷/۸/۱۹ جمعی از سران و افراد حزب سابق سعادت ملی در منزل آقای سیدعلی مجد سجادی اجتماع نموده و در باب احیای حزب مذکور مذاکراتی به عمل آورده و آقای حبیب الله محیط رهبر حزب سعادت ملی به آقای سیدعبدالمجید مجد سجادی که سمت مستشاری دادگاهها [را] در مرکز دارد و هفته گذشته به سنندج بعنوان سرکشی مراجعت نموده بود مذاکره و سفارش نموده است که دوباره حزب مزبور را تشکیل دهند و ممکن است حزب و جمعیت مزبور به نام دیگری نامیده شود، چون وضعیت فعلی به هیچ وجه ایجاب نمی کند این قبیل احزاب و دستجات و اشخاص که یادگار خوبی از گذشته ندارند فعالیت هایی داشته باشند به سازمان اطلاعات و امنیت و اداره شهربانی کردستان دستور اکید داده شد مراقب اعمال و رفتار آنها بوده و از هرگونه عملیات خلاف قانون شدیداً جلوگیری نمایند. مراتب برای استحضار گزارش گردید.

استاندار کردستان

نورافشار

سند شماره ۱۵۰/۲

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره سیاسی

شماره: ۱۰۵۵۱/س

محرمانه

تاریخ: ۱۳۳۷/۱۰/۲

ضمیمه: دارد، ۱۱۰۴۶

مقام نخست‌وزیری

پیرو نامه شماره ۹۸۸۸ [مورخ] ۱۳۳۷/۹/۳ [۱] راجع به فعالیت مجدد حزب سعادت ملی کردستان، اینک رونوشت گزارش شماره ۵/۶۹۳۳۴ ز [مورخ] ۱۳۳۷/۹/۱۵ [۱۳] شهربانی کل کشور جهت استحضار به ضمیمه تقدیم می‌گردد.

از طرف وزیر کشور

[حاشیه پایین: ملاحظه. امضا: ناخوانا] ۱۳۳۷/۱۰/۶ [۱۳]

[مهر: ورود به دفتر محرمانه نخست‌وزیر

شماره: ۶۱۸۸/۴

تاریخ: ۱۳۳۷/۱۰/۶ [۱۳]

سند شماره ۱۵۰/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۶۹۳۳۴

محرمانه

رونوشت نامه

مورخه: ۱۳۳۷/۹/۱۵ [۱۳]

ضمیمه: دارد، ۱۱۰۴۶

وزارت کشور

محترماً عطف به مرقومه شماره ۹۸۸۸ م/ [مورخ] ۱۳۳۷/۹/۳ درمورد فعالیت مجدد حزب

سعادت ملی کردستان به استحضار می‌رساند شهربانی سنندج گزارش می‌دهد مراتب به نحوی است که بموقع [به] وسیله آن شهربانی به استانداری استان کردستان گزارش گردیده، ضمناً اضافه می‌نماید از طرف متصدیان امر جلسه دیگری تشکیل نشده و مراقبت همچنان ادامه دارد.

از طرف رئیس شهربانی کل کشور
سرهنگ میر نصیری

رونوشت برابر اصل است. [امضا: ناخوانا]

سند شماره ۱۵۱

مکاتبات وزارت کشور با نخست وزیری در مورد شکایت صالح مرادپناه و عده‌ای از اهالی کردستان علیه حبیب‌الله محیط و عبدالمجید سجادی (رهبران حزب سعادت ملی) به خاطر ایجاد اختلاف میان رعایا و ملاکین

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره کل انتظامات

شماره: ۸۵۰۴/ن

تاریخ: ۱۳۳۸/۴/۲۲

ضمیمه: دارد، ۳۴۶۷۶

مقام نخست‌وزیری

عطف به مرقومه شماره ۲۵۶۴۳ [مورخ] ۱۳۳۷/۱۲/۹ [۱۳] موضوع مشروحه آقای صالح

۱. در اصل: ۱۳۳۸/۱۲/۹ [۱۳] می‌باشد که با توجه به تاریخ ورود نامه به دفتر و مکاتبات بعدی اشتباه تشخیص داده شد و

مرادپناه^۱ اینک رونوشت گزارش شماره ۶۱۸/م [مورخ] ۱۳/۳۸/۴/۵ [استانداری کردستان با عین مرجوعه جهت استحضار به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

وزیر کشور

[امضا: رحمت اتابکی]

[حاشیه پایین، اول: سابقه. ۱۳۳۸/۴/۳۰]

[حاشیه پایین، دوم: پیوست شد. ۱۳۳۸/۴/۳۱]

[حاشیه پایین، سوم: مربوط به اداره امور است به نظر آقای خاقانی برسد که خودشان هر طور

مقتضی است اقدام فرمایند. ۱۳۳۸/۵/۴]

[حاشیه پایین، چهارم: جناب آقای دکتر کیهان.

[حاشیه بالا: به عرض برسد. ۱۳۳۸/۵/۳]

[حاشیه بالا، دوم: حضرت آقای مهجور. ۱۳۳۸/۵/۴]

[مهر: ورود به دفتر نخست وزیر

شماره: ۹۴۹۰

تاریخ: ۱۳۳۹/۵/۱۰]

[مهر: بازرسی شد.

سند شماره ۱۵۱/۱

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

[شماره: ۶۱۸/م]

[تاریخ: ۱۳/۳۸/۴/۵]

وزارت کشور، اداره کل انتظامات

عطف به شماره ۱۰۰۳۹۱/۲۸۳۶۲ [مورخ] ۱۳۳۸/۱/۲۳ [با اعاده عین مشروحه مورخه

۱. در اصل: مرادپناه؛ اصلاح در همه موارد.

۲۹/۱۰/۳۷/۱۳] آقای صالح مرادپناه دایر به شکایت از عملیات آقایان سجادی و حبیب‌الله محیط به استحضار می‌رساند: طبق گزارش شهرداری استان و هنگ ژاندارمری کردستان آقای محیط رهبر و آقای عبدالمجید مجد سجادی معاون حزب سعادت بوده‌اند که حزب مزبور به علت ایجاد تشنج و اختلال در نظم منطقه تعطیل گردیده و آقای محیط در تاریخ ۶/۱۲/۳۲ [۱۳] برابر رأی کمیسیون امنیت اجتماعی به شش ماه اقامت اجباری در تهران محکوم گردیده است و مضافاً بر این که هنگ ژاندارمری در گزارش ارسالی اعلام داشته دو نفر نامبرده که حزب سعادت را رهبری می‌کرده‌اند با دادن کارت مخصوص، رعایا و کشاورزان را در دهات برای دخول به حزب مزبور هدایت می‌نمودند. به طوری که رعایا را بر علیه مالکین شورانیده و اغتشاش در منطقه کردستان ایجاد نمودند که اگر قوای ارتش و ژاندارمری مداخله نمی‌کرد خطر کمونیستی ایجاد می‌شد. از طرفی سازمان اطلاعات و امنیت کردستان در نامه [ای] که طی شماره ۱۲۵۵/ک/۱۲ [مورخ] ۵/۳/۱۳۳۸ ارسال داشته نوشته است طبق سوابق موجوده در ۱۴ آذرماه ۱۳۳۰ حزبی به نام حزب سعادت ملی کردستان تأسیس یافته که رهبری آن به عهده آقای حبیب‌الله محیط و معاونت حزب به عهده آقای سیدعبدالمجید^۱ مجد سجادی که شعار و آرم آن (خدا، شاه، میهن) بوده به منظور انتخابات و ازدیاد سهم کشاورزان تشکیل گردیده و تا قبل از روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ مرداد از طرفداران جدی ارتش و مقام سلطنت بودند لیکن ۲۵/۵/۳۲ [۱۳] تلگرافی درمورد کودتای شب ۲۵ مرداد مبنی بر پشتیبانی از دولت دکتر مصدق به امضای آقای محیط مخابره و به صورت بیانیه در صبح ۲۵/۵/۳۲ [۱۳] پخش و جوابی که به حزب نیز داده شده بود آن هم به صورت بیانیه در صبح ۲۸/۵/۳۲ [۱۳] پخش و تا بعد از ظهر ۲۸ مرداد برای مجازات افسران گارد شاهنشاهی در تلگرافخانه متحصن بوده است.

استاندار کردستان

سرتیپ امین آزاد

رونوشت برابر اصل است. [مضا: ناخوانا] ۲۱/۴/۳۸ [۱۳]

سند شماره ۱۵۱/۲

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

[تاریخ: ۱۳/۳۸/۵/۱۰]

شماره عمومی: ۹۴۹۰

وزارت کشور

بازگشت به نامه شماره ۸۵۰۴/ن/۳۴۶۷۶ [مورخ] ۱۳۳۸/۴/۲۲، موضوع مشروحه آقای صالح مرادپناه و عده [ای] دیگر از اهالی کردستان اشعار می‌گردد که رونوشت گزارش استاندار حاکی از عملیات گذشته آقایان سجادی و حبیب‌الله محیط می‌باشد.

دستور فرماید در مورد مندرجات مشروحه مزبور که به ضمیمه ارسال می‌گردد اقدام لازم معمول و نتیجه را اعلام دارند.

[از طرف] نخست وزیر

[امضا: مسعود فروغی]

[مهر:] صادر شود.

سند شماره ۱۵۱/۳

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

اداره کل انتظامات

تاریخ: ۱۳۳۸/۶/۲۴

پیوست: دارد

شماره: ۷/۱۴۲۲۸ ن

مقام نخست وزیری

عطف به مرقومه شماره ۹۴۹۰ [مورخ] ۳۸/۵/۱۰ متضمن مشروحه آقای صالح مرادپناه و

عده [ای] دیگر از اهالی کردستان، اینک رونوشت گزارش شماره ۱۱۲۶ م [مورخ] ۳۸/۶/۸ [۱۳] استانداری کردستان به انضمام عین مرجوعه جهت^۱ استحضار به ضمیمه ایفاد می‌گردد.

از طرف وزیر کشور

[امضا: ناخوانا]

[حاشیه پایین، اول: اداره امور، سابقه. ۳۳۸/۶/۲۸]

[حاشیه پایین، دوم: در موقع ثبت مرجوعه ضمیمه شود.

[مهر: ورود به دفتر نخست‌وزیر

تاریخ: ۳۸/۶/۲۷ [۱۳]

شماره: ۱۳۳۹۰

[مهر: بازرسی شد.

سند شماره ۱۵۱/ع

[شیر و خورشید]

وزارت کشور

شماره: ۱۱۲۶ م

مورخه: ۳۸/۶/۸ [۱۳]

وزارت کشور - اداره کل انتظامات

عطف به نامه^۲ شماره ۱۱۵۸۸ ن/۲۱-۴۶۰ [مورخ] ۳۸/۵/۲۵ [۱۳] آقای صالح مرادپناه و سایر امضاکنندگان در دادخواست تقدیمی منظور و مقصود خود را روشن و واضح بیان نکرده‌اند و برای این استانداری معلوم نیست آقایان حبیب‌الله محیط و سجادی چه تلگرافی مخابره کرده‌اند و نحوه اظهارنظر و یا حق‌گویی‌های مدیر روزنامه سحر درباره آنها چیست و

۱. در اصل: چته.

۲. در اصل: بنا.

استانداری باید چه مواردی را رسیدگی کند؟ اگر منظور از عملیات گذشته دو نفر فوق‌الذکر در دوران حزب منحلۀ سعادت ملی است که قسمتی از رفتار و اعمال آنها طی شماره ۶۱۸/م [مورخ] ۱۳۳۸/۴/۵ به استحضار رسانیده شده است و اگر موارد دیگری هست که استانداری باید بررسی و اظهارنظر کند تصریحاً اعلام فرمایند تا اقدام مقتضی معمول شود. اینک عین دادخواست به پیوست ایفاد می‌گردد.

استاندار کردستان

سرتیپ امین آزاد

رونوشت برابر اصل است. [امضا] ۳۸/۶/۲۳ [۱۳]

سند شماره ۱۵۱/۵

[تاریخ:] ۱۳۳۷/۱۰/۲۶

مقام معظم جناب آقای نخست‌وزیر محبوب ایران

احتراماً با توجه خاصی [که] به اعلام حق‌گویی جناب آقای سلیمان انوشیروانی مدیر محترم روزنامه سحر که سوابق شاهدوستی و میهن‌پرستی وی اظهر من الشمس است که برای روشن نمودن اذهان عمومی از عملیات و تلگرافات خلاف و پلید و ماجراجویانه آقایان حبیب‌الله محیط و سجادی با شهادت پرورنده در روزهای ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ مرداد ماه ۳۲ که آنچه نشاید و نباید خلاف مظهر مقدس اسلامیت و ایرانیت و شرافت بود انجام دادند و علناً پشت پا به قانون اساسی و مرام مقدس ناسیونالیسم زده و همیشه مدام در مخیله خود همان مرام کثیف و پلید بیگانه‌پرستی را می‌پروراندند. در صورتی که توجه خاصی به سوابق انحراف از جاده ایرانیت آنان بشود معلوم و تأیید خواهند فرمود و حال که به گمان خود سرپوشی روی اعمال وقیحانه خود گذاشته‌اند آقای محیط [به] وسیله موکلین خود با مخابره نمودن تلگرافات خالی از حقیقت و کذب از...^۱ می‌خواهد آقای انوشیروانی را مرعوب و در نظر قاطبه اهالی علیه

۱. یک کلمه خوانده نشد.

حق‌گویی‌های مشارالیه اقدام نماید. علی‌هذا استدعا دارد دولت حق‌گویی‌های مدیر محترم روزنامه سحر را که محبوب نظر خاص و عام ساکنین کردستان می‌باشد و در هر موقع و زمان شاهدوستی خود را به اثبات رسانیده است مورد توجه و تشویق قرار داده و توجه عمیقی به کردار و اعمال پلیدانه آقای مجد سجادی فرموده و انتصاب سجادی معلوم‌الحال خانگی [!] نهایت موجب تأثر و جریحه‌دار ساختن قلب قاطبه مردم شاهدوست و میهن‌پرست کردستان گردیده است.

با تقدیم احترام

عارف شهابی

[امضا]

حسن علوی

[امضا]

رشید کلاکی

[امضا]

صالح مرادپناه

[امضا]

محمد احمدی

[امضا]

صالح شریفی‌زاده

[امضا]

[حاشیه پایین، اول:]: اگر سابقه‌ای دارد ضمیمه شود. ۱۳۳۷/۱۱/۱۴

[حاشیه پایین، دوم:]: در دفتر بازرسی سابقه ندارد. ۱۱/۱۴

[حاشیه پایین، سوم:]: سابقه ندارد. ۱۱/۱۵

[حاشیه پایین، چهارم:]: چون موضوع معلوم نیست بایگانی شود. ۱۳۳۷/۱۱/۲۸

[مهر:]: بازرسی کل نخست‌وزیر

شماره: ۳۳۴۵۷

تاریخ: ۱۳۳۷/۱۱/۱۲

سند شماره ۱۵۱/۶

[شیر و خورشید]

نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۳۸/۶/۳۰ [۱۳]

شماره: ۱۳۳۹۰

وزارت کشور

بازگشت به نامه شماره ۷/۱۴۲۲۸ن [مورخ] [۱۳]۳۸/۶/۲۴ موضوع مشروحه آقای صالح مراد پناه اشعار می گردد. چون مشروحه مورد بحث عیناً ارسال گردیده و سابقه از مندرجات آن در پرونده امر نیست، اظهار نظر نسبت به رسیدگی استانداری مقدور نخواهد بود، ولی آنچه مسلم است در گزارش قبلی شرحی از عملیات سالهای گذشته آقایان سجادی و محیط نوشته شده، علی هذا دستور فرمایند چنانچه دسترسی به نویسنده نامه هست نامبرده را احضار و توضیح کافی خواسته و در غیر این صورت با توجه به مندرجات شکوائیه تحقیقات لازم معمول و با احاطه کاملی که به وضع محل دارد نظریه خود را در مورد مفاد گزارش و نویسنده آن اعلام دارند.

نخست وزیر

تصویر نمونہ اسناد

سند شماره ۳

حزب ایران

تاریخ ۱۳۲۲
شماره

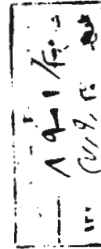
مهر گنجینه اسناد وزارت کشور

جناب آقای نخست وزیر

منظور از تقدیم این نامه امتحان خاطر عالی به معائب امراء بی پناه ایرانی است که بجهت همین پرستی و بهره‌یز کاری در کوشه و کار ایران شهبانه روز بتازمانه سیاست و - معنویت گرفتارند .

امراء حزب ایران در کر چندین سال است که بسبب مبارزه با دستگاه چهارول آن شهرستان با انواع مصائب و محن مبتلی هستند دشمنان حریت و تقوی بوساطت مختلف همیشه - بازار آنها پرداخته اند . در آن ایام که نیروی بهنگانگان در ایران بود همان امراء ی که وجود حزب ایران را مزاحم خود میدانستند امراء حزب را نزد مقامات نظامی خارجی مائست - قلمداد کرده باین بهانه خانه های آنها را غارت و بده ای را نیز بزند ان افکندند پس از تخییر اوضاع دیگر اتهام مائست برای پرونده سازی معید نبود لذا اعنایین جدید از قبیل کونیهست جاقوکش و امثال آن را یانسته در این زمینه برای امراء حزب یک سلسله اتهامات بوج که کذب - محض و دروغ صرف است اختراع و بانگه بآنها پرونده هائی ساخته اند .

از ششماه قبل تجری مخرضین مسند بجائی رسیده که آقای ابوالفضل قاسمی در بیر سابق درگر حزب ایران را که نزد تمام مردم آن شهرستان بوطن پرستی و تقوی شناخته شد ماست ندید ا در مضیقه گذاشته و بنا بر تلگراف شکایتی که در تاریخ ۱۸ / ۸ / ۲۷ واصل و از طرف عده - بسیاری از اهالی درگرا امضا شده بود اطلاع حاصل کرده بد که شهرتانی در گرد بد ستون بخشداری پنجسال تبعید آقای قاسمی را بایشان نشاها ابلاغ و ویرا ملزم بحرکت کرده است پس از حرکت - مشارالیه بمشهد و مراجعه باستانداری حکم تبعید پنجسال بسد ماه بازداشت تبدیل و برای - تصعب وزارت کشور بتهران ارسال میگردد مشارالیه برای تظلم در تهران وزارت کشور رجوع میکند و باراهنشائی و کک هائی که از طرف حزب ایران و آقای مگم نماینده محترم مجلس بمحل آمدند پس از حصول اطمینان ایشان بمشهد مراجعت کردند ولی بعد از ورود بمشهد پس از چهل روز آوارگی بنا بر نامه مورخ ۱۲ / ۹ / ۱۳۲۲ آقای قاسمی در تاریخ ۱۰ / ۹ / ۱۳۲۲ بدون ابلاغ حکم قبلی بانگه دستور آقای اسدی فرماندار مشهد از طرف شهرتانی جلب و بازداشت شده اند .



نمونه اسناد وزارت کشور

حزب ایران

تاریخ..... ۱۳۲۰

شماره.....

-۲-

جناب آقای نخست وزیر - آقای قاسمی از افراد بسیار شریف و نجیب ایرانند
 و اساساً ظن شرارت در باره ایشان غیر قابل تصور است و علاوه بر اینکه اتهام
 دیگری از قبیل تبلیغ کمونیسم و امثال آن بوسیله وی که عضو حزب ایران است -
 محقول نیست بنا بر این یقین حاصل است که کرم تاری ایشان مبنائی جز القاب
 شبهه و اعمال غرض ندارد تنی میشود مقرر نمایند وزارت کشور برای استخلاص
 آقای قاسمی اوامر اکیده مورا صادر نماید و ضمناً پرونده امر بوسیله عناصر فرس
 مضر و مورد اطمینان آن جناب مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد .
 با اطمینان کاملی که بروج عدالت گستر آن جناب حاصل است امید -
 است بشرح فوق عنایت نموده با استخلاص آقای قاسمی مضرین مفسد را مرعوب -
 و قانون و عدالت را تقویت نمایند -

جاوید باد ایران

دبیر کمیته مرکزی



۲۹،۲۲

سند شماره ۴۹

حزب ایران
کمیته مرکزی

تاریخ ۲۲/۷/۳۳
شماره ۱۱۶۶

جناب آقای نخست وزیر
تقاضای اهالی قریه قلات فارس که باسم آنجناب بوده و رونوشتی
از آن بحزب رسیده است تقدیم میدارد.
با علم بمراعات علاقه آنجناب بیهیود وضع کثا ورزان تقاضا دارد که
دستور فرمائید رسیدگی کامل بوضع شکایت کنندگان بعمل آید و
هما نظوریکه شایسته دوران زمامداری آنجناب است احقاق حق بشود.
با تقدیم احترامات فائده
جاوید باد ایران

دبیر کل حزب ایران - مهندس احمد زهون زاده

۱۱

درود بپایا

حزب ایران - اصل طومار
تاریخ ۲۲/۷/۳۳

۲۱/۷/۳۳

اصل طومار
بجایگاه فرستاده

۲۲/۷

- ۱- اصل طومار در جهت دست دوم
- ۲- شرحی است که در روز ۲۲/۷/۳۳ در کمیته مرکزی حزب ایران
- ۳- در روز ۲۲/۷/۳۳ در کمیته مرکزی حزب ایران



سند شماره ۵۲

تاریخ ۴/۱۲/۴۱
 شماره ۱۲

حزب ایران
 کمیته مرکزی

جناب آقای نخست وزیر

به پیوست تالگرافی که اصل آن به‌تعالی بآن جناب است تقدیم
 می‌دارد. اهالی شهره‌آشن و طرفداران حزب ایران مقیم آن شهر
 مراتب پشتیبانی خود را از تصمیمات آن جناب مثل همین سه اعزام
 کرده‌اند.

جاوید با داد ایران

با تقدیم احترامات فائده

ل

محمد باقر
 ۴/۱۲/۴۱

سند شماره ۵۲/۱

حزب ایران

وزیر فرهنگ و معارف
وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۱۳۰۷/۱۶

تاریخ
شماره
پیوست

جناب آقای دکتر محمد حسن آشتی وزیر بزرگوار

با کمال احترام به عرض می‌آید که چون در نتیجه مناسبت های جشنی که پذیرفته و بر گرفته
پیرایه برجسته شدن باطن شرف سابق نفت با گناه هم آن عزیز طایفه شایسته
بر چه به شرف و بگفت بازگماند ایران آنرا خریدار نموده است و کاش می‌توانست آن
افزون (با کمال تشکر در ایران و خداوند) تقوی می‌نماید به بنویسید و به وزیر مبارک
همیشه بنام خود در دست تقدیر که شهادت زبور بنام یک سند تاریخی بود
موزه ایران باستان منطبقاً با آنرا میسر به آنده چه لایحه قابل توجه در ایران بوده (با کمال
و تقدیر آن مناسبت وزیر محترم باطن آن بر جمع شرف و ملت ایران از شرف آن

نجات یافته است . با تقدیم احترامات فائده . تجدید یاد در ایران

عبدالجبار احمدی

۱۱
۱۳۰۷/۱۶

ع

۲۱۹
۱۷/۷/۳۰

آدرس - حزب ایران
سبزه - ۱۰

سند شماره ۱۰۲

اول بهمن ماه ۱۳۳۵

اعلامیه حزب ایران

کمیته مرکزی حزب ایران در بیانات رئیس‌جمهور ممالک متحده آمریکای شمالی در ضمن پیام‌های پنجم و دهم ژانویه ۱۹۵۲ بکنگره آنکتور مطالعات دقیق نموده و از لحاظ اینکه مفاد و روح این دو پیام را بر سر سند «امپریالیسم» و «کلنیالیسم» و موافق با احترام حقوق بشر و آزادی افراد و استقلال ملل در اداره امور خود و تقویت وطن‌پرستی و تقوی تشبیه داده‌ام خاصه که پیام مذکور پیرا از انحاء سیاست مستقل و مساعد در سوله حمله بصر ایراد شده‌ام اصولاً خوشبین است و از جنبه واقع‌بینی نیز آنها را با اصول سیاست داخلی خود کس عبارت است از :

الف - اجرای قانون اساسی و متمم آن *

ب - اجرای اعلامیه حقوق بشر و احترام با آزادی و حقوق و امنیت قضایی ملت ایران *

ج - متابعت از اصول پارلمانی و دموکراسی و تدفین حکومت مردم بر مردم *

د - ریشه کن کردن فقر و رشوه خواری و نادرستی *

و با اصول سیاست خارجی خود که عبارت است از :

الف - متابعت از منشور ملل متحد *

ب - احترام عمود و بیجانهای موجود *

ج - مبارزه با کمونیسم *

د - همکاری نزدیک با ملل اسلامی و آسیائی *

ه - جانبداری از ملل محروم و مظلوم جهان *

و - نوع دوستی و همکاری بین‌المللی * منطبق می‌آند *

حزب ایران قویاً متصد است که از بین یقین عدم رضایتها - احترام حقیقی با آزادی و حقوق و امنیت

قضایی - حکومت قانون و شرکت مردم در اداره امور کشور خود مهمترین عامل اصلی و اساسی برای مبارزه با نفوذ

کمونیسم و موجب پیشرفت تجدد و ترقی می‌باشد *

جاوید بساد ایران

از طرف کمیته مرکزی حزب ایران - الله‌یار صالح

سند شماره ۱۲۴/۳

دانش آموزان کردستان

عمل قبیح و مرتجعانه مرتجعین را تقبیح مینمایند

چار مراتب اوضاع بوده و عمل هر کس را بحد دردت مینگریم تا جاییکه مخالف با اصول انضامی و مرامی بگردد آزاد بخواد و طرفدار حق مردم باشد ساکت مانده و موقف که به منیم انحراف از این خط مشی حاصل میشود نچیزیم حتی الذم در از حقوق اجتماع خود دفاع کنیم ما کاری بهرام و شمار روش جزو سعادت ملی کردستان نداریم حینقدر شاهدیم که این حزب موجب بهاری مردم حاضه کشاورزان محروم بوده و البته این حقیقت را نباید انکار کرد ملیت حزب سعادت ملی تمام ققه‌های کردستان دولت ملی را در این منطقه حدسی سرزری بآب داده

و از این حیث خدمت آرائیهای بیجا مه کرده است نهاده است اینک که مرتجعین صف آرای نهوده و بنوان مبارزه با یک فردیکه جزو جامعه ایرانی است و سالیان دراز در این مرز و بوم زادگنی نهوده قد علم کرده اند از دو حیث این عمل را تبیح میکنم اول اینکه این عمل مخالف اصول آزادی است دوم اینکه منظور مرتجعین چنانکه در اعلامیه هروز با ضای ((حزب الله)) تصریح نهوده برای برهزهن حزب سعادت ملی و بالذبحه خفه کرده آزادی و جلوگیری از یغرفرت خاقی نهاده شده کردستان است بارلیله امور مراتب را تذکر داده و جدأ در خواست داریم که از این اقدامات مرتجعانه جلوگیری نمایند

از طرف هده از دانش آموزان کردستان
۳۱/۶/۲۱

نسیبی که سالیان دراز طوق بره گنی واسلرت آنان را بگرفن داشتند کار را بجای وسایند اند که وقیحانه در بی حرمانه آنان وا تحت هکجه قرار داده و به بند و بستشان تهدید مینمایند کردستان ما از سازه وجود چنین وکلای پاسکدامن و با شرفی ۱۱۱ از لحاظ فرهنگ و بهداشت وطرق و اورتباطیه و اسفادت و برق و ... و غیره صد سال تمام از نقاط دیگر شکشور عقب تر بوده و در ادوار یکجه نمایندگی مجلس را بهده داشته اند نه تنها کوچکترین قدمی را برای پیشرفت ارضاع این سادان بر نداشته اند بلکه ضرر هالی از قبیل ه پلی آقا هنوز رشد فکری کرده بیسی رسیده که بتوانند مسائل تمدن جدید را در دسترس داشته باشند و هزارها فرمایشات هکی داشته اند

و حالا هم وقیحانه هوار نمایندگی را در کلاه های پوسیده شان بهپرورواند ما دانش آموزان تا کنون آنان را کمتر از آن دانسته که قلمهای خود را با نوهفت اسماء خیث آنان نگین ساخته و آنان را بردهم آنطوری که شاید باید معرفی کنیم دلی از اینکه ما بیاده سالی ها و تبعیضاتی که در این شهر بوجود آورده اند جواب نداده ایم گویا سره استفاده نهوده اند بنا براین ما چاریم که از این بیعد بهظواهرات و زخرفتی که از طرف ایشان هر فصدور پیدا میکنند جواب داده و آنانرا بجای خود نشانده تا ملیه صالح هومی از این بیعد قدس بر نهارد اصولا ما دانش آموزان باضماف اینک مبارزات امروزه در سرلشت فرهای ما مؤثر است لا

شرکت چاپ سندج

آتش که هر کانون قلبی ما سردهم محروم و ستمیده اینسن سرزمین سالیی هراز هر زیر خاکشتر یاس و نومیده و ظلم و اسارت و بردگی پنهان شده بود اکنون با وزش نسیمی که آنها را مرتفع نهوده چنین معتقل هده که مرجه بادهای شدیدتری برای خاموش کردن آن وزیدن گیره روشتن و هفتلتر شده و خاموش شدنی نخواهد بود خانواده آصف بهتهدیات ظالمانه که بوسیله هده معدهدی از رعایای بی برک و لوی خود و چند نفری از هدم بیطلره و سیکار ههر که با تطبیح و وعده و وعده با نانت تحویل اراده نهوده و فرسایشان داده اند میخوانند آتش مقدس آزادی که تزه در لعلجستریه تیج و محنت ما درخشیدن گرفته خاموش سازند غافل از اینکه امروز روزی است که تمام عالی برای بهرفت مرام و ناصه خود و لوحه آزادی سینه ها را در مقابل گوارا سپر قرار داده و با فرمی رابع بیوی هدف ابده آلی خود پوش میروند و با داشتن چنین عزمی که طوما ما هم بزرگی را از آن دارا هستیم خوب و چاقی را که توره نوگران نمایی آصف ها برای زدن ما بدست گرفته اند کوچکترین آری نخواهد کرده هوم طبقت کرده ستن بویزه داش آموزان بطومی دریافته اند که هرکس کوچکترین قدمی را در مورد اصلاحات و عمران شهر و نواص اجتماعی برداشته فورأ از طرف آصف ها و دست معاندگان آنها پلی آن لطف گرفته

آصف ها در سایه همین مردم همین مردم

سند شماره ۱۳۶

۳۲/۹/۲۸

مقام منبع نیا رسیده زاده ی شخت فرید

مختلا

در توضیح مستدعیات محضری معروف سید دروم که گمانه باعث اختلا

نظم و امنیت کردستان فقط جیب محیط یزدی و سید محمد سجادی

مباشند که هر روز بلخ در می آیند و به رحمت رنگ دیگرین خود

بگله نژ اول خود را بدربار انتاب سیه او نیز. بعد خود را

مخالفت بر سخت در بار مبلوه دادند این چه بود قلمون رعای

ساده لوح را به کلمه الفاء مالکیت و تقسیم اراضی فریب دلم

مالک در رعیت را بجان بهرگز اندخته اند. رئیس دادگستری

در رئیس زاندر سری هم منظور استفاده خود از آنها بشنید

میکنند و مالک و رعیت را سیه شدند - هر گاه رئیس دادگستری

در رئیس زاندر سری عرض شوند. محیط و سجادی هم بکفر

افتدال گری برسند کردستان بحال نظام بر میگردد.

در غیر خصوصیت آئوب و اختلال توسعه یافته باعث تولید

زحمت برای دولت. و موجب یأس و ناامیدی انالی

و مخصوصاً دلسردی عث برت بهرست خواهد شد -

شماره ۲۷
تاریخ ۳۲/۹/۲۸
درود بدو

۲۸۱

دردا در...
۲۸۱
سید محمد سجادی

سند شماره ۱۳۷

جیب آینه محیط

وکیل واکتوری

لازارار کلاچ میتر تفتن ۲۵۳۲۱

شاهنشین تهران

تاریخ ۲۱/۳/۱۳۲۲ ماه ۳۲
شماره
پیوست

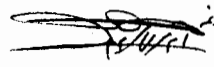
حضور محترم فرزندی شهید ایران تیمسار معظم سپهبد زاهدی نخست وزیر ایران

محترماً بفرمایند :

پس از بنیام ملی و تاریخ ۲۸ مرداد و اعلام زمانداری تیمسار معظم و بعد شهادت باسواعظم طرفداری از دولت ملی چون حسرت مردم که نظردولت بر این است اختلافها گذارده شود از اسم شهر بیور از کردستان خازن و تا این تاریخ حتی برای انجام امیرمردگانی باندانرتقام و دوستان نیز هیچگونه فعالیتی نداشته و کتبا بفرماند ارجدید اطلاع داده اند و در صورت تبع نظرایشان هستند و در این بد خدا اینکه فرماند ارجدید از رویه بیطرفی منحرف و تابع تأیلات مخالفین بوده کوچکترین اعتراض و شکایتی نگردم و آنچه برسمیل حکایت بخودشان تذکر داده شد موجب توجه در نظر برداشت عنوانی آغاز کند که بین اختلاف بوده باشند .

ولی اینک معلوم شده اتباع اصف و سلطان حسین سندی که از تیرماه بدستور کتر سنجایی با حریف خود محلی ائتلاف و موسسه - - - - - سنی کجی - - - - - محله - - - - - دارند اما در روز و عمارت سزی (خنده) - - - - - (میهن) از تابلو و پرچم حزب برداشته شود و حزب سعادت ملی ایران با حریف ایران ائتلاف کند و در فاصله ۲ تا ۲۸ مرداد بشرح تلگرافاتی که مخابره کرده اند بدربار شاهنشاهی و شخص شاهنشاه و خاندان سلطنتی اهانته کرده اند ساکت ننشسته و از ملکوت بنده سوء استفاده موافقان و اگمانا سر امیرین انشائی بمنشور جلوگیری از تظاهرات این دسته شد و موجب توجه متضمن اهانته بفرمان مدبر سلطنت نبوده بلکه مؤید مقام سلطنت بود و مسئله فرار او بود و غیاب بنده حمایتی کرد و متعاقب آن - - - - - سلطان حسین سندی با محمد مردوخ و چند نفر کتبا افتخار سرنیایی نائل شده اند بحمل رفته و متعنوان محبوب بودند خودشان و مشغور بودن بنده فرماند ارجدید در اتمت تا بنبر فرار داده و با اصال نفوذ فرماند ار موقف شده اند از خود ایشسان و شهرتانی گزارشاتی علیه مندر تهران ارسال دارند تا در تهران وسیله اهانته بنده را فراهم آوراد در تهران و کردستان بزرگ جلوه دهند و سپس در مقام ابراز قدرش مرکز ایران استفاده نمایند تا چارشده از حضور مبارک استدفا تا بد با تفتنای جنگذاری مغرر فرمائید هر که بود اعتماد حضرت عالی است بفرمایید و مدارک بنده رسیدگی نماید تا بدون تحقیق و لیسر از واقع تعیین اتخاذ نشود .

تیمسار معظم : دوازه سال است بی اجرومزد بشه اهنشده امواتر شاهنشاهی خدمت کرده ام در لنگه سخت و مدافع مقام مقدس سلطنت بوده ام و سوال است در کردستان چار سبکم استدعائی توفیق ندارم جز اینکه بدقیقت کشف شود . معذرت بفرمایند .



۲۷۵/۱۹

نمایه

۲۴۲، ۲۳۹	«آ»
آزاد، امین ۳۹۸، ۴۰۱	
آزادی ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۲، ۴۲، ۴۴، ۴۹،	آبادان ۳۹، ۴۰، ۲۱۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۱، ۲۷۵،
۲۹۰، ۲۵۷، ۲۵۶، ۱۷۷، ۷۳، ۶۶، ۶۲، ۶۱	۲۷۶، ۲۸۵، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶،
۳۲۰، ۳۱۱، ۳۰۲، ۳۰۱، ۳۰۰، ۲۹۹	۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱
۳۸۲، ۳۷۳، ۳۶۱، ۳۳۳، ۳۳۲	آباده ۲۱۹، ۲۱۸
آزادی اجتماعات ۳۰۱، ۳۰۰	آتش فشان (روزنامه) ۵۸
آزادی بیان ۱۲، ۲۸۹	آذربایجان ۱۱۶، ۲۵۸، ۲۷۷
آزادی زندانیان سیاسی ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۵۰،	آذرکار، رضا ۲۲۳، ۲۳۱
۲۲۶، ۳۰۱، ۳۶۶، ۳۷۹، ۳۹۰	آذری (از اعضای حزب ایران) ۶
آزادی عقیده ۱۲	آذری، عباسعلی ۸
آزادی قاننات (روزنامه) ۱۴۰، ۲۲۹، ۲۳۰	آرتا (سرتیپ) ۴۰
آزادی مطبوعات ۳۰۱، ۳۰۰	آرین (از اهالی شیراز) ۲۱۷
آزموده، حسین ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶	آزاد (از اعضای حزب ایران زاهدان) ۱۵۴

- آسایش، نصرالله ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵
 آسایی (رئیس اداره دارایی درگن) ۷۹، ۹۲،
 ۹۳، ۹۴، ۱۰۰
 آستان قدس رضوی ۱۱۶، ۱۲۲، ۱۲۴
 آسیا ۲۵۶
 آشامیدنی‌های الکلی ۲۷
 آشوبگری ← در اکثر صفحات
 آصف، فرج‌الله ۳۷۰، ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۹۱
 آصف، محمدحسن ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵،
 ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۲، ۳۷۰، ۳۷۱
 آصفی، احمد ۳۴۲
 آصفی، امجد ۳۷۶
 آصفی، امیرارسلان ۳۶۹
 آصفی، رضا ۳۳۱، ۳۴۲، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۲،
 ۳۷۳، ۳۷۹، ۳۸۹
 آصفی (سرپرست شهربانی گیلان) ۲۸۸
 آصفی، نعمت‌الله ۳۴۲
 آق‌اولی، منوچهر ۳۹۱
 آقایی، فرج‌الله ۳۷۵
 آل آقا، نصرالله ۳۶۰
 آمریکا ۱۸، ۲۰، ۳۳، ۳۷، ۱۱۲، ۱۵۷، ۱۵۹،
 ۲۵۶، ۲۷۱، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۱۲
 آموزش و پرورش ۱۳، ۱۴، ۲۵۳
 آهنین، سیف‌الله ۲۷۴
 آیتی، ابوالحسن ۲۳۹
 آیتی، محمدحسین ۱۴۰
 آیزنهاور، دوایت ۲۹۱
 آیین دادرسی مدنی ۳۵۹
 آیین‌نامه‌ها ۲۱۰
 «الف»
 انمۀ جمعه و جماعات ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵
 ابتهاج، ابوالحسن ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۲،
 ۲۸۳
 اب்தیان، محمد ۳۱۸
 ابراهیم (از اهالی رشت) ۲۶۵
 ابراهیمی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
 ابراهیمی، امیر ۱۵۴
 ابراهیمی، سهراب ۱۷۸
 ابوالحسن‌زاده (از اعضای حزب ایران) ۶
 ابوالقاسم (از اهالی بیرجند) ۱۸۸
 ابوذر (فرماندار آبادان) ۲۷۶
 ابوطالب (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
 ابو عطا (معلم هنرستان هنرهای زیبای اصفهان) ۲۵۳
 ابهر ۱۹۰
 اتابکی، رحمت ۳۹۷
 اتحادیه‌ها ۳۲
 اتحادیه جوانان اسلامی بیرجند ۲۲۲
 اتحادیه جوانان سادات حسینی مشهد ۴۱، ۴۹،
 ۵۰، ۱۲۴
 اتحادیه جوانان اسفراینی ۱۸۹

- اتحادیه مالکین سندج ۳۷۰
 اتحادیه مسلمین گیلان ۵۶،۵۵،۴۴
 اجازه‌نامه‌ها ۲۶، ۲۸، ۲۹
 احمد (از اهالی بوکان) ۱۴۳، ۱۴۵
 احمد (از اهالی بیرجند) ۱۸۸
 احمد (از اهالی سندج) ۳۲۸
 احمدپور (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 احمدزاده (از اهالی بیرجند) ۱۵۱
 احمدنژاد، عبدالله‌العزیز ۳۲۸، ۳۸۳
 احمدوند (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
 احمدی ۷۶، ۷۷
 احمدی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 احمدی، بهروز ۲۳۹
 احمدی، خداکرم ۳۷۶
 احمدی (دکتر) ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۲۸
 احمدی، ضیاء ۱۴۰
 احمدی، عبدالباقی ۱۲۰
 احمدی، علی‌اکبر ۱۶۶
 احمدی، غلامحسین ۱۸۰
 احمدی (کارمند اداره برق) ۲۴۶، ۲۴۸
 احمدی، محمد ۳۷۶، ۴۰۲
 احمدی، محمدشرف ۳۷۶
 اخازی ۱۴۳، ۳۵۷
 اختلاس ۲۸۲، ۲۸۳
 اختلافات اداری ۲۶۸
 اختلافات سیاسی ۱۲۱، ۱۴۶، ۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۷
- اخراج ۲۵، ۱۱۳، ۱۸۶، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۹
 اخوان، ناصر ۲۶۵
 اخوی، حسن ۲۲۱، ۳۹۱
 اداره کل بازرسی نخست وزیری ۱۸۵
 اداره کل تبلیغات و انتشارات ۱۱۹، ۱۸۹
 اداره کل دارایی استان خراسان ۹۳، ۹۵، ۹۷
 ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۶
 اداره کل درآمد وزارت دارایی ۱۹۶، ۱۹۷
 اداره کل معادن و ذوب فلزات ۲۹۸
 اداره آمار بیرجند ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۸
 اداره آمار درگز ۷۹
 اداره اصل چهار ترومن ۱۵۷، ۱۵۹
 اداره ثبت اسناد و املاک درگز ۷۹
 اداره امور املاک ثبت ۳۶۰
 اداره بهداری آباد ۲۲۰
 اداره بهداری درگز ۷۹
 اداره بهداری سندج ۳۴۷
 اداره پست و تلگراف و تلفن درگز ۷۹
 اداره پست و تلگراف و تلفن رشت ۲۳، ۲۴، ۲۵
 اداره تبلیغات و انتشارات کردستان ۳۷۱
 اداره تلگراف تهران ← در اکثر صفحات
 اداره ثبت بیرجند ۲۲۳
 اداره دارایی آبادان ۲۷۱
 اداره دارایی آباد ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰

اداره دارایی ابهر ۱۹۰	اداره قند و شکر سنندج ۳۶۰
اداره دارایی ایرانشهر ۲۴۲	اداره قند و شکر کرمانشاه ۳۶۰
اداره دارایی بیرجند ۲۲۴	اداره قند و شکر مشهد ۱۱۰
اداره دارایی درگز ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۹، ۷۹، ۸۸	اداره کشاورزی درگز ۷۹
۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۱۰۰	اداره نوغان درگز ۷۹
اداره دارایی زاهدان ۱۵۴، ۲۴۲	ادیب خوانساری (از اعضای حزب ایران) ۷
اداره دارایی قائن ۲۲۶	ادیبی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
اداره دارایی کردستان ۳۵۹، ۳۶۰	ادیبی (مدیر روزنامه صدای شیراز) ۵۹
اداره دارایی کرمانشاه ۳۵۹، ۳۶۰	اذانی، ابوالفضل ۲۲۳
اداره دارایی کلات ۹۶، ۱۱۱	اراکي (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
اداره دارایی همدان ۳۵۹	ارانی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
اداره دخانیات سنندج ۳۶۰	ارباب، مهدی ۷، ۲۴۰، ۲۴۱
اداره راه بلوچستان ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵	ارتش ایران ۲۰، ۱۸۹، ۲۶۴، ۲۷۴، ۳۴۹
اداره راه درگز ۷۹	۳۶۵، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۹۸
اداره راه زاهدان ۱۵۴، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۵	ارتقاء رتبه ۱۹۷
اداره غله کرمانشاه ۳۶۰	ارجمند (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
اداره فرهنگ آباده ۲۱۸	اردلان، اسماعیل ۳۷۱
اداره فرهنگ اصفهان ۲۵۲، ۲۵۳	اردلان، امیر ۳۶۹
اداره فرهنگ بیرجند ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۲۲، ۲۲۳	اردلان، عبدالحسین ۳۷۱
۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹	اردلان، محمدامین ۳۴۲
اداره فرهنگ درگز ۶۰، ۶۴، ۷۹، ۸۸	ارقید (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
اداره فرهنگ زاهدان ۱۵۴، ۲۴۲	ارمنی، آریان ۲۳۹
اداره فرهنگ کازرون ۱۲۴، ۱۲۵	ارویا ۲۷۱
اداره فرهنگ لطف آباد ۶۴	اساسنامه‌ها ۱۲۴
اداره فرهنگ مهاباد ۲۱۲	اسبقی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹، ۲۸۲
اداره قند و شکر بوکان ۱۴۴	۲۸۳

استانداران ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۴۸، ۵۷، ۶۱، ۶۴،	اسدی، محمود ۱۹۹
۶۵، ۶۷، ۸۹، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۵۶، ۱۵۷،	اسرائیل ۳۱۲
۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۶، ۲۷۱، ۳۰۰،	اسعدی بلوچ، دل مراد ۱۶۸
۳۷۱، ۳۰۸	اسفراین ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶،
استانداری آذربایجان ۱۹۰	۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰
استانداری اصفهان ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲	اسفندیاری (از اهالی ابهر) ۱۹۰
استانداری خراسان ۱۷، ۶۴، ۶۵، ۷۸، ۷۹، ۸۶،	اسکویی، حسن ۶
۸۸، ۹۰، ۹۴، ۹۶، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰،	اسلام (از اهالی درگز) ۷۶
۱۱۸، ۱۷۶، ۲۲۱، ۲۶۷،	اسلامی، احمد ۱۳۳
استانداری فارس ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۱۱۵، ۲۱۶،	اسلامی (رئیس اداره ثبت اسناد و املاک درگز) ۷۹
استانداری کردستان ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۷،	اسلامی، رضا ۱۵۰
۳۹۸، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳،	اسلامی، عبدالرحیم ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۰،
استانداری گیلان ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۵۷، ۶۶،	اسلامی، علی ۱۲۹
۶۷، ۷۲، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۴۲، ۲۷۹،	اسلامی، علی اکبر ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵،
۲۹۳، ۲۹۲	اسلامی، محمد ۱۵۰
استانداری مازندران ۱۰۲	اسلامی، محمد علی ۱۳۳
استبداد ۱۲، ۲۲	اسلامی، محمد کبیر ۱۵۰
استخدام ۱۸۵، ۱۸۶	اسلامی، مرتضی ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۰،
استرالیا ۲۲	اسماعیل (از اهالی بوکان) ۱۴۵
استعفا ۵۴، ۲۴۹، ۲۷۱، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۲۸،	اسماعیل (از اهالی بیرجند) ۲۲۳
استقلال ملی ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۶۲، ۱۵۳،	اسماعیل زاده (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
۱۷۷، ۲۵۶، ۲۷۷، ۳۰۲،	اسماعیلی، شمس علی ۱۹۹
استیضاح ۱۸۱، ۲۶۹	اسماعیلی، علی اصغر ۱۹۹
اسد (از اهالی بوکان) ۱۴۳	اسماعیلی، غفور ۱۶۶
اسدی، حمید ۱۴۳	اسماعیلی، نصرالله ۱۴۵
اسدی (فرماندار مشهد) ۱۷	اسناد و مدارک ۲۷، ۱۲۰

اعلامیه جهانی حقوق بشر ۳۰۱	اشتغال ۱۲
اعلایی، عزت‌الله ۲۱۸، ۲۱۹	اشراقی، امیرقاسم ۲۴
اعلایی، نورالله ۲۱۸، ۲۱۹	اشرف‌احمدی، علی ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۹۲، ۲۹۴
اعلم، حسین ۲۳۹	۲۹۵
افتتاحیه ۱۲۲، ۱۶۷، ۲۷۷، ۳۴۱	اشرفی (از اعضای حزب توده) ۱۹۷
افتخاری، احمد ۱۴۵	اشریر، عزیز ۳۲۹
افتخاری، مسعود ۲۲۸	اشغال نظامی ۴۲، ۸۲، ۲۶۱
افخمی (از اهالی درگز) ۶۰	اصغری، غلامرضا ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵
افخمی، علی‌اکبر ۷	۱۵۰
افراسیابی (سرهنگ) ۵۸	اصغری، محمد ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵
افراشته، حسن ۸	اصفهان ۲۱۹، ۲۵۲، ۲۸۱، ۲۸۲
افشاری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	اصناف ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۴۷
افصح‌المتکلمین واعظ (از اعضای نهضت شرق	اعتبارات ۱۹۸، ۱۹۹
مشهد) ۱۲۳	اعتبارنامه‌ها ۴۹
افضل، محمد ۱۳۰	اعتراض ۵۹، ۶۱، ۶۵، ۷۶، ۸۵، ۸۶، ۱۰۱
افضلی، محمد ۱۲۹	۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۸۷، ۳۲۴، ۳۹۰
اقبال، سعید ۳۷۶	اعتصاب ۷۹، ۹۰، ۲۶۹، ۳۰۵، ۳۰۸
اقبال، منوچهر ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰	اعتماد، اکبر ۱۳۸، ۳۸۸
۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۲	اعدام ۲۶۰، ۲۶۶
۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰	اعظمی، مرتضی ۱۹۱، ۱۹۲
اکباتانی، حسین ۷	اعلام حمایت ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۸، ۶۷
اکبر (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	۱۰۲، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۵۲
اکبرزاده (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۷
اکبریان، علیرضا ۱۷۸	۱۹۰، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۶۹
اکبری، حبیب ۱۶۶	۳۱۳، ۳۳۱، ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۸۹، ۳۹۸
اکبری، رحمت‌الله ۱۹۹	اعلامیه‌ها ← در اکثر صفحات

- اکبری، فضل‌الله ۱۹۹
 اکبری (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱
 اکبری، نعمت‌الله ۱۹۹
 اکرامی، محمدعلی ۱۳۰
 اکرمی، محمد ۳۷۶
 امام، عطاء‌الله ۲۱۹
 امامی، اصغر ۲۱۸، ۲۲۰
 امامیان، اسماعیل ۲۳۹
 امامی، جمال ۲۵۹
 امامی (رئیس اداره بهداری آباده) ۲۲۰
 امامی، رضا ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵، ۲۳۸
 امامی، عنایت‌الله ۲۱۸، ۲۲۰
 امامی، کاظم ۷
 امپریالیسم ۲۵۶
 امتیازنامه‌ها ۱۸، ۱۹، ۲۵۸
 امتیازنامه نفت داری ۲۱، ۲۲
 امتیاز نفت شمال ۲۵۸
 امجدی (رئیس سازمان اطلاعات و امنیت آبادان) ۳۰۸
 امدادی (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲
 امنیت ۶۱، ۱۰۷، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۴۴، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۳۳۰، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۶۳
 امید سالار، محمدرضا ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰
 امیدواری، صابر ۲۹۳، ۲۹۵
 امیدی، محمد ۱۸۰
 امیرابراهیمی، موسی ۲۴۲
 امیر تیمور کلالی، منوچهر ۴۱
 امیرزاده (از اهالی سندج) ۳۶۸، ۳۷۵
 امیرعزیزی، صادق ۳۱۳
 امیرنژادی (از اهالی کاشان) ۳۱۳
 امیری، ابراهیم ۶
 امیری (از اعضای حزب ایران) ۸
 امین، تورج ۲۰
 امین (رئیس دادگستری شیراز) ۲۱۷
 امین، میرزا رضا ۶
 امینی، جعفر ۱۸۰
 امینی، علی ۳۱۳، ۳۷۶
 امینی (کفیل فرماندهی ژاندارمری کل کشور) ۷۳
 امینی، محمود ۱۷۵
 انبار غله زاهدان ۱۵۴
 انتخابات ۷۳، ۷۶، ۸۲، ۱۲۶، ۱۶۷، ۱۹۹، ۲۰۳، ۲۴۱، ۲۵۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
 ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱
 ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۲۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۷۳
 ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲
 ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۸
 انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی ۲۹۹
 انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی
 ۱۳۳، ۱۴۰، ۱۶۵، ۳۷۴
 انتخابات مجلس شورای ملی ۴۱، ۴۲، ۴۳

انفصال از خدمت ۲۱۵، ۲۲۵، ۲۴۳	۷۲، ۴۹، ۴۴
انقلابهای سیاسی ۱۲، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۳۰	انتخابی، محمد ۱۹۶، ۱۹۷
۳۷۵، ۳۷۴، ۳۴۳	انتصابات ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۸۴، ۳۷۰
انگلستان ۲۰، ۲۲، ۳۲، ۳۳، ۳۷، ۴۸، ۵۴، ۵۸	انتظار خدمت ۹۸، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۴۵
۱۱۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۷	انتقادها ۱۸، ۳۷، ۵۸، ۱۲۷، ۱۴۱، ۱۶۷، ۲۷۲
۳۵۰، ۳۳۰	۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱
انواری، عبدالکریم ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹	انتقال محل خدمت ۲۴، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۸، ۷۵
انواری (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰	۸۷، ۸۸، ۹۴، ۱۰۷، ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۸
انواری، مهدی ۲۳۹	۲۸۵، ۳۵۰، ۳۶۰
انوشیروانی، سلیمان ۴۰۱	انجمن انتخابات سنای سنندج ۳۷۷، ۳۸۱
اوراق قرضه ۱۳۳، ۱۳۹	انجمن پیروان قرآن مشهد ۴۱
اورامان (کرمانشاه) ۳۵۲	انجمن تبلیغات اسلامی مشهد ۴۱
اوشال (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱	انجمن شهر آبادان ۲۶۸، ۲۶۹
اهانت ۴۸، ۷۲، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۱۱، ۱۱۸	انجمن شهر آبادیه ۲۱۸
۱۲۴، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۲	انجمن شهر تویسرکان ۱۹۸، ۱۹۹
۲۱۴، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱	انجمن شهر درگز ۲۶۷، ۲۶۸
۲۴۳، ۲۴۸، ۳۳۱، ۳۳۹، ۳۶۵، ۳۷۰	انجمن شهر زاهدان ۱۶۷
۳۷۳، ۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۷	انجمن شهر کاشان ۳۱۳
اهواز ۲۷۶، ۳۰۸	انجمن کار سنندج ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۶۱
ایپکچی (از اهالی درگز) ۶۰	انجمن نظارت بر انتخابات رشت ۴۴
ایران پور، حسین ۳۱۳	انجمن نظارت بر انتخابات آبادان ۳۰۸، ۳۰۹
ایران (روزنامه) ۳	انحلال ۱۹، ۶۴، ۱۱۹، ۱۳۳، ۲۶۷، ۲۶۹
ایران شهر ۲۴۲، ۲۴۳	۳۲۳، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۲
ایرانلو (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	انصاری (رئیس اداره کشاورزی درگز) ۷۹
ایران مبارز (روزنامه) ۴۰	انصاری، عبدالرضا ۴۵، ۴۷
ایرجی، رجب ۱۷۷، ۱۷۹	انصاری، هادی ۳، ۴، ۵، ۹، ۱۹۱

- ایروانی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 ایروانی (مدیر عامل شرکت سهامی کارخانجات
 قند ایران) ۱۹۳
 ایزدی (از اعضای حزب ایران آبادان) ۳۰۳،
 ۳۱۰، ۳۰۹، ۳۰۸، ۳۰۷، ۳۰۶، ۳۰۵، ۳۰۴
 ایلات و عشایر ۳۲، ۱۴۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۴۳،
 ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۵۰، ۳۶۳
 ایلچی (از اهالی درگز) ۶۲
 ایوبیان، محمدعلی ۳۷۵
 «ب»
 بابائیان (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲
 بابائیان، عبدالمحمد ۳۷۶
 بابائیان، علی اکبر ۶۰
 بابائی، حبیب ۶۰
 باباریز (سندج) ۳۲۴
 بابان (از اهالی سندج) ۳۷۰
 بابان، مظفر ۳۷۵
 باتمانقلیچ، نادر ۳۹۳
 باختر امروز (روزنامه) ۲۶۵
 بازاریان ۵۶، ۱۴۲
 بازداشت ۱۷، ۲۲، ۴۲، ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۳۳،
 ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۹
 بختیار، تیمور ۲۱۲، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۸
 بختیار، شاپور ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷،
 ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱
 بازرگانان ۳، ۴، ۵، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۴۷، ۲۳۰
 بازرگانی پرشیا ۵
 بازرگانی نیکو خصال ۵
 بازنشستگی ۹۶
 باغ امیرکنده (خشکیبجار) ۱۰۴
 باقر (از اهالی کردستان) ۳۱۸، ۳۲۸
 باقرزاده (از اعضای حزب ایران) ۶
 باقرزاده (از اهالی درگز) ۷۶، ۹۰
 بامداد، بدرالملوک ۲۳۷، ۲۳۹
 بامرغی، علیرضا ۱۵۰
 بانک بازرگانی ۱۲۰
 بانک شاهنشاهی ایران ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۲،
 ۱۱۹، ۱۲۰
 بانک شاهی ← بانک شاهنشاهی ایران
 بانک صادرات ایران ۶
 بانک صنعتی و معدنی ایران ۳، ۴، ۵، ۸، ۹، ۱۰
 بانک کشاورزی، شعبه بیرجند ۲۲۴، ۲۲۶
 بانک ملی ایران ۵، ۲۸۳
 بجنورد ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶،
 ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۸۰
 بحرینی (کارمند اداره کل درآمد وزارت
 دارایی) ۱۹۷
 بختیار، تیمور ۲۱۲، ۲۹۶، ۲۹۹، ۳۰۸
 بختیار، شاپور ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷،
 ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱
 ۲۹۰، ۳۲۵، ۳۵۸، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹

بخشداران ۳۷۹، ۳۵۹، ۳۵۲	بکنده (از اعضای حزب توده خشکیچار) ۱۰۴
بخشداری آبادان ۲۶۹	بلبلیان (از اهالی سندج) ۳۷۶
بخشداری درگز ۱۷	بلورچیان (از اعضای حزب ایران رشت)
بخشداری قائن ۲۲۶	۲۶۵
بخشداری کامیاران ۳۶۲	بمپور ← ایرانشهر
بخشنامه‌ها ۲۰۳	بنداد (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
بداغ‌آبادی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸	بنداد، رضا ۲۳۹
بدخشان، عباس ۳۷۵	بندر انزلی ۲۷۹، ۲۸۰
بدخشان، محمدسعید ۳۶۹	بندر پهلوی ← بندر انزلی
بدخش، عباس ۳۶۹	بندر معشور ← ماهشهر
بدخش، محمدسعید ۳۷۵	بنکدار، حسن ۶
بدیلی، محمدعلی ۲۲۸	بنگاه مستقل برق تهران ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴
بذرافکن (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹
برات (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	بنی آدم (فرماندار رشت) ۴۴، ۱۱۶
برادران (رئیس اداره آمار درگز) ۷۹	بنیادهای خیریه ۲۹
برادران عرب (از اعضای حزب ایران) ۷	بودجه ۱۹۸، ۲۱۵، ۲۷۸
برارثانی (رئیس اداره راه درگز) ۷۹	بوزآبادی، کاظم ۳۱۴
برازان (سندج) ۳۲۴	بوستانچی (از اهالی بوکان) ۱۴۴
برازنده، درویش ۳۷۶	بوستانی، اکبر ۳۱۴
برشاد، محسن ۲۳۹	بوستانی، تقی ۳۱۴
برقی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	بوستانی، صادق ۳۱۴
برهانی (از اهالی بیرجند) ۲۲۳	بوکان ۱۴۳، ۱۴۴، ۲۱۲
بزرگزاد، محمدعلی ۲۱۸، ۲۲۰	بهادری (رئیس هنرستان هنرهای زیبا) ۲۵۲
بزرگمهر، حسین ۸	۲۵۳
بقائی، مظفر ۲۷، ۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴	بهار، احمد ۴۶، ۶۸، ۷۸، ۸۰، ۸۱، ۹۲، ۹۹
بکایی (کارمند اداره برق) ۲۴۸، ۲۴۶	۳۱۹، ۳۲۲

- بهارستان (تهران) ۱۷۲
 بهار، محمدعلی ۲۲۸، ۲۲۳
 بهارمست، احمد ۳۷۴، ۳۵۶، ۷۱
 بهاری (رئیس سازمان بیمه‌های اجتماعی)
 ۲۶۶، ۲۶۳، ۲۶۱
 بهاء‌الدین (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 بهبهان (از اهالی بوکان) ۱۴۳
 بهبهانی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 بهبهانی، محمود ۲۵۳
 بهداشت ۱۴
 بهرامی، روح‌الله ۳۱۳
 بهرامی، نعمت ۳۱۳
 بهروزی، یدالله ۱۱۶، ۷۲
 بهره‌مالکانه ۳۵۹، ۳۵۸، ۳۳۹، ۳۲۰
 بهشتی (از اهالی اسفراین) ۱۸۹
 بهلول (از اهالی بیرجند) ۱۵۱
 بهمن (از اهالی سندج) ۳۷۶
 بهمن، پرویز ۱۷۳
 بیات (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
 بیانی، علیقلی ۲۰۳، ۲۳۷، ۲۳۹
 بیانی‌ها ← اعلامیه‌ها
 بیچاره، محمدکریم ۳۲۸
 بیداریان، علی‌اکبر ۱۵۴
 بیرجند ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴،
 ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۷،
 ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۸۲، ۱۸۷، ۲۲۱، ۲۲۲
- ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸
 ۲۳۱، ۲۳۰
 بیژن (از اعضای حزب ایران) ۲۳۷، ۲۳۹
 بیماران ۲۴، ۲۵
 بیمارستان پورسینا، رشت ۲۶۵
 بیمارستان شوروی، تهران ۲۸۱
 بینا (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
- «پ»
 پاپایی (از اهالی درگز) ۶۲
 پاپایی، اسماعیل ۲۳۹
 پاپایی، حبیب‌الله ۲۳۹
 پاپایی، علی‌اکبر ۶۲
 پارچه ۳، ۴، ۵
 پارسی، محمد ۲۳۹
 پارسی، محمدحسین ۲۳۹
 پاشایی، محمد ۶۰، ۶۲، ۶۴
 پاکدامن (از اعضای حزب ایران زاهدان) ۱۵۴
 پاکدامن (رئیس حسابداری اداره دارایی
 زاهدان) ۲۴۲
 پاکروان، حسن ۲۹۲
 پاکزاد (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 پاک (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 پاک‌نیت، مرتضی ۲۴۶، ۲۴۸
 پاک‌نیت، مصطفی ۲۴۶، ۲۴۸

- پالایشگاه نفت آبادان ۲۱۳، ۳۱۱
 پایور، امیر ۲۳۷، ۲۷۸
 پرچینی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 پرخاش (روزنامه) ۲۴۸
 پرویز (از اهالی اسفراین) ۱۸۰
 پرویز (از اهالی مشهد) ۲۲۸
 پرویز، امیر ۱۷۶، ۷۴
 پرویزی، نصرالله ۵۹
 پزشک (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 پزشکی قانونی کردستان ۳۷۹
 پسران یوسف، تقی ۲۶۵
 پناهی، ابوالقاسم ۲۱۵
 پنبه ۸۳، ۱۱۲، ۱۱۳، ۲۲۲
 پنبه‌چی، مهدی ۵
 پوراحمدی (از اعضای حزب ایران رشت) ۱۴۲
 پورحسن (از اهالی بیرجند) ۱۵۰
 پورسرتیپ، فتح‌الله ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳
 پورکارگشتا ۳۰، ۳۶
 پورمحمد (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
 پورمختاری (از اعضای حزب ایران) ۷
 پورمقامی، ابراهیم ۲۳۹
 پوریان، سیروس ۶
 پوریموت، محمد ۱۵۲، ۲۲۳، ۲۲۷
 پهلوی، رضا ۲۲، ۲۶۵، ۲۷۸
 پهلوی، محمدرضا ← در اکثر صفحات
 پیامهای تبریک ۳۴۸، ۳۶۱
 پیرسرانی، میرقاسم ۲۶۵
 پیروزگر، محمدجواد ۷
 پیروزنیا، مهدی ۷
 پیروزی (کارمند نخست‌وزیری) ۹۹، ۱۴۲
 ۲۳۸، ۳۳۸، ۳۴۲
 پیروی، محمود ۲۱۶
 پیشه‌وری، جعفر ۱۱۲، ۲۵۸، ۳۰۲
 «ت»
 تاج‌الامینی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 تأملی، حسین ۳۱۳
 تأمینات بیرجند ۱۳۶
 تبریز ۱۲۵
 تبریزیان (از اعضای حزب ایران) ۶
 تبریزیان (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 تبریزیان، عباس ۸
 تبریزی، شکرالله ۳۱۳
 تبعید ۱۷، ۲۳، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۹، ۷۵
 ۷۶، ۸۲، ۸۵، ۲۶۱، ۳۷۹، ۳۸۴، ۳۸۵
 ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۸
 تبلیغات ۳۰۱
 تبلیغات انتخاباتی ۳۷۴
 تبلیغات ضد دولت ۷۲، ۲۱۴
 تبلیغات کمونیستی ۱۷، ۳۷۴
 تجارتخانه پیام ۵

تلگرافخانه آبادان ۳۰۵	تجارتخانه حاج مهدی صمدی ۲۳۰، ۲۲۲
تلگرافخانه بیرجند ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴	تجارتخانه رحیم زاده ۷
۱۳۷، ۱۳۰، ۱۴۰، ۱۴۸، ۱۴۹	تجزیه طلبی ۳۵۰
تلگرافخانه سنندج ۳۲۴، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۵	تجویدی، اسمعیل ۶
۳۹۸	تحصن ۶۲، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴
تلگرافخانه شیراز ۱۶۰	۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۳۲۲، ۳۲۴
تنگستان ۱۱۲	۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۵، ۳۹۸
توتونچی، محمد ۱۴۴	ترابی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
توکل، غلامحسین ۱۳۰	ترور ۲۱، ۲۲، ۴۲، ۱۴۸، ۱۹۰
توکلیمان (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱	تشکری، قدرت الله ۲۳۷
توکلی، محمدابراهیم ۱۴۰	تصوینامه های هیأت وزیران ۱۷۳
نولایی (از اعضای حزب ایران) ۶	تظاهرات ۵۲، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۷۷، ۷۸، ۸۵
توی (اسفراین) ۱۸۰	۱۰۹، ۱۱۰، ۱۹۲، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۹
تویسرکان ۱۹۸، ۱۹۹	۲۳۰، ۳۰۲، ۳۰۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۴۵
تهامی (آیت الله) ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰	۳۴۶، ۳۴۷، ۳۷۴
تهدید ۴۲، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۶۶	تعدييات ۴۱، ۸۱، ۱۳۳، ۱۴۷
۳۲۵، ۳۳۲	تعرفه ۲۰
تهديد به قتل ۱۳۲، ۱۴۷، ۳۰۷	تعطیلات عمومی ۱۴۷، ۱۶۰
تهرانی، احمد ۵	تقدیر و تشکر ۱۵۴، ۳۱۸، ۳۳۴
تهرانی، جلال الدین ۹۹	تقسیمات کشوری ۱۶۶
تهران ← در اکثر صفحات	تقسیم اراضی ۱۴۴، ۳۲۰، ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۴۵
تیپ سنندج ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۵۶، ۳۷۴	۳۶۳، ۳۷۴
تیپ مستقل رشت ۱۹، ۵۷، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸	تقی پور، ایرج ۲۳۹
۲۶۰، ۲۶۴	تقی پور، تقی ۲۳۹
تیراندازی ۵۹، ۲۶۲، ۲۶۵	تقی پور، محمد تقی ۶۴
تیمورپور (قاضی) ۱۳۵	تقی زاده، حسن ۲۲

«ث»

جزایری (از اهالی درگز) ۷۶

جزیره خارک ۳۷۰

جشنها ۳۶۱

جعفر (از اعضای حزب ایران) ۷

جعفر (از اهالی رشت) ۲۶۵

جعفری (از اهالی درگز) ۶۰

جعفری، حسن ۳۱۳

جعفری، رضا ۱۶۶

جعفری، محمد ۳۷۶

جعفری، موسی جان ۱۸۰

جعفریان (از اهالی درگز) ۷۶

جعفریه (رئیس اداره راه بلوچستان) ۲۴۲

جفرودی، اسماعیل ۲۳۸

جلالی ۱۸۶

جلالی، باقر ۳۱۳

جلالی، جلال ۳۱۳

جلالی، حسین ۳۱۳

جلالی، رضا ۳۱۳

جلالی، فتح‌الله ۲۶۸، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۷

جلالی، محمد ۳۱۳

جلایر، مصطفی قلی ۱۰

جلسه‌ها ۳۱، ۳۲، ۳۸، ۶۷، ۱۴۶

جلونی، عالی ۱۴۵

جلوه (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹

جمال‌الدین (از اهالی سنندج) ۳۷۶

جمالی (از اعضای حزب ایران) ۵

ثابت، حسین ۱۹۹

ثابت‌قدم (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹

ثامنی ۱۷۸، ۱۸۰

ثبت کل اسناد و املاک ۱۱۴، ۳۵۵

تقفی، رضا ۱۵۰

ثمری، حسین ۸

ثمری، محمد حسین ۵

ثنایی (از اهالی درگز) ۶۰، ۲۳۹

«ج»

جادولی، حبیب‌الله ۱۹۹

جارچی زاده، عباس ۳۱۳

جارچی زاده، محمد ۳۱۳

جاسوسان ۲۲، ۱۱۲، ۱۷۷

جاسوسی ۲۷، ۱۲۰

جامعه روحانیت بیرجند ۱۳۲

جبهه آزادی (روزنامه) ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۸،

۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۳۲،

۲۳۴، ۲۳۵

جبهه ملی ۲۷، ۵۱، ۸۸، ۲۶۲، ۲۸۹، ۳۱۳

جبهه ملی، شعبه آبادان ۳۰۳

جبهه ملی، شعبه کاشان ۳۱۳

جدی، احمد ۲۳۱

- جمالی مشهدی، حبیب ۳۱۳
 جمشیدی، نعمت‌الله ۱۹۹
 جمعیت آزادی مردم ایران ۱۵۴
 جمعیت ملیون سندج ۳۲۵
 جمعیت مهندسین ۱۷۲
 جمعیت نظارت بر انتخابات آزاد خشکیبجار ۷۳
 جمعیت نهضت شرق، شعبه مشهد ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۳
 جنبشها و قیامها ۱۷۷
 جنگ کره (۱۹۵۰) ۳۷
 جوائزی (بخشدار مریوان) ۳۷۹
 جوادی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
 جوامردی، حسین ۳۱۳
 جوانان ۷۶
 جوانان ایران (روزنامه) ۱۴۶
 جوانروح (از اعضای حزب ایران درگزر) ۶۰، ۶۲
 جواهری، صدیق ۳۲۵
 جواهری، محمدهادی ۲۳۹
 جوکار، عباس ۳۱۳
 جهان (از اهالی بیرجند) ۱۵۰
 جهانگردی ۲۲
 جهانگیر (از اهالی قائن) ۱۴۰
 جهانگیری (از اهالی درگزر) ۶۰، ۶۲، ۷۶
 جهانی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰
 جیره‌بندی ۱۰۱
- «ج»
 چاپخانه آزادی قائن ۲۲۲
 چپ‌گرایان ۲۶۷
 چوپانی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 چهاربرج (اسفراین) ۱۸۰
 چهارراه یوسف‌آباد، تهران ۲۸۱
- «ح»
 حائری (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 حاتمی، ابراهیم ۱۸۹
 حاجی حسینی، علی ۳۷۶
 حاجی‌زاده (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
 حاجی میرزایی، احمد ۳۷۶
 حاجی میرزایی، عبدالله ۳۷۶
 حافظی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 حبیب (از اهالی سندج) ۳۷۶
 حبیب‌الله (از اهالی سندج) ۳۷۶، ۳۴۱
 حبیبی، عطاء‌الله ۳۴۲
 حبیبی، محمد ۱۴۰
 حجازی ۳۵۳
 حدیدی‌پور، حسین ۲۲۷
 حریری (از اعضای حزب ایران) ۶
 حریری (دکتر) ۶
 حریری (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱

۷۷، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۷۰، ۶۹، ۶۸، ۶۴، ۶۱	حزب آریا، شعبه آباده ۲۲۰
۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۸۱، ۷۸	حزب اتحاد ملی ۵
۱۱۷، ۱۰۷، ۱۰۶، ۹۸، ۹۳، ۹۲، ۹۰، ۸۹	حزب الله سندج ۳۳۱، ۳۳۰
۲۶۷	حزب ایران، شعبه آبادان ۴۰، ۳۹، ۲۶۸، ۲۶۹
حزب ایران، شعبه زاهدان ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۶۸	۲۷۵، ۲۸۵، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۰۷
۲۴۵، ۲۴۴، ۲۴۳، ۲۴۲، ۲۴۰	۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱
حزب ایران، شعبه شیراز ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸	حزب ایران، شعبه آباده ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰
۱۵۸، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۵۸، ۵۲، ۵۱، ۵۰	حزب ایران، شعبه اسفراین ۱۷۶
۲۱۶، ۱۶۰، ۱۵۹	حزب ایران، شعبه اصفهان ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲
حزب ایران، شعبه کازرون ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۶۰	۲۸۱
حزب ایران، شعبه کاشان ۳۱۳	حزب ایران، شعبه بجنورد ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۹
حزب ایران، شعبه گرگان ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳	۱۷۵
۲۸۵، ۲۸۴	حزب ایران، شعبه بندرانزلی ۲۸۱
حزب ایران، شعبه گیلان ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱	حزب ایران، شعبه بندر پهلوی ۶۲، ۶۳
۶۶، ۵۶، ۵۵، ۴۵، ۴۳، ۳۷، ۳۶، ۳۳، ۳۲	حزب ایران، شعبه بوکان ۱۴۳، ۱۴۴
۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۳، ۱۰۲، ۷۳، ۷۲، ۶۷	حزب ایران، شعبه بیرجند ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۱
۲۶۰، ۲۵۹، ۲۱۴، ۲۰۶، ۱۴۲، ۱۴۱	۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۶
۲۶۶، ۲۶۵، ۲۶۴، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۶۱	۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲
۲۸۸، ۲۸۷	۱۸۲، ۱۸۷، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴
حزب ایران، شعبه لنگرود ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸	۲۲۸، ۲۳۰
حزب ایران، شعبه مسجدسلیمان ۱۷۰	حزب ایران، شعبه تبریز ۱۲۵
حزب ایران، شعبه مشهد ۴۰، ۴۱، ۶۱، ۶۹، ۷۵	حزب ایران، شعبه تویسرکان ۱۹۸
۱۰۸، ۱۰۱، ۹۹، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۸۵، ۸۲	حزب ایران، شعبه خرم آباد ۱۹۱، ۱۹۲
۱۶۱، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۱، ۱۰۹	حزب ایران، شعبه خشکبیجار ۱۰۴، ۱۰۵
حزب ایران، شعبه مهاباد ۲۱۲	حزب ایران، شعبه خوانسار ۲۰۳
حزب برادران، شعبه شیراز ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸	حزب ایران، شعبه درگز ۱۶، ۱۷، ۴۱، ۵۹، ۶۰

- حسین (از اهالی بیرجند) ۱۵۰
 حسین بن علی (ع)، امام سوم ۳۲۰
 حسین زاده (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 حسین زاده (از اهالی درگز) ۶۰
 حسین زاده، محمد ۱۸۰
 حسینی، ابراهیم ۱۴۵
 حسینی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
 حسینی، برات علی ۱۶۶
 حسینی، حسن ۱۴۵
 حسینی، علی اکبر ۱۳۴
 حسینی، مرتضی ۶
 الحسینی، نورالدین ۴۶، ۴۸، ۵۸، ۱۵۵، ۱۵۶،
 ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۶، ۲۱۶
 حشمتی (معاون وزیر کشور) ۳۱۳
 الحضاره (روزنامه) ۳۹
 حفیظی (از اهالی درگز) ۶۲
 حقانی، حسین ۱۷۸
 حقانی، محمد ۱۶۶
 حق شناس، جهانگیر ۱۷۴
 حق شناس، سهراب ۱۹۸
 حق شناس (کارمند بانک صنعتی و معدنی
 ایران) ۹
 حقگو، مرتضی ۷
 حقوق بشر ۱۴، ۲۵۶
 حقوق و مزایا ۲۸، ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۱، ۱۱۲،
 ۱۱۶، ۲۱۸، ۲۷۱، ۲۸۳
- حقیقی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶، ۱۷۸
 حکمت، رضا ۱۰، ۴۶
 حکومت نظامی ۱۵۷، ۱۵۹، ۳۰۱، ۳۸۹
 حمایان، اسماعیل ۲۳۹
 حمزه (از اهالی سنندج) ۳۲۸
 حیات داود ۱۱۲
 حیدر (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
 حیدری (از اعضای حزب ایران) ۶
 حیدری (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 حیدری (از اهالی بوکان) ۱۴۵
 حیدری (از اهالی سنندج) ۳۷۵
 حیدری، محمدعلی ۱۴۵
- «خ»
 خادم (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 خادمی، اکبر ۳۱۳
 خادمی، علی ۱۸۰
 خاش ۲۴۱
 خاقانی ۳۹۷
 خامسان، محسن ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷،
 ۱۸۷، ۲۳۹
 خامنه، هوشنگ ۷۶
 خانی، محمدعلی ۳۶۹
 خاورمیانه ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۵
 خاوری (کارمند نخست وزیری) ۲۰۰، ۲۴۷

- خبرنگاران ۲۸۹
 خبرنگاران خارجی ۳۱۱
 خجسته ۱۰۵
 خدابخش (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
 خدابنده، حسین ۳۲۹
 خداداد (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
 خدایاری، ناصر ۳۱۴
 خدایی، علی مردان ۳۶۰
 خدیری (از اعضای حزب ایران) ۸
 خرازی (مدیر روزنامه سنگر خاور) ۱۲۳
 خراسان ۴۱، ۴۹، ۱۰۱، ۱۲۳، ۱۴۶، ۱۸۱،
 ۱۸۲، ۲۲۱، ۲۲۵
 خراسان (روزنامه) ۹۴
 خراسانی، شجاع ۲۳۸
 خرسندیان، محمدتقی ۶۳، ۲۳۸
 خرقه پوش، خلیفه حسن ۳۷۳
 خرم آباد ۱۹۱
 خرید اسلحه ۲۰
 خزاعی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
 خزر (از اهالی بوکان) ۱۴۳
 خزیمه علم، امیرحسین ۱۸۲
 خسروی (روزنامه) ۲۸۵
 خسروی، شکرالله ۳۶۹، ۳۷۵
 خشکبیجار (رشت) ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۰۲، ۱۰۳،
 ۱۰۴
 خطاطان (کارمند اداره کل درآمد وزارت
 دارایی) ۱۹۶
 خطیبی (کارمند اداره کل درآمد وزارت دارایی)
 ۱۹۶
 خلع سلاح ۱۸۹
 خلیل (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
 خلیل پور (رئیس شهربانی اصفهان) ۲۵۳
 خلیل زاده، عسگر ۶۴
 خلیلی (از اعضای حزب ایران) ۸
 خلیلی (از اهالی بوکان) ۱۴۴
 خلیلی، حسن ۱۴۴
 خلیلی زاده (از اهالی درگز) ۶۲
 خواجوی، محمدحسین ۱۸۸
 خواجوی، نصیر ۲۱۷
 خواجهباش، حسن ۲۳۹
 خواجه میری، محمدباقر ۲۲۳
 خواریار ۱۱۲
 خوانسار ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴
 خودپرست، حق مراد ۳۲۹
 خورگامی، علی وحید ۲۳۸
 خورگامی، وحید ۳۲، ۳۶، ۳۷
 خوزستان ۲۲، ۳۰۸
 خوسف (بیرجند) ۲۲۷
 خوش خلق، طاهر ۲۳۸
 خیابان ژاله، تهران ۱۹۴
 خیابان سازی ۳۵
 خیابان شهدا، درگز ۷۷

دادگاه کازرون ۱۲۵	خیابان طبرسی، مشهد ۴۱
دادگاه کرمانشاه ۳۹۲، ۳۹۱	خیابان لاله‌زار، تهران ۳۶۹، ۳۶۴
دادگاه‌های نظامی ۲۲۳، ۲۲۵	خیابان ناصر خسرو، تهران ۳۱۸
دادگستری آبادان ۲۶۹	خیابانها ۷۷
دادگستری بیرجند ۱۳۳، ۱۵۰، ۱۸۷، ۲۳۱	خیروانی (از اهالی بیرجند) ۱۵۰
دادگستری سنندج ۳۲۵، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۵۰	
۳۶۳، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۲	(۵)
دادگستری شیراز ۲۱۶	
دادگستری مشهد ۱۶۱	دادرس، محمد ۷
دادور (سرتیپ) ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۴۷	داد (روزنامه) ۱۹۴
دادور (فرماندار کل کردستان) ۳۹۳	دادستان، فرهاد ۳۶۶
دارایی، حسین ۱۸۰	دادستانی دادرسی رشت ۲۶۰
دارسی، ویلیام ناکس ۲۲	دادستانی دادگاه نظامی لشکر ۸ خراسان ۲۲۳،
داروخانه محمدیان، شیراز ۱۵۶	۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۱
دالس، جان فاستر ۲۹۱	دادستانی کل ارتش ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲
دانش‌آموزان ۱۲۴، ۱۲۵، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۵	۲۶۳، ۲۶۶
۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۳۲۶	دادرسی بیرجند ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۲۸
۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۷	۲۳۰، ۲۳۱
دانشجویان ۱۴۷، ۱۴۸، ۲۲۳، ۲۴۸	دادرسی زاهدان ۲۴۳
دانشسرای بیرجند ۲۲۷	دادرسی شیراز ۲۱۷
دانشکو (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱	دادرسی فرمانداری نظامی آبادان ۲۱۳
دانشگاه تهران. دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۲۴۸	دادرسی کردستان ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۸
دانشگاهها ۳۰۰	دادگاه استان خراسان ۲۳۰
دانش، یعقوب ۲۴۶، ۲۴۸	دادگاه بجنورد ۱۶۴
داودخانی (از اهالی درگز) ۷۶	دادگاه تهران ۳۹۱
داوران، حبیب ۲۳۹، ۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۵	دادگاه درگز ۴۲

- دباغزاده، محمدکریم ۳۷۵
 دباغزاده وزیری، کریم ۳۴۲
 دباغی، محمد ۱۹۹
 دباغی، محمدصادق ۱۹۹
 دبیران، غلامرضا ۱۱۱
 دبیرستان شاپور، کازرون ۱۲۴، ۱۲۵
 دبیرستان شاهپور، رشت ۳۳
 دبیرستان شاهرضا، مشهد ۲۲۲، ۲۲۸
 دبیرستان قلهک، تهران ۲۲۲، ۲۲۸
 درآمدهای نفتی ۲۹۱
 درجز ← درگز
 درخشانفر (کارمند شهربانی کل کشور) ۲۰۴،
 ۲۱۳
 درگز ۱۶، ۱۷، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۴،
 ۶۸، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲،
 ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳،
 ۹۴، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۱۵، ۲۶۷
 درمان ۲۴
 دره گز ← درگز
 دریانی، محمدرضا ۱۵۰
 دژبانی مشهد ۱۱۰
 دژپرو، خیرالله ۷
 دستجردی، اسماعیل ۱۴۰، ۲۲۳
 دستغیب (رئیس دادسرای شیراز) ۲۱۷
 دستمالچی، یوسف ۲۳۹
 دفتر مخصوص شاهنشاهی ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱،
 ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۸، ۲۹۹،
 ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۸۹
 دلالان (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 دلشاد، اسمعیل ۶
 دلگیری (از اهالی درگز) ۶۰
 دلیران، زلفعلی ۶۴
 دلیری (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲
 دلیریان، اباذر ۶۰، ۶۲
 دلیری، رضاقلی ۷
 دلیلی، اسماعیل ۲۶۵
 دمشق ۳۹
 دمکراسی ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۵۸،
 ۲۵۶
 دمنستراسیون ← تظاهرات
 دواچاهی، عبدالعظیم ۲۸۱
 دواچاهی، محمدحسن ۲۸۱
 دواخانه وجدان، سنندج ۳۲۳
 دوران، عبدالله ۱۴۵
 دوستی، محمدعلی ۲۲۳، ۲۲۸
 دوشان (سنندج) ۳۲۴
 دولت آبادی، حسام ۲۷
 دولتشاهی، مهدی ۷
 دولو، حسن ۲۱۴، ۲۱۵
 دها ۲۷۱
 دهقان (از اهالی بیرجند) ۱۵۱
 دهقان، فریدون ۲۱۴

«ر»	دهک (شیراز) ۱۸۳، ۱۸۴
	دهواری، غلامصمد ۱۶۸
رنوف، احمدکریم ۳۶۹	دهواری، کریم‌داد ۱۶۸
راد، غلامعلی ۳۶۰	دهواری، نعل محمد ۱۶۸
رازی، حسن ۲۳۸	دهواری، محمدسلیمان ۱۶۸
راست‌روان (سرگرد) ۲۶۵	دیانت، حبیب‌الله ۳۱۷، ۳۲۸
راستگو (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	دیانت، عبدالله ۳۱۷، ۳۳۱، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۳
راشد (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	دیانی، ماشاء‌الله ۷
راشد، محمدرضا ۲۳۹	دیباچ (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱
راشدی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	دیده‌وری (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
راشدی، حسن ۲۲۳	دیرمولی (سنندج) ۳۲۴
راضی، حسین ۱۵۴	دیوان‌بیگی، رضاعلی ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲،
راور (از اعضای حزب ایران) ۶	۳۲۵، ۳۲۶، ۳۴۷، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۸۱
راه‌آهن دولتی ایران ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴،	دیوان عالی کشور ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۴
۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱	
راه مصدق (روزنامه) ۲۸۱	«ذ»
رجایی (از اعضای حزب ایران) ۱۹۷	ذکاء‌الدوله ۱۰
رجب‌زاده (از اهالی بیرجند) ۱۵۱	ذوالفقاری، حسن ۳۱۴، ۳۶۹، ۳۷۵
رحمان (از اهالی بوکان) ۱۴۴، ۱۴۵	ذوالفقاری، حسین ۳۶۹
رحمان‌قلی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	ذوالفقاری، صالح ۳۶۹
رحمانی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸	ذوالفقاری، عباس ۳۶۹
رحمانی، جواد ۱۶۶	ذوالقدر (از اهالی شیراز) ۲۱۶
رحمانی، علی ۱۵۱، ۱۷۸	ذوب‌آهن اصفهان ۲۷۸
رحمانی، ولی‌صمد ۱۶۸	
رحمدل (رئیس شهربانی کاشان) ۳۵	
رحمیان، محمد ۳۶۹	

رشید (از اهالی بوکان) ۱۴۳، ۱۴۴	رحیم آبادی، محمد ۱۵۰
رشیدیان، محمود ۳۱۸	رحیم آبادی، محمدعلی ۱۵۰
رشیدی، عبدالله ۳۴۲	رحیم زاده (از اعضای حزب ایران) ۶
رشیدی، عبدالمحمد ۳۷۶	رحیمی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۸
رشیدی، عزت الله ۳۶۸، ۳۷۶	رحیمی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
رشیدی، کریم ۱۴۵	رحیمیان، محمد ۳۷۵
رضاقلی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	رحیمی، حسن ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۰
رضایی، ابراهیم ۳۷۵	رحیمی، علی ۱۳۰
رضایی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	رحیمی، محمد ۱۵۰
رضایی، اسرافیل ۲۸۱	رحیمی، محمد رضا ۱۲۹، ۱۵۰
رضاییان، حسن ۸	رحیمی، محمدعلی ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۵
رضایی، فتاح ۲۸۱	رخشانی، فریدون ۲۲۸
رضایی، محمد ۳۷۵	رخشنده (از اعضای حزب ایران) ۶
رضایی، محمدحسن ۱۵۰	رزم آرا، حاجعلی ۲۶، ۲۷، ۲۷۰
رضوانی، صادق ۷۶	رستم زاده، محمد ۲۳۹
رضوانی، محمد ابراهیم ۲۲۳	رستوران شهرداری تهران ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹
رضوی، حسین ۱۵۰	۳۰
رضوی، عبدالله ۱۳۰، ۱۳۳	رسول (از اهالی بوکان) ۱۴۵
رضوی، علی اکبر ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۰	رسولی (از اهالی بوکان) ۱۴۵
رضوی، قادر ۱۴۵	رسولی، عبدالعلی ۷
رضوی (کارمند اداره برق) ۲۴۶، ۲۴۸	رشت ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۳۱، ۴۳، ۴۴، ۷۲، ۱۰۳
رضوی (کارمند نخست وزیری) ۱۰۸	۲۱۴، ۲۱۵، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲
رضوی (مدیرکل بنگاه مستقل برق تهران) ۲۳۳	۲۸۱، ۲۹۲، ۲۹۴، ۲۹۵
رفت (کارمند شهربانی کل کشور) ۱۲۴، ۳۴۵	رشتی ← پیروزگر، محمدجواد
رمزی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	رشوه خواری ۱۰۱، ۱۱۲، ۲۵۶، ۲۸۹، ۳۲۰
روابط سیاسی ۳۱۲	۳۲۴

- رواسانی، شاهپور ۲۳۸
 روح‌الله (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 روحانی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 روحانی (از اهالی کردستان) ۳۱۷
 روحانی، مسلم ۳۲۹
 روزنامه‌نگاران ۱۲۳، ۳۲
 روزنامه‌نگاری ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴
 روزنامه‌ها ۹۶، ۱۱۱، ۱۳۲، ۲۳۳، ۲۷۷، ۳۶۶، ۳۹۱، ۳۹۲
 روسیه ← شوروی
 روشن، سلیمان ۱۷۷، ۱۷۹
 روشن، محمد ۱۷۷، ۱۷۹
 روشنی (از اهالی اسفراین) ۱۶۵
 روشنی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
 روشنی، حبیب‌الله ۳۱۸
 روغنی، محمدعلی ۱۵۱
 روق‌آباد (اسفراین) ۱۸۰
 رونقی (از اهالی بیرجند) ۱۸۸
 رونقی، مهدی ۲۳۹
 رهبر سعادت، کریم ۲۳۹
 رهبر، ملک‌علی ۱۸۸
 ریاحی، غلامحسین ۱۸۷، ۲۲۳، ۲۳۰
 ریاحی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 ریاحی، محمد ۱۵۱
 ریاسی، محمد ۱۸۸
 ریاضی، اسدالله ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹
 ریشار (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 ریگ (زاهدان) ۲۴۲
 ریگی، آزاد ۱۶۸
 ریگی، امان‌الله ۱۵۴
 ریگی، بلوچ‌خان ۱۶۸
 ریگی، خان‌محمد ۱۶۸
 ریگی، خدابخش ۱۶۸
 ریگی، درمحمد ۱۶۸
 ریگی، صمد ۱۶۸
 ریگی، عبدالکریم ۱۶۸
 ریگی، عمر ۱۶۸
 ریگی، قادر ۱۶۸
 ریگی، گرگین ۱۶۸
 ریگی، ملک‌شاه ۱۶۸
 ریگی، نظر ۱۶۸
 ریگی، تقضان ۱۶۸
 ریگی، وسی ۱۶۸
 ریگی، ولی صمد ۱۶۸
 «ز»
 زابل ۱۳۵
 زارع، اکبر ۳۱۴
 زارع، حسین ۳۱۴
 زارع، محمدکاظم ۱۸۳، ۱۸۴
 زارعی، محمد ۳۴۲

زاهدان ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۴۰، ۲۴۱	زندى قلعه محمودى، محمدالدين ۳۷۶
زاهدی، عباس ۱۰	زنگنه (از اهالی کرمانشاه) ۳۶۰
زاهدی، علی ۱۰	زنگنه (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۳
زاهدی، فضل‌الله ۱۸۷، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۹	۹
۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۴۰، ۲۴۲	زهدي (مدیر هنرستان صنعتی اصفهان) ۲۵۳
۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۲	زهرایی، هدایت ۲۰۱، ۲۰۲
۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱	زهریه، محمود ۲۴۶، ۲۴۹
۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۹۰	زهني، حبيب‌الله ۳۶۹
زبرجد، محمود ۳۱۸	زیرک‌زاده، احمد ۳۴، ۳۵، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۱
زرافشان (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱	۶۰، ۶۸، ۷۰، ۸۲، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۱۴
زرداری، حسین ۳۱۸	۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۴۲، ۱۸۶
زرگری، حمد ۳۶۹	۱۹۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۸
زرگری، عبدالحمید ۳۷۵	زیرک‌زاده، فتح‌الله ۳۵
زرگری، حمد ۳۶۹	
زرین‌افسر (کارمند اداره راه بلوچستان) ۲۴۲	«ژ»
زرین (روزنامه) ۱۲۳	
زرین‌نگار (مدیر روزنامه زرین) ۱۲۳	ژاندارمری آبادان ۲۶۹
زربنده‌باف (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	ژاندارمری اسفراین ۱۸۹
زعیم، صادق ۷	ژاندارمری بانه ۳۶۰
زمان، عبدالباقی ۳۱۸	ژاندارمری بجنورد ۱۶۳، ۱۶۴
زمردی (از اعضای حزب ایران گیلان) ۲۰	ژاندارمری بیرجند ۱۵۰، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۷
زمردی، مظفر ۲۳۸	ژاندارمری تبریز ۱۹۰
زمینی، محمد ۱۵۱	ژاندارمری خشکبیجار ۱۰۳، ۱۱۶
زنجانی، اسماعیل ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹	ژاندارمری درگز ۶۴، ۷۹
زندى، احمد ۳۴۲، ۳۷۵	ژاندارمری رشت ۱۰۴
زندى قلعه محمودى، اسماعيل ۳۷۶	ژاندارمری سقز ۳۶۰

۳۶۲، ۳۳۵	ژاندارمری سنندج ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱،
سازمان مبارزه با فساد ۱۱۲، ۱۱۳	۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۸، ۳۶۰، ۳۶۳،
سازمان ملل متحد ۳۳	۳۷۳، ۳۷۲، ۳۸۲، ۳۹۳، ۳۹۸
سازمان ملل متفق ← سازمان ملل متحد	ژاندارمری کل کشور ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۱۶۳، ۱۷۴،
سازمان نظارت بر انتخابات آزاد خشکبیجار ۷۲	۱۷۵، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۴۰
ساسان (از اعضای حزب ایران) ۷	ژاندارمری لطف آباد ۱۱۵
ساسانفر (کارمند اداره برق) ۲۴۶، ۲۴۸	ژاندارمری مشهد ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶
ساعد مراغه‌ای، محمد ۱۹	
ساکنی، ابراهیم ۲۹۷، ۲۹۸	«س»
سالاری، حسین ۲۲۲	
سالاری، محمدحسین ۲۲۶	سادات ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷
ساوسی، ابراهیم ۱۸۸	سارایی، محمدعلی ۱۳۰
سبحانی (از اعضای حزب ایران) ۲۸۲، ۲۸۳	سازمان اطلاعات و امنیت آبادان ۳۰۸
سبزعلی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	سازمان اطلاعات و امنیت کردستان ۳۹۸
سبزوار ۱۶۶	سازمان اطلاعات و امنیت کشور ۲۷۰، ۲۷۱،
سبزواری (از اهالی بیرجند) ۱۵۱	۲۷۳، ۲۸۵، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷،
سبزیان، حسن ۱۸۸	۲۹۸، ۳۰۱، ۳۹۳، ۳۹۴
سپاه یکم آبادان ۲۸۵	سازمان بازرسی کل کشور ۲۱۶، ۲۲۱، ۳۵۴،
سپهر، منوچهر ۱۸۸	۳۵۵
ستاد ارتش ۲۷، ۵۸، ۵۹، ۷۱، ۱۱۲، ۲۰۵،	سازمان برنامه ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۱۴، ۲۱۵،
۲۰۶، ۲۰۷، ۲۵۸، ۲۷۴، ۳۴۸، ۳۶۱،	۲۵۴، ۲۵۵، ۲۷۰، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹،
۳۸۹، ۳۷۳	۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳
ستاد بزرگ ارتشتاران ۲۵۹، ۲۶۴	سازمان بیمه‌های اجتماعی ۲۶۱، ۲۶۶
ستار (از اهالی سنندج) ۳۷۵	سازمان جوانان حزب ایران ۵۳، ۵۵
ستاری، محمد ۳۷۶	سازمان جوانان حزب توده بیرجند ۲۲۵
ستوده، حسین ۵	سازمان کشاورزان حزب سعادت ملی کردستان

سرمد ۲۶، ۲۷، ۲۹	سجادی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
سروری (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	سجادی (از اهالی سنندج) ۳۷۵
سعادت‌قلی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	سجادی (از اهالی کردستان) ۳۱۸
سعادت، هاشم ۱۸۸	سجادی، بهاء‌الدین ۳۶۲، ۳۸۳
سعادت، نصرالله ۳۷۵	سجادی، حسن ۲۳۹
سعدی شیرازی (شاعر) ۱۴	سجادی، عبدالله ۳۱۸
سعیدی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	سجادی، عبدالمجید ۳۳۹
سعیدی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸، ۱۴۹	سجادی، مجید ۳۶۳، ۳۶۸
سعیدی، سعید ۱۴۵	سجادی، محمد ۴، ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۷۵
سعیدی، مهدی ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۷، ۲۳۰، ۲۲۳، ۱۸۷، ۱۴۰	سحر (روزنامه) ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲
سفارت ایران در دمشق ۳۹	سخرانیاها ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۵۱، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۷، ۷۲
سفیران ۳۲	۷۳، ۸۸، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۹۲، ۱۹۶، ۲۲۲
سقری، عبدالخالق ۳۶۹	۲۲۸، ۲۵۶، ۳۰۰، ۳۰۲، ۳۰۵، ۳۰۷
سگوند (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹	۳۴۱، ۳۰۸
سگوند، علی ۱۹۹	سدجی (از اعضای حزب ایران) ۷
سگوند، هوشنگ ۱۹۹	سرابندی، حسین ۲۳۸
سلاحها ۲۲۴، ۲۴۸، ۳۴۶، ۳۵۰	سراج‌الدین (از اهالی سنندج) ۳۷۵
سلامت‌بخش، محمدرسول ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲	سرانجانی، بهمن ۶
۲۹۵، ۲۹۳، ۲۳۸، ۳۷، ۳۲	سربازان ۳۳
سلامت، علیرضا ۷	سرخوش، علی ۷
سلطانی (از اعضای حزب ایران) ۸، ۲۳۹	سردار فاخر ← حکمت، رضا
سلطانی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	سرفت ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۹۳
سلوکی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	سرفت مسلحانه ۱۶۹، ۲۲۴
سلوکی، عبدالعظیم ۷۲، ۱۱۶	سرکوبی ۲۴۲
سلیمانی، جواد ۳۱۴	سرمایه‌گذاری خارجی ۱۲۷

سنگر خاور (روزنامه) ۱۲۳	سلیمانی، حسن ۲۶۵
سنندج ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۱	سلیمانی، ذبیح‌الله ۱۸۰
۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۷۴	سلیمانی (شهردار درگز) ۲۶۷
۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۹۱، ۳۹۴	سلیمانی، علی ۱۹۹
سنندجی، آصف ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۵۲	سلیمانی، علی‌اکبر ۲۹۷، ۲۹۸
سنندجی، اصغر ۳۴۲	سلیمانی، همایون ۳۱۴
سنندجی، سالار سعید ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۸۵	سلیمی اشکوری (از اهالی رشت) ۲۶۵
سنندجی، سلطان حسین ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۰	سلیمی پور ۲۷۲
۳۷۱، ۳۸۵، ۳۸۹	سلیمی، مجتبی ۱۹۹
سنندجی، نصرت‌الله ۳۴۲، ۳۶۸	سمنانیان (کارمند اداره کل درآمد وزارت
سوابق خدمت ۲۷۶	دارایی) ۱۹۷
سوداگر، عباس ۲۳۹	سمعی (از اعضای حزب ایران) ۷
سهام ۲۸۲	سمعی، هوشنگ ۱۷۳
سهامداران ۱۲۶، ۱۲۷	سناتورها ۲۵۹، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۶
سهمیها ۱۰۹، ۱۱۰	۳۴۷، ۳۹۱
سیار (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	سنایی (از اهالی درگز) ۶۲
سیاست خارجی ۳۶، ۳۷، ۲۵۶	سنجایی (از اهالی درگز) ۶۰
سیاستهای استعماری ۶۲، ۱۵۲	سنجایی، کریم ۶۴، ۷۴، ۷۵، ۸۳، ۸۶، ۹۸
سیاوش‌خان (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱
سیاهی، مهدوت ۱۶۸	۱۵۶، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳
سیداسعدی، فلاح ۳۷۵	۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳
سیدحسینی، محمد ۱۵۱	۱۸۴، ۱۹۷، ۲۱۲، ۲۳۷، ۲۳۹، ۳۶۵
سیدزاده (کارمند اداره دارایی ابهر) ۱۹۰	۳۷۰، ۳۷۱
سیدشهبازی، عبدالله ۳۷۵	سندادان (بیرجند) ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۳۷
سیدشهبازی، عبدالله ۳۶۹	سندی‌کای مهندسین ۱۰
سیدشهبازی، عطاء‌الله ۳۶۹	سنقری، تابع ۱۴۸

شادلو، روح‌الله ۱۷۰	سیدشهادی، علی‌الله ۳۷۶
شادلو، سهراب ۱۷۰	سیدشهادی، وفا ۳۷۶
شادلو، سیف‌الله ۱۷۰	سیدشهرابی، زکی ۳۷۶
شادلو (طایفه) ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰	سیدشهرابی، عبدالله ۳۷۶
شادلو، فتح‌الله ۱۷۰	سیدشهرابی، محمود ۳۷۶
شادلو، فربرز ۱۷۰	سیدنژاد بداغ‌آبادی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
شادلو، فریدون ۱۷۰	سیدی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
شادلو، فضل‌الله ۱۷۰	سیدی (کارمند بنگاه برق تهران) ۲۴۸
شادلو، ناصر ۱۷۰	سیستان و بلوچستان ۱۴۹، ۱۵۴، ۱۶۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۴
شادلو، نصرالله ۱۶۹	سیف‌الله‌خان (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
شادلو، همایون ۱۷۰	سیفی (کارمند اداره کل درآمد وزارت دارایی) ۱۹۷
شادلو، یارمحمد ۱۷۰	
شاطریان (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲	
شافعی (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲	(ش)
شافیه، ابوالقاسم ۲۳۹	شادابها ۲۹
شاکری، احمد ۳۷۶	شادلو، احمد ۱۷۰
شالچی، علی ۸	شادلو، اسفندیار ۱۷۰
شاه‌آباد، تهران ۱۹۴	شادلو، اصلان ۱۷۰
شاهچراغ، شیراز ۵۸	شادلو، امان ۱۷۰
شاهد (روزنامه) ۱۹۴	شادلو، ایرج ۱۷۰
شاهرخشاهی، قهارقلی ۳۲۳، ۳۵۶	شادلو، بیژن ۱۷۰
شاهرضا (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	شادلو، پرویز ۱۷۰
شاه نجفی، حسن ۳۱۴	شادلو، خانلر ۱۷۰
شبان، رضی ۲۳۹	شادلو، خسرو ۱۷۰
شجاعی، حسین ۳۷۵	

شریعتی، عطاءالله ۳۲۸، ۳۲۹	شرافتمند، علی احمد ۳۰۲
شریعتی، ملاعلی ۳۷۳	شرافتی، حیدر ۷
شریف‌العلمای خراسانی (از اعضای حزب ایران) ۷	شرح وظایف ۱۵۲
شریف‌امامی، جعفر ۱۹۴	شرفی، طالب ۱۸۰
شریف‌زاده (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	شرکت اتوبوسرانی ولیپرور ۳۰۸
شریفی، احمد ۶۹، ۳۷۶	شرکت ارز ۷
شریفی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	شرکت بیمه ایران ۱۸۵، ۱۸۶
شریفی‌زاده، صالح ۴۰۲	شرکت پنبه ۱۱۲، ۱۱۳
شریفی، علی ۲۳۹، ۲۴۹	شرکت چاپ سنندج ۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۳
شریفی، علی‌نقی ۳۶۹، ۳۷۶	شرکت سومر ۷
شفایی، مجید ۷۶	شرکت سهامی ابریشم و نوغان ۲۱۴، ۲۱۵
شفیعی، احمد ۵۹	شرکت سهامی کارخانجات قند ایران ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵
شکایتها ← در اکثر صفحات	شرکت سهامی کل تلفن ایران ۱۲۸
شکل‌زایی، علی محمد ۱۶۸	شرکت سهامی نفت ایران ۱۲۶، ۱۴۷، ۱۴۸
شکل‌زایی، یارمحمد ۱۶۸	۳۰۳، ۳۰۸
شکنجه و آزار ۱۸۸، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲	شرکت گروپ ۲۷۸
۳۳۲	شرکت ماگ ۲۷۸
شکوهی، علی ۱۸۰	شرکت معاملات خارجی ۱۸۶
شلیله (از اعضای حزب ایران) ۷	شرکت مهندس شهیدی ۸
شمس، احمد ۳۷۵	شرکت نساجی ۲۸۱
شمس (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	شرکت نفت ایران و انگلیس ۲۲، ۳۱، ۳۲، ۴۰، ۴۱، ۱۲۰، ۱۵۲
شمسیان (کارمند نخست وزیری) ۲۰۰، ۲۱۱	شرکتهای دولتی ۱۸۵، ۱۸۶
شمسی، باقر ۳۶۹، ۳۷۵	شوررکش، احمد ۳۷۵
شناسایی ۳۱۲	شریح (قاضی و فقیه صدر اسلام) ۱۳۲
شورای امنیت درگزر ۶۰، ۶۱، ۶۹، ۸۶، ۸۸، ۹۸	

۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۹، ۲۲۸، ۲۲۷	۲۶۷، ۱۰۶
شهربانی درگز ۱۷، ۴۲، ۶۴، ۷۹، ۹۰، ۱۱۵	شورای ده گالش محله ۱۰۴
۲۶۷	شورای شهرستان آبادان ۲۶۹
شهربانی رشت ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲	شورای شهرستان درگز ۷۹، ۷۸
۲۸۰، ۱۴۲، ۱۴۱، ۵۶، ۵۵، ۳۸، ۳۶، ۳۳	شورای عالی اقتصاد ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹
۲۹۵، ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۹۲، ۲۸۸، ۲۸۷، ۲۸۱	شورای عالی هیأت نظارت دادگستری ۱۹۴
شهربانی سنج ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۴۴، ۳۴۷	شورای عشایری ۲۱۲
۳۷۷، ۳۷۳، ۳۶۵، ۳۵۸، ۳۵۰، ۳۴۹	شورای کشاورزان ۱۰۴، ۱۰۵
۳۹۳، ۳۸۴، ۳۸۲، ۳۸۱، ۳۷۹، ۳۷۸	شوروی ۱۹، ۲۰، ۳۷، ۸۲، ۲۲۷، ۲۵۸، ۲۶۱
۳۹۸، ۳۹۶، ۳۹۴	۲۷۷، ۲۹۰، ۲۹۱
شهربانی شیراز ۴۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۱۵۶، ۱۵۷	شوکت (رئیس شهربانی گیلان) ۲۳
۱۵۹	شهابی، بابا ۳۶۹
شهربانی کازرون ۱۲۵	شهابی، باقر ۳۲۹
شهربانی کاشان ۳۴، ۳۵	شهابی (رئیس دانشسرای بیرجند) ۲۲۸
شهربانی کل کشور ← در اکثر صفحات	شهابی، عارف ۴۰۲
شهربانی گلپایگان ۲۰۴	شهادت ۱۶۲، ۱۷۱
شهربانی مشهد ۹۹، ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۵	شهامت (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
۱۴۷، ۱۴۶	شهبازی، صالح ۳۷۶
شهرجو، علی ۵۹	شهبازی، محمدکریم ۳۶۹
شهرداران ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹	شهربانی آبادان ۴۰، ۲۱۳، ۲۶۹
شهرداری آبادان ۲۶۸، ۲۶۹	شهربانی آباد ۲۱۹
شهرداری آباد ۲۱۸	شهربانی اصفهان ۲۵۱، ۲۵۳
شهرداری بیرجند ۲۲۴	شهربانی بجنورد ۱۶۳، ۱۶۴
شهرداری تویسرکان ۱۹۸، ۱۹۹	شهربانی بندرانزلی ۲۸۰
شهرداری تهران ۲۶، ۲۷، ۲۸	شهربانی بیرجند ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۵۰
شهرداری درگز ۷۹، ۲۶۷	۱۸۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶

صادرات ۱۱۲، ۲۷۷	شهشانی (از اعضای حزب ایران) ۷
صادق (از اهالی سندج) ۳۷۵	شهنایی ۲۵۰
صادق عزیزی، ابوالقاسم ۳۷۵	شهنوازی (از اهالی زاهدان) ۱۶۸
صادق وزیری، احمد ۳۷۵	شهیدان ۷۷، ۷۸، ۹۳
صادق وزیری، صارم‌الدین ۳۷۰	شهیدی (از اهالی سندج) ۳۷۵
صادق وزیری، نصرت‌الله ۳۶۸، ۳۷۵	شهیدی (کارمند اداره برق) ۲۴۶
صادق وزیری، نورالله ۳۴۱	شهیری (از اعضای حزب ایران) ۶
صادقی، حسین ۶	شیبانی، حبیب‌الله ۲۳۱
صادقی، سعید ۳۱۷	شیخ‌الاسلام کردستانی (از اهالی کردستان)
صادقی، غلامحسین ۳۱۸	۳۴۵، ۳۴۴، ۳۴۳، ۳۴۲
صادقی، محمد ۳۱۳	شیخانی، غلامرضا ۶۲، ۲۳۹
صادقی، هوشنگ ۳۱۴	شیراز ۴۵، ۴۸، ۱۱۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸،
صارم، محمود ۴۱، ۴۲، ۴۳	۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۳، ۲۱۶
صالح (از اهالی سندج) ۳۲۸	شیرانی، غلامرضا ۲۳۹
صالح، اللهیار ۲۷، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۵۷، ۲۵۸	شیرخانی، عبدالله ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴،
۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۱۳	۲۷۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶
صالح‌زایی (از اهالی زاهدان) ۱۶۸	شیرخوارگاه تهران ۲۶، ۲۷، ۲۸
صالح‌زایی، پرویز ۱۶۸	شیردل (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲
صالح‌زایی، پیرصمد ۱۶۸	شیوا (کارمند اداره برق تهران) ۲۴۶، ۲۴۷
صالح‌زایی، شیرمحمد ۱۶۸	شیوخ، رحیم ۲۲۷
صالح‌زایی، ملک‌صمد ۱۶۸	
صالح‌زهی، درمحمد ۱۶۸	
صالح، علی‌اکبر ۲۳۹	
صالحی، حسن ۳۰۸	صابر، بیوک ۲۷۷
صالحی‌زهی، ادريس ۱۶۸	صابونی، اسماعیل ۱۹۹
صبا، علیرضا ۲۳۱	صاحبان سهام ۲۸۳

«ص»

- صباغ پور (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
صباغ، رضا ۲۲۷
صبوغی، غلامرضا ۳۳۹
صحراگرد، نصیر ۴۲
صحن نو حرم مطهر امام رضا (ع)، مشهد ۴۱
صدای خراسان (روزنامه) ۸۳
صدای شیراز (روزنامه) ۱۶۰، ۵۹
صدیق (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱
صدیق متولی، صالح ۳۲۱
صدیق، محمد ۳۴۱
صدیقی، احمد ۳۶۰، ۳۵۹
صدیقی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
صدیقی، صالح ۳۷۵
صدیقی، غلامحسین ۶۶، ۷۰، ۹۰، ۹۹، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۸۱، ۳۲۳، ۳۳۸
صفاری (از اعضای حزب ایران) ۶
صفاری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
صفاری، حسین ۲۲۳
صفاری، رحیم ۱۴۱، ۱۴۲
صفاری، محمدعلی ۲۷
صفاری، منوچهر ۲۸۱
صفایی (کارمند اداره کل درآمد وزارت دارایی)
۱۹۷
صفایی مردانی، نیک محمد ۱۷۸
صفری، اسماعیل ۱۷۸
صفری، عبدالخالق ۳۴۲
صلاحی، محمد ۳۶۸
صلاحی (از اهالی سنندج) ۳۴۲
صلاحی، محمدامین ۳۷۵
صمدی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
صمدی، غلامرضا ۲۳۹
صمدی، محمدتقی ۲۳۰
صمدی، محمدمهدی ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷
۱۴۰، ۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۹
صمیمی (از اهالی درگز) ۶۰، ۶۲
صنف آب نبات ساز مشهد ۱۰۹، ۱۱۰
صنیعی، عبدالحسین ۳۸۴
صورت جلسه ۶۴، ۷۸، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۸
۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۴۵، ۲۶۹، ۳۲۸
۳۲۹، ۳۳۵
صوفی، ابوبکر ۱۴۳
صوفی، عبدالرحیم ۱۴۳
صوفی، عظیم ۱۴۳
صهبا ۳۹۱
«ض»
ضرابی، ابراهیم ۱۹۷
ضرابی، حسین ۱۹۷
ضرابی، علی اکبر ۱۹۷
ضرغامی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
ضیایی، اسماعیل ۲۰۱، ۲۰۲

طلاب علوم دینی ۱۳۲	ضیایی (کارمند نخست وزیری) ۱۵۵، ۱۷۲،
طوسی، کریم ۱۹۷	۳۶۴
طهبازیان (از اعضای حزب ایران) ۲۵۰، ۲۵۱،	
۲۵۳، ۲۵۲	«ط»
طهماسبی (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱	طائب (از اعضای حزب ایران) ۲۳۸
طهماسبی، کرم زمان ۶۰، ۶۲	طالب زاده (از اعضای حزب ایران) ۲۳۸
	طاهباز، خلیل ۵
«ظ»	طاهباز، قاسم ۶
ظهیر امامی، جلال ۲۱۸، ۲۱۹	طاهبازیان (از اعضای حزب ایران) ۲۳۸
	طاهرزاده بهزاد (عضو هیأت مدیره راه آهن
«ع»	دولتی ایران) ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳
	طاهری، اسدالله ۳۱۴
عابد (از اهالی سنندج) ۳۷۵	طاهری، عبدالمحمد ۱۷۸
عابدینی، احمد ۳۷۶	طاهری، محمد ۳۱۴
عابدینی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)	طاهری، ناصر ۳۱۴
۱۰	طاهری، هوشنگ ۲۲۸
عادلی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	طباطبائی، ضیاءالدین ۲۷
عارف (از اهالی سنندج) ۳۲۸	طباطبائی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)
عارفی، جواد ۱۳۷	۱۰
عارفی، حسام الدین ۳۷۱	طباطبائی، محمدصادق ۱۰
عارفی (فرماندار کل کردستان) ۳۴۶	طبسی (کارمند اداره برق تهران) ۲۴۶، ۲۴۹
عاشوری (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	طرفدار، اسماعیل ۳۱۴
عاشوری، علی ۱۶۶	طرفدار، اکبر ۳۱۳
عاقلی، زینا ۱۵۱	طرفدار، عباس ۳۱۳
عامری، باقر ۲۲۱	طرفدار، نصرالله ۳۱۳

- عامری، مصطفی ۱۲۲، ۱۲۴
 عاملی (کارمند اداره برق تهران) ۲۴۶، ۲۴۹
 عباس (از اهالی اسفراین) ۱۶۶، ۱۸۰
 عباسی، علی ۱۵۰
 عباسی، قلی ۱۸۰
 عبدالرحیم (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 عبدالصمد (از اهالی سنندج) ۳۷۵
 عبدالعزیز (از اهالی سنندج) ۳۸۳
 عبدالله (از اهالی بوکان) ۱۴۳، ۱۴۵
 عبدالله (از اهالی سنندج) ۳۷۵
 عبداللهزاده (از اهالی بوکان) ۱۴۵
 عبداللهزاده (از اهالی بیرجند) ۱۸۸
 عبداللهی (از اهالی سنندج) ۳۷۶
 عبداللهیان، کریم ۷
 عبداللهیان، محمد ۵
 عبداللهی، سیف‌الله ۳۱۸
 عبداللهی، عبدالرحیم ۳۷۶
 عبداللهی، علی اکبر ۱۵۱
 عبدالوهابی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰
 عدالت اجتماعی ۱۲۷، ۱۵۸
 عراق ۳۲۴
 عربزاده، محمود ۱۵۴
 عرفان (از اهالی سنندج) ۳۷۶
 عزاداری ۳۰، ۱۲۵
 عزالمالک ۳۷۳، ۳۷۸
 عزمی (مدیر روزنامه آتش‌فشان) ۵۸
 عزیز (از اهالی بوکان) ۱۴۳، ۱۴۴
 عزیزی (رئیس اداره بهداری درگز) ۹۷
 عزیزی، عبدالله ۱۴۵
 عطاردی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
 عطایی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 عطایی، فضل‌الله ۱۶۶
 عطری، علی ۷
 عطوفی (رئیس خالصه ایرانشهر) ۲۴۲
 عظیم، امیر سلیمان ۱۵۴
 عظیمی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 عظیمی، عابدین ۶
 عکسها ۶۳، ۲۶۸، ۲۷۶، ۳۰۲
 علانی دیان، حسین ۱۴۵
 علاقمند، محی‌الدین ۳۱۸
 علاء، حسین ۱۳۸، ۲۴۰، ۲۷۱، ۲۸۴، ۳۷۸
 ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۹۱
 علم، امیراسدالله ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۶۷
 ۱۸۱، ۱۸۲
 علمی (رئیس اداره فرهنگ بیرجند) ۱۵۱
 ۲۲۴
 علوی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
 علوی، حسن ۴۰۲
 علوی، رضا ۲۲۷
 علوی، علی ۱۵۰
 علوی کیا، حسن ۲۹۸
 علوی، محمد ۱۵۰

غفوری، یوسف ۷	علوی مقدم، مهدیقلی ۲۴۶، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۹،
غلات ۱۸۰	۲۹۵، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷،
غلام (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	۳۱۰، ۳۱۱، ۳۴۰
غلام (از اهالی بیرجند) ۱۵۱، ۱۵۰	علی آبادی، عبدالحسین ۱۶۲، ۱۶۳، ۳۵۵،
غلامان (بجنورد) ۲۲۷	علی (از اهالی بیرجند) ۱۵۰، ۱۸۷،
غلامحسین (از اهالی بجنورد) ۱۶۱، ۱۶۴	علی (از اهالی سنندج) ۳۷۵
غلامرضا (از اهالی بیرجند) ۱۵۰، ۱۵۱	علی بن ابیطالب (ع)، امام اول ۳۷
غلامزاده، عبدالمحمد ۱۸۰	علی جان (از اهالی بیرجند) ۱۵۱
غلام میان هم آغوش، حسین ۱۵۱	علیزاده، محمدحسن ۱۳۳
غلامی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	علیزاده، وهاب ۷
غلامزادی (از اهالی کاشان) ۳۱۳	عمر وعاص ۱۳۲
غیائی، احمد ۳۵۲، ۳۷۰، ۳۷۱	عمید، حسین ۱۲۰
	عید نوروز ۱۵
«ف»	عیسی بیگ (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
	«غ»
فتودالها ۱۱۲، ۱۹۱، ۱۹۲، ۳۲۴، ۳۵۰	غارت اموال ۱۷، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۱۷،
فارس ۵۱، ۱۱۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۳۵۰	۳۲۴
فاطمی (از اعضای حزب ایران) ۸	غدیری، محمدعلی ۷
فاطمی، حسین ۲۴۸، ۲۸۱	غفار (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
فال اسیری، حسام‌الدین ۵۱	غفاری (از اهالی درگز) ۷۶
فانی، حسین ۷	غفاری (رئیس اداره پست و تلگراف و تلفن
فتاحی، غلام ۱۰۴	درگز) ۷۹
فخاری، تقی ۶۰، ۶۴، ۶۹، ۲۳۹	غفاری (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
فداکار (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱	غفاری (مهندس) ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸،
فرجاد، اسماعیل ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۴۴، ۲۳۹	
۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶	

فرمانداری کل کردستان ۳۳۸، ۳۴۷، ۳۵۳، ۲۴۵، ۲۴۳، ۲۴۱	فرخانی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
فرمانداری گلپایگان ۲۰۴	فرد، سبزیعلی ۲۹۵، ۲۹۳
فرمانداری مشهد ۱۶	فرزام، محمود ۳۷۵
فرمانداری نظامی آبادان ۴۰، ۲۷۴، ۲۷۵	فرزان، فرخ ۲۳۸
فرمانداران ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۶۱، ۷۱، ۷۷، ۷۸	فرزانه ۳۲۲
فرماندهان نظامی ۶۴، ۷۱	فرزانه (از اعضای حزب ایران) ۷
فرماندها ۲۷۴	فرزانه بهلگرد، احمد ۲۲۳، ۲۲۵
فرمودی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰	فرشچی، اسماعیل ۳۱۸
فروزنده، امین ۳۷۶	فرمانداران ۴۳، ۴۴، ۴۹، ۶۱، ۷۱، ۷۷، ۷۸
فروغی، غلامرضا ۱۵۱	۸۱، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۱۶۷، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۴
فروغی، مسعود ۳۹۹	۲۷۵، ۲۷۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۳۰۸
فروهر، داریوش ۱۵۴	۳۱۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۷۳، ۳۷۹، ۳۸۵، ۳۸۶
فریاد اصفهان (روزنامه) ۲۴۹	فرمانداری آبادان ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۵، ۲۷۶
فریاد (مهندس) ۳	۲۸۵
فریاد، غلام ۱۵۱	فرمانداری آبادان ۲۱۸، ۲۱۹
فرید ۸۶	فرمانداری بم ۸۷
فریدونی، احمد ۲۱	فرمانداری بیرجند ۱۳۷، ۱۸۷، ۲۲۱، ۲۲۲
فریدونی، عبدالحمید ۳۲۸	۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸
فریدی، حسین ۱۳۳	فرمانداری درگز ۶۹، ۷۰، ۷۸، ۸۸، ۸۹، ۹۰
فریور (مهندس) ۲۵۸	۹۳، ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۱۸، ۲۶۷
	فرمانداری رشت ۱۱۶
	فرمانداری سنندج ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۴۱، ۳۷۲
	۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۰، ۳۸۹
	فرمانداری کازرون ۱۲۵
	فرمانداری کاشان ۲۷۲
	فرمانداری کل بلوچستان و سیستان ۲۴۰

فساد در کار ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۶	قاجاق ۲۳۱
فعالیت‌های حزبی ۳۴، ۶۵، ۶۶، ۷۲، ۱۳۱، ۲۲۱،	قاجاق اسلحه ۲۲۴
۲۲۹، ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۹، ۲۸۱، ۲۹۴،	قادر (از اهالی بوکان) ۱۴۴، ۱۴۵
۲۹۷، ۳۳۷، ۳۶۴، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵	قادری، حسین ۳۷۶
فغانی (از اهالی درگزر) ۶۴، ۶۹، ۲۳۹	قادری، محمد ۶
فقر ۲۵۶	قادی، نصرالله ۲۶۸
فقیهی (از اعضای حزب ایران) ۶	قاسم، ابراهیم ۱۵۱
فلاح، نصرالله ۱۸۰	قاسم (از اهالی بوکان) ۱۴۳
فلاح، یوسف علی ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۷۹	قاسم‌شاهی، طالب ۲۸۰
فلکه شهرداری، شیراز ۲۱۶	قاسمی، ابراهیم ۱۳۵
فولادوند، امیر قاسم ۲۵۱	قاسمی، ابوالفضل ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۷۴، ۷۷، ۷۸
فهیمی، عباس ۱۶۶	۷۹، ۸۲، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴
فیروزی، عباس ۱۴۸	۱۷۶، ۱۷۷، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۹
فیض‌الله (از اهالی سنندج) ۳۷۶	قاسمی، ایوب ۷۶
فینی، علی‌نقی ۳۱۴	قاسمی، رضا ۱۳۰
«ق»	قاسمی، علی ۱۵۱
قائم‌مقامی (از اعضای حزب ایران) ۱۹۳، ۱۹۴	قاسمی، علی‌اکبر ۱۳۰
قائم‌مقامی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰	قاسمی، غلامرضا ۱۴۰
قائم‌مقامی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰	قاسمی، محمد ۱۵۱
قانون ۱۱۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۸۲،	قاسمی، محمد مهدی ۲۴۶، ۲۴۸
۲۲۲، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۲۹	قاسمی، مرتضی ۲۳۹
قائمی، غلامحسین ۱۴۰	قاضیان ۱۳۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۳۵۷
قاجاریه ۱۹۷	قاضی‌زاده، روح‌الله ۱۹۱
	قاضی محمد ۲۱۲، ۳۷۱
	قانون ازدیاد سهم کشاورزان و الغای عوارض
	رعیتی ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۳۵، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸

قانون اساسی ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۸۵، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱	قانون اساسی ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۸۵، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱
قانون امنیت اجتماعی ۱۳۶، ۳۵۲	قانون امنیت اجتماعی ۱۳۶، ۳۵۲
قانون سازمان راه آهن ۱۷۱، ۱۷۲	قانون سازمان راه آهن ۱۷۱، ۱۷۲
قانون شهرداری ۲۶۷	قانون شهرداری ۲۶۷
قانون کمیسیون امنیت اجتماعی ۳۸۶، ۳۸۷	قانون کمیسیون امنیت اجتماعی ۳۸۶، ۳۸۷
قاینات ← قائن	قاینات ← قائن
قبادیان (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹	قبادیان (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
قبایی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۸	قبایی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۸
قتل ۴۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۸۳	قتل ۴۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۸۳
قطعه‌نامه‌ها ۴۹، ۱۲۳	قطعه‌نامه‌ها ۴۹، ۱۲۳
قنقچی (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱	قنقچی (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱
قلات (فارس) ۱۱۴	قلات (فارس) ۱۱۴
قلعه‌چی، محمد ۳۷۵	قلعه‌چی، محمد ۳۷۵
قماشچی، حسین ۳۲۹	قماشچی، حسین ۳۲۹
قمری، قاسم ۱۹۹	قمری، قاسم ۱۹۹
قمی، عبدالله ۳۷۵	قمی، عبدالله ۳۷۵
قنادان، محمدرضا ۱۸۸، ۲۳۹	قنادان، محمدرضا ۱۸۸، ۲۳۹
قناد، سهراب ۶	قناد، سهراب ۶
قندچیان (از اعضای حزب ایران) ۷	قندچیان (از اعضای حزب ایران) ۷
قندوشکر ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۹۵، ۲۲۶	قندوشکر ۱۰۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۹۵، ۲۲۶
قندهاری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	قندهاری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
قوام، احمد ۳، ۴، ۸، ۹، ۲۰، ۶۰، ۷۶، ۷۷، ۸۵	قوام، احمد ۳، ۴، ۸، ۹، ۲۰، ۶۰، ۷۶، ۷۷، ۸۵
۸۷، ۹۸	۸۷، ۹۸
قوام‌السلطنه ← قوام، احمد	قوام‌السلطنه ← قوام، احمد
قره‌چورلو، غلامحسین ۱۶۶، ۱۷۸	قره‌چورلو، غلامحسین ۱۶۶، ۱۷۸
قره‌چورلو، قدرت‌الله ۱۸۰	قره‌چورلو، قدرت‌الله ۱۸۰

کاشانی، حسین ۳۱۳، ۵	قوانین و مقررات ۸۳، ۸۴، ۱۱۶، ۱۳۰، ۱۳۷
کاشانی، علی ۳۱۳	۱۴۱
کاشانی، غلامرضا ۲۲۶	قوچان ۱۶۶، ۱۷۹
کاشانی، غلامعلی ۳۱۳	قوچانی، علی اکبر ۱۶۶
کاشانی نژاد، ابوالقاسم ۸	قوچانی، محمدعلی ۱۶۶
کاشفی، رضا ۲۳۸	قهرمانی (فرمانده ژاندارمری درگز) ۷۹
کاشفی (سر دبیر روزنامه جوانان ایران) ۱۴۶	قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱، ۵۸، ۶۲، ۷۲، ۷۷، ۹۳، ۱۷۸
کاظمی، ابوتراب ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۱	قیصری، قاسم ۳۱۳
کاظمی (از اهالی بیرجند) ۱۳۰	
کاظمی، باقر ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۹	«ک»
کاظمی، حسین ۱۷۸	
کاظمی، علی اکبر ۱۳۰، ۲۳۹	کاخ مرمر ۲۷۵
کاظمی (کارمند کارخانه قند مرو دشت) ۱۱۲	کارخانه پشم بافی اصفهان ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳
کاظمی، محمد ۱۷۸	۲۸۴
کاظمیان، علی اکبر ۱۶۴	کارخانه قند کهریزک ۱۹۵
کالش، محمد ۲۶۵	کارخانه قند مرو دشت ۱۱۲
کامبوزیا (از اهالی زاهدان) ۲۴۲	کارگران ۳۳، ۳۷، ۷۲، ۱۶۰، ۲۱۳، ۲۶۹، ۲۸۲
کامرانی (از اهالی درگز) ۷۶	۲۸۳، ۲۸۵، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹
کامل (از اعضای حزب ایران) ۶	۳۱۱، ۳۲۹
کامیاران ۳۶۲	کارمندان ← در اکثر صفحات
کانون نشر حقایق اسلامی مشهد ۴۱	کازرون ۱۲۴، ۱۶۰
کانون وکلای دادگستری تهران ۳۸۰، ۳۸۶	کاشان ۳۴، ۳۵، ۲۷۲، ۲۷۳، ۳۱۳
۳۹۱	کاشانی، ابوالقاسم ۱۰، ۴۰، ۴۳، ۴۷، ۴۹، ۵۹
کانی مشکانی، علاءالدین ۳۲۹	۶۱، ۹۸، ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۹، ۱۴۲
کاو (از اهالی بیرجند) ۱۵۰	۱۴۳، ۱۴۸، ۳۴۷
کاوپانی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۹	کاشانی، احمد ۳۱۳

- کاهانی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸، ۱۶۶
- کتابها ۲۲۲
- کتابی (معاون اداره فرهنگ اصفهان) ۲۵۲
- کدخدایان ۱۸۳، ۱۸۴
- کرامت، ابوالحسن ۲۳۸
- کرباسی (از اهالی آبادان) ۳۰۶، ۳۰۸
- کربلایی، تقی ۱۵۱
- کربلایی، حسین ۱۵۰
- کربلایی، علی ۱۵۱
- کربلایی، علی محمد ۱۵۱
- کردان ۳۳۲
- کردخوئی، رمضان ۱۸۰
- کردستان ۱۴۳، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱
- ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷
- ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳
- ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۷
- ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵
- ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۳
- کردمیل، اکبر ۳۱۳
- کرمانشاه ۱۱۶، ۲۷۳، ۳۲۷، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۹
- ۳۵۰، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹
- ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۶، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۱
- کرمانشاهان ← کرمانشاه
- کریمی، نصرالله ۱۹۹
- کره ۳۷
- کریم (از اهالی سنندج) ۳۷۶
- کریمان‌لو، عبدالله ۳۱۸، ۳۲۹
- کریم پورشیرازی، امیرمختار ۲۱۶
- کریم لاهیجانی، محمدباقر ۵
- کریمی (از اهالی سنندج) ۳۷۵
- کریمی، نادعلی ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۴۷، ۳۴۹
- ۳۵۰، ۳۵۲
- کریمی، ناصر ۳۱۳
- کریمی، یدالله ۳۷۶
- کسرایبی ۳۸۹
- کشاورز، احمد ۱۴۴
- کشاورزان ۴۱، ۴۳، ۶۷، ۷۸، ۸۳، ۸۴، ۱۰۲
- ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۷۹، ۳۲۰
- ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۹، ۳۳۳
- ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۳، ۳۴۴
- ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۲
- ۳۷۴، ۳۹۶، ۳۹۸
- کشاورز (از اهالی بوکان) ۱۴۳
- کشمیری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
- کشورهای اسلامی ۲۵۶
- کشوری، هادی ۵
- کشیشان ۲۲
- کلالی، رشید ۴۰۲
- کلومی، محمدجعفر ۳۱۸
- کلانتری ۲ سنندج ۳۷۷
- کلانتری، علی اصغر ۱۹۹
- کلاهداری ۱۶۸

۲۱۸، ۲۲۰، ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۰، ۲۳۵	کلنیالیسم ۲۵۶
۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۶۳، ۲۶۸، ۲۶۹	کلوب مصدق مشهد ۴۹، ۱۲۳، ۱۲۴
۲۷۵، ۲۷۷، ۲۸۵، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۸	کمال (از اعضای حزب ایران) ۶
۳۸۸، ۳۹۸	کمالی (کارمند اداره کل درآمد وزارت دارایی)
کوچه فلاح، تهران ۱۹۳	۱۹۷
کوهستانی، حسین ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۷۹	کمانگر، احمد ۳۹۱
کوهستانی، نصرت ۱۸۹	کمانگر (سرهنگ) ۲۹۳
کویلی، محی‌الدین ۳۲۹	کمپانی‌ها ← شرکت‌ها
کهریزک، ری ۱۹۴	کمکهای اقتصادی ۲۹۰
کی‌استوان، حسین ۱۹۶، ۱۹۷	کمکهای نظامی ۲۹۰
کیان (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	کمونیسم ۲۵۶، ۲۵۷، ۳۴۰
کیانی، رحمت‌الله ۱۹۹	کمیسیون امنیت اجتماعی بیرجند ۲۲۸، ۲۳۰
کیکاوسی، روح‌الله میرزا ۲۴۵	کمیسیون امنیت اجتماعی کردستان ۳۸۴
کیما (از اعضای حزب ایران) ۷	۳۸۵، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۸
کیهان (دکتر) ۳۹۷	کمیسیون امنیت اجتماعی کرمانشاه ۳۸۶، ۳۹۰
	کمیسیون امنیت استان خراسان ۶۴، ۶۵، ۷۱
«گ»	۱۰۶، ۱۰۷
گارد شاهنشاهی ۳۹۸	کمیسیون امنیت بوشهر ۳۸۶
گذرنور، اکبر ۳۱۳	کمیسیون امنیت شیراز ۳۸۶
گذرنور، غلامعلی ۳۱۳	کمیسیون نفت ۳۳
گرامی‌منش (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	کمیسیون نمایشات وزارت کشور ۳۰
گرچی (از اهالی زاهدان) ۱۵۴	کمیسیونها ۱۷، ۲۶، ۲۶۲، ۲۹۰، ۲۹۱
گردهمائیها ۴۱، ۴۹، ۵۵، ۵۷، ۶۷، ۷۷، ۷۸	۳۴۱، ۳۹۸
۸۸، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۷، ۱۴۰، ۱۷۷، ۱۷۸	کنجکاو، پرویز ۷
۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۷، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۸	کویال، محمدصادق ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۷
	کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۱۲

لاری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	۲۸۱، ۲۲۹
لاری، محمدعلی ۲۳۹	گر سنگی ۸۳
لایحه‌ها ۲۰، ۳۳، ۱۰۳، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۲۷،	گرگان ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۸۵
۳۲۳، ۳۳۵، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۸،	گرگی، حسین ۱۵۰
۳۹۱، ۳۵۹	گرم‌زبان (از اهالی درگز) ۶۲
لایحه امنیت اجتماعی ۱۳۰	گرم‌زبان، محمدعلی ۲۳۹
لایحه قانونی قانون اصلاح سازمان بنگاه	گریزه (سنندج) ۳۲۴
راه‌آهن ۱۷۳	گزارش سفر ۱۲۵
لرستان ۱۹۱، ۱۹۲	گزیده پور (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)
لشکر خراسان ۲۲۴	۹، ۳
لشکر ۳ زرهی تهران ۲۶۰، ۲۶۶	گل‌باغی (سنندج) ۳۵۲
لشکر ۶ فارس ۵۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹	گلپایگان ۲۰۲، ۲۰۴
لشکر کردستان ۳۷۰، ۳۷۹، ۳۸۹	گلپایگانی (از اعضای حزب ایران رشت) ۱۴۲
لشکر ۱ گرگان ۲۸۵	گلستان شیراز (روزنامه) ۱۶۰
لطف آباد (درگز) ۶۵، ۶۶، ۶۹، ۱۱۵	گلستان (کتاب) ۱۴
لطفی، عبدالعلی ۱۳۵	گلشنی، اسماعیل ۳۷، ۲۸۸، ۲۹۳، ۲۹۵
لطفی، باقر ۱۸۸	گلشنی، کریم ۲۳۸
لطفی، عبدالواحد ۲۳۹	گلفریز (بیرجند) ۲۲۷
لندن ۲۷	گنجی، خسرو ۲۲۸
لنگرود ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۰۸	گنجی، غلامحسین ۲۲۷
لواسانی (دادیار دادسرای رشت) ۲۲	گندم ۱۱۲
	گیلان ۳۳، ۷۲، ۱۱۶، ۲۸۷، ۲۹۵

«م»

«ل»

مارالی، محمدابراهیم ۱۸۸	لاجوردی (از اعضای حزب ایران) ۷
ماریتروسیان (از اعضای حزب ایران) ۷	

مجاهدالله (از اعضای حزب ایران) ۸	مالکان ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۶، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۵۲، ۳۴۵، ۳۴۱، ۳۴۰
مجاهدی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)	۳۹۸، ۳۹۶، ۳۷۴، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶
۱۰	مالیات ۹۴، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۵۳، ۳۵۶
مجاهدی، ملاصدیق ۳۶۸، ۳۷۵، ۳۷۹	۳۵۹
مجدسجادی، عبدالمجید ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۹۴	مالیه عمومی (فقه) ۲۱۴، ۲۶۸
۴۰۳، ۴۰۲، ۴۰۱، ۴۰۰، ۳۹۹، ۳۹۸، ۳۹۶	ماهرانشش (کارمند اداره برق تهران) ۲۴۶
مجدسجادی، علی ۳۹۴	۲۴۸
مجد، محمدعلی ۲۴	ماهشهر ۳۰۸
مجسمه‌ها ۲۱۵، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵	ماهوتچیان، محمود ۷
۲۷۸، ۲۶۶	مأموران دولتی ۴۳، ۵۹، ۷۲، ۸۱، ۸۸، ۸۹، ۹۰
مجلس سنا ۲۷۷، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۶، ۳۴۱	۱۰۷، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۶۵، ۱۶۶
۳۸۵، ۳۸۱، ۳۷۹	۱۷۶، ۱۷۷، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۶۱، ۲۷۴
مجلس شورای ملی ← در اکثر صفحات	۳۷۸، ۳۷۷، ۳۷۵، ۳۷۱، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۶
مجیدیان (از اعضای حزب ایران) ۶	مباضی، عبدالمحمد ۳۷۵
محبوبی تبریزی، احمد ۲۳۹	متخصصان خارجی ۲۱۳
محبی ۶، ۳۲۲	متفقین ۴۲، ۸۲
محتکران ۱۱۰	مجازاتها ۷۶، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۰
محرم ۳۰	۱۷۱، ۲۰۲، ۲۲۹، ۲۶۴، ۲۷۸، ۳۴۱
محقق (از اهالی گیلان) ۴۴	۳۵۹، ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۹۸
محمدابراهیم ← بهار، محمدعلی	مجتبی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
محمد (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	مجتهدان و علما ۲۱۶
محمد (از اهالی بوکان) ۱۴۳	مجتهدزاده، علیرضا ۲۲۲، ۲۲۸
محمد (از اهالی بیرجند) ۱۵۱	مجاهدی (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
محمدامینی، اردلان ۳۷۵	مجاهدی (از اهالی سندج) ۳۳۰، ۳۴۱
محمدباقر (از اهالی بیرجند) ۱۵۰	
محمدبن عبدالله (س)، پیامبر اسلام ۳۳۱	
محمدپور، اسدالله ۱۷۸	

- محمدپور، ولی ۱۶۶
 محمدحسن (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 محمدحسن (از اهالی بیرجند) ۱۵۰
 محمدحسین (از اهالی بیرجند) ۱۳۰
 محمدحسین (از اهالی رشت) ۴۴
 محمدرضا (از اهالی اسفراین) ۱۶۶، ۱۷۸
 محمدزاده (کارمند اداره کل درآمد وزارت
 دارایی) ۱۹۷
 محمدعلی (از اهالی بوکان) ۱۴۵
 محمدعلی (از اهالی بیرجند) ۲۲۳
 محمدقربان (از اهالی اسفراین) ۱۸۰
 محمدی، ابراهیم ۱۸۰
 محمدی (از اعضای حزب ایران) ۸، ۶
 محمدیان (از اعضای حزب ایران شیراز) ۱۵۶
 محمدیان (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 محمدی، بهادر ۱۷۷
 محمدی، حسین ۸
 محمدی، عبدالله ۱۴۴
 محمدی، علی ۵، ۱۸۰
 محمدی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 محمود (از اهالی تویسرکان) ۱۹۹
 محمودزاده (رئیس دادگستری سنندج) ۳۵۷
 محمودی، عباس ۹۴
 محمودی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)
 ۱۰
 محیط یزدی، حبیب‌الله ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۲۹
 ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۴۰، ۳۴۲
 ۳۴۷، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴
 ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۲
 ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۱
 ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷
 ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳
 ۳۹۴، ۳۹۶، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۳
 مخبری (از اعضای حزب ایران) ۵
 مخدومی، حسینعلی ۳۷۶
 مدارس ۱۳
 مدنی (از اهالی درگز) ۶۰
 مدنی (سرگرد) ۱۹۰
 مدیران دولتی ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۸
 ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۹۶
 ۲۶۹، ۳۵۰
 مدیران مدارس ۲۱۸
 مدیران مطبوعات ۱۲۴
 مرادپناه، صالح ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰
 ۴۰۲، ۴۰۳
 مرادی، محمدامین ۳۶۹
 مرخصی ۲۵، ۹۴، ۲۱۹
 مردوخ، محمد ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۶۳
 ۳۶۴، ۳۶۵
 مردوخی (از اهالی سنندج) ۳۸۳
 مرزآبادی (رئیس اداره غله کرمانشاه) ۳۶۰
 مرزبانی درجه ۱ لطف آباد ۲۶۷

مصدق السلطنه ← مصدق، محمد	مرزبانی درگز ۶۱
مصدق، محمد ← در اکثر صفحات	مرزبانی لطف آباد ۶۹، ۷۱
مصر ۲۵۶، ۳۱۲	مریوان ۳۵۲، ۳۷۹
مصرزاده (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	مزین، منصور ۳۸۳، ۳۸۵، ۳۹۲
مصطفوی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)	مسجد آقا باباخان، شیراز ۵۱
۱۰	مسجد جامع، رشت ۵۶
مصطفی (از اهالی بوکان) ۱۴۴	مسجد سلیمان ۱۷۰، ۱۷۱
مصطفی زاده (از اهالی بوکان) ۱۴۵	مسجد نور، شیراز ۵۸
مصور رحمانی، غلامرضا ۹	مسجد نو، کازرون ۱۲۴
مطبوعات ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۱۱۱، ۱۲۳، ۲۱۲،	مسجد وکیل، شیراز ۵۰، ۸۵
۳۵۷، ۳۳۵	مسعود (از اهالی مشهد) ۲۲۸
مطبوعات خارجی ۳۸	مسکینی، محمدعلی ۱۴۰
مطبوعات سوریه ۳۹	مسگر، صدیق ۳۲۸
مظفرالدین شاه قاجار ۲۲	مسنن زاده (فرماندار درگز) ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۷،
مظفریان (از اهالی سنج) ۳۴۲، ۳۶۸	۱۱۸، ۹۱
مظفری، علی اکبر ۲۲۳	مشاوری، مرتضی ۲۳۹
مظفری (کفیل ژاندارمری کردستان) ۳۳۴	مشایخی (از اعضای حزب ایران) ۲۹۷، ۲۹۸
معاوض (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰	مشروطیت ۱۵۳، ۱۵۸، ۲۰۲، ۳۰۲، ۳۶۱
معاونی (رئیس اداره امور املاک ثبت) ۳۶۰	مشهد ۱۷، ۴۹، ۶۰، ۶۱، ۷۵، ۷۸، ۸۵، ۹۰، ۹۳،
معاونی، یدالله ۳۷۶	۹۴، ۹۶، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۶،
معتمد وزیری، محبت الله ۳۷۵	۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۸۹، ۲۲۲،
معتمد وزیری، مهدی ۳۶۸	۲۲۸، ۲۲۷
معتمدی بنکدار (از اعضای حزب ایران) ۵	مشیر (از اهالی سنج) ۳۳۱، ۳۴۱
معتمدی (رئیس شهربانی درگز) ۷۹	مشیر، امین الله ۳۶۹
معتمدی، علی ۱۱۳	مشیری، حسین ۷
معتمدی، غلامحسین ۱۲۲، ۱۲۴	مصادره اموال ۱۲۷


معدل (از اعضای حزب برادران شیراز) ۱۵۵،	مقدم، علی ۱۸۰
۱۵۸، ۱۵۷	مقدمی، امیر ۱۸۰
مغرب (از اعضای حزب ایران) ۵	مقدوری (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
معروفی، اسماعیل ۳۱۸	مقصودی، عباسعلی ۱۴۰
معروفی، عبدالرحمان ۳۱۸	مکرم، محمدعلی ۱۷، ۷۶، ۸۲
معزی، امیر ۱۰	مکزی (دکتر) ۲۱۱، ۲۱۲
معظمی (از اهالی درگز) ۶۰	مکی، باقر ۲۳۹
معظمی، حسین ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴	مکی، حسین ۲۷، ۱۱۲، ۱۱۳
معظمی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران)	ملاابراهیم (از اهالی بوکان) ۱۴۵
۹، ۳	ملاقاتها ۸، ۳۱۸، ۳۱۹
معظمی (مهندس) ۱۲۷	ملایری، ایرج ۸
معقول (از اعضای حزب ایران) ۵	ملک اسماعیلی ۳۷۱
معلمان ۱۲۵، ۲۱۸، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵،	ملک زاده ۲۹۴
۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۵۳	ملک مدنی (فرماندار کاشان) ۳۱۳
معمارپور، عبدالکریم ۳۲۹	ملکوتی، جمال ۳۹، ۹۰، ۹۵، ۱۰۶، ۱۰۷،
معمارپور، محمدرحیم ۳۲۹	۱۰۹، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۳۹،
معیری سندجی (از اهالی سندج) ۳۴۱	۱۵۵، ۱۸۳، ۱۸۴، ۳۳۸، ۳۴۲
معینی (فرماندار بلوچستان) ۱۶۷	ملکی، ابوالحسن ۶
مغانی (از اهالی درگز) ۶۰	ملکی (از اهالی درگز) ۶۲
مفضلی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	ملکی، خلیل ۱۴۲
مقاله‌ها ۲۳۰، ۲۸۹	ملکی، عباسعلی ۱۴۰
مقدس، احمد ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۲۹	ملکی، عبدخانی ۳۸۳
مقدس، کاظم ۲۳۹	ملکی، غلامعلی ۳۸۳
مقدم اخوان (از اعضای حزب ایران) ۷	ملی شدن صنعت نفت ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۳۸،
مقدم (از اعضای حزب ایران) ۶	۱۲۶، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۲۹۱
مقدم، عبدالحمید ۶	ملی کردن ۱۲۷

موقوفه‌ها ۳۲۰	ملی‌گرایان ۱۵۷، ۸۵، ۸۳، ۴۹
مولود (از اهالی بوکان) ۱۴۳	ملی‌گرایی ۴۰۱
مهاباد ۲۱۲	منجمی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
مهاجرت ۱۶۸	مندوح، محمد ۳۴۱
مهاجر (کارمند اداره کل درآمد وزارت دارایی)	منشور ملل متحد ۲۵۶
۱۹۷	منشی‌زاده (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱
مہتاب، عباس ۳۷۶	منصف، محمدعلی ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷
مہجور ۳۹۷	۱۴۹، ۱۳۹
مهدوی (استاندار مازندران) ۲۷۱	منصف، عبدالرضا ۲۲۰
مهدوی، ابراهیم ۲۸۶	منصور (از اعضای حزب ایران رشت) ۲۶۵
مهدوی، پرویز ۸	منطقه یکم دریایی جنوب ۲۸۵
مهدی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶	مواد معدنی ۲۷۷
مهدی، محمد ۱۸۷	موحد (مهندس) ۲۶
مهدیه ۳۶۳	موحد، نظام‌الدین ۲۳۷، ۲۳۹
مهران ۲۹۸	موحدی، محمدجواد ۶
مهر، فیروز ۶	مودتی، غلامرضا ۱۶۶
مهمانخانه حقیقت، تهران ۳۱۸	مود (قائین) ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰
میدان شاه، سنندج ۳۲۸	مودی، علی ۱۴۰
میدان شهرداری، رشت ۲۶۵	موزه ایران باستان ۱۲۰
میدان مشیر، شیراز ۵۸	موسوی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
میر (از اعضای حزب ایران) ۶	موسوی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
میراشرفی، مهدی ۲۸۱، ۲۸۴	موسویان، حمید ۱۴۶، ۲۳۹
میرافسری (رئیس اداره فرهنگ درگز) ۷۹	موسوی، ناصرالدین ۲۳۸
میرامامی، محمد ۲۳۹	موسی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
میرباقر (قاضی) ۱۳۵	موفق (کارمند راه‌آهن دولتی ایران) ۲۱۱
میربهرامی، محمد ۸	موقری، حسین ۱۵۰

- میرحسین (پلیس) ۲۶۵
 ناصرالدین شاه قاجار ۱۹، ۲۰، ۲۲
 ناصری (از اهالی بیرجند) ۱۸۷، ۱۴۸، ۱۴۶
 ناصری، حسن ۱۳۰، ۱۳۳
 ناصری، محمد ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۹
 نامدار، مهدی ۲۶، ۲۷
 نامگذاری ۷۷
 نای سر (سندج) ۳۲۴
 نبرد امروز (روزنامه) ۲۰
 نبی زاده (از اعضای حزب ایران) ۶
 نجفعلی (از اهالی اسفراین) ۱۷۸
 نجفی (از اهالی اسفراین) ۱۶۶
 نجفی، محمدحسین ۲۳۹
 نجم آبادی ۲۵
 نجم آبادی (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
 نجم الملک ۲۷۱
 نجم (مدیرکل بنگاه مستقل برق تهران) ۲۳۳
 نجوبی، جمال الدین ۳۷۵
 نخشب، محمد ۷، ۱۵۴، ۲۳۹
 نخعی، شمس الدین ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰
 ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۱۱
 نخعی (کارمند اداره برق تهران) ۲۴۶، ۲۴۸
 ندای جوانان ایران (نشریه) ۵۴
 نریمان، محمود ۲۷
 نژادی (کارمند نخست وزیری) ۳۷۳، ۳۸۸
- میردامادی (دبیر حزب ایران مشهد) ۶۱، ۷۵
 ۹۴، ۹۶، ۹۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۴۶
 ۲۳۹
 میرزا مجید (از اهالی بوکان) ۱۴۳
 میرزائزاد، علی ۳۴۲
 میرسمیع، غلامحسین ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۹
 میرنصیری (سرهنگ) ۲۸۱، ۲۸۷، ۳۹۶
 مینو (از اعضای حزب ایران) ۶
 میهن پرستی ۱۶، ۱۷، ۶۳، ۶۹، ۷۶، ۸۲، ۸۷
 ۱۶۹، ۲۰۹، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۵۶، ۲۶۱
 ۳۰۲، ۳۶۸، ۴۰۱
 میهن (کفیل استانداری گیلان) ۱۰۳، ۶۶
 مؤدب، حبیب الله ۳۶۸، ۳۷۵
 مؤیدی، محسن ۱۲۲، ۱۲۴
- ((ن))
 ناامنی ۹۷، ۱۰۴، ۱۰۴، ۱۶۰، ۳۴۱، ۳۶۷
 ناجی (رئیس کارآگاهی سندج) ۳۸۴
 ناحیه نفت بندر معشور ۲۶۸
 نارضایی ۱۰۰، ۱۰۱، ۲۸۷، ۲۸۹، ۳۵۶
 نارویی، پرویز ۲۲۸
 ناصح، محمد ۱۸۸
 ناصح، محمدابراهیم ۲۲۸
 ناصح، منصور ۲۳۹

نشاط (فرمانده هنگ ژاندارمری گیلان) ۱۰۵، ۶۷	نوشته‌ها ۲۷۵
نوزاد، فرج‌الله ۲۶۵	نصرتی، احمد ۳۶۹
نوزاد، فریدون ۱۴۲	نصرتی، خداداد ۵
نهادندی (از اعضای حزب ایران) ۲۴۸	نصیر (از اهالی درگز) ۸۹
نهادندی، مرتضی ۸	نظامیان ۱۶، ۷۱، ۱۵۸
نهیج البلاغه (کتاب) ۳۸	نعمت‌اللهی، حسام‌الدین ۵۲، ۱۵۵، ۱۵۷
نیرالدوله، علی ۶	۱۵۸، ۱۶۰، ۲۳۹
نیروهای انتظامی ۵۸، ۵۹، ۶۷، ۷۲، ۸۸، ۹۴	نفت ۲۲، ۳۲، ۳۵، ۱۱۲، ۲۵۸، ۲۸۰
۹۶، ۹۷، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۴۳	نقاشی، محمود ۱۳۸، ۱۴۰
۱۵۸، ۱۷۵، ۱۷۹، ۲۲۳، ۳۰۰، ۳۰۷	نقشبندیها (طایفه) ۳۲۴
۳۲۵، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۸، ۳۶۸، ۳۷۰	نقیبی، علی ۲۱۹، ۲۲۰
۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۰، ۳۸۱	نمایش ۲۰، ۱۴۲
نیروی دریایی انگلستان ۳۲	نمایندگان مجلس ← در اکثر صفحات
نیک‌بخت، عباس ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳	نویسی، عباس ۲۵۳
نیک‌خواه، احمد ۳۷۶	نویران (از اهالی درگز) ۶۰
نیک‌عهد (از اعضای حزب ایران) ۶	نوبری، حبیب‌الله ۳۱۷، ۳۲۸، ۳۸۳
نیکومنش، اسعیل ۷	نوجوان (از اهالی درگز) ۶۲
نیویورک ۲۲، ۲۹۱	نوخندان (درگز) ۸۹
نیویورک تایمز (روزنامه) ۲۸۷، ۲۸۹	نورافشار (استاندار کردستان) ۳۹۴
	نوربخش، محسن ۲۲۸
(و)	نوری، ابراهیم ۱۲۵
واثق (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹	نوری (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
واثقی (رئیس شهربانی گیلان) ۱۴۲	نوری (از اهالی بیرجند) ۱۵۰
واثقی (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱	نوری، حمید ۳۷۵
واحدگیوی، غلامحسین ۲۲۸	نوری‌زاده، حسین ۲۶، ۲۸
وارسته (رئیس قشون در شیراز) ۱۱۲	

وزارت فرهنگ ۱۵۲، ۲۴۴، ۲۵۰، ۲۹۸	واشنگتن ۲۹۱
وزارت کشاورزی ۲۱۹، ۲۲۰	واعظی (کارمند راه آهن دولتی ایران) ۲۱۱
وزارت کشور ← در اکثر صفحات	واقعۀ آذربایجان ۲۵۸
وزیری، علی اشرف ۳۴۱، ۳۴۲	والدین ۲۴، ۲۵
وزیری، علی اکبر ۳۶۹	وامهای خارجی ۱۸، ۲۰، ۳۱۲
وزیری، مهدی رضا ۵	وثوق، احمد ۲۵۵
وطن دوست، رضا ۳۰۲	وجدانی، علی ۲۲۳
وفاتی، کریم ۲۹۳، ۲۹۵	وجدانی، علی ۲۳۹
وفا (کارمند بانک صنعتی و معدنی ایران) ۹	وحید (فرماندار کل بلوچستان و سیستان) ۲۴۳
وکیل (از اهالی سنندج) ۳۷۰	ورامینی، محمد علی ۱۵۱
وکیل (دکتر) ۳۷۳، ۳۷۹	ورشکستگی ۲۸۳، ۲۸۴
وکیل، صالح ۳۷۱	وزارت امور خارجه ۳۸، ۳۹
وکیل، کاظم ۳۷۱	وزارت پست و تلگراف و تلفن ← در اکثر صفحات
وکیل، هاشم ۳۷۱	وزارت جنگ ۵۸، ۷۱، ۲۶۵
وکیلی (از اعضای حزب ایران مسجد سلیمان)	وزارت دادگستری ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۶۳
۱۷۱	۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۲۱۶
وکیلی، علی اکبر ۱۴۰	۲۲۱، ۲۳۱، ۲۴۵، ۳۲۵، ۳۴۱، ۳۵۱
ولایی (پیشکار دارایی آبادان) ۲۷۱	۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۹۰
ولی (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	وزارت دارایی ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۱۰۰
ولی، مصر ۱۴۵	۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۸۵، ۱۹۶
وهاب زاده (شهردار درگز) ۷۹	۱۹۷، ۲۴۴، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۹، ۳۶۰
	وزارت دربار ۱۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۸۴
«۵»	۳۷۷، ۳۸۹
	وزارت دفاع ملی ۶۸، ۲۰۶، ۲۱۲، ۲۳۱، ۳۳۷
هادیان (رئیس اداره دارایی همدان) ۳۵۹	۳۶۶
هاشمی (از اعضای حزب ایران) ۷	وزارت راه ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۱۰، ۲۴۳، ۲۴۴
هاشمی (از اهالی سنندج) ۳۷۵	وزارت صنایع و معادن ۲۷۷

۱۳۷، ۱۳۶	هاشمی، باقر ۱۵۰
هیأت مبارز ۱۸۵، ۱۸۶	هاشمی (رئیس اداره نوغان درگز) ۷۹
هیأت محلات شیراز ۵۸	هاشمی، مصطفی ۲۳۹
هیأت هشت نفری مجلس شورای ملی ۱۵۲،	هدایت (از اعضای حزب ایران) ۲۳۹
۱۵۴، ۱۵۳	هدایت، خسرو ۳۱۲
هیتلر، آدولف ۲۹۱	هدایت، عبدالله ۲۰۶
۳۴۳، ۲۹۹، ۲۷۶، ۲۰۱	هدایت مظهر، علاءالدین ۳۲۸
	هدایت مظهر، علی ۳۲۸
	هرشاد (دانش آموز رشتی) ۳۳
	هرمزی (رئیس دارایی ایرانشهر) ۲۴۲
یالهی، حسین ۳۱۳	همایونفر ۱۲۵
یالهی، عباس ۳۱۳	همایونفر (رئیس شهربانی رشت) ۳۸، ۳۳
یالهی، علی ۳۱۳	همایونفر (مشاور فنی بانک صنعتی و معدنی ایران) ۱۰
یارمحمد (از اهالی اسفراین) ۱۸۰	همایونی (از اهالی بیرجند) ۱۴۸
یاوری، غلامرضا ۲۳۹	همدان ۳۹۱، ۳۵۹
یثربی، رشید ۳۲۸	همه‌پرسی ۳۷۵، ۳۶۲، ۳۶۱، ۲۹۸، ۲۱۲
یزدان‌پناه، مرتضی ۵۹	هنرستان صنعتی، اصفهان ۲۵۳، ۲۵۲
یزدچی، اسماعیل ۶	هنرستان هنرهای زیبا، اصفهان ۲۵۳، ۲۵۲
یزدی، احمد ۵۹	هنگ ژاندارمری تبریز ۱۹۰
یعقوبی، احمد ۲۱۶	هنگ ژاندارمری گیلان ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۳
یعقوبی، مرتضی ۱۳۳	۱۱۵، ۱۰۵، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۲
یمینی، عبدالعظیم ۲۳۸	هوشمندی، حسین ۳۱۳
یوسف‌زاده (از اهالی بیرجند) ۱۴۸	هومن (دکتر) ۳۷۱
یوسفی ۳۰۲	هیأت بازرسی شرق ۲۴۵، ۲۳۱، ۲۲۵، ۲۲۱
یوسفی، محمد ۳۷۶، ۳۷۵	هیأت بازرسی کل کشور در جنوب ۲۱۷، ۲۱۶
یوسفی، محمود ۳۶۹	هیأت طلاب و روحانیون بیرجند ۱۳۳، ۱۳۴
یونس، حبیب‌الله ۳۷۶	

فهرست کتاب سندهایی که توسط معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی
دفتر رئیس جمهور منتشر شده است:

- ۱- دولت‌های ایران (از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی)
- ۲- نفت در دوره رضاشاه (اسنادی از تجدیدنظر در امتیاز نامه داری)
- ۳- اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول
- ۴- اسنادی از مطبوعات ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰ ه. ش)
- ۵- اسنادی از امتیاز نفت شمال (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ ه. ش)
- ۶- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (۱۳۴۰ - ۱۳۲۰ ه. ش)
- ۷- اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۴۵ - ۱۳۱۸ ه. ش)
- ۸- اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی در دوره رضاشاه (۱۳۱۱ - ۱۳۰۵ ه. ش)
- ۹- اسنادی از موسیقی، تئاتر و سینما در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۰۰ ه. ش)
- ۱۰- اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۲۹ ه. ش)
- ۱۱- اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه
- ۱۲- اسنادی از باستانشناسی در ایران (حفریات، عتیقات و بناهای تاریخی)
- ۱۳- اسنادی از صنعت جهانگردی در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۰۱ ه. ش)
- ۱۴- اسنادی از اختلافات و دعاوی بانک ایران (بانک استقراضی سابق)
- ۱۵- اسنادی از احزاب سیاسی در ایران (حزب ایران، حزب سعادت ملی ایران)